بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله لر تۀپلمی

د مقالاتو مجموعه

مجموعه مقالات

علیشیرنوایی تفکرلرینی اۀرگنیش خلق‌ارا سمیناری

نوایی توغیلگنی نینگ ۵۸۰ ییللیگی مناسبتی بیلن

*

د نوایي د زوکړې د ۵۸۰ مې کالیزې په ویاړ

د علیشېر نوایي افکارو ته نوې کتنه - نړیوال سېمینار

*

سمنیار بین المللی بازخوانی اندیشه های نوایی

به مناسبت ۵۸۰مین سالگرد تولد نوایی

*

کابل ۱۴۰۰

کتاب پیگیری

نام کتاب: مجموعه مقالات سمینار بین المللی بازخوانی اندیشه های علیشیرنوایی

هیئت تحریر: کمیته علمی تدویر سمینار بین المللی علیشیر نوایی

ناشر: کمیسیون عالی برگزاری سمینار بین المللی علیشیر نوایی

طراحی جلد: وثیق الله شریفی

صفحه آرایی: کاغذ گرافیک

جایی چاپ: کابل –افغانستان

تیراژ: ۱۰۰۰

سال نشر: ۱۴۰۰

فهرست مطالب

اؤزبېکچه مقاله لر

نوايي نينگ «محاکمة اللغتين» اثريده ايکّی تيل نينگ سيمنتيک، لېکسک، فونيتيک و گرامري تحليلی ۲۱
سيد تاج الدين تاشقين بهائي

عليشيرنوايی اثرلريده انسان سيما سی ۳۷
سيد نورالله امينيار

اميرالکلام عليشېرنوايی اؤزبېک تيليده اېلک مستقل تصوفی-عرفانی اثرلر مؤلفی ۴۹
محمدکاظم امينی

امريکاده نوايی شناسليک و عليشېر نوايی اثرلری ۶۱
ع. ارال

«حيرت الابرار» ده مجسم لشگن حقيقی انسان سيماسی ۶۷
محمد اشرف شريفی

امير علی شير نوايی نينگ تورک تيلی ترقياتی ده گی رولی ۷۹
نجيب الله بيگزاد

عالَم شمول عالِم (اميرالکلام عليشير نوايی نينگ معنوی-معرفی دنياسی) ۸۹
فوزيه ارال حبيبی

امير علی شېر نوايی تفکريده پندو حکمت ۹۹
هاشم همدم

عليشېر نوايی خلق پرور شاعر ۱۰۹
محمد عالم کوهکن

امير عليشير نوايی نينگ غرايب الصغر دېوانيده ادبيات و تصوف انعکاسی ۱۲۵
شجاع الدين حنيف

عليشېرنوايی قطعه لری نينگ قافيه خصوصيتی و تحليلی ۱۳۳
محمدياسين اېلداش

عليشېر نوايی «خمسه» سی: اصليت و تلقين ۱۳۹
عبدالواحد هَييت/اؤزبېکستان

نوایی نینگ اثرلریدن تنلنمه أیریم سؤزلر ۱۴۹
عبدالحنان قیلیچ ارسلان

علیشیر نوایی نینگ اثرلری و ادبی کشی لیگینه غیسغه بیر باقیش ۱۶۱
نوریاغدی نور

د پښتو مقالو

د ملت جوړونې دوه بنسټونه ۱۷۱
لعل پاچا آزمون

د امیر علیشېرنوایي د دورې دیني افکار او فقاهت ۲۰۱
زرولي صدیقي

د تېموریانو پېر د معماری سبک څېړنه او په معماری کې د علی شېر نوایي ونده ۲۱۳
نور آقا عزیزي

د افغانستان د خط او میناتوریی سبک او په دې برخه کې د امیر علیشېرنوایي رول ۲۲۵
محمد بشېردودیال

مقالات دری

هماوردی علی‌شیر نوایی (فانی) در شعر فارسی با چهار غزل‌سرای بزرگ (امیر خسرو، سعدی، حافظ، و جامی) ۲۴۳
ضیاء رفعت

تساهل و مدارا در اندیشه علی‌شیر نوایی ۲۵۹
سید احمد کاظمی

بررسی نقش علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی جریان فرهنگی - هنری عصر تیموریان ۲۷۵
سیدعبدالبصیر مصباح

جایگاه ادبیات و فرهنگ در دوره‌ی علی‌شیر نوایی در هرات ۳۰۱
سیدخلیل کوهی

ادبیات در اندیشه‌ی امیرعلی‌شیر نوایی (فانی) ۳۱۵
انسیه نجفی

نقش علی‌شیر نوایی در دستگاه قدرت سلطان حسین بایقرا ۳۳۱
ضیاءالدین جمال

موسیقی غزل‌های ابتکاری علی‌شیر نوایی(فانی) ۳۴۷
خاطره نورزایی

واکاوی برنامه‌های اقتصادی علی‌شیر نوایی ۳۵۵
ظریف صفا بختیاری

بازتاب نگرش‌های اپیکوریستی در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی ۳۶۵
احمدجاوید انوش، سونیا آژمان

پیام رئیس جمهور اسلامی افغانستان

به‌مناسبت پنجصد و هشتادمین زاد روز میر نظام‌الدین علی‌شیر نوایی و برگزاری سمینار بین المللی

بازخوانی اندیشه‌های علیشیرنوایی

بسم الله الرحمن الرحیم

تولد دانشمند بزرگ عصر تیموریان، امیرالکلام میر نظام‌الدین علی‌شیر نوایی، شاعر، عارف، نویسنده، نقاش و سیاست‌مدار بزرگ سلطنت سلطان‌حسین میرزا بایقرا، از فرزانگان خطهٔ ادبیات اوزبیکی و دری، بهانهٔ خوبی است برای تجدید میثاق و تعهد دولت جمهوری اسلامی افغانستان مبنی بر تجلیل و بزرگ‌داشت از مقام مفاخر حوزه‌های علمی، ادبی و فرهنگی افغانستان.

میر نظام‌الدین علی‌شیر نوایی، وزیر دانشمند دربار سلطان‌حسینبایقرا،یکی از نام‌دارترین شخصیت‌های تاریخ با عظمت افغانستان است که دانا و حکیم روزگارش بوده و میراث حجیمی از دانایی و فضایل را به نسل‌هایپس از خود هدیه کرده است.

علی‌شیر نوایی الگوی روشن از فرهنگ و فضیلت و سیاست در این حوزه‌ها است و نام‌اش همواره به جوان و پیر و زن و مرد افغانستان افتخار و انگیزه داده است.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در امر اعتلای فرهنگ و ثقافت اصیل این خطهٔ باستانی همواره کوشیده است و این توجه در چند سال گذشته با تدویر سمینارهای علمی، تولید متن، بسط و گسترش تفکرات مفاخر علمی و فرهنگی از طریق چاپ آثار آنان، مصداق یافته است.

توجه و نیز توسل به اندیشه‌های مفاخر علمی و فرهنگی، از نیازهای اساسی امروز ما است و تجارب، تفکرات و آموزه‌های بزرگان ما آویزهٔ گوش‌های نسل امروز است که در سایهٔ اندیشه‌ها و تجارب آنان، برنامه‌ریزی و تدبیر برای عملکرد درست‌تر میسر می‌شود.

سمینار بین‌المللی بازخوانی اندیشه‌های امیرعلی شیر نوایی در مورد کارنامه و ابعاد شخصیتآن فرزانه، به‌مناسبت ۵۸۰مین سال‌روز تولد آن اندیشمند والامقام زمینهٔ خوبی را برای تضارب آرا و بازخوانی تفکرات آن اندیشمند روزگار را میان محققان کشورهای منطقه فراهم کرده، گسترش آن به جوانان و محققان امروز افغانستان سازنده و ضروري است.

تعهد دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای اعتلای ارزش‌های فرهنگی و نیکوداشت از شخصیت‌های علمی کشور خلل‌ناپذیر است و در این زمینه به مراجع مربوط هدایات روشن داده شده است تا وضع فرهنگی را بهبود بخشیده، زمینهٔ شناخت درست مفاخر علمی را از طریق راه‌اندازی سمینارهای علمی به جوانان عزیز ما فراهم کنند.

یک‌بار دیگر، فرارسیدن پنجصد و هشتادمین سالروز تولد میر نظام‌الدین علی‌شیر نوایی را به همهٔ دوست‌داران و پاسداران ارزش‌های ادبی و فرهنگی تبریک می‌گویم.

سمینار بین‌المللی که به همین مناسبت از سوی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در هرات برگزار می‌شود، گام مهم برای بازشناسی شخصیت علمی، ادبی و سیاسی آن فرزانه است.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در چاپ آثار مهم امیر علی شیر نوایی و سایر شخصیت‌های علمی تعهد لازم را دارد و با بازتولید و تکثیر آرا و اندیشه‌های بزرگان حوزه علم، ادب، عرفان و سیاست جوانان ما انگیزهٔ لازم در جهت حرکت در مسیر مطلوب به دست خواهند آورد.

و من الله توفیق

محمد اشرف غنی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

پیام تبریکیۀ محمد شاکر کارگر

رییس عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان و رییس کمیسیون برگزاری سمینار بین‌المللی بازخوانی اندیشه‌های نوایی به مناسبت گرامی‌داشت از پنجصد و هشتادمین سالگرد تولد امیر علیشیرنوایی

بسم الله الرحمن الرحیم

نهم فبروری سال ۲۰۲۱ مصادف است به پنجصد هشتادمین سالگرد تولد علیشیر نوایی سیمای درخشان تاریخ سیاست، ادبیات و فرهنگ کشور ما.

نام ماندگارعلیشیرنوایی پیوندعمیق با رنسانس شرق وتمدن تیموریان دارد. نوایی با خلق آثارگران سنگ ادبی به زبانهای اؤزبیکی و دری به غنای ادبیات و تمدن منطقه وجهان سهم انکار ناپذیر دارد. نوایی منحیث شخصیت تأثیر گزار در سلطنت شاه مدنیت پرور تیموری- سلطان حسین بایقرا در امر رونق و شکوفایی علم و فرهنگ نقش بزرگی داشته است. او باحمایت نویسندگان، شاعران، مؤرخان، نقاشان، خطاطان، معماران، هنرمندان و اقشار دیگر مردم گامهای بلندی در راستای تکوین تمدن تیموریان هرات برداشت.

جلالتمآب محمداشرف غنی رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان باصدور حکمی در مورد یادبود از چهره‌های علمی-فرهنگی و احیای آبده‌های تاریخی کشور به ریاست دفتر ریاست جمهوری اسلامی افغانستان وظیفه سپرد تا در راستای تطبیق این حکم گامهای عملی بردارد.

به اساس این حکم ریاست جمهوری مراسم بزرگداشت از پنجصد هشتادمین سالگرد تولد امیرعلیشیر نوایی و سمینار بین المللی بازخوانی اندیشه‌های نوایی در زادگاه نوایی – شهرهرات برگزار می‌شود.

در سال‌های اخیر ماشاهد توجه بی شایبهٔ جلالتمآب محمد اشرف غنی در راستای توسعهٔ فرهنگی کشور، بزرگداشت از جایگاه مشاهیرعلمی و فرهنگی افغانستان بوده‌ایم. چنانچه پنج سال پیش سمپوزیم بین‌المللی علیشهر نوایی به مناسبت پنجصد هفتادوپنجمین سالگرد تولد نوایی در کابل، مزارشریف و هرات برگزار گردید.۲۹ میزان به مثابهٔ روز ملی زبان اوزبیکی به اساس حکم جلالتمآب رییس جمهوری به رسمیت شناخته شد و سال گذشته از این روز برای نخستین بار از سوی رهبری دولت در ارگ ریاست جمهوری تجلیل شایسته به عمل آمد.

جلالتمآب رییس جمهور همواره در صحبت‌های شان امیر علیشهر نوایی را به عنوان متفکر بزرگ و افتخار مردم افغانستان و بشریت یاد کرده و نسل جوان را برای شناخت شخصیت نوایی آثار و اندیشه‌های انسانی وی ترغیب کرده است. جای خرسندی و قدردانی است که سمینار علمی بین المللی امیر علیشهر نوایی امسال نیز به مناسبت پنجصدو هشتادمین سالگرد تولد علیشهر نوایی در شهر هرات به اساس هدایت و توجه جلالتمآب رییس جمهور افغانستان برگزار می‌شود.

کمیسیون برگزاری مراسم تجلیل از پنجصدهشتادمین سالگرد تولد امیر علیشیر نوایی و سمینار بین المللی بازخوانی اندیشه‌های نوایی به خود می‌بالد که کارهای بزرگ علمی فرهنگی را در این راستا به سر رسانیده است. چاپ ده عنوان کتاب به همین مناسبت، تدویر سمینار بین‌المللی بامحتوای علمی در راستای باز خوانی اندیشه‌های علیشیر نوایی به اشتراک نوایی‌شناسان افغانستان و منطقه و دیگر کارهای مهم فرهنگی از این دست اقدامات مهمی اند.

من از نام خود و از نام کمیسیون برگزاری بزرگداشت از پنجصد هشتادمین سالگرد تولد امیر علیشیر نوایی و سمینار بین‌المللی بازخوانی اندیشه‌های نوایی به همین مناسبت صمیمانه‌ترین مراتب تبریکات خودرا به مردم افغانستان، نوایی‌شناسان، مراجع علمی و اکادمیک کشور، منطقه و منطقه ابراز می‌کنم.

باور کامل دارم که برگزاری پنجصدوهشتادمین سالگرد تولد امیرعلیشیر نوایی و سمینار بین المللی بازخوانی اندیشه‌های نوایی و دستاوردهای آن برای بازشناسی شخصیت و بازخوانی آثار، افکار و اندیشه‌های علیشیر نوایی اثرات ژرفی در پی دارد و در راستای تحکیم روابط و توسعهٔ همکاری میان محققین و نوایی‌شناسان افغانستان، منطقه و جهان فصل‌های تازه‌یی را می‌گشاید.

با درود و سپاس

محمد شاکر کارگر

رییس عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان

و رییس کمیسیون برگزاری سمینار بین‌المللی بازخوانی اندیشه‌های

امیرعلی شیرنوایی

هوالمستعان

امیرالکلام؛ میرنظام‌الدین علی‌شیرنوایی /فانی، وزیر فاضل و فرهیخته‌ی دوره‌ی تیموریان هرات، یکی از تأثیرگذارترین چهره‌ها، در تاریخ تمدن اسلامی به حساب می‌آید. مرتبت و منزلت دیوان‌داری و دبیری وی، با خواجه نظام‌الملک، خواجه محمود گاوان، خواجه حسن میمندی، صاحب اسمعیل بن عباد، رشیدالدین فضل‌الله و شیخ ابوالفضل، هم‌وزن و هم سنگ دانسته شده است. آن گونه که در تاریخ و تذکره‌ها بازتاب یافته میرعلی‌شیر نوایی، شاعر، عارف، ادیب، دبیر، سیاست‌مدار، طراح، معمار، موسیقی‌دان، زبان‌شناس، حکیم و آداب‌دان بود. از دوره‌ی یکصدوشش ساله‌ی (۹۱۳-۸۰۷) تیموریان هرات، به عهد طلایی در دلِ تمدن اسلامی تعبیر شده است، و برخی‌ها دوره‌ی تیموریان در قرن نهم هجری را، رنساس دوم در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی خوانده‌اند. وصف این دوره با هر لفظ و تعبیری که ادا گردد، از درخشش و تابندگی آن حکایت می‌کند. اما بدون تردید این درخشندگی خود به خود به‌وجود نیامده، بلکه حاصل فکر، سعی و عمل انسان‌های متفکر و زحمت‌کش زیادی است، که می‌توان گفت در یک برحه‌ی طولانی در محور و محراق آن ابتکارات و خلاقیت‌ها امیر علی‌شیرنوایی قرار داشته است.

علی‌شیر نوایی، زمانی که در دستگاه سلطان‌حسین بایقرا، به سمت وزارت رسید، عهد و عزم نمود که به عدد اسمای متبرّکه‌ی خداوند (یک‌هزارویک)، بقعه و آبادانی عام‌المنفعه عمران نماید. در طول مدت وزارت و مسؤلیت خود، موفق به اعمار سه صد و شصت و شش مورد گردید، که از آن جمله نود(۹۰) رِباط /کاروان‌سرای و باقی شامل مدرسه، مسجد، کتابخانه، خانقاه، پل، حوض، حمام، راه، آرام‌گاه و باغ بوده است. در تناسب به محدودیت‌های امکاناتی آن زمان، این همه آبادانی و عمران حکایت از یک اراده‌ی قوی و درک درخشان می‌نماید که برای پایه‌گذاری یک تمدن و فرهنگ تلاش می‌نموده است.

به مناسبت پنج صد و هشتادمین سال روز تولد امیرعلی‌شیرنوایی، حسب حکم و هدایت جلالتمآب رییس جمهور محمداشرف‌غنی، به منظور گرامی‌داشت از مقام والای آن مرد بزرگ، قرار است سیمینار بین‌المللی در افغانستان دایر گردد. وزارت اطلاعات و فرهنگ و تمام نهادها و شخصیت‌های موظف برای برنامه‌ریزی و برگزاری این سیمینار، تصمیم گرفت، تا برخی از آثار دوره‌ی تیموریان و هم‌چنان مجموعه‌ای از مقالات را، بدین مناسبت چاپ نماید. اکنون که این آرزو برآورده و این مأمول جامه‌ی عمل پوشیده است، جا دارد که از تمام نویسندگان و پژوهشگران که با تحقیقات شان برای غنامندی و پربار شدن سیمینار، بر ما منت گذاشتند، قدردانی و سپاس‌گزاری نماییم. هم‌چنان از اعضای محترم کمیته‌ی علمی که با تعهد و دلسوزی، به صورت دوام‌دار پیگیر امور بودند و هستند، قدردانی نماییم. وزارت اطلاعات و فرهنگ، از تمام کسانی که در طول این فرایند برای شکوه‌مندی سیمینار تلاش نمودند و سهم گرفتند، نیز سپاس‌گزاری می‌نماید.

این نبشته را حسن ختام می‌بخشیم با شعری از امیرالکلام امیرعلی‌شیرنوایی:

تا بود شیخ ریایی نکته‌گو، زو راست رنج
تا شِتا را یخ بود، عریان ز سرما مضطر است
عقل خندد، آن‌چه گوید اهل زَرق از واقعه
خنده آرد هرکه خواب اندر فسانه گستر است
واعظ و طامع گدای نان بود فرقش هم است
کین به‌زیر منبر آمد، آن فراز منبر است
تخم رسوایی دهد، بر دانه‌ی تسبیح زرق
آری آری، دانه جنس خویش را بار آور است
فقه چون دام مکر و حیله می‌سازد فقیه
نی فقیه است او که حرف علت فقه اندر است
قاضی پر حیله آید با سِجلی پر گواه
محض کذب است آن برای جرگه گویی محضر است
لاف بی وجه حکیم آمد به‌نزد اهل دل
آفت بی حد بر افلاطون اگر چه افسر است
هر شب اختر بین چو برقی، چشم بر شر دوخته
تا چه کذب آرد بیرون گر خود همه بومعشر است

رنگ زرد عاشقی فانی بود از تیر عشق
هم‌چو صفری کش الف مسند به پهلو اصفر است

والسلام
محمدطاهرزهیر
سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ

د افغانستان د علومو اکاډمي پیغام

چې دستار تړي هزار دي
د دستار سړي په شمار دي

د امیر الکلام نظام الدین علي شېرنوایي د (۵۸۰) یمې کلیزې نمانځنه په حقیقت کې علم، فرهنګ، پرمختګ، هنر، بدلون او نوښت ته درناوی دی، علیشېرنوایي یا فاني هغه شخص دی چې زموږ د هېواد ډېر ملي ارزښتونه د ده په وجود کې نغښتي دي، دی مدني ژوند، اقتصادي ښېرازۍ، د هنر او ادب ودې، ټولنیزو معیارونو، کښت، کار، اخلاقي، ملي فرهنګي ارزښونو ته ژمن انسان و. نوموړي په نهمه قمري - پنځلسمه میلادي پېړۍ کې؛ په هرات کې د هنر پالنې، غوره ادبي تخلیقاتو او د سلطان حسین بایقرا د دربار د پوه او مدبر وزیر په توګه خپله وړتیا څرګنده کړه، د دې مفکر او نوښتګر دانشمند وزیر په دوره کې هرات د تمدن زانګو وګرځېده، د علومو او هنرونو ودې ته یې لاره برابره کړه، د هنرونو عالي اغېز، عاطفي چاپېریال، د ساینس (ریاضیاتو، حکمت او نجومو) د درناوي، اقتصادي او تجارتي پرمختګ، د کرنې، ښوالۍ، ویالو او کانالونو جوړېدو د زیار او هڅو نتیجه؛ د هرات نوی تمدن و. دغه لوی دانشمند په ډېره مینه او اخلاص هنرمندان، صنعتګر او منجمین وهڅول. ده د معماري، خط او میناتوري هنرونه وستایل، د موسیقي په برخه کې یې لیکنې وکړې، په تورکي او دري ژبو یې خواږه اشعار وویل، ده د ډېرو نامتو ادبي او هنري څېرو پالنه او روزنه وکړه، د بېلګې په توګه: لکه مولانا کمال الدین شاه شاعر، خواجه میرک نقاش او خطاط، کمال الدین بهزاد میناتوریست، خواجه آصفي شاعر، مولانا فصیح الدین منجم او ریاضي پوه، خواجه عمادالدین مولانا زاده د منطق او دیني علومو دانشمند او داسې نور، همداشان نوایي د ودانیو جوړولو او دیني مدارسو ته هم ډېره پاملرنه کړې وه، د هغه وخت میناتوري د تصوفي اشعارو، مناجاتو، مناقیبو، د قران عظیم الشان د لیکل شویو پاڼو او پوښ تذهیب، تجلید، د جوماتونو د محرابونو، رواقونو، دروازو او د ډېرو نورو ودانیو په تزئین کې اوچت ارزښت درلود. نوایي

په خپله مویک، تذهیب، موسیقي، معماري، ښکلي خط او مجسمې جوړولو کې پوهه لرله او نور یې هم هڅول.

موږ نه هیروو چې د هغه وخت د علومو او فنونو په وده کې به سلاطینو (له سلطان حسین بایقرا نه نیولې، تر علاوالدوله) توجه کړې وي، خو د علي شېرنوایي تشویقي رول د قدر وړ دی، همداشان هنرمندانو هم په خپل وار سره د کتابونو سینګارول، د ښکلا پالنې اصول او د میناتوري هنر د بشپړتیا پړاو تر بریده ورساوه.

په لنډه توګه ویلای شو چې؛ د امیرعلي شېرنوایي دوره په هرات کې د سیاست، هنر، اقتصاد، علومو او ادبیاتو یوه روښانه دوره وه، سره له دې چې نوموړی سیاسي چارواکی او د سلطنتي دربار وزیرو، خو په عین وخت کې د څو ژبو شاعر او لیکوال هم و، ده ډېر ادیبان، هنرمندان او عالمان وروزل، و پالل او وهڅول، د راز راز هنرونو او صنایعو ودې، ودانیزو او زراعتي چارو ته لومړیتوب ورکړ، نوایي په دیني مسایلو او ټولنیزو ډګرونو کې خلک یو د بل په وړاندې زغم، لورینې او درناوي ته وبلل.

په درنښت
څېړنپوه دکتور عبدالظاهر شکیب
د علومو اکاډمي سرپرست

بسم تعالی

سپاسنامه

پس از نشر فراخوان به مناسبت ۵۸۰مین سالیاد امیرالکلام نظام الدین علی‌شیر نوایی، بیش از ۱۱۰ عنوان مقاله در مورد جنبه های گوناگون زندگی، کارنامه ها و شخصیت فرزانه ی روزگار، علیشیرنوایی، از داخل و بیرون کشور مواصلت ورزید. هرگاه محدودیت در شمار چاپ مقاله ها در میان نمی بود، کمیته ی علمی برگزاری سمینار بین المللی بازخوانی اندیشه های علیشیر نوایی، با کمال میل میخواست تمام مقاله هایی را که به دسترس کمیته قرار گرفته اند، در یک مجموعه چاپ نماید؛ اما نویسندگان عزیز که تجربه ی چاپ مقاله ها را در مجله ها، فصلنامه و ژورنال‌های داخلی و بیرونی را دارند، به خوبی میدانند که هیچ نشریه ی چاپی، توان نشر تمام نوشته هایی راکه دریافت می نماید، ندارد؛ بنابرین به اساس معیار هایی که وضع میشود، شمار نوشته های دریافتی را متناسب به توان نشریه ی شان محدود میسازد.

کمیته ی علمی سمینار بین المللی علیشیر نوایی نیز از این محدودیت برآمده نتوانست تا بتواند رضایت تمام عزیزان و سرورانی را که لطف نموده مقاله های شان را فرستاده اند، حاصل کند. به خاطر عدم نشر آن عده مرواریدهای قلمی نویسنده‌گان عزیز که بنابر دلایل یاد شده از چاپ باز ماندند، عذر میخواهد. در برابر آن مقاله های شان را که حاصل لطایف احساس و تلاش فکری شان است، به دیده‌ی قدر نگریسته برای شان گلدسته ی سپاس تقدیم میکند.

باعرض حرمت،
عزیزالله ارال
مسئول کمیته‌ی علمی کمسیون برگزاری
سمینار بین‌المللی بازخوانی اندیشه های علیشیر نوایی

اؤزبیکچه مقاله لر

سید تاج الدین تاشقین –نوایی‌نینگ «محاکمة اللغفین» اثریده ایککی تیل‌نینگ سمنتیک، لیکسیک، فونیتیک و گرامری تحلیلی

سید نورالله امینیار-- علی شیر نوایی اثرلریده انسان سیماسی

محمد کاظم امینی --امیر علی شیر نوایی اوزبیک تیلیده ایلک مستقل تصوفی-عرفانی اثرلر مولفی

عزیزالله ارال --امریکاده نوایی شناسلیک و علیشیر نوایی اثرلری

محمد اشرف شریفی -- حیرت الابراره مجسملشگن حقیقی انسان سیماسی

نجیب الله بیگزاد --امیرعلیشیرنوایی‌نینگ تورک تیلی ترقیاتیده‌گی رولی

فوزیه ارال حبیبی --عالَم‌شمول عالِم (امیرالکلام علیشیر نوایی نینگ معنوی معرفی دنیاسی)

محمد هاشم همدم --امیرعلیشیرنوایی تفکریده پند و حکمت

محمدعالم کوهکن --امیرعلیشیرنوایی خلق‌پرور شاعر

شجاوالدین حنیف --امیر علیشیرنوایی غرایب الصغرده ادبیات و تصوف انعکاسی

محمد یاسین ایلداش --علیشیرنوایی قطعه لری قافیه خصوصیتی و تحلیلی

عبدالواحد هییت --علی شیر نوایی خمسه سیده اصلیت و تلقین

عبدالحنان قیلیچ ارسلان --نوایی نینگ اثرلریدن أیریم تنلنمه سؤزلر

نور یاغدی نور --علی شیر نوایی نینگ اثرلری و ادبی کیشی لیگینه غیسغه بیر باقیش

نوايي‌نينگ «محاكمة‌اللغتين» اثريده ايكّى تيل‌نينگ سيمنتيک، لېكسک، فونيتيک و گرامري تحليلى

سيد تاج الدين تاشقين بهائي

قيسقرتمه

عليشېر نوايي اؤز دورى‌نينگيېتوک علاّمه‌سى صفتيده، اؤزييشه‌گن دورده‌گى برچه علم و هنر ساحه‌لرينى اېگللب آلگن اېدى. ادب، صنعت، تأريخ، دين وتيلشناسليک‌نينگ برچه ساحه‌لريده قلم تېبره‌تيب، هر بيريده بير مسلكي و بيليمدان انسان اېكنليگينى اثباتلب بېرگن. نوايي‌نينگ تيلشناسليككه داير- محاكمة‌اللغتين اثرينييازيش بيلن، اؤزبېک تيلينى فارستيلى بيلن چاغيشتيريب، اونينگ فارس تيليدن قاليشمسليگينى كؤرسه‌تيب، اؤز تيلداشلرينى اؤزبېک تيليده اثرلر يازيشگه رغبتلنتيردى. عليشيرنوايي ايكّى تيلنى چاغيشتيرگنده، ۱۰۰ فعلنى كېلتيريب، اولرنى تحليل قيله‌دى و فارسى تيلده مذكور يوزته فعل نينگ معادلييؤقليگى و اولرنى معنى قيليشده فارسلر هر بيرى مقابليده اوزون سؤزبيريكمه‌لرى و جمله‌لردن فايده لنيشلرينى ايته‌دى.

نوايي اؤزبېک تيلينى بې‌قياس خزينه دېب بيله‌دى و محاكمة‌اللغتين اثرى بيلن اؤشه دورده‌گى تورکي (اېسکى اؤزبېکچه) تيلنى كمسيتيب، بونده شعر ايتيب بؤلمه‌يدى و بديعي امكانيتيؤق دېبيورگن متعصب رقيبلريگه ققشتقيچ جواب بېره‌دى.

تئينچ سؤزلر:

عليشېر نوايي، محاكمة‌اللغتين، تيل، سؤز، لېكسيمه، فونيتيكه، گرامر، قؤشيمچه.

مقاله مقصدلری:

مطالعه‌نگیزده‌گی مقاله‌نی یازیلیشیدن مقصد:

- نوایی‌نینگ تیل و سؤز حقیده‌گی فکرلرینی رویابگه چیقریش؛
- محاکمة‌اللغتین‌ده ایکّی تیل تاووش امکانیتلری حقیده بیریلگن معلوماتنی تحلیل اپتیش؛
- ایکّی تیلده‌گی سؤز امکانیتلرینی انیقلش؛
- اؤزبیک تیلی کپنگ بدیعی و معنوی امکانیتلرینی نوایی مثاللری بیلنینه بیر بار کؤرسه‌تیب اوتیش‌دن عبارت-دیر.

کیریش

بویوک متفکر، قاموسی عالم_ امیر نظام‌الدین علیشیر نوایی ۱۵- عصرده تیللرنینگ اؤزارا قیاسلش تدقیقیگه اساسلنگن «محاکمة‌اللغتین»(«ایکّی تیل محاکمه‌سی»)اثرینی یره‌تیش بیلن دنیا تیلشناسلیگیده مطلقا ینگی بیرعلمی جریاننی وجودگه کپلتیرگن اپدی. نوایی اوشبو اثری آرقه‌لی چاغیشتیرمه تیلشناسلیک نینگ تدقیق یؤللری، تحلیل اصوللری، مپتودولوژیک اساسینی ایشلب چیقدی. حاضرگه قدَر زمانوی تیلشناسلیکده اوشبو علمی ایزله‌نیش اؤز اؤرنینی، تحلیل و تدقیق اصوللری، قدری و اهمیتینی یؤقاتگن اپمس.

تیلشناسلیک تاریخیده علیشپرنوایی باشلب بپرگن حاضرگه قدرعلمی یؤنه‌لیشگه اساسلنگن تدقیقاتلر اوروپاده ۱۹ عصرنینگ بیرینچی یرمیگه کپلیب‌گینه یره‌تیله‌باشله‌دی؛ تیلشناسلیک تاریخیده «مقایسی-تاریخی تیلشناسلیک» نامی بیلن اؤرین اپگلله‌دی. حاضرده اوشبو یؤنه‌لیش زمانوی تیلشناسلیک نینگ ییریک ساحه‌لریدن بیریگه ایلنگن. محاکمة‌اللغتین، اؤزتوریده‌گی اؤزبیک تیلیده یازیلگن ایلک علمی تدقیقات حسابلنه‌دی.

بیز بو اؤرینده نوایی‌نینگ محاکمة‌اللغتین اثرینی تحلیل اپترکیمیز، عالم‌نینگ تیللرنینگ کپلیب چیقیشی، اثرده مقصد قیلینگن ایکّی تیل- اپسکی اؤزبیکچه و فارسچه نینگ سؤزخزینه‌سی، گرامری توزیلیش امکانیتلری واولرده‌گی تفاوتلرنی کؤریب چیقه‌میز و علاجی باریچه، نوایی‌نینگ تیلشناسلیک قره‌شلرینی حاضرگی زمانوی تیلشناسلیک اصوللری بیلن ماسلشتیریب اؤرگنه‌میز.

محاکمة‌اللغتین‌نینگ یازیلیشی سببی حقیده

علیشیر نوایی ۱۵عصرده خراسان مملکتی علما و شعراسینی بیر دوره‌گه تؤپلب، اولرنی هرتامانلمه حامی‌لیک قیلگن بؤلیشیگه قره‌مه‌ی، انه شو دوره‌ده‌گی ادیب و شاعرلردن بعضیلری، اونینگ منصبی و فهم وفراستیگه نسبتاً قیزغه‌نیب، نوایی باعث تورکی(اپسکی اؤزبیکچه) نی جوده دغل تیل دیر، بونده

یوکسک بدیعی اثرلر یره‌تیلمه‌یدی، دېگن تعصب آمیز فکرلرنی ایلگری سوریب، اصلیده یشیرین طرزده علیشیرنوایی و اونینگ منصبی، تیلی وایجادینی نی عامه‌گه یامانلش‌نی مقصد قیلگن اېدیلر و بونده‌ی سلبی تبلیغات بیرار-بیرار پَیتده گاه هزل ومطایبه وگاه کنایه و کېسه‌تیق طرزیده نوایی قولاغیگه هم چلینیب تورر اېدی.

نوایی منه شو فکرلر تأثیرینی یؤق اېتیش و تورکی تیل مخفی خزینه‌لرینی اېلگه آچیب بېریش وعلم وادب اهلیگه و شعر مخلصلریگه توشونتیریش‌نی بیر تاماناندن، اؤشه تورکی تیل‌نی کمسیتووچی غرضلی و تعصبلی انسانلر و حتی دایره‌لرنینگ آغزی‌نی یاپیش و اولرگه علمی و منطقی ضربه بېریش‌نیینه بیر تاماندن، اؤزی‌نینگ مقدس بورچی دېب حسابلردی. منه شو اؤی و اندیشه بیلن عمر بؤیی قیینه‌لیب یشب، نهایت تورکی تیل نینگ کېنگ بدیعی قابلیتلری و حتی بوتیل‌نینگ معنوی و بدیعی قابلیتلری اکثر موردده فارس تیلی‌گه نسبتاً اوستونلیگینی، انکار اېتیب بؤلمه‌یدیگن مثاللر بیلن اثباتلب، «محاکمةاللغتین» اثرینییره‌تدی.

نوایی گچه بؤلگن ادبی تیلاؤغوز، قیپچاق، قرلوق کبی لهجه‌لر بیلن ترقاق حالده اېدی. نوایی کتّه حدودده‌گی لهجه‌لرنی بیرلشتیریب، یگانه ادبی تیل حالیگه کېلتیردی، اونینگ تېپه‌سیده اؤزی توردی. مذکور تیل اوزاق ییللر دوامیده اؤزبېکلر و اطرافده‌گی باشقه تورکی تیللر اوچون ادبی تیل صفتیده خدمت قیلدی. عینِ پیتده، متفکر «فرهاد و شیرین» داستانیده اوشبو تیل ختایدن خراسانگچه، جمله‌دن، شېراز و تبریزگچه ترقلگنی حقیده معلومات بېریب اؤته‌دی.

نظامی آلسه بردع بیرله گنجه
قدم روم اهلیغه هم قیلسه رنجه
چېکیب خسرو داغی تیغ زباننی
بویوک فتح ایلسه هندوستاننی
ینه جامی عجم ده اورسه نوبت
عرب ده داغی چالسه کؤس شوکت
اگر بیرقوم، گر یوز بؤلسه مینگ دور
معین تورک اولوسی خود مېنینگ دور
آلیب مېن تحت فرمانیمغه آسان
چېریک تارتمه‌ی ختادین تا خراسان
خراسان دېمه کیم، شېراز و تبرېز
که قیلمیشدور نَیِ کلکیم شکر رېز

کؤنگیل بیرمیش سؤزومگه تورک جان هم
نیبالغوز تورک، بلکه تورکمان هم
نې ملک ایچره که بیر فرمان یوباردیم
انینگ ضبطیغه بیر دیوان یوباردیم(نوایی اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۸-جلد۵۲۵-بیت)

محاکمةاللغتین نینگ مضمونی

حمد و نعتدن کیین، کتاب نینگ باشیده نوایی تیل‌نینگ یره‌تیلیشی حقیده گیپره‌دی و دنیانینگ یېتّی اقلیمیده تیللرنینگ جوده خیلمه-خیللیگی و ترقه‌لیشینی اېسله‌تیب اؤته‌دی و تیللرنینگ خیلمه-خیللیگی سببینی نوح پیغمبرنینگ یافث، سام و حام اسملی اوچ فرزندی گه باغلیق اېکنینی قید اېته‌دی. اسلام عالملری آره‌سیده، دنیا تیللری نینگ اساسی_ تورک، هند و عرب تیللری دېگن تخمینلرنی تن آله‌دی و شونده‌ی دېدی:

«چون عربی تیل و مقال بیله کلام و هندی الفاظ بیله مزخرفات نافرجام ، بیری غایت شرف وعلو منزله دین و بیری نهایت نحوست و دنو مرتبه دین آره دین چیقتیلر. » (محاکمةاللغتین: ۸-بیت)

و کیین او ایکّی تیل تورک و فارس تیللریگه دوچ کېله‌دی و تورک تیلی نینگ فارس تیلیدن افضللیکلرینی سنب اؤته‌دی. بیرینچیدن، او تورکی عنصرنی سارت عنصری بیلن قوییده‌گیچه چاغیشتیرگن:

- تورک سارتدن اؤتکیرراق، او یره‌تیلیش جهتیدن سیلّیق و تازه.
- سارت عقل و علم جهتیدن تورک‌دن انیقراق، مکمللیک، عنایت و فکر نقطه‌ی نظریدن چوقورراق‌دیر.
- سؤز یسه‌لیشیده تورک سارتنی یېنگیب چیقه‌دی.
- هر بیر تورک فارس تیلیدن فایده‌لنه‌دی، حتا فارس تیلیده شعرلر یازه‌دی.
- هیچ بیر فارس تورکچه گیپره آلمه‌یدی.

علیشېر نوایی ایکّی تیلنی قیاسلش جریانیده فارسی تیل‌نینگ کوچلی بیلیمدانی صفتیده نمایان بؤله‌دی، زېرا عینی وخالصانه خلاصه‌لر چیقریش اوچون ایکّی تیلنی هم مکمل بیلماق طلب قیلینه‌دی. بو مکمللیک نوایی نینگ:

- فارسی تیلده معادلی بؤلمه‌گن ۱۰۰ ته فعلنی کېلتیریشی؛
- تورلی ساحه‌لرگه دایر نرسه-بویوم، طبیعی حادثه‌لر و حیوانلرنینگ فارسی تیلده موجود بؤلمه‌گن ناملرینی بېریب، اولرنینگ بعضیلری فارسی تیل ترکیبی گه هم کیرگنلیگی حقیده معلومات بېریشی؛
- تجنیس و اِیهام صنعتیگه اساس بؤله‌دیگن سؤزلر نینگ فارسی تیلده‌گیگه نسبتاً کؤپلیگینی مثاللر بیلن اثباتلشی؛

-تویوق ژانری نینگ فقط تورکی شعریتده قؤللنیشیگه اعتبار قره‌تیشی؛
- تورکی تیلده فارسی تیلده بؤلمه‌گن بعضی گرامری شکللر (مثلاً، بیرگه‌لیک نسبتینی یساووچی – یش(-ش)، آرتتیرمه نسبت یساووچی –ت(-تیر،-دیر قؤشیمچه‌لری) نینگ موجودلیگینی مثاللر بیلن دلیللشی؛
- تورکی تیل نینگ فونېتیک خصوصیتی قافیه‌داش سؤزلر اوچون فارس تیلیگه نسبتاً قوله‌یلیگینی اساسلب بېریشی بیلن باغلیق حالتلرده یقّال کؤرینه‌دی.

نوایی تیل(سؤز) تعریفیده

تیل کیشیلیک جمعیتی بیلن عین زمانده شکللنگن اجتماعي حادثه دیر. تیل بؤلمه‌سه، جمعیت اعضالری آره‌سیده اجتماعي علاقه و مناسبت هم، آدملر یشه‌یاتگن جمعیت نینگ اؤزی هم بؤلمس ایدی. تیل آرقه‌لی بیر-بیریمیزنینگ فکریمیزنی انگله‌یمیز، کونده‌لیک ایشلریمیزنی آلیب باره‌میز، نرسه و حادثه‌لرنینگ ماهیتینی چوقورراق بیلیب آله‌میز.بو جریان تفکر یاردمیده‌گینه عملگه آشیریله‌دی. انسان نینگ عملي فعالیتی تفکرسیز کېچمه‌یدی.

علیشیر نوایي تیل و تفکر بیرلیگیحقیده فکر یوریتیب، تیل نینگ اجتماعي حادثه اېکنلیگینی تأکیدله‌یدی. تیل انساننی حیواندن اجره‌تووچی «بې‌بها گوهر»دیر، دېیدی و تیلنی سؤز بیلن معناداش دېب حسابله‌یدی :

سؤزدورکه، نشان بېرور اؤلیککه جاندین،
سؤزدورکه، بېرور خبر جانگه جاناندین،
انساننی سؤز ایله‌دی جُدا حیواندین،
بیلکه گؤهری شریفراقیؤق اندین.(نوایی نینگ ۲۰جلدلیک اثرلری،۱۵-جلد(نظم‌الجواهر)۱۵۳-بېت)

تیل تفکر نینگ افاده قورالیدیر. کیشی نینگ کؤنگلی (فکری)دریادیر، سؤز اېسه دُر، سؤزلاوچی غوّاصدیر. دُر خیلمه-خیل بؤلگنی سینگری، سؤز هم هر خیل بؤله‌دی.

اول کیشی سؤز بحریده غوّاصدیر،
کیم گؤهر معنی انگه خاصدور.
فیض حریمیده تجلّی انگه،
کیمیاریبان مشعل معنی انگه.
سؤز مییني اول کیشی آشام اېتیب،

کیم دُر معنی صدفین جام اېتیب.(نوایی نینگ ٢٠جلدلیک اثرلری،٧-جلد(حیرةالابرار)٦٢-بېت)

سؤز سؤزلشدن مقصد معنا افاده‌لش‌دیر. شونینگ اوچون نوایي، «معنی اداسیده الفاظ تیلگه کېلور و الفاظدین معنی فهم بؤلور»،دېیدی. او معنانی بیرلمچی سؤزنی ایکّیلمچی دېب قره‌یدی و معناگه «سؤزنینگ جانی» دېب بها بېره‌دی. علیشېر نوایي تیل و تفکرنی بیر-بیریدن اجره‌تمه‌یدی، بلکه اولرنی عضوي بیرلیکده دېب تأکیدله‌یدی.

بویوک شاعرنه فقط «محاکمةاللغتین»،بلکه برچه اثرلریده، آنه تیلیمیزده‌گی سؤزلر خصوصیده فکر یوریتیب، سؤزنی دُرگه، اونینگ معنالرینی اېسه، چېکسیز و موقعی نهایتده تېنگسیز اېکنلیگینی اعتراف اېته‌دی. یعنی «سؤز دُرری نینگ تفاوتی موندین داغی بېغایتراقدور. انداغکه، شریفیدین اؤلغن بدنغه روح پاک یېتر، کثیفیدینحیاتلیغ تنغه زهر هلاک خاصیتی ظهور اېتر.

قطعه:

سؤز گوهردورکه، رتبه‌سی انینگ

شرحیده‌دور اهلی نطق عاجز.

اندینکه اېرور خسیس مهلک،

کؤرگوزگونچه دورور مسیح معجز».(محاکمةاللغتین:٣-۴-بېت)

علیشیر نوایي سؤز حقیده شونده‌ییازه‌دی: «سؤز شونده‌ی گوهردیرکه، مرتبه‌سینیانیقلشدن نطق اېگه‌لری عاجزدیرلر. مرتبه‌سی - یامان سؤزنینگ هلاک قیلووچنلیگیدن تارتیب،یخشی سؤز بیلن عیسی‌نینگ معجزه کؤرسه‌تیشیگچه باره‌دی.

علیشیرنوایي سؤز حقیده سؤزیوریتگنده سؤزنینگ قدرتینی، او انسان اوچون ضرورقورال و منبع اېکنلیگینی بیان اېته‌دی. جمله‌دن، شاعر تیلی بیلن ایته‌دیگن بؤلسک، او قوییده‌گیچه سؤزگه ایضاح بېره‌دی:

دانه‌و دُر سؤزینی افسانه بیل،

سؤزنی جهان بغریده دردانه بیل.

مونچه که شرح اېتدی قلم سؤزگه حال

نثریده دور نظمیگه بار اؤزگه حال

سؤزارایالغان کیبییؤق ناپسند

ایلر انینگ نظمینی دانا پسند

اؤرنیده تیشلر در منظوم اېرور

چون ساچیلور قیمتی معلوم اېرور. (نوایي اثرلری ٢٠جلدلیک تؤپلمی٧-جلد ٦٠-بېت)

یاکه:

سؤز قاتیغی اېل کؤنگلیگه آزار ایلر،

یومشاغی کؤنگیللرنی گرفتار ایلر. (نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۵-جلد۲۱۱-بېت)

او سؤز حقیده سؤزله‌گنده «محاکمةاللغتین»ده قوییده‌گیچه فکر یوریته‌دی: «اېمدی کېلدوک سؤز بیانیغه و کلام داستانیغه. مونچه متنوع شهر و قرا و جبال و صحراو بېشه و دریا خلقیکیم، بیتیلدی و تنوع و تغیرینی شرح اېتیلدیکه، مجموعیده معنیاداسیده الفاظ و اول الفاظدین معنی فهم بؤلور»(محاکمةاللغتین: ۵-بېت)، یعنی اېندی سؤزنی بیان قیلیشگه کیریشه‌یلیک،یوقاریده تورلیلیگی و بیر-بیریدن اییرمه‌سی ایتیلگن تورلی شهر، قیشلاق، تاغ، اؤرمان و دریا خلقلری نینگ همه‌سیده معنی سؤزلر اوچون افاده قیلینه‌دی و بو سؤزلردن معنیانگلشیله‌دی.

سؤز حقیده سؤزلریمیزنی خلاصه‌لب،شونی ایتیش اؤرینلی که،علیشیرنوایي کؤنگوللر مخزنی نینگ قفلی تیل و اول مخزن نینگ کَلیدین سؤز بیل، دېیدی. قوییده علیشیرنوایي نینگ سؤز و تیلحقیده‌گی فکرلرینی کېلتیره‌میز:

«سؤزکه معناسیده عشق اؤتی نشانی بؤلمه‌غه‌ی،

بیر تحرکسیز بدن آنگله که، جانی بؤلمه‌غه‌ی».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۶۸-بېت)

«تیلگه اختیارسیز، اېلگه اعتبارسیز».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۸۴-بېت)

«تیلگه اقتدارلیغ-حکیم خردمند،

سؤزگه اختیارسیز لئیم نژند».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۹۴-بېت)

«سؤز نینگ اصنافی بغایت چؤقتور».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۹۵-بېت)

«چین سؤز معتبر، یخشی سؤز مختصر».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۱۰۰-بېت)

«اول کیم دماغیده خبط-سؤزیدهیؤق ربط».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۱۰۰-بېت)

... «بي‌فایده سؤزنی کؤپ ایتمه، فایده‌لی سؤزنی اېشیتوردن قَیتمه».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۱۲۸-بېت)

«تیلینگنی اختیارینگده اسره‌غیل، سؤزونگنی احتیاط بیله دېگیل».(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۱۲۹-بېت)

«سؤزنی کؤنگلونگده پیشقارمه‌گونچه تیلگه کېلتورمه، هرنه‌کیم، کؤنگلونگدهبؤلسه تیلگه سورمه»(نوایي اثرلری ۲۰جلدلیک تؤپلمی۱۴-جلد۱۲۹-بېت) و ب،...

معلوم بؤلدی که بویوک علاّمه‌میز، تیل و سؤز حقیده فقط گینه «محاکمةاللغتین» اثریده اېمس،

بلکه عمر بؤیی ایجادي محنت چېکیییرەتگن باشقه شعري و نثري اثرلریده هم عالمانه فکرلرینی بیلدیریب، بیزگه میراث قؤیگن اېکن.

محاکمةاللغتین‌ده لېکسیمه‌لر مسابقه‌سی

عموماً، بویوک متفکرنینگ تیل حقیده‌گی قره‌شلری، تیل و نطق بیرلیگی همده اوشبو حادثه‌لرنی فرقله‌ی بیلیش خصوصیده‌گی ملاحظه‌لری حاضرگی کون تیلشناسلیگی اوچون هم نهایتده مهم اهمیتگه اېگه. شونینگدېک، ینه بیر حقیقتنی نظردن قاچیرمسلیک کېره‌ک‌که، نوایی آنه تیلیمیز بایلیکلریدن فایدلنیشنی هم اؤز تکاملیگه یېتکزه‌آلگن.

نوایی اؤزبېک تیلینی فارستیلی بیلن چاغیشتیریب، اونینگ فارس تیلیدن قالیشمسلیگینی کؤرسه‌تیب، اؤز تیلداشلرینی اؤزبېک تیلیده اثرلر یازیشگه رغبتلنتیردی. علیشیرنوایی ایکّی تیلنی چاغیشتیرگنده، ۱۰۰ فعلنی کېلتیریب، اولرنی تحلیل قیله‌دی. او اؤزبېک تیلینی بې‌قیاس خزینه دېب بیله‌دی.

مثلاً، فارستیلیده «گریه‌کردن» بیریکمه‌سی اؤزبېک تیلیده ییغله‌ماق، اینگره‌ماق، سینگره‌ماق، ییغله‌مسینماق، سیغته‌ماق، اؤکورماق، اینچکیرماق فعللری بیلن، «نؤشیدن» سؤزی اؤزبېک تیلیده‌گی ایچماق، سیپقارماق، تامشیماق سؤزلری بیلن بېریلیشینی ایضاحله‌یدی.

زاهد عشقین دېسه‌که، قیلغه‌ی فاش،

ییغله‌مسینورو کؤزیگه کېلمس یاش. (محاکمةاللغتین: ۱۳-بېت)

یوقاریده‌گی بیتده «ییغله‌مسینماق» فعلی ییغله‌گیسی کېلماق حالتینی بیلدیره‌دی.

ایسته‌سم دور اهلیدین عشقینگنی پنهان ایله‌مک،

کېچه‌لری گه اینگره‌مکدور، عادتیم گه سینگره‌مک. (محاکمةاللغتین: ۱۴-بېت)

اما «اینگره‌مک» و «سینگره‌مک» فعللریده، درد بیلن یشیرین (اینگیر-سینگیر) ییغله‌ماق معنی‌سی افاده اېتیله‌دیو:

اول آی که کوله-کوله قیراغله‌تتی مېنی

ییغلتتی مېنی دېمه‌ی که سیقته‌تتی مېنی. (محاکمةاللغتین: ۱۴-بېت)

بیتیده‌گی «سیقته‌ماق» فعلی زاری و تضرع بیلن بی حد و مبالغه‌لی ییغی نی بیلدیره‌دی. و بلند آواز بیلن ییغله ماق_اؤکورماق نوایی نینگ قوییده‌گی بیتیده اؤز افاده‌سینی تاپه‌دی:

ایشیم تاغ اوزره هر یان اشک سیلابینی سورمک دور

فراق آشوبیدین هر دم بولوت ینگلیگ اؤکورمک دور (محاکمةاللغتین: ۱۴-بېت)

نوایی اینگیچکه آواز بیلن ییغله‌ماق معناسیده اینچکیرمک فعلینی هم قو ییده‌گی بیتده قؤللب سارتلر بولرنی همه سی برابریده فقط «گریه کردن» بیریکمه‌سینی قؤللش بیلن چېکله‌نیب، بونده‌ی معنی خیلمه-خیللیگیدن محروم قالگنلیکلریگه اشاره قیله‌دی:

چرخ ظلمیده که بؤغزوم نی قیریب ییغلرمېن

ایگیرور چرخ کیبی اینچکیریب ییغلرمېن (محاکمة‌اللغتین: ۱۵-بېت)

نوایی شونینگدېک بیرقطار اؤزبېکچه سؤزلرنی شعری مثاللر بیلن کېلتیریب، اولرنینگ فارسچه معادلی یؤقلیگینی ایته‌دی. بیز بو اؤریده فقط او سؤزلرنی آت توتیب اؤتیب، شعری مثاللردن واز کېچه‌میز و بو هم سؤزلر: قیمسَنماق، قیزغَنماق، چؤکور، قباغ، تېلمورماک، بېزه‌نمک، چاقین، مېنگ.

نوایی اؤزی‌نینگ محاکمة‌اللغتین اثریده قرینداش- اوروغلیک مناسبتلرینی بیلدیرووچی نامل، آذوق-آوقت نامل‌ری، روزغار بویوملری نامل‌ری، فوشلر و حیوانلر وطبیعت مخلوقلری نامل‌ری حقیده سؤزلرکن، اولرنینگ هر بیریدن بیر لست‌نی تقدیم اېتیب، فارس تیلیده بو نامل یؤقلیگی و کېره‌ک بؤلگن پیتده تورکچه‌سی عیناً قؤللنیشی موردیده فکر بیلدیره‌دی:

«اولوق قرداش و کیچیک قرداشنی ایکّله‌سین برادر دېرلر و ترک‌لر اولوغ‌نی آغه(اکه) و کیچیک‌نی اینی(اوکه) دېرلر. و اولر اولوغ-کیچیک قیز قرداش‌نی هم خواهر دېرلر و بولر اولوغ‌نی اېگه‌چی(آپه) و کیچیک‌نی سینگیل دېرلر و بولر اتانینگ آغه-اینی‌سین اباغه دېرلر وآنه‌نینگ آغه-اینی‌سین طغایی(تاغه)دېرلرو اَلر هیچ قیسیغه آت تعیین قیلمبدورلر و عرب تیلی بیله عم و خال دېرلر و کؤکلتاش‌نی ترکچه تیل بیله دېرلر و اَتکه و اېنگه‌نی هم بو تیل بیله ایتورلر.» (محاکمة‌اللغتین: ۲۳-بېت)

آق اؤتاویاکه آق اوی و او بیلن باغلیق نرسه‌لر موریده نوایی قوییده‌گی‌لرنی اَیتیب اؤته‌دی:« بیر معین نیمه کیم آق اوی دور، انگه خرگاه آت قؤیوپتولر. اما انینگ اجزاسی‌نینگ کؤپینی ترک تیلی بیله ایتورلر. انداقکه تونگلوک و اوزوک و تؤرلوغ وباسروغ و چیغ و قنات و کؤزنَک و اووغ و باغیش و بؤساغه و اېرگنه و علی هذاالقیاس»(محاکمة‌اللغتین: ۲۳-بېت)

نوایی حیوانلر نامیگه کېلگنده اؤزبېکلر حیوانلرنینگ اېرکک و اورغاچیلرینی علیحده نامل‌ربیلن اته‌گنی گه اشاره قیلیب فارسلر ایکّله‌سیگه بیرته گینه نام قویگنینی قید قیلیب، بو تیل سؤز امکانیتی و افاده قابلیتی ضعیفلیگینی اثباتلب بېره‌دی:

«...آوده عمده کییک دور،ترک انینگ اېرکگین هونه و تیشیسین قیلماقچی دېر. ینه سویقون‌نینگاېرکگین بوغو و تیشیسین مَرَل دېر. سارت آهو وگوزن دین اؤزگه نیمه دېمس. وبیر شؤر و شین لیغ آو که تؤنغور آوی دور انینگ هم اېرکگین قابان، تیشیسین مېکَجین و اوشاغین چورپه دېرلر وسارت برچه سین خوک و گُراز لفظی بیله ایتور»(محاکمة‌اللغتین: ۲۴-بېت)

نوایی‌نینگ بو فکری بیش عصردن کؤپراق زمان اؤتیشی بیلن هم ایسکیرمه‌گن. هلی هم حیوانلر نامی خصوصیده‌گی اؤزیبک تیلی کینگ لیکسیک میدانی فارسلرده یؤق، مثلاً، فارس تیلیده‌گی «گوسپند» و «بز» سؤزلری مقابلیده اؤزیبک تیلیده_ قؤی (اورغاچی)، قوشقار (ایرکک)، قؤزی (قؤی‌نینگباله‌سی)، شیشک (بیچیلگن قؤزی)، ساغلیق (سوتلی، ساغیله‌دیگن قؤی) و شوبیلن باغلیق بَغَنه، جیریغ، تقیر سؤزلری ؛ ایچکی (اورغاچی)، تکه (ایرکک)، اؤغلاق (ایچکی‌نینگ باله‌سی)، سیرکه (بیچیلگن تکه)، تؤقلی (کتّه اؤغلاق)، سوبه‌ی و چوبه‌ی کبی سؤزلر قؤللنه‌دی که فارسی زبانلرهم کیره‌ک بؤلگن زمانده بوناملردن فایده‌لنه‌دیلر. یا که «گاو» سؤزینی ضرور بؤلگن پیتلرده «نرگاو»، «ماده-گاو» و «برزه‌گاو» دیب قؤلله‌یدیلر، بیراق اؤزیبک تیلده اورغاچیسی (اینک، سیگیر) ایرکگی (بوقه)، بیچیلگنی (هوکوز) اونینگ اوشاغلری بیریاشگه‌چه (بوزاق، اؤجک) وبیریاشدن سؤنگ ایرکگی (تؤرپی) و اورغاچیسی (غونه‌جین) دییله‌دی که فارسلر بو سؤزلردن هم اؤز تیللریده بیملال استفاده قیله‌دیلر.

نوایی محاکمةاللغتینی فقط گینه اؤزی بیرگنیوزته فعل حقیده ایمس، بلکه حیات‌نینگ قیسی ساحه‌سی بولمه-سین اؤشه ساحه‌گه تیگیشلی قطار- قطار سؤزلرنی اعلان قیلیش بیلن، اوشبو مسابقه غالبی صفتیده میدانگه چیقه‌دی. اؤردک تورلریدن تارتیب آت ایگر-جبدوقلری، اوروش اسبلریدن تارتیب، کییم-کیچک تورلری، آذوق-آوقت ناملریدن تارتیب، حربی منصب و مقاملر ناملرین تیلگه آلیب، ترک (ایسکی اؤزیبک تیلی) تیلی سؤز بایلیگی و امکانیتلری چیکسیز لیگیگه دلیلیره‌ته‌دی و بو تیلنی کمسیتیب یورگن حریفلری تیشلرینی سیندیره‌دی.

نوایي‌نینگ فونیتیک تحلیللری

علیشیر نوایي اؤزی‌نینگ «محاکمةاللغتین» اثریده، تاووش مسأله‌سی حقیده گیپرر ایکن، او تورکي تیل تاووش امکانیتلری، اینیقسه «او»، «اؤ»، «ای»، «اي» و «ایِ» اونلیلری؛ «واو» و «ی» اونداشلری اوستیده تؤخته‌لیب، فارسي تیلده بولر فقط «واو» و «ی» شکللریگه ایگه‌لیگینی قید ایته‌دی وشونینگ اوچون هم فارسي سؤزلرنی هم تلفظ جهتیدن و هم املا جهتیدن بیر-بیریدن فرق قیلیشلیگی و بو فارسي تیل‌نینگ کتّه عیبلریدن لیگینی اَیته‌دی:

«... ومعروف ومجهول قافیه‌ده واوییایی هم که فارسي اشعارده واقع بؤلور، ایکّی حرکتدین آرتوق بؤلمس...وترکي الفاظده بومعروف (و) مجهول حرکت تؤرت نوع تاپیلور: هم واوی و هم یایی‌سی بیله. واوی‌سی: اؤت، شیءمحرق‌دور. واؤت مرور معنی‌سی بیله. و اؤت مقمرغه برد جهتی‌دینامر. واؤت که باریدین اریق حرکت-دور. کله‌نی اؤتقه توتوب توکینی آریتورمعنی‌ده» (محاکمةاللغتین: ۲۱-بیت)

شونینگدیک نوایي اؤز فکرینی «تؤر» سؤزی مثالیده بو سؤزنینگ _ دام، توزاق، چگس،

اوی‌نینگیوقاری قسمی و اریق معنی‌لری‌نی بیریش بیلن بونده‌ی فونتیک امکانیت فارس تیلیده بؤلمه‌گنینی دلیللب بیره‌دی.

«ای» و «اِي» اونلیلری خصوصیده، نوايي فارسچه «پیر» و «شیر» (محاکمة‌اللغتین: ۲۱-بیت) سؤزلرینی مثال اوچون ایسلب اؤته‌دی. ایندی بیز فارسچه بو قبیل سؤزلر حقیده بیر آز تؤخته‌لیب، «پیر (pir)- قری» و «شیر (shir)- ارسلان» و «شیر (shir)- سوت» سؤزلریگه اعتبار بیرسه‌ی، فارسچه‌نینگ نوایی زمانیدن هلیگچه فونیتیک تکاملگه ایریشمه‌گنینی انگلب آله‌میز.

علیشیر نوايي محاکمة‌اللغتین» اثریده ایکّی تیل (فارسچه و تورکچه (ایسکی اؤزبیکچه) فونیتیک امکانیتلری، جمله دن ضمه بیلن «واو»؛ کسره بیلن «یا» و «ا» بیلن «ها» آره‌لریده تورکي تیلده مناسبت بارلیگی و بو مناسبت شعر اَیتیشده قافیه امکانیتلرینی کینگه‌یتیریشی نی قید ایته‌دی و فارسلر بونده‌ی امکانیتدن محروملیگینی اَیته‌دی:

«... اول جمله‌دین بیری الف بیله ها آره‌سیده مناسبت و مشارکت بیریبدورلر که بیر لفط نی هم آخری الف لفظ بیله قافیه قیلسه بؤلورف انداق‌که ارا لفظین سرا و درا بیله قافیه قیلسه بؤلور، سره و دره بیله هم قافیه قیلسه بؤلور. ینه بیر مثال انداق که یدا لفظین صدا بیلهقافیه قیلسه بؤلور باده بیله هم قافیه قیلسه بؤلور. و واو بیلن ضمه آره سیده هم اول نوع شرکت قافیه قیلسه بؤلور، غرور و ضرور لفظی بیله هم جایز دور. ویا بیله کسره آره‌سیده داغی بونوع دور انداق‌که آغیر و باغیر الفاظین صادر و قادر الفاظی بیله قافیه قیلسه بؤلور، تأخیر و تغییر الفاظی بیله هم بؤلور که فارسي الفاظده بو سهولت یؤقتور.» (محاکمة‌اللغتین: ۲۲-بیت)

گرچند نوايي دوریده‌گی تیلشناسلیک و تیلگه نسبتاً قره‌شلرنینگ برچه‌سی عرب تیلی صرف و نحویگه اساسلنگن بؤلیشیگه قره‌مه‌ی، نوايي، تیل‌نینگ اینگ مهم و اساسي باسقیچی حسابلنمیش فونیتیکه‌گه حاضرگی دور تیلشناس عالملری نقطه‌ی نظرلری بیلن قره‌یدی و تاووشلرنینگ تلفظ و املاسیگه و تیل‌نینگ سؤز خزینه‌سینی بایيتیش و بدیعي امکانیتلرینی آشیریشده‌گی اؤرنی حقیده به تفصیل تؤخته‌لیب، اؤز فکر و ملاحظه‌لرینی آچیق مثاللربیلن اثباتلب بیره‌دی.

نوايي‌نینگ گرامري تحلیللری

علیشیر نوايي « محاکمة‌اللغتین» اثریده، سؤزلرنینگ رنگمه-رنگلیگی، اولرنینگ معنی و بدیعي امکانیتلری و فونیتیک خصوصیتلرینی آچیب بیریش بیلن عین زمانده، سؤزلرنینگ گرامري توزیلیشینی ایکّی تیل_تورکي و فارسي تیللر زمینیده تدقیق قیله‌دی و بو تیللر گرامري توزیلیشی حقیده سؤزیوریته‌دی و خلاصه و حکم چیقره‌دی.

«عرب تیلی‌نینگ صرفي اصطلاحی‌نینگ ابوابیده بیرباب دورکه انگه مفاعله بابی آت قؤیوبتورلر که لفظ بیر مذکور بؤلور، اما ایکّی کیشی فعلی غه مشتمل‌دور که بیرنوع واقع بؤلغه‌ی انداقکه معارضه ومقابله و مشاعره ومکالمه و کلی باب دور. مونده عظیم فواید حاصل وفارسی گویلر مونچه فصاحت و بلاغت دعویسی بیله بو فایده‌دین محروم. اما ترک بلغاسی بو فایده‌غه تعرض قیلیب دورلر، مصدرغه بیرشین حرفی الحاق قیلماق بیله، اول مقصودی تاپیبدورلر. انداق که چاپیشماق و تاپیشماق و قوچوشماق واؤپوشماق و بوشایع لفظ دور.»(محاکمة‌اللغتین:۲٦-بپت)

نوایي‌نینگ بو مثالی عیناً اؤشه فعل‌نینگ بیرگه‌لیک نسبت یساوچی قؤشیمجه‌سی‌دیر که سؤزلرنینگ تاووش ترکیبیگه کؤره «-یش» و «-ش» شکللریده فعل‌گه قؤشیلیب، فعل نینگ بیرگه‌لیک نسبتی‌نییسه‌یدی و نوایي تیلی بیلن ایتگنده بیرفعل‌نینگ ایکّی کیشی تامانیدن بجریلگنینی انگلته‌دی. حاضرگی اؤزبپک تیلیده بو قؤشیمچه‌بیرگه‌لیک نسبت یسش وظیفه‌سیدن تشقری، فعل‌نینگ اؤزلیک درجه‌سی (بور-یش-دی، قیچ-یش-دی، اچ-یش-دی کبی) و صفت‌نینگ کمه‌یتیریش درجه‌سی (آق-یش، آق(ی)-متیر، آق-راق، کؤک-یش، کؤک_(ی)متیل، کؤک-راق، سریق-سرغ-یش، سرغ-(یم) یتیل، سریق-راق کبی)نی هم یسه‌یدی.

نوایي اؤزبپک تیلیده‌گیینه بیر سیراونوم سؤزیساوچی قؤشیمچه (-چی) کپنگ امکانیتی حقیده سؤزیوریتیب دپیدی:

«بعضی الفاظ نینگ سؤنگغی دا «چی» لفظی دور آرتتورورلر یا منصب نینگیا هنرمندنینگیا پیشه نینگ اظهاری اوچون. فارسیدهیؤقتور، بلکه الر هم ترکچه ایتورلر. منصب ده انداق که قؤرچی، سووچی، خزانه چی،... هنر و پیشه‌ده انداق که قوشچی، قؤروقچی و تمغاچی و جیبه چی و... قازچی و قووچی وتورناچی وکییکچی و تاووشقانچی که سارت لفظیدهیؤقتور و الر مذکور بؤلغانلرنینگ کؤپین ترکچه ایتورلر.»(محاکمة‌اللغتین:۲۷-۲۸-بپتلر)

حاضرگی اؤزبپک ادبي تیلیده هم، «-چی» قؤشیمچه‌سی (آتلردن (ایش آتلریدن، حرکت نامیدن هم)، بعضاً صفت، سان، آلماشلردن آت یسه‌یدیگن سپراونوم قؤشیمچه‌دیر: ایش-چی، اؤقوو-چی، اؤقیتوو-چیکبی.

اؤزبپک تیلیده‌گی «-ت»، «-تیر»، «-دیر» کبی فعل‌نینگ آرتتیرمه نسبتی‌نییساوچی قؤشیمچه‌لر بار و «-ت» شکلیده بو قؤشیمچه‌سی اونلی تاووش بیلن توگه‌گن سؤزلرگه، شونینگدپک، ر، ی اونداشلری بیلن توگه‌گن کؤپ بؤغینلی سؤزلرگه قؤشیلیب فعل‌نینگ آرتتیرمه درجه‌سینی حاصل قیله‌دی: ایش-له-ت، باش-له-ت، تؤخته-ت سؤز-له-ت، کپنگ-ی-ت-ماق، اوزه‌ی-ت-ماق، کم-ی-ت-ماق، ر یاکهی بیلن توگه‌گن بیر بؤغینلی سؤزلرگه «-ت» اپمس، بلکه «-دیر» شکلی قؤشیله‌دی: تي-دیر، قوی-دیر، هور-

دیر، اور-دیر؛ ایکّی بؤغینلی سؤزلرده «-ت» هم، «-تیر» هم قؤللنه‌دی: قیسقر-ت>قیسقر-تیر کبی. نوایي بوقؤشیمچه گرامري وظیفه‌سی موردیده بونده‌ی فکر یوریته‌دی:

«ینه عربي صرف اصطلاحی ده ایکّی مفعوللوق فعللر بار که انینگ اداسی داغی معتبر و کلی دور. اندین سارت‌لر عاری قالیب دورلر. و اتراک انگه هم خوبراق وجه بیله متابعت قیلیب دورلر. الر لفظ غه بیر حرف آرتورغان بیله مونگه اؤخشش بیر ضمیرنی آرتوروبتورلر، بغایت مختصر و مفید توشوبتور، انداق که یوگورت و قیلدورت و یاشورت و چیقرت.»(محاکمةاللغتین:۲۷-بېت)

«بعضی الفاظ آخریده بیر«چ» حرفی وصل قیلورلر انینگ بیله اول فعل ده سرعت یؤسونلوق اراده قیلورلر. انداق که تېگاچ و اېتگاچ و بارغاچ و یارغاچ و تاپقاچ و ساتقاچ» (محاکمةاللغتین:۲۸-بېت)

بیراق نوایي‌نینگ بو فکری، بیر آز توزه‌تیش نی طلب قیله‌دی، چونکه سؤز اوزه‌گی و قؤشیمچه‌سینی اییریشده بیر آز ینگلیشیلگن. یوقاریده قید اېتیلگن آلتیته سؤز _ تېگ+گاچ؛ اېت+گاچ؛ بار+غاچ؛ یار+غاچ؛ تاپ+قاچ؛ سات+قاچ اېکنلیگی ۱۵-عصر اؤزبېک تیلی گرامریده انیقلنمه‌گنلیگی باعث خطاگه یؤل قؤییلگن. یعنی سؤزلرگه فقط«چ» حرفی اېمس، بلکه فعللر اوزه‌گیگه(گاچ، غاچ ، قاچ) قؤشیمچه‌لری قؤشیلگنی‌گه اشاره کېتمه‌گن. اېندی منه شو عین قؤشیمچه حاضرگی اؤزبېک ادبي تیلیده، قنده‌ی تعریف‌گه اېگه‌لیگنی کؤزدن کېچیره‌میز:

-گچ (ک، گ تاووشلریدن سؤنگ -گچ، -کچ؛ ق، غ تاووشلریدن سؤنگ -قچ) قؤشیمچه‌سی پیت و سبب معناسینی انگلتووچی روشداش یسه‌یدی: کؤر-گچ، یاز-گچ، یور-گچ، بیتیر-گچ، تېک-کچ، ییغ-قچ، چیق-قچ.

-گچ قؤشیمچه‌سی روشداش یساووچی -{(ی)ب افّیکسی بیلن بعضاً سینونیمیک مناسبتده بؤله‌دی: اؤقی-ب بؤل-یب کېلدیم ؛ اؤقیب بؤل-گچ کېلدیم. اَیریم حاللرده -گن افّیکسی -گندن کېین (سؤنگ) بیلن وظیفه‌داش بؤله‌دی: او کېل-گچ، مېن کېتدیم؛ او کېل (گندن کېین (سؤنگ) مېن کېتدیم. اونینگ پیت و سبب معنالری، عادتده،متنده ببلّی بؤله‌دی (مثلاً، او ایت-گچ،...)، لېکن انکار فورمه‌سی بیلن کېلگنده، کؤپینچه، سبب بیلدیره‌دی: او بارمه-گچ، مېن باردیم.

-دېک(-ده‌ی) قؤشیمچه‌سی آت، صفت، آلماش و باشقه تورکومده‌گی سؤزلردن صفت و روش یسه‌یدی: بورگوت>بورگوتدېک(-ده‌ی)؛ اؤق>اؤقدېک(-ده‌ی)؛ سیز> سیزدېک(-ده‌ی)؛ اوّلگی> اوّلگیدېک(-ده‌ی)؛ گل>گلدېک(-ده‌ی)؛ قدیمگی>قدیمگیدېک(-ده‌ی). بو قؤشیمچه واسطه‌سیدهیسه‌لگن صفت و روشلر اؤخشه‌تیش، قیاسلش معناسینی بیلدیره‌دی و سینگری، اؤخشش، کبی، قدَر کؤمکچیلری بیلن سینونیمیک مناسبتده بؤلیشی ممکن: گُل-دېک>کبی، سینگری، آی-

دیک> کبی، سینگری. نوایي ایسه بو قؤشیمچه‌نی فقط گمانسیره‌ش معناده قوییده‌گیچه تعریفله‌یدی:

« ینه بیرنوع عبارت و ادالری بارکیم بیراودین بیر ایشنی گمان ایلتمک بیله اول ایشنی اول کیشی گه نسبت گونه بیرورلر. یؤق که تحقیقیوزی دین بلکه مظنه و گمان حیثیتی دین. اما مونده دقت کؤپتور انداق که بارغودیک و کیلگودیک و بیلگودیک و اَیتقودیک و قَیتگودیک و اورغودیک و سورغودیک. بو فارسی ده بؤلمس .» (محاکمةاللغتین :۲۸-بیت)

نوایي محاکمةاللغتین اثریده‌گی لیکسیک، فونیتیک وگرامري تحلیللرینی، اؤز تیلی بیلن_«بونوع جزئیاتقه مشغوللوق قیلیلسه بغایت کؤپ تاپیلور»، دیه سؤزنی قیسقرتیرگنی کبی، بیز هم بو حقده‌گی سؤزلریمیزگه نقطه قؤیه‌میز.

خلاصه

نوایي اؤزی‌نینگ «محاکمةاللغتین» اثریده ایکّی تیل_ تورک و فارس تیللریگه دوچ کیله‌دی و تورک تیلی نینگ فارس تیلیدن افضلیکلرینی سنب اؤته‌دی. بیرینچیدن، او تورکي عنصرنی سارت عنصری بیلن (فارسچه) قوییده‌گیچه مقایسه قیله‌دی:

-تورک سارتدن اؤتکیرراق، او یره‌تیلیش جهتیدن سیلّیق و تازه.

- سارت عقل و علم جهتیدن تورک‌دن انیقراق، مکمللیک، عنایت و فکر نقطه‌ی نظریدن چوقورراق‌دیر.

-سؤزیسه‌لیشیده تورک سارتنییینگیب چیقه‌دی.

-هر بیر تورک فارس تیلیدن فایده‌لنه‌دی، حتی فارس تیلیده شعرلر یازه‌دی.

-هیچ بیرسارت تورکچه گپیره آلمه‌یدی و گپیرگن تقدیرده اونینگ بیگانه‌لیگی بیلینیب توره‌دی.

علیشیر نوایي ایکّی تیلنی قیاسلش جریانیده فارسي تیل‌نینگ کوچلی بیلیمدانی صفتیده نمایان بؤله‌دی، زیرا عیني وخالصانه خلاصه‌لر چیقریش اوچون ایکّی تیلنی هم مکمل بیلماق طلب قیلینه‌دی. بو مکمللیک نوایي نینگ:

-فارسي تیلده معادلی بؤلمه‌گن ۱۰۰ ته فعلنی کیلتیریشی؛

-تورلی ساحه‌لرگه دایر نرسه-بویوم، طبیعي حادثه‌لر و حیوانلرنینگ فارسي تیلده موجود بؤلمه‌گن ناملرینی بیریب، اولرنینگ بعضیلری فارسي تیل لیکسیکه‌سی ترکیبیگه هم کیرگنلیگی حقیده معلومات بیریشی؛

-تویوق ژانری نینگ فقط تورکي شعریتده قؤللنیشیگه اعتبار قره‌تیشی؛

- تورکي تیلده فارسي تیلده بؤلمه‌گن بعضی گرامري شکللر (مثلاً، بیرگه‌لیک نسبتینییساووچی

-یش، آرتتیرمه نسبت یساووچی -ت قؤشیمچه‌لری) نینگ موجودلیگینی مثاللر بیلن دلیللشی؛

- تورکي تیل‌نینگ فونېتیک خصوصیتی قافیه‌داش سؤزلر اوچون فارس تیلیگه نسبتاً قوله‌یلیگینی اساسلب بېریشی بیلن باغلیق حالتلرده یقّال کؤرینه‌دی.

قؤشیمچه تیل بؤلگن تورکي تیلده فعللرنینگ بایلیگینی حسابگه آلیب، امیر علیشیرنینگ بو دعواسی جوده اؤرینلی. چونکه‌قؤشیمچه‌لریاردمیده هر قنده‌ی تورده‌گی سؤزدن،ینگی بیر سؤزیسش ممکن، حتا که تاووشلر هم حاضرگی تیلده توزیلیشی ممکن و بوندن تشقری، کوچه‌یتیرمه‌لریاردمیده هر بیر فعل تورلی شکل و معنالرگه ایگه و کؤپینچه دېیرلی اؤزبېک تیلیده‌گی برچه فعللر "عادي فعل" توریگه کیره‌دی و بو کېنگه‌یتیریلگن تیللرگه خاص خصوصیت بؤلیب، باشقه تیللرده بو خصوصیتیؤق.

فایده لنیلگن اثرلر:

۱. نوایي علیشېر، محاکمةاللغتین (تاشقین بهائي اهتمامی بیلن)،تؤران نشری، کابل، ۱۳۸۸-ییل.

۲. نوایي علیشېر، ۲۰ جلدلیک اثرلر تؤپلمی،۱۴-جلد(نظم‌الجواهر)، اؤزبېکستان «فن» نشری،۱۹۸۹-ییل.

۳. نوایي علیشېر، ۲۰ جلدلیک اثرلر تؤپلمی،۱۵-جلد(نظم‌الجواهر)، اؤزبېکستان «فن» نشری،۱۹۸۹-ییل.

۴. نوایي علیشېر، ۲۰ جلدلیک اثرلر تؤپلمی،۷-جلد(حیرت الابرار)، اؤزبېکستان «فن» نشری،۱۹۸۹-ییل.

۵. نوایي علیشېر، ۲۰ جلدلیک اثرلر تؤپلمی،۸-جلد(فرهاد وشیرین)، اؤزبېکستان «فن» نشری،۱۹۸۹-ییل.

٦. ع.غلاموف و باشقه‌لر، اؤزبېک تیلی مورفیم لغتی، تاصکېنت، اؤقیتووچی نشری، ۱۹۷۷-ییل.

علیشیرنوایی اثرلریده انسان سیما سی

سید نورالله امینیار

قیسقرتمه:

انسان کلمه سی وانسانیت مقامی دن آرقه داشلیک قیلیش نوایی اثرلری نینگ توب تاشینی تشکیل بیره دی. نوایی بوتون عمری بوییچه قشاق وبینوا اولوس دن واولرنینگ حق –حقوقیدن دفاع ایتیب، ظالم وجفا قیلوچیلر مقابلیده هاریمس کوره شیب کیلگن. انسان وانسانیت مقامینی ارداقلب، انسانلربیر بیری بیلن انیس، مونس، مشفق وایچکویر بولیشلرینی ترغیب ایتگن.

انسان بیر اجتماعی موجود صفتیده، کیشیلیک جامعه سیده یشب، اولوس سیوینچی وسیوینیب -قووانیب یوریشی دن، سیوینیب، مونگلی وقیغولی تورموشیدن قیغوریب یوریشی کیره ک، شونده ی عواطف و انسانی کیچینمه سی بولمه گن کیشی نی انسان دییش هم نا توغریدیر؛ آدم بولیب یشه ماقچی بولسنگ، آدم اولادی بولمیش اوز همنوع لرینگدن ییراقلیگده یشه مه و اوزینگنی اولرنینگ ایزگولیک و یمانلیکلریدن اوزاق توتمه، یخشی و سعادتلی کونلری ده قووانیب، یمان وقیغولی کونلریده، قیغوریب، قیغوداشلیک اظهار ایت؛ باشقه لرنینگ غمیدن اوزینی بی غم توتگن کیشی نی، آدم دیمه. نوایی نینگ بو حکمتلی سوزی اونینگ اینگ عالی و چوقور انسانی سیزگی سی و انسانیت مکتبی نینگ بویوک چوققیسی بولیب حیات کیچیریشیدن آچیق بیلگی دیر. بومقاله ده قوییده گی سوراقلرگه جواب بیریله دی:

الف)انسانی سیزگیلرو انسان بولیب یشش دن هدف نیمه؟

ب)برچه کیشیلر گه انسان خطاب قیلیش توغریمی؟

شو باعثدن، انسانسیور متفکر شاعرعلیشیرنوایی حقلی روشده :

آدمی ایرسانگ دیماگی آدمی

آنی کیم یوق خلق غمیدین غمی؛-دیب انسانسیورلیک غایه سینیترغیب ایته دی.(۱۷:۷)

آچر سوزلر: انسان سیما سی،ایزگولیک، یمانلیک، انسانی کیچینمه، قیغوداشلیک، توغریلیک.

کیریش: اولوغ تینگری اوزکمالا تی بیلن بوتون جهان و برچه بارلیقلرنی یره تیب کیملیگی وقدرتینی بیلدیریش اوچون، هربیرینی بیرکوزگوقیلیب قویدی. اوشبو بارلیقلر تینگری تعالی وجودیگه گواه بولیب قالدی. شونچه لیک گنج و بایلیکلر کوپدیر که اولرنینگ سانینی تینگری نینگ اوزیدن باشقه کیشی بیلمس وسان- سناق سیزدیر؛ لیکن بو برچه یره‌تیلگن نرسه لردن مقصد یلغوزگینه انسان ایدی دیب، حیرت الابرارمثنوی سیده تاکید ایته‌دی.

مونچه غرایب که کمال ایله دینگ

بارچه نی مرآت جمال ایله دینگ

گنجینگ ارا نقد فراوان ایدی

لیک باریدین غرض انسان ایدی(۱۹۷:۷)

اوشبوعلمی –تحقیقی مقاله ده،اولوغ متفکر، یازووچی وذواللسانین شاعر علیشیرنوایی نینگ ایجادیاتیده انسان سیماسی نینگ انعکاسی نی تیکشیریب اوتیب، ینه انه شو ارتباط ده بیرقنچه منبع‌لرنی قیدیریب اولرنینگ ارزشلی نکته لریدن آسیغلندیم.

کانلر، حیوانلرو اوسیملیکلرنی یره‌تیب، هر بیرینی عالی صفت‌لر بیلن بیزب قویدینگ وبرچه سینی لطیف یره تدینگ؛ بیراق اولر اراسیده انساننی شریف ایلب، کاینات و خلقت نینگ تاجی قیلیب، اشرف المخلوقات اته دینگ.

کانی وحیوانی اگر خود نبات

هربیری بیر گوهر عالی صفات

بارچه سینی گرچه لطیف ایله دینگ

بارچه دین انسان نی شریف ایله دینگ(۲۰۲:۷).

ارسطو انسان تعریفیده سوز یوریترایکن، انساننی ناطق حیوان دیب بهاله یدی؛ یعنی نطق بیلن انسان حیوانلرگله سیدن فرق لنه دی؛- دییدی و سعدی ایسه :

به نطق آدمی بهتر است از دواب

دواب از تو به گر نگویی صواب ؛-(۴:کلیات) دیب انه شو فکرنی تاکید ایتیب، انسان حیواندن اوزنطقی بیلن اجره لیب توره دی وافضل دیر. یخشی ایشلر قیلیب یورمه گن و ایگریلیک بیلن یوغریلیب کیتگن انسانلرگه نسبتآ حیوانلر افضلدیردیگن. بو مساله برچه گه قویاش کبی یارقین دیر که

حیوان بیلن انسان اورته سیده گی کته فرق، اونینگ سوزلشیش کوچی گه ایگه بولیب، تفکر قیلیش و کیله جک اوچون اویلب بیلیشی دیر. انه شو سوز تاثیریده کفرایلی اسلام گه یوزکیلتیریب مسلمان بولیب کیلگن. شو باعثدن انسانیت دینگیزی نینگ قیمتلی اینجوسی و آدمیت گلشنی نینگ چوچیک میوه سی هم انه شو سوز بولگن.

سوز بیله کفراهلی مسلمان بولوب

سوزبیله حیوان دیگن انسان بولوب

سوز دورورگهری معدن انسان

گلشن آدم ثمری سوز دورور (۷:۲۴۰)

نوایی فکریچه انسان تینگری تعالی آرقه‌لی ییر کره‌سیده خلیفه قیلیب تعیین‌لنگن و الهی رازلری و گنجلری گه شرفلنگنی طفیلی، انه شو سوز بیلن حیوانات عالمیدن اوستون توریب، بو یوکسک فضیلت ایگه سی بولیب کیلگن:

تینگری که انساننی قیلیب گنج راز

سوز بیله حیوان دین انگه امتیاز (۷:۵۵۰) روس بویوک یازووچی سی ماکسیم گورکی ادبیات نینگ هدفی نی یاریتیب بیررایکن، سوز و اویلاو کوچیگه ایگه بولگن انسان گه خطاب ایتیب: «سوزله مسدن آلدین اویلاوینگنی و بیلیمینگنی آرتتیر»؛-دییدی. (۵:۲۸)

موضوع باشلنیشی:

انسان بولیب یشه سنگ، انسان بیلن سیوگی بیریب حیات کیچیر؛ نیگه که انسانگه انساندن اوزگه کیشی یره شمس؛ یعنی هرکیم اوزجنسی بیلن ایزگولیکده یششی کیره ک. انسانگه انسان وانسانیلیک یخشی دیر.

ای کونگل، حور وپری وصفین ایشیتتیم گوییا

هیچ قایسی آدمیلیغده ایمس انسانچه خوب

(۱۰:۹۳)

نوایی، انسان نی انسانگه بولگن سیوگیسینی ومحبتلی یشش یوکسک غایه سینی ایلگری سوریب، آدم بولیب تورگنده، نیگه آدم نی قوییب پری ذاتنی، سیویب قالدینگ؟ مگرتیلبه بولدینگمی؟ باردی تیلبه لیک طفیلی اولسم، مینینگ قانیم سینینگ بوینینگده دیب، کونگلیگه خطاب ایلب دییدی:

تیلبه لیک اولتورسه هم بوینونگغه قانیم ای کونگل

بار ایکن آدم، نیگه میل پریزاد ایله دینگ

(۱۰:۳۹۸)

شونینگدیک:

ای نوایی اول پری اولتورسه هم آز دور سینی

کیم که انسان دور انینگ محبوبی هم انسان کیره ک؛-دیب، انسان نینگ انسان گه بولگن سیوگیسی و محبتی نی ارداقلب، انسان اوزی نینگ یوکسک معنوی مقامینی ایزکولیک بیلن سقلش توغریسیده آته لیک اوگیت بیره دی.

انسان هیچ قچان حسن وچیرایی، بایلیکی، کوچ وقدرتیگه مغرور بولمسلیگی واوزینی اونوتمسلیگی کیره‌ک، نیگه که چرخ وفلک نینگ گردشی بهاراوتمه‌ی خزان یتیب کیلیشینی بیلدیره دی .

نوبهار حسن دین تاپمه فریب، ای شوخ کیم

چرخ دوری نوبهار اوتمای خزانین ییتکورور (۱۹۴:۱۰)

نوایی انسان مقامی یوکسک لیگینی ارداقلب شرفله یدی وتینگری برچه بارلیقلرنینگ تاجی و چلچراغی قیلیب یرتگن انساننی اولوغله یدی. شوندی ایکن انساننی، هر بیر انسان هم ایمس؛ بلکه کامل انساننی، سیناودن موفق بولیب اوتگن انساننی آلقیشلب، دییدی :

یا رب اوشل گنج که محرم انگه

کیمسه ایمس تور، مگر آدم انگه (۱۹۷:۷)

کیم نی که ایلای دیر ایسنگ محرمینگ

کوپ سینه مای ایله مه گیل محرمینگ(۴۱:۷)

نوایی فکریچه، جهان ده انسان بولیب یشه ماق بیلگی سی؛ ایمانلیک یشش و ایمان چاشنی سیدن آسیغلنیش دیر.

کیم که جهان اهلی ده انسان ایرور

بیل که نشانی انگه ایمان ایرور(۲۸۸:۷)

نوایی انسان سیماسی نی یاریتیب بیرر ایکن؛ اونینگچه انسان بولیش و انسان من دیب یشش نینگ شرط لری بارو او شرط لر ایسه اوچته: بیری صبر'ینه بیری شکر وباشقه سی هم حیا ؛یعنی شونده ی فضیلت لر ایگه سی بولگن کیشی نی انسان دییب ایتیش ممکن.

بس انی انسان اته غیل بی ریا

کیم ایشی دور صبر ایله شکر وحیا

اسلام بویوک ایلچی سی حضرت محمد(ص)نینگ مبارک ارشاد لری گه بنآ انه شواوچ فضیلت انسان اوچون هم و ایمان اوچون هم، کیره کلی دیر. ایمانلی انسان بولیش نینگ بیلگیلری: چیدملی

بولیش، الهی نعمت لرگه شکر قیلیش و حیالی بولیش دیر.

بویله بویوردی نبی هاشمی

کیم بو اوچ ایمان نینگ ایرور لازمی

بس انی انسان دیمک بولغی روا

کیم ایشی ایمان بیله تاپغی نوا(۲۸۹:۷)

اولوغ ایگم، جهان ده خلق نی ایکی تورگه اجره تیب قوییدی: بیری نجات اهلی و ینه بیری هلاک اهلی. بیری اوزی و اوزگه لرنی هلاکت دن، تموغ اوتیدن، قیناقلی و چیدمسیز تورموش دن قوتقریش و نجات بیریش اوچون، کون سه یین تلاش ایتیب، ایش و کوره ش آلغه آلیب باره دی و حیات کیمه لری و قایق لرینی نجات قیرغاقلریگه یوله یدی و سعادت تمان اونده یدی ؛ینه بیری اوزی نینگ شوم وقرا نیت لری، یمان عمللری و قیلمیش لری بیلن توغریلیک ایمس؛ عکسینچه ایگریلیک تمان باشقره دی، هلاکت و شقاوت تمان آلیب باره دی. بیری توغریلیک، ایزگولیک سعادت و یاغدولیک ایلچی سی بولسه، ینه بیری ایگریلیک، یمانلیک، شقاوت و قرانغولیک ایلچیسی بوله دی.

عالم ارا خلق نی یزدان پاک

اهل نجات ایتی واهل هلاک(۲۹۹:۷)

اوشبوجهان نینگ یره تیلیشی دن ایلک مقصد اونینگ اینگ چیرایلیک و گوزل گلی بولمیش انسان ایدی که اولوغ تینگری اوزی نینگ قدرتی و کیملیگی نی بیلدیریش اوچون ،کاینات و اونده گی بوتون بارلیقلرنینگ قیمتلی ساوغه سی بولمیش انسانني یره تیب، اونی ییر یوزیده گی نماینده سی و ایلچی سی قیلیب تنله دی. برچه بارلیقلرنی یره تووچیسی تینگری دیر؛ برچه سی ینه اونگه قه یتیب باره دی؛ اوشبو یره تیلگنلرنینگ ایچیده اینگ افضلی انسان دیر.(۱۵۸:۳).

بوچمن اولماغیده موجود انگه

بار ایدی انسان گلی مقصود انگه(۴۳۹:۷)

نوایی، انسانگه محبتی، انسان نی انسان بولیب یششی یولیده هاریمس ایش وکوره شینی ایسلب اوترایکن، زمان وزمان آدم لری نینگ دردینی اوزی نینگ دردی بیلیب، اینگ مهلک درد ایکنینی اورغوله یدی .

منگه عشق دردی ایمس مهلک و بس

زمان دردی، اهل زمان دردی هم دور(۱۸۴:۱۰)

انسان هیچ قچان حسن وچیرایی ،بایلیکی، کوچ وقدرتیگه مغرور بولمسلیگی واوزینی اونوتمسلیگی

کیره‌ک؛ نیگه که چرخ وفلک نینگ گردشی بهاراوتمه‌ی خزان یتیب کیلیشینی بیلدیره دی .

نوبهار حسن دین تاپمه فریب، ای شوخ کیم

چرخ دوری نوبهار اوتمای خزانین ییتکورور (۱۹۴:۱۰)

علیشیرنوایی نینگ مکتبی، انسانیت مکتبی، اسلامیت مکتبی، یخشیلیک مکتبی، بیلیم و معرفت مکتبی، اورگتیش واخلاق مکتبی، اسلامیت وآدم اولادی نینگ بیر بیریگه سیوگی بیریش مکتبی، عدالتسیزلیککه قرشی تینیمسیز کوره ش مکتبی، همده جهالت و ایگریلیککه قرشی یاغدولیک، توغرلیک، بیلیم و معرفت قورالی بیلن هاریمس اینتیلیش، تلاش ایتیش و کونده لیک ایشلش و علم کمالات گه ایریشیش مکتبی، قیسقه قیلیب ایتگنده ایگریلیککه قرشی توغریلیک مکتبی و یمانلیککه قرشی یخشیلیک مکتبی دیر. نوایی اولوس تینچ حیات کیچیریشی یولیده هاریمس ایش وکوره ش آلغه آلیب باردی،دولت واولوس یاوولری مقابلیده جسارت بیلن کوره شیب، عدالت اورنه تیلیشی اوچون بوتون کوچ بیلن ایشله دی. (۲۱۱:۱)آدم اولادی یره تیلیش دهبرچه سی انسان بولیب یره تیلگن، بیراق اونینگ خصلت لری، خلق-اطواری، بیلیم ومعرفتی، فعل وعملی بیرایمس، اوشبو فکرنی اولوغ نوایی اوزی نینگ بیشینچی داستانی بولمیش سداسکندری ده قوییده گیچه یاریتیب بیره دی:

بوکیم آدمی بارچه انسان دورور

باری آفرینش ده یکسان دورور...

بوکیم خلق ایرور آفرینش ده بیر

نی دانش ده بیر دور، نی بینش ده بیر

(۴۶۰:۱۱)

انسان مقامی یوکسکدیر، هرکیمسه نی هم انسان دییش توغری ایمس؛ بلکه خطادیر، سیماسی انسان گه اوخشب قالسه-ده، قیلمیشی و خلق-اطواری اوزگچه بولیب، انسانیت مقامی گه قرشی دیر.

کیم نی که انسان دیسنگ انسان ایمس

شکل ده بیر فعل ده یکسان ایمس (۴۰:۷)

شونینگ دیک:

هرکیشی عالم ایلیده خوب ایمس

هر کیشی نینگ هر ایشی مرغوب ایمس(۵۳۳:۷)

بوتون جهان دن بیر یار ایسته دیم؛ لیکن مینینگ ایسته گیم عمل گه آشمه ی، کوپ ایسته گن کیشیم، آز تاپیلدی دیب افسوسلنه دی:

قان یوتوب عمری جهان اهلی ده بیر یار ایسته دیم
لیکن اول کمراک تاپیلدی، گرچه بسیار ایسته دیم(۴۸۵:۱۰)

انسانگه انسانیسوگی بیریب شفیق ومهربان بولیش کیره ک و انسان عمری نینگ عیشی، ایزگولیگی وخوشلیگ چاغلری اونینگ وفالی یاری و یخشی یولداشی بارلیگیده دیر. وفاسیز یار، یاغدوسیز شمع گه، هیدسیزگل گه و میوه سیز ییغاچ گه اوخشر:

بس کیشیگه عمر خوشی یار ایمیش
عمر دیگن یار وفادار ایمیش
یار که آیـین وفایوق انگه
)شمع کیبی دور که ضیا یوق انگه(۳۰:۷

انسان اجتماعی بیر موجود دیر.انه شو باعث دن یلغوزلیکده حیات کیچیریش ممکن ایمس. خلقیمیزنینگ حکمتلی سوزلری دیر که یلغوزلیک یلغوزگینه تینگری گه یاقیبدیر و خالققه یکه لیک یراشور نه مخلوققه. یکه آت نینگ چنگی چیقمس؛ چنگی چیقسه هم دانگی چیقمس. نوایی خلق مقاللری و سوز اینجولریدن اونیملی آسیغله نیب دییدی:

فردکیشی دور ده تاپمس نوا
یالغوز آووچدین کیم ایشیتمیش صدا
تاق کیشی عیشی اویین بیل نگون
)اویگه قچان حامل ایرور بیر ستون(۳۰:۷

نوایی خلق آغزه گی ایجادی و خلق تعبیرلری دن الهام لنر ایکن، بیر قتله کولگو کیینی دن یوز قتله ییغی کیلیشی ممکن دییدی، یا:«از پی یک خنده صد گریه مهیاست»دیگن دیک، ایچکی کیچینمه لرینی عکس ایتتیره دی:

دهر بوستانی ارا برق و بولوت دین انگله دیم
ییغله ماق یوزقتله دور بیر قتله کولگو اورنیده(۵۹۸:۱۰)

روزه ییتیب کیلدی ومینینگ ایچیش وییشیم کم بولمه دی، نیگه که ایچمه کیم قان وییمه کیم قیغو والمدن باشقه نرسه ایمس ایدی، بیره م بولگنده ایل-اولوس می ایچسه لر، مینینگ نصیبیم بغر قانی بولیب قالدی، یعنی مین روزه ده هم ییدیم وهم ایچدیم؛ یعنی یورک بغر قانی بیلن وقیغو الم دن اوزگه نرسه مینگه میسر بولمه دی، دیب، قوییده گیچه دوران دن شکایت ایته دی.

روزه بولدی ومنگه ایچمک-ییمک کم بولمه دی
ایچمه کیم جزقان،ییمک جز غصه وغم بولمه دی...

ای نوایی،عید اولوب ایل ایچتی لر می دمبدم
بیزگه جز خون جگر جامی دمادم بولمه دی(۱۰:۶۷۰)

دوران جفاسی ییتمه سین دیسنگ، بوآچون گه کونگل بیرمه، دوران؛ بلکه اهل دوران گه هم کونگل باغلمه، دیب کونگل نداسینی انعکاس ایتتیره دی.

کیم که ایستر جانیغه دوران جفاسی ییتمه گای
کونگلینی دوران دین اوزسین، اهل دوران دین داغی(۱۰:۶۵۶)

بیر غمخواریم بولمسه هم، ایشیم غم ییماق ایدی، طرفه ایش بو که، بی غمخوار بولسم هم، اوزیم غمخوار بولیب قالدم. یعنی هیچ کیمسه مینگه یوره ک کویدیریب، مینینگ قیغو لریم گه قیغور مه دی، شونده ی بولسه هم مین اولوس غمی نی اوز غمیم بیلیب قیغوردیم دییدی:

غم ییمک بولمیش ایشیم یوقتور ولی غم ییرکیشیم
طرفه ایش کیم گرچه بی غمخوار مین، غمخوارمین(۱۰:۵۲۳)

انه شو باعث دن ترک یار و دیار ایتیب، باشیم نی آلیب چیقیب کیتسم تعجب قیلمنگ؛ نیگه که هم جهان دن هم جهان اهلی بولمیش زمان آدم لری دن یعنی ایکله سیدن هم ملول من و کونگلیم قالیشگن؛ دییدی.

گرباشیم آلیب جهاندین چیقسم ایرمستور عجب
کیم ملول اهل جهاندین اولچه دیرسن بارمین
ای نوایی،عمر اگر بودور اجل رحم ایله بان
کیلسه جانیم آلغه لی جان بیله منت دار مین(۱۰:۵۲۳)

علیشیر نوایی، کامل انسان صفتیده بوتون انسان و انسانیت نی اولوغلب، انسان سعادتینی کویلب ترنم ایته دی و انسان نینگ باشیگه توشگن کلفت لر و قرانغولیکلردن قیغوره دی و دییدی:

آچیب کوکسیم شکافین ایله دیم کونگلومنی نظاره
ایرور یوز پاره و غم تیغی دین مینگ یاره هر پاره(۱۰:۵۸۴)

ایل تیلیدن تارتگن رنج-عذابیم وقیغو-الملریم نینگ سان-حسابینی، بوتون بدنیم ده گی ساچ وقیللر تیلگه ایلنسه هم، مینگ دن بیرینی ایته آلمس؛ دیب باش کیچیرمه سینی یاریتیب بیره دی:

ایل تیلی دین کوردوم آنچه غصه کیم مینگ دین بیری
ایتماق بولمس تنیمده هر سر مو بولسه تیل (۱۰:۴۲۶)

عالم ده درد اهلی تاپیلمه گنی سببلی، دردلریم وقیغولریم آشکاربولمه ی یوره کیمده یاشیرین

قالیب اوشبو آچوندن کوزیومیشیم ممکن دیب افسوس لنه دی.

یاشورون دردیمنی قیلماق آشکار اولگوم دورور

آه کیم عالم ده اهل درد تاپیلمس کیشی (۶۷۹:۱۰)

قیغولیک کونگلیم نی سیوینتیریش امیدیده ایدیم تیسکریسی بولیب قالدی، سیوینتیریش اورنیده ظلم ستم لر آشیب کیتدی؛ یعنی بیداداوستیده بیداد، قیغواوستیده قیغولریمنی آرتیریب ییباردی دیب، یار-دوستی دن شکایت ایته دی:

ایسته دیم یاری که کونگلوم دمبدم شاد ایله گای

بیلمه دیم جانیم غه بیداد اوزره بیداد ایله گای (۶۸۸:۱۰)

زمان آدم لری بینوا -بیچاره لرگه رحم ایله مس، درد قیغو سیدن اولیمگه یوزلنسنگ هم، زمان اهلیدن دوا و چاره ایستمه دیب کونگل ندا سینی یاریتیب بیره دی.

درد ارا اولسنگ دوا اهل زمان دین ایسته مه

کیم تاپیلمس دهر ارا بیچاره لرغه چاره رس(۲۸۲:۱۰)

بویوک یازووچیلر اوز دوری نینگ اجتماعی حیاتیده گی واقعه -حادثه لرنی وینگی اجتماعی-اخلاقی نیازمندلیکلرنی اوز اثرلری آرقه لی انعکاس بیریب قلم تیبره ته دیلر وانسانیت مقامیدن دفاع ایتیش گه بیل باغلب میدانگه چیقه دیلر.(۲۱۵۶:۲)

نوایی انسان سیور لیک تویغو لرینی ایلگری سوریب، اولوسگه اوت سالماقچی بولسنگ، اول مینی اوتگه سال کیینچه لیک اولوسنی دیب، اوزی نی اولوس فدایی سی و انسان حقوقی نینگ آرقه داشی و مدافع سی ایکننی اورغولب بیره دی: اولوسقه اوت سالور اورسنگ مینی بورون اورته

نیدین که اوت نی توتشتورغالی کیره ک خاشاک (۳۸۱:۱۰)

بابرظهیرالدین محمدبابرهم نوایی دیک انسان نی انسان گه محبتلی بولیب ،یخشیلیک قیلیشی نی تاکید ایتیب دییدی:

باری ایلغه یخشیلیک قیلغیل که موندین یخشی یوق

کیم دیگه یلر دهر ارا قالدی فلان دین یخشیلیغ

علیشیر نوایی، بو آچون ده هیچ نرسه منگو و جاویدان ایمس، شو باعث دن انسان بیر بیراوی بیلن محبت و سیوگیلیکده یشب یخشیلیک قیلیشی کیره ک لیگینی اورغوله یدی، منگوحیات و سعادتلی تورموش یلغوز گینه یخشیلیک قیلیش بیلن میسربوله آلیشینی اوغوله یدی:

بو گلشن ایچره که یوقتور بقا گلی گه ثبات

عجب سعادت ایرور چیقسه یخشی لیک بیله آت

سونگیچ: علیشیرنوایی اوز دوری نینگ انسانلر ی، اولرنینگ اجتماعی-سیاسی واخلاقی -فرهنگی مساله لریگه ایریم بابلربغیشلب، اوز قره شینی افاده لب، ظالملر وستم قیلوچیلر نینگ ظلمینی قرا لب قتیق تنقید ایته دی وبینوا-بیجاره انسانلر حق-حقوقیدن دفاع وآرقه داشلیک قیله دی.

شونده ی قیلیب، انسان بولیب یشش، باشقه انسانلرگه نسبتا ایچکویر بولیب نفع ییتکیزیب یشش ده، اوز همنوعلریگه نفع ییتکیزگن انسان، حقیقت ده اوزیگه نفع ییتکیزیشده دیر. آغیر وقتتیق کونلریده قیلگن یخشیلیکلری اوز اونگیدن چیقیشی بیر امرمسلم دیر؛ شونده ی که دیگنلر: یخشیلیک قیل سوگه سال؛ بیلسه بلیق بیلمه سه خالق. یمانلیغ قیلگن کیشیلر عاقبتده یمانلیغ کوریشلری ممکن؛ ایلگریکی بویوکلریمیز سوزلریدیرکه: یخشیلیغ قیل امیدوار بول؛ یمانلیغ قیل خبرداربول. علیشیرنوایی شونگه تیه نیب، اوز بیلیمی و ییللر بویی ییغگن تجربه لری اساسیده دییدی:

نفعینگ اگر خلققه بیشک دورور
بیل که بونفع اوزونگگه کوپراک دورور
(۳۲:۷)

شوکبی:

اول که ضررشیوه سینی طور ایتر
ایلیگه دیمه کیم اوزیگه جور ایتر (۳۲:۷)

ادبیات نینگ باش موضوعی انسان واونینگ مقدراتی دن عبارت. ادبیات هنر نینگ برچه ترماقلرینی اوزتاثیری آستیده قرار بیره دی؛ انسانلرنینگ تمدن و فرهنگی وتورموش وضعیت لری اولرنینگ ادبی اثرلریده بیلگیلنه دی و انعکاس تاپه دی.(۱۲:۵)عکسینچه بیلیمسیز و هنرسیز کیشیلر سانلری یوزلرگه ییتیب بارسه هم، انسانلر یانیدن اجره لیب یلغوز قالیشلری ممکن .

یوق هنری یالغوز ایسه یوز کیشی
قایده کیشی سانیده یالغوز کیشی (۳۰:۷).

نوایی دن قنچه ییللر ایلگری یوسف خاص حاجب:

عقلسیزوهنرسیز کیشی میوه سیز ییغاچ دیر،
میوه سیز ییغاچ نی آچ کیشی نیمه قیلسین؟(۱۳۲:۱۳) دیب سوز یوریتگنایدی.

بویوک ادیب احمد یوگناکی علم بیلن جهل وعالم انسان بیلن جاهل کیشی اورته سیده کته فرق قوییب ،بیلیم تمان یوللب وبیلیم اهلی نی آلقیشلب، بیلیمسیز کیشیلر دن ییراقله نیش نی تاکید له یدی. بیلیمدان کیشی لرگه اوزینگنی باغله؛ بیلیم بیلن بخت – سعادت یوللری اورگه نیله دی؛ بیلیم ایگللب،

سعادت یولینی تاپ؛بیلیملی کیشی قیمتلی آلتین دیر؛ سویککه ایلیک، بیلیمسیز ایلیک سیز سویک دیک بوش –قوروق دیر؛ ایلیک سیز سویککه قول اوزتمه یدیلر. بیلیملی انسان اولسه هم، آتی اولمه یدی؛ بیلیمسیز کیشی تیریک بولسه هم آتی اولیکدیر.(۱۴۲:۱۴) بوکینگ آچونده یره تیلیب وانسان بولیب یشش دن هدف حقیقی وتولیق انسان بولیش وکامل انسان پغانه سیگه ایریشیش دیر. نوایی فکریچه بوآچونده بیلیم ایگللب کمالات کسب ایتیش اسلامی تعلیمات گه بنا فرض بولیب کیلگن؛ عکسینچه ده اونینگ بار ویوقی هدفسیز وتیریکلیگی واولیمی مفهومسیز دیر.

نوایی انسان بویوکلیگی نی آلقیشلب ،انساننی کیشیلیک جامعه سیگه سعادت و یخشیلیک کیلتیریش اوچون بیلیم ایگللب و اونگه عمل قیلیش گه چقیردی.

علم نوایی سینگه مقصود بیل

ایمدی که علم اولدی عمل ایله گیل(۴۲۲:۷)؛-دییدی.

هر بیر کیشی انه شو بیلیم، معرفت و هنر آرقه لی انسان و انسانیت جامعه سی نینگ اینگ مهم خادمی، پارلاق ونورافشان سیما سی صفتیده ،اوزی نینگ اجتماعی موجود بولیب یره تیلیشدن مقصد نیمه ایکنینی اثباتلش کیره‌ک.

ماخذلر:

۱-سیدنورالله.(۱۳۹۴).اوزبیک ادبیاتی تاریخی.کابل:مطبعه سی.امینیار

۲-خزایل،داکترحسن.(۱۳۸۴).فرهنگ ادبیات جهان.تهران:نشر کلبه.

۳-شرعی جوزجانی،عبدالحکیم.(۲۰۱۲).تصوف وانسان.کابل:سعید انتشاراتی.

۴-سعدی،مصلح الدین ۱۳۷۰ کلیات سعدی تهران:مطبوعات نشر .

۵-علی پور،منوچهر.(۱۳۷۸).آشنایی با ادبیات کودک.تهران:فردوسی.

٦-گورکی،ماکسیم .(۱۳۵۹).هدف ادبیات. تهران:ارژنگ .ص۲۸

۷-نتن،مرادیویچ مله یف.(۱۹۷٦).اوزبیک ادبیاتی تاریخی؛تاشکینت:اوقیتوچی نشریاتی.

۸-نوایی،میرعلیشیر.(۱۳۹۳).خمسه-حیرت الابرار.کابل:امیری باسمه خانه سی.

۹-.نوایی،میرعلیشیر (۱۳٦۹).خمسه-حیرت الابرار مثنوی سی. کابل: مطبعه دولتی.

۱۰-نوایی،میرعلیشیر.(۱۳۹٦).خزاین المعانی-نوادرالشباب.کابل:امیری باسمه خانه سی.

۱۱-نوایی،میرعلیشیر.(۱۳۹۳).خمسه-سدسکندری.کابل:امیری باسمه خانه.

۱۲-و.عبدالله یف و دیگران.(۱۹۷۸).اوزبیک ادبیاتی تاریخی.تاشکینت:فن نشریاتی.

۱۳-یوسف،اولوغ خاص حاجب.(۱۹۴۱). قوتدغوبیلیک.استانبول:مطبعه عامره.

۱۴-یوگناکی،ادیب احمد.(۱۹۷۱م).هبة الحقایق.تاشکینت:غفور غلام نامیده گی بدیعی ادبیات نشریاتی.

امیرالکلام علیشېرنوایی اؤزبېک تیلیده اېلک مستقل تصوفی-عرفانی اثرلرمؤلفی

محمدکاظم امینی

کیریش سؤز

عرفان وتصوف شرق ادبیاتی جمله دن تورک-اؤزبېک ادبیاتی تاریخیده اوزاق عصرلربغریدن سووایچه‌دی. تاریخی جهتدن معلوم که اسلام قوتلوغ دینی ظهوریدن کېین اؤرته آسیا اهالیسی ینگی بیرباسقیچگه قدم قؤییب، اوشبوکېنگ ساحه ده ظهورقیلیب، وایه گه یېتشگن قدیمی دینلرسنه‌لگن شمانیزم وزرتشتیزم گه اؤخشش دینلرانقراضگه اوچره‌ب، اوشبواهالی حیاتیده اسلام دینی قابیغیده شکللنگن عرب مدنیتی رواجلنیب، رسمی‌لشدی.

تصوف و عرفان(پانته‌ییزم) اسلام ظهوریدن آلدینگی دینلرده اؤرته آسیااهالیسی اره‌سیده موجودبؤلگن حالده هم،لیکن اونینگ رسمی تاریخی، اسلام دینی تاریخی ظهوریگه باریب تقیله‌دی. ایککینچی-اوچینچی قمری هجری عصرلر(۸-۹نچی میلادی)دن باشلب تصوف و صوفیگرلیک اجتماعی حیات همده ادبیاتده اساسی موضوع همده بیرروح صفتیده اؤرین اېگللب تورکی زبان خلقلرمعنوی حیاتیده کتته رول اؤینب کېلدی. شونینگدېک تصوف وعرفان عصرلر دوامیده منطقه خلقلری اوچون روحی تینچ، فیض وبرکت بولاغی بؤلیب کېلگن. عصرلر اؤتیشی بیلن اوشبو معنوی آقیم اَسته-سیکین اؤز ترقیات باسقیچلریگه قدم قؤییب، منتظم روشده بیرادبی یونه‌لیشگه اَیله‌نیب، اؤزبېک ادبیاتی تاریخیده ییریک اثرلرنینگ یؤزه‌گه کېلیشی‌گه زمینه بره‌تدی.

قمری هجری ۹-۱۰نچی عصرلر (۱۴-۱۵ میلادی عصرلر) دن باشلب، تصوف و عرفان هراتده مرکزلشگن تېموریلر دَوریده، علیشېرنوایی تشبث و اهتمامیده اؤز ترقیات باسقیچلریگه قدم قؤییب اوشبوتیلگه عاید قطار اثرلر تألیف اېتیله باشله‌دی.

کلیت سؤزلر

تصوف، عرفان، اؤزبیک ادبیاتی، طریقت، اسلامی تصوف، تورکی خلقلر، اؤرته آسیا، علیشیرنوایی.

عرفان وتصوف توشونچه‌لری

عرفان سؤزی‌بیلیب آلیش، تنیش، قیته‌دن تنیش، توشونیش و بیلیم معنالریده ایشله‌تیله‌دی. بوسؤزنینگ معادل و تینگداشی یونانچه سؤز (میستیکوس) یعنی (سرّلی) و (غیبی) معنالرینی أنگلته‌دی.

عرفان سؤزی‌عمومی‌معناده یؤزه‌گی عالمگه قرشی اؤله‌راق بیرنرسه‌نی انیق وهرتمانلمه بیلیب آلیشنی افاده‌له‌یدی. مثلاً:«فلان کیشی عارف شاعردیر!» دیگنده،او، بوساحه‌ده یؤزه‌گی معلوماتلرگه قناعت قیلمه‌ی‌تصوف، فلسفه، تاریخ، ادبیات، شعر، ادبیات، شعروباشقه ادبی فنلرگه عایدکؤپ معلومات‌نی هم قمره‌ب آلگنی بیلدیریله‌دی. عرفان الهی بیلیم‌لردن بیری صفتیده حق ذاتی‌نینگ اسملری وصفتلرینی،اِشراق یعنی کؤنگل یاروغلیگی آرقه‌لی بیلیب آلیشگه قره‌تیلگن علم حسابلنه‌دی. باشقچه قیلیب اَیتگنده اهل الله(بره‌تووچی‌نینگ قیدیرووچیلر) حق‌نی تَنیب آلیش اوچون تنله‌گن یؤل؛عرفان دیب أته‌له‌دی.[1]

ایران چاغداش فیلسوفی«احسان طبری» عرفان‌نی قوییده‌گیچه تعریفله‌یدی:

«عرفان،انسان اؤزنفسینی پاکیزه‌لش،ریاضت چیکیش ،سیغینیش، ذکرقیلیش، خلوتده اؤلتیریش وجذبه‌گه بیریلیش بیلن بیرگه سیروسلوک باسقیچ‌لریدن اؤتیب، یره‌تووچی وطبیعت آرتیده‌گی کوچلربیلن علاقه اؤرنه‌تیش وشویؤسونده اونینگ قلبی الهام واشراق منبعی‌گه أیلنگن‌دن کیین قطعی وشبهه سیزحقیقت‌گه ایریشیش‌دن عبارت دیر.»

«علی اکبردهخدا»:»عارف‌لر أته‌مه‌لری قاموسی»ناملی کتابیده»گلشن رازشرحی»دن آلیب، بیریلگن معلوماتلریگه تَیه‌نیب،اؤزمشهوراثری»دهخدالغت نامه»سیده قؤییده‌گی دیک معلومات بیره‌دی:عرفان وحق‌نی تانیش ایککی یؤل آرقه‌لی بؤله‌دی:

بیرینچیسی: اثردن، مؤثرگه(حق ذاتی‌نینگ) بارلیگیگه استدلال قیلیش آرقه‌لی. بویؤل ایسه عالم‌لرگه خاص دیر.ایککینچیسی: کؤنگلنی پاکیزه‌لب، باش‌نی(میه.فکرنی) وشونینگدیک روحنی اوندن(حقدن) باشقه برچه نرسه‌لردن بؤشه‌تیش آرقه‌لی. بویؤل ایسه پیغمبرلر،نبی‌لر،اولیألروعارفلرگه خاص بؤلگن یؤل دیر. بویؤل یعنی کشف(معنوی عالم وایچکی دنیانینگ حقیقت‌لری سالک‌لرگه معلوم بؤلیشی-ج)وشهود(حقنی کؤریش) فقط مجذوب مطلق(حق تامانیدن جذب ایتیلیب، اونینگ عشقیده فنابؤلگنی طفیلی اؤزیگه کیلمیدیگن‌گه) نصیب ایتیله‌دی. باشقه کیشی‌لرایسه یشیرون قلبی

---

۱. تصوف وانسان. شرعی جوزچانی.٦١نچی بیت.

وروحی عبادت آرقه‌لی معرفت‌گه اېریشیشلری ممکن .دنیانینگ یره‌تیلیشیدن مقصدهم اوشبوشهودی معرفت[۱] حسابلنه‌دی.[۲]

ابوعلی بن سیناتعبیریچه:«عارف اؤز یره‌توو چیسی‌نینگ عظمتی واولوغلیگی بؤییچه تفکروفناگه غرق بؤلیب،اوندن،اونینگ قلبی‌نی اؤزمعرفت نوری بیلن تؤلدیریش‌نی التجأقیله‌دی.»

صوفی سؤزی‌نینگ اؤزه‌کی نیمه‌دن عبارت دیگن سوال بؤییچه عالم‌لراره‌سیده اختلاف بار. أیریم تدقیقاتچیلرصوفی سؤزی‌نینگ »صفا »سؤزیدن کېلیب چیققه‌نینی اېسله‌تیب اؤته‌دیلر .صفااصلده پاکیزه،آیدین،یارقین،غل وغش سیزمعناسینی افاده قیله‌دی.

امام غزالی "احیاالعلوم الدین "کتابیده،تصوف حقیده کېنگ معلومات بېریب،شریعت بیلن طریقت ایککله‌سی بیرایکنلیگی‌نی تأکیدلب اؤته‌دی. اولرنینگ فرقی شونده که شریعت ایشلری‌نینگ ظاهری یعنی یؤزه‌گی تامانلریگه کؤپراق اعتاربېرسه. تصّوف تعلیماتی انسان‌نینگ ایچکی دنیاسی و قلبی‌گه قره‌تیلگن. شونگه کؤره تصوف فقط اؤقیش واؤرگنیش یؤلیدن اېمس، بلکه ذوق و شوق و انسان‌نینگ روحی اؤزگریشلری آرقه‌لی توشونیله‌دی. دوکتور سلجوق ارآیدین"تصوف وطریقت‌لر" اثریده قؤییده‌گیچه فکر بیلدیره‌دی:

"اسلام دینی‌نینگ غایه‌سی، انسانده موجودفطری قابلیت‌لرینی یؤزه‌گه چیقرماق، انسانی اؤزه‌للیک‌لرنی (خصوصیتلرنی) قوتلنتیرماق، حیوانی پست و قؤیی صفتلردن، مَلَکی درجه‌لرگه یؤکسلتیرماق دیر."

اوروشلرتاریخی ظفرلربیلن تؤله دیر. کلتور و مدنیت تاریخی اېسه قلب‌نینگ ظفرلری دیر. بیرینچیسی اؤتکینچی، ایککینچیسی اېسه منگو-دایمی دیر.

انسان، جانلی و جانسیز بارلیقلردن هیچ بیری اېگه بؤلمه‌گن امکانلرگه مالک دیر. کؤرینیشده کیچیک عالم، حقیقتده چېکسیز بیر کؤنگل بیلن جهانگه سیغمه‌یدیگن بیرخیال و تصورکوچی‌گه اېگه دیر.

ابونصر سراج[۳] اؤزی‌نینگ (اللمع)اثریده تصوف و عرفان حقیده قؤییده‌گیچه قیدلر بېره‌دی:

"...اولرنینگ صوفی دېب أته‌یدیلر، چونکه اولرپشمینه پوش‌بؤلیب، اؤز کییمی‌لری‌نینگ حیوانلریونگیدن یسه‌یدیلر. شو اوچون هم پشمینه پوشلیک آدابی اوشبوجماعه‌ده پیغمبر و انبیأ همده اولیألرعلیهم السلام‌لردن میراث قالگن..."[۴]

قمری هجری۴-۵نچی عصرگه منسوب"قشیری"اؤزی‌نینگ"رسالۀ قشیریه"اثریده کېلتیریشیچه: "اوشبوجماعه

۱. حقنی تانیب آلیش واونی کؤره بیلیش...
۲. علی اکبردهخدا لغت نامه سی.۱۳۵نچی جز. انسان وتصوف.۶۲نچی بیت.
۳. ابونصرعبدالله بن علی بن محمدبن یحیی قمری هجری۳-۴عصرمتصوف عالمی.
۴. تجلی عشق وعرفان درشعرفارسی.

عموم آلگنده صوفی دېب أته‌لیب واوشبوسؤزهم کوچمه معناده ایشله‌تیلگن.اونینگ فکریچه صوفی سؤزی اصلده(صوف)سؤزیدن یسه‌لگنی اؤرین‌سیزبؤلمه‌ی،قاله‌بېرسه(صوف)دن کییم-کېچک یالغیزصوفی‌لرگه مخصوص اېمس".[1](ابن جوزی)[2]اؤزی‌نینگ(تلبیس ابلیس)اثریده بوحقده قؤییده‌گیچه قیدلرنی بېره‌دی:

"معلوم بؤلیشیچه صوفی سؤزی ایککینچی قمری هجری عصردن کېین پیدابؤلدی.بوحقده مذکورعصرگه منسوب تصوف اهلی به تفصیل سؤزیوریتگن‌لرکه‌اوشبوبحث‌لرنی خلاصه‌سی قؤییده‌گیچه: تصوف درحقیقت نفس ریاضتی‌دن عبارت بؤلیب،قاله‌بېرسه یمان ورذیله اخلاق‌نینگ اېزگووجمیله اخلاققه المشتیریش‌دن عبارت.تصوف اهلی دنیاو آخرتگه اولوغ درجه‌ده اېگه همده تانگری‌گه منظوربؤلگن ریاضت، مجاهده، صدق، تواضع وپاکیزه‌لیک یؤلیدن معنوی کمالاتگه اېریشه‌دی. البته اوشبوجماعه(تصوف اهلیدن مقصد) باشله‌نیشده شونده‌ی اخلاقی فضیلت‌گه اېگه اېدیلر؛ لیکن زمان اؤتیشی بیلن ابلیس اولرنینگ ألده‌تیب، کون اؤتمه‌ی اولراوچون ینگی تلبیس لر یره‌ته باشله‌دی."[3]

بیرخیل شرقشناس عالملر(تصوف)سؤزی بیلن(سوفیا)و(تیوسوفیا) یونانچه سؤزلری اره‌سیده‌گی لفظی اوخششلیکده اعتاربېریب،هرایککله سؤزنینگ،بیرخیل سؤزدېب فکربیلدیرگنلر.شواوچون هم(صوفی)و(تصوف)سؤزلری اصلده،یونانچه بؤلگنینی تأکیدلگنلر،لیکن آلمانلیک شرق شناس عالم(تیودورنولدکه)اوشبوفکرناتؤغریلیگینی اثباتلب بېریب(رینولدآلین نیکلسن)هم اوشبوفکرنینگ تأییدقیلگن.

تاریخی حجتلرگه اساساً تصوف وعرفان مکتبی‌نینگ شکل‌لنیش ووجودگه کېلیشی اسلام مقدس دینی ظهوری‌دن کېین صدراسلام‌ده پیدابؤلیب،اوشبومقدس دین‌ده‌گی چوقورفلسفی تفکر،زمان اؤتیشی بیلن اؤزیگه مینگلب ایزداش تاپیب،ینگی فلسفی فکروجریان شکلینی اؤزیگه آلدی.

هندویونان فلسفه‌سی ومسیحیت‌تعلیمات‌لریدن‌قطع‌نظر،اسلام تصوفی‌اساساًقرآنکریم‌دن سرچینه آله‌دی. اسلام دینی ترقه‌لیشی بیلن بیرگه، بیرقطارصحابه‌لر کؤپراق‌طاعت - عبادتگه بېریلیب، اخلاق وروحنی پاکیزه‌لش‌وریاضت چېکیشگه‌اؤرینردیلر. هم قرآنکریم وهم پیغمبریمیزصلی الله‌علیه وسلم سنت‌لریده انسان بیلن‌یره‌تووچی‌آره‌سیده بؤلگن مناسبتلرنی بېلگی‌لاوچی آیت وحدیثلرکؤپ اؤچره‌یدی.

---

۱. اوشه اثر.۵۷نچی بیت.
۲. امام ابوالفرج بن الجوزی البغدادی.
۳. اوشه اثر.۶۰نچی بیت.

تصوف وعرفان حقیده تدقیق قیلووچی عالم ودانشمندهمده نظریاتچیلری نقطه نظریدن،عرفانی‌تعلیمات ایلدیزلری انه شوآیت‌وحدیثلردن آلینگن.قرآنکریم،تېنگری تعالی‌نینگ مقدس کتابی صفتیده اساساًتأمل قیلیش،حق‌نینگ ذاتی،صفتلری وبویوک قدرتی حقیده اؤیلب فکریوریتیشگه چقیره‌دی.

عرفان وتصوف اهلی تصوف وعرفانگه تېگیشلی بؤلگن تورلی اصول،قاعده وآداب‌نی اثباتلش اوچون اسلام دینی‌نینگ اساسی منبعلری بؤلمیش قرآنکریم،نبوی حدیثلروپیغمبریمیزصحابه‌لری سؤزلری وعملی حیاتلریگه تیه‌نه‌دیلر.فرانسه‌لیک تصوف‌شناس عالم»روژی آرنولدز« أیتگنی‌دېک:

«اسلامی تصوف شونداق بابلرومتریال‌لرنی اؤزایچیگه آله‌دی‌که کېنگ معناده اسلام اساسلری وتعلیماتلری‌بیلن‌یؤغیریلیب‌کېتگن.[1]

تصوف‌تاریخیده‌اېنگ-کتته‌حادثه(ابن‌العربی)نامی‌بیلن‌شهرت‌قازانگن(محیی‌الدین‌ابوبکرمحمدبن علی‌الخاتمی‌الطایی)[2]واسطه‌سیده‌اساس‌قؤییلگن«وحدت‌الوجودفلسفه‌سی»حسابلنه‌دی.محی‌الدین عربی اوشبوفلسفه‌نینگ قرآنکریم‌گه‌اساسلنتیریب افلاتونی‌لر،ارستووباشقه اېسکی یونان فیلسوفلری تأثیری‌آستیده یره‌تدی.

اسلامی تصوف اؤزترقیات تاریخیده،تصوف‌شناس عالملرواسطه‌سیده (سیروسلوک)وتصوف‌گه خاص قاعده-قانونیت‌لروفرقلری باعث تورلی یونه‌لیش وترماغلرده‌أجره‌تیلگن:

۱.کِبرَویلیک (کِبرَویه طریقتی)

اوشبوتصوفی یونه‌لیش اصلده میلادی۱۲-۱۳-عصرلرخیوه شهریده تؤغیلیب،شیخ نجم‌الدین کبرالقبی بیلن شهرت قازانگن احمدبن محمد خیوه‌قی‌گه منسوب،بؤلیب،اوشبو تصوفی یونه‌لیش ایزداشلری (کبرویه)لردېب أته‌له دی.او،قمری۶۱۸نچی ییل مغول اصطلاح‌سیده قتل اېتیلدی.[3]

۲.قادریلیک (قادریه طریقتی)

قادریه طریقتی‌نینگ اساسچیسی مشهورعارف محی‌الدین ابومحمدشیخ عبدالقادرجیلانی (میلادی ۱۰۷۸-۱۱۶۶)بؤلیب اونینگ سلسله‌سی نسبی بېش واسطه بیلن ابوبکرشبلی‌گه یېتیب باره‌دی.او،مشهور صوفیلردن بؤلیب،حنبلی مذهبگه منسوب اېدی.او،اساس سالگن طریقت کتته اعتبارقازانیب کېنگ کؤلم‌ده ترقلگن.[4]

---

۱. انسان وتصوف.شرعی جوزجانی.۷۷نچی بېت.
۲. اوشبواتاقلی عالم میلادی۵۶۰قمری هجری اندلس-هسپانیه نینگ(مرسین)شهریده تؤغیلیب۶۳۸نچی ییلی سوریه ده وفات اېتگن.
۳. نچی بیت(حاشیه)تجلی عشق وعرفان.دکترداریوش صبو.۴۴
۴. انسان وتصوف.۹۹نچی بېت.

۳.سُهرَوَردیلیک(سُهرَوَردیه طریقتی)

سُهرَوَردیه طریقتی‌نینگ اساسچیسی بویوک صوفی، الهیات‌شناس شهاب‌الدین ابوحَفص عمربن محمدسُهرورَدی ایدی.او، ۵۳۹نچی ییل (میلادی۱۱۴۵) قدیمگی"جبال"ولایتیده جایلشگن "سُهرورد" قیشلاغیده تؤغیلگن. تصوف تعلیماتینی اؤز عمکیسی مشهورعارف ابوالنجیب ضیأوالدین عبدالقاهربن عبدالله و شونینگدیک مشهور شیخ محی‌الدین ابومحمدشیخ عبدالقادرجیلانی‌دن آلدی. اونینگ تعلیمات سلسله‌سی "امام غزالی"گه یئتب باره‌دی.[۱]

۴.چَشتی‌لیک(چشتیه طریقتی)

اوشبوطریقت هندوستانده ایئنگ-کؤپ ترقه‌لیب، کتته نفوذگه ایگه بؤلگن طریقتلردن بیری حسابلنه‌دی. چشتیه سؤزی هراتده‌گی"چشت"قیشلاغی‌گه منسوب بؤلیب، هندعالمی عزیزاحمد «هندوستانده اسلامی تفکرتاریخی» ناملی کتابیده تأکیدلگنی‌دیک، اوشبو طریقت‌نینگ اساسچیسی خواجه ابواسحاق دمشقی اونده یشه‌گن. لیکن، دکتور مُعین یازیشیچه اوشبو سلسله‌نینگ اساسچیسی اصلده خواجه ابو احمد ابدال ایدی. اوشبو طریقت درحقیقت "خواجه غریب نواز"لقبی بیلن شهرت قازانگن، خواجه معین‌الدین حسن چشتی اجمیری (میلادی ۱۱۴۱-۱۲۳۴) آرقه‌لی ترقه‌تیلگن.[۲]

۵.مولوی‌لیک(مولویه طریقتی)

اوشبوطریقت،عرفانی و فلسفی تفکرایگه‌سی."مولوی"و"مولانا"عادی خلق ایچیده"ملای روم"لقب‌لری بیلن شهرت قازانگن بویوک شاعرجلال الدین محمد بهأالدین محمد ولد نامیگه منسوب دیر.
تورکیه‌نینگ تدقیقاتچیلرکؤره مولویه طریقتی دنیامقیاسی‌ده فقط بیرته مرکزدن تؤریب باشقریله‌دی. مرکزی درگاه میلادی۱۹۲۵ییلگچه قونیه شهریده ایدی. سؤنگره تکیه و طریقت‌لر تؤگه‌تیلیشی بیلن سوریه‌نینگ حلب شهریده کؤچیب اؤتگن.[۳]

٦.یسویلیک(یسویه طریقتی)

تورکی خلقلرنینگ بویوک صوفی‌سی خواجه احمدیسوی اساس سالگن یسوی‌لیک بوتون تورکستان کپنگ ساحه‌سیده ترقه‌لیب عصرلردوامیده منطقه خلقلری اوچون روحی تینچ، فیض و برکت بولاغی بؤلیب کپتگن. قول خواجه احمدیسوی قدیمگی تورکستان‌نینگ"یسی"قیشلاغیده دنیاگه کپلگن. اونینگ مقبره‌سی حاضرقزاقستانگه قره‌شلی"چیم کپنت"شهریده اؤرنشگن. او، اؤز دوری‌نینگ بویوک مرشد و پیشواسی‌گه أیله‌نیب تورکی خلقلرنینگ عرفانی آته‌سیگه أیله‌نیب،"تورکستان پیری"لقبی‌گه

۱. اوشه اثر.۱۰۵نچی بیت.
۲. انسان وتصوف۱۱۲نچی بیت.
۳. اوشه اثر.۱۲۰نچی بیت.

دانگ تره‌تیب، تورکی خلقلر اونی اعزازلب "مکّه‌ده محمد، تورکستانده احمد" دییشگن لر.

۷.نقشبندی لیک (نقشبندیه طریقتی)

۱۴- عصرنینگ ایککینچی اونلیگیده، بهاوالحق والدین لقبی بیلن شهرت تاپگن بخارالیک مشهورصوفی محمدبن محمود نقشبندی (۱۳۸۹-۱۳۱۷) ییلی "نقشبندیه طریقتی" گه اساس سالیب، اؤز تعلیماتی یاروغلیگیده تصوف تعلیماتینی حیات بیلن چمبرچس باغلش گه حرکت قیلدی.

او، خداگه اپریشیش، حقنی تنیب آلیش اوچون، جمعیتده یشش، خلق بیلن بؤلیش و خلق منفعتینی اؤز منفعتیدن اؤستون قؤییش نی اؤقتتیریب، هردایم سالک نینگ کؤنگلی خدابیلن، قؤلی بیلن ایش بیلن بندبؤلیشینی توصیه قیلدی. او، اؤزآته‌سی بیلن بیرگه‌لیکده "کیمخاب-اتلس" تؤقیش بیلن شغل لنیب، تواریؤزیگه مهارت بیلن چیرایلی نقشلر چیزردی. اونینگ منقبت‌لرینی یازگن "محمدباقر" اؤزکتابیده بیرگن معلوماتلرگه کؤره؛ بهأوالدین نقشبند هرییل بیر مقدارماش و أرپه اپکیب، حیات کپچیریش اوچون فایده‌لنردی. شونینگدیک "منقبت" مؤلفی، اونینگ شاگردلریدن بیری بؤلمیش خواجه علاءالدین عطاردن بیرعجایب ماجرانی حکایه قیله‌دی. اونگه کؤره، بهأوالدین نقشبندبیرعجایب حادثه نتیجه‌سیده، آلتی ییل تورکلرمشهور مشایخیدن بیری بؤلمیش "خلیل آتا" خذمتیده بؤله‌دی. اونینگ اؤزی دییدی:

"خلیل آتا (سلطان خلیل) ماورأالنهر پادشاه‌لیگیگه کؤتریلگندن کپین هم، آلتی ییل اونینگ ملازمی بؤلیب؛ خذمت قیلدی. شاه‌لرخذمتیده بؤلیش آدابینی اؤرگندی. اونی کؤپ آداب بیلن حرمت قیلردی. بؤشلیک پیتیده اونینگ خاص محرمی مپن اپدیم. او، مپنگه بعضاً قتتیق قؤللیک وبعضاًاپسه مهربانلیک بیلن لطف ومرحمت کؤرستردی.»[1]

شونده‌ی قیلیب او، خلیل آتابیلن تصوفی مناسبتلردن تشقری، اپنگ-مهم دنیوی ایشلریعنی دولت‌نی اداره قیلیش ایشلریده اشتراک اپتیب، اؤزعلمی وحیاتی فلسفه‌سی اوچون اپنگ یخشی اؤرنک بؤلیب کپلدی.

نقشبندیه طریقتی «سفردروطن»، «خلوت درانجمن»، «دل بیار، دست بکار»، «هوش دردَم، نظربه قدم» کبی هم نظری و هم عملی شعارلرگه اساسلنگن. اوشبو اصوللرنی یاریتیب، ایضاحلش اوچون اونینگ شاگردلری، خلیفه‌لری و مخلص لریدن کؤپ کیشیلرتورلی فصللریازیب قالدیرگنلر. اولر جمله‌سیدن خواجه عبیدالله احرار، خواجه محمدپارسا، مخدوم اعظم و عبدالرحمن جامی یازگن اثرلرکتته اهمیت کَسب اپته‌دی.[2]

تورک-اؤزبیک ادبیاتیده تصوف وعرفانی ادبیات نینگ ایلدیزلری

تاریخی منبعلرگه اعتاربیرگنده تورکی خلقلرنینگ تاریخی ترقیاتی آقیمیده اپنگ-قدیمگی

۱. ابوالمحسن محمدباقربن محمدعلی، مقامات حضرت خواجه نقشبند، ۸-۷ بپتلر
۲. تصوف وانسان. عبدالحکیم شرعی جوزجانی. ۱۶۴ نچی بپت.

تصوفی-عرفانی یونه‌لیش قول خواجه احمدیسوی (١١٦٦وفات ییلی) و اونینگ پیرومرشدی بؤلگن "تاشکینت‌لیک ارسلان باب" گه‌باریب‌تقیله‌دی. یسوی حیاتی قراخانیلرحاکمیت دوری بیلن تینگ کیله‌دی. او، ایلک بؤلیب تورکی خلقلرتاریخیده یسویلیک (یسؤیه طریقتی)نی اساس سالگن. اوشبو طریقت بوتون تورکستان کینگ‌ساحه‌سیده ترقه‌لیب عصرلر دوامیده منطقه خلقلری اوچون روحی تینچ، فیض وبرکت بولاغی بؤلیب کیلگن.

تورکیه‌لیک تدقیقاتچی عالم محمد فواد کوپرولوزاده اؤزی‌نینگ"تورک ادبیاتیده ایلک متصوفلر"ناملی اثریده اوشبوتصوفی مکتب تورکستان خلقی‌نینگ‌روحی تربیه‌سیگه قنچه تأثیراؤتکزگنینی اؤقتتیریب اؤته‌دی.[١]

بویوک‌اولیا، ارسلان باب تاشکندی اصلده بوتون تورکی مشایخ‌نینگ معنوی آته‌سی بؤلیب، تورکی تصوف اوشبو اولوغ اولیا نامی بیلن باشلنه‌دی.

تورکی تصوف تاریخیده اؤزیدن اؤچمس ایز قالدیرگن، قول خواجه احمد یسوی اوشبو اؤلوغ ذات توجه واهتمامی آستیده تربیه‌لنیب؛ وایه‌گه یپتیشه‌دی. اونینگ حیات ییللری حقیده انیق معلوماتگه ایگه ایمسمیز. احمد یسوی اونینگ حقیده اؤز اثری (دیوان حکمت)ده انیق بدیعی تصویرلر یره‌تیب بپره‌دی.

تورکی تصوف ١١نچی میلادی عصرده ارسلان باب تاشکندی تمانیدن باشلنیب، سونگره اونی ایزداشلری یاردمیده رواجلنتیریلگن‌بو سلسله تصوف تاریخیده (آتالر-آته‌لر) سلسله‌سی دیب أته‌له‌دی.[٢]

حکیم آته، صدر آته، اوزون حسن آته، بدر آته، زنگی آته، خلیل آته، اسماعیل آته، اسحاق آته، قلیچ‌لیق آته، علی آته، ابراهیم آته، منصور آته، سید آته، قورقوت آته و باشقه اولوغ مشایخ و صوفی‌لر بو سلسله‌نینگ کؤزگه کؤرینگن سیمالریدن دیر.

یوقاریده سنب اؤتگن‌لریمیز انه شو تورکی متصوف‌لردن اکثرلری شعرلر یازگن و اؤزلریدن اثرلر قالدیرگن جوده کؤپ دینی، ادبی، تاریخی، علمی اثرلر یره‌تگن‌لر انه شو ١٢ عصر ادبی دور مرکزی‌ده بویوک متصوف شاعر تورکی‌لرنینگ اولوغ اولیاسی (تورکستان اهلی‌نینگ قبله دعاسی) خواجه احمد یسوی توره‌دی.[٣]

احمد یسوی ١٢نچی عصر اؤزبیک ادبیاتیده اؤچمس ایز قالدیرگن اولوغ سیما دیر معلوم که اؤرته آسیا اهالیسی اره‌سیده قول خواجه احمد یسوی تعلیماتی همده یسوی طریقتی‌نینگ کینگ شکل‌ده رواجلنیشی نتیجه‌سیده، نقشبندیه تصوفی آقیمی، پیدابؤلیب تورکی متصوفلر (اتالر) نینگ معنوی تکیه‌گاه و تئینچی صفتیده ترقه‌لهباشله‌یدی یسوی قاره خانی‌لر و قاره ختایی‌لرنینگ اؤزارا کیسکین

١. انسان وتصوف.١٣٣نچی بپت.
٢. حکمت دیوانی ٢٢ نچی بپت‌لر
٣. ٢٣ نچی بپتلر اوشه اثر

ضدیتلی دوریده یشب، ایجاد ایتەدی.

او اؤز دوری‌نینگ بار حقیقتلرینی، درد و الملرینی، انقلابی نقطۀ نظردن ایمس بلکه معنویت آرقەلی کشف ایتیب اونی فاش ایتەدی.او، اؤز دوری انسانلری بیلن قدم تشلەیدی و بیرگه ییغلەیدی.

اؤزبیک ادبیاتیده ایلک یازیلگن تصوفی تذکره اثرلر

نوایی ۱۸-۱۹ یاشلریده مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی‌گه تانیش دوست، شاگرد ومرید بؤلدی و هراتده مرکزیت تاپگن «نقشبندیه طریقەسی»نی تنلەدی.علیشیرنوایی اساساًتصوف وعرفان بؤییچه تعلیماتنی،اؤزاستاد،مرشدهمده آته خواندی بؤلگن مولانانورالدین عبدالرحمن جامی‌دن کَسب ایتدی.

او،اؤزی‌نینگ پیرهمده استادیگه بغیشلب»خمسة المتحیرین» اثرینی یازدی.اوشبواثراصلده نظم تیلیده یازیلگن،مثنوی ژانریگه عاید.اثر نورالدین عبدالرحمن جامی حقیده بؤلیب ۸۷۰ -۸۷۲ نچی ییللرعلیشیرنوایی قلمی بیلن یازیلگن اثرده،نوایی اؤزی‌نینگ پیر واستادی،جامی‌گه اخلاص وحرمت یؤزەسیدن أتب،یازگن اثر.نوایی بواثرینی حضرت جامی‌نینگ احوالینی بیان قیلووچی نادرواقعه وحکایەلربیلن یازیب،تماملەیدی.قالەبیرسه تورکی خلقلرادبیاتی همده مدنی تاریخیده علیشیرنوایی‌دن ایلگری»آتا- آتەلرسلسلەسی»هم موجودبؤلگن.اساساً تورکی خلقلرتصوف وعرفان اهلینی»آتا-آته»دیب أتەگنلر.

«خمسة المتحیرین»نوایی وجامی اؤرتەسیدەگی صمیمی ودوستانه مناسبتلرینی، یققال افادەسی صفتیده،نوایی شناسلیک وعموماً اؤزبیک ادبیاتیدەاهمیت تاپگن. قالەبیرسه علیشیرنوایی‌نینگ اسلامی عرفان وتصوف بؤییچه تفکرات دایرەسی یالغیز»لسان الطیر»همده»نسایم المحبت فی شمایم الفتوت»اث رلری‌گه چیک‌لنیب‌قالمەی،بلکه اونینگ ادبی میراثی‌نینگ اساسی قسم همده ایجادی‌نینگ یؤکسک چوققی‌سیگه أیلنگن»خزایین المعانی»و»خمسه»اثرلری هم بوتونلەی‌تصوف وعرفان فلسفەسینی تبلیغ وترغیب ایتەدی.

نوایی اؤزخمسەسینی میلادی ۱۴۸۲-۱۴۸۵ ییللرایچیده یازیب تماملەیدی.اوشبوبویوک اثر (۲۵۶۲۰) بیت‌نی اؤز ایچیگه آلەدی.«خمسه» اؤزبیک ـ تورک ادبیاتی‌نینگ کؤز ایلغەمس چوققی‌سی وجهان مدنیتی‌نینگ ارزشلی میراثی دیر.خمسه چوقورفلسفی فکر وتصوفی ـ عرفانی روحگه ایگه اثر.اوشبو اثرمضمون بایلیگی وسیرمضمونلیگی طفیلی‌نی یالغیزاؤزبیک ادبیاتی،بلکه شرق ادبیاتی تاریخیده ایتنگ بدیعی وقیمتلی اثرلرقطاریده کیرەدی.[۱]

بوشاه اثرعرفانی وتصوفی توشونچه وفکرلرنینگ اؤزیگه عکس ایتتیریش یانیده،اؤزبیک عرفانی ادبیاتی تاریخی ترقیاتیده نهایت کتته اؤلوش قؤشگن. خمسه،علیشیرنوایی ایجادی‌نینگ

۱. اؤزبیک ادبیاتی فرهنگی. ۱۲۸ بیت.

یوکسک چؤقیسی‌نی تشکیل بیره‌دی . نوایی خمسه‌سی وجودگه کیلیشی تورکی خلقلر، أینیقسه اؤزیک ادبیاتی تاریخیده بویوک حادثه حسابلنه دی.خمسه طفیلی اؤزیک ادبیاتی دنیاده‌گی اینگ ایلغارادبیاتلرقطاریده اؤرین آلدی.[۱]

علیشیرنوایی اؤززمانه‌سی‌نینگ ایلغارفکرلی دایرة المعارفی شخصیتی صفتیده،اؤززمانه‌سیگچه کم‌سیتیلیب کیلگن تورک-اؤزیک تیلینی‌بدیعی قابلیتینی اثباتلش واؤزدَوریده‌گی حاکم تارقره‌شلرگه قرشی،اؤززمانه‌سی همده کیله‌جک نسلراوچون اؤزآنه تیللریده اثریازیش مسوولیتینی اؤرگتیب،تعلیم بیره‌دی.قؤییده اؤزیک ادبیاتیده،ایلک مستقل تصوفی اثرلرقطاریده اؤرین آلگن اونینگ ایککیته اثرلرینی قیسقه‌چه تئنیتیب اؤته‌میز:

۱.لسان الطیر:

اوشبواثراساساً علیشیرنوایی تمانیدن، فارس-دری ادبیاتی‌نینگ اتاقلی متصوف عارف شاعری شیخ فریدالدین عطار نیشابوری‌نینگ"منطق الطیر" اثریگه ماسلشتیریلیب یازیلگن. اوشبواثررمزی تیل(سمبولیسم)آرقه‌لی‌عارف وصوفیانه یؤل-یوریقلرنی تعلیم بیره‌دی.

اوشبومثنوی‌نینگ داستانی بؤلیب، غایت مرکب-فلسفی، تصوفی مسأله‌لرگه بغیشلنگن اثردیر."لسان الطیر"، (قوش تیلی)نینگ دنیاگه کیلیشی‌گه عطارنینگ "منطق الطیر" اثری تورتکی بؤلگن. شرق ادبیاتیده مجازی کوچیشی، تمثیل (اؤخشه تیش ومثال کیلتیریش) یؤلی بیلن تینگری، بارلیق واؤزلیگینی أنگلش حقیده‌گی اؤی-فکرلرنی بیان قیلیش قدیمدن موجودبؤلگن. بومسأله‌نی عرفانی یونه‌لیشده ایلک بارقلمگه آلیب، اونی ادبی اثرگه أیلنتیرگن شاعروادیب، فریدالدین عطارحسابلنه‌دی. عطاردن سؤنگ شرق ادبیاتیده، تورک عالمده، ایسکی اؤزیک تیلیده بیرینچی بؤلیب، شونگه اوخشتمه قیلیب اثریازگن بویوک شاعر، علیشیرنوایی بؤله‌دی.[۲]

اوشبواثرنی نوایی قمری هجری۹۰۴- ییلده لسان الطیر(۱۹۳)بابدن تشکیل تاپگن بؤلیب،(۳۵۹۶) بیت‌نی اؤزایچیگه آله‌دی.اوشبومثنوی عروض علمی‌نینگ(رمل مسدس مقصور-محذوف)وزنیگه یازیلگن.

۲.نسایم المحبت من شمایم الفتوت

بویوک متفکروسؤزاستادی علیشیرنوایی‌نینگ مهم نثری اثرلریدن بیری"نسایم المحبت من شمایم الفتوت"، (اولوغلیک خوشبوی‌لیکلری ترقه‌تووچی سیویکلی شباده‌لر)تذکره‌سی دیر. مولاناجامی، نوایی التماسی بیلن اؤزی‌نینگ"نفحات الأُنس من حضرت القدس" اثرینی اولوغ مشایخ، متصوفلر و

۱. .اوشه اثر.۱۲۹بیت.
۲. لسان الطیر.

اولیاءلر حقیده تألیف اېتدی.

نوایی‌مذکوراثرده عربچه أره‌لش فارسچه‌ده یازیلگنلیگی؛ تورک اولوسی اوندن یخشی بهره‌مند بؤلالمه‌گنلیگی؛ کؤپلب تورکستان و هندوستان مشایخی، متصوفلری و اولیاءلری کتابگه کیریتیلمه‌ی قالگنلیگی باعث، جامی اثرینی "روشن‌راق الفاظ ده، آچوغراق ادابیله" ترجمه اېتیشینی أیتیب اوته‌دی.

"نسایم المحبة"اثری جامی‌نینگ "نفحات الاِنس" یدن فرقی اؤله‌راق همه‌سی بؤلیب(۷۷۰)کیشی شیخ، عارف، متصوف واولیاءنی تئنیشتیرگن. قاله‌بېرسه اوشبواثرآرقه‌لی (۳۳)ته عیال عارف و اولیاء هم تئنیتیلگن.

اوشبو اثر بېواسطه مولاناجامی"نفحات الأُنس"اثری‌نینگ یالغیز تورکچه ترجمه‌سی بؤلمه‌ی، بلکه اؤزیگه خاص مستقل تألیف وضمنی صورتده ترجمه هم حسابلنه‌دی. علیشېرنوایی اوشبو اثر تألیفیده یالغیز جامی اثریدن‌گینه اېمس، بلکه شیخ فریدالدین عطارنینگ "تذکرة الاولیاء" اثریدن هم اونیملی فایده‌لنگن.[۱]

خلاصه

تصوف وصوفیگرلیک تورکی زبان خلقلرمدنی حیات تاریخیده کتته اؤرین واهمیتگه اېگه بؤلیب، اجتماعی-مدنی حیاتده هم، ادبیاتده هم اساسی مضمون وروح صفتیده اؤرین اېگللگن. اگرده اسلامی شریعت اسلام دینی ارکانی‌سنه‌لمیش کلمه، روزه، نماز، زکات وحج‌گه اؤخشش دینی اعتقادلرنی رواجلنتیریب، ترغیب اېتگنده، اسلامی تصوف و عرفان تقوا، پاک نفسلیک، حلاللیک، اېزگولیک، انسان‌پرورلیک، خلققه خذمت، تېنگلیک و برابرلیک همده اېل-یورت امان وامان و آسایشته‌لیگی اوچون تینیم‌سیز مجاهده و کوره‌شگه چئقیریب، انسانیلیک درجه‌سیگه اېریشیش اوچون، انسانی صفتلرکسب اېتیشینی اؤز آلدیده اساسی مقصد قیلیب قؤیگن.

تصوف وعرفان تورکی زبان خلقلر أینیقسه اؤزبېک ادبیاتی تاریخیده میلادی۱۱-۱۲نچی میلادی عصرلرگه کیریب کېلگن حالده هم، لیکن منتظم روشده۱۴-۱۵میلادی عصرلر اؤز ترقیات باسقیچلریگه قدم قؤیدی.

خوددی شوعصرلرده اجتماعی-مدنی حیاتده یؤزبېرگن "اؤیغانیش"دوری، معنوی حیاتده هم کتته ایز قالدیریب، اوشبوساحه‌ده مستقل اثرلرتألیف اېتیلدی. علیشېرنوایی اؤز دَوری‌نینگ ایلغار ادبی-عرفانی سیما صفتیده شو موضوعنی اېتکچیسی صفتیده، اونی اؤزبېک ادبیاتی‌نینگ اساسی روحی صفتیده اؤز اثرلری آرقه‌لی کؤیلب ترغیب اېتدی.

۱. ۲نچی بېت.نسایم المحبت فی شمایم الفتوت.عبدالله رویین اهتمامی بیلن.

فایده‌له‌نیلگن منبعلر

١. امینی.محمدکاظم(اهتمامی بیلن).دیوان حکمت. عزت الله ذکی اهتمامی بیلن.قونیه. تورکیه. ۲۰۱۲نچی ییل.

٢. ایشانچ. ذکرالله وکوهکن. اؤزبیک ادبیاتی فرهنگی.علیشیرنوایی فرهنگی انجمنی نشری.فاریاب دولت باسمه خانه‌سی.۱۳۷۴نچی ییل.

٣. رویین.عبدالله (مهتمم ونشرگه تیارلاوچی). نسایم المحبت من شمایم الفتوت. نوایی وبابرفندی نشریاتی. انتشارات سعیدی. کابل ۱۳۹۱نچی ییل.

۴. رویین.عبدالله (مهتمم ونشرگه تیارلاوچی) لسان الطیر.نوایی وبابرفندی نشریاتی. انتشارات سعیدی. کابل ۱۳۹۲نچی ییل.

۵. شرعی جوزجانی. دکتور سیدعبدالحکیم. تصوف وانسان. نشر اپتوچی غضنفر بنیادی. سعید انتشاراتی. ایککینچی باسیم. میلادی ۲۰۱۲-ییل. کابل. افغانستان.

٦. صبور. دکترداریوش. تجلی عشق و عرفان در شعرفارسی. چاپ نخست. کتابفروشی زوار.۱۳۴۹. تهران. ایران.

امریکاده نوایی شناسلیک و علیشېر نوایی اثرلری

ع. ارال

تئینچسؤزلر:

علیشېرنوایی، قؤلیازمه، دیوان، هرات، ادبیات، حسین بایقرا، موزیم، شاعر، شرقشناس، نوایی‌شناسلیک، روبیرت دیویریکس، امریکا ایلتلری، علمی تدقیقات، میتروپالیتین، محاکمت‌اللغتین.

قیسقرتمه:

امریکا ایالتلری تاریخ نقطه نظریدن انچه یاش دولت حسابلنه‌دی. آسیا و اروپا مملکتلریده‌گی بیر نیچه یوز ییللر ایلگری یره‌تیلگن نادر قؤلیازمه اثرلر بو مملکتده نسبتاً کم. شو باعث بو یېرده هر بیر قدیمگی، نادر اثرلرینی کؤز قاره‌چیغی‌دېک اسره‌شه‌دی و معتبر منبع صفتیده اولردن اؤنیملی فایده‌لنیله‌دی.

علیشېر نوایی اثرلری‌نینگ کهنه قؤلیازمه‌لری امریکا ایالتلریده کؤپ اېمس، بیراق موجود نوایی اثرلری قؤلیازمه‌لری‌گه بو مملکتده اعتبار جؤده هم کتته‌دیر.

رابرت دیویریکس (Robert Devereux) شرق شناس‌لیک ساحه‌سیده بیرقطار علمی تدقیقات‌لر یره‌تگن امریکالیک نوایی‌شناس عالم حسابلنه‌دی. او چاپ اېتگن "محاکمة اللغاتین" بو اثرنینگ جهان مقیاسیده‌گی اېنگ مکمل نشری صفتیده تن آلینه‌دی.

نیویارک شهریده جایلشگن مشهور میتروپالیتن هنر موزیمی‌ده (Metropolitan of Art) علیشېر نوایی‌نینگ ایککی دېوانی قؤلیازمه‌سی سقلنه‌دی‌کی، اولرنینگ اؤزېېک نوایی شناسلری اوچون هم اهمیتی مهم دیر.

کیریش:

امریکاده یخشی بیر عادت بار. اؤزیگه توق کیشی‌لر کتابخانه‌لرگه نادر کتابلرنی تقدیم اېته‌دیلر یاکی شونده‌ی کتابلر خرید قیلیش اوچون اؤز یانلریدن کتته مقدارده پول اجره‌ته‌دیلر.

نیویارک‌لیک بدولت فقرا جناب الیکساندر سمیت کوکران (Alexander Smith Cochran) ۱۹۰۷- ییلی ایران‌گه سفر قیلیب، او یېردن ۲۴ته قدیمگی قؤلیازمه اثرنی ساتیب آلگن. آره‌دن آلتی ییل اؤتیب، ۱۹۱۳- ییلی بو قؤلیازمه اثرلرنی نیویارک‌ده‌گی میتروپالیتن هنر موزیمی‌گه هدیه قیلیب تاپشیرگن. بو اثرلر ایچیده ایککیته نایاب قؤلیازمه بار بؤلیب، اولر علیشېر نوایی‌نینگ ایککی قیمت‌بها دېوانی بؤلگن.

بو مشهور موزیم‌ده سقلنه‌یاتگن ۲۲ رقملی قؤلیازمه نوایی‌نینگ هجری ۹۸۸ (میلادی ۱۵۸۰) ییلی خطاط قاسم علی شیرازی تمانیدن کؤچیریلگن "نوادر الشباب" دېوان‌نینگ نسخه‌سی دیر. بو قؤلیازمه ۲۲۰ ورقدن عبارت بؤلیب هر بیر صفحه‌سی ۱۹ قطاردن تشکیل تاپگن. دېوان قؤییده‌گی ترتیب‌گه اېگه:

بیرینچی صفحه‌دن ۱۹۲ صفحه‌گچه ٦۰۰ غزل بېریلگن. الف حرفی آستیده ۳۷ته غزل بار. دېوان‌نینگ بو قؤلیازمه‌سیده ینه مستزاد (۱۹۲-۱۹۳ صفحه‌لر)، مخمس (۱۹۳-۱۹۷ صفحه‌لر)، ساقینامه (۱۹۷-۲۰۱ صفحه‌لر)، مثنوی (۲۰۱-۲۰٦ صفحه‌لر)، مسدس (۲۰٦-۲۱۳ صفحه‌لر) و رباعی‌لر (۲۱۳-۲۲۴ صفحه‌لر) اؤرین آلگن.

بو دېوان قؤلیازمه‌سی تورلی نقش‌لر بیلنېزلگن، ٦۰۰ غزل و رباعیلرنینگ هر بیری‌نینگ باشله‌نیشی علاحیده بېزه‌کلر بیلن بېزه‌تیلگنی باعث، دېوان‌نینگ بو قؤلیازمه‌سی هنری اثر صفتیده بهالنگن. بوندن تشقری قؤلیازمه‌گه بېشته میناتور علاوه قیلینگن. رسام‌نینگ اسم شریفی قؤلیازمه صفحه‌لریده قَید قیلینمه‌گن.

میترو پالتن هنر موزیمی‌ده ۲۱ رقملی رؤیخطی بیلن سقلنه‌یاتگن ینه بیر نادر اثر- بو علیشېر نوایی حیات‌لیگی وقتیده مشهور خطاط علی مشهدی کوچیرگن شاعر دېوانی قؤلیازمه‌سی دیر.

بو دېوان ۲۵۴ ورقدن عبارت بؤلیب، هر صفحه‌ده ایککی ستون باردیر. هر بیر ستون ۱۵ قطاردن تشکیل تاپگن. ورقلرگه آلتین سووی پورکلگن. مذکور دېوان‌نینگ کؤچیریلگن وقتی همده کتاب‌نینگ اسمی شریفی قؤلیازمه‌ده "۹۰۵- ییلی پایتخت هرات‌ده فقیر سلطان علی مشهدی تمانیدن کوچیریلدی (اونینگ گناه‌لرینی اؤزی کیچیرسین!)" دېب یازیب قؤییلگن. بوندن معلوم بؤله‌دی‌کی، بو دېوان قؤلیازمه‌سی میلادی ۱۴۹۹- ۱۵۰۰ ییلی علی شېر نوایی حیات‌لیگیده کؤچیریلگن بؤلگن.

بو دېوان قؤلیازمه‌سی ۵ عصر دوامیده تورلی کیشی‌لرگه تیگیشلی بؤلگن‌لیگینی قؤلیازمه صفحه‌لریده‌گی بیتیک‌لردن بیلیشیمیز ممکن. قؤلیازمه‌نینگ ۲۸- صفحه‌سیده "بو کتاب محمد نویان‌نینگ ملکی. اونی کیم‌ده-کیم اؤغیرلسه یاکی ساتسه، حبس‌گه آلینه‌دی" دېب یازیب، آگاه‌لنتیریب قؤییلگن.

مذکور نادر دېوان‌نینگ ترکیبی: بو دېوان ٨١٦ته غزل، شوندن الف حرفی آستیده ٥٣ته غزل (٣-٢٣٤ صفحه‌لر)، ٥ته مخمس (٢٣٤-٢٣٧ صفحه لر)، ترجیح بندلر (٢٣٧- ٢٥٠ صفحه‌لر)، ٣٣ته رباعی و ٣ته فردن (٢٥٠-٢٥٤ صفحه‌لر) عبارت.

دېوان‌نینگ بو قؤلیازمه‌سیده کیریش قسم –دیباچه یؤق. بو دېوان‌ده بیرینچی غزل اوشبو مصرع‌لر بیلن باشلنه‌دی:

زهی ظهور جمالینگ قویاش کبی پیدا،

یوزینگ قویاشیغه ذرات کُون اؤلیب شیدا.

بو مصرع‌لر بیلن باشلنوچی غزل علیشېر نوایی‌نینگ "نوادرالشباب" و "نوادرالنهایه" ناملی دېوانلریده بیرینچی اؤرین‌گه جایلشتیریلگن. مذکور دېوان "نوادرالنهایه" نینگ قؤلیازمه‌سی دیر.

امریکاده نوایی‌نینگ بو دېوانی صنعت اثری صفتیده بهالنگن‌لیگی اوچون هم، او جوده أویلب سقله‌نیب کېلینماقده.

دېوان قؤلیازمه‌سی بېزه‌کلری: بو دېوان‌نینگ تشقی مقاوه‌سی شرققه خاص اوسلوب‌ده بېزه‌لگن. دېوان‌نینگ ایچکی مقاوه‌سیگه معجز رسم علاوه قیلینیب، اونده شعرخوانلیک عکس اېتتیریلگن. بوندن تشقری نوایی غزللری اساسیده تصویرلنگن ینه ١٥ته میناتور اثر علاوه قیلینگن.

بو صنعت اثرلری بیر صنعتکارنینگ موی قلمی‌گه خاص ایکن‌لیگی روشن بؤلسه‌ده، رسام‌نینگ اسم شریف نامعلوم قالگن.

میناتور اثرلر اؤشه دور هرات رسامچیلیک مکتبی اسلوبی‌گه خاص. بو قؤلیازمه‌گه علاوه قیلینگن رسملرنینگ اکثریتی‌ده یاش شهزاده تصویرلنگن. امریکالیک پروفیسور ویلیمز جکسون(A. V. Williams Jackson)نینگ یازیشی‌گه قره‌گنده بو رسم‌لرده‌گی یاش شهزاده سلطان حسین بایقرا رسمی دیر. مذکور میناتورلرده تؤرت مرته عکس اېتتیریلگن کتته یاشده‌گی شاه اېسه سلطان حسین‌نینگ آته‌سی منصور تصویری دیر.

منه شو تصدیق‌نینگ اؤزی ٢١- رقملی رؤیخطده‌گی بو دېوان قؤلیازمه‌سی ادبیاتیمیز و صنعتیمیز تاریخی اوچون نې‌قدر مهم اهمیت‌گه اېگه ایکن‌لیگینی کؤرسته‌دی.

نوایی‌نینگ خوددی شونده‌ی میناتور، رسملر، نقش‌لر بیلن بېزه‌تیلگن، صنعت اهمیتی‌گه اېگه بؤلگن دېوان‌لریدن ایریم صفحه‌لرنی امریکاده‌گی «صنعت و تاریخ ایشانچ کلیکسیونی»(Art and History Trust Collection) هم اؤزی‌نینگ فوندی‌ده سقلب کېلماقده. بو دېوان تبریزده تخمیناً میلادی ١٥٣٠- ییلی خطاط عبدالرحیم خوارزمی تمانیدن کوچیریلگن. بویوک شاعرنینگ بونگه اؤخشش اثرلری امریکانینگ باشقه پوهنتون، موزیم و شخصی فوندلریده سقله‌نیب کېلینه‌یاتگن بؤلسه

هم، افغانستان اؤزبېک متخصص‌لری حاضرگچه اولر حقیده کمدن-کم معلومات‌گه اېگه بؤلیشلری ممکن.

شو بوگونگچه جهان‌نینگ اؤلکن کتابخانه‌لریده سقلنه‌یاتگن علیشیر نوایی کبی بویوک متفکرلریمیز اثرلری قؤلیازمه‌لرینی انیقلب، اولرنی توصیف اېتمه‌گن‌لیگیمیزنی هیچ نرسه بیلن آقلب بؤلمه‌یدی. بو مسئله‌ده بیر تاماندن علم-فن و مدنیتگه بیفرقلیک سبب بؤلگن بؤلسه، باشقه تاماندن بیر پُیتلر حکم سورگن تعصب و عدالت‌سیزلیکلر نوایی‌شناس عالم‌لر یېتیب چیقیشیگه تؤسیق بؤلیب کېلگن. شونده‌ی بؤلمه‌گنده اېدی بویوک شاعرلریمیز اثرلرینی بیر یېرگه تؤپلش مشکل بؤلمس اېدی، مبادا شو یورت‌گه اؤزلرینی حکمران دېگوچیلر نوایی اثرلریدن هیچ بؤلمه‌گن‌ده بیر مصرع‌نی اؤقیب توشینگن بؤلسه‌لر اېدی! افغانستان جمهور رئیسی محمد اشرف غنی سؤزی بیلن أیتگنده: «علیشیرنوایی بیزنینگ ویلیم شکسپیریمیزدیر. نوایی‌نینگ فارس تیلی‌ده‌گی شعرلری ابوالقاسم فردوسی‌نینگ شعرلری بیلن تېنگ‌دیر.»

غرب مملکت‌لریده پروفیسور عنوانی بار شرق شناس عالملر جوده کؤپ بیراق اولر ایچیده بیر نیچه شرق تیللرینی ممکل اېگلله‌گن بیلیمدانلر جوده کم. بو حال‌نی افسوس بیلن قید اېتیش‌گه تؤغری کېله‌دی. اما رابرت دیویریکس (Robert Devereux) اؤزی‌نینگ کؤپ قیررەلی علمی و بیلیمی بیلن باشقه‌لردن اجره‌لیب توره‌دی. رابرت دیویریکس شرق شناس‌لیک ساحه‌سیده بیرقطار علمی تدقیقات‌لر یره‌تگن عالم‌دیر. شولر ایچیده او چاپ اېتگن "محاکمة اللغاتین" (کیریش، انگلیس تیلیگه ترجمه و ایضاح‌لر بیلن) بو اثرنینگ جهان مقیاسیده‌گی اېنگ مکمل نشری حسابلنه‌دی.

رابرت دیویریکس علیشېر نوایی اثرینی بېواسطه اؤزبېک تیلیدن انگلیس تیلیگه جوده صفتلی ترجمه قیلگن. "محاکمة اللغاتین" ده‌گی بیت‌لرنی انگلیس تیلیگه اؤگیریش‌ده کانستنتینت دیاگ‌لوی(Konstantin Diogloy) و نید کوئین (Ned Koyn)قتنشگن. بو ایش‌نی عملگه آشیریش‌ده عالم، نوایی شناسلیککه عاید کؤپ اثرلر بیلن تانیشیب چیققن.

۱۹- عصر اوروپا نوایی شناسلیگیده، أینیقیسه کتریمر (Katremer) ، بېلېن (Belen) ، بلوشی (Bloshe) ویمبری (Wamberi) ، براون (Brown) ایشلریده نوایی بیوگرافی و اثرلری بیر یاقلمه، قسماً اؤرگه‌نیلگن بؤلیب، شاعر ایجادی اؤزی‌نینگ تؤله، مکمل و تؤغری بهاسینی آلمه‌گن‌اېدی. اروپالیک بیرقطار تدقیقاتچیلر نوایی‌نی فقط فن، مدنیت، صنعت و ادبیات حامی‌سی صفتیده اولوغله‌گن‌لر. رابرت دیویریکس اروپا تدقیقاتچیلری ایچیده بو فکرنی بیرینچی بؤلیب بیر یاقلمه ایکن‌لیگینی اثبات قیلیب، شونده‌ی یازه‌دی: "فارس ادبیاتی‌گه بخشلنگن مشهور اثریده براون نوایی حقیده فکر یوریتیب،

شونده‌ی دېیدی: (نوایی‌نی سؤزسیز اؤز دوری و وطنی‌نینگ بیرینچی حامی‌سی، دېب بهالش ممکن). بو بهانی قبول قیلسه بؤله‌دی چونکه نوایی حقیقتاً هم صنعت حامی‌سی اقتدارلیک ادیب‌لرنینگ استاذی و حمایه‌چیسی اېدی. بیراق براون بېرگن بو خصوصیت کؤپ قیررەلی علیشېرنینگ تورلی قیزیقیش‌لری و سېر محصول ایجادی‌نی بهالش‌گه عاجزلیک قیله‌دی"، دېگن خلاصه بیلدیرگن اېدی رابرت دیویریکس.

او ینه اؤز فکرینی دوام اېتتیریب، شونده‌ی یازه‌دی: "علیشېر فقط صنعت حمایه‌چیسی گینه اېمس، بلکی نثرده هم، نظم‌ده هم دانغی کېتگن یازوچی، شاعر، تاریخچی، تنقیدچی، شونینگدېک، اقتدارلی رسام، چلغوچی، بسته کار هم دیر... بوگونگه کېلیب، او چیغتای («اؤزبېک») شعریتی‌نینگ اؤزی خاص قیته‌ریلمس، اؤزی‌گه خاص مکتبی‌نینگ یره‌توچیسی صفتیده هم تن آلیندی".

رابرت دیویریکس علی شېر نوایی‌نینگ اؤزبېک تیلی و ادبیاتی رواجی‌گه قؤشگن حصه‌سی بوندن هم چقورراق ایکن‌لیگی خصوصیده تؤخته‌لیب، «محاکمة اللغاتین«نینگ یازیلیش تاریخی، اثرنینگ ایچکی توزیلیشی، تیلیمیزنینگ ترقیاتی‌گه کؤرستگن تاثیری اوستیده کېنگ فکر بیان قیله‌دی.

رابرت دیویریکس نوایی‌گه "جوده هم کوچلی وطن‌پرور و خلق‌نی سېووچی انسان" صفتیده بها بېره‌دی همده انگلیس تاریخچیسی جیفری لیوس (Geoffrey Lewis) نینگ علیشېر نوایی‌گه بېرگن بهاسینی کېلتیره‌دی. جیفری لیوس نوایی حقیده شونده‌ی فکر بېلدیرگندی: "اونی (نوایی‌نی) تؤله معناده تورکی خلقلرنینگ جیفری چوسری (Geoffrey Chaucer) دېب اتش ممکن. او تورکی خلق تیلینی ادبی تیل اوچون خذمت اېته آلیشی‌نی اثبات قیلگن و اثرلریده بونی نمایش اېتگن همده تورکی تیلیده سؤزلشوچی برچه اولکه‌لرده اؤزی‌نینگ کتته تاثیری‌نی اؤتکزگن بیرینچی بویوک شاعر دیر".

نوایی مخلص‌لریگه معلوم کی «محاکمة اللغاتین«ده تورکستان تورکیسیده‌گی ۱۰۰ته فعل‌نی کېلتیریلیب، بو فعللرنینگ هر بیری‌نینگ معنا نازیکلیک‌لری ایشله‌تیلیشی مثاللر بیلن کؤرسه‌تیب بېریلگن. بو سؤزلر نوایی‌نینگ یازیشی‌گه کؤره ۱۰۰ته، اصلیده اثرنینگ پاریس قؤلیازمه‌سیده هم شوکونگچه باسیب چیقریلگن نشرلریده هم، فعللرنینگ سانی ۹۹ته. اثرنینگ قوقان لیتوگرافیک باسمه‌سیده (تاش باسمه‌سیده) حتا ۹۸ته دېب کؤرستیلگن.

رابرت دیویریکس بوجومباققه جواب اخته‌ریب، بیر تؤختم‌گه کېله‌دی: نوایی ایضاح بېرگن سؤزلری‌نینگ بیر نیچیته‌سی، مثلاً، سیق تماق، قیمسنماق، تیلمورماق، یسنماق و بېزنماق فعل سؤزلر رویخطی کیرمه‌ی قالگن. رابرت دیویریکس‌نینگ فکریچه ۱۰۰- سؤز منه شولرنینگ بیری بؤلیشی کېره‌ک. عالم‌نینگ بو فکری‌گه قوشیلمس‌لیک ممکن اېمس. خوددی شونده‌ی فکرنی مشهور تورک

عالمی آگاه سیرری لیویند (AgahSirriLewend) هم اؤز ایشیده قید ایتیب اؤتگن. استاذ لیویندنینگ قید ایتیشیگه قره‌گنده، استانبول‌ده‌گی سلیمانیه کتابخانه‌سی فاتحی بؤلیمیده ۴۵٦ رقمی بیلن سقلنه‌یاتگن نوایی کلیاتی‌نینگ ۷۷۴-۷۸۴ صفحه‌لریده "محاکمة اللغاتین" نینگ نسخه‌سیده ۱۰۰-فعل قید ایتیلگن. بو فعل- "جیمدیلماق" فعلی دیر.

رابرت دیویریکس علیشیر نوایی اثری حقیده‌گی اؤز تدقیقاتی‌نی شونده‌ی خلاصه‌له‌یدی‌کی، عالم‌نینگ بو خلاصه‌سیگه بیز هم قؤشیلگن بؤلردیک:

"فلالوجیست، تیلشناسلر اوچون بو اثر بی‌بها منبع حسابلنه‌دی. شو باعث، اگر باشقه سبب‌لر بؤلمسه، بو شونده‌ی اثرکی بو بیلن هر بیر تورکولوجیست، اگر هر بیر شرقشناس دیمه‌سک هم، البته، تانیشیب چیققن بؤلیشی شرط".

ایسلتمه: اوشبو مقاله پروفیسور دکتور خ. عصمت‌الله‌یوف کوزاتولری اساسیده تیارلندی.

ادبیاتلر:

1. “Muhakamat al-lughatain” introduction, translation and notes by Robert Devereux. Leiden: E. J. Brill, 1966
2. E. G. Browne, a history of Persian literature under the tatar dominion, Combriudge, 1920
3. Geoffrey Lewis, the emergence of modern Turkey. London, 1961
4. Paul Smith, Alisher Navoi Life and Poems. 2018

«حیرت‌الابرار» ده مجسم‌لشگن حقیقی انسان سیماسی

محمد اشرف شریفی

خلاصه

اؤزبیک کلاسیک ادبیاتی و شعریتی نینگ اینگ یوکسک چؤقّی‌سی ـ امیرالکلام نظام‌الدین علیشیرنوایی شعر و ادبیات نینگ اکثر تور و ژانرلریده قلم تیبره‌تیب اؤزیدن قیمتلی اثرلر قالدیریگن بویوک شاعر، یازووچی و متفکر دیر. نوایی نینگ کتّه و مهم اثرلریدن بیری «خمسه» بیش داستاندن عبارت بؤلیب، بیرینچی داستانی‌نی «حیرت‌الابرار» تشکیل بیره‌دی؛ اوشبو داستان نینگ یئتکچی سؤژه‌سی انسان‌دیر. نوایی نینگ تفکری‌گه کؤره برچه مخلوقلر نینگ سرتاجی بؤلمیش انسان ایمانلی، انصافلی، حلال، صادق، چوچوک‌تیل، عادل، قؤلی آچیق، صبرلی، حیالی، شُکر قیلووچی، قؤل و تیل بیلن باشقه‌لرگه منفعت یئتکیزووچی صفت‌لر بیلن بیزه‌لیشی کیره‌ک.

نوایی «حیرت‌الابرار» نینگ اَیریم بؤلیملریده اؤقووچی‌نی انسانیلیک باغی نینگ تماشاسیگه یئتکلب، یخشیلیک‌نی آقله‌یدی و یامانلیک و توبن‌لیکنی قاره‌لَیدی. مقاله متنی‌دن اساسی اؤرین آلگن انسان سؤزی ایشله‌تیلگن بَیت‌لر مضمونی بیلن چوقور تَنیشیب باریشیمیز سَری نوایی نینگ یوکسک انسانی تفکّری نینگ تینیق تصویری ذهنی‌میزده گوده‌لنه‌دی.

کَلیت سؤزلر: انسان، ایمان، سؤز، کامل، ناقص.

هدف‌لر

اوشبو مقاله قوییده‌گی هدف‌لر اساسیده یازیلگن:

۱ـ «حیرت‌الابرار» بیلن شکل و محتوا جهتدن تَنیشیش؛

۲ـ نوایی نینگ انسان حقیده‌گی فکرلرینی اؤرگنیب ـ اؤزلشتیریش؛

۳ـ انسان سؤزی قؤللنیلگن بَیت‌لر نینگ حُجّتلی روشده ایضاحلش.

باشلَمه(مقدمه)

اۆزبېک ممتاز ادبیاتی نینگ جهانشمول و سېر اېجاد بویوک سیماسی ـ میرعلیشېرنوایی اۆزبېک ادبی تیلی نینگ یوقاری پاغانه‌لرگه کۆتریب اۆزیدن کتّه ادبی میراث قالدیرگن بویوک شاعر، یازووچی، تاریخچی، لغت‌شناس و دین عالمی‌دیر. اۆزبېک شعریتیده ایلک‌بار خمسه‌چیلیک عنعنه‌سینی اساس قۆیگن نوایی نینگ علمی-ادبی یره‌تمه‌لری سېرحجم و سېرمضمون بۆلگنی باعث اوزاق اۆتمیشلردن بویان کېنگ جهان نینگ هر بورچگیده استقامت قیلووچی نوایی‌شناس عالم‌لر نینگ توجه‌لرینی قازانگن و نوایی باره‌سیده مختلف تیللرده یوزلب و مینگلب کتاب، رساله و مقاله یره‌تیلیشی‌گه مناسب زمینه یره‌تگن.

مطالعه‌نگیز آستیده‌گی مقاله موضوع‌سینی نوایی خمسه‌سی نینگ «حیرت‌الابرار» داستانیده حقیقی انسان خصوصیتلری بیلن تَنیشیش تشکیل بېره‌دی. نوایی، اۆز شعری طبعی نینگ حیرتلنتیرووچی کوچی بیلن انسان سیماسینی اۆته مهارت و هنرمندچیلیک بیلن چیزیب، داستان متنی‌نی مَراق بیلن اۆقیش اوچون اۆقووچی نینگ توجه و اعتبارینی قازانه‌دی.اوشبو مقاله «حیرت‌الابرار» نینگ انسان حقیده‌گی همه بَیت‌لری نینگ شرح و تحلیلی بۆلمه‌ی، فقط «دېنگیزدن تامچی» دېب، حساب‌گه آلینسه مقصدگه موافق دیر؛ چونکه بو مقاله نینگ اۆقووچی‌سی نوایی تفکری نینگ ایشخانه‌سیده طبیعی ایشلاو بېریلگن حقیقی انسان بیلن باشلنغیچ تَنیشیش تصوری‌گه اېگه بۆلیشی ممکن.

تېکشیروو روشی:مقاله، کُتبخانه‌ی تېکشیروو یۆل ـ یوریقلری اساسیده یازیلگن.

غیاث‌الدین کیچکینه اۆغلی میرعلیشېرنوایی (میلادی- ۱۴۴۱/ ۱۵۰۱) اۆزبېک ممتاز ادبیاتی نینگ جهانشمول و سېراېجاد بویوک سیماسی دیر. تورک(اېسکی اۆزبېک) ادبیاتی نینگ تېنگی یۆق سیماسی امیرالکلام امیرعلیشېرنوایی حضرتلری، بو کونگی افغانستان نینگ مهم شهرلریدن تېموریلر امپراتورلیگی نینگ ایکّینچی پایتختی ـ هرات‌ده توغیلدی. او یېرده وایه‌گه یېتیب عمری‌نینگ کتّه قسمینی هراتده اۆتکزیب ثمره‌لی و سېرمحصول اېجاد اېتدی. دنیا بۆیلب تورک ـ اۆزبېک ادبیاتی مقامی نینگ کۆککه کۆتریلشیگه حضرت نوایی نینگ قۆشگن حصه‌سی فن اهلیگه قویاشدېک روشن و معلوم.(۹:۱)

علیشېرنوایی اۆزی نینگ فعالیتی و اېجادینی انسان بخت و سعادتی‌گه، آسایشته‌لیگیگه، آبادانچیلیک ایشلریگه، علم، معرفت، و ادبیات رونقی‌گه بخش اېتدی.(۸:٦)

نوایی، ایریم تېکشیروولر آرقلی انسان‌سېور شاعر صفیتده تن آلینگن و بو باره‌ده کۆپلب اثرلر یازیلگن. نوایی «خمسه» نینگ بیرینچی داستانی بۆلمیش «حیرت‌الابرار» نینگ اېنگ مهم موضوع‌سی انسان یره‌تیلیشی و انسانی خصوصیتلرگه قره‌تیلگن.

علیشېرنوایی «خمسه» نینگ بیرینچی داستانی«حیرت‌الابرار» نی میلادی «۱۴۸۲ـ۱۴۸۳» ییللرده یازیب تماملگن. نوایی بو داستان‌نی نظامی گنجوی نینگ «مخزن‌الاسرار»، خسرو دهلوی نینگ «مطلع‌الانوار» و عبدالرحمان جامی نینگ «تحفه‌الاحرار» داستانلریگه جواباً یازگن. «حیرت‌الابرار» عروض نینگ سریع بحری ـ مسدس مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن) وزنیده مثنوی یؤلی بیلن یازیلگن.(۱: ۱۱۹)

«حیرت‌الابرار» «٦۴» بابدن عبارت بؤلیب، «۲۱» بابی مقدمه، «۴۰» بابی مقالت و حکایه و سؤنگی«۳» بابی خاتمه‌دن عبارت دیر. «۷۹۷٦» مصرع‌دن تشکیل تاپگن ـ «حیرت‌الابرار» نوایی نینگ فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و تعلیمی قره‌شلرینی اؤزیده مجسملشتیرگن.(۵: ۵۸٦)

آلدین اېسلب اؤتگنیمیزدېک «حیرت‌الابرار» نینگ اساسی موضوعلریدن بیری ـ انسان و انسان‌گه تېگشیلی اخلاقی فضیلت‌لر، انسان نینگ جمعیت‌ده‌گی بورچی و انسانیلیککه تېگیشلی ایریم خصوصیت‌لر شرحیدن عبارت.خلقت نینگ آلتین بؤرکی و تېنگری «اشرف‌المخلوقات» دېب اته‌گن انسان ذاتی نوایی قاشیده عزیز و محترم دیر؛ انه‌شو سبب‌دن نوایی انسانیلیک اېسکیرمس ترانه‌سینی کؤیله‌یدی و انسان‌نی اولوغلب اونینگ شان ـ شرفی‌نی کؤک‌لرگه کؤتره‌دی.

«دېنگیزدن‌تامچی» دېگنی‌دېک «حیرت‌الابرار» دېنگیزی‌دن آلینگن اینجوکبی نېچه بَیت مضمونینی کوچیمیزگه قَدَر شرحلش و یاریتیش‌گه اینتیله‌میز. نوایی، بیرینچیدن انسان‌گه بونده‌ی خطاب قیله‌دی:

حق سېنگه لطف اَیله‌دی اول طُرفه‌حال

اندین اویال یؤق اېســه حقـدین اویال(٦: ۷۰)

نوایی‌گه کؤره انسان اؤته مَرکّب و کوچلی موجود دیر؛ شونینگ اوچون تېنگری مرحمتی‌نی اونوتمسلیگی کېره‌ک. حاضرگی زمانده رواجلنگن علمی ساحه‌لردن بیری ـ علاقه اؤرنه‌تیش (ارتباطات) دیر، بو ساحه نینگ بیرینچی و مهم تعلیماتی انسانلر اؤزلری نینگ تشقی و ایچکی اعضالری، حسیات، آنگ و تفکّرلری بیلن علاقه قوریب، بدن‌لریدهاؤرنه‌تیلگن هربیر عضو نینگ کوچینی سینه‌ب کؤریش دیر.(۴: ۵)

نوایی، بو مساله‌نی فقط ایکّی‌سؤز (طُرفه‌حال) بیلن خلاصه قیلیب، آدمی‌لیک قدرینی بیلیش و حق (تېنگری) دین اویالیشلیک اوستیده تاکید قیله‌دی. نوایی نظریدن انسان جهل‌دن ییراقلشیب ایکّی آچیق قولاق بیلن پند ـ اؤگیت تینگله‌شی کېره‌ک:

کېل قؤیوبان جهـل خردمند بؤل

بیــر نَفَســی مسمتع پنــد بؤل

کؤر سینگا حقدین نې کرملر دورور
نې‌قَـدَر احسـان و نعملـــر دورور
بو که سېنی خالق کَون و فساد
قیلمه‌دی حیوان و نبات و جماد(٦: ۷۰)

نوایی، تېنگری تامانیدن انسان‌گه بېریلگن نعمت‌لر و کؤرسه‌تیلگن احسان‌لرنی اېسلب حیوان، اؤسیملیک، و جماد جمله‌سیدن بؤلمه‌گنلیک اوچون انسانلرگه شُکر احسان‌نی بیلیشلیک واجب‌لیگینی بیلدیره‌دی.

لطف بیله اَیله‌دی انســـان سېنی
دین یؤلیده قیلدی مسلمان سېنی
بېردی کؤره‌ر کؤز و اېشیتر قولاغ
آییتـور تیل عطـرنی انگلـر دماغ
انداق اېلیک داغی‌که توتگه‌ی طعام
انداق ایـاق داغـی‌که قیلغـه‌ی خرام(٦: ۷۰)

نوایی، انسان‌لیکنی بیرینچی و مسلمان‌لیکنی ایکّینچی اؤرینده قؤییب، انسان‌بدنیده اؤرنه‌تیلگن کؤز، قولاق، بورین، قؤل و ایاق کبی عضولرنینگ بیرمه ـ بیر اېسلب بولرنینگ بیر تامانده قؤییب و عقل جوهری نینگ ینه بیر تامانده قؤیه‌دی؛ چونکه انسانلرگه عقل بؤلمگنده بدن عضولری‌هم اؤز وظیفه‌لرینی تؤغری بجرالمسلیگی انیق‌دیر. شونینگ اوچون هم ذُکّا اجدادیمیز: «عقل بؤلمسه، جان عذاب‌ده» دېگن‌لر.

بو بـاری انعـام و عطا بیرطرف
جوهر عقل اؤلدی ینه بیرطرف(٦: ۷۰)

نوایی، انسان بدنی‌نی قصرگه اؤخشه‌تیب، قصرده‌گی بېش‌روضه نینگ اؤرنی، بجره‌یاتگن وظیفه‌سی و بار قابلیت‌لرینی اؤته تفصیل بیلن بیان قیله‌دی:

قصرده بېش‌رَوضه مهیا انگه
بؤلغالی هرساری تماشـا انگه
لېک بو بېش روضـه‌ده بېش کاردان
بیر ـ بیریـدېک هر بیری بسیاردان
هر بیری بیر روضه ده تاپیب محل

اؤز فنی ده بیر ـ بیریگه یؤق بدل(٦: ۲۳)

نوایی‌گه کؤره قصر نینگ قوییده‌گی بېش‌روضه‌سی جوده مهم دیر:

بیری نظر علمینی ادراک اېتیب

عین صفادین نظـرین پاک اېتیب

بیریگه ایش بو که اېشیتگاچ سماع

قیلغـــه‌ی انـــی دقت ایله استماع

بیریگا قیلمـــاق بؤلـوبان طعم درک

نوش حیات اؤلسون اگر نیش مرگ

بیریـگه بیـر رایحـه اَیلب اثـر

خواه قوروق نافه و گر مشک‌تر

بیرگـه گل و خـار موثر بؤلوب

ساووق ـ ایسیقدین متاثر بؤلوب(٦: ۲۳)

یوقاریده‌گی بېش بَیت‌ده کؤز، قولاق، بورین، آغیز و تېری وظیفه‌لری ترتیب بیلن بیان قیلینیب، قوییده‌گی بیت‌ده اېسلنگن عضولرنینگ عربچه تېنگداشی کېلیتریلگن:

باصـره و سامعه و لامسه

ذایقه و شامه بیل خامسه(٦: ۲۳)

نوایی، اېسلنگن بېشته تشقی حس نینگ ظاهری «بېش‌حواس» لیگینی تاکیدلب اولر اؤز ایشلریده اوستا، یؤل بیلووچی و ایش بیلرمان دیېدی:

هرنې‌که ظاهر یوزیدین بېش‌حواس

اؤز اېشـی کُنهـیده بؤلوب ره‌شناس (٦: ۲۳)

یوقاریده‌گی بیت‌لر مضمونی‌نی یوزلمه‌کی تېکشیرگنیمیزده‌هم نوایی نینگ بیولوژی علمی‌نینگ پُخته بیلیشی‌گه امین بؤله‌میز.

علیشېرنوایی، انسان نینگ بېشته تشقی حس وظیفه‌لرینی ایضاحلنگندن سؤنگ، انسان نینگ اېنگ مهم و قوتلوق فضیلتی ـ ایمان حقیده تؤخته‌له‌دی:

کیم‌که جهان اهلیده انسان اېرور

بیل‌که نشانـی انگه ایمـان اېرور(۷: ۱۰۵)

نوایی‌گه کؤره جهانده‌گی انسانلر نینگ انسانیلیک بېلگی‌سی ـ ایمان دیر؛ چین‌دن هم ایمان

بؤلمگنده انسانیلیک سؤراق آستیده قاله‌دی؛ نیگه دیگنده تینگری هر بیر انسان نینگ فطرتی و ضمیریده موجود دیر؛ شونینگ اوچون انسانلر دین و عقیده‌لریدن قطع‌نظر بلا و مصیب و قیین چیلیک بیلن دوچ کیلگن پیتلریده همه نیرسه‌دن امیدلری اوزیلگچ فقط تینگری‌گه سیغینیب و اوندن یاردم و نجات سؤره‌یدیلر.

قوییده‌گی بیت‌لرده انسان و حیوان اره‌سیده‌گی فرقلر حقیده بحث قیلینگن. نوایی اَیتیشچه منطققه سویه‌نیب سؤزلشووچی جانزاد انسان زمره‌سیدن دیر:

اول‌که حد و رسم قؤیـر منطقی

تاکه بــو حیوانــی بیله ناطقی

ایکی‌سی انسان‌گه بؤلوب حـد تام

زمـره‌ی انسـان ارا اَیلـر خرام(۷: ۱۰۵)

تینگری بیر خیل‌نی سؤزلَشووچی حیوان (ناطق‌حیوان) و ینه بیر خیل‌نی سؤزلشووچی انسان (ناطق انسان) قیلیب یره‌تگن:

نوعینی ناطق بیله حیوان قیلور

ناطق و حیوانی‌نی انسان قیلور(۷: ۱۰۵)

نوایی، سؤزلَشووچی حیوان (ناطق‌حیوان) و سؤزلَشووچی انسان (ناطق انسان) اره‌سیده‌گی فرقلرگه توشینمه‌ی ایکّی‌سینی انسان صفتیده تن آلگنلرنی «حیوان» دیبدی:

سین داغی انسـان مونی قیلسنگ گمان

بیل‌که همان سین سن و حیوان همان(۷: ۱۰۵)

علیشیرنوایی تینگری کلامی‌گه تیانیب انسانلر بیر-بیرلریدن فرقلی ایکنلیکلرینی بیان قیله‌دی:

مونی که انســـان متفاوت ایرور

تینگری کلامی خبر اندین بیرور(۷: ۱۰۶)

نوایی‌گه کؤره انسانلرنینگ اره‌سیده ناقص و کامل و عالم و جاهل بار؛ انسانیلیک یالغیز گؤده بیلن اثباتلنمه‌دیدی، بلکه انسانگه اؤخشه‌گنلر نینگ یخشی ـ یامانینی بیر ـ بیریدن اجره‌تیب فرقیگه باریش کیره‌ک:

بس کیشی جزم اَیلسه انسان آنی

یخشی یامان ایچره تفاوت قانی؟

بؤلمه‌دی بس ناقص و کامل‌ده فرق

تاپمه‌غی اېل عالم و جاهل ده فرق(۷:۱۰٦)

نوایی نینگ تعبیریگه اساساً انسان بؤلیش اوچون اوچته فضیلت کېره‌ک؛ بو فضلیتلر اېسه چیده‌م، شُکر و حیا دیر:

بس انـی انســـان اَته‌گیل بی‌ریـا

کیم ایشی‌دور صبر ایله شُکر و حیـا(۷:۱۰٦)

قیسقه‌سی شوکه ایمانی کوچلی بؤلگن کیشی نوایی نینگ نظریدن حقیقی انسان دیر:

بس انی انسـان دېمک اؤلغه‌ی روا

کیم ایشی ایمــان بیله تاپقه‌ی نوا(۷:۱۰٦)

علیشېرنوایی انسان‌نینگ جسمانی خصوصیتی و بعضی بیر اخلاقی فضیلتلرینی تفصیلات بیلن بیان قیلگندن سؤنگ قرآن و حدیث‌گه تیانیب تؤغری‌دن تؤغری «آمنت بالله...» نینگ شرح قیلیشیگه اورینه‌دی:

اې‌که سنگا اَیله‌دیم انســان‌نی شرح

اېمدی اېشیت‌کیم قیله‌ی ایمان‌نی شرح

آلتی دورور شـــرع‌ده بیلگیل عدد

هر نې که مومـن‌گه کېره‌ک معتقد(۷:۱۰٦)

ایمان نینگ اَولگی و اېنگ مهم بؤلیمی تېنگری بارلیگیگه ایشانیش دیر:

آلتیدین اَولگـی‌کـه مقصــود اېرور

بیلمک اېرور حق‌نی‌که موجود اېرور(۷:۱۰۷)

ایمان نینگ ایکّینچی بؤلیمی فرشته‌لر بارلیگیگه ایشانیش دیر:

آلتیدن اېکینچی ملایک‌نی بیل

بارچه‌گه تصدیق وجـود ایله‌گیل(۷:۱۰۸)

ایمان نینگ اوچینچی بؤلیمی اېسه تېنگری تامانیدن پیغمبرلرگه یوباریلگن آسمانی کتابلر (زبور، تورات، انجیل، قرآن) گه ایشانیش دیر:

انگلـه اوچـینچـــــی کُتب آسمـان

تېنگری سؤزی بیل باریسی بی‌گمان(۷:۱۰۹)

ایمان نینگ تؤرتینچی بؤلیمی تېنگری تامانیدن انسانلر نینگ تؤغری یؤلگه یؤللش اوچون تعیین قیلینگن پیغمبرلرگه ایمان کېلتیریش‌دیر:

بیل ینه تؤرتینـچی رُسل معشری

هر بیری بیـــر بحر صفا گوهری(۷: ۱۱۰)

ایمان نینگ بهشینچی بؤلیمی یپر یوزیده حیات توگب قیامت یا عذاب کونی کهلیشی مقررلیگی و انسانلر یخشی و یامان قیلمیشلریگه اساساً مکافاتلنیش و جزالنیشلریگه چین کؤنگیل‌دن ایشانیش دیر:

کهلدی بهشینچی ینه یوم‌الحساب

دهمـه حساب اَیت که یوم‌العذاب(۷: ۱۱۱)

ایمان نینگ اهنگ سؤنگی و اخیرگی بؤلیمی ازلی تقدیر و خیر و شرگه بؤی سؤنیش دیر:

سادس انگه کهـلدی حدیث قَدَر

بیل ازلی ثبت نی‌کیم خیر و شر(۷: ۱۱۲)

میرعلیشهرنوایی نینگ ایمان باره‌سیده یازیلگن برچه بَیت‌لرینی قونت بیلن اؤقیب چیقسک بو عالی‌جناب انسان نینگ کتّه فقیه و دین عالمی بؤلگنلیگگه تؤلیق ایشانچ حاصل قیله‌میز. نوایی نینگ ایمان باره‌سیده‌گی بَیت‌لری نینگ مضمونینی قرآن شریف آیه‌لری و حضرت محمد (ص) گه منسوب حدیث‌لر بیلن سالیشتیریب کؤرسک، ذکر قیلینگن بیت‌لر موضوعینی تصدیقلاوچی اونلب آیت و حدیث‌گه کؤزیمیز توشه‌دی؛ لیکن بحث چؤزیلمسلیگی اوچون بو بارهده تفصیلات بیرمسلیککه قرار قیلدیک؛ بیراق قرآن و حدیث نینگ اؤقیب یخشی توشینووچی تهکیشرووچیلر بو باره ده اینتیلیشلری ممکن.

علیشهرنوایی ایمان نینگ آلتی بؤلیمی‌نی نقلی و عقلی، دینی و فلسفی حجت‌لر کهلتیریش بیلن ایضاحلگندن کیهن، انسان‌لرگه باغلیق باشقه بیر دالضرب موضوع‌گه تؤخته‌یدی؛ بو اهسه تهنگری نینگ ایشی سهو و خطاسیز عملگه آشیشی و انسان نینگ قیلمیشی و فعل و اطواریگه سهو و خطا نینگ یؤل تاپیشی دیر:

حق نینگ اهرور سهوسیز ایش لازمی

سهـو اهـرور لازمـــه‌ی آدمـــی(۷: ۱۳۷)

نوایی، «حیرت‌الابرار» نینگ ایریم بؤلیملریده انسان شخصیتی نینگ تورلی قیرّه‌لری باره‌سیده بحث قیلیب حقیقی انسان سیماسی نینگ یاروغ تصویرینی چیزیب کؤرستیشگه اورینه‌دی. نوایی، انسان وجودیده عیب و کم‌چیلیک بارلیگینی تن آلیش بیلن بیرگه کامل انسان بحثی نینگ آلغه سوره‌دی:

زمـره‌ی انســان ارا هم کاملی

کهلدی مشقت یوکی نینگ حاملی(۷: ۲۶۱)

کامل انسانلر بارمی یؤقمی؟ دېگن سؤراق تاپیلگنده نوایی یؤلینی یؤللب، بېواسطه قرآن و حدیث گه مراجعت قیلیب جواب ایزله‌شیمیز کېره‌ک. قرآن و حدیث‌گه کؤره: انسان اوچ خیل نفس (اماره، لوّامه، مطمینه) گه اېگه؛ اېنگ سؤنگی نفس (مطمینه/خطاگه یؤل قؤیمه‌یدیگن) صاحبی بؤلگن کیشی کامل انسان دېب اته‌له‌دی.

کامل انسان اسلامی عرفان و تصوف نینگ اساسی موضوعلریدن بیرینی تشکیل بېره‌دی؛ تصوف تعلیماتی‌گه کؤره:« تصوف تعلیماتی مرکزی ده انسان ماهیتی‌نی توشینیب آلیش، اونی توبن‌لیکلردن قوتقزیب، روحیده‌گی معنوی تامانلرنی یوکسلتیریش و کامل انسان درجه‌سیگه کؤتریش غایه‌سی یاته‌دی...تصوف‌ده کامل انسان نینگ کیملیگی و اونینگ حیاتده تؤتگن اؤرنی مساله‌سی، دینی جهتدن خلقت (یره‌تیلیش) فلسفه‌سیگه باغلیق.(۳: ۳۷۷، ۳۹۹)

علیشېرنوایی، کامل انسان بحثی نینگ یکونلگندن سؤنگ انسان نینگ ینه بیر مهم خصوصیتی‌نی یاریتیشگه اینتیله‌دی؛ نوایی، انسان بیلن حیوان اره‌سیده‌گی کتّه فرق ـ آنگلی روشده سؤزلشیش دیېدی. خلق مقالی‌گه مراجعت قیلیب ایتگنده: اول اؤیلش، کیېن سؤیلش حقیقی انسان نینگ قیلیغی دیر؛ یوقسه طوطی هم سؤزلشیشگه قُربی یېته‌دی.شونینگ اوچون نوایی انسان‌نی رازگه تؤله کان‌گه اؤخشته‌دی:

تېنگری‌که انسان‌نی قیلیب گنج راز
سـؤز بیلـه حیـوانـدین انگه امتیاز (۷: ۵۸)

نوایی، قؤلینگ قوروق بؤلسه‌هم تیلینگ چوچوک بؤلسین دیېدی. قؤل بیلن بیراوگه منفعت یېتکزه‌آلمه‌گن کیشی تیلی بیلن نفع یېتکیزیشی ممکن:

خیر میسـر گر اېمـس اېل بیله
نفع یېتورمک هم اؤلور تیل بیله
گنج بېریب بؤلمس اېکن توتسه کؤز
اولچه قیلور وقتیـده بیر یخشی سؤز (۷: ۲۶۲)

«یخشی‌سؤز بیلن ایلان اینیدن، یمان‌سؤزبیلن پیچاق قینیدن چیقه‌دی» (۲: ۱۳۳) دېگنلر ذُکّا اجدادیمیز؛ انه‌شو سببلی سؤز بیلن کافر مسلمان و حیوان انسان بؤلیشی‌هم طبیعی حادثه‌دیر. نوایی سؤز فضیلتی باره‌سیده هم اؤز فکرینی بیلدیریب انسانیلیک کانی نینگ اینجوسی و آدمیلیک گلشنی نینگ حاصلی‌هم سؤز دېگن:

سؤزبیله کفر اهلی مسلمان بؤلوب
سؤز بیله حیوان دېگن انسان بؤلوب

معدن انسان گهری سؤز دورور

گلشن آدم ثمــری سؤز دورور (۷: ۲٦۲)

«قاوون نینگ الهسی یوزیده، آدم نینگ الهسی ایچیده» کبی مقال مضمونی‌گه چوقور باقسک چین‌دن هم انسان‌نی تانیماق و اونینگ ایچکی حسّیاتی و تویغولرینی تگیگه یپتیش اونچه‌لیک آسان تویولمه‌یدی؛ شونینگ اوچون« ارقه‌دن دشمن، یوزینگندن دوست» (۱۰: ۴۷) کبی فرازیولوژیک عباره‌لر اؤزبیک خلقی و باشقه ملتلر اره‌سیده کپنگ کؤلم‌ده قؤللنیله‌دی. نوایی، تورخی انسان‌گه اؤخشه‌گن همه انسان‌نی انسان دپب اؤیلمه‌یدی:

کیم‌نی‌که انسان دپسنگ انسان اپمس

شکل‌ده بیــر فعـل‌ده یکسان اپمس (۷: ۳٦۰)

نوایی‌نینگ «حیرت‌الابرار» اثریده انسان‌شناسلیک بابیده‌گی بیت‌لر و مجسم‌لشتیریلگن انسان‌تصویرلری شونچه‌لیک کؤپ‌که اولرنینگ همه‌سینی اؤقیب ـ اؤرگنیش و مغزینی چاقیش آسان سودا اپمس؛ نوایی انسان و انسانیلیک اپزگو مقامی‌گه باش اپگیب انسان نینگ ینه بیر مهم فضیلتی‌گه اشاره قیله‌دی:

آدمـی اپرسانگ دپماگیل آدمی

آنی‌که یؤق خلق غمیدین غمی (۷: ۳٦۲)

اپل دردی‌نی اؤز دردی دپب بیلمه‌گن و حس قیلمه‌گن آدم؛ نوایی نینگ فکری‌گه بناً آدمیلیک یؤلیدن ادەشگن دردسیز کیمسه‌دیر. نوایی نینگ انسان و انسانی خصلتلر و فضیلتلر حقیده‌گی منظوم سؤزلری نې‌قدر تپره‌ن و چیرایلی افاده قیلینگنی اونینگ اؤزی چین انسان، کؤز وکؤنگلی و قؤلی آچیق انسان‌سپور عالی جناب ذات بؤلگنلیگیدن دَرَک بپره‌دی.

سؤنگی نتیجه

اپنگ سؤنگی نتیجه صفتیده، قوییده‌گی سطرلرنیقؤشیمچه قیلیب یازیشگه اولگوردیک:

- نوایی، اؤزبیک کلاسیک ادبیاتی نینگ سپرمحصول و تپنگ‌سیز علمی ـ ادبی شخصیتی دیر؛
- نوایی، اؤزبیک ادبی تیلی نینگ یوکسک پاغانه‌لرگه کؤتریب جهان مقیاسیده تَنیتگن ذات‌دیر؛
- نوایی شعر و ادبیات نینگ کوپلب ساحه‌سیده اپجاد اپتیب مستقل اثرلر اؤزیدن میراث قالدیرگن؛
- نوایی، اؤزبیک ادبیاتیده خمسه‌چیلیک عنعنه‌سینی اساس قؤییب، ایلک‌بار اؤزبیک تیلیده خمسه یره‌تگن؛
- نوایی اثرلری اؤز تیریکلیک پَیتی و وفاتیدن سؤنگ خراسان و ماوراءالنهردن بؤلک اوزاق و یقین اولکه‌لرگه ترقلگن؛

- نوایی اثرلری نینگ باش موضوعلری انسان و انسانیلیککه بغیشلنگن؛
- نوایی اثرلری نینگ اؤقیب ـ اؤرگنیب بوتونلی اؤزلشتیریش اوچون قنچه‌لیک اورینیش ممکن بؤلسه، یؤل آچیق و مَیدان کېنگ دیر.

منبعلر رؤیخطی

۱ـ ایشانچ، ذکرالله و محمدعالم کوهکن. (۱۳۷۴)،اؤزبېک ادبیاتی فرهنگی،تاشقین بهایی اهتمامی بیلن، فاریاب: دولت مطبعه‌سی.

۲ـ ایماق، فیض‌الله. (۱۳۸۷)، خلق دُردانه‌لری،تؤرتینچی چاپ، «جهانی همکارلیکلر» اداره‌سی نینگ نشری، مزارشریف: میرزا اولوغ‌بېک باسمه‌خانه‌سی.

۳ـ شرعی جوزجانی، عبدالحکیم. (۲۰۱۲)، تصوف و انسان،کابل: سعید انتشاراتی.

۴ـ فانوس، میرعزیزاحمد. (۱۳۹۷)، ارتباط مفهومی فردی و همگانی،چاپ پنجم، کابل: انتشارات حامد رسالت.

۵ـ ملّه‌یف، نتن. (۱۳۹۲)، تاریخ ادبیات تورکی اؤزبېکی (ایکّینچی جلد)، ایکّینچی چاپ، فارس تیلیده اؤگیرووچی: برهان‌الدین نامق، ناشر: بنیاد فرهنگی شهید صبغت‌الله ذکی، کابل: مطبعه‌ی کاروان.

٦ـ نوایی، علیشېر. (۱۳٦۹)، خمسه،عبدالغفار بیانی اهتمامی بیلن، افغانستان جمهوریتی علملر اکادیمی‌سی نینگ نشری، کابل: دولت مطبعه‌سی.

۷ـ نوایی، علیشېر. (۲۰۲۰)، خمسه/حیرت‌الابرار،نشرگه تیارلَوچی: وهاب رحمانوه، تاشکېنت: غفورغلام نامیده‌گی نشریات ـ مطبعه ایجادی اویی.

۸ـ نوایی، علیشېر. (۱۹۸۸)، علیشېرنوایی حکمت‌لریدن،تاشکېنت: آیدین کُتب‌خانه‌سی و چېت اېللرده‌گی وطنداشلر بیلن مدنی علاقه باغلش اؤزبېکستان وطن جمعیتی.

۹ـ نوایی، علیشېر. (۲۰۰۹/۱۳۸۷)، ایام وصال اؤلدی ینه(باقی سطرلر)، قیته ایشلب نشرگه تیارلَوچی: محمدعالم کوهکن، نشر اېتووچی: تؤران اجتماعی و مدنی بنیادی، کابل: احمد صنعتی و طباعتی مطبعه‌سی.

۱۰ـ یارقین، محمدحلیم. (۱۳۹۲/ ۲۰۱۳)، اؤزبېک فرازیولوژیک سؤزلیگی،نشر اېتووچی: خراسان انتشارات موسسه‌سی، باسیلگن یېری: تهران، کابل.

امیر علی شیر نوایی نینگ تورک تیلی ترقیاتی ده گی رولی

نجیب الله بیگزاد

خلاصه

امیر علی شیر نوایی تیل، ادبیات، تاریخ، دیوان، تذکره، عروض، مثنوی کبی تورلی موضوع لرده جدا مهم اثرلر وجودگه کیلتیریپ تورک تیلی نینگ ترقیاتی و رواجله نیشی ده اولکن حصه قوشگنبیوک شخصیت دیر. نوایی، اوز ماندگار اثرلریبیلن اون بیشینچی عصر مرکزی آسیا و شرقی تورکستان ده کیلیشگن تورک ادبی تیلی نی اینگ یوکسک چوڭیسیگهایریشتیرگنشاعر، تیل شناس و دولت اربابی صفتیده تنیله دی. فارس تیلیتماما حاکم بولگن اوشه چاغلرده تورک تیلی بیلن یوکسک سویه ده بیر ادبیات وجودگه کیلیش لیگینی اوز قیمتلی اثرلری بیلن اثباتله گننوایی، کلاسیک چغتای ادبی تیلی نینگ اساسچی سی سنله دی. معلوم که حضرت نوایی دن آلدین هم سکاکی، حیدری، خوارزمی، عطایی، گدایی، امیری، لطفی کبی بیر کوپ شاعر و ادیب تورکی تیلیده شعر یازیب علمی اثرلر اورته گه قویگن لر. اما بو شاعر و ادیب لرنینگ هیچ بیری حضرت نوایی قدر تورک تیلی نی تکامل گه ایریشیتریشگه حصه قوشه آلمه گن لر. شو باعث حضرت نوایی نینگ اثرلری بوکون دنیانینگ تورت بیر یانیده فرقلی تیل لرگه ترجمه ایتیلیب اوستیده مینگلرچه علمی اثر و مقاله یازیلگن. بو مقاله ده امیر علی شیر نوایی نینگ تورک تیلی ترقیاتی ده گی رولی نینگ تیکشیریلیشی هدف لنگن. بو مناسبت بیلن حضرت نوایی نینگ محاکمه اللغتین، محبوب القلوب، لسان الطیر، سد اسکندری اثرلری همده مذکور تیل شناس حقیده یازیلگن اثرلر و مقاله لر کوزدن کیچیریلیب نوایی نینگ اوز آنه تیلی انکشافی ده گی رولی تثبیت ایتیلیشگه اینتینیلگن.

کلید سوزلر: امیر علی شیر نوایی، تورک تیلی، چغتای تورکچه سی، تورک تیلی ترقیاتی

کیریش

اون بیشینچی عصرنیییلیم و ادبیات نقطه نظریدن تورک تیلی نینگ رنسانسی اوله راق تعریف قیلسک اشتباه بولمه یدی دیگن توشونچه ده من. بو عصرده تورک تیلی لطفی، عطایی، سکاکی، خوارزمی، نوایی کبی بیوک تورک شاعر و ادیب لر سایه سیده هرلحاظ دن اوزی نینگ اینگ پارلاق دوره سینی تجربه قیلگن و مینگلرچهتورکی اثر وجودگه کیلتیریلگن.البته که بو دور تورک تیلی نینگ انکشافی ورواجله نیشی ده یوقاریده آتلری توتیلگن شاعر و ادیب لرنینگ هر بیری اوز استداد و توانمند لیک لریگه کوره سهم آلیشگن. اما سوز ملکی سلطانی و دولت اربابی امیرالکلام علی شیر نوایی نینگرولیشبهه سیز نهایت درجهمهم.بو دورده نوایی اوز اثرلری بیلن تورک تیلی نی اینگ یوکسک چوقّیسیگه ایریشتیرگن.نوایی سایه سیده اون بیشینچی عصر تورک ادبیاتی کلاسیک حالینی اوزیگه آلگن. گرچند نوایی دن آلدین و حتی نوایی دوریده تیموری لر درباریده تورک تیلی بیلن اثرلر وجود گه کیلتیرگن بیر کوپ شاعر و صنعت کار بارایدی. اما بو لرنینگ هیچ بیری حضرت نوایی قدر تورک تیلینینگ اوسیشیگه و تکامل گه ایریشیشیگه حصه قوشه آلمه گنلر. شو لحاظ دن نوایی دوری، اون بیشینچی عصر تورک ادبیاتی نینگ صنعت و ملی روح جهتیدن اینگ یوکسک درجه سیگه ایریشگن دوره سی اوله راق حسابلنه دی.

امیر علی شیر نوایی نینگ اوز آنه تیلی گه بولگن عشق و علاقه سیو بو تیل نی تکامل گه ایریشتیریش جدیتی کیچیک لیک یاشلریده نمایان بوله دی. او، هنوز سکیز یاشر ایکن بغداد شهریده گی تیموری لر دوری مشهور تاریخچی سی شرف الدین علی یزدی بیلن اوچره شیب تنیشه دیو بو اوچره شو نتیجه سیده بیلیمو صعنت گه کونگول بیره دی. شو باعث نوایی تورک تیللی شاعر و ادیب لرنینگ اثرلرینی بیوک بیر ذوق و رغبت بیلن اوقوماققه باشله یدی. بو بیلن بیرگه شیخ فرید الدین عطار، قاسم انوری، نظامی گنجوی کبی مشهور فارس شاعرلری نینگ اثرلرینی هم یقین دن تعقیب ایتماققه باشله یدی. تورک تیلی و ادبیاتی نیاوشه دور کلاسیک فارس ادبیاتی نینگ سویه سیگه ایریشمه سینی آرزو قیلگن نوایی، هارمس دن کیچه کندوز قلم تیبره تیببو آرزوسینی حقیقت گه ایلنتیریش یولیده جدیت کورسه تیب، تورک تیلی بیلن خمسه یازماققه باشله یدی و خمسه دن باشقه هم بیر کوپ اثر وجودگه کیلتیره دی (اینان، ۱۹۷٦: ۴۹۱).او نینگ کیچیک یاشلریده آنه تیلی گه بولگن سیوگی و علاقه سی مولانا جامی و دولت شاه سمرقندی کبی بیوک شاعر و ادیب لر تمانیدن تقدیرلنه دی.

کیچیک یاشلریدن باشلب عمری نینگ سونگ پیتلریگه چهقلم تیبره تیب علم بحریگه غرق بولگن حضرت نوایی، تورک و فارس تیللریده تقریبا اوتوزدن آرتیق اثر وجودگه کیلتیرگن و بو اثرلری نینگ

کوپینی تورک تیلی بیلن یازگن.بو اثرلری واسطه سیده اون بیشینچی عصر تورک ادبیاتی نینگ اینگ بیوک استادی صفتیده تنیلگن نوایی، سلف لری (محمود کاشغری، یوسف خاص حاجب، خواجه احمد یسوی) تمانیدن اوزیگه امانت ایتیلگن بو ادبی تیلنی هیچ بیر زمان بسیط بیر کوز بیلن کورمه گن. برعکس او، بو تیل نینگ اینگ کتته حامی سی صفتیده تورک سوزینی قوّله نماقدن همیشه ذوق آلگن و بوتون اثرلریده تورک سوزینی تیلگه کیلتیرگن (جعفراوغلو، ۱۹۸۴: ۱۴۸). اونینگ اثرلریده، تقریبا ۳۵۰ییرده تورک، اتراک، اوزبیک، برلاس و باشقه تورک قبیله لری نینگ آتلری قید ایتیلگن. بیر کوپ اثری نینگ مقدمه سیده "بولرنی تورک لر اوچون یازدیم" افاده سینی تیلگه کیلتیرگن (رحمانی، ۲۰۱۹: ۲۹۳).بو افاده لریگه کوره حضرت نوایی، اوز خلقینی و تیلینی قتیق سیوگن و بوتون بارلیگی نی تورک شعریتی رونقیگه بغیشله گن بیوک شخصیت دیر. او، لسان الطیر ده: "جهان ده تورک ادبیاتی بیراغینی کوتاریب تورکی خلقلرنی یگانه بیر ملت یگانه بیر جماعت حالیگه کیلتیرگنینی" افتخار بیلن تیلگه کیلتیره دی (چتینداغ، ۲۰۱۲: ۱۱).

فارس تیلی اینگ پارلاق دوره سینی تجربه قیله یاتگن وبو دور تورک شاعرلری نینگاوز اثرلرینی فارس تیلیده یازه یاتگن بیر دوردهملیتچیلیک دعواسینی اورته گه قویگن حضرت نوایی، اوز دوری نینگ تورک تیللی شاعر و ادیب لرینی آنه تیللری بیلن یازیشگهتشویق ایته دی. فارس تیلی بیلن شعر یازیشنی اوزلریگه مزیت بیلگن شاعر لرنی قتیق بیر شکل ده نقد ایتیب تورک تیلی نینگ هیچ بیر زمان فارس تیلی دن کم کیلمه گنلیگینی تیل گه کیلتیریب تورک تیلی بیلن هم یوکسک سویه ده بیر ادبیات وجودگه کیلیشی ممکن لیگینی اوزی نینگ اولمس –سولمس اثرلری بیلن اورته گه قویه دی (سویدان، ۲۰۱۸: ۲۷۸). چونکه اونینگ اصل مقصودی تورک تیلی نی یوکسک بیر صنعت تیلی مقامیگه ایریشتیرماق ایدی. حضرت نوایی محاکمه اللغتین ده بو وظیفه نی اوزیگه شرفلی بیر بورچ دیب بیلگن و بونی قوییده گی سوزلریدن انیق لش ممکن:

"ترک اولوسی نینگ خوش طبع بیک لاری و میرزاده لاری و صاحب ذهن پاک طبع لاری و آزاده لاری انداق که کیراک مشغول لوق اسبابین توزاآلمادیلار اول نوع طبع نتیجه سی کورکوزاآلمادیلار کهآندین خوشگوی لوق امیدی توتسه بولغای بلکه بو امید نی آلارنینگ روزگاری حالیغه یاووتسه بولغای طرفه راق بو کیم بو نوع پادشاه سخن دان ترغیبی و تلقینی و احسانی و تحسینی قاعده متابعت و موافقت نی اونوتوپ و جاده نافرمانلیغ و ضلالت نی توتوپ کوپی بلکه باریسی فارسی غه مایل بولدیلار و اول تیل بیله نظم غه قایل بو ایش موندین اوزکا بوله آلماس که ترک تیلی تعریفی دا آنداق که یوقاری راق مذکور بولدی با وجود الفاظ کثرتی و عبارات وسعتی و معانی غرابتی و ادا سلاستی

دلپذیر باغلاماقته صعوبت بار و دلپسند ترتیب بیرماکته طبع رنج و عقوبت تاپار لازم کوروندی ترک تیلی شرحی دا بیر نیچه ورق قه زیب آرایش بیرماق و آندا حضرت سلطان السلاطین ملایمت طبع و مهارت ذهن لارین شرح ایتماک" (نوایی: ۱۴۹۹: ۷۴۴).

امیر علی شیر نوایی سایه سیده تورک تیلیده شعر یازگنیاش شاعر و ادیب لراوز محیط لریده شهرت کسب ایتیش امکانیتگه ایگه بولگنلر. اوشه دور شاعرلریدن مولانا لطفی نی تورک تیلی ده شعر یازیش ده اینگ قابلیتلی کیشی بولگنلیگینی تیلگه کیلتیرگن نوایی، بو توغریده اوزی نینگ محاکمه اللغتین آتلی اثریده شوندی دیب فخرلنه دی: "هلاکو خان زمانی دین سلطان صاحب قران تیمور کورگانی زمانی دین فرزند خلفی شاهرخ میرزا نینگ زمانی نینگ آخریغه چا ترک تیلی بیله شعرا پیدا بولدی لار و اولحضرت نینگ اولاد و احفادی دین همم خوش طبع سلاطینی ظهورغه کیلدی شعرا سکاکی و حیدر خوارزمی و اتایی و مقیمی و یقینی و گدایی و امیری دیک لار و فارسی مذکور بولغان شعرا مقابله سیدا کیشی پیدا بولمادی پیر مولانا لطفی دین اوزکا کیم بیرنچه مطلع لار بار کیم طبع اهلی قاشیدا اوقوسه بولور" (نوایی، ۱۴۹۹: ۷۴۳). نوایی، بو افاده لری بیلناوزیدن آلدین هم تورک تیلیدهشعر یازگن تورکی شاعرلربولگنینی تصدیق له یدی اما بو لرنینگ هیچ بیری، تورک تیلی نی فارس تیلی سویه سیگه ایریشتیریش توغریسیده کوزگه تیگر اثرلر وجودگه کیلتیریله آلمه گنلرینی جدی بیر شکلده نقد ایته دی.

اون بیشینچی عصرده فارس شعریتی و ادبیاتی مولانا جامی واسطه سیده اینگ پارلاق دوره سینی تجربه قیلر ایکن تورک ادبیاتی علی شیر نوایی حمایه سیده ینگی بیر وجه اوزیگه آله دی.انه شوندی بیر دورده، فقط امیر علی شیر نوایی کبی مقتدر بیر شاعر، ادیب و تیل شناس تورک تیلی گه ینگی بیر وجه بیره آلر ایدی. چونکه حضرت نوایی،اوزی نینگ بی بها اثری سد اسکندری اثریده یازگنی دیک "اوز خلقی بیله آنه تیلی بیلن گپله شماق" هردایم شعاری بولگن دیر. عکسی تقدیرده حضرت نوایی نینگ:

"سینکا انجه حق لطفی واقعدورور
که تا ترک الفاظی شایعدورور
بو تیل برلا نظم ایرور تا خلق ایشی
یقین قیلمامیش خلق سندیک کیشی"

دییشی نینگ هیچ بیر اهمیتی بولمس ایدی. بو بیلن بیرگه سونگی مصرع ده ایتگنی دیک حضرت نوایی تمانیدن قولّه نیلگن ادبی تیل نی، مستقیما خلق تیلی دن آلینگن لیگیگه باور قیلیش ساده لیک

بوله دی. چونکه حضرت نوایی تمانیدن قولّه نیلگن ادبی تیل، اوندن آلدین هم بار ایدی و اوزی نینگ سلاله لری تمانیدنحاضر بیر ادبی تیل سویه سیگه ایریشتیریلگن ایدی. اما اعتراف قیلیش کیره ک که نوایی دن آلدین و کیین ادبیات ساحه سیده بیوک شهرت قازانگن هیچ بیر تورک شاعر و ادیب،بو تیلنی استادانه بیر شکلده استفاده قیلیب اینگ یوکسک سویه سیگه ایریشتیریش زمینه سینی حاضر قیله آلمه گنلر (جعفراوغلو، ۱۹۸۴: ۱۴۹).فقطعلی شیرنوایی،اوزتیلی و ایجادیات لرینتیجه سیده مرکزی آسیا تورک ادبیاتینی ملی ادبیات سویه سیگه ایریشتیریشگه موفق بولگن. چونکه یوقاریده ایتیب اوتگنیمیز دیک اونینگ اینگ کتته آرزوسی، تورک تیلی نی فارس تیلی سویه سیگه ایریشتیریش و ملی بیر کیم لیک قازاندیریش ایدی. بومسئله، تورک تیلی نینگ بوتون قاعده لرینی یخشی بیلماقدن کیچر ایدی که حضرت نوایی بو توغریده اوزینی استا قیلگن ایدی.شو جهت دن نوایی ده گی تورک تیلی سیوگیسی و ملی شعور، اونینگ اثرلریده آچیق بیر شکل ده کوریلیب توخته گن. بوندن تشقری حضرت نوایی، تورک تیلی نی یخشی بیر شکلده محافظه ایتگن شاعر وادیب صفتیده، آنه تیلی نینگ بوتون امکانیت لرینی اورته گه قویگن و حتی بعضی شاعر و ادیب لر تمانیدن حقیر کوریلگن بو تیل بیلن خمسه یازیشدن هیچ قورقمه گن. (عبدوالیوا، ۲۰۱۷: ۸۵). شو باعث شرقی تورک تیلی نوایی دن کیین بیر ادبیات و کلتور تیلی حالینی اوزیگه آلگن.

امیر علی شیر نوایی، فارس تیلینی اوز آنه تیلی کبی بیلر ایدی. او هم تورک تیلی هم فارس تیلی واسطه سیده تیل، ادبیات، تاریخ، دیوان، تذکره نویس لیک، عروض، مثنوی کبی تورلی موضوع لرده جدا مهم اثرلر یره تدی. اورته آسیا تورکی خلقلر بلکه بوتون دنیا تورک لری نینگ تیلینی، تاریخینی، ادبیاتینی و کلتورینیانگله ییش نقطه نظریدن حضرت نوایی نینگاثرلری نهایت درجه ارزشلی و تقدیرگه شایان دیر. اما تیل شناسلیک نقطه نظریدناونینگ اینگ کتته اهمیتگه ایگه بولگن اثری ایسه شپهه سیز محاکمه اللغتین دیر. چونکه حضرت نوایی، بو اثریده تورک تیلی بیلن فارس تیلینی هم گرامری و هم کلمه خزینه سی جهت دن مقایسوی بیر شکلده قرشیله شتیریب بو ایککی تیل اراسیده فاحش تفاوت لر بارلیگینی عینی مثال لر بیلن اورته گه قویگن. عین جغرافیه ده رشد قیلیب اوز تکاملگه ایریشگن بو ایککی تیل نی تورلی جهت لردن مقایسه ایتگن نوایی، بو توغریده محاکمه اللغتین اثریده افتخار بیلن شو افاده لرنی تیلگه کیلتیره دی:

"قالدی ترکی الفاظ بیله مقصود اداسی و فارسی عبارت بیله کلام معناسی آنداق معلوم بولور که ترک سارت دین تیز فهم راق و بلند ادراک راک و خلقتی پاک راک و صاف راک مخلوق بولوپتور و سارت ترک دین تعقل و علم دا دقیق راق و کمال فضل فطرتی دا عمیق راق ظهور قیلیب دور و بو

حال ترک لار نینگ صدق و صفا و توز نیتی دین و سارت لارنینگ علم و فنون و حکمتی دین ظاهر دورور و لیکن تیل لاریدا اکمال و نقصان حیثیتی دین فاحش تفاوت لار دور که الفاظ و عبارت وضع قیلور دا ترک سارت قه فایق کیلیپ دور و اوز الفاظی دا اشارت عبارتیغه مزیت لار کورکوزوپ تور که اوز محلی دا انشاءالله مذکور بولغای یانا تورک نینگ ملایمت طبعی نینگ سارت نینگ آرتوغلوغی غه دلیلی موندین واضح راق و شاهدی موندین لایح راق بوله آلور مو کیم بو ایککی طایفه نینگ بیگیتتی و قاریسی بلکه اولوق دین کیچیک باریسی اراسیده اختلاط علی السویه دور هر مقدار که بو بیری نینگ اول بیری بیله آمیزش و گفت و گذاری بار اول بیری نینگ هم بو بیری بیله همانچه تکلم و گفتاری بار و سارت اراسیده اهل طبع دانش و زمرۀ علم و ذهن بینش کوپراک دور و ترک ایلی دا اجلاف و ساده سارت ایل دین زیاده دور اما ترک نینگ اولوغ دین کیچیگی گا دیگینچه و نوکر دین بیکی گا دیگینچه سارت تیلی دین بهره مند دور لار" (نوایی: ۱۴۹۹: ۷۳۷).

نوایی سایه سیده اون بیشینچی عصر تورک تیلی، ادبی تیل سویه سیگه چیقاریلگن. او، "تورک تیلی شعریتده گی نازک توشونچه لرنی افاده لشگه قادر ایمس، تورک تیلی علمی اثر یازیش امکانیتی گه ایگه ایمس" دیگن ساخته توشونچه و اویدورمه لرنی کاملا رد ایتیب تورک تیلی بیلن اولمس اثرلر وجودگه کیلتیردی و بو تیل نینگ هم شعریت تیلی هم بیلیم تیلی ایکن لیگینی دنیا بوییچه اثباتلب بیردی (آلتای، ۱۳۹۵: ۵۷). علی شیر نوایی، دوری نینگ یاش شاعر و ادیب لرینی تورک تیلی بیلن یازماققه تشویق قیلدی. بونینگ بیرینچی سببی تورک تیلینی اینگ یوکسک چوقّیسیگه ایریشتیریش و تورکی خلق لرنی تیل جهت دن "یک قلم" قیلیش ایدی. بو توغریده حضرت نوایی حقلی روشده: "تورک نظمیده چو مین تارتیب الم – ایله دیم اول مملکت نی یک قلم" دیب تیل ده فکر بیرلیگینی اورته گه قویدی. شوندی که او دور شرقی تورکستان و مرکزی آسیا ده گی اوغوز، تورکمن، قرلوق، قپچاق، اوزبیک، قزاق، اویغوروباشقه تورکی خلقلر نینگ چمه سی اوز یازوو و ایجادیات لریده چغتای ادبی تیلینی قولّه ندی لر.بیوک تورک ملیتچیسی اسماعیل گسپرالی نینگ "تیل ده بیرلیک، فکر ده بیرلیک" سوزلریگه قره گنده،علی شیر نوایی اثرلری واسطه سیدهاوز تکاملیگه ایریشگن تورک تیلی و یا باشقه بیر افاده بیلن نوایی تیلی، اورته آسیا و شرقی تورکستانده ملی بیر ادبیات نینگ وجودگه کیلیشیگه زمینه یره تدی و بو ادبیات سایه سیدهبوتون اورته آسیاده گیتورکی خلقلراوز بیرلیک لرینی محافظه ایتدی لر.علی شیر نوایی سایه سیدهاورته آسیا توپراقلریده وجودگه کیلگن ملی ادبیات، تورک تیلی نینگ اورته آسیا و شرقی ترکستان مرزلری دن تشقری هم کیلیشوویگه زمینه یره تدی. شوندی که اوشه دور هندوستان، ایران و آناطولی اهالیسی علی شیر نوایی نینگ اثرلری نی اوقیب انگله ماق

اوچون سوزلیک (دیکشینری) گه احتیاج تاپماققه باشله دی لر و شو باعث اوشه محیط نینگ تیل شناس لری تمانیدن لغات چغتایی، لغات نوایی کبی سوزلیک لر یازیلدی. بو مسئله حضرت نوایی نینگ دنیا بوییچه بیر ادبی شخصیت صفتیده تنلیشیگه امکان یره تدی. شو لحاظ دن علی شیر نوایی فقط افغانستان و یا هم اورته آسیا تورکلریگه منسوب بیر شخصیت ایمس، برعکس او، بوتون تورک دنیاسی نینگ اورتاق معنوی سیماسی دیر.

حضرت نوایی، دنیا ادبیاتی نینگ هم تانیقلی سیمالریدن محسوب بوله دی. اونینگ اثرلری کاشغردن تونا نهری نینگ قیرغاقلریگه چه، بصره دن والگا دریاسی نینگ قیرغاقلریگه چه تورک کلتوری حاکم بولگن بوتون ییرلرده عصرلر بوییچه اوقولیب تقلید ایتیلگن و اونینگ شعرلریگه قرشی نظیره لر یازیلگن (کوک دمیر، ۲۰۱۷: ۵۰۱). اونینگ ادبی ایجادیاتی هلیگه چه دنیانینگ فرقلی اولکه لریده بیلیم انسان لری تمانیدن تدقیق ایتیلماقده دیر. نوایی نینگ دنیا مقیاسیده تن آلیشی، اثرلری نینگ تورلی تیل لرگه ترجمه ایتیلیشی و اثرلری اساسیده یوزلب علمی و تحقیقی کتاب و مقاله لر یازیلیشیگه سبب نوایی نینگ اوز اثرلری آرقه لی فکری جهت دن دنیا مدنیتیگه قوشگن اولکن اولوشی دیر البته (آلتای، ۱۳۹۵: ۵٦).

امیر علی شیر نوایی ایککی تیللی شاعر ایدی. او، فارس و تورک تیللریده قلم تیبره تگن شاعرلرنینگ ایجادیات لرنی یقین دن تعقیب ایتگن. اوزی فارس تیلیده اثر وجودگه کیلتیرگن بولسه -ده فارس تیلی و ادبیاتی نینگ حیرانی بولگن شاعر و ادیب لرگه قرشی هردایم تورک تیلینی مدافعه ایتگن دیر. شو باعثمری نینگ سونگی پیتلریده اوز شاهانه اثری "محاکمه اللغتین" نی یازه دی. حضرت نوایی نینگ محاکمه اللغتین نی یازیشی دن مقصدیتورک تیلی نینگ فارس تیلی دن اوستون بولگن لیگینی اثباتله ش ایدیکه بو نی عینی مثال لر بیلن ایضاحله ب اوز آنه تیلینی فارس تیلی گه کوره بای بیر تیل بولگن لیگینی اورته گه قویدی (چتینداغ، ۲۰۱۲: ۸).

نوایی، ادبی صنعتنی بیوک بیر ظرافتلیک بیلن ایشله ب تورک تیلیده قنچه شعر یازگن. اونینگ اصل هدفی تورک تیلی بیلن هم شعر یازیش امکانیتی بارلیگینی و بو تیل نینگ شعریت تیلی بولگن لیگینی اثباتلش ایدی. بو توغریده:

"شعر صنعتین که قیلدیم ابتدا
ترک الفاظی بیرله قیلدیم ادا
من که ترک الفاظی غه ایلپ شروع
نظم تاپتی طبع کلکیم دین فزوع"

دیب فخرلنه دی. هرچند حضرت نوایی، تورک تیلی ده شعر یازیش ده فارس تیلیگه کوره البته که کوپراق کوچ صرف ایتگن. چونکه تورک تیلی نینگ نازک لیک لری فارس تیلیگه کوره کوپراق ایدی. نوایی دوریده فارس تیلی و ادبیاتی بویوک تکامل گه ایریشیب، نوایی نینگ دوستی و مرشدی ملا عبدالرحمن جامی واسطه سیده ممتاز دوری نینگ اینگ یوکسک چوقّیسی گه چیقیش عرفه سیده ایدی. اوشه دورده ادبیات نهایت درجه عامه لشیب، غزل و مثنوی طرزلریگه طلب کوپراق ایدی. تورک شعری نینگ افاده یول لری مکمل کشف ایتیلمه گن و تورک تیلی ده شعر یازگن شاعرلرنینگ سانی نهایت درجه آز بولگن بوندی بیر دورده، نوایی نینگ بو مسئله گه اعتبار قره تیشی و اوز ایجادیات لریده تورک تیلی نینگ برچه امکانیت لرینی کورسه تیشی بیوک بیر جسارت ایستر ایدیکه بو مسئله کوپراق حضرت نوایی نینگ اوز آنه تیلیگه بولگن سیوگیسی دن الهام تاپگن دیر (ترلان، ۱۹۴۲: ۱۲).

نتیجه

بو مقاله حضرت نوایی نینگ تورک تیلی ترقیاتی ده یولیده قیلگن فعالیت لری و فداکار لیک لری حقیده معلومات بیریش نقطه نظریدن مهم. یوقاریده بیریلگن توضیحات لرگه کوره سوز ملکی سلطانی امیر علی شیر نوایی اوز دوریده مونچه ریسک و خطراتلرگه قره مس دن بوتون حیاتی نی تورک تیلی نینگ ترقیاتی و انکشافی یولیده صرف ایتیب اوشه دور تورک ادبیاتینی ملی ادبیات سویه سیگه ایریشتیرگن دیر. نوایی دوریده تورک تیلی ادبی صنعت و ملی روح جهتیدن اوزی نینگ اینگ یوکسک دوره سینی تجربه قیلگن. بو دورده هر بیر قلم صاحبی کیشی افتخار بیلن تورک کلیمه سینی تیله کیلتیریباوز اثرلرینی تورک تیلی بیلن یازیشگه باشله گنلر. حضرت نوایی نینگاوز آنه تیلیگه بولگن سیوگی و حرمتی سبب، اثرلرینی تورک تیلی بیلن یازیب دوری نینگ باشقه شاعر و ادیب لرینی هم بو تیل بیلن یازیشگه تشویق ایتگن دیر. فارس تیلی بیلن یازگن تورک شاعر و ادیب لرنی جدی بیر شکلده نقد ایتگن دیر. تورک تیلی حضرت نوایی نینگ گورکملی فعالیت لری نتیجه سیده اون بیشینچی عصرده اینگ پارلاق دوره سینی تجربه ایتگن. بو دورده تورک تیلی نینگ فارس تیلی گه کوره اوستون لیگی عینی مثال لر بیلن اورته گه قوییلگن، تورک تیلی بیلن یوکسک سویه ده بیر ادبیات اورته گه کیلیشی ممکن لیگی اثباتله نگن.

امیر علی شیر نوایی نینگ تورک تیلی تاریخی جهتیدن تاثیرگذار بیر شخصیت بولگن لیگی اوزیدن قالدیرگن ادبی میراثی سایه سیده سونگی نسللرگه انتقال بیریلگن. او، اوزی نینگ ماندگار اثرلری بیلن اون بیشینچی عصر اورته آسیا تورک ملتینی تیل جهتدن "یک قلم" ایله گن و بو وسیله بیلن تورک ملتی اراسیده فکر بیرلیگینی اورته گه کیلتیرگن دیر. او، تورک تیلی نینگ ترقیاتی و انکشافی ده

اولکن حصه قوشیب آنه تیلی توغریسیده بولگن اوز بورجینی یخشی لیک بیلن ادا قیلگن.شو باعث تورک ملتی اون بیشینچی عصرنینگ باشلریدن ایگیرمه نچی عصرنینگ باشلریگه چه تقریبا آلتی یوز ییل لیک بیر مدت ده اوز یازوو و ادبیات لریده چغتای ادبی تیلی ویا باشقه بیر افاده بیلن نوایی تیلینی قولّه نگن لر. خلاصه اون بیشینچی عصر تورک ادبیاتی، علی شیر نوایی سایه سیده اوزی نینگ اینگ پارلاق دوره سینی تجربه قیلگن.

فایده لنگن منبع لر

۱. آلتای، نورالله (۱۳۹۵)، اوزبیک ادبی تیلی نینگ شکلله نیشیده علی شیر نوایی نینگ توتگن اورنی، امیرالکلام علی شیر نوایی خلق ارا سمپوزیمی مقاله لر توپلمی، کابل.

۲. اینان، عبدالقادر (۱۹۷٦)، چغتای ادبیاتی، تورک دنیاسی ایل کتابی، تورک کلتوری تحقیقات مرکزی، انقره

۳. ترلان, علی نهات (۱۹۴۲)، علی شیر نوایی، بوغازایچی انتشاراتی، استانبول

۴. جعفراوغلی، احمد (۱۹۸۴)، تورک تیلی تاریخی، اندرون انتشاراتی، استانبول.

۵. چتینداغ، یوسف (۲۰۱۲)، امیر علی شیر نوایی (ترجمه: علی مردان هییت، عرب الفباسی گه اوزگروچی: محمد حسن تولقین)، خراسان مطبعه سی، کابل.

٦. رحمانی، ذبیح الله (۲۰۱۹)، اوزی نینگ دوریده یازیلگن منبع لرده علی شیر نوایی و اونینگ آز بیلینگن اوچ اثری، حکمت اکادمیک ادبیات مجله سی، ساکاریا.

۷. سویدان، سرپیل (۲۰۱۸)، کلاسیک دوریدن آلدین و کلاسیک دوری چغتای تورکچه سی نینگ بعضی اثرلریده متضاد کلیمه لرنینگ قولّه نیلیشی، خلق ارا تیل، ادبیات و فولکلور تحقیقات مجله سی، انقره.

۸. عبدوالیوا، دلنازه اکرموا (۲۰۱۷)، امیر علی شیر نوایی نینگ تاریخ ملوک عجم آتلی اثریده مترادف، متضاد و کوپ معنالی سوزلر، تورک تیلی مجله سی، انقره.نوایی، علی شیر (۱۴۹۹)، محاکمه اللغتین، هرات.

۹. عالَم‌شمولعالِم

۱۰. (امیرالکلام علیشیر نوایی‌نینگ معنوی-معرفی دنیاسی)

۱۱. فوزیه ارال حبیبی

۱۲. تئینچ سؤزلر:

۱۳. علیشیرنوایی، دیوان، شعر، غزل، داستان، آداب-اخلاق، نوشیروان، انسانپرور، ایجاد، شاعر، معرفت، عالم، عشق،

عالَم‌شمول عالِم (امیرالکلام علیشیر نوایی‌نینگ معنوی-معرفی دنیاسی)

فوزیه ارال حبیبی

تئینچ سؤزلر:

علیشېرنوایی، دیوان، شعر، غزل، داستان، آداب-اخلاق، نوشیروان، انسانپرور، ایجاد، شاعر، معرفت، عالم، عشق،

قیسقرتمه:

امیرالکلام علیشېر نوایی حضرتلری معرفتنی، آداب-اخلاقنی، آدمیلیک و حیاتنی انسانیت‌نینگ اساسی بېلکیلری صفتیده ترغیب قیله‌دی. عموماً آلگنده، حضرت نوایی‌نینگ ایجادی بوتونلیگیچه انسانیِ فضیلتلر، آداب-اخلاق‌نینگ تورلی قیررەلرینی یاریتیشگه بخشلنگن دېسک، خطا قیلمەن بؤله‌میزالبته. اعتبار قره‌تسک، شاعرنینگ برچه قهرمانلری انسان پرور، یومشاق قلبلی انسانلردیر. بو شاعر فلسفه‌سیده آداب-اخلاق مسئله‌سی مهم اؤرین توتگنلیگینی تصدیقله‌یدی. نوایی انسان پرورلیگی‌نینگ باش اساسینی عشق-محبت تشکیل قیله‌دی، زیرا آدم و عالَم یره‌تیلیشی‌نینگ اساسی هم عشق بیلن باغلیق دیر. بویوک متفکرعلیشېرنوایی عشق و محبتنی انسان حیاتیده‌گی اینگ مقدس تویغو، کیشیلیک جمیعتینی اوشلب توروچی ستون دېب توشونگن. کتابخوانني قئیته-قئیته حیرتگه سالوچی جهتلرنینگ برچه‌سینی حضرت نوایی‌ده تاپه‌آله‌میز. تاریخده شاعرلر بارکی حکمدارلرگه باش اېگیب، اولر بیلن مراثه قیلیب یشه‌گنلر. تاریخده ینه کؤپلب شاعرلر بار –اولر بویوک ایجاد اېگه‌سی.

کیریش:

شرق دنیاسی اؤزی‌نینگ یوکسک معنوی عالمی، معرفتی بیلن جهانگه استاذلیک قیلیب کېلگن. بو اؤز-اؤزیدن ادبیاتده، خصوصاً، بیزنینگ ممتاز شعریتیمیزده بې تکرار بدیعی افاده بیلن عکس اېتگن دېسک یَنگلیشمه‌گن بؤله‌میز. آداب-اخلاق، انسانی فضیلتلر حقیده‌گی قره‌شلر حضرت نوایی ایجادیده

اؤزیگه خاص فلسفه‌گه، تعبیر جایز بؤلسه، بنیادی اساسگه ایگه یخلیت (بوتون) سیستیمگه یعنی فکر یوریتیش، دنیانی توشونیش و انگلش اصولیگه اَیلنگن. خوش، بونینگ اساسلرینی قئیسی نقطه‌لرده کوریشیمیز ممکن؟ بو علیشیر نوایی‌نینگ ایجاد حقیده‌گی یانده‌شولریده‌یاق کؤزگه تشلنه‌دی. حضرت نوایی‌نینگ ایلک (بیرینچی) رسمی دیوانلری حسابلنمیش «بدایع البدایه» دیباچه‌سینی اؤقیسک، اونده شاعرنینگ ایجاد و ادبیات حقیده‌گی پرنسیپلرینی (قره‌شلرینی)کؤره‌میز. علیشیر نوایی هر قنده‌ی شعر آداب-اخلاق حقیده‌گی بئیت‌لر بیلن بیزه‌نماغی لازم دیب حسابله‌یدی. حتا عشق حقیده یازیلگن شعرلرده هم آداب چیگره‌سینی بوزمسلیک، حیا پرده‌سینی قطعی توتماقلیک لازم. حضرت نوایی معرفت حقیده شعرلری بؤلمه‌گن دیوانني، موعظه (پند) بئیتی بؤلمه‌گن غزلنی مقبول دیب حسابلمه‌یدی، اگر شونده‌ی بؤلسه، چیکیلگن مشقت بیهوده دیر، دیب تاکیدله‌یدی:

«دیوان تاپیلغه‌ی‌کیم، انده معرفت آمیز بیر غزل تاپیلمه‌غی و غزل بؤلغه‌ی کیم، انده موعظت‌انگیز بیر بئیت بؤلمه‌غی. موندا‌ق دیوان بیتیلسه، خود عصر بیهوده زحمت و ضایع مشقت تارتیلغان بؤلگه‌ی». دیمک، نیگیزی آداب بؤلگن معرفت شاعر نظریده عالی اؤرینده توره‌دیگن قَدریت دیر.

«حیرت الابرار» داستانیده‌گی آلتینچی مقاله بوتونچه «ادب تعریفی»گه بخیشلنگن. اونده شاعر آداب توشونچه‌سینی اطرافلیچه شرحله‌یدی، او انساننی اولوغلیککه آلیب چیقیشینی تأکیدله‌یدی، آداب‌نینگ شرطلرینی کیلتیره‌دی، خصوصاً، حیا، ایبا آداب نینگ اساسی دیگن قره‌شنی ایلگری سوره‌دی. حضرت نوایی شو مقاله‌دن سؤنگ نوشیروانی عادل حقیده‌گی حکایتنی کیلتیره‌دی.

اونده نرگس گلی‌نینگ «نگاه»دن حیا قیلگن نوشیروان نفسینی جلاوله‌یدی، یاریگه قؤل اوزه‌تیشدن اؤزینی تییه‌دی و بو بیلن او اؤزی‌نینگ معنویی یوکسکلیگینی کؤرسته‌دی. شاعر حکایت سؤنگیده شونده‌ی خلاصه قیله‌دی:

عیش، نوایی، نیچه دلکش دورور،
لیک ادب بیرله حیا خوش دورور.

یعنی کونگیل خوشلیک قنچه‌لیک یاقیملی بؤلمه‌سین، اوندن کؤره آداب و حیا افضل دیر. دیمک، کورینیپتیکی، علیشیر نوایی حضرتلری معرفتنی، آداب-اخلاق و حیانی انسانیتلیک نینگ اساسی صفتیده ترغیب قیله‌دی. عموماً، حضرت نوایی‌نینگ ایجادی بوتونلیگیچه انسانی فضیلتلر، آداب-اخلاق نینگ تورلی قیره‌لرینی یاریتیشگه بخشلنگن دیسک، حقلی بؤله‌میز. اعتبار بیرسنگیز، شاعرنینگ برچه قهرمانلری انسان پرور، یومشاق قلبلی انسانلردیر. بو هم شاعر فلسفه‌سیده آداب-اخلاق مسئله‌سی مهم اؤرین توتگنلیگینی تصدیقله‌یدی.

نوایی بوتون حیاتی دوامیده انسانلرنی تینچلیککه، عدالت و مهر-محبتگه چارلب کیلگن.

اېلنی شاد أیله‌مک کېره‌کدور مېنگا،
عدل و داد أیله‌مک کېره‌کدور مېنگا.

درحقیقت عدالت، حقیقتنی أیتیش و اېشیتیشدن باشلنیشیگه اشاره قیلگن امیرالکلام میرنظام‌الدین علیشیرنوایی یازه‌دی:

ظالم و عادل نه یکسانند در تعمیر ملک،
خوک دیگر در شیار ملک و دهقان دیگر است.

نوایی تشویقی اساسیده عدالت پیشه قیلگن سلطان حسین بایقرا حکمرانلیگی‌ده رعیت آسایشته‌لیگی و مُلک برقرارلیگی اؤز اثباتینی تاپگن اېدی:

عدل ایشیگین اېلگه گوشاد أیله‌دی،
تخت اوزه اؤلتیردی و داد أیله‌دی.
توزدی بوزوقلرنی عمارت ایله،
ظلم‌نی دفع اېتدی عدالت ایله.
بولدی رعیت رمه و سین شبان،
اول شجر مثمر و سین باغبان.
قوینی شبان اسره‌مسه آی و ییل،
آچ بوری طعمه‌سیدور باری بیل.

انساننی قئیته-قئیته حیرتگه سالوچی جهتلرنینگ برچه‌سینی حضرت نوایی‌ده تاپه آله‌میز. تاریخ‌ده شاعرلر بارکی –حکمدارلرگه باش اېگیب، اولر بیلن صلح و آشتی قیلیب یشه‌گنلر. تاریخ‌ده ینه کؤپلب شاعرلر بارکی –اولر بویوک ایجاد اېگه‌سی بؤلگنلر. حال بوکی، اولرده کتته شخصیتنی، ییریک عملی ایشلرنی کؤرمه‌یمیز. ینه اَیته آله‌میز – عالم شونده‌ی شخصلرنی کؤردیکی، اولر بنیادکار، اولر دولت اربابی. قصرلر، شهرلر،مسجد و مدرسه‌لر قوردیلر، آدملرنینگ ایشیگه یره‌دیلر. لېکن اولرده بویوک بدیعی ایجادنی تاپمه‌یمیز. علیشېر نوایی حضرتلریده اېسه بو ایککی جهت مجسم اېدی: هم عقلنی لال قالدروچی بدیعی خزینه، هم کېچه-کوندوز خلق خدمتیده کمر بسته بؤلیش. «حیرت الابرار»ده «خمسه» یازیلیشی بیلن باغلیق جریان تصویریده شونده‌ی بئیتلر بار:

کیم بار ایدی باشیمه کؤپ محنتیم،
یؤق اېدی باش قاشیغه‌لی فرصتیم...
بیر دم اولوس محنتیدن کام یؤق،
بیر نَفَس اېل جوریدین آرام یؤق...

لیکن حضرت نوایی شو شرایطده هم مردانه وار ایشنی اودده‌لب بیردی. معلومکی، «خمسه» ۱۴۸۳ – ۱۴۸۵ ییللر آره‌لیغیده یازیلگن، اگر داستاننی بی واسطه یازیشگه صرف ایتیلگن وقت حسابگه آلینسه، آلتی آیدن آشمسلیگی معلوم بؤله‌دی:

کی اهلی محاسب شتاب اَیلسه،
دییلگه‌ی زمانین حساب اَیلسه،
ییغیشتورسه بؤلمس باری آلتی آی،
کی بؤلدونگ بو رعناغه صورت نمایی.
یاکی «سبعه‌ی سیار»ده‌گی اوشبو بیتلرگه دقت قره‌تینگ:
منگه ایامی گرچی یاد ایرمس،
لیک تؤرت آیدین زیاد ایرمس.
بؤلسم اؤزگه عمردین ایمین،
بار ایدی تؤرت هفته هم ممکن.
کی، یازیلغای ایدی بو نظم روان،
بلکی بو نامه باشیغه عنوان.
چون نهایت‌سیز ایردی اشغالم
کثرتی شغلدین یامان حالم.
اؤتیب اوقاتم ایل گزافی بیله،
چین و یالغان سؤز اختلافی بیله،

معلوم بؤلماقده‌کی اصلیده «سبعه‌ی سیار» تؤرت هفته‌ده یازیلیشی ممکن ایدی، لیکن او کیشی نینگ آلدیگه کیلگن حاجتمندلر کؤپ بؤلگن. حضرت اولرنینگ هر بیریگه وقت اجره‌تگن، اولرنینگ معمالرینی حل قیلگن، شو جریانده ینه یوکسک ایجادی الهام بیلن اولکن اثرلرینی یازیشده دوام ایتگن. بو مثاللرنی نیگه کیلتیریپمیز؟ یعنی نوایی ایجاد قیلیشدن مقصد – انسانیت اوچون منفعت ییتکزیش دیب حسابله‌گن. اوذات فقط اؤزی اوچون یاکی اطرافیده‌گی بیش-آلتی کیشی اوچون یازمس ایدی. مقصد آدملرگه فایده کیلتیریش ایکن، حضوریگه کیلگنلرنی قئیتره آلمس ایدی، اولرنینگ هم دردینی ایشیتیب، یؤل-یؤریق کؤرسه‌تیب، مشکللرنی آسان قیلیب بیرگن. شو اؤرینده بیر حقیقت آیدینلشه‌دی: علیشیر نوایی حضرتلری اؤز اثرلریده یوکسک انسان پرورلیک غایه‌لرینی ترغیب ایتدیلر، بو اثرلر همان اهل دنیانی لال قالدیرماقده، چونکی شاعرنینگ حیاتیده اونینگ یازگنلری یققال عکس ایتیب توره‌دی. او کیشی نینگ اَیتگن سؤزی و قیلگن ایشلریده فرق بؤلمه‌گن. علیشیر نوایی نینگ اعتقادی

و حیات طرزی اؤرته‌سیده تفاوت بؤلمه‌گنلیگی اوچون هم بیز همیشه او ذاتدن حیرتده میز.

حضرت نوایی خوددی ۲۱-عصرایجادکاری‌گه اوخشه‌یدی. او گویا بیز بیلن بیرگه یشب تورگن‌دېک، حیاتیمیزنینگ برچه قیره‌لرینی حس اېتیب تورگندیک، بوتون یخشی-یامان‌لیکلرنی بیزبیلن برابر بهم کؤره‌یاتگندېک و نهایت همه قینغیر-قییشیق ایشلرنی قؤرقمسدن قاغازگه توشیریب فاش قیله‌یاتگن‌گه اؤخشه‌یدی. منه اونینگ قوییده‌گی سطرلریگه اعتبار بېرینگ:

قیلیب صالح عمل کسبی شعارینگنی صلاح اېتگیل،
ولی فاسد خیالینگ بیرله هردم بیر فساد اېتمه.
فلکدین یخشیلیک یېتگه‌ی دېبان کؤنگلینگنی شاد اېتمه،
یمانلیغ کیم یېتر، حالا اونوت اؤتگننی یاد اېتمه.

یاکه:

اېرورسن شاه، اگر آگاه سېن‌سن،
اگر آگاه سېن‌سن، شاه سېن‌سن.

غربده «اقتدارلی شخصلرنینگ گناهلرینی کېچیریش ممکن» دېگن توشونچه بار. لېکن علیشېر نوایی اوچون هر قنده‌ی بویوک شخص، بویوک دها، اوّلا، انسان باله‌سی او شو نامگه لایق بؤلیشی کېره‌ک. تاریخچی خانده‌میر نوایی حضرتلریگه بخشلب «مکارم الاخلاق» رساله سینی یازگن. اثر نامیگه اعتبار قره‌تینگ: «مکارم الاخلاق». تاریخچی بویوک ایشلر دېمه‌یپتی، بویوک ایجاد هم دېمه‌یپتی، اولوغ اخلاق دېیپتی. بو علیشېرنوایی‌نینگ معنویتی، معرفی دنیاسی اؤز دوریده‌گی آدملرنی حیرتگه سالگنلیگینی بیلدیره‌دی. علیشېر نوایی آداب-اخلاق اصولینی اؤز ایجادی و حیاتیده عکس اېتیردی، بونی اونینگ اؤزی اېمس، بلکی زمانداشلری، ایزداشلری اعتراف اېتگنلر، خلاصه قیلیش ممکن کی، دهالیک یاکی بویوک‌لیک بویوک-بویوک ایشلر بیلن اېمس، اوّلا انسان‌نینگ بویوک خُلقی، بویوک بئیتلریدن باشلنه‌دی. اصلیده نوایی یاشلیگیده‌یاق بویوک مقصدلر اوچون تازه نیت کېره‌کلیگینی جوده یخشی انگله‌گن. بونی «سد اسکندری» دن آلینگن اوشبو بئیت هم تصدیقله‌یدی:

کیچیک اېرکنیمدین بؤلوب قاشیمه،
اولوغ مدعا سالدینگیز باشیمه.

شاعر بو اؤرینده اؤزیدن اوّلگی بویوکلرگه قره‌ته کیچیکلیگیمده‌یاق قلبیمگه اولوغ مدعالر اشتیاقینی سالدینگیز دېماقده.

حضرت علیشېر نوایی انسان پرورلیگی نینگ باش اساسینی عشق-محبت تشکیل قیله‌دی، زیرا آدم و عالم یره‌تیلیشی نینگ اساسی هم عشق بیلن باغلیق دیر. بویوک متفکر عشق و محبتنی انسان

حیاتیده‌گی اینگ مقدس تویغو، کیشیلیک جمیعتینی اوشلب توروچی اوستون دېب توشونگن. بو محبت تېوه‌رک-اطرافگه، انسانلرگه، عایله‌گه، دوستگه، یارگه و شو آرقه‌لی بویوک یره‌تگنگه قره‌تیلگن. و عیناً شونینگ اوچون هم شاعر شعرلری‌نینگ اساسی موضوع‌سینی عشق تشکیل قیله‌دی. حضرت علیشېر نوایی اؤز غزللریدن بیریده:

ای نوایی، عشق اطوارینی حفظ أیله‌ی دېگن،

برچه ایشنی ترک اېتیب، قیلسون بیزینگ دېواننی حفظ.

دېب یازگن اېدی. یعنی «کیم اگر عشق یؤلینی توتماقچی و اونی اسره‌ماقچی بؤلسه، برچه ایشنی ترک اېتیب، بیزنینگ دېواننی یاد آلسین»

نوایی انسانلرنی عدالت و تینچلیک بیلن بیرگه آدمیلیککه هم چارله‌یدی:

آدمی اېرسنگ دېمه‌گیل آدمی،

انینگ که یوق خلق غمیدین غمی.

(اگر آدمی، تو نگو آدمی - هرآنکو ندارد غم آدمی)

نوایی آدمی‌لیکنی ینه منه بونده‌ی تصویرله‌یدی:

کیم‌که بیر کؤنگیل بوزوق‌نینگ خاطرین شاد أیله‌گه‌ی،

نېچه بارکیم کعبه ویران اؤلسه آباد أیله‌گه‌ی.

نوایی تینچلیک اوچون کیشیلرنی شیرین زبان بؤلیشگه، کؤنگیل آزار بؤلمسلیککه چقیره‌دی:

چون سینسه کونگیل زخم زبان آغریغیدین،

کیم اېرمس انینگ آغریغی جان آغریغیدین.

هرنی که ییتر سېنگه لسان آغریغیدین،

بیلگیل‌که قتیق اېرور سُنان آغریغیدین.

نوایی ایاللرحقوقی حامیسی هم بؤلگن:

یوزتومن ناپاک ایردین یخشی‌راق،

پاک خاتونلر ایاغی‌نینگ ایزی.

(ازهزاران مرد ناپاک جهان - وه چه بهتر خاک پای بانوان)

نوایی اؤز اثرلریده سؤزاېرکین‌لیگیگه کتته اعتبار بېرگن، کیشیلرنی اولوس‌نینگ سیسی بؤلیشگه دعوت اېتگن:

یعنی (صوتی باش که بر سکوت ملت جان عطا کند. لفظی باش که غفلتیان را ندا کند.)

نواسیز اولوس‌نینگ نوا بخشی بؤل،

توایی یامان بؤلسه سین یخشی بؤل.

(نوا بخش باش بر مردم بینوا - نوایی چو بد شد تو نیکی نما)

نوایی انسان ذاتینی (منصب و مال-دنیادن قطع نظر) دنیاگه کېلیش و کېتیش ده تېنگ اېکنلیگینی بیان اېته‌دی:

هر سفال کهنه در دیر مغان شد جام جم،

زانکه آنجا هیچ فرقی در گداوشاه نیست.

نوایی هردایم ملت غمینی اؤز غمی دېب بیلگن:

یؤق کون و کېچه خور و خواب مېنگه،

کېچه غم و کونــدوز اضطراب مېنــگه.

او خلق منفعتینی اؤز منفعتیدن اوستون قویه‌دی و عدالت‌نی تېنگ‌لیکده دېب بیله‌دی:

مېنگه قیلسه یوز جفا بیر قتله فریاد أیلامم،

اېلگه قیلسه بیر جفا مینک قتله فریاد أیلارم.

(برنیارم دم اگر، وی صد جفا برمن کند - یک جفا گر زو رود برخلق، آرم صد فغان)

شونینگ دېک، علیشېر نوایی انسان پرورلیک دېگنده حق اوچون قیلینه‌دیگن خالص یخشیلیکنی، راستگولیکنی، سخاوتنی هم نظرده توته‌دی. شاعرنینگ داستانلریده‌گی هر بیر ایجابی قهرمان، اوّلا، یوکسک مقامده‌گی انسان پرور شخص دیر. مثلاً، فرهادنی آله‌یلیک. او شهزاده بولیشیگه قره‌مسدن، باشقه‌لرنینگ غمگین بولیشیگه چیده‌ی آلمس اېدی. او آدملر دردیگه ملحم بؤلیشنی ایستردی:

بیراوکیم زار ییغلب-ییغلب اول زار،

تاپیــب کؤنــگلی اېل آزاریــدین آزار.

یعنی کیم دیر ییغلسه، فرهاد هم ییغلردی، اېل چېککن آزاردن اونینگ کؤنگلی هم آزار چېکردی. أیتیش ممکن‌کی، نوایی گمنیزم (آدمیلیک)نینگ اساسی مېزانلریدن بیری انسانلر دردینی حس اېتیش و اولرگه ملحم بؤلیشدیر.

«سد اسکندریه» داستانیده اسکندرنینگ عدالتی اولوغلنه‌دی. همتی مدح اېتیله‌دی. حتا اسکندرنینگ اؤزی شونده‌ی دیېدی:

کیشی کیم بویوک‌راق دورور همتی،

جهان اهــلیدین کــم دورور محــنتی.

یعنی انسانده همت بلند بؤلسه، او جهان اهلی – آدملردن رنج-الم (یعنی محنت) کؤرمه‌یدی. عموماً حضرت نوایی‌نینگ انسان پرورلیک مېزانلری حقیده‌گی فکرلرنی عموملشتیرسک، وطن‌گه

صداقت، خلققه خالص خذمت قیلیش، دوستگه صداقتلی بؤلیش، آته-آنه‌نی قدرلش کبی قطار جهتلرنی کؤره‌میز. بولرنینگ برچه‌سی اول ذات ایجادی نینگ اساسینی تشکیل قیله دی.

«حیرت الابرار» داستانیده‌گی اؤن اوچینچی مقاله آدملرگه بولوت دپک فایده کپلتیروچی انسانلر حقیده دیر. بونده شاعر انسانلرگه نفع کپلتیریش حقیده سؤزله‌یدی. اونگه کؤره آدملرگه یخشی لیک قیلیش لازم، اولرنینگ آغیرینی یپنگیللشتیریش کپره‌ک، اگر بونگه هم امکان بؤلمسه، یخشی سؤز أیتیشنی عادت قیلیش لازم‌کی، بو کتته ایشدیر. اگر بونگه اپریشه آلمه‌سنگ، کؤنگلینگنی اپلگه پیوسته توت:

سؤز بیله نفع اؤلمسه اپل پپیشه‌سی،
یخشی کپره‌ک کؤنگلیده اندیشه‌سی.
کؤنگلی کیشی خوشلوغیدین خوش کپره‌ک،
نـاخـوش اگـر بؤلسـه، مشـووش کپـره‌ک.

یعنی سؤز بیلن اپگه نف کپلتیره آلمه‌سنگ، آدملر کؤنگلینی توشونیشگه اینتیل. اگر انسانلر خرسند بؤلسه، سپن هم خرسند بؤل، اگر اپلگه رنج یپتسه، غم خور بؤل.

نوایی اپنگ یوکسک انسان دپگنده قلبیده اؤچ و عداوت بؤلمه‌گن انساننی توشونه‌دی:

اولکی بو اخلاق ایله أیلب خرام،
اپتسـه جـــفا اَیلمـه‌گی انتـقـام.
بلکی کـدورتنی صـفا اَیله‌گـی،
نپـچه جـفا اپتسه، وفا ایله‌گـی.
آنی بشر خیلی‌نینگ انسانی بیل،
آدمی‌لـــر آدمـیسی آنـــی بیـــــل.

یعنی چینه‌کم انسان انتقام آلیشیدن هم واز کپچه آله‌دی، باشقه‌لر اونگه حسد قیلسه، کینه سقلسه، اعتبار بپرمه‌یدی، جفا قیلووچیلرگه وفا بیلن جواب قَیتره‌دی، شونده‌ی فضیلتلرگه اپگه شخص آدم باله‌سی نینگ اپنگ یخشیسی دیر.

مذکور مقاله‌دن سؤنگ ایوب خَلَف حکایتی کپلتیریلگن. اونگه کؤره ایوب خَلَف‌نینگ اوییگه اؤره (چوقور) کاولب کیرگن اؤغری شونچه لیک کؤپ نرسه اوغیرله‌یدی‌کی، قئیتیشده اؤشه اؤره‌گه سیغمه‌ی قاله‌دی. شونده عبادت قیلیب اؤتیرگن اولیا اؤرنیدن توریب، اؤغریگه:

«قیینه‌لیب کپتدینگ، اپشیکدن چیقیب کپته قال،» - دپب یؤل کؤرسته‌دی. بوندن تاثیرلنگن اؤغری انصافگه کپلگن، توبه قیله‌دی. نوایی حضرتلری بو بیلن انسان پرورلیک نینگ نپگیزی کپچیرملی

بؤلیشده، قلبنی هر قنده‌ی یامانلیکلردن، قاره‌لیکلردن پاک توتیشده اېکنلیگینی تاکیدله‌یدی. حقیقتاً هم، اگر یامانلیککه یامانلیک بیلن جواب بېریله‌وېرسه، دنیاده یخشی لیک قالمه‌یدی. دېمک، چینه‌کم انسانی‌لیک بغری کېنگلیکده، انتقام چاغیده شفقت قیله بیلیش، جهالتگه قرشی معرفت بیلن جواب قَیتریشده اېکن.

علیشېر نوایی‌نینگ شخصیتی، اجتماعی-سیاسی فعالیتی، شاعر صفتیده یره‌تگن اثرلری، عالم صفتیده آلیب بارگن تدقیقاتلری همان اؤرگه‌نیب کېلینماقده و بوندن کېین هم اؤرگنیله‌دی. اونینگ اثرلریده‌گی بدیعیت همده بو بدیعیتگه سینگدیریلگن معنا شعریت محب‌لرینی چېکسیز هیجانگه سالماقده.

حضرت نوایی بیزگه یؤل کؤرسته‌دیگن مئیاق (اؤرنک، نمونه). حیات حقیده تعلیم بېره‌دیگن اؤقیتوچی. معنویتیمیزنینگ بایلیگی. شاعر اثرلری و ایجادی ینه اوزاق ییللر نه‌فقط اؤز ملتینی، بلکی انسانیتنی تربیه قیله‌دی، شخصیتی اېسه اؤرنک بؤلیب وطن پرورلیککه، گوزه‌ل آداب-اخلاققه چارلب توره‌دی.

ادبیاتلر:

۱. صالح مطلع‌یوف. علیشیرنوایی حکمتلر، تاشکند – ۲۰۱۴
۲. علیشیرنوایی. خمسه، کابل - ۱۳۹۳
۳. علیشیر نوایی. خزاین المعانی، تاشکند – ۱۹۵۹
۴. عبدالمراد طلایوف. علیشیرنوایی‌نینگ عبرتلی حکایتلر و خصلتلی حکمتلری، تاشکند – ۲۰۱۶
۵. ابراهیم حق‌قل‌اوف. علیشیرنوایی شاه بیتلری، تاشکند - ۲۰۱۲

امیر علی‌شېر نوایی تفکریده پندو حکمت

هاشم همدم

بیلمه‌گننی سؤره‌ب اؤرگنگن عالم
عارله‌نیب سؤرمه‌گن اؤزیگه ظالم
نوایی

قسقرتمه:

بیزگچه یېتیب کېلگن اؤگیتلی شعرلر و سؤزلرگه کؤره، تورک دنیاسی مقیاسیده ادبیات بؤییچه، امیرالکلام میر نظام‌الدینعلی‌شېر نوایی، اؤزی‌نینگ حکمتگه تؤله ایجادی بیلن دنیاگه دانگ تره‌تگن (لقمان حکیم، بهلول عاقل، فریدالدین عطّار، یونس امره، مولانا جلال‌الدین محمد بلخي رومي، شیخ آداب‌اېلی، باقي، شیخ غالب...) کبی اؤگیت و پند سؤزیگه اېگه بؤلگن دنیا ایلغارلری قطاریدن اؤرین آله‌دی.

(علمی‌گه عمل قیلمه‌گن عالم جاهللر قطاریگه کیره‌دی.-حضرت علیکرم الله وجه)اسلام خلافتی‌نینگ تؤرتینچیخلیفه‌سی و پیغمبریمیزنینگ عمک بچه‌سی و کیاولری حضرت علی‌نینگ بو سؤزلریگه قره‌گنده، هر بیر عالم و بېش کَلمه بیلگن انسان، باشقه‌لرگه اونی یېتکزیشو اؤرگتیش مسؤولیتی ذمّه‌سیده اېکنلیگینی بیلیب آلیشی کېره‌ک بؤله‌دی. بیزعلی‌شېر نوایی کبی ادبیات و سیاست ساحه‌سیده اؤزلریدن منگو ایز قالدیرگن مینگلب شخصیتلریؤلیدنیوریش توشونچه‌سی بیلنیوقاریده ایتیلگن دردانه سؤزگه موافق، اؤز بارلیگیمیز و بایلیگیمیزنی اؤقیب-اؤرگه‌نیب، اونی باشقه‌لرگه بیلدیریش و یېتکزیشده کؤپ کتّه مسؤولیت و آغیر وظیفه‌نی بؤینیمیزده بؤلگنینی سېزیشیمیز،عالملر قطاریده تورگنیمیزدن دلالت بېره‌دی. عکس حالده، جاهللر قطاریگه کیرگن بؤله‌میز.

ادبیات و تیلیمیزنینگ حامی‌لری بؤلمیش بیر قنچه شخصیتلریمیز بؤلگنینی همه‌میز بیله‌میز. بو یېرده اصلی موضوع‌گه اؤتمسدن آلدین، بیر-ایکّی اؤرنک اؤقیمیز.

میلادي ۱۰ و ۱۱- عصرلرده حاضرگی اۆزبېکستانده توغیلیب،کونیمیزده‌گی افغانستانده عالمدن اۆتگن و روایتلرگه کۆره قشاق بیر عایله‌ده یېتیشیب، غزنویلردرباریده خدمت کۆرستگن بویوک بیلیمدان اسلام عالمیده «هزارفن لقبی بیلن» مشهور ابوریحان البیروني اۆز دوریده بېتکرار تدقیقاتلری و علمي قیدیریشلری بۆییچه منجم و جغرافیادان، یولدوزشناس و استرونومیک درجه‌سیگه قدَر یوکسلگن شخصیت، دولت و ملت آلدیده اۆزیگه کېنگ اۆرین اېگلله‌شی بیلنندانشمند و عالملرنینگ خُلقلریدن اۆرنک آلیش یخشی خُلقنی تیریلتیره‌دی، یامانني یۆق قیله‌دی» دېگن پندآمیز سۆزلری بیلن بې‌واسطه انسانلر قلبیگه کیریب بارگنلیکلریگه شبهه قیلیب بۆلمه‌یدی.

شونینگدېک،صاحبقران امیر تېمور«رح»«بیلگی زۆر بیرنی ییقر، بیلیمی زۆر – مینگنی»دېگنلری کبی عالم بۆلیشنی حقیقی شکلی بیلن آلغه بارگنلرنینگ زۆری همیشه معلوم بۆلگن اېکن و تاریخده اولرنینگ ایزی منگو قالگنلیگی اۆشه‌علم‌لرینی تۆغرییۆلدهقۆللگنلیکلری و معرفت-منعویتگه ایشانچلری بارلیگیدن دلالت بېره‌دی.

«هېچ کیمدن اۆچ آلیش پَییده بۆلمه‌دیم. توزیمنی تاتیب، مېنگه یامانلیک قیلگنلرنی پروردگار عالم‌گه تاپشیردیم. صاف‌دل کیشیلر، سیّدلر، عالملر و فاضللرگه درگاهیم دایم آچیق اېدی. نفسی یامان همت‌سیزلرنی، کۆنگلی بوزوق قۆرقاقلرنی مجلسیمدن قوویب یوباردیم» دېگن صاحبقران امیر تېمور حضرتلری‌نینگ یوقاریده‌گی اۆگیتلی سۆزلریگه قره‌گنده، انسان قنچه علمیگه بها بېرسه اونگه اۆشنچه بها بېریلر اېکن و قنچه بیلیمینییامانیۆللرگه خرجله‌گنلر اېسه بویوکلر نفرتیگه قالر اېکن ویا بیلیمی بۆلمه‌گن جاهل انسانلرنی هېچکیم سېومس اېکنلیگینی منه‌شو یېردهیخشیلب اۆرگنیب آلگن بۆلیشیمیز ممکن.

ادبیاتیمیزده انسان روحینی تربیه‌لاوچی اۆگیتلی سۆزلر، شعرلر و عباره‌لرنینگ اۆرنی جوده کتّه بۆلگن. حکمتلی سۆزلرنی اۆزیگه یۆللاوچی-رهنما قبول اېتیب، ایجاد و یره‌تیشده اوستون قلم تارتگنلرنینگ بۆلگنلیگی هم برچه‌گه معلوم. بوندن چمه‌سی سکّیز یوز ییل اوّل، حاضرگی تورکمنستانده توغیلیب، بوگونکی تورکیه‌ده منگولشگن شیخ آداب‌اېلی (۱۲۰۶-۱۳۲۶) عثمانلیلرنینگ روحاني ایلغارلری صفتیده «انسانی یشتکه دولت یشه‌سین»دېگن سۆزی بیلن حلی هم تورکیه خلقیگه عزیزدیر.

تورک دنیاسی‌نینگ هر بیر منطقه یا اۆلکه‌سیدهمه تامانیدن سېویلگن ادیب و معنوي شخصیتلر بۆلگنی آیدیک آچیق. یوقاریده اسملری کېچگن ایلغار ادبیاتچیلر و یا روحاني شخصیتلرنینگ اۆزیگه یره‌شه سېوه‌دیگن و فکرینی اۆقیدیگن اۆلکه‌لر بۆلگنی هم انیقدیر. اوشبو یازووده تورک دنیاسی و تورک ادبیاتی اوچون اۆزیدن انکار اېتیلمس خدمت و منگو اثرلر میراث قۆیگن حضرت نوایی «تفکریده پندو حکمت» ساحه‌سیده آز بۆلسه‌ده بیر نېچه سۆز ایتیب اۆتیشنی نیت قیلگنمیز. البته بونی

هم شو یېرده ایتیش کېره‌ک بؤله‌دیکه امیرالکلام میر نظام‌الدینعلی‌شېر نوایی یالغیز توغیلیب، اولغه‌ییب، اؤنیب-اؤسگن،اؤقیب-ایجاد اېتگن وطنیؤلمیشجنوبي تورکستان (افغانستان)ده اېمس، بلکه تورک دنیاسی اینیقسه تورکلیک شعوری‌نینگ مرکزي و تورک تمدنی‌نینگ بېشیگی بؤلمیش اؤزبېکستانده اؤلچاو و قیاسلش درجه‌سیدن یوقاری سېویلیب، اؤزبېکستان زمینیده اسمیگه اته‌لگن ولایت، شهر، کؤچه‌لر، پارکلر، مکتبلر، باغلر، بېکت، کتبخانه‌لر و کسلخانه-بیلیم یورتلر کبی کؤپ سانده نوایی‌گه اته‌لگن یېرلردن اؤتسک، او ذات‌نینگ آتلریگه اتب قؤییلگه نوایی ولایتی اَیریچه اعتبارگه اېگه‌دیر.

کیریش

انسانی و اصلاحی مقصدلر بیلن یؤل کؤرسه‌تووچی اصوللر آرقه‌لی ادبی و اخلاقی، اؤگیت-حکمت‌گه تؤله سؤزلر اېگه‌سی نوایی دېسه ینگلیش بؤلمس. اؤگیت یا حکمتلی سؤزلر، ادبیات موضوعلرینی بابیتیشده کتّه رؤل اؤینه‌گن عنصر، نثری ویا نظمي عباره، جمله، اتمه و بَیتلر قالبیده تأثیرچنلیگی همه‌گه معلوم. اؤگیت، پندو اندرزلر، بشر خلقتی بیلن تېنگ و ادبیات کشف اېتیلیشی بیلن بیرگه بؤله‌دیگن رکنلر قطاری، کؤپ کتّه اهمیتگه سزاواردیر.

بعضی اندرز، پند و حکمتلی سؤزلر انسانلر ارا کیم تامانیدن ایتیلگنی قید اېتیلمسدن اونی خلق سؤزی صفتیده نسلدن نسللرگه اؤتیب کېلیشی هم اؤزی اؤگیت‌نینگ انکار اېتیلیب بؤلمس اهمیتی سنله‌دی. حیات‌نینگ فرقلی قیرّه‌لریگه کؤره اؤگیتلی سؤزلر بؤلگنی انیق، بیراق بیز اوشبو یازووده نوایی حضرتلری‌نینگکمترلیک، علم و اؤرگه‌نیش خصوصیده‌گی حکمتلی سؤزلری تؤغری‌سیده تؤخته‌لیب اؤتماقچیمیز.

نواییحضرتلری‌نینگ هر بیر اثریده مینگلب اؤگیت و اندرز بار دېسه، تؤغری کېله‌دی. نېگه دېگنده؛ او ذات، اؤزی یشه‌گن محیطده بؤلگن برچه موضوعلرنی حکمتگه تؤله‌لیگینی تېرن اؤرگه‌نیب، اونی یوقاری درجه‌ده عکس اېتتیریشگه اولگورگن نایاب انسان دیر. نوایی تفکریده حکمت‌سیز و اؤگیت‌سیز قیرّه بؤلمسه کېره‌ک. بیله‌میزکه نوایی اؤتکیر دیدی و اوستون تفکری بیلن تېموریلر دوری شرق اویغانیش ایلغارلری‌نینگ یېتکچیسی بؤلگن و نوایی‌سیز اویغانیش امکان‌سیز بیر حقیقتدیر، دېسه هم ینگلیش بؤلمه‌یدی. اېندی، نوایی‌نینگ تفکریده‌گی، کم‌ترلیک و انسان سېورلیک تؤغری‌سیده بؤلگن حکمتلی سؤزلر باره‌سیده گپیره‌میز.

علی‌شېر نوایی اثرلریده انسان سېورلیک موضوعلریگه تېز-تېز دوچ کېلیب توره‌میز و انسانلر حقیده او ذات‌نینگ هر بیر افاده‌سینی چوقور اؤقیگنده قرآن آیتلریدن اؤقیب فیض آلگن کبی انسان روحینی سېرابتوته‌دی و آدم اؤزینی یېنگیل حس اېته‌دی. بو تؤغریده نوایی حضرتلریدن بی- ایکّی

بَیت کېلتیریش بیلن سؤزیمیزگه دوام بېره‌میز:

کیمکه بیر کؤنگلی بوزوق‌نینگ خاطرین شاد ایله‌گه‌ی،

آنچه بارکیم، کعبه ویران بؤلسه آباد ایله‌گه‌ی.

حضرت نوایی‌نینگ بو بیتینی اؤقیگنده،نوایی انسانلرگه اسلامبېشینچی بناسی بؤلمیش کعبه اعتبارینی کتّه کؤرسه‌تیب، بیر انسان یوره‌گینی قؤلگه کېلتیریش گؤیا ویران بؤلگن کعبه‌نی توزه‌تیش بیلن تېنگ بیلیب، بویوک خدمت کؤرسه‌تیش قدَر بویوک شفقت قیلگن بؤله‌سن دېب یېتکله‌گن. شونگه اؤخشش نوایی‌نینگ:

آدمی اېرسنگ دېمه‌گیل آدمی،

آنیکهیؤق خلق غمیدین غمی. کبی انسان حق حقوقی بؤییچه تفکری یانیده، مقاله اساسي قسمی بؤلمیش حضرت نوایی تفکریده‌گی حکمت و اؤگیتلی سؤزلریدن بیر قنچه اؤرنک بیلناوشبو یازووده گپیریب، او ذات تفکری اوچون چیزگن یؤلیمیزگه دوام اېته‌میز.

نوایی‌نینگعلم و عمل تؤغری‌سیده‌گی اؤگیتلری

علی‌شېر نوایی اؤز دوری‌نینگ ددیلقلمکشی و اؤتکیر فکرلی شخصیتی اؤله‌راق، علمي یؤللاوچیلیک اسلوبی بیلن کېله‌سی نسللر اوچون کؤرکم میراث قالدیرگن و بو میراثنی چوقور اؤقیگن هر انسان تؤغریدن تؤغرییؤل-چؤلنیمه‌لیگینی پَیقب آلیش کوچیگه اېگه بؤله آله‌دی. شونینگ اوچون هم نوایی‌نی شبهه‌سیز مکتب دېسه تؤغری کېله‌دی. او ذات‌نینگ ایجادلری و حیاتی حقیده گپیرماقچی بؤلگنده، مقاله بیلن اېمس، کتابلر یازیش بیلن هم باشگه اېلتیب بؤلمه‌یدی. کمینه، بو یؤلده قنچه ضعیفلیگینی پَیقب تورگن بؤلسه-ده، امیدینی اوزمه‌گن حالده، نوایی حضرتلری تفکریده پندو حکمتلر تؤغریسیدهسوز اینجولریدن کؤنگیل بنفشه‌سی قولاغیگهگلواژه قیلیب تاقماقچی بؤلیشگه حرکت قیلدی.

(نوایی‌دیر دېنگیزمېن اېسه چنقاق،

مرادیمدیر بو دېنگیزدن سوو ایچماق) دېب، او ذات‌نینگ شعرلریده‌گی حکمتلر و اؤگیتلرنی قیدیریشیؤلیده تجربه‌سیزلرچه مورگیله‌نیب، قلم تیبره‌تیش و فکر یوریتیش امکانیتی بېریلگنی اوچون شکرلر بیلن دوام اېته‌میز.

انسانغه اېرور کمال مطلوب،

اندین دغی دردو حال مطلوب.

هر کیمگه علوم بؤلسه واصل،

گر دردی و حالییؤق، نې حاصل؟

آغزه‌کی عامیانه سؤزلرگه «عالمِ بې عمل، زنبورِ بې عسل»قره‌گنده، عملی بؤلمه‌گن عالم بیلن عسلی بؤلمه‌گناری ایکّیسی هم جامعه‌ده کېره‌ک‌سیز معنی‌ده افاده قیلینگن مقوله اؤله‌راق، انسانلر ارا تېز-تېز ایتیلیب توره‌دی. لېکن حضرت نوایی نینگیو قاریده‌گی شعرلریده قران آیتلری تفسیری کبی معناسی تېرن توییله‌دی. مثال اوچون: الله تعالی اؤز مبارک کلامی آلعمران سوره‌سی ۱۸۷- آیتده شونده‌ی دېیدی: (و {اېسینگیزگه کېلتیرینگ} کؤکدن کتاب بېرگنلریدن سؤز آلگن یره‌تگن، اهالیگه {حقیقت و حکملرنی} یاشیرمسدن ایتیشلرینی طلب قیلگن. نېگه او {سؤزلر و کتابنی} ترک اېتدیلر و اونگه ایشانمه‌دیلر، و بو ترک اېتیشلری قرشیسیده ناچیز بها قؤلگه کېلتیردیلر؛ بو ایشلری جوده یماندیر. آلعمران سوره‌سی ۱۸۷-آیت).

شونگه اؤخشش حضرت نوایی دردو درکی بؤلمه‌گن عالملرنینگ علملرینی حاصل‌سیز و کېره‌ک‌سیزدیب بهاله‌یدی. نوایی آلدیده بیلیم، اونگهعمل اېتیلگن حالده، قرانده‌کیدېک مطلوبدیر و بیلیملی انسان بیر مشعل کبی اؤز تؤگره‌گیگه انسانلرنییغیشی کېره‌ک.

ینه شونینگدېک او ذات:

علمنی کیم واسطهٔ جاه اېتر،

اؤزینیو خلقنی گمراه اېتر.

دېب علمینی واسطه قیلیب اؤزیگه جاهو جلال ایسته‌گنلرگه هم ایتیله‌دیگن گپلرینی شعر آرقه‌لیبیان اېتگنلر. نوایی تفکریده علمینی انسانییؤللرگه اېمس، شخصی جاهو جلالی اوچون عرضه قیله‌دیگنلرنینگ خودّی قرآننی دین دشمنلریگه پول مقابلیده ساتگن عمل‌سیز عالملرگه اؤخشه‌گن کؤره‌سیز. علمینی واسطه قیلگنلر هم اؤزینی و هم خلقنی گمراه اېتیشیدن تشویش بیلدیرگن نوایی بو سؤزینی نه‌فقط اؤز وقتیده‌گی عالملرنی خطاب قیلیب ایتگن، بلکه حاضرگی سیاست و دینیؤلیده فلانی خان بؤلیب ملت‌نینگ باشیگه قاره کونلرنی کېلتیرگنلر هم نوایی شعری‌نینگ اصلی مخاطبلریدندیر.

علم اؤقوب قیلمه‌گن عمل مقبول،

دانه ساچیب کؤترمه‌دی محصول.

بو شعر فلسفه‌سیده شاعر، بیر اېکینچینی اؤرنک بېریب کؤرسه‌تیشیچه، ییل بؤیی کېچه-کوندوز دېمسدنمحنت چېککن اېکینچی ساچگن دانه‌لریدن محصول کؤترمه‌گن حالده، هر تورلی ضرردە بؤلگنینی سېزیب آلیشی امکانیتدن اوزاق اېمسدیر. نوایی هم عامفهم قیلیب بیرعمر علم کسب اېتیب اونگه عمل قیلمه‌گنلرنی خودّی شو اېکینچی کبی محصول‌سیزقالگن دېب بیله‌دی.

ینه شونگه اؤخشش، هنر و علم کسب اېتیش تؤغریسیده انسانلرگه حمّام بارییووینیب چیقمه‌گنلر

کبی بو عالم اوییدن کمال کسب قیلیشدنقوریق قالمسلیکلریگه ترغیبله‌یدی. کمالی بؤلمه‌گن کیشیلر؛ عمری‌نینگآخریده الم یوتیب بو دنیادن قوریقدن قوریقجؤنش ندامتی بیلن اؤتیب کېتیشینی بیلگن ذات،اونی جهاندن ناتمام اؤتگن دېب بیله‌دی.

کمال اېت کسبکیم، عالم اوییدین

سنگه فرض اؤلمغه‌ی غمناک چیقماق.

جهاندین ناتمام اؤتمک بعینه،

اېرور حمّامدین ناپاک چیقماق.

شونگه اؤخشش شاعر،ینه تأکید بیلن بیرینچی بؤلیب اؤز کیملیگینگنی اؤرگن و انسانی جوهرینگگهاینانگن وقتیننگده، سېندن هر نرسه توزه‌لیش امکانیتی بار دېیدی. بو شعرده حاضرگی زمان تخنیک‌لریگه قره‌گنده، انسان کشفیاتیده عقلو ذکا کوچی‌نینگیوکسکلیگیدن کېلیب چیققنینی کؤرسته‌دی.

«اؤزینی تانیمه‌گنیره‌تگننی تانیمس و یره‌تگننی تانیمه‌گن هېچ نرسه قدرینی بیلمس» دېگن مقوله‌گه کؤره، نوایی بو شعریده، انساننی اؤزیگه قَیتیشی و اؤز جوهری، قدرو قیمتینی بیلیشینی تأکیدله‌ی‌دی:

اؤز وجودینگگه تفکر ایله‌گیل،

هر نې ایسترسېن، اؤزونگدین ایسته‌گیل.

ینه انسان توغیلیشی بیلن کمالگه یېتگونچه نېچه دورنی اؤتکزر اېکن، هر دورنینگ اؤزیگه خاص ایشلری و اؤزیگه خاصلیکلری بؤلگنی اوچون، نوایی هم انسانلرگه اصلی وقتی بؤلمیشیاشلیک دوریدهعلم اؤرگه‌نیش تؤغریسیده قوییده‌گی شعری بیلن انسانلرنیعلم‌گه ترغیب اېته‌دی:

ییگیتلیکدهییغ علم‌نینگ مخزنی،

قرِیلیک چاغی صرف قیلغیل انی.

و بو بؤلیمسونگگیده اېسه، «ادب کیچیکیاشلیغلرنی اولوغلر دعاسیغه سزاوار اېتر» دېب، عادتده‌گیدېکینه ادب کسپ اېتیش و علم معاشرتی تؤغری‌سیده انسانلرنی ترغیب اېته‌دی، شاعر.

نوایی‌نینگیخشیلیک و کم‌ترلیک تؤغریسیده‌گی اؤگیتلری

حضرت نوایی‌نینگ اثرلریدن کؤرینیشیچه، او ذات یاشلیکدن هم کمترین بؤلگن و هم یشه‌گن محیطیده‌گیلرگه کؤره‌یخشی و یخشیلیکنی سېوگن انسان بؤلگنلری کورینیب توریبدی. یاشلیکدن مولانا لطفی و ملا جامی کبیعلم آدملری توجه‌سینی اؤزیگه قره‌تیشی ویا عایله‌سی بیلن یاش باله اېکن، عراق سفریگه چیققنیده مشهور تاریخچی عالم،«ظفرنامه» اثری مؤلفی علی یزدی بیلن اوچره‌شگنده،

او اولوغوار ذات‌نینگ دقتینی چېکیشی هم نوایی‌نینگ یخشیلیگی یانیده کمترینلیگینی کؤرسته‌دی.

اؤزیده بؤلگنیخشی اخلاق ثمره‌سینی کؤرگن نوایی باشقه‌لرهم شونده‌ی اخلاقدن بهره مند بؤلیشینی ایسته‌گن حالده، قوییده‌گی شعرلری کبی بیر قنچه حکمتلی سؤزلر، شعرلر و اتمه‌لرنی بیزگه میراث قؤیگن:

باردور انسان ذاتیده آنچه شرَف،

کیمیمان اخلاقین اېتسه برطرف.

بؤلمه‌سه فراوانلیغ نینگ پیروی،

قالمس آندین جوز صفاتی موسوی

یامانلیکنی برطرف اېتیش بیلن انسان اؤز ذاتیگه قَیتگن بؤله‌دی. بؤلمسه انسان بیلن ییرتقیچ حیوان نینگ هېچ فرقییؤق، بلکه انسان‌نینگ یامانی ییرتقیچ حیواندن هم یامانراق بؤله‌دی. ینه حضرت نوایی بو دنیانی گُلشنگه اؤخشه‌تیب و انسانلرنی اېسه گُلشنده‌گی گُلگه اؤخشته‌دی. قنده‌یکی گُل عمری بیرییل‌نینگ یریمی هم بؤلالمس اېکن، یخشیلیک قیلالمه‌گن انسان هم شو قیسقه عمرنی برباد قیلگن بؤله‌دی. عکسی حالده قیسقه عمردن یخشی فایده‌لنگنلر اوچون ثبات اوییني شو دنیاده قورگنلر یخشیلیک بیله آت قالدیریب اؤتگن بؤلسه خودّی نوایی‌نینگ اؤزی کبی ابدییشه‌یدیلر:

بو گُلشن ایچره‌یؤقدور بقا گُلیگه ثبات،

عجب سعادت اېرور قالسه یخشیلیق بیله آت.

خلققه اؤز نفعینی روا کؤرگنلرنی خوش قرشیلب نوایی ینه قوییده‌گی چه تأثیر قالدیره‌دیگن اینجو سؤزلری بیلن چیقیش قیلگنلر:

نفعینگ اگر خلققه بېشکدورور

بیلکه، بو نفع اؤزونگگه کؤپره‌کدورور.

یخشیلرنینگ اېنگ یخشیسی و انسانگه حضور بغیشله‌یدیگن اسمی بیلن آنه‌لر اوچون حضرت نوایی حکمتگه تؤله سؤزلریره‌تگن و اونینگ سوزلری پیغمبر سؤزلریگه موافق، قیمتبها سؤزلرینی هم اؤقیشگه و عمل اېتیشگه سزاواردیر:

آنه‌لرنینگ آیاغی آستیده‌دور

روضۀ جنتو جِنان باغی.

روضه باغی وصالین ایستر اېسنگ،

بؤل آنانینگ آیاغی توپراغی.

یخشی بیلنیخشی و یامان بیلنیامان بؤلیش، نوایی تفکریده اصلاح اېتیش‌نینگ اساسی یؤلی بؤلگن. همه‌گه یخشیلیک قیلیش اؤزییامانگه دستک بېریش دېمکدیر، شو اوچون هم قوییده‌گی شعرده نوایی

هر قنچه یخشی هم بۆلسنگ، یامانگه یخشیلیک قیلمه دېب قوییده‌گیچه قیلیب ایتگن:

بۆلسه کېره‌ک فکر ایله شاه زمان،

یخشیگهیخشی-یو،یامانگهیامان.

نوایی تفکریده انسانی‌لیک یۆلیده‌گی پندلر

اۆزیگه همهنرسه‌دن آدم بۆلیشنیمهم بیلگن حضرت نوایی قوییده‌گی شعریده عشقو عاشقلیک هواسیدن آلدین آدم بۆلیشنی ترجیح اېتیب تکیدله‌یدی. البته‌که آدم بۆلیش بیلن همهنرسه قدریو قیمتیگه اېته آله‌دی، آدم. بونینگ اوچون او ذات‌نینگ اوشبو فکری فلسفه‌سی جوده اوستون و یوقاری اهمیتگه اېگه‌دیر:

مېنگه نې عشقو، نې عاشق هوسدور،

اگر مېن آدم اۆلسم، اوشبو بسدور.

بیر بَیت شعر بیلن انسانلر اۆلیمینی ایسته‌گن ویا کیشی‌نینگ اۆلیمی بیلن شاد بۆله‌دیگنلرنی نوایی حضرتلری آچیقلب بېرگن. کیشیلر اۆلیمی اوچون فقط گۆرکن، مُرده‌شۆی و کیشی باشی مزد آله‌دیگن جلاّدلر خۆش بۆله‌دیو خلاص، باشقه‌لر کیشی‌نینگ اۆلیمیدن نې نفعی اېلترکه شاد بۆلسین:

کیم‌که کیشی اۆلمه‌کیدن شاد اېرور،

گۆرکنو غاسلو جلاّد اېرور.

انسان صفتلرینی نوایی قوییده‌گی شعرده یخشیلب تانیگنلیگینی افاده قیلگن دېب بیله‌میز. بعضی انسانلر قیلمیشی حیواندن کۆره‌یامانراق بۆلگنی اوچون هم «ملاتینگ قیلگنینی اېمس، دېگنینی قیل» دېگن بیر مقوله معناسیگه هم تېرن قره‌گنده خودّی نوایی حضرتلری‌نینگ شعری تعبیرینی آلگن بۆله‌سیز:

کیمنیکه انسان دېسنگ، انسان اېمس —

شکلده بیر، فعلدهیکسان اېمس.

انسان‌نینگ ایکّی قیلیغیاونی نادان بیلن حیواندناجره‌تیشی ممکن بۆلگنلیگینی قوییده‌گی شعریده آچیقله‌گن نوایی حضرتلری، کۆپ گیپریش انسانلر عقلینی زایل و کۆپیپیش بیلن حیوانیخصلتگه اېگه بوله‌سن دېب تأکیدله‌گنلر:

کۆپ دېمک بیرله بۆلمه‌غیل نادان،

کۆپیپمک بیرله بۆلمه‌غیل حیوان.

ینه انسانلیک نشانه‌سی، نوایی حضرتلری‌نینگ تفکریده ایمانیدن بېللی بۆله‌دی، البته که

ایمانیره‌تگنیگه، دینیگه، تیلیگه، وطنیگه، کیملیگیگه و بارلیکو معنوی بایلیگیگه دیر. بولردن هر بیریگه ایشانگن نینگ عملینی کؤرمسدن قضاوت قیلیش قییندیر:

کیم‌که جهان اهلیده انسان اېرور،
بیلکی، نشانه انگه اِیمان اېرور.

قوییده‌گی شعرده حضرت نوایی طمعسیز انسانلرگه قرته، بو یؤلنی دوام اېته آلسنگ، سېن بیر طرفو عالم اهلی برچه بیر طرف بؤله‌دی دېگنلر. البته‌که بو دنیاده هرکیم بیر طمع اساسیده ایش قیلگنی او ذات دوریده هم انیق و تینیق کؤرینگن اېکن. طمعسیز انسانلر سانی نوایی تعبیریده جوده آز و حتی عالم اهلی ایچیده جؤره‌سیز بؤلیشینی اورغوله‌گن، شاعر:

سېن اگر ترک طمع قیلسنگ،اولوغ ایشدور بوکیم،
عالم اهلی برچه بؤلغه‌ی بیر طرف،سېن بیر طرف.

«دل آزاردن، خدا بېزار» دېگن مقوله‌گه کؤره، نوایی حضرتلری‌نینگ قوییده‌گی شعرلریده بیراونی آزار بېریش و رنجیده قیله‌دیگن سوزلر و ایشلردناوزنی سقلش اېنگیخشی صفت اېکنینی تأکید قیلگنلر:

اسره اؤزونگنی بیراو آزاریدین،
کیمسه‌گه آزرده‌لیق اظهاریدین.

اداغ:

بو یازوو اداغیده حضرت نوایی ایجادیگه تېگیشلی حکمتلی و عبرتلی سؤزلرگه تؤله شاه بیتلریدن نېچه اؤرنک کېلتیریب، عزیز ادبیات سېورلریمیز و نوایی شیدالریگه تقدیم اېتمسدن آلدین، یازوونینگ باشدن اياغیگچه کمچیلیک و آزغینلیکلری بؤلگنیگه اعتبار قره‌تیب، کمینه گه تؤغری یؤل کؤرسه‌تیب، کؤپراق اؤرگه‌نیشگه اونده‌گن، بو عاجزنی ترغیب اېتیب، بونده‌ی بیر فکری دنیاگه بې واسطه چولغه‌یشگه سبب بؤلگنلرگه منتدارچیلیک بیلدیریشنی بؤرچ بیله من.

اگر حکمتگه بؤلسه التفاتینگ —
که بؤلسون نوح عمریچه حیاتینگ!
بییکلیک کېلدی هِمتدین نشانه،
که هِمتسیزنی پست اېتدی زمانه.

***

بې‌عشق اولوسقه کام اویقو،
عشق اهلیغه‌دور حرام اویقو.

ماضیو مستقبل احوالین تکلم ایله کم،

نې اوچونکیم، دَم بو دَمدور، دَم بو دَمدور، دَم بو دَم.

اولوغ متفکر ذواللسانین شاعر، بویوک عالم، سیاستچی و دولت اربابی حضرت نوایی روحلریگه دعا، درود و صلواتلر، ادبیاتیمیزگه مؤل ایجادلر، ملتیمیزگه ساغلیق و فروانلیک، وطنیمیزگه تینچیتلیک تیلب قاله من.

منبع‌لر:

1. https://mana.uz/quote/188

2. https://vk.com/topic-41512178_29087639

3.https://islom.ziyouz.com/ibrat/hikmatlar/hikmat-muallif/abu-rayhon-beruniy

4. https://forum.ziyouz.com/index.php?topic=32.80

5.https://dokumen.tips/documents/ahmad-muhammad-sharq-haqni-topdipdf.html

6.https://www.hepsiburada.com/insani-yasat-ki-devlet-yasasin-demokratik-acilim-sure-cinde-yasananlar-pm-kmeydan52204

علیشېر نوایی خلق‌پرور شاعر

محمد عالم کوهکن

خلاصه:

علیشېر نوایی، اؤزی نینگ سیر محصول حیاتی دوامیده آدم اولادی نینگ سعادتی و تقدیرینی اؤیلب یشه‌دی. تینمه‌ی محنت چېکتی، مادی و معنوی بایلیکلرینی خلق نینگ آغیرینی یېنگیللشتیریش و اؤز دوریده‌گیتورلی معمالرینی حل اېتیش یؤلیده صرفله‌دی. نوایی زمانداشلری نینگ یازیشیچه، او خراسان یورتیدهعدالت، انصاف، اېزگولیک، محبت و انسانی قدریتلر طنطنه قیلیشی اوچون کوره‌شدی.

۱۵- و ۱٦- عصرلرده خراسانده یشب ایجاد اېتگن بیر قطار تأریخچیلر، تذکره‌چیلر،شاعر و ادیبلر نظریده نوایی اؤز دوری نینگ انسان‌سېور و خلق‌پرور سیماسی صفتیدهتنیلگندیر. او بوتون عمری دوامیدهمحنتکش انسانلر اینیقسه، قاره خلق خذمتیده بؤلگن. شاهلر و شهزاده‌لرنی مملکتده عدالتلی سیاست یورگیزیب، خلق نینگ مشکللرینی برطرف اېتیش‌لیککه ترغیب و تشویق اېتگن. تأریخچی خواند میر و باشقه‌لرنینگ تأکیدلشیچه نوایی اؤز شخصی مال -ملکی حسابیدن خلق فایده‌سیگه اؤنلب مدرسه‌لر، مسجدلر، خانقاه‌لر، شفاخانه‌لر، حماملر، رباطلر، یؤللر، کاروان سرایلر، و کؤپریکلر قوردیرگن.

نوایی قنچه حاکمیت و سلطنت گه یقین بؤلمه‌سین، بیر لحظه هم رعیتنی اونوتمه‌گن، ایلنینگ تشویشی، غم-قیغوسی، ایستک – آرزولری بیلن یشه‌گن. اؤز زمانه‌سی نینگ انسانلریگه مهر و محبت کؤرسه‌تیب، غمخوار بؤلیب یشه‌گن.

نوایی نینگ شعرلریده انسانی قدریتلر بلقیب توره‌دی. او سلطان حسین بایقرا و باشقه شهزادهلر نینگ کته حرمت -اعتبارینی قازنگن . اؤز امکانیتی، اجتماعی نفوذی، سیاسی موقعینی خلق منفعتی اوچون ایشگه سالگن.انه‌شو صداقتی، اېل پرورلیگی اوچون خلق نینگ چېکسیز اعزازی گه سزاوار بؤلگن. در حقیقت، انسانیت تأریخیده سلطنت و حاکمیتگه بیواسطه شریک و قلین مناسبتده بؤلگن

کمدن کم سیاسی شخصیت نوایی‌چه‌لیک خلق نینگ خذمتیده بؤله آلگن. علیشیر نوایی شاه امکانلرینی رعیت آسایشته‌لیگی اوچون سفر بر اپتگن اولوغ سیما حسابلنه‌دی.

نوایی تیموریلر حاکمیتی نینگ سلطان حسین بایقرا دوریده یوزلب هنرمندلر، ایجادکارلر، تأریخچیلر ، صنعت اهلی، اوسته‌لر و موسیقهچیلرنی اؤز حمایتی آستیگه آله‌دی. نوایی نینگ خذمت و فعالیتلری طفیلی تیموریلر تأریخده اؤزیگه خاص پارلاق مدنیت شکللندی.

کلیت سؤزلر:

نوایی، انسان، وفا، خلقپرور، شاعر، عدالت،ظلم، ، عشق، حمایت

کیریش

امیر علیشیر نوایی ۱۵- و ۱٦- عصرتأریخیده خراسان و شرق دنیاسیده اؤزیدن اؤچمس ایز قالدیرگن سپر قیرّه یپتوک ادبی و سیاسی شخصیت حسابلنه‌دی. بویوک شاعر تورکی خلقلر ادبیاتی اینیقسه اؤزیپک ادبیاتی مقامینی کؤکلرگه کؤترگن، اپسکی اؤزیپک تیلی و اؤرته عصر ملی مدنیتی رونقیگه بی قیاس درجه‌ده حصّه قؤشدی. نوایی اؤزی نینگ بی بها معنوی میراثی، اؤز تعبیر بیلن ایتگنده "آلیب قوریمس خزانه"سی بیلن اؤزیپک تیلی و ادبیاتینی باشقه خلقلرنینگ تیلی و ادبیاتی بیلن بپللشه آلیش قابلیتگه اپگه اپکنینی اثباتلب بپردی. او گؤزه ل شعریتی بیلن کته حدودلرنی اؤز فرمانی آستیگه آلیشگه مؤفق بؤلگن متفکر سنه‌له‌دی. ادیب اؤزی نینگ "فرهاد و شیرین" داستانیده:

آلیب مپن تحتِ فرمانیم غه آسان،
چیریک چپکمه‌ی ختادین تا خراسان.
خراسان دپمه کیم، شپراز و تبریز،
که، قیلمیشدور نیِ کلکیمشکرریز.
اگر بیر قوم، گر یوز، یؤقسه مینگ دور،
معین تورک اولوسی خود مپنینگ دور.
کؤنگل بپرمیش سؤزیم گه تورک، جان هم،
نی یلغوز تورک، بلکه تؤرکمان هم.

دپیه حقلی روشده فخرلنه‌دی.نوایی غایتده گؤزه‌ل و بای میراثی بیلن اؤزیپک تیلی، ادبیاتیو معنویتی نینگبوزیلمس و محتشم قؤرغانینیپرپا اپتدی. او اؤز اثرلریده انسانو انسانی گؤزه‌للیکلر کویچیسی بؤلدی. عالی تفکر و اولوغوار غایه‌لرنینگ حقیقی ترغیباتچیسی صفتیدهانسان قلبیگه قولاق توتدی. آدم فرزندی انسانی خصلت و فضیلتلرگه آراسته یشب، اپزگو ایشلر قیلیب، حیات کپچیریشگه تیلکداش

یشب اؤتدی. در واقع نوایی کؤزله‌گن جمعیت خلق تینچلیگی، فراونلیگیگه خذمت قیلگوچی ایدی.

سیز اؤقیب تورگن اوشبو مقاله‌ده، نوایی نینگ بویوک انسانی صفت و فضیلتلری همده اولوغ خذمتلر، گؤه ل شعریتی، تیرن معنالی فکرلری تؤغریسیده سؤز یوریتیله‌دی. اونینگ یقین دوستلری و زمانداشلری یازیب قالدیرگن قیمتلی اثرلریگه اساسلنیب، قاله‌بېرسه، نوایی معنوی میراثی نینگ چېکسیز،شفاف گوهرلریدن فایده‌لنیب، فکر یوریتیشگه حرکت قیلدیک. حضرت نوایی تاریخ نینگ نایاب سیمالریدن ایکه نینی اؤز اولکن ایجادیده کؤرسه‌تیب بېردی. شو سببدن اونینگ اېلسیور، خلق‌پرور شاعر همده یېتوک سیاست اربابی اېکنیگه اهمیت قره‌تیلیب، بو مسأله‌لر عالم و دانشمندلر تامانیدنتدقیق اېتتلدی. مقاله حرمتلی اؤقوچیلرگه بابامیزعلیشېر نوایی نینگ انسانپرور پارلاق سیما اېکنینی تنیشتیریشده ذره چه بؤلسین کؤمک قیله‌دی دېگن امیده‌میز.

زمانداشلری نوایی حقیده نیمه‌لر دېگن؟

بویوک متفکر، اؤز زمانه‌سی انسانی نینگ حقیقی جانکویری، تېموریلر مدنیتی نینگ گللب یشنه‌گن دوری نینگ یارقین شمع چراغی امیرالکلام علیشېر نوایی اؤزی یشه‌گن زمانه‌ده و اوندن کېیینگی دورلرده هم بویوک متفکر، عجایب فضیلتلر اېگه‌سی، یېتوک ایجادکار، تینچلیک‌سېور برکمال انسان اؤله‌راق تنیلگن؛دورلر آشه نوایی نینگ حیاتی، ایجادی، فلسفی و اجتماعی قره‌شلری دنیا نینگ تورلی علمی مرکزلری، عالملر و تدقیقاتچیلر تامانیدن کته قیزیقیش بیلن اؤرگنیلیب کېلینماقده. نوایی‌نی ته نیشتیریشده اونینگ زمانداشلری جمله‌دن نورالدین عبدالرحمن جامی، میرخواند، خواند امیر، دولتشاه سمرقندی، زین الدین محمود واصفی و باشقه‌لرجوده قیمتلی معلوماتلر یازیب قالدیرگنلر.

قؤلینگیزده‌گی مقاله‌ده بیز حضرت نوایینینگ شخصیتی- فضل و کمالاتی تؤغریسیده، تأثراتینی یازیب قالدیرگن نوایی زمانداشلری اثرلرینی ورقلب، میر علیشېر نینگ بی مثال انسانی خصلتلری و بوتون حیاتینی انسان و انسانیتگه بغیشله‌گنی خصوصیده بیتگن عجایب سؤزلرینی اؤقیب اؤرگنیب اولردن خلاصه‌لر کېلتیریشگه حرکت قیلدیک.

تأریخ نینگ زرورقلریده یازیلگن حقیقتلرنینگ گواهلیک بېریشیچه علیشېر نوایی اؤز دوری نینگ ضیالی انسانلری، هنرمندلری، یازووچیلری، شاعرلری بیلن دوستانه مناسبده بؤلگن. اولرنی قؤللب قوتله‌گن. مهری دریا نوایی نینگ حمایتیدن بهره‌مند بؤلگن تأریخچی، تذکره نویس، شاعر و ادیبلر نهایتده مهم و قیمتلی اثرلر یازیب کېتگنلر.

تأریخچی میرخواند اؤزی نینگ "روضة الصفا" اثریده علیشېر نوایی حقیده منه بونده‌ی ایلیق سؤزلرنی قید اېتیب کېتگن:

«... سخندانلیک مملکتی نینگ انصاف مسندی، عدالت بیراغینی بلند کؤتروووچی و ظلم

علامتلرینی یؤقاتووچی... نظام الدین میر علیشېر نینگ ذاتی بېزەندی، بیلیم اربابی نینگ گلزاری نامرادلیک تیکنلری تازەلندی. عقل و فکر اهللری نینگ تیلک درختلری اونینگ (علیشېرنینگ) انعام بولوتی یامغیریدن یشنب کېتدی، فضل اېگەلری نینگ اقبال نهاللری اونینگ یاردمی باغی شبادەسی بیلن میوه بېریشگه کیریشدی... »

(https://kh-davron.uz/kutubxona/alisher-navoiy/shuhrat-sirojiddinov-alisher-navoiy-za-mondoshlari-etirofida.html)

نوایی نینگ هراتده و خراسانده مهم معماری ایشلر قیلگنی معلوم. بو اولوغ ذات اؤنلب مدرسەلر، مسجدلر، خانقاەلر، کؤپریکلر، شفاخانەلر. رباطلر، مهمانخانەلر، کروانسرایلر، حماملر، و باغلر تأسیس اېتگنی منبعلرده قید اېتیلگن. میر علیشېرنینگ زمانداشی و یقین دوستی تأریخی خواندمیر بو تؤغریده کېنگمعلوماتلرقالدیریبکېتگن. او اېسلب اؤتیلگن عمارتلرنی خراسان ملکینی آبادنلشتیریش و یورت یشاووچیلری گه خذمت کؤرستیش اوچون قوردیرگن. «... خواندمیر نینگ «خلاصة الاخبار» اثریده هرات شهریده گی جامع مسجدی نینگ پیش طاقی و مقصوره سی حسین بایقرا دوریده بؤلیب اؤتگن زلزله نتیجەسیده شکستلنگنی حقیده معلومات کېلتیرگن. امیر علیشېر نوایی انەشو بنانی قیته تعمیرلشدېک مسوولیتلی و اؤته مرکب ایشگه «خیر و سخاوتلی بناکار» صفتیده بېلباغلەیدی. «شرافتلی مسجد» بناسینی ینگیلش و اؤشه عالی نمازگاه اساسلرینی مستحکملش ایشینی جدللشتیریشگه اساسی اعتبارینی قره تدی. اوچ-تؤرت ییلگهمؤلجللنگن ایش آلتی آیده نهایه سیگهیېتکزیلدی، دېب یازەدی خواندمیر.... ۱۵۰۰ -ییل ۱٦ مارچ کونی جامع مسجدی نینگ قیته تیکلنیش مناسبتی بیلن «توفیقو تدبیر اېگەسی امیر علیشېر» یورتگهکته آش بېریب، ضیافت وقتیده عمارت قوریلیشیده اشتراک اېتگناوستەلرگه قیمتلی ساوغهلر تقدیم اېتەدی... متفکر نینگ معمارچیلیککه دایر قرەشلریده دایم فقرالر منفعتی بیلن بیرگه نقشبندیه طریقتی یاکه درویشلرنینگ سلوک یؤلیدەگی حقیقتگهاېریشیش حرکتلریگه حصه قؤشیش مقصدی هم بؤلگن. خواند امیر اؤزی نینگ «مکارم الاخلاق» اثریده بو حقده شونده‌ی یازەدی. «بو کرامت اېگەسی امیر منصبدارلیک کونلریده، فقرا و درویشلری نینگ فراوانلیگی، غریب و مسافرلرنینگ فراغتی اوچون خراسان اطرافلریده کؤپ مقدارده خانقاه، رباط، حوض و حمام قورگن.»(https://n.ziyouz.com/component/tags/tag/alisher-navoiy)

۱۵-عصر نینگ مشهور تذکرەچیسی و نوایی بیلن بیر زمانده یشەگن و او بیلن یقین علاقەده بؤلگن دولتشاه سمرقندی اؤزی نینگ "تذکرةالشعرا ("شاعرلر تذکرەسی") ناملی قیمت بها اثریده علیشېر نوایی‌نی "بویوک امیر، فاضل، عالملر نینگ یاردمچی‌سی، فقیرلر و ضعیفلرنینگ حامی‌سی، نظام‌المله والدین(ملت و دین‌نی ترتیبگه سالووچی)" کبی صفتلر بیلن یادلەیدی.(سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲٦۳).

دولتشاه اوشبو اثر نینگ ایریم جایلریده نوایی‌نی انسانلر آغیرینی یینگیل قیلیش، دردو و محنتلرینی اؤکسیتیش اوچونعادی خلق- یؤلاوچیلر منفعتدار بؤله‌دیگن انشأتلر جمله‌دن رباطلر همده خلق حرمتیگه سزاوار بؤلگن بویوک انسانلر مزارلری اوستیده مقبره‌لر برپا ایتگنینی ایسله‌یدی.(سمرقندی، ۱۳۳۸:۳۶۳)چنانچه او،خراسان نینگ ایریم شهرلری اؤرته‌سیده نوایی همتی بیلن قوردیریلگن رباطلردن "رباط عتیق" تؤغریسیده منه بولرنی یازه‌دی: « امیر شمس الدین المعالی قابوس خاله‌سی نینگ اؤغلی سپهبد، خراساندن جرجان و استرآباد گه باریله‌دیگن یؤل یاقه‌سیده شقان بندرگاهیده قوردیریلگن "رباط عتیق" دیوارلری ستمگر گؤزه‌للر وعده‌سی کبی قولَب توشگن ایدی،اونینگ تامی عاشق اهلی محنتی‌دیک یپر بیلن یکسان بؤلگن ایدی، و بوگونگی کونده اونینگ ویرانه‌سیدن بؤلک نرسه قالمه‌گندی. عالَم نینگ بویوک و عادل امیری مرحمتی نینگ معماری، اوستونلیگی تن آلینگن حق و دین تیزیمی علیشیر اولوغ تنگری اونینگ دولت ایامینی منگو قیلسین،مسافرلر پناه آله‌دیگن اوشبو رباطنی قوریشگهاشاره قیلدی،آز نرسه صرفلنیب اونینگ دیواری اسکندر سدّی کبی و تامی ایسه کؤک نینگ محتشم تامی‌دیک قیلیب قوریلدی. بوکون مسافرلر باش‌پنه تاپه‌دیگنو بو یورت قؤشنیلری قوانچی حسابلنه‌دیگن محتشم بنا کؤزگه تشلنمه‌یدی.حق تعالی بو فرشته صفت ذاتنی اوزاق ییللر اسره‌سین.» (سمرقندی، تذکرة الشعرا، ۱۳۳۸، ۴۵)

معلوم که، امیر علیشیر نوایی اؤز دوری نینگ عالملری، فضل و کمال اهلی نینگ حقیقی حامیسی، جانکویر ترغیباتچی‌سی بؤلگن. خراسان بؤیلب هر بیر ساحه‌ده توغمه استعداد ایگه‌لرینی قیدیریب یوررکن، نوایی ملکه‌لی انسانلر قه‌یپرده بارلیگینی ایشیتیب قالگنده اولرنی تیزده تاپیب آلیب اؤزی نینگ هر تامانلمه حمایتینی اولردن ایه‌مه‌گن.قوش جوجه‌سینی مهرلی قنایتی آستیگه آلیب اولغه‌یتیرگنیدیک، نوایی هم زواله‌سی بیشیغ ایجادکارلر، خطاطلر، رسامللر، نقاشلر، موسیقیچیلر، معمارلر، طبیبلر و باشقه کسب و هنر اهالیسی کمالات پؤقیلریگه یوکسلیشی اوچون قؤلیدن کیلگنیچه غمخوارلیک قیله باشله‌گن. چنانچه نوایی نینگ زمانداشی و صحبتداشی،"بدایع الوقایع" کتابیمؤلفی زین الدین محمود واصفی نوایی نینگ یاش استعدادلر ایگه‌لری گه کؤرستگن التفاتی حقیده قوییده‌گیچه روایت قیله‌دی:

«بو فقیر مولانا صاحب دارا گه آنه تاماندن قرینداش بؤلردی. بیر کونی آته‌م بیلن بو کیشی نینگ اوییگه باردیک، کمال اهلی یو فضیلت اربابلریدن انچه کیشی بار ایکن. بو فقیر نینگ آته‌سیگه خطاب قیلیب دیدیلر: «کؤپ مپتدن بپری ایشیته‌من که اؤغلینگیزمقبول طالب علم، خوشخوان حافظ ایکن. هر قنده‌ی نامی ایتیلمه‌یاؤقیلگن مشکل معمانی یپچرکن، دیگن شاو-شوو یوره دیر دیب، بیر معما اؤقیدیلر، مپن تاپدیم...

بیز اوییمیزگه قه‌یتیب کېتدیک. بیر آز فرصت اؤتگچ، مولانا صاحب دارا نینگ خبرچیسی کېلیب، خواجه‌م سیزنی سؤره‌ماقده‌لر، دېدی. بیز یېتیب بارگچ، مولانا دېدی:

امیر علیشېر حضوریگه بارگن اېدیک. میر نینگ عادتی شوکه، هر کونی مېنی چقیریب، بوگون شهرده بؤلیب اؤتگن عجایب و غرایب حادثه‌لردننېنی کؤردینگیز و نیمه گپلر اېشیتدینگیز، دېب سؤره‌یدیلر. مېن جواب بېردیم: «بیر کیشینی اوچره‌تدیم، اؤزی ۱۶ یاکه ۱۷ یاشده، نامی ایتیلمه‌ی اؤقیلگن هر قنده‌ی مشکلمعمانی تاپه‌دی. طالب علم‌لیکده، حافظ و شاعرلیکده کته اقتداری بار.» میر تعجب بیلن، سېن اونی امتحان قیلدینگ‌می، دېدیلر. مېن بیر مشکل معمانی نامینی ایتمه‌ی اؤقیگن اېدیم، یېچدی دېدیم. حضرت میر مېنگه: «او کیشینی نېگه آلیب کېلمه‌دینگ؟» دېب اعتراض بیلدیردیلر. مېن اؤز گپلریمدن پشیمان بؤلدیم. چونکه میر نینگ صحبتی حیرتلی و دهشت‌انگیز دیر....

القصه اېرته بیلن مولانا صاحب دارا اوییگه یېتیب کېلدیم. مېندن باشقه او کیشی نینگ حضوریده ینه اوچ طالب علم بار اېکن. مولانا صاحب دارا مېنگه: «وقتیده کېلدینگ، بو اوچ یاشنی هم میر نینگ حضوریده تعریف قیلگندیم.» دېدیلر... عالی مجلسگه کیریب باردیک، مجلس اهلی و حضرت میراؤز ندیملری بیلن حاضر اېکن. جناب میربیز تامان قره‌دیلر. فقیرگه اشاره قیلیب، «نامینی ایتمه‌ی اؤقیلگن معمانی یېچه آلدیگن دوستیمیز شو کیشی‌می؟» دېدیلر. «بی؟(بو) اؤشه مخدوم» دېب، جواب بېردیلر. مولانا محمد بدخشی صحبتگه اره‌لشدیلر: «مخدوملر، خداوندگار، معما یېچیشده سیزدن اؤته‌دیگن یؤق کو؟... میر دېدیلر: «مېن اونینگ معما یېچیشیگه اقتدارینی کؤزیدن بیلدیم. زیرا اونینگ فکرلری کؤزلریدن ظاهر بؤلیب توریبدی.» کېیین شو معمانی اؤقیدیلر:

باغ را بین از خزان بی فر و سرو از جا شده،

بلبلش برهم زده منقار و نا گویا شده.

(باغنی کؤر، خزانرېزلیکدن شکوهی قالمه‌گن، سرو اؤرنیده یؤق، بلبلی نینگ تومشوغی سینیب، کویلشدن قالیبدی.)

اتفاقا بو معمانی مېن یاد بیلردیم. اؤیلنیب قالدیم. نامینی ایتیب اؤزیمنی گؤللیککه سالیب، مجلسنی اؤتکزه‌وېرسم‌می، یا که تؤغریسینی ایته‌یین‌می؟ عاقبتده راستینی ایتیشگه عهد قیلدیم. دېدیم «مخدوم، بو معمانی مېن یاد بیله‌من.» حضرت میر باشلرینی بیر آز اېگیب توردیلر-ده، یانیده‌گیلرگه: «عزیزلر، بیله‌سیزلرمی، بونینگ سؤزی نې معنانی بیلدیره‌دی. اؤز قدرتینی اظهار قیلیب، بونیسینی بیله‌من، باشقه‌سینی ایتینگ دېماقچی.» میر باشقه معما اؤقیمه‌دیلر. انچه‌گچه لطف آمیز سؤزلر ایتیب، سؤنگره مولانا صاحب داراگه: «بیزنینگ دعواسینی قبول قیلورمیز»، دېدیلر. (واصفی، ۱۳۴۹، ۳۹۰-۳۸۶)

نوایی نینگ باشقه بیر زمانداشی،بابریلر سلاله‌سی نینگ اساسچیسی ظهیرالدین محمد بابر اؤزی نینگ بی بها اؤلمس اثری "بابرنامه"ده امیر علیشیر حقیده عجایب معلوماتلر یازیب قالدیرگن. نوایی نینگ یوکسک انسانی فضیلتلری و بویوک انسانی خصلتلرینی اعتراف ایتگن بابر، علیشیر نوایی اؤز دوری خلقی نینگ آسایشته‌لیگینی اؤیلب، اولرنینگ درد و محنتینی اؤکسیتیش اوچون رباطلر، خیریه بنالر قوردیرگنینی ایسله‌یدی. او خراسان یورتی نینگ فضل و کمال اهلی نوایی‌دیک حامی کؤرمه‌گنینی علیحده تأکیدله‌یدی: «علیشیر بیک نظیری یؤق کیشی ایردی...

اهل فضل و اهل هنرغه علیشیر بیکچه‌لیک مربی و مقوی معلوم ایماس کیم، هرگز پیدا بؤلمیش بؤلغای. استاد قول محمد و شیخی نایی و حسین عودی کیم سازده سرآمد ایردیلر، بیک نینگ تربیت و تقویتیدین مونچه ترقی و شهرت قیلدیلر.

استاد بهزاد و شاه مظفر تصویرده بیک نینگ سعی و اهتمامی بیلن مونداق مشهور و معروف بؤلدیلر. مونچه بنای خیر کیم اول قیلدی، کم کیشی مونداق مؤفق بؤلمیش بؤلغای». (بابر، بابرنامه، ۱۳۸۷، ۲۳۶-۲۳۷)

امیرالکلام علیشیر نوایی حیاتی، ایجادی، اجتماعی- سیاسی فعالیتلری ۱۵- عصر تأریخچیلری نظریدن چیتده قالمه‌گن. اولر نوایی نینگ اؤشه دورده خراسان و تیموریلر سلطنتی قره‌ماغیده بؤلگن حدودلرده‌گی اجتماعی تؤپلملر نینگ حیاتی قیینچیلیکلرینی برطرف ایتیش اوچون آلیب بارگن فداییلرچه فعالیتی، جامعه‌نینگ اجتماعی، اقتصادی و مدنی احوالینی رواجلنتیریش سری عملگه آشیرگن بی قیاس ایشلرینی اؤز یازوولریده عکس ایتدیریب کیتگنلر.

۱۵ و ۱۶ عصرده خراسان و هندوستانده یوز بیرگن سیاسی واقعه‌لر همده اجتماعی وضعیت باره‌سیده اؤته کؤپ مهم معلوماتلرنی یازیب قالدیرگن "تأریخ رشیدی" مؤلفی میرزا محمد حیدر دوغلات (بابرنینگ خاله بچه‌سی) هم اؤز اثریده امیر علیشیر حقیده یازرکن، نوایی نینگ اؤز شخصی مال ملکینی خلق نینگ فایده‌سیگه صرفله‌گنی، اؤزی نینگ کونده‌لیک کته درآمدی منبعلرینی مملکت آبادانلیگی اوچون استقاده قیلیش اوچون پادشاه نینگ آدملری اختیاریگه قؤیگنی باره‌سیده قیزیق معلوماتلر کیلتیره‌دی.

«...امیر علیشیر باله‌لیکدن سلطان حسین میرزا بیلن دوستلشگن. سلطان حسین میرزا پادشاه بؤلگچ، علیشیر نوایی اونینگ خذمتیگه کیلگن، میرزا اونی بی حد قدرلب، غمخوارلیکلر کؤرستگن، امیر علیشیر ایسه خلققه خودّی شونده‌ی غمخوارلیک قیلگن.

شونده‌ی قیلیب، اؤشه زمانده خلق نینگ تورلی طایفه‌لری ایچیدن فاضل، بی نظیر انسانلر چیققنی

اونینگ سعی-حرکتلری طفیلی دیر. او میر صفتیده شونده‌ی جد و جهد کؤرستدی که، نتیجه‌ده کتّه بایلیک تؤپلندی. دهقانچیلیکدن و باشقه طرفلردن توشگن کونلیک درآمد اؤن سککیز مینگ شاهرخی‌نی تشکیل اېتگن. اؤز امیرلیک منصبی نینگ برچه جهتلرینی- خذمتکارلرینی، ملازملرینی، خزینه نی، سه‌ییس خانه‌نی پادشاهلیک عمارتلرینی او سلطان حسین میرزانینگ نایبی امیرباباعلی گه تاپشیرگن، بو اؤشه دورنینگ اېنگ بویوک سپاهلریدن اېدی. امیر علیشېر عملدارلیک ایشلرینی ییغیشتیریب قؤییب، باشقه عملدار و ملازملر بیلن بیر قطارده اؤزینی سلطان حسین میرزا خذمتیگه بغیشله‌دی. او قدرتی یېتگنچه، اونگه یاردم سؤره‌ب مراجعت قیلگن. محتاجلرگه، عالم و فاضللرگه حامیلیک قیلدی. اؤز ملکیدن توشگن درآمدنی اېل-یورت فراوانلیگی اوچون صرفله‌دی. او خانقاه‌لر، مسجدلر و باشقه عمارتلر قوردیردی که، اولرنینگ کؤپچیلیگی تا حاضرگی کونگچه خراسانده سقلنگن. احتمال، شونچه کؤپ قوریلیشلرنی عملگه آشیریش باشقه بیراونینگ قؤلیدن کېلمه‌گن بؤلردی. اؤشه پیتده میر علیشېر حامیلیک قیلمه‌گن بیرارته عالم و فاضل کیشی یؤق اېدی.» (محمد حیدر میرزا، ۲۰۱۰، ۲۹۳-۲۹۱)

علشېر نوایی سلطان حسین بایقرا حاکمیتی دوریده سلطنت نینگ اېنگ آبرولی و نفوذلری سیمالریدن بؤلگنی تأریخده معلوم. او سلطان گه و اونینگ حاکمیتی گه قنچه یقین بؤلمه‌سین؛ عادی اهالی - خراسانده حیات کېچیره‌دیگن تورلی طبقه اهالی بیلن هم صمیمی و یقین مناسبتده بؤلگن. آدملر اؤز دردینی بی ملال نوایی گه ایتیشگه جرأت قیلگنلر. خلاصه قیلیب ایتگنده او هم شاه و سلطنت همده رعیتلر ایشانچیگه سزاوار بؤلگن. بلکه انه شو عامل باعث او کوپگینه کېلیشماوچیلکلرنی آساگینه یېچه آلیشگه مؤفق بؤلگن. (چېتینداغ: ۵۳)نوایی طالب العلملر، کسب اهلی قاله‌بېرسه قشاق و کمبغللرنینگ حقیقی غمخواری و طرفدار بؤلگن. جامعه نینگ بی پناه انسانلری میر علیشېرنی اؤزلری نینگ آرقه تاغی و سوینچی دېب بیلگنلر. چنانچه میر علیشېر، گوهرشاد مدرسه‌سی نینگ طلبه‌لری اولرگه تؤله‌نیله‌دیگن نفقه و آیلیکلر اؤز وقتیده اجرا قیلینمه‌گنی یوزه‌سیدن اونگه مراجعه قیلگن‌لیکلری باره‌سیده یازگن. (علیشېر نوایی، مجالس النفایس، ۱۳۸۷: ۱۷۷)

انسان، نوایی نظریده

نوایی تفکری مرکزیده انسان توره‌دی و اونینگ فعالیتلری انسان سعادتی گه قره‌تیلگن. میر علیشېر بشریت تأریخی نینگ بویوک انسان سېور سیماسی صفتیده انسان ذاتی گه مهر- محبت و عاطفه بیلن قره‌یدی. انسانلرنی بیر- بیرینی حمایت اېتیشلری، حیاتی مشکللری، غم و قیغولریدن خبر دار بؤلیب، بیراوی باشقه بیراوی نینگ مشقتلرینی آسانلشتیریش و معمالرینی یېچیشگه یاردم بېریشینی بی قیاس انسانی فضیلت دېب بیله‌دی.

آدمی اېرسنگ دېمه‌گیل آدمی،
آنی که یؤق خلق غمیدین غمی.
(علیشېرنوایی، خمسه-حیرت الابرار، ۱۹۹۱ :۲۴۰)

نوایی نینگ کؤرینیشیچه ساده و روان، اما اؤته یوکسک انسانی غایه‌نی اؤزیده مسجملشتیرگن بو ایکی مصرع‌ده هر بیر انسان‌نی اؤز هم ذاتی نینگ غمینی سېزیب-حس قیلیشینیکیمسه نینگ حقیقی انسان اېکنینی نینگ اؤلچاوی، تاش-ترازوسی اېکنینی تأکیدله‌یدی. بو بیتده، کیمده که، انسانگه نسبتاً جانکورلیک حسی بؤلمسه، او انسان اېمس دېیدی، بویوک نوایی.

اؤز اثرلریدن "خمسه" ("بېشلیک") نینگ بیرینچی بؤلیمی "حیرت الابرار" ("یخشیلر حیرتی") دهانسانني تعریفلب، بشر ذاتیگه عالی صفتلر بېرگن بویوک شاعر نظریده یره‌توچی بوتون بارلیقنی انسان اوچون خلق قیلگن و بو ذاتنی برچه مخلوقات نینگ اشرفی- اولوغی قیلیب یره‌تگن؛ اونگه کرامت اعطا قیلگن.

گنجینگ ارا نقد فراوان اېدی،
لېک باریدین غرض انسان اېدی.
طرفه کلامینگغه داغی کامل اول،
سرِّ نهانینگغه داغی حامل اول.
کؤنگلیگه قیلدینگ چو یقین گنجی قسم،
جسمینی اول گنجگه قیلدینگ طلسم.
«کرَّمنا» کېلدی مناقب انگه،
«اَحْسَنِ تَقْویم» مناسب انگه.
معرفتینگ کیم قیله آلمه‌ی صفت،
قیلدینگ انی عارفِ اول معرفت.
علمیغه هر ذاتنی خیل ایله‌دینگ،
ذاتیغه عالمنی طفیل ایله‌دینگ.
یارب، اؤشول گنج که محرم انگه،
کیمسه اېمستور، مگر آدم انگه،
ایله نوایی‌نی بورون آدمي،
کیم بؤله آلغه‌ی بو حرم محرمی.

آنچه که رازینگغه امین قیل انی،

هر نې قیلورسېن ینه سېن بیل انی.(علیشېرنوایی، حیرت‌الابرار، ۱۹۹۱: ۲۲-۲۱)

شاعر نوایی فکریچه، تېنگری کایيناتده فقط انسان ذاتیگه سؤزلش امتیازینی بېرگن. انسان، سؤزلش قابلیتی و فکرلش کوچی بیلن باشقه حیوانلردن اوستون توره‌دی. ایمان، انسان نینگ مهم بېلگیسی دېب حسابله‌یدی، اولوغ نوایی.

تېنگری که، انساننی قیلیب گنجِ راز،

سؤز بیله حیواندین انگه امتیاز. (علیشېرنوایی،حیرت الابرار، ۱۹۹۱: ۵۸)

*

کیم که جهان اهلیده انسان ایرور،

بیل که نشانی انگه ایمان ایرور. (علیشېرنوایی، حیرت الابرار، ۱۹۹۱: ۱۰۰)

نوایی یخشی اخلاق و اؤز عهد و پیمانی گه وفا قیلیش کبی خصلتلرنی آدم اولادی نینگ کؤزه‌ل و بې بها فضیلتلریدن دېب بیله‌دی. او مهر و وفا انسانلر اوچون اؤته افضل قدریتلردن ایکنینی بیلدیریب، یامان اخلاق و بی وفالیک انسان ذاتینی آدمی‌لیک نینگ معنوی قدریتلریدن ماسوا قیله‌دې دېگن امیر علیشېر انسان فرزندی گه بار یامان خصلتلری جمله‌دن یامان اخلاقینی توزه‌تیش قابلیتی گه ایگه ایکنینی اوقتیره‌دی. او بو حقده اؤزی نینگ شاه اثری «خمسه» بیتلریده بو مسأله گه بار-بار اشاره قیله‌دی.

بار دور انسان ذاتیده آنچه شرف،

کیم یامان اخلاقین ایتسه برطرف. (علیشېرنوایی، حیرت الابرار، ۱۹۹۱:)

*سؤرسه آتین اهلِ صفا جوهری،

آه چېکیب دې که، وفا گوهری!

بو درِ نایاب وفا مو ایکین،

گر اول ایمس، مهرگیاه مو ایکین؟

مهرگیاه دیمه که، عنقا دور اول،

جوهرِ فرد و درِ یکتا دور اول. (علیشېرنوایی، حیرت‌الابرار، ۱۹۹۱: ۱۷۷)

معلوم که عشق و عاشق‌لیک شرق کلاسیک ادبیاتی و شاعرلری ایجادی نینگ باش موضوع‌سی بؤلیب کېلگن. نوایی تفکریده هم عشق و عاشقلیک کبی معنوی عنصرلر اؤزیگه خاص اؤرینگه ایگه. بیراق، حضرت نوایی بارلیق عالمیدهانسان و انسانیت اؤرنینی همه‌دن اوستون قؤیه‌دی. اونینگ تأکیدلشیچه، انسان بؤلیش آسان ایمس؛ انسانیلیک یوکسک درجه‌سیگه کؤتریله آلیش نوایی نینگ نهایی غایه‌سی.

مېنگه نې عشق و نې عاشق هوس دور،
اگر مېن آدم اؤلسم اوشبو بس دور.(علیشېرنوایی، فرهاد و شیرین، XLI:۱۹۹۱)

نوایی، اېل-اولوس نینگ حقیقی جانکویری؛ فدایی حمایه‌چیسی

امیر علیشېر نوایی ۱۵- عصر نینگ ایکینچی یرمی و ۱٦- عصرنینگ باشلریده یشه‌گن خراسان یشب، ایجاد اېتگن. معلوم که اوندن آلدین هم تورکی خلقلر آره‌سیدن یېتوک شاعرلر چیققن و اوندن کېین هم ذکا ایجادکارلر پیدا بؤلگنلر. اما اولرنینگ هیچ بیری نوایی چه‌لیک عادی خلق نینگ کونده‌لیک حیاتی، اولرنینگ چېککن رنج و الملری- ظلم و ستملری، احتیاجلری و چاره‌سیزلیکلرینی سېزیب اولرنینگ یؤقسیللیگی، قشاقلیگی باره‌سیده قلم چېکمه‌گن دېسک مبالغه قیلمه‌یمیز.

نوایی نینگ قاره خلق حمایتیده یازگن بیتلری آز اېمس البته. اوشبو بیتلرنی اؤقیگن کیشیقیل قلم و خلق‌پرور شاعرنینگ انسانلر گه کؤرستگن مهری نه قدر چېکسیز اېکنینی اؤز اؤزیدن تصدیقله‌یدی واؤز دوری نینگ انسانلری گه کؤرستگن اولکن خذمتلری اوچون اونگه تثنالر اېته‌دی. یازوویمیز نینگ بو قسمیده علیشېر نوایی تفکری و ایجادیده اونینگ انسان‌پرور ادبی- سیاسی سیما بؤلگنینی اثباتلب بېریش اوچون علیشیر نوایی-فانی ذهنیدن سیزیب،چیرایلی بیتلر شاده‌سیده سیزیلگن مصرعلر و بیتلرنی گواهلیککه چارله‌یمیز.

نوایی اؤز غزللریدن بیری نینگ مطلع‌سیده، انسان کؤنگلینی مسلمانعالمی اوچون اؤته مقدس سنه‌لگن کعبه گه اؤخشته‌دی و ویران اېتیلگن کعبه نی قیته قوریش نه قدر ثوابلی ایش حسابلنسه، بیر کؤنگلی بوزوق انسان نینگ کؤنگلینی آولش و اونگه یاردمچی بؤلیشنی اوندن-ده ثوابلی بؤلیشینی ایته‌دی.

کیم که، بیر کؤنگلی بوزوق نینگ خاطرین شاد ایله‌گی،
آنچه بار کیم کعبه ویران بؤلسه آباد ایله‌گی. (علیشېرنوایی،بدایع الوسط،۱۹۹:۴۳۱)

حضرت علیشېر انسان فرزندینی بیر-بیریگه یار و مددگار بؤلیب، بیر-بیرینی حمایه قیلیب یششگه چارله‌یدی.بار یخشیلیکلرینی اؤزیگه روا کؤریب، باشقه‌لرگه هم شونی روادار بؤلماقنی عالی انسانی خصلبت و فضیلت بیلگن.انصافسیزلیک، غیرٌاملیک، بیراونینگ مال و ملکیگه کؤز آله‌یتیریش نوایی نظریدن غیر انسانی صفت سنه‌لگن.اېزگو نیتلی بؤلیش اؤزگه‌لرگه یخیشیلیک تیلـَش و منفعت یېتکزیب توریشنیانسانی مناسبتلر اوچون ضرور دېیه بیله‌دی.نوایی، فقط خلققه و انسان اولادیگه نفع یېتکزگن کیشینی گینه اؤزیگه فایده کېلتیریشی ممکن دېییدی.

نفعینگ اگر خلققه بېشک دورور،

بیل‌که بو نفع اؤزونگه کؤپره‌ک دورور. (علیشیرنوایی، حیرت الابرار، ۱۹۹۱: ۲۳۴)

شاعر اہل- اولوس بیلن یشه‌گن. اولرنینگ تیلینی، خواهش- ایسته‌گینی توشینگن، حیاتی نینگ ایریم باسقیچلریده اونینگ اؤزی هم خلق چپککن تورلی- عقوبتلر و مشقتلرنی باشدن کیچیریب، تجربه قیلگن. دوستی سلطان حسین بایقرا حاکمیتی دوریدن آلدین ابوسعید میرزا حکمرانلیگی دوریده تورلی سببلر باعث حکمدار کؤرستگن بیِ مهرلیکلرنینگ اچّیقآغوسینی تاتیشگه مجبور بؤلگن. اؤز عایله‌سی بیلن هراتنی ترک اہتیب، آلیس یورتلرگه باش پنه ایزلب بارگن. شاعر نینگ بیر قطار غزللری و مثنویلرینی قاره خلق چپکه‌دیگن دردلر نینگ حقیقی ترجمانیدہسک مبالغه بؤلمه‌یدی. اوشبو غزللر و مثنویلر نینگ ایریم بیتلری نوایی خلق نینگ یانیده توریب، اہل-یورت بیلن همنفسبؤلیب یازگنی شونده ی بیلنیب توره دی.

نوایی انسانلرنی دنیاده اؤتکینچی اہکنینی انگلب، بیربیرلریگه مهربان بؤلیشلیککه چقیره‌دی. اوانسانلرنی یخشیلیک قیلیشلیککه ترغیب اہته‌دی. قویده گی معنالی و مغیزلی بیتلر انه شونده ی آهنگ إیله یوغوریلگندیر:

یوز جفا قیلسه منگه، بیر قتله فریاد ائله مان،
ایلگه قیلسه بیر جفا، یوز قتله فریاد ائله رم.
مہنگه قیلسه یوز جفا بیر قتله فریاد ایله‌مان،
اہلگه قیلسه بیر جفا یوز قتله فریاد ایله‌رم.

*

بو گلشن ایچره که یؤقتور بقا گلی گه ثبات،
عجب سعادت اہرور چیقسه یخشیلیک بیله آت.

*

نواسیز اولوس نینگ نوا بخشی بؤل،
نوایی یامان بؤلسه سہن یخشی بؤل.

امیرالکلام اوزی نینگ باشقه بیر بیتیده انسان ذاتینی شو قدر اعزازله‌یدی که، اؤز باشیگه تاش یاغدیریلیشیگه راضی، لہکن خلقنی گل بیلن اوریلیشی گه چیده‌ی آلمسلیگینی ایته‌دی. شونینگدہک، ایریم مصرعلریده اؤزینی اہل-اولوس برابریده ارزیمس خس سَنب، اؤکسیک توته‌دی.

شکوه قیلمان گر جفادین باشیمه یاغدورسه تاش،
طاقتیم یؤق اہلگه قیلسه برگِ گل اورماق هوس.

«اولوسنی ایمس، یاندیرماقچی بؤلسنگ اول مینینگ جانیمگه اؤت سال!»- دیئیدی منه بو بیتیده:

اولوسغه اؤت سالور بؤلسنگ بورون مینی اؤرته،
نی‌دین اؤتنی تاشورغالی کیره‌ک خاشاک.

یوقاریده‌گی بیتلر نوایی نینگ انسان‌سیورلیک بابیده‌گی قره‌شلریگه یقال دلیل بؤله آله‌دی. شاعرنینگ ذهنیدن تره‌لگن رنگین شعرلر انسانیت بیلن هلی منگو یشه‌ی بیره‌دی.

اؤزبیک ادبیاتی نینگ گلتاجی و پارلاق چولپانی نوایی اوروش و نزاعلردن اہل اولوس اذیت چیکیشینی، دشمنلیکلر و نزاعلر نینگ اساسی قربانلری بؤلیشینی انگله‌گن حالده، خلق بیر-بیری گه دوست و ایناق بؤلیشی گه دعوت اہتیب کیلگن. او دنیا انسانلرینی اوزارا دشمنلیقلرگه یؤل قؤیمس لیککه اونده‌یدی. خلقلر ارا دوستلیک و برادرلیکنی دنیا بؤیلب انسانی جامعه‌لر اوچون اہنگ معقول غایه دیب بیله‌دی.

عالم اهلی بیلینگیزکیم ایش اہمس دشمنلیغ،
یار اؤلینگ بیر-بیرینگیزگه که اہرور یارلیغ ایش.

شرق ممتاز ادبیاتی کؤزگووسیده شاهلرسیماسی اساساً ایکی خیل-عادل و ظالم شاه‌لر کؤرینیشیده نمایان بؤله‌دی. نوایی نینگ ایریم اثرلریده هم شاه و سلطان خلق تقدیریگه بی پروا، خونخوار و ظالم شاه‌لر همده عادل، انسان دوست و اہل- اولوس حیاتینی اؤیلب ایش کؤره‌دیگن قهرمانلر صفتیده عکس اہتدیریله‌دی.

نوایی تفکریده عدالت اؤزیگه خاص اؤرین اہگلّه‌یدی. ملکنی عدل و انصاف آرقلی آباد اہتیش ممکن لیگینی اوقتیرگن بویوک شاعر شاهلرنی جمعیتده عدالت اساسیده ایش توتیشگه ترغیب اہته‌دی.

شاه که ایش عدل ایله بنیاد اہتر،
عدل بوزوق ملکنی آباد اہتر.
کافرِ عادل انی آباد اہتیب،
مؤمنِ ظالم انی برباد اہتیب.
شه که اہرور عدل ایله دوران انگه،
بؤلدی صراط اؤتمگی آسان انگه.
کیم یورومک ایپ اوزه کام ایله‌دی،
عدلی چو توز بؤلدی خرام ایله‌دی. (علیشہرنوایی، حیرت الابرار، ۱۹۹۱: ۳۲۲)

*

کامینگ اوچون توز بؤل و عدل ایله ایش،
اؤقده اگر عدل یؤق، اہتمس روش.

ظلم اؤتیدین قیلسه فغان دادخواه،
سایهٔ عدلینگ ارا بیرگیل پناه.
قؤیمه‌غیل اول سایه‌ده قیغو انگه،
شمع توبین قیلمه قرانغو انگه. (علیشیرنوایی، حیرت الابرار، ۱۹۹۱: ۳۲۳-۳۲۲)

نوایی باشقه بیر جایده،ظالم شاهلرنینگ خلققه کؤرسته‌دیگن ظلم و جفاسی ایل آره‌سیده ظلم ترقلیشیگه آلیب کیله‌دی، دییدی. شاهلرنی اؤز رعیتلری بیلن انسانی مناسبتده بؤلیب، اولرنینگ حقینی حمایه قیلیش لازملیگینی تیلگه آله‌دی. عکس حالده ظالم پادشاهلر نینگ ظلمی ایل- یورت نینگ ویران بؤلیشی گه آلیب کیله‌دی دییدی، اولوغ نوایی.

سین جفا قیلغچ، کؤنگول جان بیرله ترکیم توتدیلر،
بؤلسه شه ظالم، ایل ایچره ظلمغه ایرمیش رواج.

۱۵- عصر اجتماعی قتلملری، اولرنینگ تورموش طرزی، خواهش ایستکلری، احتیاجلری و معمالرینی یخشی اؤرگنگن نوایی، شاه بیلن قنچه یقین بؤلمه‌سین، سلطنت محیطیده یشب امیر و دبیر بؤلمه‌سین؛ اؤزینی اقتصادی جهتدن ضعیف و ناتوان کمبغللر قتلمی یانیده تورگن. کؤنگلی هر دایم اولرگه یقین بؤلگن. شاعر اؤزینی قشاق اهالی، کمبغل درویشلر توره‌دیگن ویرانه‌لر ایچیده تاپگن. بای به دولت کیشی لر یشب تورگن محتشم بنالر و کشک و ایوانلر نه قدر آباد و کؤرکم بؤلمه‌سین، درویشلر کون کیچیره‌دیگن خرابه‌لر هم بؤش ایمس، اوشبو بوزوق اویلر ایچیده اهلِ دللر، معنوی تفکر ایگه‌لری بیلن تؤله ایکنی گه اشاره قیله‌دی.

ای توانگر، نیچه کیم قصرینگنی قیلدینگ زرنگار،
اسرو خالی کؤرمه درویش اؤلتورور ویراننی هم.

ظهیرالدین محمد بابرنینگ بیلدیریشیچه، ۱۵- و ۱۶- عصر نینگ تورکی گوی شاعرلری و قلمکشلری آره‌سیده هیچ کیم علیشیر نوایی چه «کؤپ و خوب» یازمه‌گن. بابر نینگ بو گپی اؤشه دوردن بیش یریم عصر اؤتیب باریشیگه قره‌می، بوکونده هم اؤز کوچیگه ایگه. نوایی دوریدن حاضر کونگچه هم هیچ بیر اؤزبیک و تورکی گوی شاعر اونینگ مقیاسیده کته حجمده تیرن و یوکسک فکرلرنی ادبی بدیعی اثرلر ایجاد ایته آلگنی یؤق. نوایی چه لیک کته حجمده سلماقلی ادبی محصول یره‌ته آلمه‌گنلر.

دیمک، نوایی اثرلری مضمونی مرکزیده اونینگ انسانگه، اینیقسه یاردمگه محتاج اجتماعی قتلمگه قؤیگن مهری و محبتی بلقیب توره‌دی.

نتیجه:

امیر علیشیر نوایی بوتون عمرینی ایجادگه بغیشلب، اؤزیدن بی بها اؤلمس ادبی اثرلر قالدیریب کیتدی. اوزبیک ادبیاتی نینگ یوکسک چوقیسیده پارلاق نور ساچیب تورگن نوایی نینگ اؤتکیر ذهن و ذکاوتی و قلمی نینگ محصولی سنلمیش یوزلب بیتلر-او، ساچگی (نثر)لرینی هم هر بار اؤقیگنده نوایی نینگ اساسی دغدغه‌سی خلق – (اساساً حماسه سیز قاره خلق) نینگ کونده‌لیک حیاتی معمالری، احتیاجلری، غم و تشویشلری بؤلگنی گه گواه بؤله‌میز.

نوایی‌نی ۱۵- و ۱٦ عصر خراسان خلقی نینگ درد و محنتینی قلمگه آلگن،شاعرنی چینه‌کماپل حیاتی نینگ سؤزچیسی دییش ممکن. نوایی شعرلریده عادی اهالیگه اعزاز، حرمت و مهربانچیلیک کؤزگه تشله‌نیب توره‌دی.اولوغ انسان عادی آدملرنینگ آغیرینی یینگیل قیلیش، قیینچیلیکلرینی بر طرف قیلیشده اؤز کؤمگینی دریغ توتمه‌گن.

نوایی، سلطان حسین بایقرا دوریده پادشاه گه یقین ندیم و صلاحیتلی کیشی اؤله‌راق سلطنت امکانلری ،قاله‌بیرسه اؤزی نینگ شخصی درآمدی و مال -ملکینی خراسان خلقی آسایشته‌لیگی اوچون صرفله‌گن. یؤللر، کؤپریکلر، شفاخانه‌لر، رباطلر، کروانسرای‌لر، مسجدلر، مدرسه‌لر، خانقاه‌لر،حمام‌لر قوردیرگن. حوضلر، اریغلر و کاریزلر قزدیرگن.

پایتخت هراتده اؤنلب کیشی ایجاد اهالیسیجمله‌دن شاعرلر، تأریخچیلر، تذکره‌نویسلر، هنرمندلر، موسیقی‌چیلر، صنعت اهلی، خطاطلر، معمارلرنی تؤغریدن- تؤغری قؤللب قوتله‌گن. نوایی نینگ حمایتی بیلن هرات مدنی محیطی گللب یشنه‌گن. خلاصه قیلیب ایتگودیک بؤلسک، بایقرا دوری نینگ ادبی، اجتماعی و مدنی حیات رواجیگه علیشیر نوایی کته حصه قؤشگن. اؤشه دور حیاتی نینگ ایجابی اؤزگریشلرینی نوایی‌سیز تصور قیلیب بؤلمه‌یدی. گؤزه ل شعرلری، علمی، تاریخی اثرلری ، بجرگن ایزگو ایشلری، ایلپروررلیک فعالیتلری سبب نوایی نینگ نامی تأریخ نینگ زرورقلریده مُهرلنیب قالدی.

علیشیر نوایی نینگ ایل-یورت آلدیده‌گی اولوغ خذمتلری، خلق فراوانلیگی، سعادتی بیز اوچون هر دایم قدرلی و عبرت سباغی بؤلیب قاله‌جکدیر. نوایی بویوک شاعر، اولوغ ادیب، جانکویر دولت اربابی صفتیده هیچ قچان خلق ارداغیدن توشمه‌یدی. نوایی اثرلرینی اؤقیب، اوندن استفاده قیلیب یششبیز اوچون مهم یوموش بؤلیب قاله بیره‌دی.

فایده‌لنیلگن منبعلر:

۱. سمرقندی، دولتشاه (۱۳۳۸) تذکرة الشعرا، تهران، چاپخانهٔ خاور

۲. چېتینداغ، یوسف (۱۳۹۵) علیشېر نوایی، کابل، انتشارات خراسان
۳. علیشېر نوایی (۱۹۹۱) فرهاد و شیرین، تاشکېنت،اۆزبېکستان رېسپوبلیکه‌سی فنلر اکادمیه‌سی نینگ "فن" نشریاتی.
۴. بابر، ظهیرالدین محمد (۱۳۹۶) بابرنامه، مزارشریف، نشر بنیاد فرهنگی میرزا اولوغ بېک
۵. علیشېر نوایی (۱۹۹۱) حیرت‌الابرار، تاشکېنت، اۆزبېکستان رېسپوبلیکه‌سی فنلر اکادمیه‌سی نینگ "فن" نشریاتی.
۶. واصفی، زین‌الدین (۱۳۴۹) بدایع الوقایع،تهران، چاپخانۀ زر
۷. میرزا محمد حیدر، (۱۳۸۳) تاریخ رشیدی، تهران، میراث مکتوب
8. https://kh-davron.uz/kutubxona/alisher-navoiy/shuhrat-sirojiddinov-alisher-navoiy-zamondoshlari-etirofida.html

امیر علیشیر نوایی نینگ غرایب‌الصغر دېوانیده ادبیات و تصوف انعکاسی

شجاع الدین حنیف

خلاصه

اولوغ امیر علیشیر نوایی بیز یَشب تورگن ییگیرمه بیرینچی عصردن، چمه‌سی آلتی قرن آلدین؛ یعنی ۱۴۴۱ ـ ۱۵۰۱ میلادی ییللر مابینیده بوگونگی افغانستانگه تېگیشلی، علم و فن، هنر و ادبیات بېشیگی بۇلگن هرات شهریده دیناگه کۇز آچیب، اوسیب ـ اولغه‌یه‌دی. نوایی باله‌لیک‌دن علم، ادبیات و عرفان بیلن قیزیقیب، تورلی خیل ساحه‌لرده علم اۇرگنیش‌گه اورینه‌دی.

اوشبو علمی مقاله ده نوایی‌نینگ غرایب‌الصغر دېوانیده ادبیات و عرفان بابیده ایتیلگن بیت‌لر آنلامی و اېضاحی بېریلگن دیر. علم-فن، ادبیات و تصوف حقیده گی شعرلری امکانگه قدر دیواندن چیقریلیب، تشریح اېتیلگن.

بیز نوایی‌نینگ غرایب‌الصغر دېوانی‌نی اۇقیب چیقسک اونی مضمون جهتدن باشدن اياق، سېر مضمون و اۇگیت‌لی سۇزلردن تۇله بۇلگن بیر اثر اېکنینی تن آله‌میز.

مقدمه

نوایی باله‌لیکدن ادبی و تصوفی اثرلرنی اۇقیش و شعر و شاعرلیک بیلن شغللـه‌نیب اولغه‌یگنی همه‌گه بېلّی. او دایما کمال یۇلینی ایزلب، باشقه‌لرنی هم انه‌شو یۇلگه چارله‌گنی هم آچیق. شونده‌ی عالی غایه‌لرنینگ عمل‌گه آشیشی نوایی‌نینگ اياغینی سمرقند، مشهد، عراق و فارس‌لرگچه تارتی. نتیجه‌ده غربت و سفرلرگه اۇزی‌نینگ بوتون یاشلیگینی فدا قیلیب اۇشه باشیده رېجه‌له‌ب قۇیگن عالی و مقدس هدفی‌گه اېریشدی. یعنی اېنگ بویوک عالم و دانشمند، تاریخچی و تیلشناس بۇلیب یېتیشدی. انه اېندی بیز قوییده اۇشنده‌ی بویوک متبرک بیلیمدان‌نینگ «غرایب‌الصغر» دېوانیده ادبیات و تصوف

بابیده ایتیلگن بیت‌لرینی چیقریب امکانگه قدر ایضاحله‌ماقچیمیز. نوایی‌نینگ مذکور دیوانی اونینگ باله‌لیک چاغ‌لریده ایتیلگن شعرلری‌دن عبارت بؤلیب، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی و باشقه شعری شکل‌لرگه ایتیلگن دیر. موضوع جهتدن تصوفی و عرفانی، تعلیمی و اخلاقی بعضا غنایی و عشقی روح ده دیر. بیز قوییده فصاحت، بلاغت، تقوا، عشق، کتاب، قلم، نامه، خط کبی سؤزلر ایشله‌تیلگن بیت‌لرنی هم چیقریب آلدیک.

ای حمد اؤلوب محال فصاحت بیلن سنگا،
انداق که قُرب و تقوا و طاعت بیلن سنگا.
تاپماق عجب فکر و تخیل بیله سینی،
یتمک محال عقل و فراست بیلن سنگا.
چو کائنات زبده‌سی عاجز کؤروب اؤزین،
حمد ایته آلمس آنچه بلاغت سنگا.
(چیکینداغ، ۱۳۹۵: ۵۰)

اولوغ نوایی اؤز غرایب‌الصغر دیوانی‌نینگ باشله‌نیشیده، الله تعالی‌گه حمد و ثنا ایتیب، اؤته خاکسارلیک، عجز، شکسته‌لیک و عاجزلیک بیلن، او ذات‌نینگ برابریده شکر نعمت بجا کیلتیره‌دی. نوایی اوشبو حمدیه غزلیده فصاحت، فکر و تخیل، عقل و فراست، بلاغت کبی سؤزلرینی کیلتیرگن، بولر همه‌سی تصوف و ادبیات ثمره‌لریدن سنه‌له‌دی.

شرحی: ای خدا اؤشنده‌ی که تقوا و طاعت بیلن سینی حمدینگنی بجا کیلتیریش غیر ممکن دیر، فصاحت بیلن هم بجا کیلتیریش غیر ممکن، یعنی او حمدی که سین اؤز نفسینگه ایته‌سنگ، سین اونی پسند قیله‌سنگ، مین اونی بجا کیلتیریش‌گه عاجزمن.

چنانچه، الله‌نینگ رسولی محمد(ص) هم تینگری تعالی برابریده عاجزلیک اظهار قیلیب شوندی دیدی: «لاأُثنی ثناءً علیک انت کما اثنیت علی نفسک» (سین اؤز نفسینگه ایته‌دیگن حمدنی ایتیشگه مین عاجرمن). نوایی هم شو موضوع‌گه اشاره قیله‌یبتی:

چو کائنات زبـده‌سی عاجز کؤروب اؤزین، حمد اَیتـــه آلمس آنچه بلاغت سنگا.

بلاغت: تیل روانلیگیگه ایتیله‌دی. معانی و بیان اصطلاحیده، مخاطب حالی‌گه ماس سؤز یوریتیش درجه‌سی‌گه ایریشیش. شونینگدیک، سؤزلاوچی‌نینگ گرامر دستوری (صرف و نحو) دن واقف بؤلیب، قؤپال و یاقیمسیز سؤزلرنی نطق و یازووده قؤللـه‌مسلیگی کیره‌ک بؤله‌دی. بلاغتده، یازووچی یا که ناطق، سؤزنینگ قاچیریق و کؤچمه نازک معنیلرینی چیورلیک بیلن یوریتیشی شرط. (ایشانچ، کوهکن ۱۳۷، : ۵۰)

فصاحت: سؤزنینگ روان‌لیگی، تیل توتیلمس‌دن گیپریش، روان سؤزلش اقتداری‌گه ایتیله‌دی. (شرعی جوزجانی، ۲۰۱۲: ۲۴۷)

ادبی اصطلاحده، فصاحت اوچ تور بؤله‌دی: فصاحت کلمه، فصاحت کلام و فصاحت متکلم.

- کلمه فصاحتی اونینگ غرابت، تنافر حروف و مخالفت قیاس صرفی‌دن سالم بؤلیشی دیر.
- کلام فصاحتی، کلمه‌لر تنافری، ضعف تالیف و لفظی و معنوی تعقیددن خالی بؤلیشی دیر.
- متکلم فصاحتی سؤزلاووچی‌نینگ فصیح سؤزلش کوچگه اېگه بؤلیشی دیر

بولر همه‌سی ادبیات اؤقیش، علم اؤرگنیش، تکرارلش بیلن قؤله‌گه کېله‌دی. بو یېرده نوایی فصاحت و بلاغت مقامینی تقوا و طاعت‌دن کؤره، اوستین‌راق قیلیب قؤییه‌بتی، الله‌گه یقین‌راق بؤلیش اوچون تصوف اهلی بؤلیش، علم اؤرگنیش، فصاحت اېگه‌سی بؤلیش کېره‌ک دېماقچی بؤله‌یپتی.

نطقی جان بېرمک قیلور اول لعل خندان بیرله بحث،
راست عیسادېک که قیلور آب حیوان بیرله بحث.
ای کؤنگول، گر عقل اېتر منع جنون قیلمه جدل،
عیب اېرور کیم، اهل دانش قیلسه نادان بیرله بحث.
ناصحا، قیلمه جدل، ایریل کییکلردین دېبان،
عالم شهر اېتمه‌گی غول بیابان بیرله بحث.
فقر کؤییده مسلم توت نې قیلسنگ استماع،
عارف اېرمس هر کیشی کیم قیلسه عرفان بیرله بحث.
(نوایی، ۱۳۸۵: ۱۱۹)

قچان که اول بت شیرین کلام قیلدی حدیث
خواص شربت یحی العظام قیلدی حدیث
مسیح دم اوره آلمس انگه عروج تونی،
مگر بیزنینگ مه علوی خرام قیلدی حدیث
قه‌یان که یازدی حدیث، اؤلدی صید اېل گویا
نقطنی دانه، خطوطینی دام قیلدی حدیث
لبیدین ایرو توشوب سوگ اوچون کتابتدین،
نې تانگ، لباسین اگر مشکفام قیلدی حدیث.
چیبیننی شهد نېچوک کیم ییغر، تکلمدین،

رمیده‌لرنی نفس ایچره رام قیلدی حدیث.
زهی تکلم معجز نظام کیم، کېلگچ،
عرب فصیحلریغه حرام قیلدی حدیث.
اولوسنی توتتی نوایی سؤزی آنینگ بیرله،
مگر رسول علیه‌السلام قیلدی حدیث.
(نوایی، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۸)

یوقاریده‌گی بیت‌لرده «اهل دانش»، «عالم شهر» و «عارف» سؤزلری ذکر بؤلگن.

فقر کؤییده مسلم توت نې قیلسنگ استماع، عارف اېرمس هر کیشی کیم قیلسه عرفان بیرله بحث.

بیتده تصوفی توشونچه‌لردن اوچته‌سی قؤللـه‌نیلگن: فقر، عارف و عرفان. اوچله سؤز هم تعلیم و تعلم توشونچه‌لریدن دیر.

فقر: یؤقسیل‌لیک، درویش‌لیک، بای‌لیک اېگه‌سی بؤلگنده هم، اونی اؤزی‌نینگ ملکی دېب حساب‌لمسلیک. بعضی لرنینگ فکریچه، تصوف‌ده فقرنینگ اینگ سؤنگی مرتبه‌سی، تامچی دریاگه توشگن دېک، الله‌ده فنا بؤلیش دیر.

(شرعی جوزجانی، ۲۰۱۲ :۲۴۵-۲۴۶)

عارف: دنیوی علاقه‌لر و مادی باغله‌نیش‌لردن اوزیلگن‌دن کېین مطلق‌لیک درجه‌سی‌گه کؤتریله‌دی، اوشنده عارف‌نینگ روحی، کلی (عمومی) روح‌نینگ اؤزی بؤلیب قاله‌دی» دېگن خلاصه‌گه کیله‌دیلر.

(شرعی جوزجانی، ۲۰۱۲ :۷۰)

عرفان سؤزی بیلیش، بیلیب آلیش، ته‌نیش، قیته‌دن تنیش، توشونیش و بیلیم معنی‌لری‌ده ایشله‌تیله‌دی. بو کلمه‌نینگ معادلی (تېنگداشی) یونانچه سؤز ــ میستیکوس (سرلی) و (غیبی) معنی‌لرنی انگلته‌دی.

عرفان سؤزی عمومی معنی‌ده یوزه‌کی علم‌گه قرشی اوله راق، بیر نرسه‌نی انیق و هر تمانله‌مه بیلیب آلیش‌نی افاده‌له‌یدی. مثلا: «فلان کیشی عارف شاعر دیر» دېگن ده، او، بو ساحه‌ده یوزه‌کی معلومات‌لرگه قناعت قیلمه‌ی، تصوف، فلسفه، تاریخ، ادبیات، شعر و باشقه ادبی فن‌لرگه عاید کؤپ معلوماتلرنی هم قمره‌ب آلگه‌نی بیلدیریله‌دی.

عرفان، الهی علملردن بیری صفتیده حق ذات‌نینگ اسملری و صفتلرینی، اِشراق، یعنی کؤنگیل یاروغلیگی آرقه‌لی بیلیب آلیش‌گه قره‌تیلگن علم حسابلنه‌دی. باشقه‌چه قیلیب ایتگنده اهل الله (یره‌توچی‌نی قیدیرووچی‌لر)، حق‌نی ته‌نیب آلیش اوچون تنله‌گن یؤل، عرفان دېب اته‌له‌دی.

ا. طبری، عرفان‌نی قوییده‌گی دیک تعریفلیدی: عرفان، انسان اؤز نفسی‌نی پاکیزه‌لش، ریاضت چیکیش، سیغینیش، ذکر قیلیش، خلوتده اؤلتیریش و جذبه‌گه بیریلیش بیلن سیر و سلوک باسقیچ‌لریدن اؤتیب یره‌توو‌چی و طبیعت آرتیده‌گی کوچلر بیلن علاقه اؤرنه‌تیش و شو یوسینده اونینگ قلبی الهام و اشراق منبعی‌گه ایلنگن‌دن کیین قطعی و شبهه‌سیز حقیقت‌گه ایریشیش‌دن عبارت دیر.

ع. ا. دهخدا، «عارفلر اتمه لری قاموسی» ناملی کتابده «گلشن راز شرحی» دن آلیب بیریلگن معلوماتلرگه تیه‌نیب، اؤز مشهور اثری «لغت نامه» ده عرفان باره‌سیده قوییده‌گی دیک معلومات بیره‌دی: عرفان و حقنی تانیش ایکّی یؤل آرقه‌لی بؤله‌دی:

بیرینچی‌سی اثردن، مؤثرگه (اثر قیلووچی‌گه)، فعل‌دن صفت‌گه و صفتلردن ذات‌نینگ (حق ذاتی‌نینگ) بارلیگیگه استدلال قیلیش آرقه‌لی. بو یؤل ایسه عالملرگه خاص دیر. ایککینچی‌سی کؤنگیل‌نی پاکیزه‌لب، باش‌نی (میه، فکرنی) و شونینگ دیک روح‌نی، اوندن (حق‌دن) باشقه برچه نرسه)لردن بؤشه‌تیش آرقه‌لی. بو یؤل ایسه پیغمبرلر، نبیلر، اولیالر و عارفلرگه خاص بؤلگن یؤل دیر. بو یؤل یعنی کشف (معنوی عالم و ایچکی دنیانینگ حقیقتلری سالک‌لری‌گه معلوم بؤلیشی – ج) و شهود (حق‌نی کؤریش) فقط مجذوب مطلققا (حق تمانیدن جذب ایتیلیب، اونینگ عشقیده فنا بؤلگنی طفیلی اؤزگه کیلمیدیگن کیشی‌گه – ج) نصیب ایتیله‌دی. باشقه کیشیلر ایسه یاشورون قلبی و روحی عبادت آرقه‌لی اوشبو معرفت‌گه ایریشیش‌لری ممکن.

دنیانینگ یره‌تیلیشی‌دن مقصد هم اوشبو شهودی معرفت (حق‌نی تانیب آلیش و اونی کؤره بیلیش- ج) حسابلنه‌دی.

ابن سینا تعبیری‌چه، «عارف اوز یره‌توچی‌سی‌نینگ عظمتی و اولوغ‌لیگی بؤییچه تفکر و فناگه غرق بؤلیب، اوندن، اونینگ قلبی‌نی اوز معرفتی نوری بیلن تؤلدیریش‌نی التجا قیله‌دی» (شرعی جوزجانی، ۱۳۸۵ :۶۱-۶۲)

چمنده بلبل ایتر شوق نکته‌سین تکرار
کیم، گل ورقلری‌نینگ دفتری ایرور باعث.
(نوایی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

یوقاریده‌گی بیتده تعلیمی و عرفانی توشونچه‌لریدن «شوق»، «تکرار»، «ورق» و «دفتر» سؤزلری ذکر بؤلگن.

شوق: معشوق‌نینگ کؤریش اوچون، کؤنگول‌نینگ، حددن آشه علاقه و بیتاب‌لیگی دیر. سلوک اهلی‌نینگ آلدیده محبوب‌نینگ ایسله‌ش چاغیده کؤنگول‌نی هیجانی دیر. و بیر گروه ریاضت اهلی

دېگن‌لر: شوق محبت‌نینگ کؤنگلیده، چراغیده‌گی پلته‌گه اؤخشه‌یدی و سېوگی الاو ایچیده‌گی یاغگه.

دفتر: مطلب‌لرنی یازیش اوچن آق قاغذنینگ کتاب شکلیده کیریتیلگن تؤپلمی‌دن عبارت.

نوایی ایته‌دی: بلبل چمنده شوق نکته‌سی تکرارلماقده، بونگه باعث بؤلگن گل یپراقلری‌نینگ دفتری دیر.

زهی تیلینگ انه افصح تکلمیده فصیح

سېن املح اؤلدینگ، اگر دلربالر اؤلدی ملیح.

(چیکینداغ، ۱۳۹۵،: ۱۲۸)

یوقاریده‌گی «افصح» و «فصیح» سؤزلری ذکر بؤلگن. یوقاریده بیز فصاحت و بلاغت توشونچه‌لرینی اېضاح‌لش‌ده ایتیب اؤتدیک، که فصیح متکلم صفتی دیر، متکلم علم و دانش آرقلی اوشبو صفت قؤلگه کریته‌دی.

کؤر، نې حیرت دور منگه کیم، باردورور بو دیر ارا

دانشی یوز مېنچه‌لر، یوز مېنچه حیران هر طرف.

(نوایی، ۱۳۸۵: ۲۸۸)

«مېن بو دنیاگه حیرت‌ده من، زیرا دانش لحاظدن مېندن یوز مرتبه یوقاری بؤلگن دانشمند کیشی‌لر یوز مېنچه حیران و سرگردان بؤلیب یوریشگن‌لر»

جنون تاشی خرابات ایچره هر دم کؤکسومه اورماق،

اېرور تقوا و دانش بتلرین تاش بیرله سیندورماق.

(چیکینداغ، ۱۳۹۵ :۲۹۶)

نوایی یوقاریده‌گی بیتده تقوا و دانش سؤزلرینی ذکر قیلگن، ایکّله‌سی بیر ـ بیرگه لازم ملزوم دیر یعنی دانش تقواسیز بؤلمه‌یدی.

یوقاریده‌گی بیتده علم و دانش و اؤقوو اسباب‌لریدن بؤلگن کاغذ، قلم، نامه، خامه کبی سؤزلر ذکر بؤلگن.

یوقاریده‌گی غزلده نوایی نامه، قلم، معلم، سواد علم و اؤقوو لازمه‌لریدن بؤلگن سؤزلرینی ذکر قیلیش آرقلی بیلیم و اؤقووگه ترغیب قیله‌یپتی.

نوایی کته عالم و هنرمند بؤلیب، باشقه‌لرنی انه‌شونده‌ی یخشی یؤل‌لرگه چارلش‌نی اؤزیگه اېنگ اساسی بورچ دېب بیلگن کېمسه‌لردن دیر. او باله‌لیکدن علم و اؤقوو قدریگه توشونیب، عمری‌نینگ کته قسمینی شو یؤلگه صرفله‌یدی. اونینگ غرایب‌الصغر دېوانی باله‌لیکده‌گی یازگن شعرلریدن عبارت،

هر قچان اوشبو دېوان‌نی اؤقیگنده نوایی‌نینگ نې قدر دنیا قره‌شی، دید و فراستی کوچلی اېکنی‌نی، نې قدر معنویت و علم و دانش و اؤقووگه مشتاق اېکنلیگی حس قیله‌میز، کؤپینچه شعرلریده فصاحت، بلاغت، تصوف، عرفان، خط، قلم، کتاب، مکتوب، دفتر، علم و دانش، دانالیک‌نی مقته‌ش، جهالت‌نی قاره‌لش، یازوو، معلم کبی علم و دانش و اؤقوو بابیده‌گی علمی توشونچه‌لرنی ذکر قیلگن. انه‌شونی اؤزی اونینگ علم و دانش گه قنچه‌لیک رغبتی بارلیگیدن دلالت بېره‌دی.

مآخذ

۱. ایشانچ، ذکرالله و محمد عالم کوهکن. (۱۳۷۴) اؤزبېک ادبیاتی فرهنگی، مهتمم» سید تاج‌الدین تاشقین بهایی. ناشر: امیر علیشېر نوایی فرهنگی انجمنی، نشر اؤرنی: فاریاب دولتی مبطعه‌سی.

۲. تویغو، حسام‌الدین. (۱۳۹۶)). علیشېر نوایی غزل‌لریگه شرح‌لر. میمنه: چؤلپان باسمه خانه‌سی.

۳. چېکینداغ، یوسف. (۱۳۹۵) علیشېر نوایی نشرگه تیارلاووچی فاریاب مدنی جماعه‌چیلیک تشکیلاتی، خراسان. مطبعه‌سی.

۴. شرعی جوزجانی، عبدالحکیم. (۲۰۱۲)). تصوف و انسان. ایکّینچی باسیم. کابل: سعید انتشاراتی.

۵. نوایی، میرعلیشېر. (۱۳۸۷) مجالس‌النفایس، مهتمم عبدالله‌رویین: بلخ، سلطانی مطبعه‌سی.

۶. نوایی، امیر نظام‌الدین علیشیر. (۱۳۸۵). غرایب‌الصغر. نشرگه تیارلاوچی نورالله آلتای، مالیزیا: جهانی همکارلیک‌لر اداره‌سی.

علیشېرنوایی قطعه‌لری نینگ قافیه خصوصیتی و تحلیلی

محمدیاسین اېلداش

ته‌ینچ سؤزلر: علیشېر نوایی، قافیه، قطعه، عروضی وزن، شکل و مضمون، شعر

قیسقرتمه

علیشېرنوایی ایجادیده هر بیر موضوع اؤزیگه خاص شکلده نمایان بؤلهدی که بو ایجادکارنینگ یوکسک مهارتیدن دلالت بېره دی. او، قیسی بیر ابرزنی یره‌تسه و قیسی بیر موضوع حقیده مشاهده قیلسهبرچه‌سیده انسان نینگ کامل‌لیک صفت‌لری ایله تربیه تاپماقلیگی‌نی قلب و روح تربیه‌سینی اساسی مقصد قیلیب آلگن بؤله دی. نوایی قطعه‌لریده قافیه نینگ دېیرلی برچه تورلریدن همده قافیه‌داش سؤزلردن اونوملی صورتده فایده‌لنیب، قطعه ژانری قانونیت‌لریگه تؤلیق صورتده عمل قیلگن حالده ماهیت‌گه ماس روش‌ده اساساً اساس بیلن توگاوچی، قافیه نینگ قؤشیمچه ترکیبیگه کؤره مقید قافیه توریدن ثمرلی فایده‌لنگن و بو آرقه‌لی مضمون و شکل متناسب‌لیگی‌نی تامین‌لب بېرگن.

کیریش

موضوع‌گه کیرمسدن آلدین اېنگ اولا قطعه نیمه، او قنده‌ی خصوصیت لرگه اېگه؟ قطعه دېگنده نیمه نی توشینه میز؟ دېگن سوراقلرگه آیدینلیک کیریتیشنی لازم بیلیب؛ بو حقده اؤزبېک تیلی اېضاحلی لغتیده قطعه اوچون یازیلگن تعریف‌نی مناسب کؤردیک: "قطعه عربچه سؤز بؤلیب، پرچه، بؤلک، قسم، شعری پرچه معنالریده ایشله‌تیله دی ادب اصطلاحیده شرق خلقلری ممتاز شعریتیده کېنگ ترقلگن، ایکی یاکه اوندن آرتیق جفت مصرع‌لری اؤز ارا قافیه‌لنگن بیت لردن عبارت ، موضوع دایره‌سی کېنگ، وزن امکانیت لری چېگره‌لنمه‌گن ژانر بؤلیب شاعر و یازووچی نینگ اجتماعی سیاسی، فلسفی قره‌شلرینی عکس اېتیره‌دېگن لیریک ژانر گه قطعه دېیله دی".

شونینگدېک قافیه‌لر شعری اثر موسیقی‌لیگی، جاذبه‌دارلیگی‌نی تامینلش نینگ اساسی عاملری دن سنله دی. قافیه‌داش سؤزلر ترکیبیده‌گی هر قیسی تاووش مصرع، بیت، بند گه علی‌حده جلا، تاثیرچنلیک بغیشله‌یدی.

قافیه اساسی‌نی روی حرفی تشکیل قیله دی ارغمچی تویه اوستیگه آرتیلگن یوکلرنی محکم بیرلشتیریب تورگنی دېک، رَوِی هم شعر نینگ قافیه‌لنووچی برچه مصرع‌لری‌نی بیریکتیریب، اؤز ارا باغلب توره دی. انه شوتعریفگه اساسا حضرت امیرعلیشېرنوایی نینگ قطعه لری اوستیده نظر تشلب بیرنیچه‌ته‌سینی کؤزدن کیچیریب اوته‌میز.

علیشېرنوایی دېوانیگه عاید قطعه‌لری کېنگ حجم‌گه اېگه بؤلیب، شاعر نینگ جامعه‌ده‌گی معلوم واقعه و حادثه‌لرمناسبتی بیلن بیرگه اخلاقی، فلسفی، اجتماعی- سیاسی و تعلیمی قره‌شلری گؤزه‌ل بیر صورت‌ده عکس اېتتیریلگن دیر. شاعرنینگ غرایب الصغر دېوانیده سیغدیریلگن برچه شعری ژانرلری وظیفه‌سیدن کېلیب چیققن حالده، هربیریگه خاص شکل و قافیه خصوصیتی یره‌تیلگن؛ خصوصاً غزل و رباعی مضمونلریگه عاید نمونه‌لرده بو حالت تېنگلیک‌ده عملگه آشیریلگن. عین خصوصیت قطعه لر مثالیده هم کؤریلسه، ردیف‌سیز قافیه نینگ قؤللنیشی اساسی اؤرینده تورگنیگه گواه بؤله‌میز. قافیه‌داش سؤزلر هم حروف قافیه لرنینگ اوزک ترکیبی بیلن یکونلنیشیگه کؤره مقید توریگه منسوب‌لیگی قطعه ژانری نینگ اؤزیگه خاص-خصوصیتی‌دن کېلیب چیققن. اخلاقی-فلسفی توشونچه‌لرنینگ اکثریتی انیق خلاصه لر و قطعی‌لیککه، بویروققه اساسلنگنی باعث هم، اساس نینگ اؤزی قافیه‌داش سؤزلر صفتیده تنلنگن. علیشېرنوایی نینگ ۲۱۰ قطعه‌سیدن اکثریتی عینی خصوصیت‌نی یېتکچیلیک قیله دی. نوایی ایجادیده‌گی قطعه‌لر، قطعه قانونیتیگه موافق b-a, c-a طرزیده قافیه‌لنگن بؤلیب؛ اوندن تشقری مثنوی قالبی اساسیده (a-a, b-b, c-c...) اوچره‌گن قطعه‌لر هم اوچره‌یدی. حضرت نوایی شعریت علمی نینگ بیلیمدانی صفتیده قطعه اوچون بؤلگن یؤل-یوریقلر اساسیده برچه توریدن اونوملی صورتده ایش آلیب، قافیه‌نی رنگ-مه-رنگ قیلیب یره‌تگن دیر کیم، اولر ایچیده مقید مردف قافیه سلماقلی حجم‌گه اېگه دیر. بولریانیده بویوک متفکر، بیلیمدان و دانشمند حضرت امیرالکلام علیشېرنوایی نینگ یره‌تگن ایجادیاتیده سینچیکلب کؤرگن هر بیر اخلاصمند اؤزی نینگ کؤنگلی‌گه بؤلگن سوراغیگه بې‌ملال قانیقرلی جواب تاپیب هر بیر موضوع اؤزیگه یره‌شه خاص قیافه و شکل‌ده نمایان بؤلینگندیر که بو نینگ اؤزی دانشمند نینگ یوکسک مهارتگه اېگه بؤلگنلیگی دن دلالت قیله دی.

بو ابرزلرنی یره‌تیشیدن اساسی مقصد، بیرینچیدن انسان‌نی نیمه‌لیگی و نیمه اوچون یره‌تیلگن‌لیگی و اونینگ دنیاگه کېلیشیدن اصلی هدفی نیمه اېکن‌لیگی کؤزگه کؤرینه دی. مذکور بیر کیچیک

تدقیقاتده بوحضرت نینگ قطعه‌لریدن نیچه‌ته‌سینی کوچیریب آلیب موضوع‌گه موافق تحلیل و تجزیه قیلماقچی‌میز.

***

کمال اېت کسب کیـــــم عالم اؤییدن
سنگا فرض اولمغای غمناک چیقماق
جهاندین ناتمام اوتـــــماک بِعیـــنه
اېرور حـــــمام دین ناپاک چیقماق

حضرت نوایی نینگ دېوانیده یره‌تیلگن بو قطعه‌سی انسان تؤغریسیده بؤلیب بو انسان وظیفه‌سی نیمه اېکن‌لیگینی آچیقلب بېره دی. او، حیات دن مقصد یخشی فایده‌لنیش، علم و هنر، کمال و معرفت اؤرگه‌نیش اؤزیگه و اېل-اولوسیگه حاصل قیلگن بیلیم – هنری و تجربه‌سی آرقه‌لی ثمره‌لی خدمت قیلیش دیر. شونده‌ی بؤلمه‌گنده تیریکلیک نینگ مفهومی هم و ارزشی هم بؤلمس. تیریکلیك میداني تېنگسیزلیك لر بیلن توگنمس کوره‌ش دور. هر کیشي اینتیله دي یخشیراق تیریکچیلیگي بؤلسه، تیریکچیکلیك‌ني بېزه‌ته دېگان بیلیم و دانش دور، بیلیم انسان شخصیتي‌ني یوقاري اېته دي، قیینچیلیك‌لر توگونیني یېچیب و یؤلدن چیقره‌دیگان ایستکلرنینگ انسان آنگیدن یوویب و اونینگ اؤرنیگه اېنجوکبي اویلاولرني قویه دي.بیلیم انسان نینگ اؤي، روح، تویغو و کوچي‌ني سعادت تماني گه یؤل‌له‌یدي تیریکچلیك‌ني آیدینلیك یؤلي یلغوزگینه بیلیم و اؤرگنیش اېمس، بلکه عملگه آشیریش هم دور، بیلیمي بؤلمه‌گن کیشي، تیریکچیلیك‌ده یمان‌ني یخشیدن اییره‌آلمه‌یدي تیریکچیلیك نینگ قورقیشلي قرانغولریده یخشي‌لرني یماندن فرق قیله‌آلمه‌ي قیغوو زحمت بیلن یشه‌یدي، بو دردلرنینگ یلغوز علاجي بیلیم و اونینگ عمل‌گه آشیریش دور.بیلیم، چراغ کبي دور، اونینگ یارقین‌لیگي هر زمان کؤرینیب و اونینگ آیدینلیگي بیلن جهل غباري کؤنگیل‌لر کؤزگوسیدن یؤقاله دي.یوقاري سؤزلرني بیلیب و ایشله‌تیش بیلن تیریکچلیك برچه یخشیلیك لري یوزیمیزگه قره‌ب کېلماقده و بیلیم انسان‌ني خوشبختلیك پیروزلیك تمان آلیب باره دي. تیریکچیلیك دن لذت آلیش اوچون بیلیم وعمل نینگ دواملي صورتده اؤزیمیزدن قیلیب سعادت و نیك‌ناملیك قوینیگه باره‌یلیك و رؤزگار لوحي بیزلر نینگ یخشي نام و کارنامه لریمیزدن گؤزه‌ل بؤلسین دېیشه دی.انسان تؤغریسیده یازیلگن بو بیت «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» هزج مسدی محذوف وزنیده یازیلگن ایکی بیتدن عبارت بؤلگن» غمناک و پاک سؤزلری» اؤز ارا قافیه‌داش صفتیده ردیف بیلن توگه‌گن بؤلسه؛ اوزک ترکیبیگه کؤره اونداش روی حرفی‌دن آلدین چؤزیق اونلی لردن بیری کېلگن اوچون مردف قافیه توری قؤللنگن.فوایدالکبر

دېوانیده کیریتیلگن اؤز حالی نینگ ییگیت‌لیگیدن فسق بیله تباه‌لیگی و قرریلیق‌ده شرمنده‌لیگی‌دن روسیاه‌لیگیده أیتور سرلوحه‌لی قطعه‌سیگه اعتبار قره‌ته‌یلیک:

ییگیت‌لیگیمده که تقـــوا و زهد وقتی اېدی،
فجـــور فسق بیله ضایع أیله‌دیم اوقات
اوتیب ییگیت‌لیک، اؤیله مېنگه کېلدی چین قرریلیغ
معاش عادتی معهـود ایلـــه کیچورسم اویات
دېسم که، طاعت اېتیب سجده دین کوتارمه‌ی باش
باشینگه اورغلی لایق کـــوریشیب اول تات.
قضـــادین اولچه منگه کېلدی، ذکر حاجت اېمس
بیلور چه شدتی حـــالیم‌نی قضای الحاجات

- مذکور قطعه‌ده ییگیت‌لیک په‌یتده کوچ-قوت یېترلی بؤلگن وقتده اخلاق‌سیزلیک، بوزیق‌لیک، یره‌مسلیک بیلن کؤپ وقت‌لرینی بېهوده اوتکزمه‌ی، زهد و تقوا بیلن شغللنماق لازم‌لیگی‌نی أیته دی. ییگیت‌لیک وقتی اوتیب، قرریلیک کېلدی تیریکچیلیک عادتی‌نی عهد قیلسم، اویت بؤله دی، سجده دن باشیم کوترمه‌ی، طاعت اېتسم، طاعت عبادت ده باشیم‌نی اورغه‌لی جای لایق کؤرسم قضاهم یقینلشه دی. حالیم‌نی قاضی الحاجات یعنی حاجت‌لریم‌نی چیقرووچی، الله شدتلی حالیم‌نی بیلگووچی دیر. کؤرینه دی که، نوایی یاشلیک په‌یتیده کوچ-قوت باریده طاعت-عبادت بیلن شغللنیش لازم‌لیگی‌نی، قرریلیک اؤز کوچینی کؤرستگنده، افسوس-ندامت قیلمسلیک لازم‌لیگی‌نی اوقتیره دی و کوچ-قوت بار اېکنلیگیده زهد یؤلیگه کیرماقلیک‌نی أیتیب اوته دی.
- حضرت نوایی شخصیتی‌ده تصوف مقاماتلریده انچه یوقاریگه کوتریلگن سالک‌نی کؤره‌میز. نوایی نینگ زهد و زاهدلیک‌نی تنقید قیلیشیده ملامتی‌لیک و نقشبندی‌لیک نینگ تاثیری یقال سیزیله دی. ملامتی‌لر حق یؤلیگه کیرگن کیشی هیچ بیر جهتی بیلن آدم‌لر دقتی‌نی اؤزیگه جلب قیلمسلیگی، تشقی تاماندن آدم لردن اجره‌لیب تورمسلیگی کېره‌ک دېب یازگن قوییده‌گی قطعه‌سی» مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مثمن محذوف) وزنیده یازیلیب اوقات، اویات، تات و حاجات» سؤزلری اؤز ارا قافیه‌داش بؤلیب مردف مقید قافیه توری گوده‌له‌نیب تورگن.

فـانی مطلق اولمه‌یيـــن سالک
انگه یؤقتور امید مقصـــد کل
قاره توفراقغه سینه‌مه‌گن قطره،
انـــدین امکانی یؤق آچیلماق گل
(غرایب الصغر، ۱۳۸۷: ۳۷۸)

بو بیتده یازیلگن تصوفی قطعه‌سی بیلن اؤزینی فکر و اندیشه‌سینی سالک تمان آلیب باره‌دی و اونگه بو دنیا ارزیمس و دوامی بؤلمه‌گن دنیا، اوندن امیدینگ‌نی اوز ! بو همیشه‌لیک اېمس دېیدی اگرده ابدی شیرین‌لیک‌نی کؤرماقچی بؤلسنگ فنا شریعتی تمان یؤل آل اوشنداغ که اگر گل نینگ آچیلیشی‌نی ایسته‌سنگ قاره توپراققه سوو بېریش کېره‌ک بؤله دی دېدی حضرت نوایی.

" فنا شریعتی بابیده کیم، طعمی زهر قاتل دور بقای ابد نوشی اول زهر دین حاصل" (فاعلاتن مفاعیلن فعلن" هزج مسدی مقبوض مطوی)وزنیده یازیلگن ایکی بیتدن عبارت قطعه "کل و گل" سؤزلری اؤز ارا قافیه‌داش سؤز صفتیده روی بیلن توگه‌گن بؤلیب اوزک سؤزیگه کؤره مردف قافیه تورینی یوزه‌گه کېلتیرگن.

تون‌نی زربفت أیله‌بان خفت‌نی اوچقان هر طرف
یؤق عجب گـــــــر بار اېسه دنیا مطیع کام انگه
اول چیبین کیم، کؤزگه آلتین ینگلیغ اؤخشار خلعتی
کوره‌کی بیل کیم، نجاست اوزره دین آرام انگه.

"تکلف اهلی نینگ دنیاگه شیفته‌لیغیده و دنیالیککه فریفته‌لیغیده سرلوحه‌لی رمل مثمن محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) وزنیده یازیلگن قطعه‌ده هم مردف مقید قافیه توری (کام و آرام) قؤللنگن. قافیه نینگ بو توری نوایی قطعه‌لری نینگ دېیرلی ۸۰٪ نی تشکیل قیله دی.

قطعه‌ده‌گی قافیه‌داش سؤزلرنینگ اکثریتی قؤشیمچه ترکیبیگه کؤره مقید قافیه تورلری‌نی تشکیل قیلسه-ده، بعضی اؤرینلرده فکرنی تاکید اساسیده یېتکزیش مقصدی بیلن مطلق قافیه توریگه عاید قافیه‌داش سؤزلر هم اوچره‌یدی.

سینیق صفـــــــالیک، می دردین ایچگلی تاپسنگ،
قبول أیله‌مـــــــه گیل جـام سلطنت جـم دین
ایلیککه کیرسه قوروق نانی، معاش اوچون چیکمه،
نشاط نعمتی نیـــنگ منتـــی‌نی حاتم دین.

بو یېرده قناعت قیلیش تؤغریسیده جمشید نی جامیدن سوو ایچمک دن کؤره اوشه اؤزینگ‌نی سینیق سفالینگنی افضل کؤرگین شونینگدؤک اؤزینگه بؤلیب تورگن قوروق نان‌نی حاتم طایی نینگ منتلیک نعمتی‌دن کؤره افضل توت دېدی حضرت نوایی اؤزی نینگ اثریده. اگر بو قطعه نینگ قافیه‌سی اوچون نظرتشله‌ماقچی بؤلسک (جامدین و حاتم دین) قافیه‌داش سؤزلری خروج‌لی مجرد مطلق قافیه تورینی شکللنتیرگن، یعنی روی دن سونگ کېلووچی قافیه حروف‌لری قافیه نینگ مطلق توریگه اساس بؤلگن دیر.

فایده لنیلگن منبع لر

۱. بیگمتوف ای. مدولییف ا. و باشقه لر. (۲۰۰۵)، اوزبیک تیلی نینگ ایضاحلی لغتی،دولت نشریاتی،تاشکینت.

۲. علیشیرنوایی.(۱۹٦۵) فوایدالکبر.تاشکینت.

۳. امینیار، سیدنورالله. (۱۳۸۸) . اوزبیک ادبیاتی تاریخی، ایکینچی جلد. شبرغان. افغانستان.

۴. نوایی، علیشیر. (۱۳۸۷). غرایب الصغر. تاشکینت

۵. خلق ارا علمی و نظری مقاله لر توپلمی "علیشیر نوایی و ۲۱نچی عصر" ۲۰۲۱. تاشکینت.

علیشېر نوایی «خمسه»سی: اصلیت و تلقین

عبدالواحد هَییت/اؤزبېکستان

ایسته‌یمیزمی-یؤق‌می، نوایی اثرلرینی بیزدن بېش یوز ییلدن زیاد مسافه اجره‌تیب توره‌دی. بو وقت مابینیده واقعلیک، تفکر طرزی، تیل کتّه اؤزگریشلرگه یوز توتدی، شو باعث نوایی میراثینی کېچه‌گینه یازیلگن اثرلرده‌ی یېنگیل هضم قیله آلمه‌یمیز، اولرنی توشونیش اوچون اؤقووچی نوایی یشه‌گن دَور، اؤشه دَور مفکوره‌سی، تفکر طرزی حقیده یېترلی درجه‌ده تصورگه ایگه بؤلیشی کېره‌ک. قاله‌وېرسه، نوایی اثرلری اؤز زمانه‌سیده هم عامه‌وی توشونیلمه‌گن. شاعر «لیلی و مجنون»ده یازه‌دی:

«یازماقته بو جاویدانه،

مقصودیم ایمس ایدی فسانه[1]»

یعنی، بو ادبی عشق حقیده یازیشدن مقصدیم افسانه سؤزلر بېریش ایمس ایدی، دیبدی نوایی. لیلی و مجنون عشق قصه‌سی نوایی اوچون بیر مجاز، واسطه، «مجاز حقیقت اوچون بیر کؤپریک‌دیر»، دیب حسابله‌گن شاعر مذکور بیتده «عشقِ مجازی» آرقه‌لی حقیقتنی، «عشقِ الهی»نی کؤرستیش اصل مقصدی بؤلگنلیگیگه اشاره قیلماقده. «مجاز»، «حقیقت» کبی توشونچه‌لر ایسه – تصوف اصتلاحلری‌دیر.

دیمک، نوایی اثرلرینی توشونیشده بوگونگی اؤقووچی آلدیده ینه بیر معما پیدا بؤله‌یپتی: یعنی اولرنی اؤقیگنده سؤزلرنینگ فقط ظاهری معنالرینی بیلیش یېترلی ایمس، بلکه مجاز آستیده یشیرینگن باطنی معنانی، تصوف اصتلاحلری آرقه‌لی بېریلگن تصوف غایه‌لرینی هم ادراک ایتیش لازم ایکن. شو باعث بوگونگی اؤقووچی نوایی اثرلرینی توشونیشده متخصص کؤمگیگه محتاج، تلقین، شرح و مخصوص تیارگرلیکسیز، گرچه اولر اؤز آنه تیلیمیزده یازیلگن بؤلسه-ده، بو خزینه‌دن بهره‌مند بؤلیش قیین.

---

۱. علیشېر نوایی. مکمل اثرلر تؤپلمی. ۲۰ ت. ۹- تؤم. خمسه: لیلی و مجنون. – ت.: فن، ۱۹۹۲. - ۳۵٦٦

«اینتیرپرتتسیه» دیگن بین‌الملل اتمه بار. او لاتینچه «واسطه‌چیلیک» معناسیده‌گی «Interpretatio» سؤزیدن یسلگن بؤلیب، ایضاحلش، شرحلش، توشونتیریش کبی معنالرنی انگلته‌دی. بو سؤز ادبیات‌شناسلیکده بدیعی اثرنی معین غایه‌وی-بدیعی طلبلر، اجتماعی دنیا قره‌ش، ایضاحلاوچی‌نینگ اؤز قره‌شلریدن کیلیب چیقیب، اؤقووچیگه توشونتیریب بیریش، ایضاحلش کبی عمللرگه نسبتاً قؤللَنه‌دی. اؤزیبک تیلیگه بو اتمه‌نی «تلقین» سؤزی بیلن ترجمه قیلیش ممکن.

دیمک، ادبیاتچیلیک ایشی هم شونگه کؤره ایکّی قسمدن عبارت: بیرینچیسی بدیعی اثرنینگ یره‌تیلیشی، ایکّینچی –اونینگ معین اؤقووچیلر دایره‌سیده تلقین اِیتیلیشی. کؤپ‌گینه اثرلردن اؤقووچی بی‌واسطه بهره‌مند بؤلیش امکانیتیگه ایگه. اما اؤشه اثرلر هم، عموماً، هر قنده‌ی اثر ادبیات‌شناسلیک نقطه‌ی نظریدن تلقین اِیتیلیشی ممکن. تلقین درجه‌سی معین اؤقووچیلر گروهی تفکر طرزی، دنیا قره‌شی، معنوی احتیاجی، سویه‌سی و تلقین اِیتیله‌یاتگن اثر خصوصیتلری اؤرته‌سیده‌گی فرقلرگه نسبتاً بیلگیلَنه‌دی.

بیز «ترجمه» دیگنده بیرینچی گَلده بیر تیلدن ایکّینچی تیلگه اؤگیریشنی توشونه‌میز. بیراق ادبیاتده نثری‌لشتیریش یاکه تبدیل، شرح، تفصیر کبی عمللر بار که، مشترک وظیفه‌نی بجرگنی اوچون اولرگه هم ترجمه‌چیلیک‌نینگ بیر ترماغی صفتیده قره‌ش ممکن. مرکب‌راق تیلده یازیلگن اثر عادّی اؤقووچی اوچون نثری‌لشتیریله‌دی یاکه، عکسینچه، نثری اثرگه زیب بیریش مقصدیده نظمگه سالینه‌دی، چوقور فلسفی اثرلرگه شرحلر یازیله‌دی، الهی بیتیکلر تفصیر اِیتیله‌دی. بولرنینگ برچه‌سی معین منبعنی اؤقووچی عقل-ذکاوتی، احتیاج و امکانیتی درجه‌سیده اونگه تقدیم اِیتیش، عامه‌لشتیریش، ترغیب اِیتیش مقصدلریده عملگه آشیریله‌دی. شونینگ‌دیک، هر بیر دَور، هر بیر اولادنینگ اؤز روحیتی، تفکر طرزی، مفکوره‌سی، دنیا قره‌شی، مقصد-وظیفه‌لری بؤله‌دی. ترقیات باسقیچلری، معین توزوم مفکوره‌سیگه قره‌ب تیل اؤزگریشلری یوز بیره‌دی. دیمک، هر بیر اؤقووچی معین تیل و دَورگه منسوب‌دیر. اؤقووچی انه شو تیل و دَور بیرلیگیدن تشقریده‌گی نرسه‌لرنی قبول قیلیشده ترجمان یکه متخصص کؤمگیگه محتاج. مثلاً، صاف تورک (اؤزیبک) تیلیده، فقط، اَیته‌یلیک، ۷۰۰ ییل بورون یازیلگن «هبة الحقایق» اثرینی بوگونگی اؤقووچی ترجمه‌سی توشونمسلیگی ممکن. دیمک، اثرلر عینی بیر تیل‌نینگ اؤزیده دَوردن دَورگه هم ترجمه اِیتیلر اِیکن.

نوایی «خمسه»سی داستانلریگه نظیره‌لر باغلش اصلیده ۱۵-عصرده-یاق باشلنگن اِیدی. خصوصاً، ۱۵-۱۹ اثرلر مابینیده اویغور و فارس-تاجیک تیللریده حریمی، لامعی، وحی بافقی، عرف شیرازی، حرقتی، غریبی، نظاری کبی شاعرلر نوایی داستانلری تأثیریده اثرلر یره‌تیشگن. بو نظیره‌لرنی هم نوایی داستانلری‌نینگ دستلبکی تلقینلری دییش ممکن.

اما اؤزیبک ادبیاتیده نوایی «خمسه»سی داستانلرینی ساده‌لشتیریب نثرده بیان قیلیش، عامه‌لشتیریش،

نثری‌لشتیریش عنعنه‌سینی باشلب بېرگن شخص –۱۹-اثرده خوارزمده ایجاد قیلگن ادیب عمر باقی‌دیر. عمر باقی‌دن کېین بو عنعنه باشقه بیر ادیب – محزون تامانیدن دوام اېتدیریلدی. ۲۰- عصر باشلریگه کېلیب، تاشکېنت شهریده «خمسه»نینگ تؤرت داستانی نثری تلقینینی اؤز ایچیگه آلگن «نثرِ خمسه‌ی بې‌نظیر» میدانگه کېلدی. شونینگ‌دېک، عمر باقی بیلن بیر پَیتده (۱۸۱۳) اویغور ادیبی ملا صدیق یارکندی تامانیدن نوایی‌نینگ بېش داستانی اساسیده اویغور تیلیده «نثرِ خمسه» یره‌تیلدی.

«خمسه» داستانلری‌نینگ مذکور ایلک تلقینلریگه خاص عمومی بیر خصوصیت: اولرده اصلیت معناسینی تؤله-تؤکیس اؤقووچیگه یېتکزیشگه اېمس، بلکه نوایی داستانلری اساسیده «خلق کتابلری» کؤرینیشیده‌گی مستقل اثرلر یره‌تیشگه حرکت قیلینگن.

اؤشه دَورلرده عادی خلق آره‌سیده کېینچه‌لیک «خلق کتابلری» نامی بېریلگن قصه و داستانلر مشهور اېدی. ادبیات‌شناس عالم ب. سریمساقوف «ابراهیم ادهم قصه‌سی» کتابی سؤز باشیسیده شونده‌ی یازه‌دی: «قؤلینگیزده‌گی کتابنی دم-بدم تؤختب، خیالگه چؤمیب اؤقی‌یاتگن چؤنگ ساقال بابا اطرافیده دَوره قوریب اؤتیرگنلر بوتون عجایب واقعه‌لرنینگ کوزه‌توو‌چیسیگه اَیلنگنلریدن بختیار. اللخصوص، انه شونده‌ی سېر فیض کېچه‌لر اؤقیلگن اثرلر «خلق کتابلری» اتمه‌سی بیلن یوریتیله‌دی. بو اتمه ایلک بار ۱۸- اثرنینگ آخری و ۱۹- اثرنینگ باشلریده آلمان عالمی گیاررېس تامانیدن قؤلله‌نیلگن بؤلسه هم، اصلیده، قصه‌خوانلیک، داستانچیلیک – کېنگ معناده کتابخوانلیکدن عبارت اولکن معرفی، معنوی عنعنه شرقده، خصوصاً اؤرته آسیاده ایلک عصرلرده-یاق کېنگ ترقلگن[1]».

«خلق کتابلری معلوم بیر افسانوی یاکه عنعنوی سوبجېکت‌نینگ بیران بیر ایجادکار شخص تامانیدن قلمگه آلینیب، قَیته ایشلنگن، ادبی‌لشتیریلگن، اَوتارلشتیریلگن نمونه‌سی‌دی، - دېیلیک «اؤزبېک ادبیاتی تاریخی» کتابیده. – او آغزه‌کی ادبیات بیلن یازمه ادبیاتنی بیر-بیریگه باغلاوچی، بدیعی سؤز صنعتیده‌گی بو ایکّی ساحه اؤرته‌سیده‌گی علاقه و اؤز ارا تأثیرنینگ مېوه‌سی صفتیده یوزه‌گه کېلگن اثرلر تورکومی، آره‌لیق ژنر بؤلگنلیگی اوچون هم فؤلکلؤریستیکه‌نینگ، هم ادبیات‌شناسلیک‌نینگ تېکشیریش آبجېکتی سنله‌دی[2]».

ه.وامبېری اېسه خلق کتابلری حقیده شونده‌ی یازه‌دی: «اؤزبېکلرده بونده‌ی رومانلر سان-سناقسیز کؤپ بؤلیب، اولرده اؤزبېکلرنینگ ملی حس و افتخارینی، مردلیک و قهرمانلیگینی عکس اېتدیرووچی کؤپ‌گینه منظره‌لرنی تاپیش ممکن[3]».

۱. ابراهیم ادهم قصه‌سی؛ امیرِ احتم قصه‌سی؛ بابا روشن قصه‌سی: تؤپلم. سؤز باشی ب. سریمساقوف‌نیکی. ت.: «یازووچی»، ۱۹۹۱. – ۱۹۲ ب. ۳-بېت.
۲. اوشبو اقتباس ۵ تؤملیک (اؤزبېک ادبیاتی تاریخی) کتابی‌نینگ ۳-تؤمیده‌گی (خلق کتابلری) مقاله‌سیدن کېلتیریلدی. مقاله‌نی فروفسیور و. عبدالله‌یوف، ر. آرزی‌بېکوف، ق. طاهروفلر یازیشگن. ۱۵۵-بېت.
۳. اؤشه کتاب، ۳۳٦-بېت.

عمر باقی‌نینگ نوایی داستانلری اثریده یره‌تیلگن «فرهاد و شیرین»، «لیلی و مجنون» قصه‌لری عیناً «خلق کتابلری» کؤرینیشیده‌گی اثرلردیر. خؤش، نیمه سببدن عمر باقی دَوریگه کېلیب نوایی اثرلرینی ساده‌لشتیریب تبدیل اېتیشگه احتیاج توغیلدی؟ بو باره‌ده ادبیات‌شناس افتاندیل اېرکینوف شونده‌ی ملاحظه بیلدیره‌دی: «١٦- اثردن باشلب، تېموری‌لر تاریخ صحنه‌سیدن کېتگنیدن سؤنگ دَورلرده سرایلرده معنویتگه، بدیعی ادبیاتگه بؤلگن اعتبار سُسه‌یگنلیگی کوزه‌تیلدی. معین دَورده سرایلرده ادبی محیط‌نینگ یؤقالیشی بدیعیت‌نینگ یوکسک چؤققیسیده یره‌تیلگن نوایی اثرلرینی ادراک اېتیش یؤلیده‌گی مصافه‌نی نه‌فقط دَور، بلکه سویه نقطه‌ی نظریدن هم اوزاقلشتیریب یوباردی. نوایی‌نی دَوردن دَورگه، ژنردن ژنرگه ترجمه اېتیلیشیده‌گی اساسی سبب – اوّلا خودّی انه شو تاریخی شرط-شرایط اېدی[1]».

عمر باقی ایکّله قصه‌ده هم اصلیت مضمونینی بیر تیل‌نینگ اؤزیده بیر ژنردن ایکّینچی ژنرگه، یعین نظمدن نثرگه، دَوردن دَورگه، فلسفی، تصوفی ادبیاتدن خلقانه ادبیاتگه، مرکب ادبیاتدن ساده ادبیاتگه ترجمه اېتر اېکن، شو بیلن بیرگه، نوایی داستانلری‌نینگ تصوفی معنالرینی هم نظردن قاچیرمه‌گن. بونینگ اوچون او قصه‌لرنینگ تخلصلریده اصلیت‌نینگ تصوفی معناسیگه هم خلقانه تیلده، لؤنده قیلیب ایضاح بېریب اؤتیشگه حرکت قیلگن. زېرا، ادیب اثرلرده‌گی فرهاد و شیرین یاکه لیلی و مجنون عشقی موضوعینی تصوف اصتلاحی بیلن «عشقِ مجازی» دېب اته‌یدی. اما بو قصه‌خوانلیکدن مقصد هم فقط «افسانه‌خوانلیک» اېمس، بلکه «عشقِ مجازی»نینگ «عشقِ حقیقی»گه اېوریلیش جریانینی کؤرستیب بېریش. قصه‌لرنینگ تخلصلریده ادیب بو حقیقتنی هم اؤز تصوریچه تلقین اېتیب بېریشگه حرکت قیله‌دی: «حق تعالی، آخر الامر، مجازی‌نی حقیقی‌غه مبدل قیلدی» یاکه «و هر کیم... عشقِ مجازی‌دن اؤرتنسه، ... عشقِ حقیقی‌غه مشرف بؤلسه، نې عجب‌دور؟»

خلص، عم باقی‌نینگ مذکور قصه‌لری نوایی داستانلری‌نینگ دستلبکی نثری تلقینلری، نثری بیانلری اېدی.

۱۹-عصر اؤزبېک ادبیاتیده «فرهاد و شیرین» نامی بیلن ینه بیر اثر میدانگه کېلدی. اؤز دَوری‌نینگ تَنیقلی ادیبی محزونگه نسبت بېریلگن بو اثر هم نثرده یازیلگن بؤلیب، داستانده‌گی اېماتسیونل حالتلرنی افاده‌لش اوچون اؤرنی-اؤرنی بیلن لیریک پرچه‌لردن هم فایده‌له‌نیله‌دی. محزون اثری «قصه‌ی شهزاده فرهاد و شیرین» دېب اته‌لگن. محزون و اونینگ مذکور اثری حقیده جوده کؤپ تدقیقات و

۱. اېرکینوف ا.. علیشېر نوایی «خمسه»سی تلقینی‌نینگ ۱۵-۲۰ عصر منبعلری. فیلالؤگیه فنلری دوکتوری... دیسّېرتسیه‌سی. – ت.: ۱۹۹۸. – ۲۸۲ ٦. ۱۳۰-بېت.

مقاله‌لرده اَیتیب اؤتیلگن[۱]، بیراق ادیب‌نینگ قه‌یېرده و قچان یشب، ایجاد اېتگنلیگی خصوصیده‌گی اَنیق معلوماتلر حالی تاپیلگن اېمس. ع. فطرت: «بیراق بو محزون‌نینگ کیم اېکنینی تعیین قیلیش قیین. اثر جوده یامان بیر کاتب تامانیدن یازیلگن نسخه‌نینگ باسمه‌سی بؤلگنی اوچون ینگلیشیش جوده کؤپ. هر شعرنینگ هر مصرعسی بوزیلیب یازیلگن! شونینگ اوچون شاعرنینگ اصلوبی بیلن یخشی تَنیشوو، اونینگ، مثلاً عمر خان سراییده‌گی محزون بؤلیب-بؤلمه‌گنینی انیقلش ممکن بؤلمه‌یدی»، - دېب یازه‌دی[۲].

محزون اثری‌نینگ عمر باقی «فرهاد و شیرین»یدن فرقی شونده که، او اؤز ایشیگه انچه ایجادی یانده‌شیب، اثرده نه‌فقط نوایی، بلکه نظامی، دهلوی، شونینگ‌دېک، باشقه شو سوبجېکت اساسیده یره‌تیلگن اثرلرگه هم تیه‌نه‌دی.

محزون اؤز اثریده حتا فرهاد حقیده‌گی خلق اؤرته‌سیده موجود بؤلگن قصه‌لردن هم فایده‌لنه‌دی[۳]. اثرنینگ اؤزی هم عمر باقی قصه‌سیدن فرقلی اؤله‌راق، خلق کتابلریدن کؤره، خلق داستانی تیلیگه یقین نثر-نظمده یره‌تیلگن بؤلیب، لیریک پرچه‌لرگه نسبتاً کېنگراق اؤرین بېریلگن. شعری پرچه‌لرنینگ اکثریتیده محزون تخلصی ایشله‌تیلیشیدن اولرنینگ مؤلفی ادیب‌نینگ اؤزی، بوندن تشقری، او اثرده فضولی غزلیگه یازیلگن مخمس، اؤزیدن ایلگری اؤتگن و زمانداش شاعرلرنینگ شعرلریدن هم فایده‌لَنیب، اولرنی و «اولردن علیحده بَیتلرنی حکایه مغزیگه سینگدیریب یوباره‌دی[۴]».

محزوندن کېین نوایی «خمسه»سیده‌گی «سبعه‌ی سیار» داستانی «قصه‌ی هفت منظرِ بهرام» نامی بیلن و «سدِ اسکندری» داستانی هم نثری قصه‌لرگه اَیلنتیریلگن.

۱۹۰۸- ییلده «خمسه» داستانلرنینگ نثری تلقینلری تاشکېنتده میر محمود ابنِ شاه یونس و هیبت الله خؤجه خصلت[۵] تامانیدن «نثرِ خمسه‌ی بې‌نظیر» نامی بیلن نشر اېتیلگن.

خلص، اؤتگن – ۱۹- عصرنی اؤزبېک ادبیاتیده نوایی «خمسه»سی داستانلرینی ساده‌لشتیریب نثرده بیان قیلیش، عامه‌لشتیریش، نثری‌لشتیریش عنعنه‌سیگه تمل تاشی قؤییلگن عصر بؤلدی، دېییش ممکن. بو عنعنه‌گه عصر باشیده عمر باقی تامانیدن اساس سالیندی، محزون تامانیدن دوام اېتدیریلدی و

۱. محزون حقیده قره‌نگ: ع. فطرت. «فرهاد و شیرین» داستانی تؤغریسیده. «النگه» ژورنالی، ۱۹۳۰ ییل، ۲-سان، ۹-۱۴ بېتلر؛ م. افضلوف. «فرهاد و شیرین» داستانی‌نینگ خلق وریتی. اکاد. ۱۹۵۰؛ و. عبدالله‌یف. اؤزبېک ادبیاتی تاریخی. ایکـّینچی کتاب. ت.: اؤقیتووچی، ۱۹۶۵؛ ن. مللەیف. «فرهاد و شیرین»نینگ عمر باقی تامانیدن ایشلنگن خلق کتابی وریتی. ادبی مېراث، ۳-کتاب. ت.: ۱۹۷۳، ۱۳۷-۱۴۷ بېتلر؛ ي. نظروف. خمسه: نوایی تلقین. ت.: «اؤزبېکستان مدنیتی» گزېته‌سی، ۱۹۸۰، ۸ فبروری؛ س. اېرکینوف. «خمسه» عنعنه‌لری. علیشېر نوایی «خمسه»سی. (تدقیقاتلر). ت.: فن، ۱۹۸۶؛ س. اېرکینوف. «فرهاد و شیرین» و اونینگ قیاسی تحلیلی. ت.: فن، ۱۹۷۱.

۲. ع. فطرت. «فرهاد و شیرین» داستانی تؤغریسیده. «النگه» ژورنالی، ۱۹۳۰ ییل، ۲-سان. ۱۲-بېت.

۳. علشېر نوایی «خمسه»سی. (تدقیقاتلر). – ت.: فن، ۱۹۸۶. ۱۳۵-بېت.

۴. علیشېر نوایی «خمسه»سی. (تدقیقاتلر). – ت.: فن، ۱۹۸۶. ۲۶۲-بېت.

۵. خصلت ۱۸۸۰- ییلده تاشکېنت‌نینگ بېش‌یاغاچ دهه‌سیده‌گی چارسو محله‌سیده توغیلگن. شاعر، ترجمان و ناشر. «هدیه‌ی خصلت»، «بیاضِ خصلت»، «بیاض»، «ارمغانِ خصلت»، «تحفه‌ی خصلت»، «سَوغاتِ خصلت» کبی بیاضلرنینگ ناشری.

۲۰-عصر باشلریگه کېلیب، «خمسه»نینگ تؤرت داستانی نثری تلقینی اؤز ایچیگه آلگن «نثرِ خمسه‌ی بې‌نظیر» نشر اېتیلدی. شولر قطاریده اویغور ادیبی ملا صدیق یارکندی‌نینگ ۱۸۱۳- ییلی میدانگه کېلگن «نثرِ خمسه[1]» اثرینی هم سنب اؤتیش ممکن.

ملا صدیق نثری بیانلری ۱۹- عصرده اؤزېک ادبیاتیده خلق کتابلری قبیلیده یره‌تیلگن برچه نثری قصه‌لرگه نسبتاً اؤزی‌نینگ توگللیککه، اصلیتگه، سؤزمه-سؤز ترجمه‌گه یقینلیگی بیلن اجره‌لیب توره‌دی. بیرینچیدن، ملا صدیق «خمسه»سی هم بېش داستان تبدیلینی اؤز ایچیگه آله‌دی (فقط «نثرِ خمسه»ده «حیرت الابرار» اؤرنیده «لسان الطیر» تبدیل اېتیلگن)، واقعه‌لر بابمه-باب، کؤپ اؤرینلرده بَیتمه-بَیت، حتا سؤزمه-سؤز نوایی بؤییچه باره‌دی. قید اېتیش کېره‌ک کهف «خمسه» داستانلرینی نثری‌لشتیریشگه بونده‌ی یانده‌شوو اؤزېک ادبیاتیده فقط ۱۹۴۰ ییل –نوایی‌نینگ ۵۰۰-ییللیگی عرفه‌سیده پیدا بؤلدی.

عمر باقی، محزون، یارکندی کبی «خمسه»نینگ دستلبکی تبدیلچیلری اؤز نثری بیانلریده اصلیتگه نسبتاً تورلی مقصد و نقطه‌ی نظرلردن توریب یانده‌شیشگن. اولرگه اصلیتگه یقینلیگی جهتیدن قوییده‌گیچه اؤرین بېریش ممکن:

۱. ملا صدیق یارکندی نثری؛
۲. عمر باقی قصه‌لری؛
۳. محزون قصه‌سی؛

بیر منبع اساسیده یره‌تیلگن، بیراق اؤزیگه خاص خصوصیتلری بیلن بیر-بیریدن کېسکین فرقلَنه‌دیگن بو نثری بیانلرنی بیر-بیریگه یقینلشتیره‌دیگن اصلیتدن باشقه عمومی‌لیکلر هم موجود. بو عمومی‌لیکلرنی تأمینلاوچی اساسی عنصر صفتیده اوّلا دَور و اجتماعی محیطنی اعتراف اېتگن حالده، بیز اولرنی قوییده‌گی بندلرده ایضاحلشگه حرکت قیلدیک:

- ۱۹-عصرده یره‌تیلگن مذکور نثری بیانلرنینگ برچه‌سی «خمسه» داستانلری سوبجېکتی، واقعه‌لرینی ساده‌لشتریب، اولرنی عادی خلق بې‌ملال قبول قیله‌آله‌دیگن خلق کتابلری تیپیده‌گی اثرلرگه اَیلنتیریش مقصدیده عملگه آشیریلگن؛
- اوچه‌له حالده هم تبدیلگه اساس قیلیب اصلیت سوبجېکتی، واقعه‌لر، قالبلاوچی قصه‌لر آلینگن. بو اؤرینده قید اېتیش کېره‌ک که، ملا صدیق نثری گرچه تگلمه ترجمه‌گه یقین تورسه-ده، اونده اصلیت‌نینگ فلسفی، تصوفی جهتلریگه اعتبار بېریلمه‌گن. عمر باقی قصه‌لری گرچه اصلیت سوبجېکتینی اؤزیده نهایتده مختصر شکلده افاده اېتگن بؤلسه-ده، ادیب قصه خلاصه‌سیده اصلیت

۱. بولاق. اویغور کلاسیک ادبیاتی و خلق آغزی ادبیاتی ژورنالی. // علیشېر نوایی. فرهاد و شیرین. – ۱۹۸۹. ۲۸-بېت.

غایه‌سی، قصه‌لرنینگ قیسقه‌چه تصوفی تلقینینی هم بېریب، اؤز اثرلرینی تصوفی روحده یکونله‌گن. محزونده ایسه بو خصوصیتلرنینگ اونیسینی هم، بونیسینی هم کؤرمه‌یمیز. او اؤز اثرینی یره‌تیشده ینه-ده مستقل‌راق ایش کؤرگن و اونده نوایی‌نینگ ایمس، اؤز غایه‌سینی ایلگری سوریشگه حرکت قیلگن؛

- اوچه‌له حالده هم ادیبلر اصلیت توتگن مقامگه کؤتریلیشگه و اونینگ ماهیتینی اؤقووچیگه آچیب، شرحلب بېریشگه ایمس، بلکه اؤقووچی درجه‌سیگه توشیب، اصلیت اساسیده اؤقووچی احتیاجیگه موافق مستقل خلقانه اثرلر یره‌تیشگه اینتیلیشگن و هکذا.

مذکور ملاحظه‌لر اساسیده اَیتیش ممکن که، «خمسه» داستانلرینی نثرده تلقین اېتیش یؤلیده ۱۹- عصرده قیلینگن دستلبکی بو عمللر نوایی داستانلرینی نثری‌لشتیریش عنعنه‌سی‌نینگ بیرینچی باسقیچی اېدی. بو جریان‌نینگ ایکـّینچی باسقیچی صفتیده بیز، شرطلی روشده، نوایی‌نینگ ۵۰۰ ییللیک یوبیلیی مناسبتی بیلن بجریلگن ایشلرنی بېلگیله‌دیک.

شونی علیحده تأکیدلش کېره‌ک که، ۱۹۴۱- ییل عرفه‌سیده شاعرنینگ ۵۰۰ ییللیک یوبیلیی مناسبتی بیلن عملگه آشیریلگن ایشلر نوایی‌شناسلیکده کتـّه اهمیتگه اېگه بؤلدی. بو دَورده بیرینچی مرته «خمسه» داستانلری‌نینگ مصرعمه-مصرع نثری بیانلرینی تیارلش تجربه‌سی باشلندی. «بو خیرلی ایشگه بیرینچیلردن بؤلیب کیریشگن غفور غلام «فرهاد و شیرین» داستانی‌نینگ نثری بیانینی تیارله‌دی و او ۱۹۴۰- ییلده نشر اېتیلدی. شو ییللرده «لیلی و مجنون» داستانی‌نینگ امین عمری و ش. حسین‌زاده تامانیدن تیارلنگن نثری بیانی یوزه‌گه چیقدی... ا. محسن «سدِ اسکندری»نینگ مصرعمه-مصرع بیانینی توزیب چیقدی»، -دېب یازه‌دی ادبیات‌شناس س. اېرکینوف[1].

شونینگ‌دېک، بو دَورده عملگه آشیریلگن مهم تدقیقاتلردن بیری –صدرالدین عینی‌نینگ علشېر نوایی «خمسه»سی قیسقرتیریلگن ایضاحلی نشری‌دیر. صدرالدین عینی بو نشرنی «تنلنمه» دېب اته‌یدی و بوندن انگله‌شیله‌دی که، ادیب اونده نوایی «خمسه»سینی تؤله تلقین اېتیشینی اؤز آلدیگه مقصد قیلیب قؤیمه‌گن. عموماً، بو نشرلرنینگ برچه‌سیده، اؤشه دَور مفکوره‌سیدن کېلیب چیقیب، همده، نعت، مناجاتف معراج‌نامه و دین بیلن باغلیق بېب تاپیلگن کؤپ‌گینه بَیتلر قیسقرتیریلگن.

اؤتگن اثرنینگ ۴۰- ییللری آخری، ۵۰- ییللرنینگ باشیده نوایی‌شناسلیکده ینه بیر مهم دَور باشلندی. بو دَورده، تا ۷۰- ییللرگه‌چه، «خمسه» داستانلری‌نینگ علمی-تنقدی متنلری یره‌تیلدی. عینِ شو دَورده «خمسه» داستانلری‌نینگ اېنگ سؤنگگی مصرعمه-مصرع نثری بیانلری یوزه‌گه کېلدی.

۱. علیشېر نوایی «خمسه»سی. (تدقیقاتلر). – ت.: فن، ۱۹۸۶. ۱۳۶-بېت.

اوشبو نثری تلقینلرنی «خمسه» داستانلرینی نثری‌لشتیریش عنعنه‌سی‌نینگ اوچینچی باسقیچی، دیب اتـَش ممکن.

اوچینچی باسقیچ نثری بیانلری ۴۰- ییللرده عملگه آشیریلگن تبدیللرگه نسبتاً توگلراق، اصلیتگه یقینراق، لیکن قیسقرتیریشلر کمراق بؤلسه-ده سقلـَنیب قالگن. خصوصاً، ۷۰- ییللر نشرلریده: «حیرت الابرار» نثری بیانیده ۲۳ باب، «فرهاد و شیرین»ده – ۷ باب، «لیلی و مجنون»ده – ٦ باب، «سبعه‌ی سیار»ده – ۹ باب، «سدِ اسکندری»ده –۸ باب، «خمسه» بؤییچه همه‌سی بؤلیب ۵۳ باب، بوندن تشقری، اَیریم بابلرده‌گی علیحده بـَیتلر، پرچه‌لر هم قیسقرتیریلگن.

بو قیسقرتیریشلر ساوپت دَوری مفکوره‌سی طلبی بیلن اؤقووچیگه نوایی‌نی دهری اپتیب کؤرستیش مقصدیده عملگه آشیریلگن اپدی. بو باره‌ده ادبیات‌شناس ن. کاملوف ۱۹۸۱- ییلی چاپ اپتیلگن مقاله‌سیده شونده‌ی یازگن اپدی: «دیمک، یخلیت بیر داستان حجمیده‌گی متن تشلب کپتیلگن... اگر «خدا»، «دین»، «ایمان» سؤزلری اوچره‌یدیگن اثرلرنی هه دیب تره‌شله‌یوپرسک یاکه قیسقرتیریب تشله‌سک، اونده «الیاد»نی، «شاه اپدیپ»نی، «الهی کمپدیه»نی عموماً اؤقیمسلیگیمیز کپره‌ک[1]».

نهایت، ۸۰-ییللرنینگ ایکـّینچی یریمیگه کپلیب، ساوپت اتفاقیده‌گی قـَیته قوریش سیاستی شرافتی بیلن نوایی‌نی هم «کمونیستیک فرقه‌دن چیقریش»، اونینگ ایجادینی بار بؤی-بستی بیلن، حقانی تلقین اپتیش امکانیتی پیدا بؤلدی. ۱۹۸۹-۱۹۹۱- ییللرده عملگه آشیریلگن مهم ایشلردن بیری - «خمسه» داستانلری اصلیتلریگه اولرنینگ نثری بیانلری علاوه قیلینیب، بیر مقوا آستیده نشر اپتیلدی. بو اپسه اؤقووچیگه هم اصلیتنی، هم اونینگ تبدیلینی اؤقیش امکانینی بپردی. افسوس که، بو نشرلرده هم ۱۹۹۱- ییل، یعنی مستقللیککه‌چه چاپ اپتیلگن «حیرت الابرار»، «فرهاد و شیرین»، «لیلی و مجنون» اصلیتیده هم، نثری بیانلریده هم (همه‌سی بؤلیب ۳٦ باب) قیسقرتیریشلر سقلـَنیب قالگن. فقط ۱۹۹۱- ییلی عملگه آشیریلگن «سبعه‌ی سیار» و «سدِ اسکندری» داستانلری اصلیتی هم، نثری بیانلری هم بیرینچی مرته تؤلیق چاپ اپتیلگن.

«خمسه» داستانلری‌نینگ مذکور سؤنگگی، اوچینچی باسقیچی تبدیللری آلدینگیلریگه نسبتاً مکمل‌راق بؤلسه-ده، یؤقاریده ذکر اپتیلگن قیسقرتیریشلردن تشقری اولرده اصلیتگه تؤغری کپلمه‌یدیگن، ناتؤغری ترجمه قیلینگن اؤرینلر هم تـَله‌ی‌گینه (اولرنی مپن ۲۰۰۰-ییلده حمایه قیلینگن نامزادلیک علمی ایشیمده کؤرستگنمن). مذکور نشرلردن کپین راپه-راسه ۳۰ ییل وقت اؤتدی. بو دَور مابینیده ینگی بیر اولاد – مستقللیکدن کپین دَور اولادی وایه یپتدی. اما «خمسه»نینگ ساوپت دَوریده

۱. کاملوف ن.. تفکر و نفاست خزینه‌سی // «گلستان» ژورنالی. – ۱۹۸۱. ۲۴-بپت.

عملگه آشیریلگن مذکور تبدیللری حالی تحریر اېتیلمه‌گن. نوایی اثرلری اصلیتیدن بې‌واسطه بهره‌مند بؤلیش امکانیتیگه اېگه بؤلمه‌گن اؤقووچی اولرنی انه شو تبدیللر آرقه‌لی توشونیشگه مجبور. سناقلی متخصص و ادبیات‌شناسلردن تشقری همه‌نی انه شونده‌ی اؤقووچیلر سیره‌سیگه کیریتیش ممکن.

مقاله اوّلیده ذکر اېتیلگن‌دېک، نوایی میراثینی تصوف‌سیز، تصوف اصتلاحلر آرقه‌لی بېریلگن فکرلرنی مغزینی چقمسدن ادراک اېتیش قیین. شبهه‌سیز، نثری بیانلر نوایی‌شناسلیکده عملگه آشیریلگن اېنگ کتّه یوتوقلردن بیری‌دیر. اما حضرت نوایی «مجاز – حقیقت‌نینگ کؤپریگی»، «مجازدن مقصد-حقیقت» عقیده‌لریگه رعایه قیلگنی کبی، بوگونگی اؤقووچی هم اصلیت‌نینگ حقیقتینی، ظاهری معناسی بیلن چېکلنمسد، نوایی اثرلری‌نینگ باطنی معنالریگه یېتیب باریشنی ایسته‌یدی. بونینگ اوچون، اؤیله‌یمیز که، نوایی‌شناسلیک فنی بوگون همه شرط-شرایطلرگه اېگه. خؤش، بونینگ اوچون نیمه قیلیش کېره‌ک؟

- اوّلا «خمسه» داستانلری نثری بیانلری قَیته‌دن کؤریب چیقیلیشی، تحریر اېتیلیشی، قیسقرتیریلگن اؤرینلر تؤلدیریلیشی و، البته، اولر اصلیت بیلن بیرگه نشر اېتیلیشی لازم؛
- نثری بیانلرده «تجرد»، «توکل»، «استفنا»، «فنا» کبی بعضی تصوف اصتلاحلری هم ترجمه اېتیلگن (اَیته‌یلیک، «فنا» اصتلاحی بیر اؤرینده «بقاسیزلیک» (؟) دېب اؤگیریلگن)، تصوف اصتلاحلری اؤزگریش‌سیز قالدیریلیب، خودّی صدرالدین عینی اؤز «تنلنمه»سیده قؤللـه‌گنی کبی، اولرنی توشونتیریشده متن تگیده ایضاح و شرحلردن کېنگ فایده‌لـَنیش و شو آرقه‌لی اؤقووچیگه اصلیت‌نینگ تصوفی معنا قتلمینی انگله‌تیش ممکن و هکذا.

یؤقاریده گواهی بؤلدی که، «خمسه» داستانلرینی تؤله‌قانلی اؤقووچیگه انگلـَته‌آله‌دیگن تلقینلر حالی یره‌تیلمه‌گن. اگر مذکور ایشلر بجریلسه، شو یؤلده قؤییلگن کتّه بیر قدم بؤله‌دی.

نوایی نینگ اثرلریدن تنلنمه أیریم سؤزلر

عبدالحنان قیلیچ ارسلان

آچر سؤزلر: امیر علیشېر نوایی، هرات، سؤزلر، ادبیات، معنالر.

کیریش

نوایی دېگنده فقط گینه «هرات» ولایتیده تؤغیلگن و اونده وفات اېتگن کیشی انگله‌نیلمه‌یدی، بلکیم جهان نینگ قه‌ی یېریده بؤلمه‌سین، قه‌یسی بورچیده نوایی نسلی‌گه منسوب بؤلگن حتی بؤلمه‌گن بیلیم اهلی کیشی‌سی نینگ کؤز اؤنگیده قویاشدېک پارلاق و معنوی تیریکلیگی ثابت بؤلیب تورگن انسان و یخشیلیکلر خزینه‌سی نینگ بولاغی، معنوی آلتین و الماس دن یوقاری ساوغه‌لرنینگ اېگه‌سی، جهان ادبیاتی و تاریخی کؤزگوسیده اؤلمس و سؤلمس اثرلرنینگ صاحبی صفتیده برچه‌لرگه نمایان بؤلیب تورگن سؤز ملکی نینگ سلطانی، تورک-اؤزبېک ادبیاتی آسمانی، ملتیمیزنینگ معنوی باغبانی و اېلیمیز میراثی نینگ نگهبانی یعنی امیرالکلام نظام الدین علیشېر نوایی-فانی دېب، جهان کؤزلری آلدیده هم مجسم بؤلگنی انیق‌دن انیقراق دیر.

نوایی نینگ دلی بیلن تیلی‌دن بیزگه قدر یادگار میراثی و تیلیمیز اساسی بؤلگن نه یلغوز سؤزلری، جمله و عباره‌لری، بیریکمه و تېرمن‌لری بلکیم هر بیر حرف-مه حرفی کتاب، تاریخ، فلسفه، ادبیات، سېوگی، صداقت، ایشانچ، سخاوت، اېرکینلیک، یخشیلیک لر... بېلگیسی و معنوی سرمایه‌لر ییغیندیسی دېسم، خطا أیتمه گنیم‌نی انیق بیلیشیم هم کېره‌ک. انه شونده‌ی اولوغ متفکر، تیل حامیسی، ملتیمیز قلم قهرمانی، شاعر و سخندان، تؤغریسیده دایم العمر سؤز بارگنده و قلم تېبره‌گنده آز بؤلسه هم لېکن اونینگ نسلی‌گه منسوب بؤلگنیم اوچون، بو (نوایی-تولدی نینگ ۵۸۰ ییللیگی‌نی خلق ارا نشانلش) مناسبت بیلن، «نوایی نینگ اثرلریدن تنلمه أیریم سؤزلر» عنوانی آستیده مقاله یازیشگه اؤزیم‌نی تکلیف اېتدیم.

مقاله عنوانیدن بیللی بۆلگندېک؛ بو مقاله‌ده نوایی بابانینگ حیاتی، اثرلری، ایجادی و هر تمانلمه قیلگن فعالیتی و خذمتی حقیده سۆز بارمه‌یدی یلغوزگینه اونینگ اثرلریدن أیریم سۆزلر تنله‌نیب و اولرنینگ معنالری یازیله دی. شونده‌ی که معلوم؛ نوایی نینگ اثرلریده أیریم تیللردن سۆزلر و مثل‌لر بۆلیشی کورینیب تورگن بیر نرسه اما بو مقاله‌ده فقط‌گینه نوایی بابامیزنینگ اثرلریده یازیلگن تیلیمیز سۆزلریدن أیریم اۆرنکلر آلینگن و یازیلگن دیر.

یازیلیش هدفی:

شونده‌ی که أیتیلیب اوتدی؛ نوایی بابانینگ اثرلریده اۆزگه تیللردن هم سۆزلر بار اما بو یازوونینگ هدفی‌گه کۆره، فقط‌گینه اۆز تیلیمیزدن بۆلیشی و اونی باشقه‌لرگه توشونتیریشی همده نوایی بابانینگ تیلیدن چیققن سوچچه‌گینه سۆزلرنینگ تنله‌نیشی و اونینگ نسلی‌گه منسوب بۆلگن خلق اراسینده رواجله‌نیشی کۆز قیلینگن هدفلردن دیر. بو یازوونی اۆقیگن کیشی نیچه نرسه‌نی انگله‌شی ممکن:

۱. نوایی تیلیده و زمانیده بۆلگن سوچچه سۆزلردن خبر تاپیش؛

۲. فارسچه و عربچه... سۆزلرنینگ تېنگینی اۆز تیلیده بیلیب-ایشله‌تیش،

۳. باشقه سۆزلرنینگ یعنی تیللرنینگ تاثیریدن قوتیلیش،

۴. ایسلریده بۆلمه‌گن یا ایسلریدن چیققن سۆزلرنی ایسگه سالیش و اونی رواجلنتیریش،

۵. نوایی معنوی ساوغه‌لری نینگ قدرینی بیلیب، اونی جان و دل بیلن سقلش و باشقه‌لرگه هم ساوغه قیلیش،

۶. نوایی نینگ زمانیده ایشلنگن سۆزلرنینگ یازیلیش و تلفظ باقیشیدن فرقی‌نی انگلش،

۷. نوایی فایده‌لنگن سۆزلرنی بیلگن کیشی، اوشنده‌ی تویغو بیلن تیلیده و یازووی بیلن سۆزلریده ایشله‌تیش و اولرنی اونوتمسلیک یانیده شونده‌ی حس‌گه سبب بۆلیش،

۸. ایشیتگن بۆلسه‌لر هم معناسی‌نی بیلمه‌گن سۆزلرنینگ معناسینی بیلیش و توشونیش،

۹. نوایی نینگ اثرلریده ینه باشقه سۆزلر هم بار دېب تویغوله‌نیب، اونینگ اثرلرینی قیدیریش،

۱۰. هیچ بۆلمه‌سم هم شو عنوان‌نی اۆقووچی کیشی کورگنده، بیر مرته هم اۆقیشی کېره‌ک بۆلر دېگن مسله‌لر، مېنینگ فکریمده کېلیب قالدی.

تېکشیریش یۆلی:

هر بیرمقاله موضوعی نینگ یازو یۆلی‌گه کۆره؛ کۆپراق شکلده ایککی (کتابخانه و ساحوی‌لیک تېکشیریش) یۆل بیلن موضوع بۆییچه قیدیریله دی، شونگه اساس، بېریلگن عنوان موضوعی بۆییچه فقط‌گینه نوایی نینگ أیریم اثرلریدن بعضی سۆزلرنی تنلب، بو یېرده سیغدیریلیب، اولرگه معنا هم بېریلگن دیر.

سؤزلر معنالر

آرتوق: بوکونگی تلفظ گه کؤره «آرتیق»-کؤپ، زیاده و اضافه دیگن معنا. بو سؤز مینیمچه؛ نوایی زمانیده شونده‌ی تلفظ گه ایگه بؤلسه ممکن اما «کؤپ» معناسیده ایشلنگن، عینا بوکون هم اوشه بیریلگن معنا بیلن ایشله تیش اورنی تینگ فقط فرقی تلفظ باقیمیمدن بیلینیب توریبدی. بو سؤزنی «اؤزبیک تیلی سؤزلیگ» کتابیده شونده‌ی اؤقیسیز: «۱. آشیق، کؤپ، بیلگیلنگن معیاردن کؤپ. مثال: تؤیگه مینگدن آرتیق آدم کیلدی. ۲. حددن تشقری، کیره‌گیدن کؤپ، معیاریدن آشیق. مثال: بوگون هوا حددن آرتیق ایسیدی. ۳. (چیقیش کیلیشیگی بیلن فقط مقایسه قیلیشده) یخشی، کؤپ، بی‌اندازه. مثال: سینی جانیمدن آرتیق سیوه من. ۴. تنه دن یا تنه اعضاسیدن اؤسیب چیققن، بؤرتیب توره دیگن اؤسیتمه. مثال: چقلاق نینگ اؤنگ قؤلیده آرتیغی بار ایکن».

آرزم: اویت، حیا، شرم، مهر، محبت، غضب و مهربانلیک معنالرگه ایگه. بو سؤزنی دهخدا سؤزلیگیده: «رزم، اوروش، کارزار...دیب اؤقیسیز. اما بونینگ معناسی تورلی شکلده سؤزلیکلرده یوقاریده گیدیک یازیلگن....

آشوغ: آیاق نینگ سان قسمینی پست تمانگه اولش وظیفه سینی بجرووچی سویکچه. بوکونگی أیریم محله تلفظی أینیقسه «قیپچاق» شیوه‌سی گه کؤره «آشیق»- بندپا، بوجولک پا، ایاق نینگ تیززه دن قویی بندینی أیته دی.

آلتون: سریق، قیزغیش رنگلی قیمت بها کمیاب فلز، طلا، زر. بو سؤز أیریم تلفظ لر جمله دن آلتین، آلتون، آلتن، آلتان، ... تلفظلر بیلن ایشلنگن اما بوکونگی معیارلشگن تلفظ گه کؤره؛ «آلتین»- قیمتلی نرسه (طلا-زر-ذهب) معناده سؤزلیک‌لرده اوچره‌یدی.

آنت: مقدس نرسه لر یا کیمسه لر تیلگه آلینیب بیریلگن قطعی وعده؛ قسم. بو سؤز اوشه وقتنیچه‌لیک تلفظی بیلن بوکونگی تلفظ بیلن بیر تلفظ بؤلیب، اسره لگن یعنی آنت شکلده قیسقچه شوکه معنا و تلفظ قره شدن بیران اؤزگریش نی هلیچگه مین بیران منبع ده کؤره آلمه‌گن من.

اباغه: ابه، عمکی، ابه‌غه، عم. بو سؤزنی اؤزبیک تیلی لهجه لریدن بیری بؤلمیش قیپچاق شیوه‌سی گه کؤره «اکه» هم دییلگن. بو سؤز حقیده «فرهنگ ازبکی به فارسی» ایگه سی شونده‌ی: « بو سؤز «ابه» شکلده تلفظ بؤله دی...»دیب یازگن. بو سؤز نی اؤزگه تیللر جمله دن دری زبان لر هم ایشله ته دی.

اَسیغ: اونیم، فایده، بهره، سود، نفع. بیرار کیمسه یا نرسه دن باشقه سی گه تیگه دیگن نفع. مثلا: اؤقیش نینگ فایده سی (اونیمی) کؤپ. ۲. مثبت نتیجه، تاثیر. مثلا: دوا فایده بیردی. ۳. معلوم بیر فعالیت نتیجه سیده تاپیلگن مبلغ، درآمد. مثلا: سودا دن فایده کؤرماق. همده ایکیلگن نرسه لرنینگ حاصلی نی هم

«اونیم» دیدی یا اگر کؤپراق حاصلی بیرگنده «هه، کؤپ اونیملی بؤلیبدی» دیب أیته دیلر بابا دهقان لر... أیریم تلفظ لرگه کؤره «آسیغ» هم یازیلگن. ضرر و نقص نینگ قرشی معناسی.

اِسیغ: ۱. حرارت، ایسسیقلیک. مثال: قویاش ایسسیغی. ۲. معلوم بیر حرارت طفیلی ایسسیگن، ایلیگن. مثال: ایسسیق سوو. ۳. ایسسیق توته دیگن. مثال: ایسسیق کییم. اصلیده بوکونگی ادبی تیلیمیزده معیار بؤلگن «ایسسیق» تلفظ بیلن بیریلگن معنالرده ایشلته دی.

اوترو: قرشی، مقابله و روبرو بؤلگن حالت‌نی اوترو دییله دی. همده اؤز ارا ضد، تیسکری مناسبتلی و رد ایتووچی، طرفدار بؤلمه گن معنالر اؤرنیده ایشله تیله دی.

اوچور: ۱. دوچ کیلماق، قرشیسیدن چیقماق؛ کؤرینماق. مثال: یؤلده ایککی آتلیق اوچره دی. ۲. ایزلب، یؤقلب بارماق. مراجعت قیلماق. مثال: داکترگه اوچره ماق. ۳. قسمتیگه توشماق، نصیب قیلماق، یؤلیقماق. مثال: بای کییاوگه اوچره دی. ۴. دوچ کیلماق دچار بؤلماق، یؤلیقماق. مثال: بلاگه اوچره دی. ملاقات، اوچره‌ش و یوزمه یوز بؤلیش. حاضرگی ادبی تیلیمیزده (اوچره‌شیش، اوچره‌ش، اوچره‌شوو...) دییله دی.

اوچه: دنبه، قویروق. مثال: اوزاقده گی قویروقدن، یقنیده گی اؤپکه یخشی.

اوگون: باشقه، اؤزگه، غیر، بیگانه. مثال: یمان اؤزینی بیلمس، اؤزگه نی کؤزگه ایلمس (مقال). عادتده گیدن باشقچه، اؤزگچه. مثال: باغ نینگ هر بیر بورچگیده اؤزگه لطافت بار ایدی. بو سؤز نی حاضرگی زمانده نه شفاهی و نه یازمه شکلده ایشله تیله شینی کؤرمه‌ی توریبمن. بونقه سؤزلرنی تاپیب ایشله تیش لازم.

اوکسوک: توبن، آز، پست، کم. شرحی: مدت، سان یا مقدار جهتدن کؤپ بؤلمه‌گن؛ کم. مثال: بهارگه آز قالدی. ۲. یتیرلی ایمس، قناعت درجه سیده ایمس. مثال: بیلیمی آز کیشی. ۳. کمدن-کم. بعضا، بیران وقت. مثال: درس گه آز قتنشماق.

اؤگوت: یؤل-یؤروق کؤرستیب أیتیله دیگن گپ، نصیحت. بو سوزنی بوکون «اؤگیت» دیب تلفظ قیله دی- پند، اندرز هم گه أیتیله دی.

اولوس: ایل، مردم، خلق. بیر محله یا چیگره لنگن بیر اؤرینده یشه یدیگن کیشیلر جمعیتی گه أیته دی.

ایچکو: ایچیله‌دیگن نرسه، ایچکیلیک، شراب، عرق.... حاضرگی زمانده بو سؤز نه یلغوز ایشله تیلمه ی توریبدی بلکیم ایسدن چیققگن گه هم اؤخشه یدی اما بو سؤزنینگ اؤرنیده «ایچکیلیک» سؤزینی ایشلب تورگنلر. ایندی بو سؤزدن معلوم که بونینگ هم تلفظی و هم یازیش شکلی بیلن قؤشیله دیگن قؤشیمچه سی هم اؤزگرگن.

ایردم: تیتیک، هوشیار، پیش قدم، فعال، مجهز، پیش آهنگ. ایضاح: ذهنی اؤتکیر، فعال، تیز بیله دیگن و توشونه دیگن کیشی گه أیتیله دی. هوشمند، هوشیار یعنی باشقه لردن کؤره أیری، دانشی و بیلیمی بیلن هوشی و مییه سی یخشی چیقه دیگن کیشی صفتی بابیده ایتیله دی. اوروش یا جسارتلیکده باشقه لردن کوره ایلگری بؤلگن و فدا بؤله دیگن کیمسه لر اوچون هم ایشله تیله دی. بو سؤز البته شونده ی حالتی و شکلی بیلن معناسی اوزگرمه گن حالده ایشله نیب توریبدی.

ایگین: آرقه نینگ یپلکه و بؤیین آره‌سیده‌گی اوستکی قسمی؛ اوست. یپلکه، شانه، کتف. مثال: ایگنیده ایسکی آق چیت کؤیلک. بخت گه قرشی بوکونگی کؤپینچه تیلداشلریمیز بونده ی یخشی سؤزنی قؤییب، باشقه تیلده بؤلگن بو سؤز «شانه» نی ایشله تیب یورگنلر....

بارو: قلعه دیواری، قورگن دیواری نینگ اوق آته‌دیگن پناه جایی. یورت، ناموس، ایلدن دفاع قیلووچی یا امنیت نی تامینلش اوچون امنیتی یا قرشی گروه لر اؤزلری دن دفاع قیلیش اوچون پناه جایلر دیواری خصوصا اوق آته دیگن جای نی أیته دی. بو سؤز هم ایشله تیشدن ایسدن چیققن سؤزلریمیز بؤلسه ممکن.

بورتاغ: قویی-یوقاری یعنی پست و بلند. تیکیس‌سیز و نا هموارلیک. ایضاح: بو سؤزنی انه شونده ی حالتده ایشله تیلمه گنی بیللی اما تیکس و تیکس سیز سؤزلر ایشله نیب تورگن. أینیقسه بونده ی سؤزلر بی بی مامالر تیللریده قالگن، بس.

بورونچک: یوپقه ایپک‌دن تؤقیلگن رؤمال، اوستگه تشلنه‌دیگن یاپینچیق، یوزگه تشلنه‌دیگن ایپک پرده.

بورونغی: ایلگری اوتگن زمان، اولگی، آلدینگی. ایضاح: آلدینگی، ایلگریگی؛ ایسکی، قدیمگی. مثال: ایککی ییل بورونگی آدم ایمس من. بو سؤزنینگ شکلی عموما اؤزگرمه گن بلکیم فقط گینه بونینگ «غی» قؤشیمچه سی «گی» قؤشیمچه سی بیلن حاضر پیتلرده ایشله نیب توریبدی. حقیقتا هم نوایی زمانده گی شونقه قؤشیمچه لر شکلی و تلفظ بیلن یازمه حرفلری اؤزگرگن مثلا؛ اویغه بیلن اویگه. غه-گه....

بوزغون: خرابه و ویرانه. بو سؤزنینگ هم ایشله تیله‌شی جوده آز حتی ایشله‌تیلمه‌یدی تورگن. بوزیلگن جای.

بپزگک: تب لرزه، ایسیتمه. ایسیتمه بؤلگن په‌یتده شونده‌ی حالت بیلن اوچره‌شیش ممکن بؤله‌دیگن حالت نینگ آتی. بو سؤز حاضر هم شو تلفظ و شو معنا بیلن یازمه و آغزه‌کی آرقه‌لی سقله‌نیب قالگن و ایشله‌نیب تورگن.

تاغی: «داغی» دېب هم تلفظ بؤلگن و یازیلگن دیر. ینه، باشقه، سؤنگی، غیر دیگن معنا. بو سؤز نوایی بابا نینگ اثرلریده یعنی نظم و نثریده کؤپ اوچره‌یدی. حاضرگی زمانده بو نینگ اؤرنیده «ینه، باشقه...» سؤزلر ایشلنماقده. اؤزبېک تیلی سؤزلیگیده بو معنانی بونده‌ی ایضاح بېره دی: ۱. تکرارا، قیته دن، ینگیدن، تغین. مثال: یامغیر ینه هم یاغه باشله‌یدی. ۲. بوندن تشقری، بونینگ اوستیگه. مثال: بازارده ینه بیر ایشیم بار. ۳. (عادتده بیر، بیرار سؤزی بیلن بیرگه) ایلگریگیدن باشقه؛ ینگی، باشقه. مثال: ینه بیر مساله چیقیب قالدی. ۴. یوکلمه وظیفه سیده: فکرنی کوچه‌یتیریش، تاکیدلش اوچون قؤللنه دی. مثال: ینه بو کیشی مېرگن اېمیش.

تموغ: جهنم، دوزخ. قیامت ده گناهکارنینگ جایی، یمان و کویدیره‌یگن جای، جهنم. سقر. افسوس کیم بونده‌ی سؤزیمیز بؤله توریب ینه هم اؤزگه سؤزلر بؤلمیش (جهنم، سقر و دوزخ...)کبی سؤزلردن ایش آله میز. بو سؤز نینگ ایشله تیش تاریخی فکریمچه اوزاق تاریخ گه اېگه چونکه دېوان الغات التورک اثرده هم ایشلنگن دېدیلر؟

تواچی: پادشاه نینگ بویروق و تاپشیریقلرینی تېگیشلی یېرلرگه یېتکیزووچی و عملگه آشیرووچی عملدار نی أیته دی. حاضرگی زمانده بونده‌ی عمل نی بجریش اوچون «دفتر رییسی» یا «سکرتر» دېب أیتمیش. پاده شاه نینگ حکمی و تاپشیریقلرینی شو دفتر ریسی آرقه لی عملگه آشه دی.

توقه: باشلیق، اوروش اسبابی. اوروشده یا کیمسه اؤزیدن دفاع قیلیش جریانیده هر قنده‌ی واسطه دن فایده لنه دیگن اسباب گه توقه دېمیش....هر چند بو سؤز نینگ ایضاحی اوچون أیریم سؤزلیکلر قیدیریلدی بیراق بو حقده تؤلیق ایضاح بیلن یازیشده عاجز قالدیم.

توگن: داغ، توگن کویدیرماق، داغ باسماق، تیمیرنی قیزیتیب طمغه قیلیب باسماق.

تومشوغ: نوایی زمانیده شونده ی تلفظ و یازیلیش بیلن بیزلرگه قدر کېلگن اما حاضرگی ادبی تیلیمیزده «تومشوق» دېب تلفظ و یازیلماقده.... ۱. قوشلرنینگ چؤقیش و ضرب بېریش اوچون خدمت قیله‌دیگن اؤتکیر اوچلی عضوی. ۲. حیوانلر باشی نینگ آلد قسمی؛ پوز. ۳. آدم نینگ یوز قسمی، آغیز، بورون و اونینگ اطرافی (سلبی معنا ده). ایبک، زنخ، جغ، گزه اوچی.

توز: راست کیشی، تېکیس دشت‌نی هم توز دېگنلر. شو سؤز، شو معنا بیلن حاضرگی وقتلرده ایشله‌تیشدن بوشه لگن، مینیمچه. عینا شونده‌ی یازوو گه اېگه بؤلگن سؤز باشقه معنا ده ایشلنه دی: توز-رنگی آق، مزه‌سی شور، کان یا دېنگیز سوویدن قؤلگه کیریتیله‌دیگن کیمیاوی بیریکمه.

تیرسک: ۱. قؤل نینگ بیلک سویه‌گی بیلن یېلکه سویه‌گی قؤشیله‌دیگن جایی نینگ آرقه‌سی؛ یېنگ نینگ قؤل نینگ شو یېرگه تؤغری کېله‌دیگن قسمی. مثال: تیرسگی بیلن تورتماق. کؤیلک نینگ تیرسگی ییرتیلدی. ۲. نرسه لرنینگ بورچک حاصل قیلیب بوکیلگن جایی. مثال: نل نینگ تیرسگی.

جبدوق: قوشون آتلری اوچون ضروری انجام‌لر و تیارگرلیک نینگ آتی. بیرار یېرگه هجوم قیلماقچی بؤله‌دیگن کیشی؛ اؤزی و لشکرلری نینگ آتلری نی هر قنده ی اسبابلر بیلن اوروشگه و دفاع قیلیشگه تیارگرلیک آلیش نی «جبدوق» دېدی.

جلد: چققان، تېز حرکت قیلووچی. تېز بجرووچی، عمل نی تېز آشیره‌دیگن و بجره‌دیگن کیشی گه أیتیله دی. چست و چالاک، تېز اېپچیل. بو سؤز هر چند حاضرگی وقتده ایشلنمه‌ی قالگن حتی شېوه لرده هم اوچره‌مه‌ی توریبدی اما بو نینگ اؤرنیده اوشه «چققان» سؤزی ایشله‌نیب تورگن.

جیرغه‌ماق: شاد و خورسند یشه‌ماق، شاد یشش. عمر دورانیده خوشلیک و شادلیک بیلن حیات کیچیریش، یشش. افسوس بو سؤزنینگ اؤرنیده هم اؤزگه تیلدن کېلگن سؤزلر ایشلنماقده....

چاغ: وقت، په‌یت، زمان. کېز، آن. مثال: صحبت چاغی. یاشلیک چاغی. بو سؤز حاضر زمانده هم عینا تلفظ و معنا بیلن اؤزگرمه‌گن حالده ایشله‌نیب تورگن.

چاپقون: بوران، زؤر شمال، قار یامغور اره‌لش بوران، توپه‌لان حالت. قتتیق شمال و یامغور یاغیش حالت نی هم چاقون دېدیدلر. چاپقون سؤزی بیران محله ده و شېوه ده ایشله‌نیب قالگن بؤلسه-کېره‌ک.

چؤکور: اؤتکیر و قتتیق اوچلی نرسه (عادتده سینگن شاخه، بوتاق، تیش و شو کبیلر حقیده). همده تېکن دن کتته‌راق و تېزراق بؤلگن ایاققه کیرووچی نرسه لرنینگ اوچی. حاضرگی زمانده «چؤکیر» هم تلفظ بؤله دی-حاضرگی اؤزبېک ادبی تیلیده هم «چؤکیر» تلفظ و سؤزی معیارلشگن و قاعده گه آلینگن سؤز حسابلنه دی.

چیری: قمیش کپه. اېسکی زمانده حتی حاضر هم شهر و شهرچه لردن بیران اېنگ اوزاق محله ده یشب تورگن کیشیلر، اوی لرینی قمیش و غراولردن توزه‌تگن و توزه‌تگنلر. حیات کیچیریش و پناه جای تاپیش اوچون اؤزی و عایله سیگه قمیشلردن اوی توزه‌تگن جای نی «چیری» دېدیلر.

چین: ۱. حقیقی حال، ایش، گپ، حادثه و شو کبیلر. مثال: گمان چینگه أیلندی. ۲. حقیقی، راست، تؤغری، درست. مثال: چین وعده، چین دؤست. ۳. حقیقی، اؤگی اېمس، بیر آته، بیر آنه دن. مثال: چین اکه-اوکه. بو سؤز هلی هم شونده‌ی معنا و تلفظ بیلن ایشلنماقده....

سونگک: تنه اسکلیتی نینگ هر بیر قسمی؛ سویک، استخوان. شو معناده ایشله‌تیش و انگله‌تیش هدف بؤلگنده؛ سونگک و سویک ایکاوی دن هم فایده‌لنیله دی اما سونگگ دن کؤره کؤپراق «سویک» سؤزی دن فایده‌لنه دی.

سؤل: ۱. چپ، اونگ نینگ قرشی‌سی. مثال: سؤل تمانده کتته بیر باغ کؤرینه دی. ۲. سیاستده توب و کېسکین اؤزگریشلر یؤلینی توتوچیلر. بو سؤز هرچند تورکچه استانبولی تیلیده کؤپ قؤل‌له‌نیب کېلماقده اما اؤزبېک تیلیده کؤپ آز قؤل‌لنه دی حتی قؤللنیش هم یؤق اما بو نینگ اؤرنیده فارسچه

(چپ) سؤزی ایشله‌تیله دی.

سیاق: ۱. هر یپرده سنقیب، ده‌یدیب یوره‌دیگن؛ ده‌یدی. مثال: سیاق یورسنگ، تیاق یپسن. مقال. ۲. یمان یؤللرگه یوره‌دیگن؛ اخلاق بوزوق.

سینگری: کبی، مانند. مثال: الپامیش سینگری مرد ییگیت. حاضرگی اؤزبپک ادبی تیلیده یعنی نظم و نثریده بو سؤز ایشله‌نیب تورگن و ایشلنماقده.

شلتاق: یره‌مس، بی‌باک، شیلقیم، ارزش‌سیز. حاضر زمانده هم شو معنا و شو تلفظ بیلن ممکن برچه محله و شپوه لرده أینیقسه «قیپچاق» لهجه‌سیده کؤپراق ایشله‌نیب تورگن.

قبوق: ۱. قاپلب تورگن قتلم، جدار، پوستلاق، پوست. ۲. سبزیجات، مپوه، غله کیبلرنینگ اوستینی اؤره‌ب تورگن قاپلمه، یوپقه پؤچاق. ۳. جانوارلر تنه‌سینی اؤره‌ب تورگن تؤقیمه، پرده، تپری و پؤچاق هم دپدی. مثال: قاوون نینگ قابیغی کؤپ قلین اپکن. بو «قبوق» سؤزی قابوق، قابوغ، قابیق تلفظ لرگه هم اپگه اما ادبی‌سی اپسه، «قابیق» دیر.

قارین: تنه نینگ ایچک-چپاق جایلشگن آلد قسمی. حاضرگی زمانده کؤپراق حالده «قرین» هم تلفظ قیلینه دی اما «قیپچاق» لهجه‌سیده نوایی زمانیدیک حالده سقله‌نیب قالگن و اوشنده‌ی هم تلفظ و معنا بؤله دی.

قاری: اولچاو بیرلیگی. واحد وزن. بو سؤز نوایی زمانیده اوشنده‌ی بپریلگن معنا اوچون ایشلنر اپکن اما بو زمانیمیزده بو سؤزنینگ ایشله‌تیشینی بپریلگن معنا اؤرنیمده نه کتاب ده و نه ادبی و نه شیوه ده کؤریپمن بلکیم بو سؤزنی ایشلتگنده؛ «قرآن» آیتلرینی قراءت یا تجوید بیلن اؤقووچی کیشی انگلنه دی. اما بی بی لرنینگ أیتیشیگه کؤره، بو سؤز بپریلگن معناده ایشله‌نیلگنی انیق، شونینگ اوچون هم نوایی بابا بو سؤز نی اؤز اثریده کپلتیرگن.

قلَق: عیاللرنینگ کاکلی تورر اؤرنی، نشیمن زلف. بو سؤز هم اونچه ایشلنمه‌ی قالگن حتی تؤلیق شکلده ایسدن چیققن.

قلّوق: رشوه، دولت ماموری بیرار ایش بجریشده آله‌دیگن پؤل. بیرار ایش قرشسیده یا قانونی ایشده هم مراجعه قیلگن کیشیدن قانون سیز و حق سیز طلب قیله‌دیگن و بیر نرسه آله‌دیگن پؤلگه رشوه یعنی قلوق دپدی.

قَوچین: قوم. اوروغ، طایفه. بو سؤز هم جوده ایشلنمه‌ی قالگن سؤزلردن دیر چونکه نوایی زمانده شونقه سؤزلر ایشلنر اپکن اما حاضرگی پیتده یا ایشلنمه ی قالگن یا هم ایسدن چیققن یاهم خبر یؤق. بو سؤزنینگ اؤرنیده یوقاریده بپریلگن (اوروغ) سؤزی ایشلنه دی.

قؤنالغه: ۱. قوشلر قؤنیب دم آله‌دیگن، اؤخله‌یدیگن یپر. ۲. سفرده‌گیلر تؤختب دم آله‌دیگن یپر. ۳.

اوچاقلرنینگ اوچیب قؤنیشی اوچون ماسلب توزەتیلگن کېنگ میدان. عموما قؤنر جای. بو سؤز حاضرگی ادبی تیلی ده «قؤنلغه» دېب ایشلەتیله دی.

قیلان: تمان، طرف، جهت. بو سؤز هم حاضرگی وقتلرده ایشلنمەی قالگن اما اونینگ اؤرنیده «تمان» سؤزی ایشلنه دی.

قیرغان: ۱. سوو بؤییدەگی قوروقلیک، لب، بؤی، یقه، ساحل. ۲. یاییق نرسەلر نینگ چېتی. مثال: رومال قیرغاغی. بو سؤز حاضرگی ادبی تیلیده و اؤزبېک لهجەلریده اوشه ایسکی پیتدەگیدیک ایشلەنیب توریبدی.

کؤپروک: قیرغاقلرنی توتشتیریش و اولشتیریش اوچون قوریلگن یؤل. پل. نوایی زمانی و بوکونگی زمان نینگ بو سؤزدەگی ایشلەتیش فرقی فقط گینه شونده که؛ نوایی کؤپروک دېب ایشلتگن اما حاضرگی ادبی تیلیمیزده منه «کؤپریک» دېب قبول و معیارلشگن دیر.

کوکلداش: اېمک‌داش، بیر آنەنی اېمگن ایناغه، رضاعی ایناغه. بو سؤز ایشلەتیشدن قالمەگن بلکه اؤز حالیده ایشلەنیب توریبدی اما فقط گینه تیلداشلریمیز بونقه سوچچه سؤزلردن خبری بؤلمسه ممکن.

کوموش: آق-کؤکیش رنگلی کیمیاوی عنصر، نقره. حاضرگی زمانده هم بو سؤز عینا نوایی زمانیکیدیک ایشلنه دی.

کېنت: قیشلاق، قریه، محله. بو سؤز هم حاضر ایشلەنیب توریبدی و تیریک سؤزلردن دیر.

یاتوق: عسکرلر یانیده آلیب یورەدیگن سودان.

یراغ: هجوم یا حمایه قیلیش اوچون ایشلەتیلەدیگن اسباب؛ قورال، اسلحه. مثال: باتیر نینگ مشتی هم یراغ. مقال.

یوروش: اصلده «یوریش»: ۱. یورماق فعلی نینگ ایش آتی. مثال: ساعت نینگ یوریشی. ۲. دشمنگه، یاوگه قرشی قؤشین تارتیش. مثال: یوریش قیلماق. فارسچه تلفظلریده «یورش» دېیله دی. حمله، هجوم معناسیده.

یومشاق: ۱. قؤل تېگسه باتەدیگن قییشقاق. بؤش. مثال: یومشاق یاستیق. یومشاق خمیر. ۲. آسانلیکچه تورلی شکلگه کیرەدیگن، ایشلاو بېریشی آسان، بؤش. مثال: یومشاق یاغاچ. یومشاق فلز. ۳. چەینەلیشی، یېپلیشی آسان؛ ملایم (طعام حقیده). مثال: یومشاق پلو. ۴. بیراوگه قتتیق گیپرمەیدیگن، دغللیک قیلمەیدیگن؛ ملایم. مثال: یومشاق آدم. ملایم. یاقیملی.

ییاق: جانوارلرنینگ اؤز ایاغی بیلن یؤل بارەدیگن حالت نی أیته دی یعنی پیاده، ایاغ بیلن یؤل باریشگه «ییاق» دېدی. بو سؤز هم أیریم سؤزلردیک نوایی زمانیده ایشلنر اېکن اما حاضرگی پیتلرده

خبرسیزلیکدن ایشلنمه‌ی قالیبدی. امید شونقه برچه بار سؤزلر ایشله‌تیش عملیگه آشسه دیب، جدی التماس قیله من.

سونوچ

بو کیچیک مقاله‌ده أیتیلگندیک؛ تنلنگن سؤزلر و اولرنینگ معناسی یازیلگن دیر. نوایی بابانینگ برچه اثرلرنی قونت بیلن اؤقیب چیققنده شونده‌ی لغات‌لرنینگ سانسیز بؤلیشی ممکن. بونده‌ی ایش‌گه بیل باغلاوچی کیشیلر اوچون بونقه کیچیک یؤل-یوریق‌لر ممکن بیر یؤل بؤلسه کیره‌ک. فرصت زمینه‌سی‌گه باقه، بو یازیلگن مقاله‌دن کیلیب چیقه‌دیگن نتیجه؛ أیریم سؤزلرنینگ بیریلیشی، معنا ایضاحی و أیریم سؤزلرنینگ یازیلیش املاسی و تلفظی بؤلسه کیره‌ک. بونینگ یانیده لست بؤلگن سؤزلرنینگ معناسیدن اوتیب، قدیمگی و بوکونگی تلفظی بیلن لغات لرگه امکانگه قدر ایضاح هم بیریلگن. بو مقاله ده اؤرنک بؤلیشی اوچون تقریبا (٦٠) سؤزگه معنا، ایضاح و نظر بیریلگن دیر.

منبع و ماخذلر

۱. آلتای، نور الله. (۱۳۸٦). اؤزبیک تیلی سؤزلیگی. ناشر: جهانی همکارلیکلر اداره سی. چاپ یری: مالیزیا.

۲. انصاف پور، غلام رضا. (۱۳۲۸). فرهنگ کامل فارسی. چاپ: گلشن. کتابخانه ملی ایران.

۳. خانلری، زهرای. (۱۳۷۵). فرهنگ ادبیات جهان . انتشارات خوارزمی. تهران.

۴.نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۸). محاکمة الغتین. نشرگه تیارلاوچی: تاشقین بهایی، کابل: انتشارات افغان پرس.

۵. نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۹). لغتنامه. نشرگه تیارلاوچی: عبدالله رویین، کابل: انتشارات نوایی و بابر فوند.

٦. نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۸). حالات سید حسن اردشیر. نشرگه تیارلاوچی: عبدالله رویین، کابل: انتشارات نوایی و بابر فوند.

۷. نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۸). محبوب القلوب. نشرگه تیارلاوچی: عبدالله رویین، کابل: انتشارات نوایی و بابر فوند.

۸. نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۵). غرایب الصغر. نور الله آلتای اهتمامی بیلن، شبرغان: انتشارات جهانی.

۹. نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۸). سراج المسلمین. نشرگه تیارلاوچی: عبدالله رویین. کابل: انتشارات نوایی و بابر فوند.

۱۰. نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۸۸). حیرت الابرار. نشرگه تیارلاوچی: عبدالله رویین. انتشارات نوایی و بابر فوند.

۱۱. یارقین، محمد حلیم و شفیقه یارقین. (۱۳۸٦). فرهنگ اؤزبیکی به فارسی. مشخصات نشر: تهران- سخن.

۱۲. موبایلده‌گی دهخدا سؤزلیگیدن هم بیراز فایده‌لنیلگن و اوندن اوته بیران بی بی مامه لر آغزیدن هم بو مقاله ده سیغدیریلگن.

علیشیر نوایی نینگ اثرلری و ادبی کشی لیگینه غیسغه بیر باقیش

نوریاغدی نور/ترکمنی

گیریش (مقدمه)

علیشیرنوایی، ۱۴۴۱-نجی ییلده هرات شهرینده دنیا اینیپدیر. بأش یاشینده حسین بایقرا بیلن بیرلیک ده اوقووه باشلاپدیر. اول، اون ایکی یاشینده شعر یازماغی بیلن بییگ صعنت چی و عالم لارینگ اؤنسی نی اؤزینه چکیپدیر. اون بأش یاش لارینده سلطان حسین بایقرا بیلن بیرلیک ده ابوالقاسم بابرینگ کؤشکؤنده خدمت ادیپ باشلاپدیر. نوایی، چغتای-اوزبیک و فارسی دیل لرینده استادلیق بیلن شعرلر یازیپ، ذوللسانین لقبی بیلن مشهورلانیپدیر. چغتای-اوزبیک شعرلرینده "نوایی" و فارسی شعرلرینده "فانی" تخلصینی اولانیپدیر. علیشیرنوایی دینگه ادبیات علمی بیلن مشغوللانمان منطق، فلسفه، ریاضی و باشقه علم لره هم اؤنس بریپدیر.

نوایی، فارسچه نینگ بیر کلتور دیلی و مشهورلیغینه ایبه بولان دوره ده یتیشیپدیر. ایلکینجی اثرلرینی بو دیلده یازان سونگ، اوز دیلینده ده اثرلر دؤره دیپ باشلاپدیر. نوایی ییگیت لیک و مکتب دوره سینده شیخ فریدالدین عطارینگ "منطق الطیر" اثرینی ترجمه اتمک ایسله گینده بولوپ دیر. یؤنه دؤرلی سبب لره گؤره، بو ایشه اونینگ الی یتمأن دیر. شاعر اؤزؤنینگ "چهار دیوان"، "خمسه" آتلی اثرلر توپلومینی یازان سونگ، ۱۴۹۹-نجی ییل ده (۶۰ یاشینده) بو ایشه گیریشیپ، عطارینگ "منطق الطیر" آتلی اثرینی ترجمه اتمه گینینگ دره گینه، شول اثرینگ مضمونیندان تاثیرلنیپ، اؤزبولوشلی لسان الطیر (غوش دیلی) آتلی اثرینی دؤره دیپدیر.

نوایی، ۱۴۷۰-نجی ییلده ایلکینجی دیوانی "بدایع البدایه" نی و ۱۴۷۶-۱۴۸۳ ییل لار آراسینده ایکینجی دیوانی "نوادرالنهایه" نی دؤره دیپدیر. او، گنجه لی نظام الدین، خسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی یالی شاعرلارینگ "خمسه" لاریندان تاثیرلنیپ خمسه دؤره تمک اوچین چالیشیپدیر. خمسه

سی نی دؤره تمک اوچین تاریخی چشمه لردن و آیراتین هم خلق دؤره دیجیلیگیندن (افسانه لار، داستان لار، ارته کی لر، غوشغی لار، آته لار سؤزی) استادلیق بیلن فایده لانیپدیر. ۱۴۸۳- نجی ییلده "خمسه" نینگ بیرنجی داستانی "حیرت الابرار"، ۱۴۸۴- نجی ییلده "فرهاد و شیرین"، "لیلی و مجنون"، "سبعه سیار" و ۱۴۸۵- نجی ییلده "سد اسکندری" داستان لارینی یازیپ دیر.

۱۴۸۸- ۱۵۰۱ ییل لار آراسینده علیشیرنوایی، تاریخی چشمه لر و شاهنامه یالی بدیعی اثرلر اساسینده "تاریخ ملوک عجم" اثرینی، سید حسین ارده شیر باره ده "حالات سید حسین ارده شیر" اثرینی، معما اصلوبی باره ده "رساله معما" نی، ۱۵- نجی عصرده یاشان ۴۰۰ دن غوراق شاعرلار باره ده معلومات بریپ اولارینگ اثرلریندن نمونه لار گتیریپ "مجالس النفایس" تذکره سی نی، عبدالرحمن جامی باره ده "خمسة المتحرین" اثرینی، حسین بایقرا و باشغه لاره یازان مکتوب لارینی توپلاپ "منشعات" (مکتوب لار) اثرینی، عروض علمی باره ده "میزان الاوزان" اثرینی، تصوف و صوفی لار باره ده "نسایم المحبت" رساله سی نی، چغتای- اوزبیک دیلینده یازان تؤرت دیوانی نینگ توپلومی بولان "خزاین المعانی" کلیاتینی، فارسی دیلینده دؤره دن "دیوان فانی" آتلی دیوانینی، دیل شناسلیق اثری بولان "محاکمة اللغاتین" یالی بیرنأچه علمی و بدیعی اثرلرینی دؤره دیپدیر.

۱. علیشیرنوایی نینگ حیاتی و ادبی کشی لیگی

امیر نظام الدین علیشیرنوایی، ۱۴۴۱- نجی ییلده افغانستان نینگ هرات شهرینده دنیا اینیپدیر. نوایی، دولت آدم لاریندان بولان غیاث الدین کیچکینه بهادرینگ اوغلی دیر. نوایی نینگ آته سی هم دولت آدمی هم ده شاعر و عالم دیر (مله ییف، ۱۳۹۵: ۴۹۳). نوایی چاغه و ییگت لیک چاغلارینده اوقوماق اوچین اولی زحمت لر چکیپ و سلطان حسین بایقرا بیلن بیرلیک ده اوقاپدیر (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۵). نوایی و دوستی سلطان حسین بایقرا، ابو القاسم بابرینگ کؤشکؤنده و دربارینده ایشلاپدیرلر. آته سی اؤلندن سونگ نوایی ابو سید میرزانینگ خدمتینه گیریپدیر. غیسغه بیر زماندان سونگ ایشیندن آیریلیپ سمرقنده گیدیپدیر. بو یرده فضل الله ابولیس ینگ یانینده ایکی ییل بوینچه درس آلیپدیر (آکار، ۲۰۱۸: ۱۹۹). ۱۴۶۹- نجی ییلدهسلطان حسین بایقرا هراتی اله گچریپ تخته اوتران سونگ نوایی نی هم اؤز یانینه آلیپ دیوان بگلیگی، سیاسی و اداری مصلحتچی سی حکمینده وظیفه لندیرپدیر (ارجیلاسون، ۲۰۱٦: ۴۰۷).نوایی، ۱۴۸۷- ۱۴۸۸ ییل لار آراسینده آسترآباد ولایت نینگ حاکیمی (والی) بولوپدیر. او، ۱۴۹۰- نجی ییلده دیوان بگلیگی مقامیندان اؤز ایسله گی بیلن چکیلیپ، عمری نینگ سونگینه چنلی سلطان حسین بایقرانینگ کؤشکؤنده صنعتچی و دولت آدمی صفتینده خدمت ادیپدیر. نوایی، ۱۵۰۱ ییلنده و ٦۱ یاشینده هرات ده دنیادان گچیپدیر. اونینگ تؤربه سی قدسیه مسجدی نینگ ایچینده یر آلیور (آکار، ۲۰۱۸: ۱۹۹).

۱۴۴۱- ۱۵۰۱ میلادی ییل لار آراسینده یاشان نظام الدین امیر علیشیرنوایی، ترک دنیاسینده دینگه چغتای- اوزبیک ادبیاتی نینگ شاعری بولمان، اهلی ترک ادبیاتی نینگ اینگ گؤیچلی و بییگ شاعرلاریندان بیری بولوپ دیر. او، دؤره دن اثرلری بیلن چغتای دیلینی اورتا آسیاده یاشیون ترک خلق لری نینگ ادبیات دیلی حالینه گتیریپدیر. بو دیل نوایی دان سونگ هم اورتاق بیر یازی دیلی حالینه گلیپ و اهلی ترک خلق لاری ۲۰-نجی عصرینگ باشینه چنلی اولانیپ دیرلار (آکار، ۲۰۱۸: ۱۹۵).

نوایی بوتین حیاتی و ادبی فعالیت نی آبادانچیلیق ایش لرینه، بیلیم، صنعت، هنر و ادبیات ینگ اؤسؤشینه باغیشلاپ، اونینگ اساسی مقصدی بولسه شول دورینگ عالم لارینی، هنرمندلرینی، معمار و شاعرلارینی یوردی آباد ادیشه اؤنسینی چکمک و هراتی اولی مدنیت مرکزینه گتیرمک بولوپدیر. نوایی، گؤن دوغار ادبیاتی نینگ اؤسؤشینده تازه صفحه لار آچیپ، عالم لاری، شاعرلاری، تاریخچی لاری اولی اثرلر دؤرتمگه گؤنؤکدیریپدیر (آرال حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

۲. علیشیرنوایی نینگ اثرلری

چغتای- اوزبیک دیلینده دؤره دن دیوان لاری:علیشیر نوایی نینگ چاغه لیق چاغیندان حیاتی نینگ سونگینه چنلی یازان شعرلرینی آلتی بؤلؤم ده توپلادیغی دیوان لاری باردیر. چغتای- اوزبیک دیلینده یازیلان ایلکینجی شعر توپلومی "بدایع البدایه" آتلی دیوانی دیر. نوایی بو دیوانینی سلطان حسین بایقرا نینگ ایسلگی بیلن دؤره دیپ دیر. شاعرینگ سونگقی یازان شعرلری تؤرت دیوان ده توپلانیپدیر. نوایی نینگ چغتای- اوزبیک دیلینده دؤره دن دیوان لاری شولاردیر: "غرایب الصغر"، "نوادر الشباب"، "بدایع الوسط"، "فواید الکبر". نوایی بو تؤرت دیوانینی و سونگقی یازان شعرلرینی "خزاین المعانی" آتلی دیوانینده توپلاپدیر. نوایی نینگ بو دیوانی، "کلیات دیواوین" آدی بیلن هم تانیلیور (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۵).

نوایی "خزاین المعانی" اثرینی غزل، مستهزاد، مخمس، مسدس، مسمن، ترجیع بند، ترکیب بند، مثنوی، قصیده، ساقینامه، قطعه، رباعی، معما، چیستان و فرد، توپلام ۱۶ اصلوب گؤرنؤشینده یازیپ دیر. بو اثری نینگ هر بیر دیوانینده ۶۵۰ غزل یرلشدیریپ، اثرده توپلام ۲۶۰۰ غزله یربریلیپدیر (آرال حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

فارسی دیلینده دؤره دن دیوانی: بو اثر نوایی نینگ فانی لقبی نی اولانیپ یازدیغی فارسچه شعرلری نینگ توپلاندیغی دیوانی دیر. شاعر "محاکمة اللغتین" آتلی اثرینده بو دیوانیندان یادلاپ آلتی مونگ بیت دن اورتا گلندیگینی نیغتایور (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۵).

خمسه: علیشیرنوایی نینگ خمسه سی "حیرت الابرار"، "فرهاد و شیرین"، "لیلی و مجنون"، "سبعه سیار"، "سد اسکندری" آتلی مثنوی لردن اورتاگلندیر. نوایی "فرها وشیرین" اثرینی گنجه لی نظام

الدین ینگ "خسرو و شیرین" آتلی اثرنینگ تاثیرینده یازیپدیر (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۶). نوایی بو اثرینده خسرو یرینه فرهادی اولانیپ دیر. نوایی نینگ بو اثری نینگ بیرینجی داستانی "حیرت الابرار" دیر. بو داستانفلسفی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی- تعلیمی موضوع لاری اؤز اچینه آلیور. بو داستان ۶۴ بؤلؤمه بؤلؤنیپ دیر (آرال حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

مجالس النفایس: بو اثر ترک ادبیاتینده، شاعرلار باره ده یازیلان ایلکینجی تذکره لردن بیری دیر. نوایی بو تذکره سی نی، ملا جامی نینگ "بهارستان" و "دولت شاه" آتلی تذکره سی نینگ تاثیرینده دؤره دیپدیر. بو تذکره سی سککیز بؤلؤم دن عبارت بولوپ هر بؤلؤمینه مجلس آدی بریلیپدیر. بو اثر، ۱۶- نجی عصردن سونگترک دنیاسینده شاعرلار حقینده تذکره یازان لاره بیر یول بولوپ دیر (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۶).

لسان الطیر (غوش دیلی): بو اثر بیرلیگه (وحدانیته) اینانیشلیق باره ده یازیلان تصوفی بیر اثردیر. ادبیات تاریخیندان معلوم بولشی یالی، نوایی نینگ بو اثرینی، مشهور شیخ فریدالدین عطارینگ منطق الطیر (غوشلارینگ صحبتی) آتلی دینی فیلسوفیک اثری نینگ اساسینده دؤره دیپدیر. نوایی نینگ لسان الطیر اثرینده صوفی چیلیغینگ بیرنأچه گؤنؤکلی، مشهور بولان صوفی لاری ینگ، شخصیت لری ینگ دورموشی و اولارینگ تعلیمی بیلن باغلانشیقلی حکایه لر گتیریلیور. نوایی، عطارینگ "منطق الطیر" اثرینی دوغریندن دوغری فارسچه دان چغتای- اوزبیک دیلینه ترجمه اتمگی مقصد ادن هم بولسه، اونینگ "لسان الطیر" اثری عطارینگ اثریندن حاص تفاوتلی دیر. چونکه نوایی نینگ دورینده ادبیات حاص اؤسیور، تازه فکرلر اؤنگه سؤرلؤپ، اثرلرینگ مضمونی و محتواسی دنیوی موضوع لار بیلن باشلیور. نوایی، عطارینگ اثرینی ترجمه اتمگی بیلن چغتای- اوزبیک دیلی نینگ اؤسمگینده هم کأبیر غوشانت لار غوشیپدیر (مصطقوف، ۲۰۱۴: ۲۱۹-۲۲۹).

چهل حدیث: نوایی نینگ بو اثری، ملا جامی نینگ "حدیث الاربعین" (قیرق حدیث) آتلی حدیث کتابی نی تورتلمه لر گؤرنؤشینده فارسچه دان چغتای- اوزبیک دیلینه ترجمه ادن اثری دیر.

محاکمة اللغتین (ایکی دیلینگ محکمه سی): نوایبو اثرینده، فارسچه بیلن چغتای- اوزبیک دیلی نینگ دیل آیراتین لیق لاری تایدان دنگشدیریپ، فارسچه دان ترک دیل لری نینگ کلمه خزینه سی نینگ بایدیغی نینگ فکرینی اونگه سؤریور.

محبوب القلوب: نوایی نینگ اجتماعی موضوع لار باره ده سوز آچدیغی و اخلاق کتابی خصوصیاتینداقی بیر اثری دیر. اثرده نوایی نینگ کشیلیک صفتی باره ده هم بیرنأچه معلومات لار یر آلیور.

نسایم المحبه: نوایی نینگ بو اثری، ملا جامی نینگ، ولی لرینگ، ارن لرینگ، صوفی لارینگ

دورموشی باره ده دؤره تدیگی "نفاحة الانس" آتلی اثری نینگ چغتای- اوزبیک دیلینه ترجمه ادن اثری دیر.

میزان الاوزان: نوایی شعر تیوری سی و شعر قالب لاری باره ده هم سؤز آچیپ دیر. اونینگ "میزان الاوزان" آتلی اثری شعر اورداقی تیوری و نظریه لری آنگلادان بیر اثردیر. نوایی بو اثرینده ترک خلق لاری نینگ اولاندیقلاری نظم فورمه لاریندان، عروض قالب لاریندان و وزن لردن سؤز آچیور (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۶-۱۰۷).

سراج المسلمین: نوایی "سارج المسلمین" (مسلمان لارینگ نوری) آتلی اثرینی ۱۴۸۸-نجی ییلده دؤره دیپدیر. اثرده شریعت احکام لاری، تانگری تعالی نینگ سککیز صفتی، اسلام رکن لری، طهارت ینگ فضیلت، فرض و سنت لری، غسل ینگ فرض و سنت لری باره ده سؤز آچیلیپ دیر (رویین، ۱۳۸۸: ۲).

خمسة المتحرین: نوایی "خمسة المتحیرین" اثرینده حضرت مولانا عبدالرحمن جامی آراسینداقی شاگردلیک، استادلیق و دوست لیق مناسبتی بارده سؤز آچیپ دیر (رویین، ۱۳۸۸: ۳).

یوقارده آنگلادیلان اثرلردن باشقه ده، نوایی نینگ بیرناچه اثرلری باردیر. بولارینگ آرسینده منشعات اثری، نوایی نینگ دوره سی و اؤزی باره ده بیرنأچه معلومات لار یرآلان مکتوب لاردان دؤره دیلمه سی تایدان اولی اهمیته ایه دیر (منگی، ۲۰۱۹: ۱۰۷). نوایی نینگ "تاریخ انبیا و حکما" (پیغمبرلر و حاکم لر تاریخی) اثرینده پیغمبرلرینگ دورموشی، امت لری نینگ عمل لری، شول دوره دأکی انسان لارینگ یاشایشی باره ده معلومات بریلیپدیر. نوایی نینگ "تاریخ انبیا و حکما"، "تاریخ الملوک العجم" اثرلری تاریخ اورده یازان مهم اثرلریندن دیر (رویین، ۱۳۸۹: ۳).

امیر نظام الدین علیشیرنوایی، تاریخ، مثنوی، تذکره، دیل، عروض یالی موضوع لارده چغتای- اوزبیک و فارسی دیللرینده ۲۹اثر دؤره دیپ دیر (ارجیلاسون، ۲۰۱۶: ۴۰۸). نوایی نینگ دؤره دن ۲۹ اثری شولاردان عبارت:

۱. دیوان لار (خزاین المعانی)

a. غرایب الصغر

b. نوادر الشباب

c. بدایع الوسط

d. فواید الکبر

۲. خمسه

a. حیرت الابرار

b. فرهاد و شیرین

c. لیلی و مجنون

d. سبعه سیار

e. سد اسکندری

۳. تذکره لر

a. مجالس النفایس

b. نسایم المحبه

۳. دیل و ادبیات اثرلری

a. رساله معما

b. میزان الاوزان

c. محاکمة اللغتین

۴. دینی- اخلاقی اثرلری

a. مناجات

b. چهل حدیث

c. نظم الجواهر

d. لسان الطیر (غوش دیلی)

e. سراج المسلمین

f. محبوب القلوب

۵. تاریخی اثرلری

a. تاریخ انبیا و حکما

b. تاریخ الملوک العجم

c. زبدة التواریخ

٦. بیوگرافیک اثرلر

a. حالات سید حسن ارده شیر

b. خمسة المتحیرین

c. حالات پهلوان محمد

۷. نامه لار

a. وقفیه

b. منشعات

نتیجه

امیرعلیشیرنوایی اؤز عمرینی خلقینگ دینچیلیغی- آسوده لیغی، سعادتی، بیلیم و معرفت اوچین صرف ادیپ، خلقینگ احتیاج لارینه گؤره اثرلر دؤره دیپ دیر. نوایی دؤره دن اثرلری بیلن اورتا آسیاده گورله شیلیون ترکی دیل لری نینگ اؤسمگینده اولی غوشانت لار غوشیپ دیر.فارسچه نینگ رسمی و آیدین لارینگ هم گورلشیون دیلی دوره سینده، ترکی دیل لری نینگ فارسچه دان ایزده بولمادیغینی، حتی ترکی دیل لری نینگ فارسچه دان اوستون و گویچلی لیگی نی دؤره دن اثرلری بیلنثابت لاپدیر. نوایی یازان اثرلری بیلن شول دورینگ شاعرلارینی هم ترکی دیل لرده شعر یازمغهؤوسلاندیریپدیر وترک خلق لاری آراسینده گویچلی بیر ادبی دیلینگ اورتا گلمه سینه سبب بولوپ دیر. بولار یالی اولی ایش لری اونینگ ترک خلق لاری نینگ کلتور و ادبیاتینداقی یرینی آرتیریپ دیر. نوایی، اثرلری و شهرتی ترک ایل لرینه یایلان بیر اوسته و چپر صنعتچی دیر، اثرلری شول دورینگ خلقینینگ اجتماعی و فرهنگی یاشایشینی اوسدیریپ دیر.ملا جامی و شیخ فریدالدین عطار یالی بییگ عالم لاردانتاثیرلانیپ، آدم دورموشی نینگ معنی سی، اونینگ داش- تؤره گینی غورشاپ آلان طبیعت باره داقی فیلسوفیک خاصیت لی اثرلر دؤره دیپ دیر.نوایی دان سونگ گلن چغتای- اوزبیک صنعتچی لری و باشقه ترک صنعتچی و شاعرلاری نوایی نینگ فکری و اثرلریندن عصر لار بویونچه تاثیرلندیگینه و حتی حأضرکی زمان شاعرلاری نینگ نوایی دان گؤرلده آلیپ اثرلر دؤره دنلیگینه گؤز یتیریوریس.

ادبیات لار (منبع لر)

۱. آرال حبیبی، فوزیه. (۱۳۹۵ش). امیرالکلام علیشیرنوایی اولوس لار آراسی سمپوزیمینگ مقاله لار توپلومی. کابل: اطلاعات و فرهنگ وزارتی نینگ نشریه سی.

۲. آکار، علی. (۲۰۱۸م). ترک دیلی تاریخی. استانبول: اؤتؤکن نشریه سی.

۳. ارجیلاسون، احمد بیجان. (۲۰۱٦م). باشلانغیچدان یگیرمینجی عصره چنلی ترک دیلی تاریخی. انقره: آقچاغ نشریه سی.

۴. رویین، عبدالله. (۱۳۸۸ش). نوایی اثرلری دن. مزارشریف: نوایی- بار فوندی نشریه سی.

۵. رویین، عبدالله. (۱۳۸۹ش). نوایی اثرلری دن. مزار شریف: نوایی- بابر فوندی نشریه سی.

٦. مصطقوف، رومان قلی. (۲۰۱۴م). مخدوم قلی و گؤندوْغار ادبیاتی. عشق آباد: ترکمن دولت نشریات غوللوغی.
۷. منگی، مینه. (۲۰۱۹م). قدیمی ترک ادبیاتی تاریخی: ادبیات تاریخی- متن لر. انقره: آقچاغ نشریه سی.
۸. مله ییف، نتن. (۱۳۹۵ش). اوزبیک ترکی دیلی نینگ تاریخ ادبیاتی. (فارسچه ترجمه ادن: برهان الدین نامق). کابل: بیهقی کتب نشریه سی.

د پښتو مقالو

۱. لعل پاچا ازمون -- د ملت جوړونې دوه بنسټونه

۲. زرولي صديقي -- د امير عليشېرنوايي د دورې ديني افکار او فقاهت

۳. نور آقا عزيزي -- د تېموريانو پېر د معماری سبک څېړنه او په معماری کې د علی شېر نوايي ونډه

۴. محمد بشېردوديال --د افغانستان د خط او ميناتوريی سبک او په دې برخه کې د امير عليشېرنوايي رول

د ملت جوړونې دوه بنسټونه

لعل پاچا آزمون

لنډيز

د امير علي شېر نوايي او خوشحال خان د ژوند زمانه شاوخوا دوه پېړۍ واټن لري. د دغو دواړو شاعرانو، سياستوالو او فرهنګيانو په علمي، ادبي او فرهنګي مبارزه کې هغه ګډ ارزښتونه چې شرقي فرهنګ راپېژني او بېلا بېلې ټولنې او شاعران سره تړي، هغه مذهبي، ديني، فرهنګي او ادبي ارزښتونه دي. د دوی په ويناوو کې داسې توکي او مفاهيم را نغښتي چې هغه د شرقي فرهنګ اصلونه او د ملت جوړونې فکر غښتلی کوي، لکه: عدالت، انصاف، انسانيت، ذوق، جرأت، اخلاق، روحانيت، ژمنتيا او بشرپالنه. دا هغه توکي دي چې پر دوی باندې د بېلا بېلو ژبو شاعران، لکه همدا امير علي شېرنوايي او خوشحال خان د سياست، فرهنګ او هنر په تار خلک او ټولنې تړي.

دلته دا په ډاګه شوه چې زموږ ژبې او فرهنګ يو له بله نه شلېدونکې اړيکې لري، په ژبني لحاظ په دې سيمه کې کومې ژبې چې ويل کېږي، هغه په يو ډول نه يو ډول يو له بله سره اړيکه لري، دغه اړيکه د دې لامل کېږي چې دا ژبې په اسانۍ زده شي. همدارنګه د تاريخي، فرهنګي، ديني او سياسي ارزښتونو پالنه قومونه را ټولوي او ملي هويت يې څرګندوي.

ګډ فرهنګ په تېره فولکلوري ارزښتونه دي چې د بېلابېلو قومونو تر منځ ګډې اړيکې پالي او هر قوم يې خپل ګڼي. بېلګه يې نکلونه ور کولی شو، د ازبکي ژبې نکل که کوم پښتون يا تاجک اوري، نو ځان په کې ويني. دغه اصل د قومونو تر منځ د يووالي ښکاره ثبوت دی. د امير علي شېر نوايي او خوشحال مبارزه موږ ته دا را ښيي او را زده کوي چې دا ملت بېل او ټوټه ملت نه دی، بلکې دا ملت يو زړه، يو ارمان او يو هدف لري. ارمان يې په لويه کچه د يوې بشري ټولنې خدمت، پالنه او د وګړيو تر منځ يې د يووالي مفکورې او ذوق پالنه ده، هدف يې د قومونو يو والی او يو ملت جوړول دي.

جغرافیوي موقعیت د ملت جوړونې لپاره لوښی یا ظرف دی، افغانستان د ټولو قومونو یو داسې کور دی چې سیمې یې د اقتصادي سرچینو، کار و بار، راشه درشې، ګډ فرهنګ او ذوق له مخې د ملت جوړونې لوی بنسټ جوړوي.

سریزه

په دې لیکنه کې غواړم چې د امیر علي شېرنوایي یا فاني او خوشحال خان ختک د ادبي، هنري، سیاسي او ټولنیز ژوند او مبارزو د بېلا بېلو اړخونو له مخې د ملت جوړونې نظریه را څرګنده کړم. کوم ټکي دي چې د لویو خلکو تر منځ پرې اتفاق کېږي او د یو ملت د جوړولو لامل ګرځي؟ دغه ټکي یا بنسټونه خورا زیات دي خو په دې لیکنه کې ما یواځې یو څو ټکو یا اړخونو ته اشاره کړې چې د دې دواړو لویو شخصیتونو تر منځ د ملت جوړنې لامل ګرځېدلي دي.

لوی خلک او د دستار سړي هڅه کوي چې د خپلې مبارزې له لارې له یو واړه کورګي لوی کلي ته ووځي. له قبیلوي او قومي خبرو د ملت جوړونې تفکر ته ورسېږي او بیا نړۍ وال کلي ته ورګډ شي.

فرهنګي او ټولنیز شخصیتونه هغه لارې او ګودرې چې قومونه د یو ګډ ملت جوړولو خوا ته بیایي هغه پالي او په همدې تفکر د هنري تجربو او ټولنیزو هڅو په واسطه خپل ولسونه روزي. پر هغو عناصرو او مفاهیمو کار کوي چې څنګه خپل ولس ویښ او له نورو قومونو سره یې پرې اړیکه ټینګه کړي او یو بل وپالي. له تیارې کوټې یې رڼا ته را وباسي. دغه دوه ویاړمن (امیر علي شېرنوایي ـ خوشحال خان ختک) شخصیتونه چې یو ازبک او بل پښتون قوم د ملت جوړونې فکر ته هڅولی او کار یې ورته کړی دی. د خدمت او کار له مخې یې درناوی کېږي. دغو دواړو په ژبه او ادبیاتو کې نوې سا پوه کړه چې دا ساه د ازبکي او پښتو ژبې او فرهنګ په برخه کې د رونسانس یوه رڼه دوره ګڼلی شو.

موخه

د دې لیکنې یوازینۍ موخه دا ده چې هغه کوم توکي، مفاهیم، لارې هیلې، غوښتنې، ارزښتونه او بنسټونه دي چې د بېلا بېلو ژبو شاعران په یوې چرګۍ او یوه ټغر سره راټولوي او خپل ولس ملت جوړونې ته هڅوي.

پوښتنې:

۱ – د دې څېړنې موخه څه ده؟

۲ – ولې دا موضوع غوره شوه؟

۳- د ملت جوړونې په برخه کې د دوی عمده او ګډ ټکي او مفاهیم کوم دي؟

د څېړنې ستونزې:

د دغو دواړو شخصيتونو د سياسي او فرهنګي مبارزې په پرتلنه کې يوه ستونزه دا وه چې د امير علي شېر نوايي د ازبکي ژبې آثار په فارسي او پښتو نه دي را اړول شوي. له بده مرغه زه په ازبکۍ نه پوهېدم، دا را ته څرګنده نه شوه چې په ازبکۍ ژبه کې د ده آثار څنګه ليکل شوي دي؟ بله ستونزه د دواړو شخصيتونو د ټولو آثارو شتون و. د تنګلاسۍ او وخت د کمي له امله مې و نه شول کولی چې دا ټول آثار مطالعه کړم.

فرضيه:

د دغو د واړو نوميالیو شخصيتونو په سياسي او فرهنګي هلو ځلو کې د ملت جوړونې فکر وړاندې شوی دی او يو شمېر ګډ توکي او مفاهيم لري.

د څېړنې مېتود:

د دې څېړنې مېتود تشريحي او پرتليز دی. روش يې کتابتوني دی.

مهمې کلمې

امير علي شېر نوايي، فاني، خوشحال خان ختک، فرهنګ، ملت، قوم، ادبي ارزښتونه، بشرپالنه، عدالت، انسانيت، شعر، نظم او د شرقي فرهنګ توکي.

۱ـ د ملت جوړونې دوو بنسټونو ګډ مفاهيم

ملت جوړونه د يوه هېواد او وګړيو ملي هويت را ښيي، ملي هويت د ټولنيزو، فرهنګي، تاريخي او سياسي ارزښتونو له لارې ملي اجماع را منځته کوي. تاريخي، فرهنګي، او سياسي ارزښتونه قومونه را ټولوي او ملت ترې جوړوي. قومي او ژبني جوړښتونه بيا د خدای تعالی پيرزوينه او د يو بل د پېژندنې وسيلې او ښکلاييز جوړښت يې د بوډۍ د ټال رنګونه دي. اسلاميت بل هغه بنسټ دی چې سيمې سره په يوه لويه کړۍ کې را ټولوي او له بدمرغيو يې ساتي.

ژوندي قومونه او ملتونه هغه دي چې پخپله غېږ کې لوی خلک او نوابغ ولري. د سترو شخصيتونو سيوري پرې خپور وي، د يو قوم او ملت د ځلونې او پايښت راز د نوابغو او لويو خلکو په وجود کې نغښتی. هغه قوم او ملت ويارلی دی چې هغه نوابغ، لوی خلک او د کار سړي ولري. خدای پاک چې په کوم قوم او ملت ولورېږي، نو په هغه کې لوی خلک او نوابغ زېږوي. د يو قوم او ملت د لوړاوي د بخت ستوری هم د نوابغو او لويو خلکو په وجود کې ځلېږي.

پښتانه خپل بچي ته دعا کوي: لوی سړی شې! د کار سړی شې! د لوی سړي معيار کومه لويي ده؟ هغه لويي چې د قوم او ملت د خدمت او پرمختګ فکر ورسره وي. لوی سړی يو سمبول دی. د لوی

سړي په وجود کې د قوم د پرمختګ، بسیاینې او سوکالۍ فکر نغښتی. لوی سړی لوړ خیال او ژور فکر لری. خیال او فکر یې یواځې او یواځې د خپلې خاورې او خلکو ابادي او پرمختګ دی. کله چې دغه دعا کېږي، نو د دې دعا تر شا د ابادی، پرمختګ او سوکالۍ لاس ښکاري. دغه لاس د هغه چا د وجود غړی دی چې له هغه نه د خیر، ښېګڼې او پرمختګ هیله او تمه کېدای شي. بختور هغه قومونه دي چې هغوی د خپل قوم لپاره له پروردګاره د داسې دعا غوښتنه او هیله کوي. پروردګار د خلکو حالت ته کتلي او پر دوی یې د دوی د حرکت او هیلې پر بنسټ لوی خلک لورولي دي.

۱ـ۱: د دستار سړي

لوی خلک یا لوی سړي د خپل قوم د ویښتابه او سوکالۍ لپاره شپه او ورځ زیار باسي. د دغسې شخصیتونو لپاره یو لړ معیارونه ټاکل کېږي، خوشحال خان هم د یو وتلي سیاستوال او مفکور په توګه په وګړیو کې د دستار سړی لټوي، د دستار لپاره سر لټوي، نو د دستار سړی د ده له نظره، هغه سړی دی چې:

شل هنره او شل خصلته ولري، نو بیا د دستار سړی، د کار سړی او لوی سړی وي. دا هماغه لویي ده چې یو قوم یا ملت له پروردګاره غوښتې. امیر علي شېرنوایي د خوشحال خان په دې تله د دستار سړی دی. خوشحال هم په همدې تله تلل کېږي، دی هم د دستار سړی دی.

د لویو خلکو کار محسوس وي، شعاري نه وي. لوی خلک لکه د باز په څېر دنګ الوت کوي او تر هغې الوزي تر څو خپل نظر پراخ او دا دنیا ورته یو ډنډوکی ښکاره شي. لوړ خیال ژور فکر له کندې راباسي. څومره چې لوړېږي هومره د ده د نظر دنیا پراخېږي. د نظر په پراختیا کې عدالت، انصاف، هوساینه، بسیاینه او په ټوله کې بشري ټولنه نغښتې ده. په بشري ټولنه کې بیا ملت جوړونه او په ټولیزه توګه نړۍ والتوب نغښتی. لوی خلک چې له واړه کوره د همدغه اصل له مخې لوی او نړۍ وال کلي ته وځي، د دوی پیغامونه بشري وي.

نو: د نظر په پراخېدو له واړه کوره یو لوی کلي را منځته کېږي، هلته سپین، تور، ټیټ دنګ او ... ټول یو وي، د دستارسړي بیا له قبیلې او قومه د ملت او نړۍ والتوب په تفکر بوختېږي.

د پروردګار ددغه لور او پراخه نظر یو څښتن هم د نهمې پېړۍ نابغه لیکوال امیر علي شېر نوایي دی. ده د نظر الوت ډېر لوړ، خیال یې له ژور فکر سرچینه اخیستې او پخپل فکري ځواک یې د خپل قوم د ویښتابه او بېدارۍ لپاره ناري وهلي دي، د عدالت او انصاف تله یې په لاس کې نیولې، د لوېدلي قوم یواځې لوېدنه یې نه ده یاده کړې، بلکې هغه ته یې لاس ورکړی او له کندې یې راویستی دی. د ده لویي د ده په علمي، سیاسي او فرهنګي هڅو کې نغښتې. په هغه راز او رمز پوه شوی چې خپل قوم

څنګه له لوېدلي حالته پورته او له نورو سره يې اړيکه ټينګه کړي. ازيک قوم نېکمرغه دی چې په نهمه پېړۍ کې پرې يو داسې لاس لورېدلی چې دوی يې د ژوند له ستونزمنو کندو راويستلي دي. د ژوند دغه طبيب او ماهر انسان چې پخپلو هڅو يې د خپل قوم د ځلا لپاره هڅه کړې. د دنيا په تاريخ کې د يو لوی انسان په نامه پېژندل شوی دی. نن که د ازبکي ژبې او فرهنګ د پرمختګ خبره کېږي، نو لوی امتياز يې د نهمې پېړۍ دغه انسان ته ځي. ورسره جوخت نن که د پښتو ژبې د پرمختګ خبره کېږي، نو ستر خوشحال ذهن ته راځي. که په ازبک قوم کې امير علي شېر نوايي نه وای نو نن به دغې ژبې او فرهنګ دومره پرمختګ نه وای کړی. که خوشحال نه وای نو پښتو ژبه به لا هغسې بکره پرته وای. دا دواړه ښاغلي او ويړلي شخصيتونه پروردګار د خپلې ژبې پرمختګ او هوسايني ته پيدا کړي دي. دا دواړه د ژوند د سوکالۍ او د زده کړې سمبولونه دي. دا دواړه هغه څوک دي چې خپل قوم يې د جهالت له کندې راوويست. له واړه کوره يې په يو لوی کور ورګډ کړل. له نورو سره يې په فرهنګي ارزښتونو وتړل او دنيا ته يې ور وپېژندل.

۱ ـ ۲: اسلاميت

اسلاميت هغه لوی بنسټ او ارزښت دی چې قومونه او سيمې سره نږدې کوي او په يو لړ ځانګړو اصولو يې روزي او پالي يې. د دې سيمې اکثريت خلک مسلمانان دي، اسلام هم ورته خپلو نوابغو او لويو خلکو په خپلو اقوالو او اعمالو کې څرګند کړی دی، په دې لويو خلکو کې همدغه دوه لوی شخصيتونه بنسټيز ځای لري، دوی د همدې تفکر په پلوشو د يو ملت د جوړولو مفاهيم څرګند کړي دي. په دې مفاهيمو کې عدالت، انصاف او بشر حقوق لومړيتوب لري.

د لويو خلکو يو خصلت دا وي چې ژوند يې د بل په اوږو نه وي بار، بلکې داسې بسيا او هوسا وي چې په خپلو پښو ولاړ او پر ځان متکي وي. دغه دواړه لوی خلک هم ژوند همداسې راپېژني. دينداري د دواړو ترمنځ يو اصل دی. په دينداری ټولنه راټولوي او خپله وينا پخوي. په دې برخه کې هغه اشخاص چې عمل او قول يې د دين پر بنسټ نه وي، نقدوي، د ريا شېخي نه مني. امير علي شېر نوايي وايي:

ای مسلمان چه خوانيدم به مسجد چون به دير
رخنه در دينم فکنده نامسلمانی بود
اشک خون پيدا به رويم داند آن کاندر
دلش از فراق لاله روی داغ پنهانی بود
زو جدا گشتم نه دانستم که از بی طاقتی اه
و اشکم درغمش هر لحظه طوفاني بود (ديوان فانی، ۱۳۹۵، ۱۳٦ص)

***

دوران نشان زبخت جوانم نمی دهد
جامی زدست پیر مغانم نمی دهد
از هر که نوش دار وی جان میکنم طلب
جز در شراب خانه نشانم نمی دهد
در هجر او کی گریه شده در گلو گره
فریاد از او که راه فغانم نمی دهد
عمرم سبک خرام شده است ای حریف از آنک
ساقی دور رطل گرانم نمی دهد
دارالامان میکده می بایدم که چرخ
جای دیگر ز غصه امانم نمی دهد
یک قطره اب را به لبم چرخ تا ز چشم
صد قطره خون دل نچکانم نمی دهد
فانی ز کام عیش کی گردون دهد به خلق
هیچم چو می نه باید از آنم نمی دهد (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۱۳٦ص)

خوشحال خان بیا هم سنتو ته په باورمندۍ او د یو سني مسلمان په توګه ځان را څرګندوي او هم په ټولنه کې د یو سترګور نقاد په توګه بې عمله او بې علمه شېخي نقدوي.

د خدای منت را باندې چې یې هست کړم له عدمه
بل خلقت یې نه کړم را پیدا شوم له ادمه
پښت په پښت را غلی مسلمان محمدي یم
چار د چاریارانو سره واړه منم سمه
درست په دا پوهېږم چې څلور مذهبه حق دي
زه د حنفي مذهب دعوا لرم محکمه
مینه یې په زړه کې د علماوو را کړه ډېره
مینه یې د دور د شېخانو را کړه کمه
نه خراباتي نه قمار باز نه زنکار یم
نه قاضي مفتي چې یې نظر په څو درمه ... (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۴۳٦م)

زه خوشحال ختک هغه سني مذهب يم
چې ياران را باندې واړه برابر دي (خوشحال خان ختک کليات، ۱۳۸۴، ۲۵۸م)
بهشت ځای د پرهېز گارو دی خوشحاله
ته بهشت وته هوس په کوم عمل کړې (خوشحال خان کليات، ۱۳۸۴، ۱۱۵م)
سر په سجده کېږدې وايې لمونځ کوم خوشحاله
زړه ته نظر نه کړې، په کې څو لات ومنات دي (خوشحال خان کليات، ۱۳۸۴، ۳۰م)
په خوله کلمه لولي، لمونځ روژه کاندي کافر شته
دعوې کا د شېخيه، تر شيطانه لا بتر شته
ترپايه (خوشحال خان کليات، ۱۳۸۴، ۱۷۱م)
چې جامه يې پاتې نشي مرده شوی ته
خدايه! ورکړې و خوشحال هسې رحلت (خوشحال خان کليات، ۱۳۸۴، ۳۸۲م)

۱ـ ۲ـ ۱: اخلاق

اخلاق د انساني ټولنې يو اصل دی، اخلاقي اصول قومونه په ځانگړو قراردادونو او سنتونو را ټولوي، يو بل ته درناوی، ديني او ملي ارزښتونو ته ژمنتيا، ځان او ځای پېژندنه هغه څه دي چې قومونه په يوه ټغر را ټولوي، دغه په يوه ټغر را ټوليدنه د انسان ذهن له وړې کړی او واړه کورگي را باسي، په يوه لويه ټولنه يې ور گډوي، همدغو اصولو ته ژمنتيا او پالنه يو ملت را منځته کوي.

لوی خلک، شاعران او د دستار سړي هڅه کوي چې پخپلو ويناوو کې ټولنې ته فکر ورکړي. ټولنه په اخلاقي ارزښتونو ودروي، ويې روزي. دوی پر دې پوه دي چې د يوې ټولنې بنسټ د عدالت، انسانيت او اخلاقو پر ستنو ولاړ دی. د ټولنو تر منځ ترښت همدغه ارزښتونه ټاکي. يو ارزښت يې کولتوري، سنتي، ديني او مذهبي دی، بل ارزښت يې د ټولنې د نظام ټينگښت دی. د ټولنې نظام د همدغو ارزښتونو له مخې په عدالت، انسانيت، روحانيت او اخلاقو ولاړ دی. د امير علي شېر نوايي او خوشحال خان د زمانې که څه هم يو له بله سره شاوخوا دوه پېړۍ توپير لري خو د ټولنې نظام يې په يادو ارزښتونو ولاړ دی او هغه بدلون نه دی موندلی. دوی دواړه د ديني اخلاقو او ژمنتيا له مخې خپل دين او مذهب پالي او بل ته درناوي لري، دغه ارزښتونه دغو دواړو لويو شاعرانو پخپلو ويناوو او سياسي مبارزو کې پاللي دي. د همدغو ارزښتونو له مخې شرقي فرهنگ راپېژني:

سجده در پيش بتان فوت نمودن نه توان
زاهده اين نه نماز است قضا نه توان کرد

ای دل از نوری یقین می طلبی سرمه چشم
به جز از خاک در میکده ها نه توان کرد
طلب وصل حرم هر کی کند چون فانی
روی دل جز به بیابان فنا نه توان کرد (۱۴۵)

خوشحال بیا وايي:

زه خو د زړه درد غواړم په هر یو مذهب کې
تا زده ستا خبرې چې نقلونه رنګا رنګ کړې (خوشحال خان کلیات، ۱۳۹۵، ۱۲۲م)

۱ـ ۲ـ ۲: عدالت

عدالت د یو نظام د ثبات او تداوم یو اصل او د انسانانو تر منځ د ژوند تړاو دی. امیر علي شېر نوايي د سلطان په دربار کې هغه کس دی چې د ده د واکمنۍ زیاتره چارې د علمي پوهې، ذکاوت او تدبیر له مخې پر مخ وړي. پر ده د سلطان باور او د ده باورمندي هغه څه دي چې په سیمه کې یې عدالت ټینګ کړی و. د خلکو غوښتنه، هیله او توقع هم تر سلطانه له امیر علي شېر نوايي زیاته وه. امیر علي شېر نوايي یو سوله خوښی، پوه او عادل انسان و. د دې طبعې او خصلت له مخې د سیمې خلکو له ده سر اړیکه نیوله، د ده چلن د سیمې له خلکو سره د سلطان په باور انساني، اخلاقي او عدالت له مخې و.

نوايي د ښه حکومت بنسټ عدالت بولي:

ایلنیشادایله‌مککیراکدورمینگا،
عدلودادایله‌مککیراکدورمینگه.

د ده د عدالت تفکر حاکم را پېژني او په رسا ژبه وايي چې:

حاکم ناراستی را عاقبت سرگشته که یست
دور گردد بی الف آن را که داور آست

له نفس سره مبارزه او قناعت د فساد مخه نیسي او عدالت پر ځای کېږي، نوايي همدغه تفکر داسې وړاندې کوي:

با دهان خوشک چشم تر قناعت کن از آنک
هر که قانع شد به خوشک و تر شه بحر و بر آست

خوشحال هم په خټه او خوی خان و، تر فردي عبادته یې عدالت ته لومړیتوب ورکاوه. په عدالت کې یې یوه پراخه انساني ټولنه لیده او په عبادت کې یواځې د یوه شخص څېره، خو د عدالت ټینګول او پالل پخپله عبادت دی. هغه عبادت چې د الهي حکمونو له مخې په هغې کې د انسان او انسانیت درناوی نغښتی وي.

خوشحال عدالت د یو نظام ستن او د مشرولی بنسټ بولي:

چې په کار د مملکت دی
عدالت دی، عدالت دی
عدل نور د درست جهان دی
درست جهان په په ده ودان دی
عدل خدای دی امر کړی
په ښه شان یې دی نومړی
در ته وایم عدل کوم دی
چې تکیه د خوار، مظلوم دی
د پرهار مرحم دی عدل
په ستم ستم دی عدل
عدل درست سره طاعت دی
عدل واړه عبادت دی
عبادت د یوه ځان دی
عدالت د درست جهان دی
...
که کافر وي چې عادل وي
درست عالم ځنې خوشدل وي... (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ٦٢٧م)

۱ـ ۲ـ ۳: ترحم او عاطفه

ترحم او عاطفه هغه توکي دي چې قومونه پرې را ټولېږي، یو له بله سره غمشریکي ښیي. ظلم او ظالم غندي، ظلم که په هر چا او په هره بڼه وي، خو غندنه او پرې ویر د خوږمن او دردمن زړه سوې کړیکې او څړیکې دي، دغه سوې کړیکې سرحد او پوله نه مني، که د دنیا په یوه ګوټ کې پر یو چا تېری او ظلم کېږي، نو په بل ګوټ کې یې ضرور غندنه او پرې ویر کېږي، زموږ دغه دواړه سیاستوال چې د قلم او ادبیاتو سر لاري هم دي، په خپلو ویناوو کې له ترحم او عاطفې کار اخستی دی.

دا چې خانان دي یا امر ګان دي
په هنر کې ګرځي په هر مکان دي
غوښې هډونه د مظلومانو خوري
زما تر وهمه واړه ددان دي (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۵، ۷۷۰م)

۱ ـ ۳: ژمنتیا

د شرقي فرهنګ یو بل اصل دی. ژمنتیا په قول او ژبه کېږي. په ژبه او قول درېدل د مېړنو او هوښیارو خصلت او چلن دی . دا د ژوند یو بېل غرور دی. په ژمنتیا درېدل د انسانیت یوه ځانګړنه ده. په شرقي فرهنګ کې ژمنتیا دود ده. داسې دود چې قرباني غواړي. په دې اصل بېلا بېل فرهنګونه چې دغه دود پالي، راټولېږي. شاعران او لوی خلک هم د ژمنتیا اصل ته په خپلو لیکنو او ویناوو کې ارزښت ورکوي. رښتینولي، صداقت او پخپله ژبه درېدل د دغه اصل داسې توکې دي چې په ټولنه کې یو بشري او انساني نظام جوړوي.

امیر علي شېر نوایي دغه اصل په داسې ژبه یادوي:

آن بی وفا چی شد که نظر سوی ما کند
وعده کند وفا و به وعده وفا کند
ساقی که باد عمری اگر داردم
شراف من ناگرفته جام وی از کف رها کند (دیوان فاني، ۱۳۹۵، ۱۳۷)

خوشحال خان هم د ژمنتیا د اصل له مخې د ژوند تر پایه پورې ځان د مغولو د نمک پوروړی ګڼي.

جرأت

په شرقي فرهنګ کې جرأت یو بېل اصل دی. دغه اصل هم د رښتینولۍ، صداقت، ژمنتیا او قربانۍ له مخې پالل کېږي. کوم جرأت؟ هغه جرأت چې د اخلاقي بنسټونو تر اغېز لاندې وي. جرأت د عادل نظام د رامنځته کولو لپاره، د دیني اصل له مخې جرأت د ظالم پاچا پر وړاندې افضل جهاد دی. امیر علي شېر نوایي او خوشحال خان د همدغې فلسفې پالونکي دي:

باز در شهر چه غوغا است همانه کی دیگر
مست ان کافر بی باک به میدان امد
رند و رسوا شود و ان که سوی رندان به خرام
که به تقوای طرف میکده نه توان امد
فانیا دیر جای عجب دان کی در او
کافر عشق شد آن کس کی مسلمان امد (۱۴۲)

خوشحال خان بیا وایي:

اطاعت د اولو الامر ځکه نه کړم
خلیفه د زمانې په زړه کافر دی

+++

بخته هومره مدد بیا راسره وکړه

چې جمدر د مدعي په وینو سور کړم

دی د خپل ولس لپاره په موقف بایللو هم اړ نه دی:

که واړه خزانې د شاجهان بادشاه زما شي

همه واړه به زه په یو خال د خوبا ورکړم (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۵، ۱۸۶م)

په منصب پورې خوشحال ختک نوکر و

چې منصب ورځنې لاړ شه اوس بادشا شو (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۵، ۸۹۴م)

۱ ـ ۴: بشري حقونه او د بیان ازادي

لوی خلک او شخصیتونه په بل ظلم او تیری نه مني، د مشر او کشر پر درناوي ټینګار کوي، د هرچا برخه برخه بولي، د ټولنې محرومې برخې (ښځه) ته پر ځانګړي درناوي ټینګار او عمل کوي. د امیر علي شېرنوایي لیکنې یواځې نارینه ته نه دي، بلکې د ټولنې ټولو قشرونو او طبقو ویښتابه ته دي. یوه بېلګه یې هماغه ملا محمد جان او عایشې فولکلوري سندره ده چې تر شا یوه کیسه لري. امیر تر ملامحمد جانه د عایشې خبرو ته لومړی غوږ نیسي، هغه د زړه راز، سپینې خبرې ویلو، هیلې او غوښتنې کولو ته هڅوي چې دا پخپله یو بشري حق او په ټوله کې ولسواکي ده، بیا د هغې پر خوښه او غوښتنه هغه چاره تر سره کوي.

همدارنګه د سعدي له هغې وینا هم رنګ اخلي چې وایي:

بنی آدم اعضای یک دیگرند ...

نوایي وایي:

اگر ادم نگو ادمی

هر آن کوه ندارد غم ادمی

یعنې له چا سره چې د انسان غم نه وي، هغه ته انسان مه وایه.

خوشحال هم خپله مېرمن او لونې زده کړې او شعر ویلو ته هڅوي، ان تر دې چې په دیوان کې یې یو غزل د خپلې ښځې توتیا په نوم دی، دغه غزل د ښځې حواس او احساس په هنرمنه ژبه څرګندوي:

نور به مخ په ایینه برابر نه کړم

نه به دواړه سترګې تورې په رانجه کړم

نه به سپین لاسونه سره کړم په نکریزو

نه به نور په ږمنځې ساز د سر ویښته کړم

***

هغه یار چې چېرته دی خوشحال دې اوسي

دی دې خپله خوشحالي کا، غم به زه کړم (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۵، ۹۳م)

همدارنګه د مینې او عشق په خبرو هغه ټولنه چې د کولتوري محدویتونو تر سیوري لاندې ژوند کوي، د مینې خبرو ته را بولي او رسا ژبه ور کوي:

چې په ما باندې مین، زه پرې مین یم

چې زما په غم غمجن، زه پرې غمجن یم

+++

تا ویل خوشحاله چوپ شه، خوله مې واخله!

زه توتي یم چغار وکړم بیا شکر خورم (خوشحال خان ختک کلیات، ۱۳۸۵، ۸۴، ۸۸ مخونه)

د بیان ازادي تر دې را رسي چې خوشحال پر حاکمانو څه چې پر ځان هم انتقاد کوي:

چې تور ویښته دې سپن شول خوی دې نور نه شو خوشحاله

باور کړه اوس ناحق د سړي نوم درباندې ږدم (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۸۴م)

۱ـ۵: دربار او سیاست

دربارونه د لویو شخصیتونو په مشورو او سلا ودان وي، د ولس او دولت تر منځ د وصل یوه رښتینې کړۍ او د هغوي رښتینی غږ وي. د دغو لویو شخصیتونو (امیر علي شېرنوایي ـ خوشحال خان) سیاسي بصیرت او هڅې د خپل قوم د ویښتابه، پرمختګ، زده کړې ته د خلکو هڅولو، ذوق خړوبولو او په ټوله کې د یوې هوسا او بسیا ټولنې را منځته کول وو، دواړه دا غوښته چې له درباره خپلو خلکو ته ګټه ورسوي.

بختور امیران، شاهان، پاچاهان او ولسمشران هغه دي چې د دوی په زمانه کې داسې سترې څېرې او نوابغ راپیدا کېږي. که امیر علي شېر نوایي نه وای، نو د سلطان حسین با یقرا د امارت دروازې به رنګینې او د خلکو پر مخ خلاصې نه وای. سلطان حسین با یقرا به دومره د چا په زړونو کې نه وای لکه نن چې یادېږي. خو ورسره که د سلطان حسین با یقرا پراخ نظري، غوږ نیونه، پام او فرهنګ پالنه نه وای، نو بیا به د دغه نابغه شخصیت ځلونه هم نه وای. دا دواړه د یوې سېکې مخونه دي چې یو بل را پېژني. که خوشحال نه وای، نو د مغولي واکمنانو پښې به ښوېدلې او ډېر ژر د مرګ کندې ته رسېدلې وای، د خیبر تر پېښې وړاندې د خوشحال مشوره نه منل وو چې مغولي واکمن محمدامین ته په کې د سر او مال درانه زیانونه ورسېدل، دوی به نور هم له کړاونو سره مخ وای. خوشحال و چې مغولي واکمنو ته یې د

شاهانه فکر پراخې حوصلې او زغم مشوره ورکړه. پښتانه یې وربانديې پېژندل.

په سیاسي اړخ کې دا دواړه په دې نظر وو چې هر ملت باید ازاد او خپلواک وي، ازادي او خپلواکي په ولسواکۍ کې نغښتې، په دې برخه کې دوی هڅه کوله چې خپل خلک ویښ او ژوند ته را وبولي، ژوند یې په ریاضیت او زده کړه او پر ځان متکي کېدل وو، له دې لارې دوی د یوې بسیا او هوسا ټولنې تفکر دود کړ. ما ځکه په دې برخه کې د دواړو پرتلنې ته نغوته وکړه چې دوی متنازع شخصیتونه نه وو، د دواړو تفکر د سیمې او خلکو په خیر وه، نو داسې شخصیتونه د خلکو په زړونو کې اوسي، دوی د خپل دغه سیاسي بصیرت او جدو جهد له مخې سېمبولونه ګڼل کېږي.

نوايي خپل سیاسي او ټولنیز تفکر په (محبوبل القلوب) اثر کې چې په ازبکي یې په مسجع نثر لیکلی دی، د وتلي لیکوال ارال په وینا په دې اثر کې د تیموریانو او نوايي د مهال سیاسي او ټولنیز بحثونه نغښتي دي.

خوشحال خان هم په خپلو آثارو کې د خپلې زمانې سیاسي او ټولنیز بحثونه را نغښتي دي، ستارنامه یې هغه سیاسي او ټولنیز اثر دی چې په رنتبهور کې د مغولو تر ځارنې لاندې په یرغمل ژوند کې لیکل شوی دی. د دغه اثر بحثونه په ټوله کې سیاسي او ټولنیز تفکر وړاندې کوي. په نورو آثارو کې یې هم په متفرق ډول د مغولو او پښتنو سیاسي شعور او چلن څرګند کړی دی. په تاریخ مرصع کې چې د ده د لمسي افضل خان خټک له خوا را ټول شوی او منظم شوی دی، په دې اثر کې د ده په لاس لیکل شوې منثورې ټوټې چې بیاض یې بولي هم را نغاړل شوي دي، دغه منثور بیاض د ده د سیاسي او ټولنیز تفکر یادښتونه دي.

۱-٦: جغرافیوي موقعیت

جغرافیوي موقعیت د نړۍ په نقشه کې یوه سیمه له نورو سره توپیروي، د امیر علي شېرنوايي او خوشحال خان د زوکړې او مبارزې ځمکه داسې ځمکه ده چې ګډ فرهنګ، ګډ تاریخي ارزښتونه او ویاړونه لري. همدغو ګډو ارزښتونو یې خلک سره تړلي او یو کړي دي. د دغه جغرافیوي موقعیت ښکلی وجود چې سیندونه او غرونه یې د وصل کړی دي، د یو ملت زړه لري. اوبه او هوا او پر اقلیمي شرایطو برابر څلور فصلونه یې د تګ را تګ لپاره لارې او ګودرې برابروي. سړه هوا یې د دوبې تودو سیمو او توده هوايي د سړو سیمو خلکو ته د منظرو او ژوند غېږ پرانزي، دغه تګ راتګ د سیمې د خلکو پر تفکر او تخیل ښېل اغېز کوي، دغه اغېز هره سیمه د هر وګړي خپل کور بولي، د همدغه احساس له مخې د دې جغرافیې هر وګړی هر تاریخي ارزښت او معرکه خپله بولي. خوشحال د اباسین له څنډو تر هندوکشه راځي او هند کوه نامه لیکي، امیر علي شېر نوايي مو د سمرقند او بخارا پر څنډو ګرځوي. دغه لوی شخصیت هلته زده کړه کړې ده.

۱ـ ۷: فرهنگ

فرهنگ هم د ملت جوړونې په برخه کې د قومونو تر منځ یو داسې موقیت او ټکی دی چې د بېلابېلو ویالو اوبه را ټولوي او په یو لوی ډنډ کې یې د ارزښت په توګه وړاندې کوي، په دې برخه کې کرکیلی، فولکلوري روایات، دودونه، نرخونه، څلي، ادبیات (متلونه، نکلونه ...) ملموس او ناملموس آثار، اقتصادي زېرمې لکه پیسې، کانونه، جیولوجیکي ارزښتونه او کسبونه هغه څه دي چې معنوي او مادي ګټې او ارزښت لري، په دې مادي ګټو او معنوي ارزښتونو خلک را ټولېږي، دغه را ټولېدنه ملت جوړوي، مثلا په دودونو کې ودونه غم و ښادي، خوراکونه او مېلمستیاوې یادولی شو، ازبک قوم کې ازبکي پلو ډېر مشهور دی، په پښتنو کې د شینوارو کړایي، د خوست ډنډکی، د لغمان اوګره، د شمالي او کندهار شوربا... مېوې هم همداسې درواخله، دا هغه څه دي چې قومونه سره پالي، همدارنګه مېلمستا او د ودونو دود پالنه یادولی شو. دغه فرهنګي برخې د دواړو ستړو په آثارو کې نغښتي دي، دوی خپل خلک ښه پېژندلي او د هغه له مخې یې ور سره چلن کړی دی.

پر دې سربېره په ختیځ فرهنګ کې د لویو خلکو یو خوی او دود دا دی چې د کار خلک ستایي. د دوی په ختې او طبع کې دا نغښتي چې د خپلې لارې لارویان او ورسره جوخت هغه خلک چې د کار و زیار خلک دي وستایي. پر هغو خلکو چې په ټولنه بار وي او یا ټولنې ته رنځ ګرځي، هغه د نقد په ژبه انځوروي. امیر علي شېر نوایي د همدغه اصل له مخې تنبل او بېکاره خلک غندي او هغه خلک چې هغه د یو فن او هنر څښتن وي، ستایي یې.

(نوایي در آثار خود همیشه از اشخاص نیک، کوشا و پرکار قدردانی به عمل اورده، اما برعکس از عناصر تنبل و بیکاره و باردوش جامعه انتقاد کرده است) (دیوان فاني، ۱۳۹۵، ۷۲ص)

په دغو کسانو کې چې د هغوی ستاینه یې کړې حکیم انوري، سلطان حسین با یقرا یادولی شو.

خوشحال خان ختک هم همدغه خوی او خصلت درلوده. ده هم په ډېر جرأت او رسا ژبه هغه خلک چې د ستاینې دي، ستایلي یې دي او د غندنې یې غندلي دي.

شیخ ملا دې زما غم په بهار نه خوري
چې رباب و سرندې غوندې غمخوار شته

+++

د مېرزا دیوان مې ومانډه په ګوډي
مسخره مې ارزاني خېشکی زمند کړ
دروېزه مې له مخزنه سره ونغړ
پیر روښان مې یاوه ګوی سره مانند کړ

که دولت و که واصل و که دا نور وو
په خبرو مې د هر یوه ریشخند کړ
عشقه ته تر اورنگ زېب بادشاه بهتر یې
چې خوشحال دې په عالم کې سربلند کړ (خوشحال ختک، ۱۳۸۴، ۳۹۵م)

۱ـ۷ـ۱: هنر

هنر د خلکو تر منځ د اتصال کړی ده، ذوق روزي او پالي یې، هنر له لاشعوره تر شعور او اظهاره د ژوند د فکر او تخیل یو رنگین مزل دی. موخه یې د بشري ټولنې پرمختگ او هوساینه ده، د هنر په ډولونو کې موسېقي، خطاطي، حکاکي، انځورگري، ادبیات، میناتوري، مجسمه جوړونه، سینما را ځي، دغه برخې د قومونو ذوق او په ټوله کې د ملت جوړونې او بشري ټولنې بسنټ ږدي.

موسیقي، خطاطي، شاعري او انځورگري د مغلي دور هغه رنگېنی دي چې هنرمن غږونه او رنگین ټالونه یې په زیاترو سیمو کې انگازې کولې. د هغه مهال شاهانو او امیرانو پخپل هنرمن ذوق که له یوې خوا عمارتونه جوړول، خو تر څنگ یې فنونو ته زیات ارزښت ورکاوه. دغه فنون (موسیقي، خطاطي، حکاکي، انځورگري، شاعري) او آن نڅا هم په کې شامله وه.

دا دواړه ویاړمنې څېرې د داسې دور زوکړې دي چې د مغلي شاهانه او هنرمندانه تفکر وړانگې پر سیمه خورې دي. په اسلامي تمدن کې مغل هغه څوک دي چې د هنرمن ذوق او تفکر له مخې یې د اسلامي تمدن ستنې رنگینې او مضبوطې غوښتې. خلکو ته یې لږ تر لږه د ابادۍ فکر ورکاوه، تر دا اوسه چې چېرته عمارتونه، دنگې او رنگېنې مانۍ گورئ، نو هغه به د مغلي دور د تفکر او ذوق زېږنده وي.

امیر علي شېر نوایي د خپل هنرمن ذوق له مخې پر شاعرۍ سربېره د موسیقۍ او خطاطۍ هنر او فن هم پاللی دی او په دې برخه کې یې هڅې څرگندې دي. خوشحال هم د یو لوی شاعر، هنرمند ذهنیت او فن له مخې پر شاعرۍ سربېره موسیقي او خطاطي پاللې ده. خپل دیوان یې په هنرمنو گوتو او هنر قلم لیکلی دی، د لیکدود او خطاطۍ په برخه کې یې د ځنځیرۍ په نوم یو ځانگړی اثر شته دی.

۱ـ۷ـ۲: ژبه

ژبپوهان د ژبې لنډ تعریف داسې کوي چې ژبه د افهام و تفهیم وسیله ده، دلته ژبه یواځې او یواځې پیغام رسول او پر پیغام پوهېدل دي، ژبه له دې تعریفه اخوا په افغاني فرهنگ کې د تهعد او ژمنې په مفهوم او مانا کارېږي.

ژبه قومونه سره په یو لړ گډو ارزښتونو وصلوي. په دغو گډو ارزښتونو کې ځینې ژبني مفاهیم او کلمې دي. دغه کلمې او مفاهیم په زیاترو ژبو کې کارېږي، د دې سیمې وجود او اقلیمي شرایط داسې

را غلي چې د ګډ فرهنګ توکي، کلمې او مفاهیم یې یو له بله سره په ژبه هم تړي. په لویه کې عربي د دین او زده کړې ژبه وه، دین زموږ د ټولو یو اتفاقي اصل دی، نو د همدغه اصل له مخې د دې ژبې اغېز پر فارسي دری، پښتو، ازبکي، پامیري، پشه یي، نورستاني او ... ژبو بېل وینو. فارسي د زده کړې، دربار او کارو بار یوه ځواکمنه ژبه پاتې شوې ده، نو د دې ژبې اغېز د سیاسي او ټولنیزو ارزښتونو له مخې په نورو ژبو لکه ازبکي، پښتو ، پامیري او ... کې څرګند دی.

هندي هم د سیمې هغه ژبه ده چې د متونو، تاریخي شالید او کار وبار له مخې زموږ پر ژبو ځانګړی اغېز لري، دغه اغېز په پښتو، فارسي، ازبکي او نورو ژبو کې څرګند دی. پخوا به خلکو ویل چې عربو ته تګ د دیني زده کړو او هند ته تګ د کارو بار لپاره کېږي.

نو: پر همدې بنسټ په ژبو کې د کلمو او مفاهیمو ګډون قومونه په فرهنګي لحاظ سره نږدې کوي او د ملت جوړونې یو بل اساس ګڼل کېږي.

امیر علي شېر نوایي په ازبکي ژبه کې شاوخوا ۳۲ او په فارسي ژبه کې یواځې یو دیوان لري چې دولس زره بیته کېږي او د ازبکي منظوم بیتونه یې چې لاس ته را غلي شاوخوا ۱۲۴زره بیته دي. د ازبکي ژبې د کتابونو نومونه یې په عربي ژبه دي. د کتابونو په متن کې یې هم د عربي او فارسي ژبې اغېز وینو.

خوشحال خان هم د یو لوی شاعر او لیکوال په توګه چې د راورټې په وینا ۲۵۰کتابونه لري، له دې کتابونو یې زیاتره لادرکه دي، د ده په وینا چې دی تر څلویښت زرو زیات بیتونه لري، د ده په لیکنو (نظم ـ نثر) کې د عربي، فارسي، هندي او ترکي ژبو اغېز څرګند دی. د دغو دواړو لویو شخصیتونو په لیکنو کې د ژبو رنګارنګي د یو لوی ملت جوړونې تفکر ښیي.

((زموږ پښتو او ازبکي دواړه ژبې د دری له فرهنګ سره ژور علایق لري. په تېرو دوو سوو کالو کې پښتو ادبیات د دری ژبې د زرو کالو ادبیات په ځان کې جذب کړي دي. اوزبکي ادبیات هم همداسې درواخلئ.)) (محمد اشرف غني، ۱۳۹۹، ۳۷م)

۱ ـ ۷ـ ۳: شاعرانه چاپېریال

چاپېریال د شخصیت په روزنه، پالنه او ذوق خړوبونه کې لویه ونډه لري. دغه دواړه شخصیتونه پر سیاسي هڅو سربېره لوی شاعران تېر شوي دي، د دوی پر هنري ذوق سیاسي، فرهنګي او ټولنیز چاپېریال خپل ځانګړی اغېز ښندلی دی.

ذبیح الله سفاري وایي چې:

نوایي ترکي شعر عام او کمال ته ورساوه.

په هنرمن چاپېریال کې زوکړه او زده کړه او کار کول شخصیتونه روزي. لوی خلک تل د دې

رنګینو مانیو، دنګو سیورو لاندې کندو ته ګوري. دغه دنګوالی او رنګیني د دوی په خیال او فکر کې د ابادۍ ځالې او د هوساینې او بسیاینې تفکر روزي. دغه دواړه ویاړمن شخصیتونه د خپلو هڅو، خواریو او د خولو په څېره کې د خپل ولس هوساینه او بسیاینه ویني.

د امیر علي شېر نوایي فرهنګي او سیاسي مبارزه د خپل قوم پر ځان بسیاینې، روزنې اخلاق، عدالت او په ټوله کې د انساني نړۍ رامنځته کول دي. د دغه تفکر لپاره یې سیاسي او فرهنګي مبارزه کوله. وسیله یې ژبه او قلم و، جد و جهد او بنسټونه یې د قوم او ملت ارزښتونو پالنه او په لویه کچه دینداري وه. د قوم له بنسټونو او ارزښتونو یې خپلې مبارزې ته رنګ او ژوند اخیست. د دیني ارزښتونو په پالنه کې یې یوې لویې نړۍ، بشر پالنې او انساني دایرې ته ننوت. ژبه یې ازبکي، فارسي، ذهن یې انساني او تفکر یې اسلامي و. لوی خلک د همداسې ذهنیت او خلاقیت لرونکي وي. له یوې وړې چرګۍ لکه سپرغۍ را الوځي او لوی کور رڼوي. خوشحال هم د مغلي دور د رنګینیو او ابادۍ په زمانه کې د یو افغاني ذهن خاوند، د اسلامي ارزښتونو پالونکی او د خپلو ارمانونو او هیلو ځلونکی و. ارمان یې د انسانیت په ګاڼه د یوې ښکلې دنیا سینګارول، د خپل قوم او ملت سوکالي، هوساینه او په تعلیمي ګاڼه سمبالښت و. هدف یې د یو هوسا او بسیا ټولنې جوړول، د خپلې ژبې او قوم د پرمختګ لپاره هڅه وه. وسیله یې ژبه، قلم او توره وه. په ژبه یې خلک پوهول، په هنرمندانه کلمو یې دنیا د بشرپالنې تفکر ته رابلله او په توره یې د خپلې خاورې او خپلو خلکو له ولیو د ښکېلاکګرو جغ کوزول او ولرې کول و. دغو دواړو د خپلې خاورې او خپلو خلکو د ازادۍ او نېکمرغۍ لپاره فرهنګي کار او د ذوق خړوبولو لپاره یې شاعري هم کوله، شاعري یې د خپل فکر د رسولو لپاره تر هرې بلې وسیلې ښه او ارزښمنه ګڼله.

دوی دواړو د ازادۍ او نېکمرغۍ سباوون د تورو تیارو د غرونو په اېل کولو کې لیده. دغه غرونه د هغو ښکېلاکګرو له خوا هسک شوي وو چې قومونه یې یو تر بله ویشل او په مخ کې یې خنډونه وو. امیر علي شېر نوایي دا هڅه کوله چې خپل خلک او خپل ولس د خپل فرهنګ ترڅنګ د نورو له فرهنګ سره اشنا او بلد کړي. یو له بله سره راشه درشه ولري. پر ازبکي ژبه سربېره یې په فارسي ژبه دیوان پرېښود، خوشحال هم یواځې د پښتون تر کوره منحصر پاتې نه شو. د اباسین له څنډو د هندوکش تر غرونو راورسېدو. هندکونامه یې ولیکله، پر پښتو سربېره یې په فارسي ژبه شعر ووایه. دا هڅه یې له قومیته ملت جوړونې ته تګ و.

۱ـ ۷ ـ ۴: صوفیانه لاره یا طریقه

فرهنګي شخصیتونه تل په دې هڅه کې وي چې د روحي تسکین، خپلې مبارزې د انسجام او اغېزمنتوب لپاره یوه صوفیانه لاره یا طریقه غوره کړي، د پیر او مرشد لاسنیوی وکړي، دغه طریقه او لاره قومونه سره نږدې کوي او د ملت جوړونې یو ښه عنصر ګرځي.

دغو دواړو شخصیتونو هم لوی خلک وستایل، د لویو خلکو له هڅو او زیارنه یې پند واخیست. پر دې پوه وو چې له لویو خلکو او شخصیتونو سره ناسته ولاړه د دوی پر علمي او سیاسي مبارزه اغېزناکه تمامېږي. په دې لویو علمي شخصیتونو کې یو هم مولینا عبدالرحمن جامي دی، عبدالرحمان جامي یواځې او یواځې تر یوې محدودې ساحې، د زوکړې یا خاپوړو تر کلي منحصر پاتې نه شو. شرح جامي یې د هر مومن کورته ننویسته. نن هم د پښتانه، تاجک، ازبک، ایماق، پشه یي، نورستاني، ترکمن، گواري او ... او نورو مومنانو په کور کې شرح جامي لوستل کېږي. امیر علي شېر نوایي د همدغه ستر انسان شرحه لوستې او گوړه یې ورته ایښې، په پیرۍ یې منلی، لاسنیوی یې کړی. ترې اغېزمن شوی دی، دی پر دې پوهېده چې د داسې لویو خلکو خبرې او لاسنیوی د ژوند یو خوږ باب جوړوي او انسان له یوې محدودې جغرافیې د ژوند لوی ډگر ته را وباسي.

اتشین لعل که تاج خسروان را زیور است

اخگر بحر خیال خام پوختن در سر است (دیوان فاني، ۱۳۹۵، ۱۲م)

دا یوه لویه قصیده ده چې د مولانا عبدالرحمان جامي ستاینه او حکمت په کې بیان شوی دی.

خوشحال هم شرح جامي لوستې، د پیرانو لاسنیوی یې کړی، دیني ارزښتونو ته ژمنتیا یې هدایه او د قران کریم پر ایتونو استناد ښیي. له لویو خلکو سره یې ناسته هم د دینی او مذهبي ارزښتونو پالنې اغېز ښیي. ده هم د پیر لاسنیوی کړی دی، هغه پیر چې ده ترې د خپلې مبارزې لپاره دعا غوښته، هغه شیخ رحمکار کاکا صاحب دی.

خوشحال پر شیخانو هم د خپل ولس حال ته په کتلو او نظره نقد کوي او وایي:

د دې دور د شیخانو حال مې وکوت

چې ساعت ور سره کښېنم ترې ویزار شم

ما دا هسې شېخي دوی و ته بخښلې

په محشر دې د رندانو سره شمار شم

چې حلال کسب یې نه وي شکرانې خوري

خدایه بخن په شېخی د شېخ رحمکار شم

چې ځرگنده سربازي کاندې د تورو

زه خوشحال ختک تر هسې هنر ځار شم (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۷۹م)

امیر علي شېر نوایي د خپلې مبارزې د غښتلتیا لپاره نقشبندیه طریقه غوره کړه. خوشحال هم په نا ځان خبرۍ د وحدت الوجود د لارې مشالونه راواخیستل او د خپل تفکر او ذهنیت لارې یې پرې لا رڼې کړې. دوی دواړو په دې برخه کې د خپلې مبارزې لپاره ریاضت وکړ.

د یو قوم د لویو شاعرانو یو ګډ خصوصیت دا دی چې هر یو داسې وینا کوي چې هغه د یو څو کلونو نه بلکې د وړاندې زمانې خبرې پکې نغښتې وي او عمر یې لنډ مهالی نه اوږدمهالی وي. دغه شاعران او لوی خلک تر هغو ژوندي وي چې قوم او ژبه یې ژوندی وي. د قوم او ژبې د بډاینې او ژوندي ساتلو یو لوی لامل هم همدا خلک دي. د دوی په ویناو کې داسې څه نغښتې وي چې هغه ژبه ژوندی ساتي، نور خلک لوستو ته را بولي. د نورو ټولنو خلک هم د داسې رنګینو او تلپاتې ویناوو له فکر او لیده د ټولنې د جوړښت او مبارزو لپاره ګټه اخلي. داسې خلک له یوې وړې ټولنې وځي او لویې ټولنې ته سرلیک کېږي. نړۍ وال شهرت او شخصیت پیدا کوي. د دوی ویناوې د کلاسیکیت ارزښت لري. امیر علي شېر نوایي شاوخوا شپږ سوه کاله وړاندې تېر شوی دی، خو نوم یې اوس هم په زرینو کرښو لیکل کېږي. لامل یې د ده وینا او مبارزه ده.

۱ـ ۷ ـ ۵: ذوق او ښکلا

ذوقونه او ښکلا خوښونه ځینې ځانګړې سیمې را پېژني چې هغه د لویو خلکو او شاعر مزاجه انسانانو د ذوق، تخیل او تفکر نتیجه وي. پر طبعې او مزاج یې د طبیعت اغېز پروت وي. د طبیعت اغېز د دوی حواس او ښکلا خوښونې ذوق راپاروي. په هغو ټولنو کې چې یو څه ورته اقلیمي شرایط لري، هلته د انسانانو ترمنځ د ښکلا خوښونې ذوق هم ورته وي. د دوی شکایت، ستاینه، غوښتنه او هیله سره په نسبي توګه یو وي. امیر علي شېر نوایي د یوې داسې ټولنې زوکړی دی چې چاپېریال یې لمرین تود او باد لري. دغه او دې ته ورته توکي دده د حواسو په پارونه کې اغېزمنه ونډه اخستې. د سیمې علمي چاپېریال یې روزلی دی، نو د ده اقلیمي، علمي او فرهنګي چاپېریال په ژبني، فکري او مذهبي لحاظ د خوشحال خان د طبیعي چاپېریال سره ورته والی لري. د هرات په چاپېرچل کې باد، تودوخه، لمر او د اولیاوو استوګنه هغه څه دي چې د امیر علي شېر نوایي پر شاعرانه او سیاسي ذهن یې ځانګړی اغېز کړی دی. د خوشحال پر ذهن بیا د لمر، سپوږمۍ او په لنډي سیند کې د دوی ډوبېدل د لویو شخصیتونو استوګنه، تګ راتګ، سوداګریزه لاره او تودوخه هغه څه دي چې د ده په شاعرۍ او ویناوو کې یې ځان را څرګند کړی دی.

د ختیځ د ښکلا خوښونې تفکر له اب و هوا، لمر سپوږمۍ ستوري او ... سره تړلی دی. شیخ، جام، ساقي، بزم، رزم، زلفې، مخ، زنه، خال او شونډې یادوي. په دې هر توکي کې د ښکلا خوښونې یوه ځانګړې فلسفه وړاندې کوي. د دې لویو شاعرانو په شعرونو کې تر ډېره د دغو توکو هنري انځورونه وړاندې شوې دي. د همدې توکو په فلسفه کې د ژوند یو بېل راز ویني :

ای که گوی در جوانی باده نوش اینک ببین

مست در دیر مغان افتاده شیخ و شاب را (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۶۹م)

زه خو شرابي يم شيخه څه را سره جنګ کړې
برخې ازلي دي کاشکې ما د ځان په رنګ کړې

د سيمې غرور د شاعر د ښايست او پېژندنې يوه بېله نښه ده. غرور په څه؟ په خلکو، په طبيعت او د خلکو په مړانه، جد و جهد او لاسته راوړنه په طبيعت او د طبيعت په مناظرو.

(نام و ننګ) هغه ترکيب دی چې د ختيځ زياترو شاعرانو ياد کړی او په همدې غرور دوی سره راټولېږي. امير علي شېر نوايي دغه ترکيب څو ځايه کارولی دی:

مست نگر به ميکده مغبچگان شنگ را
چاگ زده بر اهل دين خرقه نام و ننگ را (ديوان فاني، ۱۳۹۵، ۷۵م)

خوشحال هم وايي چې:

پخپل نام و ننگ چې راشم ليونی شم
خبردار کله په سود او زيان د لک يم (خوشحال خان ختک، ۱۳۸۴، ۴۱۰م)
هر چې ستا کوڅه مقام کا
تر تلي دې ننگ و نام کا (خوشحال ختک کليات، ۲۳م)

شپيلۍ، چنګ، ساقي، مې او ميخانه دا هغه توکي دي چې زموږ کلاسيک شاعران يې زيات کاروي. په دې توکو کې د افغاني فرهنگ بېلا بېل انځورونه او ذوق نغښتی دی.

فانی اگر به دير شد بود بغير اختيار
رفت زخود شنيد چون ناله نای و چنگ را
مرا زخانه بر آرد هوای ميخانه
چو نيست می نه توان يافتن به خانه مرا
به يک دو جام سبوهی رهانم ای ساقی
خراب داشت خمار می شبانه را
ساقی بيار جام می لال فام را
بی جوف ساز پيکر ياقوت جام را (ديوان فاني، ۱۳۹۵، ۷۵ص)

خوشحال خان وايي چې :

می شته، چنګ و نی شته، ساقي را شه باده را کړه
تل به بهار نه وي چې تېرېږي وخت د ثور (خوشحال ختک کليات، ۱۳۸۴، ۳۷م)
نشته چنگ و نشته له خپل يار سره خوشحاله
خپل بياض په لاس کې څه گلزار لره کنه

***

زه مست بېخوده، پروت یم په یوه پیاله د میو

ساقي ښیښه نیولې را ته فکر د بل جام کا (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۲۱م)

دغو دواړو شاعرانو د طبیعت مناظرو ته په کتلو بېلابېل توکي یاد کړي دي، په دې کې یو هم د نرګس ګل دی، نوایي دغه اسطوره یي ګل یاد کړی دی.

در گلشن دوران همه در دور قده کن

چون نرگس ازاده چو یابی درمی چن

خوشحال هم د نرګس له ګل سره یوه ځانګړې مینه لري:

وروستي سپرلي نرګس دی

د خوشحال قدر لرئ

د نرګس ګلونه هم هر ګوره زېب کا

ستا د سترګو وینم لا زېبا ښایست (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۲۹م)

د نرګس ګلونه پلي سپاره را غلل

ننداره یې د بهار کړه افتتاحه (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۱۳۰م)

دنرګس ګلونه پلي سپاره راغله

ننداره یې د بهار کړه افتتاح (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۵۴م)

۱ـ۷ـ٦: پیغام

د لیکوال او سیاستوال پیغام د یوې لویې، بسیا او هوسا ټولنې را منځته کول، د قومونو تر منځ راشه درشه او ملت جوړونه ده. نوایي او خوشحال هم د انساني ټولنې لپاره یو پیغام لري او هغه پیغام یې سړیتوب، سوکالي، مینه او د خلکو ویښتیا ده. امیر علي شېر نوایي په دې نه دی چې د امیر لومړنی وزیر دی، بلکې په دې دی چې له دې مقامه خپلې خاورې او ټولنې ته څنګه ګټه واخلي. خوشحال هم پر دې نه دی چې مغلي دربار ته نږدې دی او مغلي شاهانو ته ګران دی، بلکې پر دې دی چې د مغلو له حرکت او له موجوده موقفه خپلو خلکو او ټولنې ته څنګه ګټه واخلي. خاني پرېږدي د مغلو له درباره وځي، د خپلو خلکو د ویښتابه لپاره له مغلو سره مخامخ مقابله کوي. مقابله یې هم داسې ده چې د مغلو نمک نه هېروي، مغلو ته له پښتنو سره چلند او سلوک ورښیي او دا ورته وایي چې له دې خلکو سره زشت او تونده رویه پکار نه ده. دا هم په ځان پور ګڼي چې دی د مغلو په دربار کې را لوی شوی، د مغلو نمک یې خوړلی، له نیکه نیکه نه مغلو د ده کور ته ګټه رسولې.

پر ورده که د مغلو په نمک یم
د اورنګ له لاسه ډېر له غرېو ډک یم

امیر علي شېر نوايي هم په یو انساني پیغام او انساني ټولنې پسې ورک دی. خپلو خلکو ته د یو هوسا ژوند لپاره خپل هوسا ژوند لوګی کوي. د ملا محمد جان سندره خو مو په یاد ده: دی زړونه پېوندوي، په دې نه دی چې دی لوی دی، لومړنۍ وزیر دی، هر څه یې په لاس کې دي، بلکې په دې دی چې دوه زړونه څنګه سره پیوند کړي، نو د ملا محمد جان او عایشې فولکلوریکي کیسې د روایت له مخې د زړه په پېوندولو پسې ګرځي. خپل قوم او خلکو ته د یو هوسا او بسیا ژوند غوښتونکی دی.

۱ـ۷ـ۷: نظم او نثر

د ختیځ فرهنګ شاعران او لیکوال یو لړ ځانګړي چوکاټونه لري، هغه د دوی د هنري پنځونو، خلاق ذهن او هڅو پایله ده، خو تر څنګ یې له دې محدودې جغرافیې ور اخوا له نورو ژبو سره هم ګاونډیتوب پالي. هغه ارزښتونه چې دغه ژبې په یوه بله دایره کې ورګډوي او هغه د اسلامي ټولنې بنسټ دی چې د عربي ژبې او فرهنګ اغېز په ختیځ فرهنګ راسپړي. د عربي ژبې د اغېز په برخه کې اوزان او د نظم و نثر تصنیفونه یادولی شو. په نظم کې غزل، قصیده، مثنوي، ترکیب بند، ترجیع بند، مسدس، مخمس، قطعات، څلوریزې او... هغه څه دي چې د شرقي ژبو ویوونکي تر اغېز لاندې راغلي او دغه صنفونه یې پاللې دي. د شعر د ښکلاییز، د توکو معاني او قافیه او عروضي جوړښتونو په برخه کې د عربي ژبې او ادب ونډه څرګنده ده. له همدې امله دلته د یوې لویې ټولنې جوړېدو او ذوق خړوبولو دنیا رامنځته شوې ده. د امیر علي شېر نوايي چې په فارسي ژبه کې ځان فاني بولي په دیوان کې هم دغه صنفونه او اړخونه پالل شوي دي. خوشحال خان هم له قصیدې رانیولې تر قطعې او رباعي ګڼ صنفونه پاللي دي. د نظم پر لفظي جوړښتونو سربېره معنوي جوړښتونه هم ټولنې د هنر په تار تړي. په معنوي جوړښتونو کې حبسیه، حماسه، حمد، نعت، ستاینه او... هغه څه دي چې بېلا بېلې ټولنې په هنري تار سره تړي. امیر علي شېر نوايي په خپل فارسي دیوان کې دغه معنوي جوړښتونه هم پاللې دي او خوشحال خان هم په پښتو کې د یو شمېر جوړښتونو بنسټ ګر دی. بل لور ته عربي ژبې نه یواځې دا چې په شرقي ژبو وویيز اول لیکنی اغېز ښندلی، بلکې تر څنګ یې فرهنګي اغېز هم ښندلی دی. په فرهنګي اغېز کې اخلاق، کړه وړه او یو شمېر دودونه دي. نو د الفبا په ترتیب د دیوانونو ترتیبول د دغو ټولنو تر منځ یو هنري تړښت دی.

د شرقي فرهنګ شاعران د شعر په ښکلاییزو توکو کې تشبیه، استعاره، سمبول، پاراډوکس او په بدیع کې تضاد، تقابل، تجنیس، لف و نشر، ارسال المثل، تلمیح او.... ډېر پالي. زموږ کلاسیکو شاعرانو

په تېره همدغو دوو وتليو شاعرانو همدغه توکي ډېر پاللي دي. دغه پالنه هم د ذوق له مخې د ټولنې خلک يو له بل سره نږدې کوي.

په ښايست د ښايسته يوسف ثاني يې
په دوه کونه ښه ديدن دی رايگان ستا (خوشحال خان ختک کليات، ۲۳م)
که يو ځله مخ ښکاره کا له نقابه
د ښايست نامه به واخلي له افتابه (خوشحال خان ختک کليات، ۱۲۲م)

۱ـ ۷ ـ ۸: فولکلوري ارزښتونه

لوی خلک او شخصيتونه هڅه کوي چې د ټولنې فولکلوري روايات او ارزښتونه ولولي، وا يې وري، له همدې لارې خپله ټولنه او د خپلې ټولنې خلک په اروايي لحاظه وپېژني.

په کولتوري ارزښتونو کې يو ارزښمن توکی او برخه فولکلوري ادبيات او روايات دي. امير علي شېر نوايي چې د ټولنې له منځه را پورته شوی، تفکر يې افغاني او ذهن يې انساني ارزښتونه پالي، نو له خپلو خلکو سره پخپله ژبه او فرهنگ راشه درشه پالي.

لوی خلک او لوی شخصيتونه تل هڅه کوي چې د خپلې ټولنې پېژندنه او هويت د خپلو خلکو په اخلاقو، کړو وړو، راشه درشې او ناسته ولاړه کې وپېژني. امير علي شېر نوايي هم د همدغو ارزښتونو پالنې ته په پام يو لړ فولکلوري ارزښتونه هم پاللې دي. په هغو فولکلوري ازښتونو کې د ملا محمد جان اوعايشې فولکلوري نکل شامل دی چې په سيمه کې ترې يو لوی سندريز شور او سندره جوړه شوه. دې سندرې او سندريز شور افغاني فرهنگ ونيو. داسې کور او کلی به نه وي چې دا سندره يې يو ځل زمزمه کړې نه وي. ددې سندرې عمر د امير علي شېر نوايي تر ژونده محدود پاتې نه شو، بلکې لږ تر لږه پر ازبک مېشتو او فارسي مېشتو سيمو سربېره يې پښتون مېشتي او د نورو قومونو سيمې هم ونيولې. شور يې دومره زيات شو چې دغه فولکلوري نکل ته د هر چا پام واوښت. د دې سندرې ويونکی هغه څوک وه چې د ملا محمد جان سره يې مينه وه، هغه عايشه وه. د عايشې او ملا محمد جان د زړونو پېوند امير علي شېر نوايي کوي. د دې نکل تر شا د هغه مهال دود او د حکومت چال، چلن او سلوک انځور شوی دی.

نوايي په لومړي ځل په ازبکي ژبه کې خمسه وليکله، خوشحال د لومړي ځل لپاره په پښتو کې دستارنامه، بازنامه، طب نامه، سوات نامه، فراقنامه او ... کتابونه وليکل، خمسه د امير علي شېر نوايي هغه اثر دی چې پنځه فولکلوري نکلونه په کې په منظومه بڼه وړاندې شوي دي، خوشحال په خپل ديوان کې بيا حکايات چې تربيتي اړخونه لري، را وړي دي.

خوشحال خان فولکلوري روایاتو، ارزښتونو او نکلونو ته ژمن و. یو مهال یې خپلو زامنو ته وویل چې دوی باید پښتو فولکلوري کیسې او نکلونه راټول او خوندي کړي چې په پایله کې صدر خان، ادم خان او درخانۍ او دلۍ او شهۍ ولیکله. خوشحال خان هم پخپلو نظمونو کې له فولکلوري روایاتو ګټه اخستې ده. طب نامه او دستارنامه یې د فولکلوري روایتونو له مخې غني کړې ده.

۱ ـ ۷ـ ۹: لوبې او مېلې

زیاتره کولتوري دودونه او لوبې قومونه سره نږدې کوي، ګډ اړخونه لري. په دغو دودونو کې یو هم لوبې او سیالۍ دي، د لوبو ور ته والی دا ښیي چې د قومونو تر منځ تړښت اوسنی نه پخوانی دی. دغه تړښت په وینه، مینه، ستې او ختې کې نغښتی دی. د سپینو، چرګانو ساتنه، جنګول، د نورو حیوناتو او الوتونکیو ساتنه، سیالي او مېلې ځانګړی ارزښت لري. همدا سیالۍ، لوبې او مېلې خلک سره نږدې کوي.

په لوبو کې د آس ځغلولو لوبه ډېره دود ده، ازبک د آسونو په پېژندنه، ساتنه او لوبونه کې ډېر مهارت لري. د نوایي په لیکنو کې د آس ځانګړې یادونه شوې ده. د آس ځغلونې لوبه او ساتنه شاهانه ذوق دی.

دا دواړه لوی شخصیتونه چې د شاهانه ذوق خاوندان دي، د آس خاص ذکر کوي.

خوشحال وایي:

که مې عمر د عفد په کال کې آس دی

د سواری په کار کې ټینګ لکه ازبک یم (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۴۱۱م)

۱ـ۷ـ ۱۰: د فاني آس او د خوشحال باز

مفکر لیکوال هڅه کوي چې د ذوق خړوبونې لپاره د خپل چاپېرچل حیونات او الوتونکي یاد کړي، د هغوي ځانګړنې او ډولونه وښیي چې د خلکو اړیکه ور سره ډېره ده.

آس د ښکلا سېمبول دی، په کولتوري روایتونو او فالونو کې یې د بخت لپاره هم کاروي. نوایي آس سره له زړه مینه او علاقه لري، دی آسونه پېژني، هر آس د خپلې پوهې او تجربې له مخې تعریفوي. د آسونو خوی، خصلت او وړتیا را ښیي. د بېلابېلو خصلتونو او رنګونو له مخې یې خپله ډلبندي کوي او نوم پرې ږدي، مثلا دی سپین آس ته سپین نه وایي، دی ورته بل نوم اخلي. همداسې نور در واخله.

خوبلرخیلیاګرهرساریتوتمیشروستاخیز،

ګوییامیدانایچیګهچاپدیکومسیکرتدیآت.

خزاین‌المعانی

باز بیا د یو پراخه لید څرګندوی دی، باز د ښکار وسیله ده، زورور او زړور دی، خو لید یې د الوت له مخې پراخه دی، خوشحال باز ساتي، ذوق پرې خړوبوي، د ځانګړې علاقې او خپل لید له مخې د باز خوی، خصلت، رنګ، غړي او بڼه را پېژني، د ښکار او روزنې طریقه یې را ښیي.

۱ـ ۸ ـ ۹: اسطورې او حماسې

ځینې تاریخي او مذهبي اسطورې دي چې په بار بار یادولو او بېلا بېل تعبیرونو سره قومونه او ملتونه تړي. دغه اسطورې سیمه ییزه اسطورې دي. په افغاني او تېره شرقي فرهنګ کې د یو شمیر اسطورو دود او راوړل بېلا بېلې جغرافیوي ساحې او قومونه سره نږدې کوي. په دغو اسطورو کې چې یو شمېر یې مذهبي او دیني ارزښت لري او د اسلامي امت ګډ ارزښتونه ګڼل کېږي، د بېلګې په توګه د یوسف علیه السلام، موسی علیه السلام او د حضرت علي د جنګنامې حماسې او اسطورې یادولی شو. د دې ترڅنګ د فرهاد او شېرینې سیمه ییزې اسطوره چې په افغاني فرهنګ کې دود شوې ده د یادونې وړ ده. دغو دوو شخصیتونو په خپلو ویناوو کې له دې اسطورو کار اخیستی دی. دوی دغه اسطورې د تلمیح په بڼه ذکر کړې دي:

شرم یوسف دی ارزان یې مه پلوره
غټه په کار ده وړو ته مګوره
نرۍ ونه په نري باد ښوري
که لویه ونه یې په لږ باد مه ښوره (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۵، ۷۱۹م)
ته محبوبه که شېرینه د دې وخت یې
زه خوشحال د اوسني دور کوهکن یم (خوشحال خان ختک کلیات، ۱۹۰م)
ګوره څو قرنه کلونه باندې تېر شو
چې فرهاد په بې ستون کې لا همدا دی (خوشحال خان ختک کلیات،۴۸۷م)
زه فرهاد د زمانې یم
ته شېرینه د دې دور (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۴۳م)
مجنون و ذکر لیلی فرهاد و یاد شېرین
در پیش شان چه خوانی صد گونه داستانرا (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۵، ۹۸۶ص)

(جام جم) هغه ترکیبي نوم دی چې تر شا یې یو اسطوره پرته ده. دغه اسطوره هم د ختیځ ده. په دې سیمه کې چې څوک اوسي د هغه ذهن د جام جم دې اسطورې سره اشنا دی. جامِ جم د اساطیري نکلونو له مخې هغه جام و چې د پیشدادي پاچا یما یا جمشید په واک کې و او په هغه کې یې د ټولي

نړۍ پېښې کتلې. دغه ډول جام یا پیالې ته چې د نړۍ هر څه پکښې معلومېږي، جامِ جم وایي.

امیر علي شېر نوایي جام جم په بار بار پخپله وینا کې یاد کړی دی.

در جام جم، بریز شراب مغانه را

در وی نه گر حقیقت این کارخانه را (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۷۷ص)

هر سفال کهنه در دیر مغان شد جام جم

ز ان که انجا هیچ فرق در گدا و شا نیست (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۹۲ص)

دارم سفال کنه میخانه پرشراب

کاین اینه سکندر و این جام جم نداشت (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۱۱۰ص)

و گر به بزم طرب جام جم نهد بر کف

رموز چرخ بر فرخنده اختر دان (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۱۳۹ص)

چون ان رندی که از دوران دلش چون غم زنگیرد

سفال میکده بر کف بجای جام جم گیرد (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۱٦۸ص)

۱ـ۹: تاریخ

تاریخ او تاریخي روایات د نسلونو تر منځ د اتصال، یووالي او پرمختګ لاملونه دي، د قومونو مبارزې او پر تاریخي ارزښتونو را ټولېدنه، ننګه او ملاتړ د ملت جوړونې اسباب دي. کله چې پر ګران هېواد پرنګي او روسي یرغلونه وشول، نو ټول ملت یې پر وړاندې ودرېده، دوی له خپلې خاورې چې د ناموس ارزښت لري، په ننګه له خپل ټوپک او کوتک سره را ووتل، دلته مساله ملي وه، یوه قوم هم دریغ نه کاوه، د دغو معرکو ګټونکی ملت و نه کوم ځانګړی قوم. همدا اوس مهال د شهید قاسم خان شهادت یادولی شو، کله چې د خاورې په ننګ شهید شو، نو نه یواځې پښتانه د ده شهادت و نمانځه بلکې ازبک، تاجک، ترکمن، هزاره، پشه یي، ایماق، نورستاني، پامیري او ... هر یو پرې په اوښکو ونمانځه. له دې دا جوته شوه چې دا ملت یو دی، نو تاریخي ارزښتونه، روایات او پېښې سیمې او خلک سره تړي. دغه تړښت د یو ملت هویت را ښیي.

گفتم به دل افغان بکنی چونش بیبنی

هر چیز که گفتم مکنی دیر وهمان کرد (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۱۷۲ص)

فاني په دې بیت کې د افغان خوی، خصلت او سرشاري را ښیي.

پرونیو او نني ارزښتونو ته په کتلو نوایي داسې سیاسي، تاریخي او فرهنګي مبارزه کړې چې یو ملت را پېژني او خوشحال هم تاریخي پېښو او روایاتو ته په کتلو د یو ملت ناره وهلې ده:

د افغان په ننګ مې وتړله توره
ننګیالی د زمانې خوشحال ختک یم

۱ـ ۱۰: نړۍ وال لید

لوی خلک تل هڅه کوي چې د بشر د ژوند لپاره وینا وکړي، د دوی په ویناوو کې لوی پیغام د بشریت او انسانیت جوهر دی، د دوی وینا که په هر ژبه وي، خو پیغام یې تر لوی کلی او ولسه رسوي. امیر علي شېرنوايي په خټه ازبک دی، خو پیغام یې د ټول بشر لپاره دی، بشریت او انسانیت یې د کلام بنسټیز هدف دی. اوزبک قوم څه چې نور قومونه هم د ده له وینا او مبارزې نه رنګ او رڼا اخلي. کله چې څوک د ده د مبارزې او فني شخصیت بابونه لولي نو داسې انګېري چې دا شخص یې پخپل قوم کې تیر شوی دی، د دوی لپاره یې مبارزه کړې او په هنري آثارو کې یې هم ځان ګوري. دلته هغه پخه خبره رایادېږي چې (هنر پوله او سرحد نه لري.) په هنر قومونه او ملتونه راټولېږي او یو بل سره پېژني او راشه درشه کوي. خوشحال هم د یو داسې زمانې شخص دی چې شاوخوا څلورنیم سوه کاله وړاندې تیر شوی دی. د پښتو ژبې لپاره یې په هره برخه کې نه ستړې کېدونکي هلې ځلې کړي او تصنیفات یې رامنځته کړې دي. د خوشحال وینا د یوه قوم او د یوې مخصوصې جغرافیې لپاره نه ده، بلکې د ده وینا د همغه لویو خلکو او شاعرانو په څېر د نورو ټولنو لپاره هم ده. د کلاسیکیت ارزښت لري. په وینا کې یې د بشریت او انسانیت لپاره پیغام پروت دی، د خوشحال او نوایي مبارزه او فني شخصیت د دې جوګه شوی دی چې په بهرنیو ټولنو کې هم د دوی پر ژوند او آثارو کتابونه ولیکي او لوړې علمي رتبې پرې واخلي. د دواړو ویناوې جهان شموله او بشرپاله ویناوې دي د یوې ټولنې د ویښتابه، ثبات او سوکالۍ ویناوې دي. دداسې ویناوو عمر اوږد او دوامداره وي.

مفکرین او نوابغ تل په داسې ویناو فکر کوي چې بشر ترې ګټه، خوند او رنګ واخلي. دغه ډول ویناوې تل ژوندۍ وي. د دوی پیغام دا وي چې:

څو دې توان رسي په لوی دریاب کې ګرځه
په بیاله کې دې زوال وینم نهنګه

لوی خلک یا د دستار سړي تل په خپل تفکر کې ډوب وي. تفکر یې ازادي او د انساني ټولنې د رامنځته کېدو لپاره لارې چارې لټول دي. یوه هڅه یې دا وي چې د ټولنې وګړي څنګه یو د بل له بندګۍ خلاص شي. هر انسان حق لري چې ازاد ژوند وکړي، فکر وکړي او خپل نظر څرګند کړي. دوی د ټولنې په هر توکي کې د ژوند یو راز او مخ ګوري. ټول تفکر او تخیل یې په هر توکې کې د یو لوی ذات د قدرت لیدل دي. د ټولنې په وړو وړو خبرو پسې چندان سر نه خوږوي. امیر علي شېر

نوايي وايي:

ما به کجا زهد و عبادت کجا

مست کجا تقوی و طاعت کجا (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ٦۳۲ص)

خوشحال هم د یو یاغي مزاجه شاعر په توګه د ژوند او خپلې مبارزې لپاره یوه ځانګړې لاره لري.

مست یم، می پرست یم، رندي کړمه، کړمه ، کړم

واوره محتسبه باده خورمه، خورمه ، خورم (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۹۳م)

ساقي بیار باده که فرداست آن ظهور

دل را نه بهر نیسه چه محزون نکند کسی (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۹۹۹ص)

امیر شېر علي نوايي بیا وايي:

یک دو دم وقت را غنیمت دان

به حریفان بنوش باده ی ناب (دیوان فانی، ۱۳۹۵، ۸۱ص)

د مفکرینو یو لید وړاندوینه او تربیت یا نصیحت وي، دوی په خپله زمانه کې را تلونکې ګوري حسب حال خبرې لري، فاني وايي:

نبود به دور مجلس رندان بلند و پست

هر جا رسی به دایره بنشین جاه مه پرس

خوشحال په خپله زمانه کې عزم او اراده داسې وړاندې کوي چې د نن لپاره یو پند دی، دی عزم د مردانو کار بولي، د دولت ثبات او پایښت په عزم کې ویني:

درته ووایم د عزم

چار د عزم ګنه جزم

عزم قصد دی د مردانو

نه چې چار ده د زنانو

مرد چې قصد وکا د چارې

و به نه دري په لارې

...

ثبات کار دی د مردانو

برکت لري یارانو

ثبات هر چا لره ښه دی

لا ملوک لره بایده دی (خوشحال خان کلیات، ۱۳۸۴، ۶۲۱ـ۶۲۵مخونه)

پایله:

امیر علي شېر نوایي سیاسي او فرهنګي هڅو په ازبکي ژبه او فرهنګ کې د رونسانس دوره پیل شوه. د ده په هڅو ازبکي ژبه وغوړېده، فرهنګ ته کار وشو او خلک یې وهڅول چې د دغې ژبې او قوم د بډاینې لپاره له سیاسي تګلارو او مبارزو نه ګټه واخلي. سیاست د خپل قوم او ژبې د بډاینې او قوم د ویښتابه لپاره وکاروي. له موقف او دریځه د ژبې او قوم د بډاینې او پرمختګ لپاره ګټه واخلي.دی په حقیقت کې د ازبکي ژبې پلار بللی شو.

خوشحال خان هم یو سیاسي فرهنګیال او فرهنګپال شخصیت دی. سیاست یې د خپل قوم پرمختګ، ازادي او د ژبې بډاینه وه. په همدې موخه یې د خپل قوم د ویښتابه لپاره علمي او فرهنګي مبارزه وکړه. د بزم او رزم له لارې یې سیمه او خلک پر خلکو وپېژندل. په پښتو کې یې نوې سا پوه کړه. دی د پښتو ژبې او ادب پلار بلل کېږي. پښتو یې په اب و تاب کړه، پښتو ته یې د ازادی، یووالي او پر ځان د متکي کېدو شعور ورکړ، پښتانه یې را ویښ کړل، پوهې او هنر ته یې راوبلل. له نفاق، کرکې او بدبینۍ یې وژغورل. دغو دواړو فرهنګي او سیاسي شخصیتونو په خپله مورنیو ژبو سربېره په فارسي ژبه آثار ولیکل، موخه یې ملت جوړونه، تفکر یې مسلمان، ذهن یې انساني او اخلاق یې بشرپالنه وه. دغو دواړو لویو فرهنګي او سیاسي ستو په خپلو خدمتونو او هڅو سره په ازبکي، پښتو ژبه او فرهنګ کې د رونسانس ساه پوه کړه. دوی دواړو د انګرېزي ژبې شکسپیر ګڼلی شو. د دې دواړو لویو فرهنګي شخصیتونو او د دستار سړیو د مبارزې رنګ او سبک ګډ اړخونه لرل. د دواړو موخه دا وه چې مبارزه له خپل ټاټوبي را پیل او په یوه لویه ټولنه کې ځان ورګډ کړي. د هنر او پوهې په تار ټولنې او خلک یو له بله سره وتړي. د دې دواړو په مبارزه کې د انساني ټولنې پیغام نغښتی، د دوی د ژور فکر پایله دا وه چې د ټولنې او نظام ستنې، عدالت، انصاف، انسانیت او بشرپالنه ږدي. دینداري او فرهنګ دوه هغه ارزښتونه دي چې د یوې ټولنې وګړي یو له بله سره په انساني ارزښتونو پالي. دوی د همدغو ارزښتونو او ګډو ځانګړنو له مخې له قومیته ملت جوړونې ته راووتل. دغه دواړه د کړو خدمتونو له مخې لوی شخصیتونه دي چې پخپله څېره کې خلکو ته ښکاري. دواړه د افغاني فرهنګ سېمبولونه دي. داسې شخصیتونه دي چې هر څوک یې ستایي او پرې ویاړي.

سپارښتنې:

د دې او دې ته ورته موضوعاتو د څېړنې لپاره هر لیکوال ته بویه چې د شاعرانو، لیکوالانو، ټولنیزو او فرهنګي شخصیتونو د پرتلنې لپاره داسې ټکي جوت کړي چې څېړنه یې خلک او سیمې سره نږدې

کړي، هغه ټکي راواخلي او څېړنه پرې وکړي چې شخصيتونه له واړه کوره او ولسه لوی کلي او ملت ته ورګډوي. څېړونکي بايد يواځې پر دې څېړنه بسنه و نه کړي، دا ليکنه نوره هم وغځوي او هغه ځانګړنې چې د دغو دواړو شخصيتونو ترمنځ د ملت جوړونې فکر پخوي، راوسپړي او وشني. د دې کار لپاره اړينه ده چې د دغو دواړو شخصيتونو ټول آثار ولولي او مهم ټکي يې يادښت کړي. دوی به له دې لارې وکولی شي چې د يو ملت د جوړولو ګډ توکي په ګوته کړي، په دې کار سره دوی کولی شي چې په اسانه ځوان قشر ته د ملت جوړولو فکر وړاندې کړي.

وړانديزونه:

۱ – پوهنتونونه دې محصلينو ته دداسې لويو شخصيتونو د افکارو، هنر، ګډو خصوصياتو او مبارزو د څرګندولو لپاره د ليکنو سپارښتنه وکړي.

۲ – ځوان څېړونکي دې د داسې لويو شخصيتونو په پرتلنه د ملي فکر او ملت جوړونې مهم توکي او ګډ اړخونه وشني.

۳ – د پوهنتونو په بېلا بېلو پوهنځيو کې دې د شخصيتونو د هلو ځلو، افکارو او فعاليتونو د پرتلنې مضمون تدريس شي.

۴ – هڅه دې وشي چې دغو او ورته نورو شخصيتونو د پرتلنې له لارې د ملت جوړونې فکر پياوړی شي.

ماخذونه

۱ – ازمون، لعل پاچا (۱۳۹۷). پښتو فولکلوري ادبيات. يار خپروندويه ټولنه، جلال اباد

۲ ـ خټک، خوشحال خان.(؟). د خوشحال خان خټک کليات، د دوست محمد کامل په سريزه، پېښور

۳- خان، خوشحال (۱۳۸۴). د خوشحال خټک کليات، اوډنه، پرتلنه او سمون او ويپپانګه، د عبدالقيوم زاهد مشواني. پېښور: دانش خپروندېې ټولنې تخنيکي څانګه

۴- غني، محمد اشرف، (۱۳۹۹). ملي هويت، فرهنګ تاريخ، لومړنی بحث. اهتمام، پښتو ژباړه او سمونه: مير احمد ياد، دری برخه يې شېر اقا شايان فريور. اداره ارتباط عامه و استراتيژيک رياست جمهوري

۵ – نوايي، امير علي شېر (۱۳۹۵). ديوان فاني، به تصحيح: سيد عباس رستاخيز سانچارکی، کابل: بازار کتاب فروشی ها، جاده اسمای.

د امیر علیشېرنوایي د دورې دیني افکار او فقاهت

زرولي صدیقي

لنډیز

د امیرعلیشېرنوایي د ځلانده تاریخي دورې د دیني افکارو او فقاهت اړونده مطالب، چې د یادې مقالې پر محتوا کې ځای پر ځای شوي دي، د هرات په لرغونتوب، چې د تیمورې دورې د فلورانس په نوم سره یې شهرت درلود، چې سلطان حسین بایقرا او په ځانګړې ډول دده وزیر، مشاور او په ټولو دولتي چارو کې د سلطان د مشورو او نظرونو د ثقل مرکز ګڼل کېده، په دې مقاله کې معرفي شوي او ترڅنګ یې د دې دورې اړونده افکار او دیني فقاهت، چې د اسلام د مبارک دین سره د هغوی د تړاو نمایندګي کوي او دې دورې ته یې یو بشپړ دیني او اسلامي ځلا او صبغه ورکړې ده،بحث ترسره شوی دی.

د لیکنې طرز په توصیفی څېړنیز میتود بنا او د یو شمیر مواردو په اړه تحلیلي روش هم کارول شوی دی.

د نتیجې په توګه ویلای شو، چې په دې دوره کې د عدل، مهربانۍ، مساوات، د پوهانو درناوی، د دیني کتابونو او تفاسیرو لیکل او نشرول ځانګړی اهمیت لري.

همدارنګه د فقاهت په برخه کی د وخت د جیدو پوهانو لکه نورالدین عبدالرحمن جامي، مولانا نظام الدین عبدالحق، مولانا حسین کاشفي واعظ، سیوطي، سمرقندي، خواندمیر او د داسې نورو شتون د فقاهت چرچه په دې دوره غوړولې وه او د دې ترڅنګ د حنفي مذهب ترویج، د سني فکر تعمیل، د تصوف او عرفان ځانګړی ارزښت او د روحانیت نفوذ او درناوی په دې دوره کې پوره څرګند و.

کلیدي ټکي: امیرعلیشېرنوایي، دیني افکار، سلطان حسین بایقرا، فقاهت، هرات.

سریزه

تیموري دوره او په ځانګړې ډول د سلطان حسین بایقرا مهال، چې امیرعلیشېرنوایي یې د دیني او فکري رغونې مشهور سمبول و، په تاریخ کې یو ځانګړی ارزښت او مقام لري او د ارزښت خورا لویه نښه یې

داده، چې دې لړۍ د خپل بنسټګر امیرتیمورګورکان تر مړینې وروسته په خپل سیاست کې ۱۸۰درجې تغییر رامنځ ته کړ او د جنګ په ځای یې علم، عرفان، دین او فقاهت ته ځانګړې پاملرنه وکړه او لکه څرنګه، چې په جنګ کې بې نظیر و، همدارنګه په دې برخه کې هم و ځلیدل او په دې اړه ورسره د قسمت یاري داوه، چې مشهور عالمان، عارفان، محدثین، مفسرین، فقهیان، صوفیان، روحانیون، شاعران او سیاست مداران ورته په برخه شول او دوی هم په پوره مینه و نازول او د هغوي درناوی او قدردانی وکړ، چې په دې لړ کې یو هم له دې سترو هستیو او شخصیتونو امیرعلیشېرنوایي وو، نوموړي د خپل فطري وړتیا په درلودو سره د سلطان حسین بایقراء د واکمنۍ دوره، چې هرات یې پلازمینه وه د ژوند او نظام په هر ډګر کې لکه د لمر وځلوله او په خپل مدبر مدیریت سره یې دا دوره خصوصاً په دیني افکارو او فقاهت کې د ودې او پرمختګ تر اوجه ورسوله او د دې دورې سیاسي او ټولنیز چاپېریال یې په خپلو علمي وړانګو د خپلې جغرافیاوي محوطې د باندې هم و ځلوه، چې په دې مقاله کې وربانده بحث شوی دی.

د تحقیق اړتیا او اهمیت

داچې امیرعلیشېرنوایي زموږ د هیواد یو هراړخیز متدین، علمي، فرهنګي او سیاسي شخصیت دی، له دې امله اړینه ده، چې د نوموړي د فکري ودې د خړوبیدو دیني سرچینې او یاده برخه کېدیني فقاهت په دقیقه او عمیقه توګه د څېړنیزو موضوعاتو په سرلیک کې قرار ولري او ځوان لوستی کهول مو د دوی د ځلانده ماضي په پېژندلو سره د راتلونکې لپاره د دوی د هراړخیز تعمیر څخه په الهام اخستنې د خپل هیواد اینده لا روښانه کړي.

مخینه

پرته له شکه د امیرعلیشېرنوایي شهرت او شخصیت د یو عالم، ادیب، سیاستوال او فرهنګپال په توګه د تاریخ په پاڼو کې زیات روښانه او ډاګیزه دی؛ د نوموړي د زوکړې، ودې او سیاسي واکمنۍ ځلانده شخصیت د اوسني هرات د نوم سره لازم او ملزوم دی، لیکن په خواشینۍ سره چې یاد نوم بیا پهځینو لیکنو کې نه ترسترګو کیږي؛ بلکې یاده ثابته تاریخي موضوع په یو بل ډول سره تعبیرېږي، چې زه د هغو لیکنو نومونه دلته اخستل لازمي نه ګڼم؛ خو د افغانستان د اسلامی جمهوریت د اطلاعات او فرهنګ وزارت دغه نوښت، چې د نوموړي د زوکړې د ۵۸۰ کال په مناسبت یې د یو بین المللي سیمنار تر عنوان لاندې د هیواد ټولو اکاډمیکو او د قلم خاوندانو ته په دې اړه د خپلو تحقیقي مقالو او لیکنو سپارښتنه کړې ده، د زړه له تله تقدیروم او دا د هیواد د قلم په خاوندانو د یاد علمي او منور شخصیت یومُسلم حق ګڼم، چې په خپلو معیاري او تحقیقي لیکنو د جعلي وریځو او غبار دا پروت څادر د نوموړي له

مخه لرې کړي.

دا یو حقیقت دی، چې کله کله اشخاص د خپل فطري استعداد او ځانګړې الهي لورینې له مخې د خپلو اړونده جغرافیاوي پولو د باندې هم مطرح کېږي او ډیری سیمې، وګړي او فکرونه تر خپل اغیز لاندې راولي، د هغوي په زړونو کې محبوبیت پیداکوي او هغوی یې د نوم او شخصیت سره اشناکېږي؛ خو دا به په دې مانا سره نه وي، چې د هغه ار ټاټوبیدې مجهول کړي او بیا دې دهغه د نوم سره دده خاوره او خاپوړو ځای نه یادول کېږي.

له دې امله یاده لیکنه کې د نوموړي په دیني افکارو او دیني فقاهت بحث شوی دی او فکر کېږي، چې دا به په دې برخه کې د نوموړي د افکارو هغه انځور وي، چې یواځې د خپلې جغرافیا او طبیعت ښکلا به منعکسه کړي.

داچې څومره امیرعلیشېرنوایي د تاریخ په پاڼو کې شهرت لري په خواشینۍ سره، چې په اړه یې لا تراوسه د هیواد د ننه لازمې څېړنې او لیکنې نه دي ترسره شوې، چې د دین، علم، سیاست، هنر، ادب، فقاهت دا ستره خزانه را وسپړي او له قیمتي ملغلرو یې په هره برخه کېګټه واخلي، له دې امله د ټاکل شوي سرلیک لاندې راټول شوي مطالب به د ځوانو محصلانو او د دې دورې د څېړونکو مینه والو لپاره د څېړنې په ډګر کې د یو ګام حیثیت و لري.

سلطان حسین بایقرا(۸۷۵-۹۱۱هجري)

د تیموري لړۍ د مهال یوه ځلانده څېره، چې د یادې دورې په تاریخ او فرهنګ نیغ اغیز لري،یو هم سلطان حسین بایقرا دی، چې د خپل ۳۷کلن سلطنت پر مهال یې د هرات په جغرافیایي انګړ کې د یو لړ منورینو، عالمانو، شاعرانو، ادیبانو او پوهو وزیرانو پر مټ یاده دوره روښانه و ساتله.

ظهیرالدین محمدبابر په خپلو خاطراتو کې دا دوره د تاریخ د حیرانونکو دورو څخه ګڼي او وایي، چې دا مهال خراسان د لوړو استعداد لرونکو شخصیتونو ټاټوبی او مرکز و او بایقرا د جنګیالیتوب تر څنګ د علم او فرهنګ په ډګر کې هم یو تکړه،مجرب او هنر دوسته پادشاه و، شعري ذوق یې درلود او د حسیني په نوم سره یې په ترکي او فارسي ژبه کې شعرونه ویل)بابر،۱۴۲۲ق:۱۱۸)

داسې څرګندېږي، چې د مذهب په رابطه زیات پابند نه وچې یو ځینې مورخین یې علت د روماتیزم مریضي ګڼي،چې یاده توجیه زیاته معقوله نه ګڼل کېږي(آرژند،۱۳۷۹:۱۳۳)

کله چې له یادې دورې څخه یادونه کوو اړتیا ده، چې د امیرعلیشېرنوایي له کارنامو، وړتیا او فقاهت څخه هم یادونه وشي؛ ځکه چې نوموړی د یادې دورې د علمي او ادبي رنسانسپه برخه کې لکه د لمر روښانه نوم او لوړ شخصیت لري، نوموړي په خپل فطري استعداد او وړتیا یاده دوره د تاریخ په پاڼو کې تر داسې کچې رسولې، چې هر باب یې د علم او درایت یو ځانګړی سمندر دی.

له دې امله اړینه ده، په لنډه توګه د هغوی د پېژندنې څخه هم یادونه وکړو:

امیرعلیشېرنوایي(۸۴۴-۹۰۶هجري)

دده نوم نظام الدین دی نوموړی د امیر غیاث الدین کیچکنه زوی دی په کال ۸۴۴هجري کې، په هرات کی زېږېدلی دی، چې د ماشومتوب په دوره کې د سلطان حسین بایقرا سره په مکتب او درس کې یو ځای وه او همدا شناخت و، چې نوموړي د خپل سلطنت پر مهال یې خپل وزیر وټاکه، دی د خپل فطریاستعداد له مخې د دې مهال یوه ځلانده علمي او فرهنګي څیره ده او زیات آثار لري، لکه مجالس النفایس،خیرةالابرار، سد سکندري، خمسة المتحیرین،فرهاد او شېرین، مجنون او لیلی او داسې نور....

نوموړي په خپلو ترکي شعرونو کې نوایي او فارسي شعرونو کې فاني تخلص کارولی دی، دا لویه هستي په کال ۹۰۶هجریله دې فاني دنیا وکوچېده،نوایي په خپلو شعرونو کې جامي او دولتشاه سمرقندیتوصیف هم کړی دی،لکه وړاندې چې یادونه ترې وشوه د تیموري دورې یو له خورا په کار پوهه او مشهورو وزیرانو څخه ګڼل کېږي(قدیاني،۱۳۸۷:۱۳۹)

د امیرعلیشېرنواییدیني افکار

په دې دوره کې چې د افکارو ټوله برخه یې د اسلام د مبارک دین پر اساساتو ولاړه وه، نوایی هم زیار ګاللی، چې په دې اړه خپله دنده ترسره او د خپلو دیني معلوماتو، امکاناتو او ځانګړی ذهد سره دا دوره یوه نمونه یې دوره و ګرځوي او دیني افکار یې لکه د صدر اسلام و ځلوي.

دې برخې ته پاملرنه د بربریان د لیکنې پر مټ د مقاماتو او د نفوذ د خاوندانو لپاره؛ځکه اړینه وي، چې انسانی تفکر همیشه د کایناتو د اړونده اسرارو پلټنه کوي او هڅه یې داوي، چې څرنګه د دغه پدیدو اړیکه د ټولنې او کیهانی نظام سره پیداکړي او بلاخره په پړاویز ډول په دې و توانیږي، چې داخلي انساني نړۍ د بهرنۍ نړۍ سره و تړي؛ نو همدا لامل دی، چې انسان سره همېشه د ځان پېژندنې او کیهان پېژندنې اړونده پوښتنې رامنځ ته کېږي، یا په بل عبارت د انسان او نړۍ د خلقت په تړاو موارد د بشریت تفکر ګرځېدلی دی(بربریان، ۱۳۷۶: ۳۹۳)

چې دا تفکر یواځې د واقعیتونو پر مټ په معنوي نړۍ کې ترلاسه کېدای شي او بس؛ نو دې حقیقت ته په پامامیرعلیشېرنوایي په خپله دوره کې ټول افکار او اخلاق د اسلام د سپېڅلي دین څخه په متابعت ترسره کړېدي او هم یې د یادو شعایرو د ټینګښت او ساتنې په برخه کې ځانګړي توجه او پاملرنه کړې او همدا لامل دی، چې د یادې دورې په هره مرحله کې تاریخ د دې دورې د دیني افکارو او فقاهت یادونه کوي، چې د بیلګې په توګه یې دلته د جهانګیرنامې په حواله سره له یو څو مواردو یادونه لازمي ګڼو:

په دې دوره کې تفسیر حسینی، چې د ملاحسین واعظ کاشفی لیکنه ده او نوموړي خپل دا تفسیر د خپل مربي امیرعلیشېرنوایي په لارښونه په کال ۸۹۹هجری کې لیکلی دی، دا تفسیر په اردو ژبه هم د تفسیر قادری په نوم سره په دوه ټوکه کې چاپ شوی دی.

په دې اړه د تاریخ شیبانیان لیکوال هم ورته څرګندونې لري او زیاتوي: «روضة الاحباب په هندوستان کې دوه پلا چاپ شوی دی او محمود مغني ساوي بلکیزاده په کال ۱۱۰۶هجرې کې د یاد کتاب ترجمه په ترکي باندې واړوله او بیا په عثماني ترکیه کې په سربي چاپ شو؛ خو د چاپ نېټه نلري او بیا د دې فارسي لنډیز د لسمې هجري پیړۍ په لومړۍ نیمایي کې د احمد ابن تاج الدین ابن سیف الدین استرابادي د (آثار احمدي) په نوم سره چاپ کړ(قطغان،۱۳۸۵:۳۹۵)

په دې لړ کې یوه بله لیکنه د روضةالاحباب ده، چې د جمال الدین عطاءالله ابن فضل الله شېرازي مړینه ۹۱۷یا ۹۲۶هجري، لیکنه ده او دا په درې ټوکه کې د پیغمبرص مبارک سیرت دی، چې دا یې هم د امیرعلیشېرنوایي په نوم سره تالیف کړی دی(جهانگیرگورکانی،۱۳۵۹:۵۲۴)

داچې امیر علیشېر نوایی په دې پوهیده، چې د دیني افکارو د ترویج او تعمیم یواځینۍ لیار د زده کړې د مراکزو رامنځته کولو ته اړتیا لري؛ نو یېد مدارسو او علمي محافلو په رامنځته کېدو کې زیات کوشش کړی دی او تقریباً د درې سوه اویا په شمېر جماعتونه، مدرسې، عبادت ځایونه او داسې نور د خیر ښیګڼې ځایونه په خپل مهال ودان کړې دي(قدیاني،۱۳۸۷:۱۳۹)

او په دې اړه دومره حریص او لیوال و، چې په خپله شخصي شتمنۍ یې د یادو مراکزو لګښت ادا کړی دی، چې له یو څو یې د سمرقندي په حواله سره په لاندې ډول یادونه کېږي:

هرات کې قدسیهمسجد، اخلاصیه په نوم سره مدرسه، د مسافرینو لپاره کاروان سرای، د خلکو د صحي خدمتونو لپاره روغتون، د قران کریم د حفظ کولو لپاره یو دارالحفاظ او د خلکو د تفریح لپاره یې یو باغ د خپلې مانۍ انیسه ترڅنګ جوړ کړ او د دې ټولو ودانیو مالي لګښت یې، چې پنځه ملیونه دیناره کېدې په خپله غاړه اخستی و (سمرقندي،۱۹۰۱م:۵۰۵)

د تقویم التواریخ لیکوال هم په دې اند دی، چې امیر علیشېرنوایي د سلطان حسین بایقرا مشاور او وزیر یو له هغو لویو او سترو شخصیتونو څخه دی،چې د پوهې او دیني افکارو په ترویج او پالنه کې یې فعاله ونډه درلوده او هرات دده په مهال په دې برخه کې ځانګړی مقام ترلاسه کړی و او له دې امله د هغه مهال د خورا مهمو علمي حوزو څخه شمېرل کېده(حاجي خلیفه،۱۳۸۴:۴۵۷)

شرعي جوزجاني په خپله مقاله کې لیکي: امیر علیشېرنوایییواځې شاعر نه دی؛ بلکې د یو ژور فکر او دقیق منطق څښتن دی، چې د ژوند په بېلابېلو اړخونو کې یې د خپل فکر اس ځغلولی او ډېری افکار

يې روښانه کړي دي (شرعي جوزجاني،۱۳۷۳: ۱۰)

همدارنګههغه لړ ليک چې امیرعلیشېرنوايي د خپل مهال يعنې د نهمې هجري پېړۍ د دوهمې نيمايي پر مهال د وګړو د تصنيف بندۍ په اړه ترسره کړی دی، له هغې څخه هم جوتېږي، چې د دې مهال خلکو د دين او ديندارۍ سره تړاو درلود او په دې دوره کې د ديني افکارو اغيز ثابت و، چې په لاندې توګه ترې يادونه شوې ده:

(پادشاهان،امیرانچې شهزادګان پکې هم شامل دي، نوابان،وزیران،صدور د (صدر جمع)، يساولان او چاوشيان، قره چريك، قاضيان، مفتيان،مدرسين،طبيبان، شاعران، ليکوالان، مکتبداران،د جماعتونو ملاامامان،د پادشاه نژدې خلک،د قرآن کريم حافظان،نقل ويونکي، وعظ کونکي،سرود ويونکي،ستوري پېژندونکي، تاجران،کوچني کسبګر،د امنيت ساتنې مشران، داروغګان،غلاکونکي او قاتلين،غريبان،سوالګر،شکارکونکي،خادمان،شيخان،ملنګان،قومي مشران او سپين ږيري (راوندي،۱۳۵۴:۳:۵۳)

که پورتني لړليک ته وکتل شي ليدل کېږي، چې قاضيان، مفتيان، واعظان، ملا امامان، د قرآن کريم حافظان او مدرسين هغه کټګورۍ دي، چې د دين او ديني مناسکو سره اړه لري؛ نو ويلای شو، چې په دې دوره کې د ديني افکارو رنګ غالب او دينيافکارو ته ځانګړي پاملرنه کېده.

سلطان حسين بايقرا، چې فکري او ديني مشورې يې له امیرعلیشېرنوايي اخستې او په دې برخه کې له نوايي زيات متاثرو، په خپل دور حکومت کې د اسلامي افکارو څخه يې په حمايت فرمان صادر کړی و، چې ټول وګړي د اسلامي احکامو په تطبيق او پلي کېدو مکلف دي او په دې اړه هيڅ ډول سرغړونې او استثنا شتون نه درلود او د حکومتي کورنۍ غړي هم د ياد حکم په تطبيق مامور شوي ګڼل کېدل(شهيدي،۱۳۹۵: ٦٨)

د بديع الوقايع په لومړي ټوک کې مولانا بنائي د امير عليشېرنوايي د افکارو په اړه په دې باور دی، چې نوموړی د خير ښېګڼې پلوي، د شر او فساد له منځه وړونکی، د حق ملاتړی او د باطل محوه کونکی شخصيت و:

آن ملـــقب به صاحب الخيرات

المـــــقرب بحـضرت السلطان

مجـمع الفضل، مطلع الافضال

باسط الـــعدل، ناشرالاحـــسان

دافـــع الشر، رافـع ا لاسرار

قامـع الکفر، قامـع الطـغیان
آن امیرعلی شیر کاین وصف
صورت نام او است در آذهان
سبب اقتـران هـفت اخـــتر
بـــاعـــث امتزاج چـار ارکان
ذات او پـــادشاه و میـر لـقب
نـــــام او پادشاه و شاه نشـــان
(محمودواصفی،۱۳۴۹: ۴۵۲).

میرخواند دامیرعلیشیرنوایي د اخلاقو په اړه وایي: یو پاک زړی، مخلص انسان او مدبر سیاستمدار و. خپل ټول توان یې د نیکو چارو په ترسره کولو کې مصرفوه د ابتذال او کم ظرفیتی څخه یې ډډه کوله، زیات بډایه و او د خپل ماموریت پر مهال یې له دولتي بودیجې معاش نه اخسته؛ بلکې هر کال به یې د دولتي خزانې سره مرسته کوله (بارتولد، ۱۹۲۸م:۱۰۰)

تبریزنیا هم د میرخواند د یو تالیف مکارم الاخلاق په حواله سره د امیرعلیشیرنوایي له هغو پیرزوینو څخه یادونه کوي، چې نوایي د خپل مهال د پوهانو سره درلوده او همدارنګه د نوایي رافت، تواضع، سخاوت، دینداري او د دنیا سره د بې رغبتی یادونه هم کوي (تبریزنیا، ۱۳۷۸: ۴۶)

هرات هغه مهال د علم، ادب، هنر او اسلامي تمدن د ودې او پرمختګ لپاره یو مناسب بستر و (جهان شاهي افشار، رحیمي صادق، ۹۶:۱۳۹۳)

او نوایي د یاد بستر په رامنځ ته کېدو کې نه هېرېدونکي هلې ځلې کړې دي، چې د یادې دورې اړونده ټول مؤلفین د نوموړي د لوړ دیني فکر درلودل تاییدوي او په دې باور دي، چې د نوایي فکري سرچینه رڼه، لوړه، معنوي او دیني وه.

نورالدین عبدالرحمن جامي، چې د دې دورې یو له خورا مهمو فقهي او عرفاني شخصیتونو څخه و کوشش کاوه، چې امیر علیشیرنوایي په خپله دنده پاتې شي او ځان مستعفي نه کړي؛ ځکه دده په باور د نوموړي شتون د خلکو د هوسایني سره مرسته کوله او په خپل یو لیک کې نوموړي ته یاد مطلب داسې بیانوي:«قبول سخن در آن حضرت (امیر) نعمتی بزرگ است و شکر آن نعمت انفاس و اوقات است به مصالح مسلمانان و دفع مفاسد ظالمان و عوانان. اگر ناگاه از مهر این شغل عیاذاً باالله لطیف رو گردانی حاصل آید و خاطر شریف را پریشانی روی نماید، تحمل آن گرانی در کنه حسنات وزنی عظیم خواهد بود و مصابرت بر آن پریشانی را در جمعیت اسباب سعادت دخلی تمام»(جامی،۱۳۸۷: ۲۱)

رنه ګروسه په دې اند دی، چې هرات د تیموري دورې او په ځانګړې توګه د سلطان حسین بایقرا د

واکمنۍ پر مهال د امیرعلیشېرنوايي له فیض او برکته یو ډول (فلورانس) ګڼل کېده او دا دوره د تیموري لړۍ د شعر او ادب د احیا او تجدد دوره وه(ګروسه، ۱۳٦۵: ۷۷۱)

نوموړي همېشه خپل موقف او مقام د عدالت او حق څخه د ساتني په برخه کې کارولی او کوشش یې کاوه، چې حکومت یې پر وګړو ظالم واقع نه شي، په دې اړه په خپل یو اثر مجالس النفایس کې یادونه کوي: سره له دې چې خپل ټول وګړي راته له سپاهي تر غیر سپاهي او له بډایه تر بې وسي او ناتوانه یو شان معلومېږي او د دوی ترمنځ په هیڅ توپیر قایل نه یم، د دوی د مراجعې پر مهال مې، د دویچارو ته رسیدګي کړې ده او پرته له کوم منت او احسان مې، د دوی چارې سرته رسولې دي(محمدی،حسیني، بې تا:۲٦)

د نوموړي له مناجاتو هم له ورایه څرګندېږي، چې په ختې او فطرت کې یې د دین احساس او تومنه پرته وه، چې یو له مناجاتو څخه یې په لاندې توګه دی:

الهی بی علاج دردم مکن و ذلیل نامردم مکن

الهی مرا ز مذلت بی اصلان وارهان و ز تهمت بی دیانتان وارهان

الهی مرا پابند صحبت جاهل مگردان و حاجتمند حشمت اراذل مگردان

الهی مرا زملامت ناسپاسان مهجور دار و در خصوصیت حق شناسان محشور دار(نوایی، ۱۳۹۵:۸۷)

که پورتنیو معلوماتو ته په عمیقه توګه سره و کتل شي، لیدل کېږي، چې د نوایي فکر او د یادې دورې عمومي افکار دیني او معنوي وو، چې د الهي کتاب او د پیغمبر ص له مبارکو سنتو یې سرچینه اخسته.

لکه چې وړاندې هم ترې یادونه وشوه، دینداري د امیرعلیشېرنوایي په افکارو کې ځانګړی مقام لري، نوموړي په الهي رحمت، دُعا، توسل او توکل باندې باوري دی او د ده په کلام کې په صراحت سره د ده د یاد فکر انځور لیدل کېږي:

امیدوار به عفو توئیم زانکه به حشرز جرم خود به عذر بیم و از ثواب خجل

دلا! اگر به کرم دستگیر گردد دوست که از سوال نگردیم و از جواب خجل

اگر چه جرم ز حد بیش دارای ای فانیچو دوست مظهر لطفست رومتاب خجل

(جهان شاهي افشار و رحیمي صادق،۱۳۹۳: ۱۰۳)

د امیرعلیشېرنوایي دیني فقاهت

صاحب کتاب معلم لیکي: «الفقه فی اللغه الفهم »یعنې فقه په لغت کې پوهېدلو ته وایي، د دې لپاره چې یو انسان فقیه شي؛ نو باید فکر وکړي او د فقاهت لیار تفکر دی، نه حفظ کول(عظیمی، ۱۳۹۰: ۱۸)

په ټولیزه توګه د تیموري لړۍ واکمنانو د تیمور په شمول د خپل نظام د مشروعیت لپاره دین او مذهب ته ځانګړې پاملرنه درلوده (شهیدي، ۱۳۹۵: ٦۴)

د دې دورې د فقاهت شان او شوکت د هغه مهال د جیدو پوهانو لکه سیوطي، جامي، کاشفي، سمرقندي او داسې نورو زیات شمېر عالمان وو او هر عالم په بېلابېلو برخو کې د اجتهاد تر کچې رسیده، چې یو لامل یې هم د امیرعلیشېرنوایي له خوا هغوی ته د مناسب محیط رامنځته کېدل وو، امیرعلیشېرنوایيپه دې اړه زیار ویسته، چې عالمان او پوهان اسوده حال او صاحب اعزاز وي او همدا لامل وو، چې هرات د هغه مهال د علم او فقاهت ځانګو او فقهاوو د هستوګنې ټاټوبی او مرکز ګڼل کېده.

په دې قطار کې مولانا نظام الدین عبدالحق یو ځانګړی فقاهت درلود او له دې امله د امیرعلیشېرنوایي له خوا په بېلابېلو مهالونو او ځایونو کې د قاضي په توګه ګمارل شوی و (خواندمیر،۳۴٦:۱۳۸۰)

په دې دوره کې یوه بله او خورا مشهوره څېره عبدالرحمن سیوطي رح دی(۸۴۹-۹۱۰ق)، چې د هغه مهال په ټولو فنونو او علومو کې یو متبحر عالم ګڼل کېده او په ځانګړي ډول په فقه،حدیث، تفسیر،معاني،بیان،بدیع، نحو او لغت کې یېلوی لاس درلود (حاجی خلیفه،۱۳۸۴:۴۵۹)

د امیرعلیشېرنوایي د مذهبي فکر او عقیدې په اړه هم بېلابېل نظرونه شتون لري؛ خو راجح او پیاوړی نظر دا دی، چېامیرعلیشېرنوایي اهل تسنن او د مذهب له لحاظه حنفي مذهبه و (نعمتي لیمایي،۱۳۹۳:۸۴)

د حمیده شهیدي د مقالې په استناد هم ویلای شو، چې په دې دوره کې اهل تسنن او حنفیت رسمي مذهب ګڼل کېده(شهیدي، ۱۳۹۵: ٦۵)

د نوموړي د تصوف په اړه هم نظرونه شتون لري او یو نظر داسې دی، چې د عبدالرحمن جامي له خوا تصوف ته جذب شوی او له دې امله یې په ترکي اشعارو کې (فاني) تخلص هم کارولی دی، چې د تصوف په مکتب کې یاده اصطلاح د هغه چا لپاره کارول کېږي، چې په دې لیاره کې د عرفاني افکارو لوړو پولو او مدارجو ته رسیدلي وي (جهان شاهي افشارو رحیمي صادق، ۱۳۹۳:۹۸)

لکه چې وړاندې هم یادونه وشوه تصوف په دې دوره کې مروج و او په تاریخ کې د دې دورې یو له خورا مهمو ځانګړتیاو څخه ګڼل کېږي، له دې امله په دې دوره کې صوفیانو او عارفانو ته ځانګړی درناوی کېده او خپله سلطان حسین بایقرا د خواجه عبدالله انصاری(رح) زیارت ته په ګازرګاه کې ورتلو او په دې برخه کې یې یو شمېر خانقاوې هم په هرات کې ودانې کړې وې، لکه د سلطاني خانقاه، په سرپل کې د انجیل خانقاه، د بنادګاني او اخلاصیه خانقاوې او د دې ترڅنګ یې مدارس هم جوړول، د دې دورې د عارفانو او صوفیانو ترمنځ زیات عقیدوي او مذهبي توپیر او اختلاف هم شتون درلود، چې د تسنن له ډلې نقشبندیه په خراسان او ماوراالنهر کې د کمیت او نفوذ له لحاظه زیات وو او د شیعه ګانو له ډلې څخه نوربخشیه د پوره قدرت او نفوذ خاوندان وو(شهیدي، ۱۳۹۵: ٦۹)

په هر حال په دې دوره کې د پوهې او فضل خاوندانو ته ځانګړی درناوی کېده او د هغوی فقاهت، قضاوت او روحانیت ته په پوره درناوي قایل وو او همدا لامل و، چې په دې دوره کې یاد اشخاص په دولتي دستګاه او سیاسي اډانه کې هم د پوره نفوذ او اختیار خاوندان ګرځېدلیوو.

پایله

د امیرعلیشېرنوایي دوره په رسمي او غیر رسمي توګه د دیني افکارو د ودې دوره وه، د نوموړي په هڅو او زیار یاده دوره د دیني افکارو او فقاهت په میدان کې یو روښانه او ځلانده دوره ګڼل کېږي، په دې دوره کې دیني لارښونې د ژوند او نظام اساس ګڼل کېدې او د دینیفقاهت د حصول لپاره د هغه مهال پوهانو ته پوره امکانات او تسهیلات په واک کې ورکړل شوې وو او دوی کولای شول، د خپلې پوهې پرمټ د دولت په لویو دوایرو کې له قضا او تدریس واخله تر ولایت اړونده دندې ترسره کړي، هیڅ مذهبي تعصب، د فکري اختلافاتو په سر جنګ او جنجال نه لیدل کېده اود تفوق یواځنۍ لیار تقوا او ذهد و، د عدالت لپاره د حق غوښتنې لپاره او د یو متواضع قیادي روحیې لپاره کار کېده او همدا لامل و، چې په دې دوره کې علم، عرفان، تصوف، ادب او فقاهت د کمال پوړ ته ورسېدل او هرات په دې مهال یو ځانګړی ښایست او طرقي بیامونده او لکه د فلورانس شهرت یې ترلاسه کړ.

وړاندیزونه

په هرات کې باید ۱۰د امیرعلیشېرنوایي یوه لویه مجسمه جوړه شي.

په مرکز کابل او هرات کې یو یو باب مکتب د ده په نوم شي.

د امکان په صورت کې دې دهرات پوهنتون د نوموړي په نوم سره و نومول شي او یادې په دې نوم سره یو بل پوهنتون په هرات کې تاسیس شي.

یاد بین المللي علمي سیمنار ته دې د ګاونډ، سیمې او نړۍ د پوهانو او په ځانګړې ډول د پوهنتونونو څخه د ادبیاتو او فرهنګ د اړونده ځانګو استادان وبلل شي، ترڅو و پوهېږي چې امیرعلیشېرنوایي د همدې خړې پړې جغرافیې معنوي هستي، کلتوري سمبول او د فقاهت د میدان بې مثاله اتل دی.

منابع او ماخذونه

۱. آژند، یعقوب(۱۳۷۹). تاریخ ایران: دوره تیموریان، تهران: جامي.

۲. بابر،ظهیرالدین محمد(۱۴۲۲ق).بابرنامه،مترجم،مخلوف،ماجده،دارالافاق العربیه:دمشق-سوریه.

۳. بربریان، مانویل(۱۳۷٦). جستاري در پیشه دانش کیهان و زمین در ایران ویج، تهران: نشر بلخ.

۴. تبرېزنیا، مجتبی(۱۳۷۸).سیمای امیرعلیشېرنوایي در کتاب مکارم الاخلاق، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه، بهمن ۱۳۷۸.

۵. جامي، نورالدين عبدالرحمن (۱۳۸۷). نامه ها و منشأت جامي، چاپ اول، تصحيح، عصام الدين اوربنايف و اسراررحمانف، تهران: ميراث مكتوب.

٦. جهان شاهي افشار، علي و رحيمي صادق، خديجه (۱۳۹۳). عناصر هويت ايراني در ديوان امير عليشېرنوايي، نشريه مطالعاتي ايراني: بهار و تابستان ۱۳۹۳،شماره ۲۵

۷. جهانگير گوركاني، نورالدين محمد (۱۳۵۹). جهانگيرنامه: توزک جهانگيري، تهران: بنياد فرهنگ ايران.

۸. حاجي خليفه، مصطفى بن عبد الله (۱۳۸۴). ترجمه تقويم التواريخ (سالشمار وقايع مهم جهان از آغاز آفرينش تا سال ۱۰۸۵ هـ.ق) تهران: مركز پژوهشي ميراث مكتوب.

۹. خواندمير، غياث الدين ابن همام الدين (۱۳۸۰). تاريخ حبيب السير جلد چهارم، پديداور، دبيرسياقى،محمد،مقدمه نويس، همايى، جلال الدين، تهران: خيام.

۱۰. راوندى، مرتضى (۱۳۵۴). تاريخ اجتماعى ايران، جلد: ۳، تهران:امير كبير.

۱۱. سمرقندى، دولت شاه (۱۹۰۱م). تذكرة الشعراء، لندن: چاپ براون.

۱۲. شرعي جوزجاني، عبدالحكيم (۱۳۷۳).«تأملى در گستره‌اى آثار و افكار اميرعليشېرنوايي»، ادبيات و زبانها، نشريه شعر، شماره ۱۴س

۱۳. شهيدى، حميده (۱۳۹۵).(سياست مذهبى سلطان حسين بايقرا«مطالعه موردى: تأثير برتشيع»)،مطالعات تاريخ اسلام، سال هشتم/شماره/۲۹/تابستان ۱۳۹۵.

۱۴. عظيمى،سيدمحمدحسين (۱۳۹۰).راه فقاهت، تفكر است، نشريه رهنماپژوهش،زمستان، ۱۳۹۰،شماره ۱۰.

۱۵. قدياني، عباس (۱۳۸۷). فرهنگ جامع تاريخ ايران، جلد: ۱، تهران: آرون.

۱٦. قطغان، محمديار بن عرب (۱۳۸۵). مسخر البلاد: «تاريخ شيبانيان»، تهران: مركز پژوهشي ميراث مكتوب.

۱۷. گروسه، رنه (۱۳٦۵). امپراطور صحرانوردان، ترجمه، عبدالحسين ميكده، بيجا:مركز انتشارات علمى و فرهنگى.

۱۸. محمودواصفى، زين الدين (۱۳۴۹). بديع الوقايع جلد اول، تصحيح، الكساندر بلدروف، بى جا: انستيتوت خاورشناسي فرهنگستان علوم اتحاد جماهير شوروي.

۱۹. نعمتي ليمايي،امير (۱۳۹۳).بررسي زندگي سياسي و واكاوي كارنامه علمي،فرهنگي،اجتماعي و اقت صاديامير عليشېرنوايي،تهران:وزارت امور خارجه و مشهد.

۲۰. نوایی، امیرعلیشیر (۱۳۹۵). مناجات، ترجمه، مقدمه. توضیح و تحشیه دکتر امیر نعمتي ليمايي، تهران: انتشارات جنگل و دانشگاه عدالت.

21. V.Barthold,Mir Alisher Polisbornik, Tiheskayaia, Leningrad 1928,pp.100,164.

د تیموریانو پېر د معماری سبک څېړنه او په معماری کې د علی شېر نوایي ونډه

نور آقا عزیزي

۱. سرېزه

د انسان لپاره د خوراک او څښاک تر څنګ د اوسېدو ځای هم د لومړنیو اړتیاوو په توګه د انسان ژوند سره سم مطرح کېږي چې د هوساینې او ښکلا موضوع ورپسې سمدستي منځته راځي او هوسا ژوند، ودانۍ او ودانولو سره تړاو لري. معماری د یوې ټولنې او واکمنۍ عظمت، ښکلا، هنر، صنعت، فرهنګي بډاینې، اقتصادي پراختیا او په ټوله کې د یوې ټولنې د هر اړخیزې پېژندګلوي په معناده، د یوه پرمخ تللي ښار څېره په ودانیزو چارو سره جوړېږي او د جوړېدو لپاره یې همدا معماران او هنرمندان دي چې په خپل نوښتګر فکر سره یېپنځوي او د چاپېریال ودانیزې طرحې په توګه یې وړاندې کوي.

په افغانستان کې د نورو هنري برخو تر څنګ د معماری یا ودانیزو هنرونو برخه هم پیاوړیشالید لري او په هر وخت او پېر کې هنرمندانو یا په خپلواکه توګه ونډه لرلې او یا د اغېزناکه برخې په توګه یې د ټولنې په سمون او ښکلا کې خپله ونډه لوبولې ده چې د اسلام نه مخکېباختري هنر د یوه سیمه ایزه هنر په توګه یادولای شو. باختري هنر هم په خپلواکه توګه او هم د یوه اغېزناکه سیمه ییزه هنر په توګه د یوناني، بودایي او کوشاني هنر سره یوځای نوي هنري مکتبونه رامنځته کړل.

دې سیمې ته د اسلام د راتګ سره سم هنرمندانو هم خپلو هنرونو ته دوام ورکړ خو له بله پلوه یې کوښښ وکړ چې هنري فعالیتونه د دین پر ضد نه وي او همدا لامل شو چې د مینیاتوری، معماری، خطاطۍ او کاشي جوړولو، سرامیک او نورو هنرونو وده وکړه او نوې بڼې یې رامنځته کړې.

د غزنویانو پېر چې د ۴ مېلادي پېړۍ نه یې تر ٦ مې پېړۍ دوام وموند، د اسلامي پېر هنري شهکارونه په کې پنځول شوي دي چې په معماری او انځورګرۍ کې د محدودیت پرته په ځانګړې جوړښت سرهرامنځته شوي دي.(شهراني، ۱۳۹۳:۱۱)

غوریانو او غزنویانو په غزني، بست او یو شمېر نورو ښارونو کې د معماری شهکارونه جوړ کړل چې جوماتونه، ودانی، ځلي او نورې ودانیزې چارې یې ښې بېلګې دي، همداشان د دې سیمې د خلکو په وینه کې پاتې هنري ذوق او د ځایي هنرمندانو وړتیاوې بیاځلې په غوړېدو شوې چې دیرغلګرو دتاړاکونو او ورانیو سر ببره یو ځل بیا د تېموریان په پېر کې هنر او هنري پنځوونو سر راپورته کړ.

په هرات کې د تېموریانو واکمن سلطان حسین میرزا بایقرا د فرهنګپاله وزیر علي شېر نوایي په مرسته د هنر، فرهنګ او تصوف غوټې بیا راغوړېدې.(شهراني، ۱۳۹۳: ۱۲) او د دې دورې یوه ډېره روښانه برخه ودانیزې چارې دي چې په هرات ښار کې یې تر اوسه د دې تمدن نښې شتون لري.

په دې مقاله کې به د تېموریانو معماری ودانیزو چارو سبکونه وڅېړل شي چې د علي شېرنوایي ونډه د یوه معمار په توګه نه، بلکې د یوه هنري او ودانیزو چارو د سمبالوونکي او ملاتړ کوونکي په توګه هم په دې مقاله کې وړاندې شي.

۲. تېموریان او د افغانستان هنر بیا غوړېدل

تېموریانو په افغانستان کې نږدې (۳۰۰) کاله څو دورې واکمنیدرلوده چې په تاریخ کې منفي او مثبت اړخونه د هېواد په ورانی او آبادی کې روښان دي. په ټوله کې د تېموریانو واکمني د هنر او فرهنګ د ځلېدو او ملاتړ په برخه کې د نورو برخو په نسبت ځلانده برېښیي، په ځانګړې توګه د سلطان حسین بایقرا واکمني چې د هنر او کلتور د ودې په برخه کې بې پایلې کوښښونه ترسره شوې دي.

لکه څنګه چې معماری د ښار څېره او ښکلا برابروي، ځینې ښاري او ځانګړې معماری د یوېواکمنی د پېژندنې نښه او په سمبول باندې بدلېږي. لکه د هرات ښار چې د هرات په جامې جومات، یا د مصلا ځلي او ورسره د ګوهرشاد مقبره یا د اختیارالدین کلا په زغرده لیدونکي ته هرات ولایت ورپېژني او د دې ښار برم، لرغونتیا او ښکلا ورښیي.

سلطان حسین بایقرا، د خپل واکمنی پلازمېنه هرات غوره کړاو علي شېر نوایي چې د هغه د وړکتوب با استعداده ملګری و، د مشر وزیر په توګه یې وټاکه او دواړو په ګډه د فرهنګ او هنر د ملاتړ لپاره هنرمندان خپل دربار ته راوغوښتل، ده د خپلې حکومت والی په وخت کې د میناتوری، ګونبد جوړونې او معماری کلتور ته ځانګړې پاملرنه وکړه، د فرهنګیانو او هنرمندانو د ودې لپاره یې ځینې شخصیتونه هم په خپله واکمنی کې شریک کړل او په دې وخت کېې د تېموریانو د دورې هنر لوړو څوکو ته پورته کړ.

علي شېرنوایي چې د بهزاد په هنري استعداد پوه و، هغه یې د خپل کتابتون مشر وټاکه او بهزاد د ده په مرسته دومره پرمختګ وکړ چې د مینیاتوری هنر ته یې وده ورکړه او د نړیوالو نه هم مخکښ شو او په دې برخه کې د هرات د میناتوری مکتب وده وکړه. د تېموریانو هنر نه یواځې په مینیاتوری کې بلکې

د کتاب جوړونې، انځورګرۍ، خطاطۍ او معمارۍ کې هم له ورايه ښکاري.

تېموريانو د وخت ښايسته او هنري معمارۍ ودانې کړې چې بېلګې يې په هرات، غزني، او د اوسني ايران په ځينو ښارونو کې ليدل کېږي او د هنر اغېز يې د وروستيو واکمنيو په معمارۍ باندېهم پاتې شو.

د معمارۍ په ډګر کې د تېموريانو يوه لويه ښېګڼه د هرات جامې جومات بيا رغولو په اړه ده چې دوه اړخيزه ونډه لري. يعنې د غوريانو په ځينې تزيينناتو او طرحو باندې يې خپلې نوې ځانګړې طرحې او هنري وړتياوې ور زياتې کړې.

د هرات جامې جومات بيا جوړولو يوه غوره پرېکړه د علي شېر نوايي په وخت کې دا وه چې مهندسانو او هنرمندانود غوريانو د وخت تزيينات پاک نه کړل او کلونه وروسته کله چې د تېموريانو کېنول شوې کاشۍ ګانې د دېوالو ولوېدې، تر لاندې يې د غوريانو تزييات رابرسرېره شول.(فرهاد، ۱۳۹۸: ۴۲)

که څه هم تېموريانو په خپلې واکمنۍ کې د تېرو واکمنيو حکومتونو معمارۍ او ودانۍ لمنځه يوړې او ورانې يې کړې خو د هرات د جامې جومات په اړه يې دا کار ونه کړ او د غوريانو ځينې تزيينې چارې يې همداسې پرېښودې او په هغو باندې يې خپلې نوې پنځونې لکه کاشي کارۍ جوړې او ودانې کړې.

محمد عالم فرهاد په خپل کتاب کې د غلام سرور ګويا اعتمادي له قوله داسې را اخلي: معمارانو او مهندسانو د علي شېر نوايي په حکم د هرات جامې جومات بيا رغاونې باندې پيل وکړ او د ځينو تاريخي شواهدو پر بنسټ په خپله اميرعلي شېرنوايي لکه نور کارکوونکي د دې جومات په بيا ودانولو کې ونډه اخيسې ده.(فرهاد،۱۳۹۸:۴۵)

امير علي شېر نوايي د جومات بياودانولو ته ډېر لېواله و چې د جوړولو طرحه يې د خپل وخت له هنر پوهانو او لويو متخصصينو سره په مشورې د جومات د تزنين او ښکلا چارې سرته ورسولې، د جومات د تزيينناتو او د کتيبو د ليکلو چارې يې نامتو انځورګر او خطاط خواجه ميرک ته وروسپارلې او هغه هم په ډېره ښه توګه دا کار ترسره کړ. (فرهاد، ۱۳۹۸: ۴۶)

په هرات کې د ګوهر شاد بېګم مقبره، (ګوهرشاد بېګم د سلطان حسين بايقرا ښځه وه چې هغې هم د دغې دورې په فرهنګي او هنري برم او ځلېدو کې پوره ونډه واخيسته او ملاتړ يې کړی دی) د هرات مصلی ځلي، د هرات واټونه، ودانۍ، د خواجه عبدالله انصاري مقبره او يو شمېر نور عام المنفعه ځايونه د دې دورې د معمارۍ هنر بېلګې دي.

په افغانستان کې د تېموريانو په سبک جوړ شوي جوماتونه ګنبدونه يې لکه چاودلې خطونه، څو ځلي والې ګنبدې او لعاب شوې کاشي ګانې کارول شوې دي.

۳. د تېموریانو د پېر د معماری ځانګړتیاوې

تېموریانو په معماری کې د خپل وخت د معماری هنري شهکارونه رامنځته کړل چې یو شمېر یېتر اوسه ولاړ دي. لکه څنګه چې وویل شول د تېموریانو په معماری او هنر باندې د مخکینیو واکمنیو د معماری هنر اغېز درلودچې د اسلامي هنر ونډه په کې په لوړه کچه ښکاري.

د تېموریانو د شاهانو وروستی دوره د هنر او معماری یوه ځلانده دوره وه چې د معماری په برخه کې یو ځانګړی سبک ته رسېدلېوه او دځایي هنرمندانو او معمارانو وړتیاوې د وخت په نورو معمولو سبکونو باندې بر لاسي دي.

د اسلامي هنر یوه مهمه ځانګړتیا جوماتونه دي چې د ستنو، ځانګړو ګنبدو او د خطونو لیکل یې د یادولو وړ دي. (مسیب، ۱۳۹۲:۱٦)

د ابونصر پارسا د مقبرې ګنبد او د ګوهرشاد بېګم د مقبرې ګنبدې چې د یو بل سره ډېرې ورته دي او د ګازرګاه جومات خانقاه(د زرنګار خونې باندې مشهوره ده) د هرات د هنر او صنعت سره یو ځای د رومي هنر نه هم متاثر شوي او په کې ګټه اخیستل شوې ده او په روښانه توګه ویل کېږي چې د دې خانقاه په ګنبد کې د هرات او ځایي هنرمندانو وړتیاوې د نورو سبکونو او هنرونو څخه ځانګړي دي او مخکې له دې په دومره مهارت سره د کاشیو کارونه نه ده شوې.

د تېموریانو معماری سبک په دوو برخو کې د څېړنې وړ دی چې لومړي یېلرغوني او تاریخي آبدات دي چې په کې ټولې ودانیزې معماری په مادي توګه جوړې شوې دي او یو شمېر یې تر اوسه شته دي. لکه د ګوهرشاد بېګم مقبره او جومات یې، خواجه عبدالله انصاري مقبره او داسې نور آثار. دویم یې انځوریز آثار او لاسوندونه دي چې ډېری یې په مینیاتوریو کې پنځول شوي دي.

د تېموریانو د معماری ځانګړتیاوې:

- په کاشیو کې د طلایي رنګونو کارونه
- د شنه (لاجوردي) رنګ د کارونې ډېروالی
- د ودانیو لوړوالی (ډېر کوښښ کېده چې معماریو کې داسې هنر وکارول شي چې ودانی لوړې ښکاره کړي. لکه د موازي، ولاړویا عمودي کرښو ایستل په ودانیو کې چې لید لوړوالي خوا ته بیایي)
- د طاقونو لوړول تر ګنبدونو پورې چې سقف لوړ ښکاره کړي او یا په بېلګیيز ډول ځینې طاقونه تر دوو پوړونو پورې دوام مومي لکه د خرګرد غیاثیه مدرسه په مشهد کې.
- د تېموریانو د مانۍ د ورونو (دروازو) سرونه ښکلي کول په معرق شویو کاشیو سره.
- ګبندېیې پیاز ډوله سوري لرونکي جوړښت لري چې په لاجوردي کاشیو سره تزیین کېدې.

- څو پوښ لرونکي ګنبدېجوړول يې بله ځانګړنه ده چې لومړی ځل د ګوهرشاد بېګم په مقبره کې ترې ګټه اخيستل شوې ده.
- د جوماتونو او مدرسو جوړښت او طراحي يې يو ډول و.
- د تېموريانو په لومړيو کې کاشۍ د کنده کارۍ او لعابيا په اووه رنګه کارېدل او په وروستيو وختونو کې معرق کاشيو وده وکړه.

په معماريو کې د کاشيو څخه د ګټې اخيستنې په برخه کې د تېموريانو هنر په درېيو برخو وېشل کېږي چې لومړۍ دوره د تېمور د واکمنۍ دوره ده چې په هغه وخت کېد پخوانيو سبکونو څخه په استفادې د ځانګړې معمارۍ لپاره نوي کوښښونه پيل شولتېموريانو به کاشۍ کنده کاري او لعابي کولې او يابه کاشۍ ګانې په اووه رنګه، رنګېدلې. دويمه برخه يا دوره د شاهرخ مېرزا وخت وه چې د تېموريانو معمارۍ په کې ډېره وده وکړهاو د هغه په وروستيو وختونو کې د تېرو سبکونو پر ځای د معرق کاشيو وده وکړه او درېيمه دوره چې د سلطان حسين بايقرا او علي شېر نوايي په ملاتړ يو ځل بيا کاشۍ د لومړۍ دورې په څېر کنده کارۍ، لعابي او اووه رنګهکارونې دود شوې چې په دغه برخه کې ډېره پراختيا راغله.

د تېموريانو د معمارۍ اصلي عناصر د لوړوالي ښودنه او د ودانيو پوښول او ښکلې کول په کاشي کارۍ تزيينناتو باندې وو. کاشي ګانې معرقې لعابي کاشۍ د فيروزه يي، تک شنه (تيرهآبي) د کتيبو سپينو ټوټه سره ښکلې کېدې. د کوفي خط سره سپين او آبي رنګونهلعاب کېدل او طاقونه، ګنبدې، ستنې او مسطحې په اسليمي او تزيينناتو باندې معرق پوښل کېدلې. نقشونه بيا بيا تکرارېده او په قاب ډوله کتيبو کې ځای پر ځای کېدل چې د سمرقند د شاهزاده په ودانيزه ټولګهکې يې ليدلای شو.(رسولي، ۱۳۹۹: ۵-٦)

د ودانيو تزيين په پخوانيو اسلامي دورو کې هم شتون درلود خو تېموريان د دورې سره پرتله کېدای نه شي. دلته ډېری ودانۍ څلور برخې لکه: دالانونه د لوړو ماڼيوپه درلودلو او وره په سر په ښکلو مقرنس کارۍ سره ښکلې کېده. په ټوله کې د دې دورې ځانګړتيا په معماريو کې د رنګونو کارونه، د معمارۍ جوړښت او طاقبندۍ کېنوښت يې مهمهځانګړتيا ده چې په مذهبي معمارۍ کې يې همېش ګنبد او ګنبدو څو مانۍ درلودې چې دغه مانۍ يا ايوان نيمه دايره د لوړو او وړو طاقونو نه جوړېدل. ډېرې ستنې د استحکام لپاره جوړېدې. (رسولي، ۱۳۹۹: ۸)

د تېموريانو نامتو معمارۍ د ګوهر شاد بيګم په نامه ودانيزه ټولګه ده چې جومات، مقبره او مدرسه لري، دغه ټولګه د تېموريانو د معمارۍ لويه او ښکلي ټولګه ده چې د تېموريانو د معمارۍ ټول عناصر په کې ښکاري.

د ګوهرشاد آغا مقبره د هغې مېړه شاهرخ مېرزا لخوا جوړه شوه چې مقبره یې د شنه ګنبد په نامه مشهوره ده او تر څنګ یې یوه مدرسه او یو لوی جومات هم جوړ کړی دی.

د یادې دورې د مقبرو د کنبدو جوړښت څلور برخې لري او ګنبد یې درې پوښه دي چې د ګنبد لاندې برخه یې په ګلونو او هندسي حجمونو نقاشي شوي دي او پاسنۍ برخې یې په ژورو کرښو، آبي او زرغونو کاشي ګانو سره ښکلي شوي دي. د دغې ټولګې جومات او مدرسه څلور دالانونه، یوه لوی انګړ او په څلورو کنجونو کې یې څلي جوړ شوي دي. په دې ودانۍ کې ګنبد پر یوې مانۍ جوړ او څلي هم مانۍ سره نښتې دي او ګنبد ټول پر مانۍ ولاړ نه دی او نه هم د څلو ټوله برخه په مانۍ نښتې ده. (رسولي، ۱۳۹۹:۸)

له بده مرغه د ګوهرشاد آغا د مقبرې ګنبد د روسانو له خوا نړېدلی او په ۱۹۹۵ کال کې یوځل بیا مرمت او ورغول شوه.

د تیموریانو د وخت د معمارۍ یوه غوره بېلګه د (دودر) مدرسه ده چې په دوه پوړیزه ډول، ګنبد لرونکي اتاقونواو څلو سره جوړه شوې او د ګنبدې په ستنو کې اسلیمي تزیینات بوټي په شنه او زېړ رنګ؛ رنګامیزي شوي، معرق کاشۍ د وره په سر کتیبو کې کارېدلي دي چې د هغه وخت د تزییني هنر غوره بېلګې پکې خوندي دي.

همدا شان د ګوهرشاد بېګم په نامه یو جومات د ایران په مشهد ښار کې هم شته دی او د تېموریانو د هنر یوه ځانګړې بېلګه ګڼل کېږي.

۴. د تېموریانو پېر د معمارۍ تزییني سبک

معمارۍ په تاریخي شالید کې هغه ټول ودانیزې چارې دي چې ډېری وخت د هغو هنرمندانو او معمارانو لخوا بنسټیزه کېږي چې د واکمنانو په اختیار کې وي او یا هره واکمنۍ د خپلې واکمنۍ او ځانګړتیاوو د جوړېدو او تلپاتې کېدو لپاره د ځینو هنرمندانو نه ځانګړې توګه لکه، مالي ملاتړ، سیالۍ او یا نورو لارو ګته اخلي.

د تېموریانو په پېر کې د دې تر څنګ ځینې ښارونه له منځه لاړل، ځینې ښارونو بیا په خپل وخت کې د ودانیز هنري ښار په توګه بیا جوړ او جوګه شو چې له ډلې یې یو هم د هرات ښار ودانول و؛ شاهرخ مرزا تېموري او وروسته سلطان حسین بایقرا او هنرپاله وزیر یې علي شېر نوایي په مرسته د امپراتورۍ مرکز په توګه په سیمه کې د یو ډېر ښایسته ښار په توګه مطرح کېږي. همدا شان تېموریانو په وخت کې د سمرقند څخه رانیولې تر بلخ، نیشاپور، هرات، مرو، تبریز، اصفهان او یو شمېر نور ښارونه ودان شول.

د دې دورې په ودانیزو چارو کې د واکمنانو د اوسېدو مانۍ، جوماتونه، جنګي کلا ګانې، حمامونه،

واټونه او مقبرې او ټولې ودانۍ په کې راځي.

تېموريانو دوران په اسلامي تمدن کې يو له روښانه دورو څخه دی چې په معمارۍ کې د تزييني شتمنۍ او شان لرلو له پلوه ډېر لوړ او عظمت ته رسېدلی دی او په راتلونکي هنرونو لکه مغولي سبک يې پوره اغېز درلودلي دی. (کوهساري، ص:۳)

د تېموريانو دوران د اروپا له رنسانس سره يو وخت و او د اروپا اومانيزم (انسان پالنه) د فلسفې او فکر هم پرې اغېز درلود چې په معمارۍ کې د هندسي بڼې څخه په جوړښتونو کې ګټه اخيستې ده او سيمه ييز ارزښتونه، دودونه او فرهنګ پکې په پام کې نيول شوی.

د تېموريانو معماري په خپله تېمور په سمرقند ښار کې پيل کړه؛ هغه په سمرقند کې يو لوی جومات او په ښار کې واټ جوړ کړ چې دواړو خواوو ته يې دوکانونه آباد شوي وو.همداشان د مقبرو جوړېدل يې هم په خپل وخت کې پيل کړل.(کوهساري، ص:۷)

واټونه او عامل المنفعه ودانۍ:کله چې شاهرخ مرزا د خپلې واکمنۍ د پلازمېنې په توګه هرات وټاکه، دغه ښار ورځ تر بلې ښايسته او ودان شو او تېرې ورانۍ يې په بياودانولو سره رانغاړلې.

د هرات بازارونه په دې دوره کې سرپوښلي شول او واټونه بيا ورغول شول. د بازارونو معمارۍ د ګچ او آجرو باندې مزيين او د دوکانونو طاقونه هم پرې ښکلي شول. په بازارونو کې د رڼا کړکۍ په ټاکلي واټن کې جوړې شوې او ټول بازار په منظمه ډول ترتيب او ودان شو.(رفيعی،۶۴- ۷۴ پاڼې)

د هرات مصلا څلي چې تېموريانو د سلطان حسين بايقرا د واکمنۍ مرکز او د اوسېدو شاوخوا ودان شوي چې د سلطان حسين بايقرا مانۍ، د علي شېر نوايي روغتون (دارالشفا) او مدرسه يې (اخلاصيه) او خانقاه او مقبره يې، د ملکه ګوهرشاد بېګم روغتون، جومات او مقبرې شتون درلود، څلور څلي لا تر اوسه ولاړ دي او د استاد کمال الدين بهزاد په لاسو ډېر ښايسته کاشۍ کارۍ او نقاشۍ په کې شوې دي.

جوماتونه؛ د تېموريانو جوماتونه په څلورو برخو وېشل کېدل او دننه يې ښايسته او لويه فضا درلوده. د جومات دننۍ برخې په کاشۍ سره ښکلې کېدې. هندسي جوړښتونه د تېموريانو په ودانيو کې ډېر ښکاري. په تناسباتو کې لوړ ستوريز طاقونه او تزيين شوي ودانيز جوړښت رغېدلي دي.

د تېموريانو د مقبرو جوړول د سلطان حسين بايقرا په وخت کې د مزارشريف د روضې مبارک زيارت نه پيل شول. که څخه هم د حضرت علي (ک) زيارت مخکې جوړ شوی و خو د پادشاه د اخلاص له کبله، په روضه شريف باندې يو ګنبد د تاقونو او نورو اړوندو ودانيزو چار امر وکړ او هغه يې تزيين هم کړه. (فرهاد،۱۳۹۸:۷۵)

د تېموريانو په وخت کې دګوهر شاد بېګم جومات، د هرات د اوبه جامع جومات، د نيشاپور جامې

جومات، د هرات د غوریانو جامې جومات، د هرات د شمع رېزان جامې جومات، د مشهد شاه جومات، د بلخ د ابونصر پارسا جومات، او یو شمېر نور جوماتونه د یادولو وړ دي، لکه چې شاهرخ د خپل پلار څخه وروسته د خپلې واکمنۍ پلازمېنه هېرات و ټاکه، د هرات جامع جومات نه په الهام یې د جوماتونو د ودانیو جوړول یې د چارو یوه برخه وه، په هغه وخت کې د هرات جامې جومات ډېر سیاحان لرل، د ده د واکمنۍ لومړنۍ ودانۍ د سلطان حسین بایقرا مدرسه او کتابتون کښل کېږي چې هغه وخت اباد شوي دي.

کاشي کارۍ او سرامیک: تېموریانو په ودانیو کې د معمارۍ، کاشي او نقاشۍ یووالی شتون درلود. د تېموریانو تر ټولو غوره مرسته د معمارۍ په برخه کې د ودانیو تزیین و. که څه هم د معمارۍ دغه عنصر د اسلامي هنر یوه برخه ده خو د تېموریانو ونډه بیا ډېره لوړه ده په دې برخه کې. پیاز ډوله او ژورې کرښې لرونکیګنبدې د تېموریانو د معمارۍ ځانګړتیا ده او همدا شان بله ځانګړتیا یې د رنګونو کارونه لکه د طلایي په شنو کاشي ګانو کې. د تېموریانو معمارۍ په حقیقت کې نورو هنري بڼو لکه نقاشۍ، ګچ برۍ، مقرنس کاري (یو ډول د چت ګچ برۍ د نقش او نګار په ډوله برجسته یا پوړ په پوړ)(کوهساري: ۱۴ص)

مقبرې: تېموریانو د مقبرو جوړولو ته ډېر پام کاوه او د مشرانو مقبرې یې جوړولې چې په دې برخه یوه له هغو د ګوهرشاد بېګم مقبره په هرات کې، د هرات مصلا ځلي او د خواجه عبدالله انصاري د مقبرې بیا رغاونه او ځینې نور ځایونه دي.

د مزارشریف د روضې مبارک زیارت، د ګوهرشاد بېګم په مقبره او یو شمېر ډېرو ابداتو کې د متکونو نه ګټه اخیستل شوې او ګنبدې یې د سقفي او لمني متکونو باندې ولاړ دي، مربع بڼه لري او ګنبدې په دوو پوښښونو سره په اته او شپاړس ضلعي پلان سره ودان شوي دي. (فرهاد، ۱۳۹۸: ۸۰)

د ګوهرشاد بېګم د مقبرې ګنبد د افغانستان ګنبد جوړونې هنر د اصل په توګه یادېږي او د هرات د معماري، کاشي کاري، نقاشیاو کتیبه لیکنې د هنر او صنعت ارزښت ټاکي. د دې مقبرې سره یو ځای مدرسه، کتابتون، روغتون او روزنتون اباد شوي وو. (فرهاد، ۱۳۹۸: ۹۸)

۵. د تېموریانو پېر د معمارۍ تزییني سبک:

د تاریخ او تاریخي څېړنو کې انځوریز مدارک یو له مهمو اسنادونو څخه وي چېد معمارۍ لپاره هم مهم ګڼل کېږي او په دې برخه کې نقاشۍ د یادولو دي.

د تېموریانو د معمارۍ د سبک د څېړلو لپاره د تاریخي آبداتو تر څنګ په انځوریز آثارو کې د معماریو سبک او طرحې د څېړلو وړ او په دې دوره کې چې د هرات مکتب بنسټ اېښودل شوی د

دې مکتب مینیاتورۍ آثار چې د هغه عصر د معمارۍ واقعي موضوعات په کې انځور شوي د څېړلو وړ دي.

د هرات مکتب چې د استاد کمال الدین ونډه پکې ښکاره او د دې مکتب بنسټګر دی، د معمارۍ په تړاو یې په آثارو کې چې د حمام، مانۍ او جوماتونو په ایستلو کې د طاقونو، وره سرونه، د ودانیو عمومي بڼې، کاشۍ او تزیینات راتلای شي.(کاظم پور، ۱۳۹۷:۲۳۹)

د استاد کمال الدین بهزاد په آثارو کې معمارۍ او د ودانیو تزیین شتون لري او په دې برخه کې هغه مانۍ چې د ده د آثارو څرګندې بېلګې دي د «خورنق مانۍ جوړول»، «د سمرقند جامې جومات جوړول» او «د هند د ګورګاني بڼ جوړول» د یادولو وړ دي چې په دې آثارو کې د معمارۍ د ځانګړتیاوو تر څنګ د جوړولو پړاوونه هم په کې ښودل شوې دي. (کاظم پور، ۱۳۹۷:۲۴۳)

همدا شان د بهزاد هغه آثار چې اصلي موضوع یې معمارۍ نه ده خو د معمارۍ په چاپېریال کې کښل شوي دي لکه د هغو آثارو په شالید کې چې انځور شوي دي لکه بڼ، حمام، مانۍ، مدرسه او یا ښار چې دغسې اثار هم د ودانۍ په اړه معلومات په جزییاتو سره وړاندې او هم د ودانیو په د نننۍ برخه کې د ژوند روایتونه ښکاره کوي چې د « زلیخا نه د یوسف تېښته» د دندې برخې یو ځانګړی اثر دی. (کاظم پور، ۱۳۹۷:۲۴۴)

٦. د علي شېر نوايي هنري اغېز

علي شېر نوايي چې د سلطان حسین بایقرا یو ټکړه وزیر و په دربار کې یې یو کتابتون درلود چې دغه کتابوت په اصل کې د علم او فرهنګ او د هنر د زدکړې لپاره لومړۍ مرکز و چې ډېر هنرمندان یې په دې مرکز کې وروزل.

عبدالرفیع رفیع په خپل کتاب د ایران د ملي هنرونو او هنرمندانو تاریخ، کې د ګلستان هنر له کتاب داسې راخیستې: د خراسان هېواد مشهوره استادان خواجه میرک، مولانا حاجی محمد، استاد قاسمعلي او استاد بهزاد د سعید دارین سلطان حسین میرزا په وخت کې د خپل د وخت له لویو انځورګرانو څخه و. (رفیع،۱۳٦۹:۸۲۴)

د سلطان حسین بایقرا کتابتون مشري خواجه میرک (د بهزاد لومړنی استاد) په غاړه وه هغه له تذهیب او انځورکښلو تر څنګ په کتاب لیکل او جوړولو کې لوړ استعداد درلود. بهزاد د خواجه میرک په مرسته او د علي شېرنوایي په ملاتړ ډېر ژر په هنر کې بریا تر لاسه کړه او د خپل استاد څخه مخکې شو.(رفیع،۱۳٦۹:۸۲۵)

د علي شېر نوایي د کتابتون مشر بهزاد و، استاد بهزاد په کوچني والي کې د خپل پلار او مور یواځې

پاتې او خواجه میرک چې د پادشاه کتابپال (کتابدار) و د هغه روزنه وکوړه او په ډېر کم وخت کې بهزاد د خپل وخت په انځورګرانو کې بې جوړې شو.

علي شېر نوايي په خپل کتابتون کې د معمارۍ او میناتورۍ لوی استادان وروزل، لکه خواجه میرک (د بهزاد استاد او بایقرا کتابپال، د انځور ګرۍ، تذهیب او خط د علم په ګاڼه و پسولل چې د هرات د ډېرو ودانیو یا عماراتو کتیبې یې لیکلي)، مولانا حاجي محمد نقاش (انځورګر، مذهب او د سرامیک او چیني جوړلو کې استاد او د یو څه وخت د علي شېرنوايي کتابپال)، استاد قاسمعلي (څېره کښونکی انځورګر چې انځورګري یې د علي شېرنوايي په کتابتون کې زدکړې وه) د علي شېرنوايي په مکتب او کتابتون کې روزل شوي چې کولای شو ووایو علي شېرنوايي د هرات په معمارۍ او هنر کې لویه ونډه لرله. بهزاد به طراحیو او لوړه انځوګرۍ او حاجي محمد نقاش د چیني جوړونې، خطاطۍ او سرامیک کې له بنسټګرو هنرمندانو له ډلې څخه دي.(رفیع :۸۲۷:۱۳۶۹-۸۲۸)

۷. پایله

د علي شېرنوايي په وخت کې ډېرو هنرونو وده وکړه چې د معمارۍ په برخه کې د هرات ښار ودانۍ د دې هنر ښکاره بېلګې دي. (وضعیت هنر معماری در دوره تیموریان. معصومه جمشیدی کوهساری) وايي:لکه څنګه چې بهزاد د ختیځې نړۍ یو نابغه انځورګر دی، د ده ټول هنري ژوند د شاه تر څنګ او همدې فرهنګپاله وزیر علي شېرنوايي ته راجع کېږي. د خواند میر په وینا؛ بهزاد د انځورګرۍ تر څنګ د عرفان په عالم کېقدم ېښی او د عرفان او تصوف په چینه کې یې هم څښلي، د تصوف او عرفان لومړی استاد او لارښود یې علي شېرنوايي دی چې وروسته په دې یون کې له سترو متصوفینو لکه جامي تر اغېزې لاندې راغلیاو ملګری شوی.

علي شېرنوايي په خپله هم هنرمند و هم یې د موسیقۍ، نقاشۍ، خطاطۍ هنرونو سره بلد و او په شاعرۍ او لیکوالۍ کې یې ډېر آثار پرېښې دي. هغه په خپل ۳۰ کلن عمر کې چې د سلطان حسین بایقرا په واکمنۍ کې یې دنده ترسره کړه، په بېلابېل ډول یې د هنرمندانو او علماوو نه ملاتړ وکړ چې د همدې پاملرنې په خاطر هرات په فرهنګي مرکز بدل شو.

د هرات په ودانیزو چارو یې ډېر اغېز پرېښود او د وخت نابغه انځورګر کمال الدین بهزاد د ده تر سیوري لاندې وروزل شو، وده یې وکړه او د هرات هنري مکتب بنسټ یې کېښود چې دا ویاړ د ده له برکته د یو شهکار، هنري، تاریخي او فرهنګي ارزښت په توګه را پاتې او نن پرې ویاړوو.

آخځلیکونه

۱. شهراني، داکتر عنایت الله: ۱۳۹۳.صورتګران معاصر. لومړی ټوک، انتشارات کتب بیهقي، کابل.

۲. مجله آرمان شهر، ۱۳۹۰، شماره ۷. محمد جواد مهدوی نژاد- نوشین ناگهانی، تاثیر سواد بصري بر درک زیبایی در اثار معماری، تهران.
۳. مسیب، استوار:۱۳۹۲.هنر گرافیک محیطی، انتشارات رازنامه، ایران.
۴. مجله علمی-پژوهشی هنر اسلامی. شماره ۳۷، سال ۱۳۹۹.سبک و تزیین معماری بنا های تیموریان، احسان رسولی، ایرج اعتصام و مهرداد متین.
۵. کوهساري، معصومه جمشیدی:۱۳۸۹. وضعیت هنر معماري در دوره تیموریان .
٦. فصلنامه علمی پژوهشی. سیر در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیمور. داکتر امیر تیمور رفیعی، سال دوم، شماره ششم، ایران.
۷. مهدي، کاظم پور، بازیابی تزیینات معماردی دوره تیموریان در نگاره های کمال الدین بهزاد، شماره ۲ سال ۱۳۹۷
۸. عبدالرفیع رفیعی، تاریخ هنرهای ملی ایران از مانی تا کمال الملک، ۲ټوک، ۱۳٦۹،
۹. فرهاد، محمد عالم، (نقش و تزیین در آبدات تاریخی افغانستان، ۱۳۹۸، د کابل پوهنتون د پالیسۍ د څېړنو مرکز، کابل)
۱۰. او ځینې نور آخځونه چې کتل شوي دي:
۱۱. فصلنامه علمی پژوهشی. سیر در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیمورن. داکتر امیر تمیور رفیعی عضوهیت علمی
۱۲. قصه و روایات تاریخی سرزمین افغانستان. گردآورنده و تدوین همایون هوتک، ناشر: موسسه نشراتی رحمت. ۱۳۸۹ و چاپ دوم ۱۳۹۲
۱۳. مجله علمی-تخصصی تاریخ ایران و اسلام. دکتر ذکر ا... محمدی و سیده مرضیه حسینی.
۱۴. محمد زاده، ۱۳۸٦:۴۲٦). ــ(مژگان کاووسی، دوماهنامه علمی تخصصی پژوهنش در هنر و علوم انسانی. سال سوم شماره یک ۱۳۹۷.

د افغانستان د خط او میناتوریی سبک او په دې برخه کې د امیر علیشېرنوایي رول

محمد بشېردودیال

لنډیز

فرهنگ د هر ملت د ژوند هینداره او د ملي هویت وثیقه ده. افغانستان د یوه لرغوني او تاریخي هیواد په توگه د بډای مادي او معنوي فرهنگ لرونکې او له دې پلوه په سیمه کې، د آبداتو او فرهنگي بډای مېراث له پلوه یو بیساری هیواد دی. سره له دې چې په دې وروستیو کې د دې هیواد فرهنگي مېراث ته لوی زیان واوښت، خو بیا هم موږ د خپل باعظمته کلتوریمېراث او فرهنگي شتمنیو په خوندیتوب او نړیوالو ته د هغو په معرفیکې دروند مسئولیت لرو. زموږ ملي مفاخر او د فرهنگ ځلول او گاونډیو هیوادو سرهفرهنگي مشترکاتو ته انکشاف ورکول یو ملي مسئولیت او د افغانستان لپاره یو فرصت دی. د افغانستان د نورو کلتوریآثارو په لړ کې یو هم دمیناتوریی او خطاطی هنر دی. دغه هنر له پېړیو راهیسې زموږ په هیواد کې دود و، مینه وال یې لرل او آن داچېزموږ د اسلامي معاریفو او عرفان سره یې کلکه اړیکه لرله او لري یې. د ښکلي خط او میناتوري په برخه کې د هرات ځانگړی سبک نړیوال نوم لري، چې گڼ شمېر کورنیو او بهرنیومورخینو او لیکوالو په دې هکله څېړنې کړي او هغه یې معرفي کړیدي. د دغه سبک بنسټ د امیرعلیشېرنوایي پرمهال کېښودل شو. د امیر علیشېرنوایي رول د سلطان حسین بایقرا پرمهال د هرات د هنري او ادبي ایجادیاتو برخه کې ډېر جوت و، د نورو هنري، علمي او ادبي کارونو او ایجادیاتو ترڅنگ یې د هرات د خط او میناتوري ځانگړیمکتب یوې مترقي مرحلې ته ورساو. دسلطان حسینبایقرا او د ده د مُدبر وزیر؛ امیرشېرعلینوایي دوره، دتیموریانو د کورنۍ د نورو غړو په پرتله یوه د رغاونې دوره بللای شو چې د ډېرو بدیع، نویو او پرتمینو لاسته راوړنو لرونکېوه. په دې کې یو هم د خط او میناتوري هنر یادولای شو.

سریزه

هنر او هنري ابداعات د انساني فعالیتونو هغې مجموعې او آثارو ته ویل کېږي چې پر عواطفو او احساساتو باندې د اغېزې کولو او د ځانګړې معنا او مفهوم لېږدوونکې او د باریک تخیل زیږنده وي. په دې توګه هنر د طبیعت له نورو ښکارندو څخه توپیر لري او د بشر د هستوونکې خلاقانه ځواک څخه رامنځته شوی ابداعات په هنر کې شمېرل کېږي. هم په ځانګړي توګه تجسمي هنرهغو فعالیتونو ته ویل کېږي چې له ادب او مسیقي پرته د هنر نورې بېلابېلې څانګې جوړوي لکه انځورګري اومیناتوري. هنر په عامه توګه د ښکلي، ګټور او یا هم ښکلي او ګټور محصول د تولید لپاره پر عمل باندې د علم تطبیق کول دي. د ښکلي خط او میناتوري یا تذهیب دهنر موخه ښکلا مجسم کول وي. ښکلي خط او میناتوري د هنر د کورنۍ مهم غړي دي، چې په شرقي ټولنو کې د هنریاوصافو ترڅنګ معنوي جاذبه هم لري. د افغانستان په ښکلو هنرونو کې یو هم میناتوري او خطاطي ده چې د دغه هیواد ډېرو سیمو او ښارونو کې لرغونی تاریخ لري او اوس هم ډېر مینه وال لري، خو د هرات دمیناتوري او خط سبک نړیوال پېژندل شوی سبک دی. دغه سبک په تېره بیا د تیموریانو د واک پر مهال اوج ته ورسید. امیر علیشېرنوایي د دغه هنر په هڅونه، وده او غښتلتیا کې رغنده رول درلود. البته د سلطان حسین بایقرا دغه مُدبر او هوښیار وزیر د اسلامي معاریفو، ودانۍ جوړولو، ادبي ایجادیاتو اقتصادي، سوداګریزو او مدنینورو لاسته راوړنو کې هم بریالی و. امیرعلیشېرنوایي د پراخ نظر او بې تعصبه فکر لرونکی و. سره له دې چې تر دې مهاله په افغانستان کې په دري او پښتو اشعار او دیوانونه موجودوو، خو په تورکي ژبه چندان زیات آثار نه وو، نوایي په تورکي ژبه شعرونه ولیکل او په دې ډول یې دژبو د انکشاف له پلوه د افغانستان وېړ فرهنګ ته یو لوی خدمت وکړ. نوموړي په عربي ژبه هم دخبرو کولو او هم د لیکلو توانایي لرله. زموږ بحث د ادب او دهنر د نوروډولونو په هکله نه دی، خو د دغه وزیر په دوره کې به د ښکلي خط او میناتوریاو دغه هنر ته د نوایي د پاملرنې په هکله خبرې وشي.

هدف

د مقالې اصلي موخه د هرات د میناتوري د سبک دځانګړنو پېژندنه، په لرغوني هرات کې د نامتو میناتورانو او خطاطانو پېژندنه او دې برخه کې د نوایي پر مهموخدماتو رڼا اچول دي. دمقالې بل یا دوهم هدف دا دی چې دهرات میناتوري یو ځانګړی مکتب و چې افغانستان یې په خپل نوم د پېژندنې حق لري.

میتود

دغه مقاله عمدتاً د کتابتونیځېړنېنه لري چې د هغې په بشپړولو کې له معتبرو تاریخي، علمي او ادبیآثارو استفاده شوې ده.

تېرو ادبیاتو ته کتنه

افغانستان له ډېر پخوا د ادب او هنرونو په برخه کې د نامتو څېرو او عالي استعدادونو لرونکی و. له بده مرغه دغه هیواد ډېرځله د ټولنیزو بحرانونو، د پردیو د تیري، طبیعي ناوړه پېښو، تحمیلي جنګونو او داستعمار تربرید لاندې راغلی، خو کله یېچې وضعیت ثبات موندلی او ځان یې له استعماریځواکونو څخه مستقل کړی، نو بیا یې په ډېرعالي ډول خپل مدني او ټولنیز ژوند سمبال کړی اود مادي او معنوي ترقۍ ګامونه یې اوچت کړي دي. افغانانو د هربحران له تېرېدو وروسته خپل ژوند ته بیا له سره کتنه کړې او د تاریخي پېښو جریانات یې هم ثبت کړي دي. دهغه وخت یو شمېر آثار لکه د خوندامیر مکارم الاخلاق، د زین العابدین محمدبن امیري بدایع الوقایع، د حیدرمرزا تاریخ رشیدي،روضة الصفا، حبیب السیر او نور اوس هم زموږ په واک کې دي. په افغانستان کې د ښکلي خط او میناتوري او په دې لړ کې د امیر علیشېرنوایي د دورې په هکله هم د کورنیو لیکوالو او څېړونکو او هم د بهرنیو څېړونکو او مورخینو آثار شته چې یو شمېر یې دادي:

آریانا دایرة المعارف دوهمه دوره پنځم ټوک، ۱۳۹۷د نبراسکا مطبعې چاپ د هرات میناتوري، دنوایي ژوندلیک او دمیناتوري هنر ښودلی دی، همدارنګه عبدالحی ګردیزي هغه نامتو مورخ دی چې دافغانستان دتاریخ کلتوري، ادبي او فرهنګي مسایل یېډېرښه توضیح کړي دي(آریانا دایرة المعارف،۱۳۹۷).

د ده په آثارو کې د عرفان،تصوف اواسلامي معاریف ترڅنګ، یوشمېر مسایل او له هغې جملې تعلیم او خط، مدارس او فرهنګي تعلیمي مرکزونه او د هغو وضعیت ترسترګو کېږي.

لوی استاد علامه عبدالحی حبیبي د افغانستان د هنر او ادب مشاهیر راپېژني. د دغه پیاوړي او نامتو لیکوال ډېریې لیکنې د سیمې او په تېره د افغانستان په هکله دي چې په نورو ژبو هم ژباړل شوي دي او د ډېرو لیکوالو او مورخینو معتبر اخځ بلل کېږي. ارواښاد حبیبي د هرات د اوومې پېړۍ حوادث او په دې ترڅ کې فرهنګي فعالیتونه ښه روښانه کړي دي. هغه ویلي چې هرات دا مهال د مدنیت او تجارت یو مهم مرکز و چې د هنر او پوهې رڼا یې ډېرو نورو سیمو پورې هم رسېدلې ده.

دهیواد نامتو مورخ، ارواښاد میرغلام محمد غبار خپل نامتو اثر (افغانستان د تاریخ په تګلوري کې) د تیموریانو پردوره تفصلي لیکنه لري، چې یوه لویه برخه یې د تیموریانو او د امیرعلیشېرنوایي د فرهنګي چارو په هکله ده. دغه مورخ د تیمور یرغلونه او په خلکو باندې ظلمونه تشریح کړي دي، هغه یې یوداسې دکتاتور ښودلی چې په خپل شخصي فکر یې ډډه لګوله، خو دهیچا مشوره یې نه منله. وروسته تر مړینې ۳٦نارینه اولادونه پاتې شول. ده پسې شاهرخ او هغه پسې الغ بیګ او بیا تر سلطان

حسین پورې څو نورد افغانستان حاکمان شول، په دوی کې سلطان حسین مرزا چې په ۱۴۶۸ کې په هرات کې واک ته ورسید، یوڅه سوله خوښوونکی و، نو ځکه یې د وینې تویولو پر ځای ودانیزو چارو ته پاملرنه وکړه. څومره چې ثابته شوې ده، دا اصلاً دده د هوښیار وزیر امیرعلیشېرنوایي تدبیر و چې ده ته یې نیکې مشورې ورکولې. دغبار په حواله؛ دهرات ادبي مکتب او د دې ترڅنګ د خط او میناتوري سبک په خپل وخت کې ممتاز او پېژندل شوی و. په ۳۲۴مخ کېدنامتو شاعرانو او لیکوالو نومونه داسې یادوي: معین الدین حسین، کاشفي واعظ، نورالدین عبدالرحمن جامي، میرخوند، مولانا لطیفي، مولانا بینایي او په خپله علیشېرنوایي، چې په دري او تورکي ژبو یې ۲۹ آثار لیکې وو. هغه پراخه زمکې لرلې چې دیوې ورځې حاصلات یې ۷۵زره دیناره کېدل او ده د دغو عوایدوډېره برخه په مدرسو، علماوو او دفرهنګ په وده او خپرولو لګوله، دغه وزیر دېرش کاله په دې لاره کې خدمت وکړ او ۳۷۰لویې خیریه چارې یې ترسره کړې، خو د دغو عامه چارو(امورجمهور) په وړاندې یې کومه حق الزحمه نه اخیسته. تاریخ لیکنه دا وخت د پام وړ وګرځېده، مثلاً روضة الصفا او حبیب السیر همدا وخت ولیکل شول، خوش نویسي دومره پرمخ تللې وه، چې دهغه وخت نامتو خطاط اوکاتب مولانا معروف به په یوه ورځ کې د شاعرانو د دیوانونو ۱۵۰۰ بیتونه چې ۱۵۰۰ کرښې کېدې، لیکلې. او د زرګونو خطي نسخو خطاطان له افغانستان څخه شاوخوا نورو هیوادو ته خپرېدل. د مشوانۍ او قلم جوړول اودکتابونو تذهیب او تجلید په سیمه کې بیساری و. دغه ډول ګڼ شمېر نور خطاطان، مذهبان، صحفان، او انځور ګر هم روزل کېدل.د افغانستان یو انځورګر غیاث الدین چې چېن ته تللی و، هلته پنځه میاشتې دامپراتور په دربار کې بوخت پاتې شو، دا د دې معنا لري چې دافغانستان د میناتوري هنر ډېرمینه وال لرل. اروا‌ښاد غبار په ۳۲۷مخ کې لیکې: استادبهزاد، میرعلي، سطان محمد او سلطانعلي یو هم د اروپا د رنسانس د دورې له هنرمندانو څخه کم نه وو(غبارو:۳۲۴:۱۳۶۴-۳۲۵)

حمیده انصاري زموږ د معاصر وخت هغه څېړونکې او د ښه قلم خاونده ده چې یوه مستقله رساله یې د(شناخت و ارزیابي موضوعیمیناتوري افغانستان)ترعنوان لاندې په ۱۳۹۴ش. کال کې لیکلې چې په کابل پوهنتون کې دافغانستان د معلوماتو مرکز چاپ کړی دی. آغلې حمیده انصاري په دې باور ده چې د افغانستان تاریخي تېر مهال ته په کتنې سره په دې باندې پوهیدلای شو چې دغه هیواد په بېلابېلو دورو کې د هنر په پرمختګ کې مهمه برخه درلودله؛ افغانستان په اسلامي دوره کې د بېلابېلو هنرونو رامنځته کوونکې او د هنرییېلابېلو سبکونو او ډولونو سرچېنه وه. په لرغوني هراتکې په نهمه قمري پېړۍکې د میناتوري هنر خپل لوړ پړاو ته رسیدلی و.د تیموري شهزادګانو سیالي د میناتوري په پرمختګ کېډېر خدمت وکړ. د کتاب په سینګارولو له هنر څخه ګټې اخیستلو، د فکر د بیانولو او د سیاسي مفکورو د خپرولو د چارو اغېزې له تیموریانو څخه وروسته دوره کې هم تر سترګو کېدې

(انصاري،۱۳۹۴:۵۴-۵۷)

بنجامینراولند یو بل لیکوال دی، هغه د (هنر قدیم افغانستان) تر عنوان لاندې یو ډېر موثق تحقیق کړی چېرواښاد احمدعلي کهزاد په دري ژبه ژباړلی دی، دغه اثر د وخت د اطلاعاتو او کلتوروزارت په کابل کې د فرانکلن د نشراتي موسسې په مرسته چاپ کړی و. هغه هم هرات د میناتوري دهنر ټاټوبی بللی دی.

معاصر انگریزی مورخ توینیدلرغوني افغانستان تاریخ کې دهنري ایجادیاتو مفکوره راسپړلې ده اودغه سیمه یې د راز راز هنري ایجادیاتو د راخپلولو او بېرته خپرولو یوه دایره بللی او په دغه خاوره کېږې مدنیتونه د بهرنیو افاقو (لاملونو) له اغیزې څخه رامنځته شوی گڼلیدی(Lee,۲۰۰۷;۲۳۱).

حبیب اللهرفیع د افغانستان د علومو د اکاډمي غړیپه افغانستان کې د خط په هکله څېړنه کړې او له دې پرته په خپله یې څو کاله مخکې د خط یو لارښود پېښور کې لیکلی او خپور کړی یې و. نوموړی د ښکلي خط یو لوی مرکز افغانستان را معرفي کوي او دښکلي خط ډولونه یې هم ښودلي دي(رفیع ،۱۳۸۴: ب مخ).

عبدالکریمرحیمي، په ځانگړي ډول د کمال الدین بهزاد د میناتوري په هکله لیکنه کړې او د بهزادهنریمکتب یې راپېژندلی دی. د ده دغه اثر د(انتشارات اتحادیه انجمن‌های هنرمندان افغانستان) له خوا کابل کې چاپ شوی (رحیمی،۱۳۹۳:۸٦).

ل.لیې جاناتان د(AFGHANISTAN (A History from ۱۲٦۰ to the Present)ترعنوان لاندی د ۷۵۰پاڼو شاوخوا یو تاریخ لیکلی چې د هرات د میناتوري انځورونه هم لري. ده د افغانستان د هنري آثارو ډېرې بیلگې بېلابېلو ولایاتو کې لیدلي او عکسونه یې هم دغه کتاب کې ځای کړي دي.

استاد سرمحقق محمد آصف گلزاد دافغانستان د علومو د اکاډمي نامتو څېړونکي دافغانستان د خط او میناتوري په هکله یو مستقل اثر کښلی چې څو کاله مخکې په کابل کېد ACKU دفتر له خواچاپ شوی و. استاد د هرات ځانگړی سبک خط او د هیواد نور نامتو خطاطان معرفي کړي دي (گلزاد،۱۳۹۳:۹۸-۱۰۱).

مرتضی گودرزی دهرات دمیناتوري سبک یو مشخص او منفرد سبک معرفي کړی دی. د دغه سبک بشپړتیا او د هغه مهال اوضاع یې بیان کړې ده.

د پخواني شوروي اتحاد دعلومو د اکاډمي نامتو څېړونکیعارفعثمانوف چې د ختیځو هنرونوپه هکله کافي مطالعه او آثار لریاستاد کمال‌الدین بهزاداو دهغه هنر یې ممتاز او د خپل عصر بې مثاله هنر گڼلی دی. ده هم دافغانستان د نقاشی او میناتوري دهنر او هم د خطاطیاو نقاشي په هکله څېړنه کړې ده.

امیر علیشېرنوایي او د هرات دخط او میناتوري د سبک وده او دهغه ځانګړنې

افغانستان بېلابېلو وختونو کې له بېلابېلو لوړو-ژورو او راز راز تاړاکونو سره مخامخ شوی دی، کله چې د هر تاړاک او ټولنیز کړکېچ او بحران څېو څخه لږڅه په دمه شو ی دی، نو زموږ نیکونو په دغه وقفه کې دخپل مدني ژوند، د اقتصادیشېرازې د جوړولو، د هنراو ادب ودې او د ټولنیزو –دودیزومعیارونو، کښت او کار، اخلاقي او دخپلو ملي او ټولینزوسجایاوو(نامدون قانون: مورالیتي، دود-دستور، فرهنګي ارزشونو، نرخونو او څلیو) بېرته حاکم ګرځولو لپاره کار پیل کړی دی. وروسته د چنګیز له ټکې (چې اروابشاد غبار صاعقه ی چنګیز) بللې ده، د عام قتل او لوټ څخه کمه موده کې افغانستاندکرت دملوکو پرمهال لږه دمه نه وه اخیستې چې یوه بله دوره کې بیا د امیر تیموردیرغل پرمهال کړکېچ سره مخامخ شو، خو له نیکه مرغه دوی بېرته خپل ورځنی ژوند سمبال کړای شو. تیموري چارواکي د افغانانو دمعنویت تر اغیز لاندې راغلل او د فرهنګ ودې ته زمینه برابره شوه(غبار،۱۳۴٦:۳۲۴).

د دغې مساعدې فضا دننه یو شمېر استعدادونه، لکه آقامیر کهروي، امیرروح الله، ولي الله او نورو د تذهیب او خط هنر ته پاملرنه وکړه. دغه فرصت کې ادباوو هم د ادبي تخلیقاتو فرصت وموند. دا مهال (پهنهمه قمري = پنځلسمه میلادي پېړۍ کې)؛ یعنې د سلطان حسین بایقرا پرمهال،امیرعلیشېرنوایيپه هرات کې دخپلې هنر پالنې، غوره ادبي تخلیقاتو او د یوه پوه او مدبر وزیر په توګه د غوره اجرااتو له امله شهرت ته ورسید. نوایي د سلطان حسین بایقرا د دربار د وزیر په توګه دخپل درایت او کفایت ډکه اداره په اثبات رسولې ده، ده له خپل همدغه صلاحیت او درایت څخه په استفادې د هنرونو ودې ته لار برابره کړه. هغه هنرونه چې د هرات سبک وبلل شو او وروسته بیا له افغانستان څخه ډېرو نورو سیمو ته دهغو خوشبویه لمن خوره شوه. له بده مرغه کله چې پر هرات دصفویانوتاړاک راغی د افغانستان میناتوري او دخط هنرمندان نورو سیمو او ملکونو (لکه اوسني ایران، بین النهرین، هند)ته اواره شول، خو ښېګڼه یې دا شوه چې دغه هنر ژوندی پاتې شو او د امنیت په راتلو سره بېرته دغه هنر د افغانستان بېلابېلو سیمو او په تېره هراتکې سا واخیسته او تر نن ورځې پورې دخط او میناتوري په برخه کې دګڼ شمېر افغانانو هنرمندې ګوتې خپل هماغه کمال نړیوالو ته زباتوي، چې کمال الدین بهزاد زبات او نړیوالو ورته د ځانګړي سبک د خاوند نوم او لقب ورکړی و(غبار،۱۳۴٦).د میناتوري، ښکلي خط او انځورګري یا د شیانو د تجسم هنر او د فکر او خیال مجسم کول د خط، رنګ او کرښو په واسطه دي، خو که چېرې رنګ پکې ونه کارول شي او یواځې کرښې وي، نو بیا د رسامۍ پرځای نقاشي ورته ویل کېږي. ښکلي لیک هم د نقاشي یوه څانګه ده(انصاری،۱۳۹۴:۱۸).

دغه هنر یو ځل د نهمې قمري پېړۍ په نیمایېکې د خواجه میرک، بهزاد او یو شمېرنوروپه مهاجر

کېدو سره د نړۍ نورو سیمو ته خپور شو، او یووخت هم له هرات څخه د آقا رضا جهانګیري پرمهال ایران ته معرفي شو چې په ایران کې د تبریز او اصفهاني دوومکتبونو اساس وګرځېد او یوخت بیا آن تر هند پورې ورسېد. د دې معنا دا ده چې نوایي نه یواځې یوه علمي او ادبي څېره وه، بلکې یو پوخ سیاستوال هم و چې همدغه مهال د هرات د خط، میناتوري او تذهیب ځانګړی سبک دخپلو ټولو عناصرو او مشخصاتو سره وپېژندل شو چې په دغو عناصرو او مشخصاتو به لږ وروسته بحث وشي.

دا چې موږ وایو چې هراتد نهمې قمري = پنځلسمې میلادي پېړۍ په ترڅ کې د پنځوسو کلونو لپاره د تمدن، هنر، اقتصاد او تجارت، عرفان او ادب لوی مرکز و، دا د امیرعلي شېرنوایي د پاملرنې او سپارښتنو له برکته و. په دغه مقاله کې د نوموړي پرژوند او پېژندنه بحث نه کېږي، خو د ده د هغو هڅو یادونه به وشي چې له امله یې هرات د خط دهنر اومیناتوري مرکز او دسبک خاوند شو.

نوایي په خپله په هرات، بیا یوڅه موده په عراق اوبیا سمرقند کې د زده کړې په بهیر کې له ځانه ډېر اوچت استعداد وښود، دغو ځایونوکې یې نامتو ادیبانو، لیکوالو، عرفاني څېرو او د ریاضي او حکمت له مشاهیرو سره لیده – کاته وکړل. د زده کړو په پیل کې د مرزاحسین سره ټولګیوالو، نوځکه کله چې د ده د پاچاهۍ پرمهال د ده د دربار وزیر شو، سلطان د ده مشورې منلې. کله چې مرزاحسین پاچا شو، نو د ده دپلرونو د وحشت، تیري، جګړو او تاوتریخوالي دوره تېره شوېوه او هرات کې حالات د سولې او سمون پر لوري روان وو. د علم، هنر، عرفان او ادب خاوندانو د هوساینې احساسوکړ (انصاری،۱۲:۱۳۹۴).

نوایي د دربارد یوه دانشمند او پوه وزیر په توګه په دغو ډګرونو کې ترنورو یو ګام مخکې شو، نو ځکه هرات تقریباً تر پنځوسو کلونو پورې د تمدن زانګو وګرځېد. یعنې دعلم خپراوي، دهنرونو عالي اغېز، وروسته تر تشدد څخه یوعاطفي چاپېریال، دساینس (ریاضیاتو، حکمت اونجومو) د درناوي، اقتصادي او تجارتي پرمختګ، دکرنې ودې د باغونو، ویالواو کانالونو جوړېدواو تساند او تساهل نتیجه، دهرات نوی تمدن و.نوایي په خپله کښت اوکار، معماري، موسیقي، کتاب خپرولو او صنعت ته توجه وکړه. هنرمندان، صنعتګر اومنجمین یې وهڅول. امیر علي شېرنوایي د هنر په برخه کې د معماري،خط او میناتوري هنر وستایه او هغه یې وهڅاو،د موسیقي برخه کې یې خپله لیکنې وکړې، دشعر او ادب په برخه کې یې په تورکي او دري ژبو خواږه اشعار وویل. هغه نامتو ادبي او هنري څېرې چې ده یې پالنه او هڅونه وکړه، زیات دي، لکه مولانا کمال الدین شاه شاعر، خواجه میرک نقاش او خطاط، کمال الدین بهزاد میناتوریست، خواجه آصفي شاعر، مولانا فصیح الدین منجم او ریاضي پوه، خواجه عمادالدین مولانا زاده د منطق او دیني علومو دانشمند او داسې نور. په مجموع کې د تیموریانو پرمهال هرات د هنر، فرهنګ او علومو یو لوی مرکز و. سلطان حسین بایقرا او د هغه نامتو وزیر نوایید ودانیو جوړولو او

دیني مدارسو ته هم ډېره پاملرنه کړې وه، چې آثارېې اوس هم شته.نوايي زموږ د هیواد نامتو عرفاني څېره هم ده. میناتوري دهغه وخت د تصوفي اشعارو، مناجاتو، مناقیبو، د قران عظیم الشان د لیکل شویو پاڼو او پوښ تذهیب، تجلید، د جوماتونو د محرابونو، رواقونو، دروازو او د ډېرو نورو ودانیو په تزئین کې اوچت ارزښت درلود. نوايي په خپله مویک، تذهیب، موسیقي، معماري، ښکلي خط او مجسمې جوړولو کې پوهه لرله او نور یې هم ورته هڅول. ده خپله له خواجه یوسف برهان څخه موسیقي زده کړې وه. د سلطان حسین او نوايي پرمهال درسي نصاب ته توجه وشوه، د تسنن او شیعه اختلافات بیخي کم او ورک شول، نوي جوماتونه او مدرسې جوړې شوې او پر تساند او تساهل ټینګار وشو.

نه یواځې نوايي، بلکې له ده وروسته؛ د لرغوني هرات د ویړ فرهنګ وړانګې نورو وختونو کې هم شاوخوا خورې شوي دي. دبیلګې په توګه وروسته تر ۸۲۳ق. کال څخه دشاهرخ مرزا او د ده د زوی؛ شهزاده بایسنقر مرزا پر مهال چې دوی دواړه د میناتوري او خط د هراتي سبک کلک ملاتړي وو، د ګاونډیو هیوادو اتباعو ته ورزده شو. د بایسنقرانو دغه هنري بنسټ چې خط او تذهیب یې مهمه برخه وه د (دارالصنایع کتاب سازي) په نوم شهرت وموند او د بایسنقر د دورې خپاره شوي کتابونه د میناتوري او ښکلي خط له مخې دنړۍ د هغه وخت بیساریآثار وشمېرل شول. په سیمه کې د اسلامي فرهنګ یومهم جز شو او ډېرو اسلامي هیوادو کې د قران عظیم الشان خطاطانو، د شعري دیوانونو مرتبینو او د جوماتونو او نورو ودانیو جوړوونکو ورڅخه زده کړه وکړه، خو د دې معنا دا نه ده چې دغه هنر له هرات څخه وتلی وي. د بایسنقر له مړینې وروسته (۱۴۳۳م.) بیا هم هرات د ښکلي خط او میناتوري مرکز و او د ده د زوی علاو الدوله (۱۴۴۷م.) پورې خط او میناتوري پالل کېدل. ډېر وروسته بیا، یعنې هغه مهال چې اتلسمه پیړۍ کې هرات لویو سیاسي ستونزو سره مخ شو، د دغه ولایت مُدبر وزیر یارمحمد خان د هرات د ارضي تمامیت او اقتصادیشېرازۍ د ساتنې او دفاع تر څنګ د دغه ولایت منورین، دیني علما، هنرمندان او هنري ارزښتونه وساتل (غبار،۱۳۴۶:۳۲۲). له نیکه مرغه تر اوسه پورې هرات کې د میناتوري او خط هنر او د دغه هنر هنرمندان شته.

دهرات میناتوریسبک کومې ځانګړنې درلودې؟

د کمال الدین بهزاد او له هغه وروسته د میناتوري او خطآثار دې سوال ته ځواب وایې: دې برخه کېدېرو لیکوالو لیکنې کړي دي او د دې پوښتنې د ځواب لپاره دهغه وخت هنري آثار او د څېړونوکو نظرونه پلټلای شو، چې نچوړ یې دا دی:

د هرات د خطاطي او میناتوریمکتب په دوو پړاونو کې پرمختګ وکړ او د دواړو پړاوونو مخکښان یې د هرات د پنځلسمې میلادي پیړۍ هنر پالونکي چارواکي وو چې هنرمندان به یې په ډېر شوق او

په پوره مینه پالل او د هغو ملاتړ به یې کاو. هغوی د میناتوري له قواعدو او معیارونو سره سم، د وخت د شرایطو مطابق یو همغږی پرمختګ رامنځته کړی و. د هرات هنري کارګاه د بایسنقر د زوی شاهرخ پرمهال ډېره اوچته توانایي او ښه پیاوړتیا ترلاسه کړې وه او د هنري هستولو او سنجیدګی په ترکیب کیپډېر رغنده رول ترسره کړ او په دغه سیمه کیپې یو بیساری غوړیدلی هنر وزېږاو. په دغه کارګاه کې د نوښتونو د رامنځته کولو لپاره یو شمېر طرحې او نقشې چمتو شوې. د تیموریعصر هنر پالونکو هڅو په ښکلي خط او انځورګري، ودانۍ جوړولو، ادب او نورو دغه ډول نوښتونو کې اغیز درلود.

په عمومي توګه د دغې دورې د میناتوري په نوښتونو کې درې ټکي: طبیعت پالنه، واقعیت پالنه او سمبول پالنه او په تېره بیا د عرفان موضوع اوچته ښکاري (انصاری،۱۳۹۴:۲۱).

د هرات په مکتب کې د میناتوري د هنر یو بل اړخ سره هم مخامخ کېږو چې د لومړي ځل لپاره په دغه دوره کې رامنځته شو. هغه د ښکلي خط او مرقعاتو یو ځای کېدل او په ښکلي خط د شعرونو لیکل و. په دې کار سره د هنر د مینه والو هنري تنده ماته او د دوی د هنر خوښولو ذوق وده وموندله او د راتلونکو نسلونو لپاره یوه الګو رامنځته شوه تر څو بل نسل د خپلو پخوانیو نسلونو د لاسته راوړنو پربنسټ خپل کار ته دوام ورکړي او د یوې مېراثي عنعنې په اډانه کې خپل نوښتونه پلي کړي. دغه بهیر د هنر پالو او هنر خوښونکو د ښکلا خوښونې او ښکلا پېژندنې انګیزه پیاوړې کوله او د نورو نویو آثار د ودې لاره یې هواره کړه او د دود – دستور د ټینګښت او دوام لپاره یې لوی خدمت ترسره کړ. موږ د خپل ملي تاریخ په تګلوري کې، تر نن ورځې پورې څو ځله دا ډول پېښې په تکراري توګه وینو. زموږ بحث یواځې د خط او میناتوري په هکله دی، نود دغې دورې د انځورګرۍ یوه ځانګړتیا د بشپړو رنګونو د فضا د یوه نوي مفهوم په علمي بڼه بیانول دي. همدارنګه د سره رنګ له کورنۍ څخه کار اخیستل کم شول، خو د شنه، ارغواني، ګلابي رنګونو دود زیات شو او د تور و سپین په پرتله یې استعمال زیات شو. هغه څو جوت او څرګند خصوصیات چې د هرات د سبک پېژندنه ورباندېکېږي دا دي:

اوسني افغانستان کې جیدو علماوو په اسلامي ثقافت، فقه او دیني علومو کې پرله پسې زیار ګاللی او د دیني علماوو ترڅنګ دتصوف کړیو هم اسلامي معاریف او عرفان په قوت سره پاللی و. دعرفان دغه معنویمېراث په تېره بیا د مولانا جلال الدین محمد بلخي څخه (ز:۵۸٦-م. ٦۵۲) تر مولاناعبدالرحمن جامي(ز:۸۱۷) پورې؛ د دریو پېړیو په بهیر کې د افغانستان د خلکو په روح او روان کې ریښې لرلې. په تېره بیا چې جامي د تیموریانو پرمهال او په خپله په هرات کېژوند کاو. نوځکه د هرات د هنري سبک(خط او میناتوري) یوه لومړنۍ او مهمه نښه دا وه چې مذهبي او اسلامي معرفت

یې ښود. بله ځانګړنه یې دا وه چې له انځورونو سره یې نستعلیق خط درلود. د دې سبک زیاتره آثار هم انځور او هم لیک لري، چې یو تر بل څخه ښکلي، هنرمندانه، ظریف او زړه کښونکې دي، نو ځکه یې دوه هنرونه سره خلط کړي دي، په همدې خاطر دخط او میناتوري دواړه صفات ورته ذکر کوو. بله ځانګړنه یې دا ده چې آثار معمولاً مستطیلي شکل لري، په انځورونو کې سیوری نه ښکاري او تشه فضا بالکل پکې نشته. په دغه سبک کې په انځورونو کې تیږې او آن دغرونو، غونډیو او کمر اړخونه ښکاري، د انځورونو فضا ډېره ډکه او آن دا چې ویلای شو چې تشه فضا پکې بالکل نشته. یوبل سره یې ورته والی هم ډېر لیدلکېږی، خو د میناتوري د یو شمېر عناصرو په ترکیب کې انسجام ضعیف ښکاري، خو بیا هم دغه تخنیکي نیمګړتیا د ټولې فضا د عالي ترسیم، ښکلي خط او هنرمندانه رنګ له امله نه تر سترګو کېږي، یا اقلاً پټه ده (شهراني،۱۳٦٤:٦٦). له اروایي پلوه او د هنرمندانه دید له مخې؛ د هرات هنري سبک او سیاق سره شکلونه او انځورونه خپل فزیکي - تجربې خاطرات له لاسه ورکوي او په رمزي او خیالي بڼو سره په یو ځانګړي جوړښت باندې بدلېږي. دغه عاطفي–انځوریز ځانګړی جوړښت په تصویري عرفان کې د ټولې هستۍ ډوېېدل دي. دلته بصري عناصر لکه نقطه، خط، سطح، رنګ او د انځورونو کرښې چې تجسمي-مادیشکلونه دي، د یوه خاص بیان له امله او د غیر مادي لوري موندنې له امله، رمزیکېږي، چې دغه ځانګړی ترکیب بندي او خاص جوړښت د توحید یو نمایش دی. څومره چې لیدل کېږي، د امیرعلي شېرنوایي په خاصه توجه او په تېره د بایسنغریانو د دورې په پای کې دادبیآثارو خطاطي او تذهیب ډېر وهڅول شو، نوپه کتاب لیکلو او د کتابونو په سینګارولو کې په تاریخي مضامینو (جامع التواریخ، مجمع التواریخ او د طبري تاریخ) حماسیآثارو (د فردوسي شهنامه)، غناییآثارو (شعرونو او د خواجه دیوان او د نظامي خمسه) باندېډېر تاکېد وشو چې د هغه مهال د شرایطو یوه غوښتنه وه(عثمانوف،۱۳٦۲). لږ موده وروسته د هرات تجسمي هنر کې ځینېچېنې عناصرو ځان څرګند کړ (ګودرزی:٥٦).

د افغانستان د تجارت د تاریخچې د مطالعې له مخې؛ دا مهال په سیمه کې امنیت څه ناڅه ښه و، نو له کاشغر تر کاشانه، د افغانستان له ختیځ تر لویدیځه او دافغانستان ټول اوسني وربوی کې سوداګري، کاروانسرایونه او د تبادلې پروسه ښه په درز کې وه، له دې جملیچینایي اجناس له دې لارې دمدیترانې ترغاړو او تر شام پورې تلل، یو شمېر یې دلته هم پلورل کېدل، نو ځکه په دغه دوره کې د چیني انځورونو په دود کېدو کېد چیني اجناسو (چیني لوښي، رختونو، اوبدل شوو ټوکرونو او نورو) واردېدلو او تجارت رول درلود. مخکې تر دې چې پرافغانستان صفویان یرغل وکړي، دافغانستان تجسمي هنر، خط، میناتوري، پژتوږل، جومات اوکلا جوړول او لوښوسینګارول، یو ځانګړی سبک معرفي شوی

و. البته په هنر او ادب کې د سبک تر پړاو رسیدل او د سبک خاوند کېدل ډېر زیات ریاضت او پوخوالی غواړي، خو زموږ دهغه وخت هنرمندانو د ریاضت او پوخوالي دغه پړاوونه په بریالیتوب تېر کړي وو، له بده مرغه د صفویانو په یرغل همدغه ظریف او نفیس هنرمندان خواره واره شول. همدا مهالد هرات د مکتب یو مترقیدوران یا مرحله بللای شو چې د ډېرو بدیع، نویو او پرتمینو لاسته راوړنو لرونکې دورهوه. په دغه پړاو کېډېرو تکړه انځورګرانو د پخوانیو ضوابطو او مضامینو په بدلون کې لاس درلود. په دغه دوره کې د میناتوري موضوعات عرفاني او اخلاقي وو. له دې پرته غنایي موضوعات او مضامین هم لیدل کېدل، خو دغو موضوعاتو له عرفاني اړخ سره تړاو درلود. تاریخي موضوعات لږ و (لکه ظفرنامه، نما وقدرت، سلسله تیموري) چې په نویو انځورونو سره وړاندې شول چې په هغو کې د تیموریانو له خوا د بالاحصارونو د نیولو، د دوی د واکمنۍ، د سمر قند د جومات جوړولو او نورو چارو ته پاملرنه شوې وه. په دغه پړاو کې د ژوند ورځني موضوعات هم د انځورګرانو د پام وړ وګرځېدل او د دربار د ژوند ځینې اړخونه په بې واسطه ډول انځور شول (د کار او کار کولو انځورونه، حمامونه، غېږې نیول، د ټولنې معمول کسبونه، کرونده کې کار، دیوال جوړول،...) د میناتوري موضوع وګرځېده او د کوڅې او بازار خلکو هم د دغې دورې په هنري سلیقه کې ځان راڅرګند کړ. په عمومي توګه د دغې دورې د میناتوري په نوښتونو کې درې ټکي: طبیعت پالنه، واقعیت پالنه او سمبول پالنه او په تېره بیا د عرفان موضوع اوچته ښکاري. په دې توګه؛ کله چې دغه هنر او خواصو له مرتبې د عوامو لوړ حد ته پورته شو، نود دغې دورې د انځورګرۍ ځانګړتیا، د بشپړو رنګونو د فضا لرونکې اود یوه نوي مفهوم بڼه غوره کړه(انصاری،۱۳۹۴:۲۳).

هغو کره کتونکو ته چې په علمي ډول د خواصو او عوامو دهنر په برخه کې علمیځېړنه کوي، دا ټکې ورته په زړه پورې دي. همدارنګه دا وخت د سره رنګ له کورنۍ څخه کار اخیستل کم شول، خو د شنه، ارغواني، ګلابي رنګونو دود زیات شو او د تور و سپین په پرتله یې استعمال زیات شو. د هرات د هنري سبک د عالي تکامل په دې پړاو کې بهزاد د کرښو په مرسته د پخوانۍ بې حرکته انځورګرۍ سوړ او کرخت وضیعت بدل کړ او یوه خوځنده او پیاوړې بڼه یې ورکړه. هغه طبیعت او ودانۍ د خلکو د کار او فعالیت د محل په توګه انځور کړې او په دغسې چاپېریال کېږې هرې څېرې ته مناسب ځای په پام کېونیو. د رنګونو په متقابلو اغیزو سره یې د انځورونو ښلاښلې برخې یو بل سره ونښلولې او په دې توګه یې وکولای شول چې د چاپېریال، وګړو، ونو-بوټو او نوروښلاښلو شیانو تر منځ اړیکېجوړې کړي او دا په میناتوریکې یوه نوې لاسته راوړنه وه. بهزاد د ونو – بوټو او تیږو په انځورولو کې یو بیساری نوښت کړی و، چې په سړو او یو بل سره د همغږي لرونکو رنګونو په واسطه یې انځورول. ده د عادي وګړو انځورولو کې، د دوی د روحي بیانوونکي حالت ته پاملرنه وکړه. د ده دا بیانوونکی حالت، انځورونه په

حرکت راولي.لږ وروسته؛ په بل پړاو کې په آثارو کې د یوه وګړنیز ریالیستیک هنر څرکونه ښکاره شول. بهزاد چې په خپله یو خواریکښ، په خپل مټ متکې او نوښتګر هنرمندو، نو د انسان پالنې د محتوا ساتنه او انسان پالنه یې د خپل کار د محور په توګه غوره کول.

په مجموع کې دهرات د میناتوري سبک کېد نویو رنګونو په رامنځته کولو کې نوښت ښکاري، ډېرو ځایونو کې له لاجوردي، فیروزه یي، طلایي، نارنجي، سرو او ژېړو رنګونو څخه کار اخیستل شوی دی.د طلایي رنګ زیات کارول، د انځور په تشه ځمکه باندې د ګلانو او بوټو انځورول او د سپین رنګ کارول د دې دورې یو څو نورې ځانګړتیاوې دي.په انځورونو کېدېر ګڼ شیان ښکاري، لکه ونې، په ونو کې مرغان، په آسمان کې وریځ او الوتونکي، پرزمکه بوټي، تیږې، اوبه او ډېر نور شیان، خو اصلي څېرې لویې او رانژدې دي. دغه سبک په هنرمندانه مویک سره تتوالی او روښانتیا ډېره ښه په پام کې نیسي. یوه خبره چې تصادفاً بازیل ګري ورته متوجه شوی، هغه دا ده چې د هرات دمیناتوري سبک کې د ښځو څېرې ډېرې لږې دي(مهرګان،۱۳۷۸: ۹۷)

د هرات په مکتب کې د میناتوري د هنر یو بل اړخ سره هم مخامخ کېږو چې د لومړي ځل لپاره په دغه دوره کې رامنځته شو. هغه د ښکلي خط او مرقعاتو یو ځای کېدل او په ښکلي خط د شعرونو لیکل و. په دې کار سره به د هنر د مینه والو هنري تنده ماته او د دوی د هنر خوښولو ذوق به وده وموندله او د راتلونکو نسلونو لپاره یوه الګو رامنځته شوه تر څو بل نسل د خپلو پخوانیو نسلونو د لاسته راوړنو پربنسټ خپل کار ته دوام ورکړي او د عنعنې په اډانه کې خپل نوښتونه پلي کړي. دغه بهیر د هنر پالو او هنر خوښونکو د ښکلا خوښونې او ښکلا پېژندنې انګیزه پیاوړې کوله او د نورو نویو آثار د ودې لاره یې هواره کړه او د دود –دستور د ټینګښت او دوام لپاره یې لوی خدمت ترسره کړ. موږ نه هیروو چې د دغه هنر په وده کې به سلاطینو (له سلطان حسین بایقرا نیولې، تر علاوالدوله) او په تېره امیرعلي شېرنوایي تشویقي رول درلود، خو بې له شکه چې په اصل کې په خپله دغه هنرمندان وو چې غوښتل یې ذوقي مسایلو سره په بوخت کېدو د پردیو یرغلونو او د بېګانه ځواک حاکمیت او ترخه خاطرات او له دې امله بدې ورځې هېرې کړي، نو څکه یې ورو ورو د کتابونو سینګارول، د ښکلا پالنې اصول او د میناتوري هنر د بشپړتیا تر پړاو پورې ورساو او غوښتل یېچې هنر داسې لوړې پوړۍ ته اوچت کړیچې نه یواځې سترګې، بلکې زړونه هم روښانه کړي. هغه څه چې څرګند دي، هغه دا دیچېمیناتوري، نه لکه د معماري په شان ده او نه هم د صنعتي هنرونو په شان ده چې خلک د ژوند د چارو لپاره ورته اړتیا ولري او ټول یې د لګښت لپاره غاړه کیږدي، بلکې دا هنر فقط د ښکلا خوښونې یوه بېلګه ده، لکه ښکلي لیک چې د علم پالو خلکو له خوا د علم د خپرولو لپاره ورڅخه کار اخیستل کېږي. دا هنر د موسیقي په شان

هم نه دیچې په ساده او ارزانه وسایلو باندې پوره شي، بلکې داسې یو هنر دی چې د لوړ عظمت،ډېر پېچلتوب، د رنګ او خامو موادو لوړقیمت او زیات دقت او وخت لګولو له امله داسېموادو او توکو ته اړتیا لریچې هغه پرته له پیاوړي تمویلوونکي منبع او ډېرې مجهزې کارګاهاو پوره خامو موادو او وسایلوڅخه یې تخلیق او ایجاد ډېر ستونزمن دی، نو همدا لامل و چې دغه هنرمندان (میناتوران) له ډېرو ستونزو سره مخامخ وو(انصاری،۱۳۹۴:۲۸).

یوه مهمه پایله چې ترلاسه شوه، هغه دا ده چې هرات د میناتوري او ښکلي خط یوه زانګو ده او افغانسان حق لري چې میناتوري او ښکلي خط د خپل فرهنګیمېراثیوه مهمه برخه وګڼي.

په پای کې دا هم باید ووایو چې له دغې دورې وروسته تر نن پورې؛ په بېلابېلو دورو کې د میناتوري او خطاطانو ستونزمن حالات او دا چې همدا اوس هم زموږ یو شمېرمیناتوران له هیواد بهر دي، د اندیښنې وړ دي. اوس د افغانستان دننه او آن د میناتوري په کور یعنې هرات کې د میناتوري د بازار سوړ وضعیت هم خواشینوونکی دی. خو د دې په پرتله ګاونډیو هیوادو کې دې برخې ته پاملرنه زموږ د ډېرې دلسردۍ لامل ګرځي. همدا تېره اونۍ (د سلواغې پر لسمه) په تهران کې د میناتوري د هنر یو لوی نندارتون د یونسکو په مرسته او ملاتړ او د ایران، چین، هند، عربو او یو شمېر نورو هیوادو د میناتورانو په ګډون دایر شو. له نیکه مرغه زموږ څو تنو افغانیمیناتورانو هم پکې ګډون درلود. په تهران کې د افغانستان لوی سفیر دغې لویې غونډې ته د وینا پرمهال په افغانستان کې د میناتوري تاریخچې سره تماس ونیو. د نندارتون په زړه پورې برخه د چینایي خط تابلوګانې وې. د افغانیمیناتوریاو خط معاصرې څېرې د دغې سلسلې یوه بله برخه ده. دغه لړۍ دوام لري. راقم الحروف به هڅه وکړیچې د یوه کتابګوټي په بڼه یې چاپ ته چمتو کړي.

نتیجه:

۱.د امیرعلیشېرنوایي دوره په هرات کې دسیاست، هنر، اقتصاد، علومو او ادبیاتو یوه روښانه دوره وه،

۲.سره له دې چې نوایي یو لوی سیاسي چارواکی او د سلطنتي دربار وزیرو، خوپه عین وخت کې د څوژبو شاعر او لیکوال هم و،

۳.نوایيډېر ادیبان، هنرمندان او عالمان وروزل او وهڅول، د راز راز هنرونواوصنایعو ودې، عمراني او زراعتي چارو، ویالو او کانالونو جوړولو او د تجارت ښه کېدو ته یې پاملرنه وکړه،

۴.نوایيپه دیني مسایلواو ټولینزو ډګرونو کېخلک یو دبل په وړاندې زغم، لوریني، تساند او درناوي ته وبلل او مهمه دا چې عادت یې کړل.

پایلنیونه او مناقشه

هنري تخلیقات، رغنده کار او د ژوند د رنګینیو انځور او د روزګار سړي- تودې د ملتونو دتاریخ یوه مهمه برخه وي. په تېره بیا هنریآثار د یو ملت د لوړ روح، د تمدن اوهڅوب ویاړ او د دوی د تاریخي دریځ څرګندونه کوي. دا ټول هغه څه دي چې دوی له نورو بېلوي او ځانګړی هویت وربښي. موږ دقیق او موثق اسناد لرو چې خپل هڅوب وربانديې ثابت کړو. ډېر ځله اروپایان زموږ بډای تمدن او ویړفرهنګ ته ګوته په غاښ پاتې شوي دي. کله چې د اسلام مبارک دین افغانستان ته راورسېد، عربي مورخینو زموږ وطن د نړۍ له نوادرو وشمېره او تجارت، ودانیو، کرنې، صنعت، کاروانسرایونو او نورو اقتصادي، هنري اومدني ارزښتونو، پرمختګ او طبیعي منظرو ته یې په حیرت کې شول. کلونه کلونه زموږ پیداوارو لکه لاجبرو او زمردو، او وروسته بیا زموږ معنویمېراث او ورپسې مو صنعت زموږ د وطن نوم په نړۍ کې مشهور کړی و، زموږ د صنعتکارو صنعت ته به دچین تجار په لوړه بیه حاضر و چې ترلاسه یې کړي او داسې نور مثالونه.له بده مرغه اوس داسې بده ورځ راغلېچې زموږ تاریخي سیالان غواړي تر هرڅه دمخه زموږ فرهنګیمېراث یا له منځه یوسي یا یې په جعل سره خپل کړي. دا هڅې ښکاره روانې دي چې موږ د یوه داسې بدوي او بې احساسه ملت په توګه معرفي کړي چې ګواکې له تمدن، هنر، عواطفو، تساند او نورو سجایاوو سره هیڅ اشنایي نه لرو او ملي تاریخ مو ټول بدویت دی، خو تاریخ د دې سرچپه ثابتوي.

مأخذ:

۱. آریانا دایرة المعارف (۱۳۹۶-۹۹) بیلابیل ټوکونه، دوهمه دوره، د افغانستان دعلومو اکاډمی، دنبراسکا د مطبعې چاپ: کابل افغانستان.

۲. انصاری، حمیده (۱۳۹۴)،شناخت و ارزیابی موضوعی میناتوري افغانستان. چاپ ونشر مرکز معلومات در پوهنتون کابل، ۱۳۹۵: کابل افغانستان.

۳. راولند، بنجامین. هنر قدیم افغانستان. ترجمه، احمدعلي‌کهزاد، وزارت اطلاعات و کلتور، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلن کابل-نیویورک.

۴. جاناتانا، ل.لیې. (۲۰۰۷)، تاریخ افغانستان از ۱۲۰۷تاامروز(به زبان انگلیسی).

۵. رحیمی، عبدالکریم. مکتب هنري بهزاد. انتشارات اتحادیه انجمن‌های هنرمندان افغانستان، چاپ اول، کابل.

۶. شهرانی، عنایت الله خوشنویسان(۱۳۶۴)، کابل-افغانستان.

۷. گلزاد. محمد آصف. (۱۳۹۲)، خط وخطاطی در افغانستان . چاپ مرکز معلومات افغانستان در پوهنتون کابل.

۸. گودرزی، مرتضی. در راه تکامل برخی ویژگی‌های مکتب هرات. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کمالالدین بهزاد، سال چاپ ندارد.
۹. عثمانوف، عارف. ۱۳٦۲)استاد کمال‌الدین بهزاد وهنر خطاطی و نقاشی افغانستان.
۱۰. غبار، میرغلام محمد.(۱۳۹۳). افغانستان د تاریخ په تگگلوری کې(پښتو ژباړه)، میوند خپرندویه ټولنه،
۱۱. گردیزی، عبدالحی. زین الاخبار(چاپ جدید- کابل) نخستین چاپ این کتاب در کلکته صورت گرفته که اکنون نایاب است.
۱۲. مهرگان، مجید. (۱۳۷۸)هنر کتابآرایي دوره تیموری- نقش اسطوری کهن و نقاشی اقوام بومی در زیرساخت نقوش تزئینی و تذهیب.

مقالات دری

۱. ضیاء رفعت -- هماوردی علی شیرنوایی در شعر فارسی با چهار غزل سرای بزرگ

۲. سید احمد کاظمی -- تساهل و مدارا در اندیشه علیشیرنوایی

۳. سید عبدالبصیر مصباح -- بررسی نقش علیشیرنوایی در توسعه جریان فرهنگی-هنری عصرتیموریان

۴. سید خلیل کوهی -- جایگاه ادبیات و فرهنگ در دوره علی شیر نوایی

۵. انیسه نجفی -- ادبیات در اندیشه علیشیرنوایی (فانی)

۶. ضیاءالدین جمال -- نقش امیر علی شیرنوایی در دستگاه قدرت سلطان حسین بایقرا

۷. خاطره نورزایی -- موسیقی غزل‌های ابتکاری علی‌شیر نوایی(فانی)

۸. ظریف صفا بختیاری -- واکاوی برنامه‌های اقتصادیعلی‌شیر نوایی

۹. .احمدجاوید انوش و سونیا آژمان -بازتاب نگرش‌های اپیکوریستی در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی ۱۱

هماوردی علی‌شیر نوایی (فانی) در شعر فارسی با چهار غزل‌سرای بزرگ (امیر خسرو، سعدی، حافظ، و جامی)

ضیاء رفعت

چکیده

امیرعلی‌شیر نوایی که در شعر فارسی دری تخلص او "فانی" بود. نوایی را پدر ادبیات ترکی می‌خوانند. او در شعر فارسی دری دیوانی دارد که بیش‌تر غزل و در کنار آن چند قصیده و تعدادی قطعه، رباعی، فرد و مسدس است. بسیاری غزل‌های این شاعر به پیروی از شاعران معاصر و متقدم سروده شدهاست. با آن‌که فانی از شاعران متوسط به‌شمار می‌آید؛ اما با این‌هم نمی‌توان از کنار اهمیت شعرهایش به سادگی گذشت؛ زیرا در دیوان او شعرهایی نیز هست که مهر خود را -اگرچه کم‌رنگ- بر آن‌ها زده است. تقلیدهای او حتا از شاعران بزرگ، نشانه‌ی توانایی قابل تحسین او در شعر فارسی‌ست.

کلیدواژه: تقلید، فانی، تیموریان،امیرخسرو، سعدی، حافظ، و جامی.

مقدمه

امیر علی‌شیر نوایی (۸۴۴هـ.ق در هرات - ۹۰۶هـ.ق) از سیماهای درخشان ادبی افغانستان است. با آن‌که در مورد آفرینش‌های ادبی او در زبان ترکی، بررسی‌های در خوری انجام شده و ادبیات‌شناسان در معرفی فرآورده‌های ترکی او همت بلند صرف کرده‌اند؛ ولی در مورد شعرهای فارسی دری او توجه چندانی نشده، شاید مهم‌ترین کار پژوهشی که در مورد دیوان فارسی او شده، شرحی‌ست که همایون فرخ؛ یکی از دانش‌مندان ایران در مقدمه‌ی چاپ دیوان این شاعر نوشته و در آن از زندگی و پایه‌ی شعر او به‌اختصار سخن زده است. در داخل کشور نیز جسته‌وگریخته مقاله‌هایی در این زمینه نوشته شده؛ اما هنوز جا دارد که پژوهش‌های بیش‌تر انجام شود.

دیوان شعر او به تصحیح و مقدمه‌ی رکن‌الدین همایون فرخ در سال ۱۳۷۳ در ایران چاپ شده. در این نسخه، مقدمه‌ای از علی‌اصغر حکمت دانشمند ایرانی نیز نشر شده. چاپ دوم این اثر با ویرایش جدید در سال ۱۳۷۵ در ایران انجام شد. این نسخه نزدیک به ۴۵۰۰ بیت دارد. نوایی در دیوان شعر فارسی خود، "فانی" تخلص کرده، در مورد این تخلص در مجله‌ی "نامه‌ی پارسی" آمده است: "علی‌شیر در شعر فارسی «فانی» تخلص می‌کرد؛ چنان‌که در مثنوی لسان‌الطیر (ترجمه‌ی ترکی منطق‌الطیر عطار) می‌گوید: در اشعار ترکی «نوایی» تخلص می‌کردم هنگامی‌که به نظم اشعار فارسی پرداختم و هر قالب نظم را در این زبان پدید آوردم، تخلص فانی برگزیدم (شریف ومریم:۱).

در این مقاله از میان شاعرانی‌که نوایی به پیروی از آنان شعر سروده؛ حافظ، سعدی، امیرخسرو و جامی را برگزیدم و چهار شعر نوایی را که به پیروی از چهار غزل اینان سروده شده، از لحاظ زیبایی‌شناسی بررسی کرده‌ام. هدف این بررسی این است که دریابیم، فانی در هماوردی با بزرگان شعر، چقدر توانمند بوده. شاید با این بررسی بتوان تصویری تا حدی جایگاه ارجمند شعرهای فارسی این شاعر را در میان شاعران عصر تیموری نشان داد. پیش از ورود به موضوع، جا دارد که در مورد مقام شاعری این شاعر در شعر فارسی از زبان خودش بخوانیم:

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بی‌حداست
فارسی هم لعل و درهای ثمین گربنگـری
گـــوبیا در راست بازار سـخن بگشاده‌ام
یک‌طرف دکان قنادی و یک‌سو زرگری
زین دکان‌ها هر گـدا کالا کجا داند خرید
زان‌کـــه باشند اغنیا این نقدها را مشتری

تقلید در عصر تیموریان: تعالی علم وهنر در دوره‌ی تیموریان بیش‌تر برپایه‌ی تقلید یا اثرپذیری استوار بود؛ هرچند در پاره‌ای از هنرها و عمده‌تر در هنرهای ظریفه‌ی این دوره، با توجه به نوآوری‌هایی روبه‌روایم؛ اما در علوم، تاریخ‌نگاری و ادبیات، بیش از سایر عرصه‌ها، تأثیر دوره‌های پیشین را می‌بینیم.

با آن‌که تقلید در حد طبیعی در طول تحول و تطور هنر، روند غیر قابل انکاری‌ست و هر سبک و شیوه‌ی هنری و ادبی با همه نوآوری‌هایی که همراه داشته باشد، نمی‌تواند با سبک‌ها و شیوه‌های پیش از خود بی پیوند باشد؛ اما ادبیات روزگار تیموریان در کار تقلید، از روند طبیعی گاهی بیرون می‌رود و شاهد اثرپذیری‌های گسترده‌ی آفرینش‌گرانی می‌باشیم که با آگاهی تمام، خواستند در مسیر تقلید قرار گیرند.

اگرچه از دید ادبیات‌شناسان قدیم نیز ابداع و نوآوری همیشه سخت با اهمیت دانسته می‌شده است؛ اما تقلید دوره‌ی تیموریان را باید با محکی دیگر سنجید. معنی سخن این است که تیموریان هرات وارث چنان ویرانی‌ها، بربادی‌ها، کشتارها و غارت‌گری‌هایی بوده‌اند که تاریخ نظیر آن‌ها را کم‌تر در حافظه دارد. در این دوره همه چیز باید از نو آغاز می‌شد. جامعه، پیش و بیش از نوسازی، به بازسازی نیاز داشت؛ یعنی ازدست‌رفته‌ها باید دوباره احیا و شکسته‌ها از نو درست و گسیخته‌ها بار دیگر شیرازه‌بندی می‌شد. همین نیاز بود که دست‌اندرکاران دانش و هنر، نخست برآن شدند که دستاوردهای گذشته را دوباره به‌دست آورند. آنان برای رسیدن به این هدف، صدها نسخه‌ی علمی و ادبیِ را که از تاراج و ویرانیِ چنگیزیان جان بدر برده بودند، جمع‌آوری و از نو استنساخ کردند و فرآورده‌های فراوانِ آسیب‌دیده‌ی گذشته، بازسازی شد. این تلاش‌ها خود، بیان‌گر درخشش فعالیت‌های فرهنگی

این دوره است. طبیعی‌ست در دوره‌ای‌که دغدغه‌ی نخستین آن، احیا و دوباره‌سازی میراث گذشته باشد، و همه‌ی دست‌اندرکاران ادب و هنر فعالیت‌های خود را برای رسیدن به چنین هدفی متمرکز کرده باشند، خواهی‌نخواهی در تولید ادبی هرقدر هم که بخواهند نوآور باشند، بازهم از اثرپذیری و تقلید گریزی ندارند. به‌گمان غالب همین کار سبب شده باشد که تقلید در دوره‌ی تیموریان در مقایسه با سده‌های پیش و پس از آن، چندان عیب شمرده نمی شده است و در پاره‌ای از موردها حتا حسن بوده است. منظور این نیست که شاعران این دوره به مضمون‌آفرینی و تازه‌گویی کم‌توجه بوده‌اند؛ آنچه مسلم است این است که تقلید در آغاز دوره‌ی تیموریان هرات، پررنگ بود؛ به گفته‌ی ریپکا: " غزل‌ها از لحاظ مضمون سخت محدود است و تقریباً همه طبق یک نمونه‌ی معین سروده شده است (ریپکا: ۳۹۹).مصداق این سخن ریپکا شعرهایی دهه‌های نخستین سده‌ی نهم است؛ هر قدر به پایان این سده نزدیک‌تر می‌شویم، شاعران از تقلید فاصله گرفته رغبت خاصی به مضمون‌آفرینی و تازه‌گویی می‌یابند. ذبیح‌الله صفا با توجه به این نکته، می‌نویسد: "در آغاز دوره‌ی تیموری، شماری از شاعران پرقریحه و خوش‌طبع شیوه‌های پیشینیان خود در قرن هشتم را در پیش گرفتند. آنانی‌که در میان نسل بعد به شعر و شاعری روی آوردند سبکی را اتخاذ کردند که کاملن نو و جدید بود. آنان حتا به انتقاد از مقلدان استادان کهن پرداختند. (تاریخ ایران کمبریج: ۴۱۸).

رغبت به نوپردازی، سرانجام هرات را در دهه‌های پایانی عصر تیموریان به مرحله‌ی پایه‌گذاری سبک تازه‌ای از شعر کرد که بعدها به نام سبک هندی شهرت یافت. ذبیح‌الله صفا در مورد این تحول ادبی می‌گوید: "در عهد تیموری مقدمات ظهور سبکی که بعد به سبک هندی معروف شد فراهم گردید. ...آخرین حوزه یی که این روش را در عهد تیموری به کمال رسانید، حوزه‌ی ادبی هرات در عهد سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر بود که بنابر آنچه گفتیم از جهات مختلف در دوره‌ی صفوی تأثیر داشت. (صفا: ۹۶).

کوتاه‌سخن این‌که اگرچه‌شاعران این عصر، در حالی که سعی می‌کردند آفرینش‌گر سخن نو، روش نو و پیام نو باشند و به اصطلاح پیشینیان مخترع باشند و حتا در سده‌های نخست شعر فارسی دری، شاعرانی که ایجادگر مضمون و سخن تازه بودند، بیش از مقلدان صله می‌گرفتند؛ نباید فراموش کنیم که روی‌هم‌رفته در سراسر ادبیات کلاسیک، تقلید، آن‌گونه که امروز ادبیات‌شناسان و آفرینش‌گران را خوش نمی‌آید، ناخوشایند نبوده است؛ پیروی از طرز سخن بزرگان یا هم‌سنگان را نیز نوعی نشانه‌ی توانایی و چیره‌دستی در شعر می‌دانستند و حتا بزرگ‌ترین شاعران هم به تضمین شعرهایی می‌پرداختند که گاه شاعر فروتر از مرتبه‌ی آن‌ها، به‌صورت اتفاقی به نیکوترین شیوه سروده بود؛ طور مثال با آن‌که حافظ شاعری والامرتبه‌تر از خواجوست، اما بازهم در موردهایی خود را متأثر از وی می‌یابد و از این

اثرپذیری چنان خرسند است که می‌گوید: (دارد غزل حافظ طرز غزل خواجو)

یا در همان مرحله‌های آغازین رشد شعر فارسی دری، فردوسی بزرگ را داریم که به پیروی از دقیقی بلخی به شاهنامه سرایی می‌پردازد و هزار بیت دقیقی را الگوی کار خود قرار می‌دهد. کم نبودند شاعرانی که به تقلید از همگنان، داد سخن داده‌اند. در بستر چنین حرکتی، پذیرفتنی‌ست که فانی بنای کار شاعری‌اش را بیش‌تر بر تقلید گذارد و از شاعران رده‌ی نخست تا شاعران متوسط را سرلوحه‌ی سخن‌وری خود قرار دهد و سعی کند که پا جای پای دیگران بگذارد و به رسم معمول روزگار، تلاش کند که نشان دهد از عهده‌ی کارهای دیگران در قلم‌رو شعر با سرفرازی بدرآید.

این که فانی در تقلید و اثرپذیری از دیگران چقدر پیروز میدان سخن بوده، در این بخش می‌کوشیم سخن او را در ترازوی مقایسه و ارزش‌گذاری با دیگر شاعرانی که مقلدشان بوده، بسنجیم. پیش از چنین مقایسه‌ای، جای یادکرد است که فانی از لحاظ حجم سنگین‌تر شعرهای مقلدانه و هم از لحاظ انتخاب شاعران زیادی برای تقلید، در میان مقلدسرایان پیشین، کم‌همال‌تر به‌نظر می‌رسد. او از نادرترین شاعرانی‌ست که به‌صورت مدون به تقلید پرداخته و به پیروی از شاعران زیادی چون: جامی، حافظ، سعدی، امیرخسرو، مولانا شهابی، میرسهیلی، خواجه سلمان، کمال خجندی، صاحب بلخی، مولانا کـــاهی، مولانا کاتبی، خواجه عصمت بخاری، خواجه حسن دهلوی، میروفایی و سیفی ترک غزل سروده است (فانی: ۲۳-۲۴).

در این نبشته اگر مقدور نیست که شعر فانی را با کلام تمام این شاعران مقایسه کنیم، برای بازتاب اندازه‌ی سخن این شاعر، به مقایسه‌ی شعر او با چهار شاعر بزرگ فارسی: امیرخسرو، سعدی، حافظ و جامی بسنده می‌کنیم؛ با این یادکرد که این چهار شاعر را تصادفی برنگزیدیم. حافظ و سعدی و جامی را به‌عنوان نمایندگان صدرنشین و در عین حال با روش‌های متفاوت و منحصر به‌فرد و امیرخسرو را به‌عنوان نماینده‌ی شاعران در مرتبه‌ی پس از این صدرنشینان سخن انتخاب کردیم که محکی باشد بر مرتبه‌ی شعر فانی. نکته‌ی قابل ذکر دیگر این که شعرهای مورد ارزیابی به‌صورت تصادفی انتخاب شده است و عمدی در گزینش‌ها در کار نیست.

۱. فانی و امیرخسرو

امیرخسرو (۶۵۱-۷۲۵هـ.ق) در پتیاله‌ی هند زاده شد؛ پدرش از اتراک نواحی بلخ بود. امیرخسرو با لقب خسروالشعرا و منظورالعرفا یاد شده است. او در غزل‌سرایی به شیوابیانی و شیرین‌زبانی مشهور است. شاید به دلیل همین دو ویژگی یعنی والایی در شعر و مقام معنوی؛ فانی به او دل‌بستگی نشان داده و بعضی از غزل‌های او را استقبال کرده است. اینک می‌پردازیم به ارزش‌گزاری غزلی از فانی که در پیروی از این شاعر سروده است:

امیرخسرو:

یک خنده بزن، زان لب لعل شکـرآلود
بر عاشـق مسکین کـه رخ از خون تر آلـود
یک شب ز بـرای دل من محرم من باش
بشنو ز دلـم چند حـــــدیث جـگرآلـود
مانا که بپرسی ز دل من که چـه کـردی؟
در کوی تو کز خـون همه دیوار و در آلود
جان‌هـا که گرفتار لبت گشت چه دانی؟
پـرواز مجـــو از مگـــسان شکـــــرآلود
عاشـق که بمیرد ز رخ زرد چـه خیزد؟
عشق است دروغش کـه مسی را به زر آلود
نزل غم تـــــو باد حـــرامم به فراغـت
گـر چشم دلم هیچ‌گـه از خواب‌وخور آلود
آسوده به خاک درت، اینک سر خسرو
زان صَندل راحت کـه برین درد ســـر آلود (امیرخسرو: ٦٨).

فانی:

از شهـــــــد نگـــویم لب آن سیم‌بر آلود
از شیره‌ی جان است کـه گل‌برگ تر آلود
از خـــون دلم بود رخ آلـوده‌ی مژگـــــان
چون خـواست از اشک بشویم، بتـر آلود
از هـــجر لبت خون که همی‌رفت ز چشمـم
زان زخـــم همی‌آیدم این دم جگـــر آلود
شب سجده‌کـنان بوده‌ام اندر ســـر کـویش
بینند سحـــر سربه‌سر آن خـاک، زرآلـود
هر جرعه که زد، نوع دگر گشت مرا زانک
هـر بار لب از باده به نوعـــی دگـــر آلود
زاهد به صمد سجـده نکرد و به صنم کـرد

در دیر به مـــی خرقه‌ی زهدش مگر آلود
فـانی طـرف دشـــت فـنا لالـــه‌ستانی‌ست
کـــان دشت زخـون دل ما سربه‌سر آلود (فانی: ۱۷۷)

فانی در مطلع این غزل توانسته است بر امیرخسرو پیشی بگیرد؛ مطلع غزل فانی:

از شـــهد نگـــویم لـب آن سیـــم‌بر آلود
از شیره‌ی جان است که گل‌برگ‌تر آلود

تصویر تازه‌تری نسبت به این مطلع غزل امیرخسرو دارد:

یک خنده بـزن زان لـب لعـــل شکـرآلود
بر عاشق مسکین که رخ از خون تر آلـــود

امیرخسرو در این مطلع به تصویر دست‌فرسودی پرداخته است که پیوسته شاعران روزگار وی تکرار کرده‌اند؛ در حالی‌که مطلع شعر فانی جلوه‌ی نوتر دارد.

بیت دوم غزل فانی:

از خـون دلـم بـود رخ آلـوده‌ی مـژگـان
چـون خواستم از اشـک بشویم، بتـــر آلود

بازهم به علت تازه‌تر بودن تصویر و نغزپردازی خیلی زیبا سروده شده است. فانی در این بیت از واژه‌ی "جگر" استفاده‌ی عاطفی‌تری نسبت به امیرخسرو کرده است. فانی وقتی می‌گوید:

از خون دلم، خون که همی‌رفت ز چشمم
زان زخم همی‌آیدم این دم جـــگر آلود

دردانگیزی را چنان برجسته و با رقت تمام بیان می‌کند که هنگام خواندن می‌توان آن را در وجود خود حس کرد؛ اما امیرخسرو آن‌جا که می‌سراید:

یک شب زبرای دل من محـرم مـن بـاش
بشنـو ز دلـــم چند حـــــدیث جگرآلود

از جگر ترکیب "حدیث جگرآلود" را به‌زیبایی ایجاد کرده؛ اما مصرع نخست این بیت مضمون پیش پا افتاده دارد.

به همین‌گونه بیت چهارم غزل فانی:

شب سجـده‌کنان بوده‌ام انـدر سر کویش
بینند سحر سربه سر آن خـــاک، زرآلـود

در مقایسه با بیت پنجم غزل امیرخسرو:

عاشق کـه نمیرد زرخ زرد، چـه خـــیرد؟
عشق است دروغش که مسی را به زر آلود

از روانی و شیوایی خوش‌تری بهره‌ور است. با توجه به آن‌چه گفته شد، پیداست که فانی در تقلید از حافظ اگر کمی کوتاهی‌هایی داشت، در تقلید از امیرخسرو گاه‌گاهی دست بالا دارد.

۲. فانی و سعدی

فانی در تقلید از غزل‌های سعدی؛ این شاعرترین شاعران، همت بلند به‌خرج داده است. در سنجش دو، منظور بیان حرف تازه‌ای نیست؛ زیرا بی‌هیچ مقایسه‌ای، انتظار نمی‌رفت که فانی با سعدی برابری کند یا بر او پیشی گیرد، هم‌چنان‌که این انتظار در مقایسه‌ی او با حافظ نمی‌رفت؛ ولی سعی می‌کنیم قوت‌های شعر فانی را نیز نادیده نگیریم. اگر فانی را یارای هم‌سری با حافظ و سعدی نیست، دستش مریزاد که در شعر همت عالی به‌خرج داده با بزرگان شعر پنجه درانداخته؛ با این پیش‌درامد، می‌رویم سراغ دو غزل از سعدی و فانی و آن‌گاه واکاوی آن‌ها:

سعدی:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقـــــم بر همـه عالـــم که همه عالم از اوست
به غنیمت شـمر ای دوست دم عیـــسی صبح
تا دل مرده مـــگر زنده کنی کاین دم از اوست
نه فلک راست مسلم نه مَلـــک را حـــاصل
آن‌چـــــــه در سر ســـودای بنـی‌آدم از اوست
به حـلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی‌ست
به ارادت ببرم درد کـــه درمـــــان هم از اوست
زخـم خـــونینم اگـــر به نـشود به باشـــد
خنک آن زخم که هر لحظه مـــرا مرهم از اوست
غـــم و شـــادی بر عارف چه تفـــاوت دارد
ساقـیا باده بده شادی آن کـــــاین غـــم از اوست
پادشاهـــی و گـدایی بر مـــا یک‌سان است
که بر این در همه را پشت عبادت خـــم از اوست
سعدیا گـــر بکَند سیـــل فنـــا خانـــه‌یعمر

دل قـــوی دار که بنیاد بقـــا محکـم از اوست (سعدی: ۱۱)

فانی:

باشدم خرمی از هرچه در این عالـم از اوست
از غمش نیز دلـم شاد بود کـــاین هم از اوست
نبـود هیچ تفـــاوت ز نشاط و غـم دهـــر
به فراغم چـو نشاط و به فـراقـم غـم از اوست
زخم هجرش به دلم، مرهم وصلـش بر روی
خوشم آید که مرا زخـم از او مـرهم از اوست
جان اگر رفت و غم دوست به‌جایش بنشست
از چه خوش‌حال نباشم، مگر اینم کـم از اوست
نیـستم آدمـــــی ارشاد نباشـــم ز غمش
چـــون غـــم و شادی انـواع بنی‌آدم از اوست
از غم یار ملولم، اگـــرم بـاده دهـــد
نه زمـــی خرمی‌ام دان که دلم خرم از اوست
فانیا ماتم و سور همه یک‌سان است از آنک
سور در وصلم از او هجر چو شد ماتم از اوست (فانی: ۱۲۸-۱۲۹)

فانی در مطلع این غزل:

باشدم خرمی از هرچه در این عالم ازوست
از غمش نیز دلم شاد بود کـــاین هم از اوست

پیام مطلع سعدی را نزدیک به همان‌گونه که هست بازتاب داده است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقـم بر همه عالـم کـــه همه عالـم از اوست

جز این‌که در مصرع دوم بیتش، مفهوم را با کاربرد واژگان «شاد» و «غم» محدودتر از سعدی بیان کرده.

بیت سوم را فانی با استادی سروده است:

زخم هجرش به دلم، مرهم وصلش بر روی
خوشم آید که مرا زخـم از او مرهم از اوست

بیت چهارم فانی نیز خالی از برجستگی از لحاظ زیبایی و عمق معنی نیست، به‌ویژه عینیت‌بخشی

به اسم‌های معنی «جان» و «غم» با تضادهای «رفتن» و «نشستن».

جان اگر رفت و غم دوست به‌جایش بنشست

از چه خوش‌حال نباشم، مگر اینم کم از اوست

۳. فانی و حافظ

فانی در پیروی از حافظ، از واژه‌های پرکاربرد حافظ که در واقع از ویژگی‌های سبکی وی است، وافر استفاده می‌کند. در سراسر دیوان فانی همواره با واژه‌های: می، ساقی، سبو، قدح، مغبچه، مغان، دیر و... بر می‌خوریم. او شاید خواسته است که هم‌چون حافظ، از این واژه‌ها به‌حیث بنیاد نمادسازی در کلام استفاده کند و اما به‌صورت ویژه‌تر یک غزل فانی را که به پیروی از حافظ سروده، برمی‌گزینیم و آن‌گاه به مقایسه‌ی آن می‌پردازیم:

حافظ:

مقـام امن و مـــی بـــی‌غش و رفـیق شفیق

گرت مـــدام میسر شود زهـــی توفـیق

جـــهان و کار جهان جمله هـــیچ برهـیچ است

هـزار بار من این نکـته کـــرده‌ام تحـقیق

دریـــغ و درد کـــه تا این زمـــان نـدانستـــم کـــه کیمیای سـعادت رفـیق بـــود رفیق

به مامنـــی رو و فرصت شمـــــر غنیمت وقتکه درکمین‌گه عمـراند قـاطعـان طـریق

بیا کـه تـوبه ز لعـل نگـــار و خنده‌ی جـــامحـکایتی‌ست که عقلش نمـی‌کنـد تصدیق

اگـر چـه مـوی مـیانت به چـون منـــی نـرسـدخوش است خاطرم از فکـر این خیال دقـیق

حـلاوتـی کـــه تـرا در چـه زنخـــدان است

به کنه آن نرسد صـد هـزار فـکـــر عمـیق

اگر به رنـگ عقیقی شد اشـک مـن چه عجب

که مهر خاتـم لعـل تـو هست همـچو عقیـق

به خنده گـفت کـــه حافـظ غـلام طـبع تـوام

ببین که تا به چـه حـدم همـــی‌کند تحمیـق (حافظ: ۲۲)

فانی:

مـــقام امن چو دیر و چـو پیـر دیر شفـیق

هـــر آن‌کـــه داشت مسلـم؛ شمـــارد از تـوفـیق

رفـــیق مـــی‌برد از دل بـرون مـلامـت دور
دریـغ از آن‌کـــــه دور یـافـت نیست رفـیـــق
صراحـــی و رفـیـقـی و کنج می‌کـده‌ای‌ست
غـرض ز روضـــه و از حـور و کـوثـرش تحـقـیـق
گـــدای مـی‌ــده و درد مـــی بـه کـهنه‌سفال
شـــه و ز جـــام جمش قـوت روح، راح و رحیق
چـــو من به باده فـتادم، مـپـرس کـیـفـیـتـش
کـــه از حـقـیـقـت دریـا خـبر نـداد غـــــریـق
ز قاطعـــان طریق آن‌کس اندر این ره رست
کـــه کـرد قـطع بـیابـان بـه امـــر پـیر طـــریق
بـلا به وعـده‌ی وصلم همـی دهـــی، لـیکن
مکـــن تـصـور آن کـاین سخـن کـنم تـصدیـق
به هـــر فـریـق در ایـن کهـنه دیـر پـیوسـتـم
نـشان دوسـت نبـــردم گـمـــان زهـیچ فـریـــق
وصـال یـار چـو خواهـــی، فـنا گـزین فانـی
کـــــه بحـث عـلم و عـمل سـر به‌سـر بود تزریق
(نوایی: ۲۱۸-۲۱۹)

نقطه‌ی قوت فانی در این غزل مقلدانه را شاید بتوان بیت پنجم این غزل خواند:

چـو مـن به بـاده فـتـادم، مـپرس کـیـفـیـتـش
کـــه از حـقـیـقـت دریـا خـــبر نـداد غـریـق

این بیت از لحاظ نحوه‌ی پرداخت و مضمون پردازی، هم تازه‌تر و هم از عمق بیش‌تر نسبت به سایر بیت‌های غزل فانی بهره‌ور است و در غزل حافظ شاید بیت سوم را برجسته‌ترین بیت بدانیم:

حـلاوتـی کـه ترا در چـه زنخـــدان استبـه کـنه آن نـرسـد صـد هـزار فکـــر عـمیـق

اگر این دو شاه‌بیت غزل حافظ و فانی را بخواهیم ارزش‌گذاری کنیم، عجیب نمی‌نماید اگر بگوییم که مضمون این بیت و به‌ویژه مصرع دوم بیت کم‌پیشینه است، در حالی‌که تصویر شعر حافظ کلیشه‌ای‌ست و تنها چیزی‌که مصرع کلیشه‌ای نخست را خواندنی کرده، مصرع دوم است که کمی تازه‌تراست؛ ولی حلاوت بیت فانی را ندارد.

بیت سوم غزل فانی:

صراحی و رفیقی و کنج می‌کده‌ای‌ست
غرض ز روضه و از حور و کوثرش تحقیق

متأثر از بیت دوم غزل حافظ است:

جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است
هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

فانی در این بیت با استفاده از لف و نشر مرتب زیبایی خاصی به شعر ایجاد کرده و از لحاظ معنی ثانوی دست‌کم سه کارکرد در سخنش تعبیه کرده: ۱. اهمیت‌بخشی به لذت‌های دنیایی، ۲. تاخت کنایی بر زاهدان، ۳. تقابل نمادهای دنیا و آخرت. در حالی‌که در بیت حافظ از ویژگی‌های ادبی چندان خبری نیست و ازلحاظ معنی نیز این بیت در محدوده قرار دارد؛ یعنی جز یک معنی (هیچ‌بودن جهان) معنی بیش‌تری حاصل نمی‌شود.

بیت ششم فانی:

ز قاطعان طریق آن‌کس اندر این ره رست
که کرد قطع بیابان به امر پیر طریق

به پیروی از بیت چهارم حافظ سروده شده:

به مامنی رو و فرصت شمر غنیمت وقتکه در کمین‌گه عمراند قاطعان طریق

تکرار واژه‌ی "طریق" اگر نگوییم حشو قبیح، دست‌کم آن را حشو زیبا نیز نمی‌توانیم خواند. این تکرار بر زیبایی شعر صدمه زده؛ اما حسن این بیت را می‌توان چنین برشمرد: گستردگی مفهوم و بیان عارفانه که سبب والایی میزان ادبیت و ترانگیزی بیت شده در عوض، بیت حافظ به سبب بار محدود پندآمیزی و تنگنای معنایی، اندکی فروتر از بیت فانی قرار می‌گیرد.

فانی در بیت هشتم اگر دقت بیش‌تری به‌خرج می‌داد، به‌راحتی به جای "به هر فریق" می‌توانست "به هرطریق" را به‌کار برد. لفظ رفیق هم با ریخت سخن هم‌نشینی بیش‌تر داشت و هم از تکرار ناخوشایند پیش‌گیری می‌شد و هم از لحاظ معنی عرفانی، میان طریق و فریقِ قافیه، پیوندی زیبا برقرار می‌شد.

روح کلی غزل فانی اندک متفاوت‌تر از کلام حافظ است؛ به این معنی که فانی بیش‌تر به رمزوراز می و لوازم آن پرداخته است و حافظ بیش‌تر معشوق را مدار کار قرار داده، با بیان متعلق‌های معشوق، پیام عرفانی را بازتاب می‌دهد.

آن‌چه غزل فانی را اندکی از حافظ نازل‌تر می‌نماید، تکرارهای نامرغوب واژه‌های: دیر، طریق و

فریق در بیت‌های یکم، ششم و هشتم است.

اگرچه حافظ هم گرفتار تکرار نه‌چندان استوار است؛ او در بیت سوم، واژه‌ی رفیق را تکرار می‌کند که به‌سختی می‌توان از جهت تاکید، آن را خوب شمرد.

۴. فانی و جامی

فانی از شاگردان و ارادت‌مندان خاص نورالدین عبدالرحمان جامی بود. این دو پیوسته باهم مصاحبت داشتند. فانی جامی را تا پایان عمر حامی بود و همواره به او احترام ویژه داشت. فانی بعضی از شعرهای جامی را استقبال کرده است. کتابی به نام خمست‌المتحیرین در شرح حال و احوال مولانا جامی نوشته است. در این جا می‌پردازیم به بیان مسدسی که فانی بر یکی از غزل‌های جامی پرداخته است:

کردمی در خاک کوی دوست ماوا کاشکی
سودمـــی رخـــسار خـود بر خاک آن پا کاشکـی
آمـدی بـیرون زکـوی آن سرو بالا کاشکی
برقــع افـگـندی زروی عـالــم آرا کـاشـکـی
«دیـدمـــی دیـدار آن دل‌دار دعـنا کـاشکـی
دیده روشن کردمی زان روی زیبا کاشکـــی»
کـوی آن مـه تـا بود، جنت نمـی‌باید مـــرا
تا بـــود جـنت، به دوزخ دل فـــرو نـایـد مـــرا
پیش لعلش کـی دهـن با کـوثر آلایـد مـرا
تا بـــود آن سرو، طـوبا خوش نمی‌آیـد مـــرا
«خـاطـر انـدر سایه طـوبـا نیـاسایـد مـــرا
سایه کردی بر سرم آن سرو بالا کاشکـی»
دی شدم افغان‌کنان تا کـوی آن سـرو بلند
تا جـــمالش بنگـــرم هـرگـه بـرون رانـد سمنـد
منتظـــر مـی‌بود تـا امـروز جـان مستـــمند
چـــون بـــرون آمـد به روی خـویشتن برقع فکند
«گرچه امروز از جمال او نگشتم بهـره‌مـند
وعده‌ی این دولت افتادی به فردا کاشکـی»
در دل زارم، هوس، دیدار آن گل‌چهره بـود

عـــازم قصرش شدم چـون آن هوس در دل فـزود
مانع آمـد حاجـبم وان‌گه به‌صد گفت‌وشنود
جـانـب گـل‌زارم از بـهـــر تـمـاشـا ره نمـــود
«عاشقان را رخصت گل‌دیدن و چیدن چه سود
بـودی آن گل‌چهـــره را اذن تمـاشا کـاشکی»
با وجود آن‌کـــه دل را نیست زان گـــل‌رو نصیبنـــی
گـل آن رو کـه خـاری از سر آن کو نصیب
نی به جان یک نکته زان لب‌های شیرین‌گو نصیب
نـــی به چشمم جلـــوه‌ای زان عـارض نیکـو نصیب
«کاشکی گـویـم مـرا گشتـی وصال او نـصیب
بـی نـصیبان را نصیبی نیست الا کـاشـکـــی»
نـیست اهـل عـقـل را آگـاهی از اسـرار عشـق
نـقـد دیـن بـــی‌قـیـمـت افـتاداست در بـازار عـشق
از طـریـق عـاقـــــلی بـیـزار بـاشـد زار عشـــق
دیـن هـمـــی بـربـاد بـایـد داد در اطـــوار عـشق
«با وجود عقل و دین سامان نگیرد کـــار عاشق
در هـجوم این شدی ان هـر دو یـغـما کـاشکی»
آن‌که شرح حرف هجرش کام جان را سخت مُر
از زبـــور عـشـق‌دان هـم بـیـناتـش هـــــم زبـُر
بس‌کـه وصـف او بـود ورد زبـان عبـد و حُـر
گـشتـه است از در نـظـم اهـل طـبع، آفـــاق پـر
«نظم جامی راکه شد در وصف لطف او چو در
بودیم در سلـک نـزدیکـــــان او جا کاشکی»
خـسروی کز شمع رایش مـی‌برد خورشید نور
مـاه نـو بهـر غـلامانـش سزد نعـــــــل ستـور
بندگـــان او گـــهِ رزم‌آوری خـــاقـــان تور
چـــاوشان او هـمـه شاهـان، گـــهِ عـیش و سـرور

«شاه ابوالغازی که مـی‌گوید شهِ انجـم زدور
بودی‌ام در سلک نزدیـکان او جـا کاشکـی «
آن‌که گردون نیست در سرعت بسان عــزم او
عقل کـــل انـگشت حــیرت در دهـــان ازحـزم او
لرزه بـر اندام بحـــر آمـد زعـــزم جـــزم او
هـــــرچـــــه رانـد، بـاد مـغـــلوب از بساط رزم او
«هـــرچـه خواهـد بـاد حـاصل در حـریم بزم او
وز حـریم بـزم او صـد سالـه ره تـا کـاشـکـــی»(همان: ۳۱۷-۳۱۹)

مسدس‌سرایی یک شاعر بر شعر شاعردیگری، وقتی می‌تواند برازنده باشد که سراینده‌ی مسدس بتواند فضای هر دو شعر را هم‌طراز کند و از عهده‌ی وحدت‌بخشی لفظی و معنایی برآید. از این رو این مسدس را بر همین محور بررسی می‌کنیم:

در این مسدس با زبان و فضای شعر فانی با سخن جامی همگونی خوبی دارد. این ویژگی، کلام هر دو شاعر را توانسته است انسجام و وحدت بخشد.

در بند نخست مسدس، واژه‌های "برقع" و "عالم‌آرا" با "دیدار" و "رعنا" پیوند و تناسبی برقرار کرده. به همین ترکیب "برقع‌افکندن" با "دیده‌روشن‌کردن" هم‌خوانی معنایی دارد.

در بند دوم، "جنت" و "دوزخ" و "کوثر" و در مصرع‌های نخست، دوم و سوم با لفظ "طوبا"ی مصرع پنجم رابطه دارد. این رابطه سبب بافت کلام شده؛ ولی تکرار لفظ "سرو" و "طوبا" در مصرع چهارم با پنجم و ششم بر زیبایی شعر آسیب زده است.

در بند سوم، بی‌بهرگی از جمال یار و حسرت وعده‌ی فردا با برقع‌افکندن به رخ و افغان از منتظربودن، فضای حسرت‌بار شعر را یک‌دست کرده است.

در بند چهارم، لفظ "گل‌چهره"ی مصرع نخست با همین لفظ در مصرع ششم سبب تکرار نامرغوب شده؛ اما واژه‌ی "گل‌زار" مصرع چهارم با ترکیب "گل‌چیدن" و واژه‌ی گل‌چهره‌ی مصرع ششم و لفظ "حاجب" در مصرع سوم با ترکیب "رخصت گل‌چیدن" مصرع پنجم، رابطه‌ی لفظی عمیق دارد.

در بند پنجم بی‌نصیبی از دیدن خار سر کوی یار که در مصرع دوم و حسرت یک نکته از لب شیرین که در مصرع سوم آمده، اوج حسرت شاعر را نشان می‌دهد. این پرداخت فانی با اوج حسرتی که جامی در لفظ "الا کاشکی" در مصرع ششم ایجاد کرده است، توانسته رنگ مشابهت بخشد.

در بند ششم، تکرار لفظ عقل در مصرع نخست با عقل مصرع پنجم تکرار عیب‌آمیزی دارد و در

عوض واژه‌های "نقد"، "بی‌قیمتی" و "بازار" مصرع دوم با ترکیب "سامان‌نگیری کار" در مصرع پنجم و لفظ "یغما" در مصرع ششم تناسبی دارد که توانسته مصرع‌های این بند را بهم پیوند زند.

در بند هفتم، کاربرد واژه‌های مهجور "مُر" و "زُبُر" مصرع دوم و نازیبایی موسیقی لفظ‌های "عبد" و "حر" این بند را نازیبا کرده و سبب کم‌لطفی شعر شده است.

نتیجه

وضعیت شعر در دورهای تیموریان (سده‌ی نهم هـ ق)با دو ویژگی گره خورده، شعر این دوره در آغاز متاثر از شعر پیشینیان بود؛ ولی رفته‌رفته در دهه‌های پایانی شاعران در تلاش نوگرایی برآمدند و با مضمون‌آفرینی روزنه‌ی تازه‌ای بر روی شعر گشودند که بعدها به مکتب هندی شهرت یافت. امیرعلی‌شیر نوایی که در شعر فارسی "فانی" تخلص کرده، در بستر چنین وضعیتی زندگی می‌کرد. او در شعر فارسی صاحب دیوانی‌ست که بیش‌تر آن غزل است. شمار زیادی از غزل‌های خود را آگاهانه به پیروی از از پیشینیان و معاصران سروده. در میان شاعرانی که او به تقلید از آن‌ها برخاسته، حافظ، سعدی، جامی و امیرخسرو از شاعران بزرگی‌اند که فانی بیش از سایر شاعران به آن‌ها توجه کرده و به شعرهایی به تقلید از آن‌ها سروده. فانی در این هماوردی در جاهایی توانسته به‌خوبی از عهده برآید و مقلدی چیره‌دست ظاهر شود؛ در کنار این، او مضمون‌آفرینی‌های درخور ستایش نیز دارد.

منبع‌ها:

۱. تاریخ ایران کمبریج (کتاب). (۱۳۸۲).تاریخ ایران؛ دوره‌ی تیموریان. ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: جامی.

۲. حافظ؛ خواجه شمس‌الدین.(۱۳۸٦). دیوان. تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران.

۳. خسرو؛ امیرخسرو. (۱۳۸۰). دیوان. تصحیخ محمد روشن. تهران.

۴. ریپکا؛یان، با همکاری اوتاکار کلیما. (۱۳۸۱)، تاریخ ادبیات ایران(از دوران باستان تا قاجاریه)، عیسای شهابی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی،چاپ دوم.

۵. سعدی؛ مشرف‌الدین مصلح. (۱۳۸۲). دیوان. به‌کوشش محمدعلی فروغی. تهران.

٦. شریف؛ ناطق و مریم. (تابستان ۱۳۷٦). "نامه پارسی تابستان. ایران. شماره ۵.

۷. صفا؛ ذبیح الله؛ (۱۳۸۹). مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی. تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهارم.

۸. (نوایی: ۲۱۸-۲۱۹) فانی (نوایی)؛ امیرعلی‌شیر. (۱۳۷۵). دیوان. به‌اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر.

تساهل و مدارا در اندیشه علی‌شیر نوایی

سید احمد کاظمی

چکیده

تساهل و مدارا به عنوان یک اصل پذیرفته شده در روابط انسانی در جوامع مدرن امروزی عامل اصلی جامعه سالم و نقش اساسی در ترقی و پیشرفت انسان‌ها دارد. این پژوهش تساهل و مدارا را در اندیشه امیرعلی‌شیر نوایی در جایگاه وزیر دربار سلطان‌حسین بایقرا به عنوان حاکم و زمامدار موفق بخشی از قلمرو جغرافیای جهان اسلام مورد بازخوانی و واکاوی قرار داده است. روش تحقیق تحلیلی توصیفی و نتایج بدست آمده دلالت بر تساهل و تسامح عمیق در اندیشه‌ی علی‌شیر نوایی در بعد فکری و رفتاری دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد رمز ماندگاری علی‌شیر نوایی منصب‌های گوناگون حکومتی، تعاملات سازنده و چند جانبه‌ی ایشان با اقشار مختلف جامعه بوده است.

کلمات کلیدی: علی‌شیرنوایی، تساهل، مدارا، تسامح، اندیشه

مقدمه

مسأله‌ی تساهل و مدارا از مهمترین مسائلی است که امروزه در روند تکامل سیاسی دولت‌ها پیش می‌آید و هر دولت، جامعه و حتی افراد، در زندگی شخصی خواه‌ناخواه با این مسأله مواجه می‌شود. دولت‌ها و جوامعی که مسیر پر پیچ و خم ترقی، انکشاف و تکامل را طی کرده است؛ بدون تردید از مسیر پر چالش و پر تنش تعصب، تنگ‌نظری، جزم‌اندیشی و خشونت‌های رفتاری عبور نکرده است. بررسی و آنالیز سرگذشت ملت‌های متمدن و انکشاف یافته نشان می‌دهد تساهل و مدارا، عنصر و عامل تعیین کننده و اثرگذار این مؤلفه بوده است. اگر امروز دانشمندان و متفکرین علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، دانشمندان علوم رفتاری و متفکران مذهبی، تصمیم‌گیران و بازی‌گران نقش‌های حیاتی و اساسی و سرنوشت‌ساز جوامع بشری را به تساهل، مدارا و تسامح توصیه می‌کنند چیزی عجیب و

خارق‌العاده وغریبی نیست؛ زیرا تجربیات تلخ و شیرین نیاکان، میراث مکتوب گذشتگان و کنکاش و کاوش‌ها در تاریخ ملل به خوبی نشان می‌دهد، حفظ کرامت انسانی، حرمت هم‌نوعان، شکوفایی استعداد بشر، آسایش و آرامش اجتماعات انسان، میسر نیست جز در پرتو رواداری، گذشت، کنش و منش میانه‌روی و رویه‌ای اعتدال. تعجب و تحیر این‌جاست که در سابقه و گذشتهٔ تاریخی تصویر ناخوشایند و نا امید کننده امروز کشورما صحنه‌های زیبا و چشم‌نواز زیادی از صلح و ترقی و زندگی مسالمت‌آمیز را با بکارگیری اِکسیر انسان‌پرور تساهل و مدارا را می‌بینیم! اهمیت و ضرورت موضوع زمانی برجسته می‌شود که بزرگان و مفاخر تاریخی این سرزمین چون امیرعلی‌شیر نوایی، در گذشته‌های نسبتا دور و در قرن نهم، با بهره‌مندی از منبع نورانی وحی و آموزه‌های دینی از یک سو، و میزان و معیار قرار دادن سنجه‌ای عقل و خرد، از طرف دیگر برهه‌ای از تاریخ بسیار درخشان و پر رونقی را در پهنه و گستره‌ای این مرز و بوم رقم زده است. مستندات تاریخی نشان می‌دهد، امیرعلی‌شیر نوایی در تشخیص مصالح مملکتی، با نتیجه و آمیزه‌ای از دو منبع روشن فوق، با خروجی تساهل و مدارا در امور دولت‌داری و مردم داری، تساهل و مدارا و هم‌پذیری بی‌نظیری را برای نسل امروز به ارث گذاشته است. با اطمئنان می‌توان گفت بحران بنیادی و اصلی امروز جامعه انسانی، بحران معرفتی و شناختی است. سایه تاریک تبعیض، تعصب، وحشت و دهشت زمانی گسترده می‌شود که معرفت و شناخت در یک جامعه کمرنگ و بی ارزش باشد. امیرعلی‌شیر نوایی دانشمند مصلحت اندیش قرن نهم، با تسلط بر علوم، فنون، شعر و هنر توانست در قدم اول ذهن و ضمیر خودش را از زنگار خود محوری و خصلت‌های بد انسانی بزداید و در قدم بعدی با تیزبینی و درایت و دور اندیشی، صلح و صفا و آرامش را در سایه ساردانش و آگاهی توسعه داده و در نقش وزیر زیرک و توانمند سلطان حسین بایقرا جامعه‌ای هنرمند، با نشاط و پیشرفته‌ای را علی‌رغم شرایط حاکم سنتی آن روز شکل دهد. این نوشتار در صدد آن است که نمونه‌های رفتاری و گفتاری این دولت‌مرد شاعر و دانشمند را از لابلای آثار خود امیرعلی‌شیر نوایی و دیگر نویسندگان شرح حال و پژوهشگران زندگی این شخصیت بزرگ تتبع نموده و پژوهشی را با عنوان تساهل و مدارا در اندیشه این مرد علمی و سیاسی، با هدف بهره‌مندی و پندآموزی نسل جامعه امروزی و با این سوال که تساهل و مدارا در اندیشه امیرعلی‌شیر نوایی چه جایگاهی دارد؟ به فرجام رساند.

بیان مسأله

یکی از اصطلاحاتی که در سالهای اخیر در قلمرو ادبیات سیاسی و نخبگان به نحو وسیع مطرح شد و مورد استفاده زبانی قرار گرفت مفهوم «تساهل، تسامح و مدارا» است. تساهل و مدارا از جمله مسایلی

است که در روند تکامل سیاسی دولت‌ها پیش می‌آید و هر دولتی ناگزیر با تساهل و حدود و میزان آن مواجه می‌شود. از این رو، این مفهوم هم در اندیشهٔ سیاسی غرب و هم در فرهنگ اسلام، جایگاه ویژه‌ای یافته و از قدمت و سابقه‌ای دیرین برخوردار است (فرزانه فر، ۱۳۸۳). تساهل و مدارا در فرهنگ و اندیشه اسلامی به معنای نفی خشونت نهادی و سخت‌گیری و تعصب بی‌جا، اصل اخلاقی-اعتقادی است که بار ارزشی داشته و داده‌های تاریخی اسلامی نیز آن را تأیید می‌کند. تساهل و مدارا امر انسانی -اسلامی است که در عرصه‌های مختلف فکری، عملی، سیاسی و اجتماعی قابل طرح است. اساسا این مسأله باید از موضع قدرت اعمال شود. بنابراین مدارا بیشتر در روابط متقابل حکومت و مردم خصوصا در حوزه‌های حقوق الهی، اجتماعی و فردی تبلور عینی می‌یابد. هدف این مقاله شرح و توضیح تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی -دینی امیرعلی‌شیر نوایی است. تساهل و مدارا در اندیشه امیرعلی‌شیر نوایی در مقام وزارت یکی از سلاطین و زمامداران اسلامی عصر تیموریان می‌تواند، زوایای مختلف این مفهوم و نسبت آن را با اندیشه یکی از دانشمندان اسلامی قرون گذشته بخوبی روشن کند. تساهل و مدارا به معنای آسان‌گیری به عنوان مفهومی برآمده از تعالیم و آموزه‌ها اسلامی (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۴)، علاوه بر تدوین الگویی اخلاقی در مناسبات افراد، می‌تواند به عنوام مدل رفتاری مطلوب و موفق در حکومت‌های پیشینیان، مخصوصا اندیشه و رفتار مسالمت‌آمیز و روامندانه امیرعلی‌شیر نوایی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و دولت‌داری، در نقش و تصدی وزارت سلطان حسین بایقرا مورد استفاده جامعه و نظام سیاسی امروز کشور ما افغانستان نیز واقع شود. روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی است از چند روش مختلف و بیشتر تحلیلی و توصیفی؛ که بر اساس آن به بررسی ابعاد تاریخی، کلامی، حقوقی و معرفت شناسی موضوع پرداخته است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۱).

معنا و مفهوم تساهل و مدارا

اولین گام برای شناخت مفهوم تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی، آگاهی از معنای لغوی و اصطلاحی و نسبت بین این دو معنی است. معمولا در اندیشهٔ سیاسی دنیای معاصر، بسیاری از مفاهیم به تازگی شکل گرفته‌اند و چنانچه قالب لفظی آنها همان قالب‌های گذشته باشد، محتوایشان بطور کلی تغییر یافته است. استفاده و کاربرد واژگان یک حوزهٔ فرهنگی در حوزهٔ دیگر، بدون لحاظ پیشینه تاریخی، پیدایش، دگرگونی‌های دالّی آن واژه‌ها سبب شده است که آن الفاظ و مفاهیم در نگاه تفکر جدید، معنای تازه یابند و پیوند و ارتباط آن‌ها با پیشینه تاریخی مربوط، قطع گردد. از این رو ضروری‌ست که مفهوم تساهل و مدارا در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرد.

معنای لغوی

واژه‌های «تساهل» و «تسامح» در کتاب‌های لغت معمولا با اندک تفاوت معنایی، مترادف با یکدیگر به کار برده می‌شوند. «سَمُحَ» ریشة «تسامح» به معنای بخشش و سخاوت، بلند نظری، آزادگی و آزاد منشی است، که نوعی بزرگواری و جوانمردی در آن نهفته است؛ (جبران، ۱۳۷۶: ج ۱، ۹۸۵)، و «سَهُلَ» به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن به نرمی رفتار کردن، تحمل کردن، مجاز شمردن، روا داشتن، خودداری، چشم‌پوشی، سعة‌صدر و تحمل هرگونه عقیده می‌باشد. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۴۶). فرهنگ معین تساهل را سهل‌گرفتن بر یکدیگر، آسان‌گرفتن، به نرمی رفتار کردن و آسان گفتن معنا کرده است (معین، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۹۶۳).در زبان انگلیسی نیز تساهل و تسامح بیشتر به صورت برابر نهاد واژه‌های «Tolerance» به معنی بردن، تحمل‌کردن، تاب آوردن در برابر درد یا سختی است (آریانپور، ۱۳۷۰: ج۵، ۵۷۹۵).

معنای اصطلاحی

تساهل در اصطلاح، به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه‌دادن از روی قصد و اگاهی به اعمال، عقاید و رفتاری است که مورد پسند شخص نباشد، و در اصطلاح سیاسی، به معنای مدارا نمودن، خویشتن‌داری نسبت به مخالفین، رقبای سیاسی است؛ روی‌هم‌رفته فکر، بسط و بیان تفکر در فضای سالم سیاسی می‌باشد (فرزانه‌پور و بخشایشی، ۱۳۹۰).

پیوند لغت و اصطلاح در مفهوم تساهل

یکی از مشکلات که در سال‌های اخیر دامن‌گیر حوزه‌ی فکر و فضای اندیشه شده، بحران مفاهیم و معانی است. توضیح اینکه بیشتر مترجمین در ترجمه الفاظ و انتقال آنها از بطن یک دستگاه فکری_ فرهنگی به دستگاه فکری دیگر، به مبانی معرفت خاص الفاظ، آثار و لوازم مترتب بر آن (به‌لحاظ پیشینه پیدایش و تطورات معنایی واژگان) توجه نکرده، نوعی خلط معنا به وجود می‌آورند.

تساهل، تسامح و مدارا از الفاظ مشترک در اندیشه سیاسی اسلام و غرب است که به چنین سرنوشتی گرفتار آمده است. با توجه به مبانی معرفتی و آثار و لوازمی که بر این مفهوم مترتب است، به نظر می‌رسد این معادل یعنی تسامح در برابر تولرانس چنانچه در معنی لغوی آن تبیین شد، فاقد دقت کافی است.

چنانچه بررسی شد، کاربردهای «سمح» و «سهل» در زبان عربی وجه مشترک معنایی است که به سهولت، آسان‌گیری و... است. این در حالی است که واژه‌ی «تولرانس» که در زبان فارسی و عربی تساهل ترجمه می‌شوند در مرحله اول به معنای تاب‌آوردن در برابر درد و سختی است و در قدم بعدی به معنای سیاست صبورانه حکومت در جایز شمردن آن دسته از اعتقادات دینی است که به‌طور رسمی

جزو اعتقادات نظام حاکم نیستند. از نظر تاریخی نیز، بحث از تولرانس در غرب ابتدا از زمانی آغاز شد، که به آن به منزله‌ای تنها راه حل عقلی و رفع مشکلات و اختلافات ایجاد شده در مسیحیت نگریسته شد؛ لکن به تدریج به ستون فقرات بسیاری از نظام‌های سیاسی در کشورهای مدرن غربی تبدیل شد و از نظر وسعت نیز به جایگاه منازعات درباره اختلافات نژادی، جنسیتی و اجتماعی گسترش یافت (کری ، ۱۹۹۸: ۴۲۹).

با توجه به ملاحظات فوق، به‌نظر می‌رسد، بین دو مفهوم تولرانس در اندیشه سیاسی غرب (معنای اصطلاحی) و مفهوم تساهل و مدارا در اندیشه اسلامی، تفاوت ماهوی و ساختاری وجود دارد. بدین معنا که تولرانس اصطلاح سیاست جدید است و تاریخ آن به تفکرات جان لاک بر می‌گردد. در حالی که «تساهل و مدارای اسلامی کلماتی هستند که بیشتر در گوش ما طنین اخلاقی داشته و به نوعی به فضیلت اخلاقی اشاره می‌کنند (داوری اردکانی، ۱۳۷۶: ۴).

اجمالی از شرح حال امیرعلی‌شیر نوایی

زمانی که از عصر تیموری به خصوص دوران حکومت سلطان حسین بایقرا و مکتب هرات سخن به میان می‌آید، رشد فرهنگی افغانستان با نام علی‌شیر نوایی، پیوند می‌خورد. مراودات گسترده‌ی او با فرهنگ دوستان هم عصرش، نشان از ارتباط و توجه‌اش به فرهنگ درکنار پرداختن به مبانی سیاسی است. علی‌شیر نوایی در ۱۷ رمضان سال ۸۴۴ هجری قمری و ۱۱۴۱ میلادی در شهر هرات به دنیا آمد. اجداد او از دیر باز در خدمت امیران برلاس (یکی از چهار قبیله‌ای بزرگ جغتای) بودند. از جمله در سلک مخصوصان امیر تیمور قرار داشتند (واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ٦٦٧). نیای مادری‌اش بوسعید چیک نام داشت و الغ‌بیگ یا امیر الامرای میرزاحسین بایقرا بود. پدرش کیچکنه‌بخشی یا کیچکینه‌بهادر نیز در آغاز در ملازمت سلطان حسین بایقرا بود. مادر علی‌شیر در دستگاه تیموریان دایه بود؛ و به همین دلیل فرزندش نسبت به سلطان حسین بایقرا عنوان کوکلتاش و یا برادر رضاعی او بود. او در هرات می‌زیست و دایه‌گی می‌کرد (نیکوهمت، ۱۳۵۱: ۴۲۹). پدر وی در خدمت شاهرخ تیموری بود و با مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ هجری قمری با گروهی به سوی شیراز و عراق رفت. علی‌شیر در سن ٦ سالگی در تفت با شرف الدین علی یزدی از مورخان بزرگ دیدار کرد و مدتی را با او به صحبت نشست (نوایی، ۱۳٦۳: ۲۵).

در کودکی؛ در دوره‌ای که سلطان حسین بایقرا در خدمت ابوالقاسم بابر به سر می‌برد امیرعلی‌شیر همراه و ملازم شبانه روزی میرزا بود، و همراه او در یک مکتب درس می‌خواند (میرخواند، ۱۳۳۹: ج۷، ۴۱).

برخی از نویسندگان نوشته‌اند که علی‌شیر نوایی و سلطان حسین بایقرا در دوران مکتب با هم پیمان بستند که اگر بر سر هر یک از آن دو همای سعادت نشست و دولتمند شد؛ از حال دیگری غافل نباشند (قویم، ۱۳۷۲). با روی کار آمدن ابوسعید تیموری در خراسان، مدتی نوایی در دربار او روزگار می‌گذرانید. اما از او استقبالی نشد (میرخواند، ۱۳۸۰: ج۷، ۴۱). علی‌شیر سبب این کار را در نامه‌ای منظوم به حسن اردشیر چنین می‌نویسد: «من یک شاعرم، خودم را از نظامی و فردوسی کمتر نمی‌دانم من شخصیتی ممتازم؛ ولی برایم در هرات جز مشقت و رنج نیست. حکومت سمرقندیان ابوسعید در هرات، گویا حکومت چپاولگران و تند مزاجان است آنان کفن هنرمندان را برای سکه‌های سیاه مسی بیرون می‌کشند. در این جا دوست یکدلی ندارم، حقوقی برایم مقدر نشده است آنها حتی محل سکونتی به من ندادند. برای رهایی از این پریشانی‌ها، آیا راه دیگری جز ترک میهن وجود دارد؟ در حالی که من می‌خواهم تحصیل کنم» (طوغان، ۱۳۷۷).

نوايي به منظور تحصيل معارف و كمالات به سمرقند و بسياري از شهرهاي ديگر رفت و در آن ميان گرفتار فقر و فاقه شد. در اين هنگام سلطان حسين ميرزا درهراتبهسلطنتنشستوعلي‌شير را از سمرقند فراخواند و منصب مهرداري خود را به وي واگذار كرد و اندكي پس از آن امر صدارت را نيز به او داد. علي‌شير با وجود اين مشاغل از مطالعات علمي و تأليفات مختلف دست برنداشت و مجلس او مجمع علما و فضلاي آن روزگار بود (قاضی، ۱۳۸۷).

وي پس از مدّتي از امور دولتي كنار كشيد و با عبدالرّحمان جامي مصاحب شد و درويشي را بر همهٔ امور ترجيح داد. او در عين دوري از كار ديواني نيز مورد توجّه سلطان حسين بوده و شاهزادگان موظّف به استفاده از مجالس وي بودند. علي‌شير پيرو فرقه نقشبنديه و از مريدان جامي است. وي مفسر قرآن بود و جارالله زمخشري، مفسّر قرآن را استاد خود ناميده است.وي در صبح روز يكشنبه ۱۱ جمادي الآخر سال ۹۰٦ در شهر هرات درگذشت و در اخلاصيه كه خودش ساخته بود، واقع در جوار آرامگاه گوهرشاد بيگم در منطقه‌ی خيابان هرات به خاک سپرده شد (رويمر، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

گونه‌شناسی تساهل و مدارا در اندیشه امیرعلی‌شیر نوایی

مفهوم تساهل را از ابعاد مختلف می‌توان تقسیم‌بندی نمود. اگرچه گاهی در این تقسیم‌بندی‌ها حدود و تعاریف دقیقاً رعایت نشده، از حیث منطقی متداخل می‌شوند؛ به این معنی که هریک از آنها به ویژگی خاصی اشاره داشته، به شناخت دقیق مفهوم تساهل کمک می‌کنند. گونه‌های مختلف تساهل عبارتند از:

تساهل به لحاظ موضوع

تساهل فکری ـ عقیدتی: که خود دارای دو جنبه است؛ تساهل در مقام نظر و اندیشه که ناظر بر آزادی افراد در پذیرش هر نوع فکر و اندیشه‌ی مخالف است. و تساهل عقیدتی در مقام بیان یا تبلیغ و اعمال اندیشه‌ها و آرا. بر این اساس، صاحبان آرا و اندیشه‌های متفاوت آزادند، هر نوع رفتار و اندیشه را تبلیغ و اعمال نمایند و کسی حق محدود کردن و مداخله در کار آن‌ها را ندارد. به نظر می‌رسد که علی‌شیر نوایی تساهل و مدارا را در دو مقام فکری به ظهور و اثبات رسانده و نمونه‌های زیادی وجود دارد.

در آثار محققان و پژوهشگران آثار علی‌شیر نوایی به تساهل و مدارای مذهبی و سیاسی اهتمام زیادی شده است. احتمالاً بستر و خواستگاه اصلی توجه و تمرکز پژوهشگران به تساهل و مدارا در اندیشه‌ی علی‌شیر نوایی ابهام در مذهب خود ایشان و مذهب صاحب و زمامدار اصلی حاکم وقت تیموریان یعنی سلطان حسین بایقرا است. در جوامعی که مذهب و اعتقادات می‌تواند عامل مهم در خوشبختی و سیه‌روزی آن جامعه باشد، اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی مدیران و تصمیم گیرندگان آن جامعه و رفتار متأثر از آن نسبت به دیگر مذاهب و باورها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. سخن راندن از مذاهب اشخاص در طول تاریخ همواره یکی از مشکلات عرصه‌ی پژوهش است. یکی از افرادی که پیرامون مذهب وی حرف‌های زیادی گفته شده و مذهب وی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است علی‌شیر نوایی است. طبق گزارش‌ها و مستندات تاریخی تعصبات خشک مذهبی که در زمان تیمور و پس از او شاهرخ، اشاعه یافته بود تا اوایل دوره‌ی علی‌شیر نیز نفوذ خود را از دست نداده بود؛ لیکن در اثر آزاد منشی و روشن بینی علی‌شیر، هم‌چنین سلطان حسین و توجه و عنایت این دو تن به علما و مشایخ فرق مختلف و بخصوص پیروان تشیع از بروز اختلافات شدید میان پیروان تشیع و تسنن در این دوره کاسته شد و سبب گردید که صاحبان افکار، عقاید و آراء آزادتر پر و بال بگیرند (همایون‌فرخ، ۱۳۴۲: ۴۱). ایجاد شدن نگاه باز و مدارای در این دوره، باعث شد که عده‌ی از محققین و مؤرخین وی را سنی و عده‌ی دیگر شیعه بدانند. مؤرخینی که وی را شیعه می‌دانند، به نام خود ایشان «علی‌شیر» و نام برادرش «علی‌درویش» و به ارادت و اهتمام او به اهل بیت پیامبر و زیارت قبر امام رضا استناد می‌کنند (شگفته، ۱۳۸۷: ۱۷۸) و (فراهانی‌منفرد، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

به نظر می‌رسد ادله فوق بویژه نام علی‌شیر و ارادت وی به امامان شیعه نمی‌تواند دلیل متقن و قابل قبولی برای پذیرش شیعه بودن علی‌شیرنوایی باشد چرا که در طول تاریخ و در عصر حاضر نیز اهل سنت به ائمه همواره احترام می‌گذاشته و توجه خاصی بر حرم امام رضا (ع) داشته‌اند. علی اصغر حکمت می‌نویسد جامی و علی‌شیر هردو از مسلمانان خوش اعتقاد حنفی مذهب و از متصوفه با ایمان

می‌باشند و هر دو تن تعلیم اخلاقی دین حنیف اسلام و طریقه تصوف را به بهترین و شیرین‌ترین زبانی که اهل عصر می‌پسندیدند در قالب نظم . و نثرا انتشار داده‌اند (حکمت، ۱۳۲٦: ۱۵).

ارادت خاص شیرعلی به عبدالرحمن جامی، اعتقاد و پیروی از طریقت نقشبندیه و عنایت به قبور مشایخ و بزرگان اهل تصوف تعمیر و ایجاد بنا بر مزارات آنها و ارادت خاص به خواجه عبیدالله احرار از مشایخ نقشبندیه در ترکستان (قاضی، ۱۳۸۷) همه گواه سنی بودن علی‌شیر نوایی است.

اما فارغ از همه این‌ها مذهب امیرعلی‌شیر نوایی هرچه بوده، به نظر می‌رسد ایشان از روحیه‌ای تساهل، تسامح و مدارای زیادی برخوردار بوده است. بنابراین اورا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شخصیت حکومتی و علمی دارای اندیشه و سیاست تساهل مذهبی می‌دانند (شهیدی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). حتی پژوهشگران مجهول بودن مذهب امیرعلشیر و سلطان حسین را به این علت می‌دانند که هر دوی آن‌ها در قبال مذهب و مسائل فرهنگی سیاست تسامح و تعامل مذهبی را اتخاذ کردند.

به هر روی اگر علی‌شیر را سنی مذهب بدانیم برخورد و رفتار وی نسبت به علما، مشایخ، ائمه و مذهب شیعه، برخوردی مناسب و شایان توجه است و اگر برعکس وی را شیعه مذهب بدانیم نیز ارادات و عنایت وی به اهل سنت و علما و در رأس آنان دوستی ویژه‌ی وی با عبدالرحمن جامی نیز شایان توجه است. لذا در هر صورت علی‌شیر نوایی دارای روحیه‌ای تعامل، تساهل، مدارا و هم‌زیستی بوده است. به گفته‌ای همایون‌فرخ در مقدمه‌ی دیوان علی‌شیر، آنچه از این بحث مستفاد می‌شود اینکه: علی‌شیر و سلطان حسین میرزا بایقرا پا از دایره‌ای تعصب و قشریت بیرون نهاده و مردان آزاده و روشن‌بین بوده و جنگ هفتاد و دو ملت را عذر نهاده‌اند و به پیروی از حقیقت بر آرا و عقاید ملل و نحل احترام می‌گذاشته‌اند و اجازه نمی‌داده‌اند افراد قشری و خام، مذهب را دست‌آویز و مستمسک و وسیله‌ای اطفای شهوات مادی و دنیوی خود ساخته گروهی را بخاک و خون کشند. از زهد ریایی و عوام فریبی که خطرناک‌ترین بیماری اجتماعی است، سخت پرهیز می‌کردند. خطر افکار منجمد و تعصبات خشک عوام را به پیروی از استاد خود جامی به نیکی دریافته بود (همایون‌فرخ، ۱۳۴۲: ۴۲).

تساهل هویتی: که ناظر به تساهل در ویژگی‌های غیر اختیاری، هچون جنس، نژاد، ملیت، رنگ و فرهنگ صاحبان آنهاست و به نوعی منادی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز افراد انسانی است (میری، ۱۳۷۷: ٦٦).

اندیشه‌ی جهان‌شمول، نگاه انسانی و تساهل هویتی علی‌شیر نوایی را در این مضمون از شعر اوزبیکی نوایی می‌توان مشاهده کرد: به گفته‌ای نملّه ییف، نوایی همه آنانی را که به ادیان، ملت‌ها، نژادها و اعتقادات گوناگون منسوب‌اند به‌گونه‌ی صمیمی دوست می‌دارد و احترام می‌گذارد او همانگونه که در داستان‌های منظوم چهره‌های مختلف متعلق به ملیت‌ها، ادیان و نژادها را ترسیم

می‌دارد. در سروده‌های غنایی‌اش با شوق و هیجان خاص مردم را نیز به دوستی و ملت‌ها را به برادری، مدارا و تساهل دعوت می‌کند:

گـونگول نـی آلسا ملاحت بیـلا تفاوت یوق
خـــطایی اولسین و ارمنـی و یا هندو
حسن چو جلوه قیلـــور آق و قـراد ایوق فرق
کیشیگا کیلسا بلا خواه خـطا خـواه حبش
مین تیلاب حسن، ولی شاه تیلاب اصل و نسب
منگـالولی بیلا هندو انگا قونغزات و قیات

مضمون این شعر عمق و گستردگی مفاهیم تساهل و مدارا را در اندیشه‌ی علی‌شیر نوایی به خوبی منعکس می‌کند. بگفته‌ی ن‌مله ییف، نوایی البته در این ابیات با جهات و ویژگیهای بیرونی که باعث جدایی خلق‌ها می‌شود نمی‌اندیشد؛ بلکه با در نظرداشت خصوصیات و جوانبی که زمینه‌ی نزدیکی خلقها را باهم مهیا می‌نماید و به برادری و برابری آنان سبب می‌شود اعتبار و ارزش می‌دهد (ن‌ملّه ییف، ۱۳۷۹: ۵۳۷).

تساهل رفتاری: به تساهل در رفتار فردی و اجتماعی در عرصه‌ی تعاملات اجتماعی و مناسبات گروهی اطلاق می‌شود. نوایی در رفتار همیشه جانب مصلحت را رعایت می‌کرد و در گونه

تساهل رفتاری نیز نمونه‌های زیادی را می‌توان در زندگی امیرعلی‌شیر مشاهده کرد از جمله: نوایی بعد از آن که از سمرقند برگشت املاک و اموال مصادره پدرش را دوباره تصاحب کرد و در ضمن میرزا حسین بایقرا نیز به نوایی از هرات، سبزوار و دیگرجاها زمین‌های فراوانی میبخشد نوایی به کسانی‌که روی زمین‌هایش کار می‌کردند با دیده مرحمت و همت مینگریست، امور مالیات و عوارض آنرا بسیار آسان می‌ساخت، با ایتام، اسیران، مسافران، صاحبان فضل و دانش و هنر و نویسندگان انعام و احسان‌های بیشماری می‌نمود. در یک نوبت مبلغ صد هزار دینار را که بگونه‌ای اضافی روی مالیات شهریان و اهالی مظلوم حومه هرات حواله گردیده بود از دارایی شخصی‌اش پرداخته آنان را نجات می‌دهد (ن‌ملّه ییف، ۱۳۷۹: ۵۰۶).

تساهل به لحاظ عملکرد (فرد یا دولت)

به لحاظ عملکرد عامل تساهل، آن را به تساهل منفی (سلبی) و تساهل مثبت (ایجابی) تقسیم نموده‌اند.

تساهل منفی: عبارت است از عدم دخالت در افکار عقاید، شیوة زندگی، علایق فرهنگی و آیین عبادت مردم. مضافا به اینکه در هیچ منابعی از بد رفتاری علی‌شیر در برابر فرق دیگر و پیروان آنان

حرف و سخنی به میان نیامده و همه در این زمینه از ایشان به نیکی یاد کرده است اشعار و گفتارهای از ایشان در این زمینه وجود دارد که درد مشترک انسانی داشته است.نوایی انسان را به سوی راستی، راستگویی، سخاوت، همت، رحم و شفقت باز می‌خواند خصلت‌های پلشتی را نکوهش می‌کند این موضوع در تمام سروده‌های نوایی به ویژه در نوع ادبی رباعی و قطعه‌های وی بگونۀ اساسی و عضوی راه یافته است. نوایی بر خلاف انسان‌های خودخواه و منفعت دوست می‌گوید:

«خوشراغ ایل بیدادین اوزو مگابیداد ایلا سام»

«ظلم اگر بر خودم کنم بهتر است از بیداد و ستم بر مردم»

و در شعر دیگر:

یوزجفا قیلسامنگا، بیرقتلا فریاد ایلامان ایلکا قیلسا بیرجفا، یوزقتلا فریاد ایلارم

صدجفا برمن کنند هرگز نمیسازم عیان یک جفا بر خلق رود صدبار افغان می‌کنم

(نملّه ییف، ۱۳۷۹: ۵۳٦)

در تمام عرصه‌های زندگی نگاه مصلحت جویانه و شیوه همزیستی مسالمت آمیز در سیره رفتاری و گفتاری امیرعلی‌شیر نوایی برجسته و قابل توجه است. از جمله: واحدی جوزجانی می‌نویسد: طبیعت میر بی‌نهایت حلیم، رقت‌قلب و شفقت در ضمیرش مخمر و خاکساری و تواضع زیور کمال و اوصاف حسنه او بوده، با این رتبه بزرگ و منزلت عالی با اشخاص زیر دست و خوردان با انتهای شرافت و اخلاق نیکو سلوک می‌ورزید، سخاوت، دست گشاده خاصة فطری او بود و از این سخاوت او بود که خراسان مصب علم و فضل گردید، و از طفیل وجود او تمام اهل علم و فضل با یک فراغت و اطمینان خاطر سرگرم شغل خویش بودند (واحدی جوزجانی، ۱۳۴۲: ۱۴).

تساهل مثبت: تساهل مثبت یا ایجابی فراتر از تساهل منفی است. در حقیقت تساهل مثبت معنای تکامل یافته تساهل است در تساهل مثبت عامل تساهل نه تنها اصل تفاوت را می‌پذیرد، بلکه آن را امر طبیعی دانسته، برای رشد آن‌ها می‌کوشد و هر نوع اندیشه، عمل و روشی را که سبب مهار و کاستن این تفاوت‌ها شود، نادرست می‌شمارد (امبوئل،۱۹۹۷: ۱۱).

در تساهل مثبت عملکردی نیز امیرعلی‌شیر اندیشه‌های عمیقی داشته است و بخاطر همین رواداری و مصلحت سنجی با دو نفر از وزیران دربار وارد مشاجرات و نزاع‌های داشته است که منجر به برکناری آنها شده است:

نزاع نوایی با خواجه علاءالدین صانعی

خواندمیر علت اختلاف و نزاع آن دو را این‌طور توضیح می‌دهد که :« صانعی به عجزه و رعایا، حیف و

تعدی جایز داشت و پیوسته نسبت به شرکای خود نقش تقریر و تزویر بر صفحه‌ی خاطر و لوح ضمیر می‌نگاشت. مزاج شریف خداوندگاری، مقرب حضرت سلطانی، امیر نظام‌الدین علی‌شیر در باره‌ای او تغییر یافت و دیگر اسباب علت شده، پرتو غضب جناب سلطانی بر وجنات احوالش تافت و او از عرصه‌ی سیاسی وزارت کنار زده شد (خواندمیر، ۱۳۵۶: ۳۹۷).

سخت گیری‌ها مذهبی نظام الملک خوافی و تساهل و مدارای علی‌شیر نوایی

دیگر اینکه ویژگی‌های نظام‌الملک و احتمالا سخت‌گیری‌های مذهبی او نمی‌توانست چندان مورد پذیرش شخصیتی چون علی‌شیر باشد (فرهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

پای‌بندی نوایی به مذهب آن گونه نبود که با خواسته‌ها و اقدامات نظام الملک همراه باشد، به‌طوری که واصفی در بدایع‌الوقایع در ذکر مجلس علی‌شیر نقل می‌کند به شدت با ویژگی‌های مذهبی خوافی متفاوت است (واصفی هروی، ۱۳۴۹: ج ۱، ۴۸۰).

از نوشته‌های منابع متأخر تیموری نیز استنباط می‌شود که خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی به اقشار متوسط و گروه‌های مذهبی متعصب‌تر جامعه گرایش داشته و با اقدامات اصلاح طلبانه اقتصادی و نیز تقیّد دینی که از خود نشان می‌داداز چشم امیران بزرگ ترک و صاحبان منصبان دیوانی متحد آنان افتاده؛ از همین‌روی آنان بر ضد او دسیسه‌چینی آغاز نمودن، کوشیده‌اند تا او را از قدرت به زیر کشند (خواندمیر، ۱۳۵۶: ۴۳۰).

تساهل به لحاظ قلمرو

تساهل اخلاقی: در حوزه‌ی اندیشه‌های سیاسی به دو معنا به کار می‌رود. از یک سو، به منزله‌ی صفتی اخلاقی، به معنای آسان گرفتن، مدارا کردن، جوانمردی، بلندنظری، آزادگی به کار رفته است و از طرف دیگر، به معنی رفتار اخلاقی و مروت حتی در حق مخالفین و رفتار جوان‌مردانه در حق آنان (فتحلی، ۱۳۷۸: ۴۵).

علی‌شیر نوایی هنگامی‌که حاکم استرآباد بود در باب تساهل اخلاقی نیز طی نامه‌هایی دغدغه‌ها، مکونانت و منویات که از سرخیرخواهی به ذهن و ضمیرش خلجان و تراوش می‌کرد؛هم‌چنان ملاحظات اخلاقی را که به نظر واندیشه‌اش لازمه‌ی حکومت‌داری است در نامه‌ها و پیام‌های مکتوب به سلطان‌حسین بایقرا منتقل می‌کرد:

«عرض‌داشت بنده این است که سخنی چند برخاطرم آمد که ذکر آن به نظرم واجب می‌آید: علی‌الصباح هنگامی‌که از حرم‌سرا بیرون می‌آیند به دیوان رفته به دادخواهی بپردازند، در هنگام بازپرس خویشتن‌داری نشان دهند، اگر بر کسی ظلم رفته باشد ظالم را باید چنان سیاست کنند که دیگران از

آن انتباه بگیرند. دیگر آن‌ست که شاه باید به امر احتساب اهتمام زیاد به خرج دهد و محتسبین در هفته دو مرتبه از نرخ‌ها و اهل بازار وقوف حاصل نمایند» (نملّه ییف، ۱۳۷۹: ۵۱۱).

و در معنی دوم تساهل اخلاقی، درسیره‌ی عملی علی‌شیر نیز به الگوهای بسیار ارزشمندی می‌توان اشاره کرد:

«چون فروغ معانی رحمت و مروت نزد آن مظهر مراحم رحمانی مقرب سطانی کالشمس فی رابعه‌النهار ظاهر و آشکار بود، پیوسته شیمه شفقت و مرحمت را شعار خویش کرده بودند و همراه جناح رأفت و عاطفت بر مفارق اهل عالم گسترده، حرقت دل درماندگان از شربت شفقت تسکین می‌گرفت و جراحت سینه‌ی ستمدیدگان از مرهم مرحمتش اندمال می‌پذیرفت» خواندمیر، با بیان فوق در تساهل، تسامح، مدارا و مهربانی نوایی، در ادامه به چهار سرگذشت عبرت‌آموز، که از روح لطیف و اندیشه سمحه و سهله‌ی وی حکایت دارد نقل می‌کند: دو حکایت با مضمون آزاد نمودن اسیر از زیر تیغ جلاد با التماس زیاد و با لطایف‌الحیل، که در نتیجه منجر به زنده ماندن آن‌ها می‌شود. و سرگذشت دگر از زمانی‌که نوایی در ولایت مرو به سر می‌برد و در مورد پرنده‌ای فاخته که در روی خرگاه مخصوصعلی‌شیر آشیانه و تخم‌گذاری کرده است، حکایت می‌کند. امیر هنگام برگشت به هرات از جمع‌آوری خیمه و خرگاه همایونی برای در امان ماندن پرنده و آشیانه‌اش جلوگیری و شخصی را مامور می‌کند که بعد از بیرون آمدن جوجه از تخم و بزرگ شدن آن‌ها خیمه را جمع‌آوری نماید. در مورد دیگر بعد از ادای نماز ظهر در مسجد جامع هرات، متوجه می‌شود که موری بر لباس امیر چسپیده است علی‌شیر مسیر طولانی مسجد تا محل وضو را با اسب طی می‌کند تا مور را سر جای اول بگذارد. حکایت‌ها و سرگذشت علی‌شیر به خوبی روشن می‌کند که علی‌شیر نوایی نسبت به محیط زیست و حیوانات نیز با تساهل و مدارا و مروت برخورد می‌کند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

تساهل سیاسی: در اصل به روش و منش دولت و حکومت باز می‌گردد و بیانگر مدارای حکومت نسبت به گروه‌ها و افراد مخالف است؛ و در معنای وسیع‌تر، تساهل سیاسی شامل رفتار گروه‌های سیاسی متفاوت و مخالف نیز می‌شود. معمولا از آزادی بیان مطبوعات، وجود احزاب و گروه‌های سیاسی و مؤلفه‌ی نقد و انتقاد، به منزله‌ی نشانه‌های تساهل سیاسی نام برده می‌شود (فتحلی، ۱۳۷۸: ۱۰٦). در باب تساهل سیاسی علی‌شیر نوایی نیز تاریخ نویسان و پژوهشگران مطالبی را نوشته است که می‌توان از آن تعبیر تساهل سیاسی کرد از جمله:

سلطان‌حسین‌بایقرا که به تعبیر مورخان چون خواندمیر «پیوسته دست تولا به ولای اهل‌بیت» داشت (خواند میر، ۱۳۸۰: ج۴، ۱۲٦). در برهه‌ای از زمان در صدد آن برآمد تا خطبه و سکه به نام امامان

دوازده‌گانه شیعیان برقرار دارد؛ اما بعضی او را مانع شدند (بابر، ۱۳۰۸ق: ۱۰۴). بیشتر نویسندگان منابع دسته‌ی اولی چون حبیب‌السیر، روضة‌الصفا و بدایع‌الوقایع چندان به این موضوع که مخالفان رسمیت تشیع را چه کسانی تشکیل می‌دادند نپرداخته، با وجود این اشاره‌های کوتاه گزیده و تا اندازه‌ای مبهم برخی دیگر از مؤلفان آن روزگار چون زمچی اسفزاری و نظامی باخزری آشکار می‌دارد که علی‌شیر بزرگترین مخالف چنین تصمیمی بوده است (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ج۲، ۳۲۹). و (نظامی‌باخزری، ۱۳۷۱: ۱۷۴). این نکته مهم است که در مورد تأیید تاریخ‌پژوهان کنونی بوده و آنچه آشکار می‌نماید آرای آنان در این زمینه از همسانی و تطابق بر خوردار است (بیانی، ۱۳۸۷: ۲۲۳) و (رویمر، ۱۳۸۷: ۱۴۴). شرحی که مؤلف کتاب عالم‌آرای شاه اسماعیل در دروان حکومت صفوی نوشته است تا اندازه‌ای می‌تواند رمز و راز چرایی و چگونگی در پیش گرفتن چنین سیاستی از سوی علی‌شیر را عیان دارد.

«روزی سلطان کل مردم هرات را فرمود که در مسجد جامع جمع شوند، اراده‌ی خطبه به نام امامان شیعه کنند؛ چون خطیب به منبر رفته شروع به خطبه کرده، هنوز به امام نرسیده بود که مردم هرات از جای درآمده خطیب را از بالای منبر به زیر کشیدند سلطان از حادثه به شدت اندوهگین شده و به علی‌شیر فرمودند که مردم هرات بسیار بی‌حیا و بی‌ادب بوده‌اند باید اکثر ایشان را به جزا رسانید. علی‌شیر عرض نمود که هرگاه نواب پادشاهی خواسته باشند، باید که این خیال‌ها را به خاطر شریف راه ندهند (منتظرصاحب، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

صغری بانو شگفته، استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی و علی‌شیر پژوه، پاکستانی، دوراندیشی سیاسی، مدارا و مصلحت سنجی او را برهانی بر این مهم برشمرده است. شاید او همان‌گونه که امرای شیعی مذهب آل‌بویه به رغم تسلط کامل بر تخت‌گاه خلفای عباسی، بغداد برای جلوگیری از به خطر افتادن ارکان حکومت، خلافت سنی، را برنینداختند، در آن فکر بوده که رسمیت یافتن تشیع می‌توانسته بهای سنگینی چون اضمحلال سلطنت را در پی داشته باشد. وی در کتاب خویش، اقدام علی‌شیر در مخالفت با تصمیم سلطان‌حسین بایقرا را از آن روی دانسته که او صلاح حکومت را در نظر داشته و درنتیجه به سلطان سفارش نموده تا از تظاهر به عقاید شیعی که مغایر با مصالح کشورداری و پادشاهی می‌باشد، خود داری ورزد (شگفته، ۱۳۸۷: ۱۸۲). علاوه بر مطلب فوق در تأیید اندیشه مداراجویانه و تساهل و تسامح رفتاری و گفتاری علی‌شیر نوایی، توصیة علی‌شیر نوایی به سلطان‌حسین بایقرا که اگر پادشاهی می‌خواهد : «باید که این خیال‌ها را به خاطر شریف راه ندهند» (منتظرصاحب، ۱۳۸۸: ۳۴۴) به گونه‌ای موید این نکته است که انگیزه‌ی وی بیش از آن‌که با آرمان‌های مذهبی او مرتبط باشد، بیان‌گر روحیه‌ای مردم‌داری، رواداری، تساهل و تسامح و با مصلحت اندیشی‌های سیاسی پیوند داشته

است (نعمتی‌لیمایی و حسنی، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

بررسی متون تاریخی به‌خوبی نشانگر آن است که تساهل و مدارا به عنوان یک فضیلت اخلاقی و شیوه‌ی مؤثر ارتباطات و تأثیرگذاری، در تمام شئون زندگی علی‌شیر نوایی به چشم می‌خورد. علی‌شیرنوایی ضمن خدمات فرهنگی بسیار ماندگار، در رفتار و گفتار، اندیشه و عمل، به تساهل و مدارا باور داشت. ثمره‌ی همین رواداری و مصلحت‌سنجی بود که سالیان بسیار طولانی، در منصب وزیر و زمانی‌هم ، در گستره و پهنه‌ی خراسان قدیم خدمات با برکت و گران‌سنگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از خود به یادگار بگذارد. علی‌شیر نوایی با طبع لطیف و روح بلند در هر سه گونه تساهل و رواداری نمونه‌های عینی و قابل لمسی را به یاد گار گذاشته است؛ در عرصه‌ی موضوع و تساهل فکری عقیدتی، نشانه‌های خوبی از مدارا با پیروان دیگر مذاهب وجود دارد. و در عرصه‌ی تساهل عملکردی با رفتارهای مناسب و به موقع ضمن جلوگیری از کشتار مردم با منویات نیک همیشه خیرخواه مُلک و ملت بوده است و در عرصه‌ی قلمرو تساهل و مدارا اخلاق و سیاست را درهم‌آمیخته، گاهی به‌سان حاکم مقتدر از فروریزی و فروپاشی دستگاه تیموری جلوگیری کرده است و گاهی به‌سان معلم اخلاق کرامت انسانی، تعالی روح، صلح و صمیمیت و ارزش‌های والای هم‌پذیری را توصیه کرده است.

فهرست منابع

۱. آریانپور کاشانی، عباس. (۱۳۷۰)، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، جلد پنجم، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.

۲. بابر پادشاه، ظهیرالدین محمد. (۱۳۰۸ه ق)، در وقایع حالات و واردات احوال ظهیرالدین محمدبابر پادشاه، ترجمه علمدارحیم خان خانان، بمبئی: میرزا محمد شیرازی ملک‌الکتاب.

۳. جبران، مسعود. (۱۳۷٦)، فرهنگ الفبایی عربی ـ فارسی الرائد، ۲جلدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.

۴. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق، تهران: انتشارات سمت، چاپ بیست و چهارم.

۵. حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۲٦)، نوایی (تحقیقات در باب زندگانی و آثار و اهمیت ادبی علی‌شیر نوایی) دانشگاه فردوسی مشهد.

٦. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۵٦)، دستور الوزراء، به اهتمام سعید نفیسی، تهران: نشر اقبال.

۷. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۷۸)، مکارم الاخلاق شرح حال امیرعلیشیر نوایی، تهران: ناشر آیینه.
۸. رویمر، هانس روبرت. (۱۳۸۷)، جانشینان تیمور» تاریخ ایران دوره تیموریان. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: جامی.
۹. زکی ولیدی طوغان، احمد؛ ناطق شریف، مریم. (۱۳۷۷)، امیرعلیشیر نوایی بزرگترین شخصیت ادبی ترک، نشریه نامه پارسی، شماره ۱۰، صص ۳۹- ۵۷.
۱۰. زمچی اسفزاری، معین‌الدین محمد. (۱۳۸۲)، روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سیدمحمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. زنگنه، پیمان؛ حمیدی، سمیه. (۱۳۹۴)، واکاوی اثرات سیاست تساهل و مدارا بر فرایند توسعه پایدار در ایران، نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۰، صص ۱۱۹-۱۳۸.
۱۲. شگفته، صغری‌بانو. (۱۳۸۷)، شرح احوال و آثار فارسی امیرعلی‌شیر نوایی متخلص به فانی، تهران: الهدای.
۱۳. شهیدی، حمیده. (۱۳۷۹)، تیموریان در عهد سلطان حسین بایقرا، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. فتحلی، محمود. (۱۳۷۸)، تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی، قم: انتشارات طه
۱۵. فراهانی‌منفرد، مهدی. (۱۳۸۲)، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.
۱۶. فرزانه فر، حسین. (۱۳۸۳)، تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۶۳، صص۱۵۵-۱۸۶.
۱۷. فرزانه‌پور، حسین؛ بخشایشی زاده، محمد. (۱۳۹۰)، تساهل و مدارا در قرآن، نشریه اندیشه نوین اسلامی، شماره ۲۵، صص ۱۵۷-۱۷۸.
۱۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. قاضی، عبدالرحیم. (۱۳۸۷)، نظام‌الملک ثانی امیرعلی‌شیر نوایی، فصلنامه تاریخ پژوهی، سال دهم، شماره۳۶، صص۵۹- ۷۱.
۲۰. محمودی، سیدعلی. (۱۳۷۶)، عدالت و آزادی، تهران: موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ اول.
۲۱. معین، محمد. (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، ۶جلدی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم.
۲۲. منتظرصاحب، اصغر. (۱۳۸۸)، عالم‌آرای شاه‌اسماعیل، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. میرخواند، محمد بن خاوندشاه. (۱۳۸۰)، تاریخ روضة الصفا في سيرة الانبياء و الملوك و الخلفا، با

تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: نشر اساطیر.
۲۴. نظامی باخزری، عبدالواسع. (۱۳۷۱)، مقامات جامی: گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان، مقدمه و تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.
۲۵. نعمتی‌لیمایی، امیر؛ حسنی، عطاءالله. (۱۳۹۱)، نقش علی‌شیر نوایی در سیاست‌های اعمال شده سلطان حسین بایقرا، نشریه تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات) شماره ۲۶، صص۸۷-۱۱۲.
۲۶. نملّه ییف. (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ترک اوزبیکی بخش دوم «امیرکبیر نظام‌الدین علیشیر نوایی، ترجمه، تحقیق و نگارش: برهان‌الدین نامق شهرانی. بی‌جا.
۲۷. نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۶۳)، تذکره المجالس النفایس، به کوشش علی‌اصغر حکمت، نشر کتابخانه منوچهری.
۲۸. واحدی جوزجانی، محمد یعقوب. (۱۳۴۲)، امیرعلی‌شیر نوایی «فانی» مشتمل بر شرح زندگانی، آثار عمرانی، مؤلفات و نمونه نظم و نثر او، کابل: نشر انجمن تاریخ.
۲۹. واصفی هروی، زین‌الدین محمود. (۱۳۴۹)، بدایع الوقایع، جلد۱ تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران، چاپ دوم.
۳۰. واله اصفهانی، محمد یوسف. (۱۳۷۹)، خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: نشر میراث مکتوب، چاپ اول.
31. Carry, Edward, 1998, Routledge encyclopedia of philosophy, vol. 1, London and New York.
32. Ambuel, David, 1997, Philosophy Religion and Question of Intolerance, New York: state university of Newyorkpress.

بررسی نقش علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی جریان فرهنگی - هنری عصر تیموریان

سیدعبدالبصیر مصباح

چکیده

این پژوهش از طریق بررسی اسناد علمی و تاریخی،به نقش علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی جریان فرهنگی_هنری آخرین دوره‌ی سلسله‌ی تیموریان، در چارجوب نظریه‌ی فرهنگی کلاسیک به‌خصوص دیدگاه‌های امیل دورکیم، کارل مارکس، جروج زیمل و پارسونز پرداخته است. پرسش اصلی پژوهش این بوده است که علی‌شیر نوایی چگونه توانست در توسعه‌ی جریان فرهنگی-هنری حکومت تیموریان نقش بازی کند و برآیند فعالیت‌های وی را در چه مواردی می‌توان خلاصه کرد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که علی‌شیر نوایی در زمان صدارت‌اش در حکومت میرزا سلطان حسین بایقرا به اقدامات مهم فرهنگی از جمله حمایت بی‌دریغ از فرهنگی‌ها و ادبا، معماری، نوسازی و بازسازی سنتی، ایجاد مدارس و توسعه‌ی آموزش، تقویت و فرهنگی ساختن زبان ترکی، تأسیس کتابخانه و توسعه‌ی کتابت، تجلید و... همت گماشته است. تحلیل یافته‌های پژوهش نشان‌گر این است که علی‌شیر نوایی با تقویت ارتباط میان زبان ترکی و فارسی،هم‌دلی و هم‌بستگی میان دو هویت مختلف را ایجاد کرد و بر کثرت‌گرایی فرهنگی که از مدارا در طنیت او ناشی می‌شد، تأکید ورزید. پژوهش هم‌چنین نشان داد که نواییضمن این‌که به پل فرهنگی میان هویت‌های بزرگ و کوچک در آن‌زمان تبدیل شد، با حمایت و روابط حسنه با فرهنگی‌ها و نویسندگان، نگاه فرهنگی‌اش به سیاست را هم‌چنان تقویت و حفظ کرد. پژوهش‌گر به این نتیجه دست یافت که،دولت‌مردان و فرهنگیان این سرزمین می‌توانند در استراتیژی‌ها و تطبیق برنامه‌های فرهنگی_سیاسی شان، از کارکردهای ثمربخش نوایی الگوگیری کنند؛ تا توسعه‌ی فرهنگی به‌معنی واقعی آن در کشور تحقق یابد.

کلیدواژگان: علی‌شیر نوایی، نظریه‌ی فرهنگی، کثرت‌گرایی، ارتباطات میان‌فرهنگی، هم‌بستگی اجتماعی و زبان ترکی.

بخش نخست؛ کلیات

۱. طرح مسأله

حکومت تیموریان یکی از باشکوه‌ترین ادوار در تاریخ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این سرزمین به‌شمار می‌رود. این سلسله با حکمروایی تیمور شروع شد و با فرمان‌روایی پسر میرزا سلطان حسین بایقرا در هرات خاتمه یافت. حکومت تیموریان به لحاظ سیاسی مستحکم و به لحاظ جغرافیایی وسیع و از منظر فرهنگی پیش‌تاز در آسیا بود. تیموریان از ماورالنهر تا هرات و از بدخشان و تخارستان تا سمرقند و بخارا حکمروایی می‌کردند. «دوران بعد از تیمور از لحاظ معرفت و کمال قرن طلایی بود که (رنسانستیموری) و (دوران احیای علم و دانش) نامیده شد؛ در این دوران، تجلیات علم و معرفت و کمال به اوج تعالی خود رسید و در اواخر سلسله تیموریان شعر و ادبیات فارسی به اوج رسید» (گروسه ۱۳۷۹، ۶۸۴ به نقل از موگوئی ۱۳۹۳، ۱۵۱).

در میان سلسله‌ی تیموریان، حکومت سلطان میرزا حسین بایقرا و وزیر خردمندش، علی‌شیر نوایی در عرصه‌ها و سطوح مختلف، از جمله فرهنگ، هنر و ادبیات زبان‌زد خاص و عام است و در مورد، پژوهش‌ها و نگارش‌های بسیار از سوی دانشمندان و محققان در داخل و خارج به زبان‌های مختلف صورت گرفته است.

علی‌شیر نوایی وزیر سلطان حسین میرزا بایقرای گورکانی (۸۷۵-۹۱۱ه.ق) و از بزرگ‌زادگان خاندان جغتای، حاکم ماورالنهر و کاشغر و بلخ و بدخشان بود. وی مرد دانشمند و علم‌دوست و شاعر بوده که اشعاری به دو زبان فارسی و جغتایی سروده است. او در سال ۸۴۴ ق. متولد شد و هنگامی سلطان حسین میرزا در هرات به سلطنت نشست، منصب مهرداری را به امیر علی‌شیر واگذار کرد و اندکی پس از آن امر، صدارت را نیز به او داد. امیر علی‌شیر با وجود همه‌ی مشغله، از مطالعات علمی و تألیفات مختلف دست بر نداشت و مجلس او مجمع علما و فضلای آن روزگار و کتابخانه‌ی وی نیز مورد استفاده‌ی دانش‌پژوهان بود (تبریزنیا ۱۳۷۸، ۴۵).

میر علی‌شیر نوایی، در سطوح مختلف حکومت‌داری، از جمله در حوزه‌ی فرهنگ و ادبیات دستاوردهای بسیاری از خود به یادگار گذاشت. او که به‌لحاظ فردی و شخصیتی، اهل خرد، عارف، موسیقی‌دان و سیاست‌گر نامی بود، توانست بر جنبه‌های مختلف زندگی ترک‌ها، ازبیک‌ها و فارسی‌زبانان تأثیر بسیار عمیق فرهنگی بگذارد. در سطح اجتماعی و سیاسی، الگویی برای

سیاست‌مردان و نمونه‌ای برای خردمندان و پژوهشگران کشور ما است که با الگوبرداری از سرشت، برنامه‌ها و کارنامه‌هایی فرهنگی، ادبی و سیاسی این امیر، در حوزه‌های دولت‌داری، ملت‌سازی و فعالیت اجتماعی، نقش ممتاز بازی کنند. بنابراین، بررسی زندگی و کارنامه‌هایی امیر شیرعلی نوایی از منظر علمی، برای جامعه‌ی سیاسی و فرهنگی ما ضرورت جدی می‌نماید و باید در این عرصه، تحقیق‌های مفید و نظام‌مند از سوی پژوهشگران صورت گیرد.

با این توصیف، پژوهشگر در این تحقیق تلاش کرده است که با رویکرد علمی و در چارچوب نظریه‌ی فرهنگی کلاسیک و از طریق بررسی اسناد و پژوهش‌های علمی-تاریخی، در مورد نقش و جایگاه علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی جریان فرهنگی_هنری عصر تیموریان تحقیق نماید.

۲. اهمیت پژوهش

این پژوهش می‌تواند بخشی کوچکی از خلای نظری در عرصه‌ی تحلیل زندگی و کارنامه‌های سیاسی_ فرهنگی امیران پیشین را پر نماید و به‌حیث منبع برای تحقیقات بیشتر در عرصه‌ی تاریخ ادبیات، فرهنگ و هنر کشور مورد استفاده‌ی‌پژوهشگران و نویسندگان قرار گیرد. همچنین پژوهش می‌تواند برای کارگزاران فرهنگی ما به‌منظور تقویت و تطبیق سیاست‌گذاری‌ها، استراتیژی‌ها و اهداف فرهنگی در کشور کمک کند و در روند توسعه‌ی فرهنگ با الگوگیری از تجربه‌های مثبت پیشین مفید واقع شود.

۳. ضرورت پژوهش

نگاهی تحلیلی و علمی به تاریخ فرهنگی- هنری کشور برای هر ملتی ضروری است. دولت‌مردان و فرهنگیان ما در شرایط مختلف به اتخاد و تطبیق سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مدرن و بر پایه‌ی ارزش‌های استوار و اصیل گذشتگاننیازمند هستند. انجام تحقیق با این ساختار از آن‌جا ضرور می‌نماید که ما برای رسیدن به اهداف بلند فرهنگی به مرور و بازخوانی تجربه‌های پیشینان در عرصه‌های مختلف فرهنگی ضرورت جدی داریم و با ایجاد پیوند با گذشته‌های پر بار مان می‌توانیم در توسعه‌ی فرهنگ گام‌های سریع‌تر و جدی‌تری برداریم.

۴. اهداف پژوهش

- شناسایی نقش علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی جریان فرهنگی- هنری در آخرین دوره‌ی حکومت تیموریان و تأثیر آن بر زندگی فرهنگی مردم آن‌زمان از اهداف مهم این تحقیق می‌باشد.
- هدف دیگر این پژوهش، بررسی جلوه‌های توسعه‌ی فرهنگ در عصر علی‌شیر نوایی است.
- هدف سوم آن، بررسی علمی نگاه علی‌شیر نوایی به فرهنگ و چگونگی خدمات او در راستای توسعه زبان و ادبیات ترک‌ها می‌باشد.

۵. سوال‌های پژوهش

- علی‌شیر نوایی چگونه توانست در توسعه‌ی جریان فرهنگی-هنری حکومت تیموریان نقش بازی کند؟
- مهم‌ترین عناصر و جلوه‌های توسعه‌ی فرهنگ و هنر در عصر تیموریان را به چه خلاصه می‌توانیم؟
- زمینه‌های توسعه‌های فرهنگی_هنری در عصر تیموریان را چگونه می‌توان بررسی و مشخص نمود؟

٦. پشیینه‌ی پژوهش

در عرصه‌ی حکومت تیموریان از منظرهای مختلف و در کانون‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ پژوهش‌های بلند کیفی و کمی از سوی محققان داخلی و خارجی صورت گرفته است. برخی پژوهشگران به سیاست و حکومت در عصر علی‌شیر نوایی پرداخته، شماری به ادبیات و شعر در زمان وی اشاره کرده و عده‌ی هم به عدالت، انسانیت و انصاف از منظر علی‌شیر نوایی تأکید کرده اند. اگرچه در عرصه‌ی فرهنگ و هنر نیز در عصر علی‌شیر نوایی، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ اما به‌طور مشخص، پژوهشی از منظر مطالعات فرهنگی و ارائه‌ی یک چشم‌انداز روشن که بتواند عمق دیدگاه‌های فرهنگی و تأثیرگذاری‌های کارکردهای فرهنگی و هنریعلی‌شیر را به بحث بگیرد، تاهنوز در افغانستان صورت نگرفته است.

پژوهش درباره‌ی نوایی و آثار او دست‌کم یک‌سده سابقه دارد و زبان‌های روسی، اوزبیکی و انگلیسی صورت گرفته است. در این میان رساله‌ی بارتولد با عنوان «زندگی سیاسی امیر علی‌شیرنوایی» چاپ نخست به زبان روسی در سال ۱۹۲۸م که به فارسی هم ترجمه شده، مهم‌ترین اثر تحقیقی به‌شمار می‌آید (علی‌خانی ۱۳۹٦، ۷٦).

تحقیق دیگری با عنوان «جایگاه فرهنگی علی‌شیر نوایی در ترکی غربی و ملی‌گرایی نوایی» از سوی بهروز بیک بابایی در سال ۱۳۹۷ صورت گرفته و در فصلنامه علوم خبری نوشته شده است. در بخش از این تحقیق نحوه‌ی شکوفایی زبان و ادبیات ترکی در کنار ادبیات پیشرفته‌ی فارسی از نظر نوایی و هم‌چنین نوع نگرش نوایی به زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی در کنار زبان ترکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تحقیق دیگر با عنوان بررسی و بازشناسی دومین ترجمه‌ی مجالس النفایس علی‌شیر نوایی، توسط هادی بیدکی صورت گرفته و در سال ۱۳۹٦ در دوفصلنامه علوم ادبی به چاپ رسیده است.

پژوهش دیگر توسط پروفیسور ماریا اوا سابتلنی، استاد صاحب نام دیپارتمنت تمدن‌های خاورمیانه انجام شده است. پژوهشگر ضمن مطالعه‌ی تمامی پژوهش‌های انجام شده، در مورد نوایی در سده‌ی

بیستم میلادی، با مراجعه به آثار خطی و دست اول دیگر، هم‌چون وقفنامه‌ی نوایی، چشم‌اندازهایی تازه و تحلیلی در مورد ابعاد شخصیتی، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نوایی و فضای تاریخی ای که وی در آن می‌زیست، انجام داده است (همان ۱۳۹۶، ۷۶-۷۷).

۷. روش پژوهش

این تحقیق به‌روش کتابخانه‌ای از طریق بررسی اسناد و منابع علمی-پژوهشی در مورد زندگی و جایگاه علی‌شیر نوایی با رویکرد مطالعات فرهنگی انجام شده است. پژوهشگر ضمن جمع‌آوری، ترتیب و فیش‌برداری مواد مطالعاتی از منابع دست اول و دوم، کارنامه‌های فرهنگی و هنری علی‌شیر را مورد بررسی قرار داده است و در نهایت در چارچوب نظریه‌ی فرهنگی، نقش نوایی را در توسعه‌ی جریان فرهنگی_هنری دوره‌ی تیموریان مشخص کرده است.

بخش دوم؛ ادبیات مفهومی و نظری تحقیق

الف: مفاهیم اصلی پژوهش

۱. عصر تیموریان

تیموریان در اواخر قرن هشتم هجری... روی کار آمدند. آن‌ها بیش از یک قرن و تا زمان روی کار آمدن صفویان حکومت کردند(زمان‌پور ۱۳۹۶،: ۳۶). حکومت این نسل، با قدرت‌یابی تیمور گرگانی شروع می‌شود و با تخت‌نشینی بدیع الزمان، پسر و جانشین سلطان حسین بایقرا، خاتمه می‌یابد. هرچند پیش از بایقرا، امرای چون شاهرخ، ابوالقاسم، بابرمیرزا و ابوسعید نیز حکومت کرده بودند.

دوره‌ی تیموریان از ادوار پرشکوه و درخشان تاریخی سرزمین ما به‌شما می‌رود. «در این عصر، در سایه‌ی آرامش و سکون نسبی مرزها و پایتخت‌ها که حاصل سیاست تنش‌زدایی سلاطین تیموری بود،... نوزایی فرهنگی عظیمی شکل گرفت» (محمدی و حسینی، ۲۴). تیموریان برخلاف چنگیزیان، مردم شهرنشین بودند و به جلال و عمارت علاقه‌ی بسیار داشتند. و «بی‌گمان یکی از مهم‌ترین عوامل شکوفایی هنر در عصر تیموریان، حضور شاه‌زادگان و درباریان هنرمند و هنرپرور بود» (کاووسی ۱۳۸۶، ۹۹).شاهان تیموری تلاش می‌کردند از راه گسترش قدرت خویش و نیز تقویت امور فرهنگی و تبدیل دربار خود به یک کانون پیشرو هنری و فرهنگی بر اعتبار خود بیافزایند (موگوئی ۱۳۹۳، ۱۵۱).

گرایش شدید فرزندان و جانشینان تیمور به اسلام سبب شد که نواحی تحت فرمان‌روایی آنان، راه عمران و شکوفایی را در پیش بگیرند. هرات در زمان این سلسله، بستری مناسبی برای ترویج علم و ادب و هنر در فرهنگ و تمدن اسلامی گردید... در این دوره، شهر هرات سرشار از رفاه، نعمت و آبادانی بوده است و براین اساس، می‌توان روحیه‌ی شادی‌طلبی را از عناصر برجسته در آن روزگار به

شمار آورد (جهانشاهی افشار و رحیمی صادق ۱۳۹۳، ۹۶). یکی از مهم‌ترین دلایل ارزش و اهمیت شهرهای سمرقند و هرات، موقعیت تجاری و بازرگانی آن‌ها بود. زیرا که این دو شهر اقامتگاه و اردوگاه نظامی تیمور و شاهرخ محسوب می‌شد (موگوئی ۱۳۹۳، ۱۳۹). بنابراین، سمرقند و هرات در این زمینه از شهرهای آن روزگار پیشی گرفتند؛ تا آنجا که این دو شهر در دوره‌ی تیموریان، تجلی‌گاه فرهنگ و هنر شدند (جهانشهاهی افشاری ۱۳۹۳،۹۵).

پژوهشگران عرصه‌ی تاریخ به این باور هستند که جامعه دوره‌ی تیموریان را به لحاظ اجتماعی میتوان به پنج گروه «اعضای خاندان سلطنتی، نظامیان، دیوانیان، روحانیان و عامه مردم (زارعان و پیشه‌وران) تقسیم نمود. گرایش و اشتغال به هنر و صنعت در میان همه‌ی این طبقات وجود داشت اما آمارها نشان می‌دهد که هنرمندان طبقه‌ی عامه از فراوانی بیشتری در جامعه‌ی این عصر برخوردار بودند و هنرمندان طبقه‌ی روحانی، دیوانی، خاندان شاهی و نظامی به ترتیب در مرتبه‌ی بعد قرار می‌گرفتند. در میان این طبقه (عامه) هنرهایی چون خطاطی، نقاشی، موسیقی، معماری و صحافی شیوعی بیشتری داشتند(سمائی دستجردی و همکاران ۱۳۹۴، ۸۸).

۲. میرزا سلطان حسین بایقرا

به سلسله‌ی امرای تیموری، یکی از سلاطین صاحب نام آن عصر، سلطان حسین بایقرا بود که مدت ۳۷ سال در هرات فرمان‌روایی کرد. او ادیب، هنرمند و سرباز پیروز و بی باک بود. سرزمین‌های خراسان، تخارستان، قندهار، سیستان و مازندران را فرو گرفت و بر همه‌ی دشمنان خود چیره شد (بووات، ۱۸). سلطان حسین بایقرا از ۸۷۵ تا ۹۱۱ ق در خراسان، گرگان و ماورالنهر حکومت کرد و هرات پایتخت وی بود. در عهد او مراکز علم و دانش در هرات رونق گرفت. علما و دانشمندان از گوشه و کنار به هرات روی آوردند و تحت حمایت دربار او و وزیر شاعر، دانشمند و عارفش نوایی قرار گرفتند (جهانشاهی افشار و رحیمی صادق ۱۳۹۳، ۹۶).

برخی از تحلیل‌گران تاریخ، نقش و کاکرد فرهنگی میرزا حسین بایقرا و علی‌شیر نوایی را مقایسه کرده اند و به این نتیجه دست یافته اند که هردو در این عرصه دست باز، توانایی همسان و تلاش یگانه داشته اند، همان‌طوریکه نویسنده مقاله‌ی وزیر معروف افغانستان در قرن نهم هجری می‌نویسد:« متحیریم که این همه ترقی علم و عرفان را از قدردانی‌های سلطان حسین میرزا بدانیم یا از معارف پروری‌های میر علی‌شیرانگاریم؛اما این‌قدر معلوم است که این شهریار و وزیر نامی هردو در تحریک سلسله‌ی علم و هنر دارای رتبه‌ی بلندی بوده اند. پس اگر ما کارنامه‌های قرن نهم هرات را از نتیجه‌ی مساعی و قدردانی‌های این سلطان و وزیر نامور بگوییم، خیلی موزن و مناسب خواهد بود (عبدالله

۱۳۴۶، ۳).

۳. شخصیت و زندگی علی‌شیر نوایی

علی‌شیر نوایی در سال ۸۴۴ ه.ق در هرات متولد شد و در سال ۹۰۶ ه.ق در همان شهر درگذشت. وی وزیر و مشاور و مهردار سلطان حسین بایقرا،شاعرذواللسانین،منتقداجتماعي،مترجم،تذکرهنویس، عارف،سیاستمدار و باني مراکز خیریّه فراوان در خراسان و ماورا ءالنهر و ... بود. «پدرش غیاث‌الدین کیچکنه بهادر از نزدیکان ابوالقاسم بهادر حاکم خراسان بود. پدر بزرگ مادری اش نیز ابوسعید چیچک از بیگلربیگی‌های میرزا بایقرا به‌شمار می‌رفت. پدرانش در اصل جز کارگزاران تیموری به‌حساب می‌آمدند. امیر شیرعلی از کودکی همراه حسین بایقرا نوه‌ی میرزا بایقرا و فرزند امیر غیاث الدین منصور بزرگ شد. دوستی و رفاقت آن دو، تا دم مرگ دوام داشت (محمدزاده صدیق ۱۳۹۳، ۱۱) و «باهم عهد و پیمان بسته بودند که هر کدام به سلطنت رسد، از حال دیگری تفقد نموده، فراموشش نکند» (کی‌منش، ۱۶۵).

علی‌شیر تحصیلات اولیه خود را نزد پدرش کسب کرد و سپس به منظور تحصیل معارف و کمالاتبه سمرقند و بسیاري از شهرهاي دیگر رفت و نزد بسیاری از دانشمندان پرآوازه‌ی زمان خود درس خوانده بود و افتخار شاگردی آنان را داشت. «در سمرقند در خانقاه خواجه فضل‌الله ابوالیثی که ابن سینای ثانی خوانده می‌شد، سکونت داشت و مدتی از محضر وی بهره برد» (رفیعی ۱۳۸۹، ۱۰۸). در این هنگام سلطان حسین میرزا درهراتبهسلطنتنشست. «علی‌شیر ۲۹ روز پس از چیرگی سلطان حسین بر هرات و چند روز پیش از عید فطر ۸۷۴ ق به این شهر رسید و برای تبریک به خدمت او آمد. سلطان حسین به افتخار وی میهمانی داد و او را مهردار (نشانجی) خود کرد... از فرمان سلطان حسین بر می آید که او علی‌شیر را امیر دیوان بزرگ امارت یا «تواچی دیوانی بک‌بیگی» کرد. دیوان تواچی، انتظام سپاه و رعایای ترک را به عهده داشت، چنان‌که آن را «ترک دیوانی» نیز می‌خواندند. سرپرستان این دیوان‌ها را امیران ترک دیوان بیگی می‌خواندند. امیر ترکی که سرپرست یکی از دیوانها می‌شد، لقب الغ بیگ می‌یافت. علی‌شیر الغ بیگ نبود. ... به او «ایچکی» به معنای ندیم سلطان نیز گفته می‌شد (ولیدی طوغان، ۴۳). امیر علی‌شیراندکي پس از آن، امر صدارت را از نزد سلطان دریافت کرد.علی‌شیر نوایی در «دوره‌ی صدارت خویش به عمران و آبادی هرات کوشید. وی صاحب بیش از ۳۰اثر شعری و ادبی است که بخش اعظم آثار او به زبان ترکی نگاشته شده است» (جهانشاهی افشار و رحیمی صادق ۱۳۹۳، ۹۹).

امیرعلي‌شیر با وجود این مشاغل از مطالعات علمي و تألیفات مختلف دست برنداشت و مجلس

او مجمع علما و فضلاي آن روزگار بود.وي پس از مدّتي از امور دولتي كنار كشيد و با عبدالرّحمان جامي مصاحب شد و درويشي را بر همهٔ امور ترجيح داد. او در عين دوري از كار ديواني نيز مورد توجّه سلطان حسين بوده و شاهزادگان موظّف به استفاده از مجالس وي بودند.

با این توصیف،علی‌شیر نوایی از فرهنگ‌مردان نامی، تأثیرگذار و دارای جایگاه ممتاز در دوره‌ی تیموریان به‌شمار می‌رود. «حضور توانمندانه و تکاپوهای افزون وی در عرصه‌های گوناگونی چون سیاست، پشتیبانی از اهل فرهنگ، ساخت و ساز بناهای عام‌المنفعه، نگارش و سرایش، توسعه‌ی ادب ترکی و... محبوبیت و شهرت فراوانی برای او به ارمغان آورد» (حسنی و لیمائی، ۱۳۹۲، ۵٦) و باعث شد که منزلت و جایگاه بلندی در تاریخ و فرهنگ این سرزمین به‌دست آورد و در واقع، شهر هرات به‌طفیل او در آن‌عهد با بغداد، قرطبه، قاهره و سایر مراکز علمی و ادبی دم از همسری می‌زد.

۴. ابعاد فرهنگی و ادبی زندگی امیر

نوایی در کنار اینکه ندیم سلطان بود و در عرصه‌ی سیاست گام بر می‌داشت، دارای روحیه‌ی فرهنگی نیز بود. او همواره با کتابت سر و کار داشت و شعر می‌سرایید. نوایی از شاعران توانای پیشین تأثیرات فراوانی گرفته و این تأثیرات در وزن، مضمون، ترکیبات مشابه و ردیف‌ها و قافیه‌ها همسان به خوبی مشهود است. ... اما در این میان، دامنه‌ی تأثیراتی که حافظ بر نوایی نهاده است و یا لااقل اشتراکات بینامتنی این دو شاعر بیش از سایرین است.

هرچند که این امیر در طول حیاتش، منصب‌های مختلفی سیاسی را بر عهده گرفت، اما آن‌چه او را نسبت به دیگر امیران و شاهان پیش و بعد از او متمایز می‌سازد، برخورد خردمندانه‌ی او با ادبا، دست بلندش در نگارش و سرایش و حمایتش از جریان‌های فکری، فرهنگی و ادبی دوره‌ی تیموریان به‌شمار می‌رود. نویسنده‌ی مقاله‌ی «وزیر معروف افغانستان در قرن نهم هجری» در باره‌ی او چنین می‌نویسد: «شخصیت این وزیر دانشمند نه‌تنها مایه‌ی نازش و افتخار هرات و خراسان بوده؛ بلکه تمام دنیای اسلام در آن وقت مقام او را محترم و عزیز داشته به‌وجود بی‌همتای او افتخار و مباهات می‌نمود (عبدالله ۱۳۴٦، ۵).

نوايي با علم موسيقي آشنايي زيادي داشته است. از قطعات موسيقي در خراسان به سبک «يدي بحر» اشاره مي‌شود كه علي‌شير آن را براساس صداي پرندگان تصنيف كرده است. قطعات موسيقي نوايي در بين تركمن‌هاي ايراني و اوزبيک‌هاي فرغانه و خوارزم و شمال قفقاز و استانبول رواج دارد. آهنگ گلزار كه يكي از كامل‌ترين آهنگ‌هاي تركمن‌هاست ساخته‌ی علي‌شير نوايي است كه در آن ظهور طبيعت بهاري را استادانه بيان مي‌كنند. در دوتار تركمن‌ها پرده‌اي به نام نوايي و سه گروه هفتگانه

وجود دارد که در مجموع ۲۱ آهنگ به نام نوایي دارد. استاد امیرعلي‌شیر در موسیقي «خوجایوسف برهان (بورقان)» بوده است.

اگر ما حیثیات این مرد بزرگ را با حیثیات و مزایای سلطان بسنجیم، غالباً کفه‌ی اوصاف وزیر نسبت به شهریار وزین‌تر و سنگین‌تر خواهد بود. شهرتی‌که نصیب حکومت ودربار سلطان حسین میرزا گردید، در حقیقت از طفیل علما و فضلا و مصورین و سایر اهل صنایع بوده که وجود علی‌شیر در جلب آن حکم مقناطیسی داشت. اگر فرضاً سلطان هرات مانند علی‌شیر یک وزیر بی‌نظیر نمی‌داشت در قبیله‌ی گورگانی خود ابداًدارای این امتیاز و اوصاف برگزیده‌ای که تا امروز فراموش نگشته، نمی‌شد (عبدالله ۱۳۴۶، ۵-۶).

ب: چارچوب نظری؛ نظریه‌ی فرهنگی

نظریه‌ی فرهنگی، از تئوری‌های کاربردی است که به‌منظور مطالعه‌ی علمی فرهنگ استفاده می‌شود و ضمن تأکید بر چیستی مفهوم فرهنگ، این پدیده را به شکل اکادمیک مورد نظریه‌پردازی قرار می‌دهد.«کار نظریه فرهنگی تنها این نیست که درباره‌ی فرهنگ بحث کند یا سیاهه‌ای از مصادیق آن به‌دست دهد... بلکه توضیح و توصیف صور فرهنگی بر پایه‌ی معیاری است که طرح‌واره‌ای را به دست می‌دهد(ادگار و همکاران ۱۳۸۸، ۱-۱۰) و زمینه‌ای می‌شود که توانایی ما برای درک پدیده‌ی فرهنگ بالا رود و ما را به شهروند فعال و شایسته در زندگی اجتماعی تبدیل کند؛ از این لحاظنظریه‌ی فرهنگی صرفاً بخشی از ادبیات دانشگاهی نیست بلکه زمینه‌ای است که از طریق به زندگی نگاه جدیدتر داشته باشیم.

از متفکران بزرگ در عرصه‌ی نظریه‌های فرهنگی، به امیل دورکیم، کارل مارکس، زیمل و... اشاره کرد. امیل دورکیم فرهنگ را عامل هم‌بستگی اجتماعی می‌داند و این دانشمند، «نقش پررنگی را برای فرهنگ در جهت ایجاد ثبات اجتماعی و هم‌چنین تعامل اجتماعی قائل بود. از نظر وی جامعه تا حد زیادی یک پدیده‌ی اخلاقی است؛ احساس هم‌بستگی، گردهم‌آورنده‌ی اجزای آن است و جامعه را سر پا نگه می‌دارد»(اسمیت ۱۳۸۷، ۴۶). دورکیم به این اعتقاد است که اختلاف و کشمکش یا تداوم محرومیت‌های اجتماعی را نمی‌توان به حساب نقش فرهنگ گذاشت. این متفکر، آداب دینی را به‌عنوان محور اساسی فرهنگ عنوان می‌کند و به این باور است که «دلیل واقعی وجود دین و آداب دینی نه پرستش خدایان؛ بلکه بازسازی پیوندهای اجتماعی بوده است. وی این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد که همه ادیان متضمن اعمال تشریفاتی و شعائر منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گردهم می‌آیند و در مراسم تشریفاتی جمعی، حس هم‌بستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود(گیدنز

۱۳۸٦، ۲۹-۳۱).

ماکس وبر (Max Weber: 1864-1920) نیز همچون دورکیم بر نقش تأثیرگذار دین در تعالی فرهنگ اشاره می‌کند؛با این تفاوت که «وبر» بر محتوای ذهنی نظام‌های تجریدی ایمانی و اعتقادی تأکید بیشتری دارد؛ درحالی‌که دورکیم به عواطف غریزی و درونی انسان تقدم می‌دهد.

به باور پژوهش‌گران، مهم‌ترین عاملی که ارتباطی بین وبر و نظریه‌ی فرهنگی برقرار می‌کند؛ درک او از کنش انسانی است. وی به این باور است که به عاملان انسانی باید به چشم فاعلان‌مختار نگریسته شود که معنای آنها را به حرکت درمی‌آورد و تحلیل‌گران بایستی بکوشند انگیزه یا نیت ذهنی نهفته در پس یک کنش را، برملا سازند.

وبر دو الگوی متعارض را با توجه به آن انگیزه نهفته، برای کنش‌های انسانی مورد توجه قرار می دهد: یکی کنش مبتنی بر ارزش که محرک آن باورها و اهداف فرهنگی مانند دستیابی به رستگاری است؛ و دیگری کنش معطوف به هدف، که همان کنش سوداگری است، فاعل در آن درصدد کسب منفعت بوده و هدفی روشن را در نظر گرفته و همه وسایل را برای رسیدن به آن به‌کار می‌گیرد. در این نوع کنش، اثری از دستورهای والای معنوی و اهداف فرهنگی به چشم نمی‌خورد (ریمون ۱۳۸۷، ۳۲-۳۳).

از مباحث مهم دیگر در نظریه فرهنگی وبر؛ بحث اقتدار یا سلطه مشروع است. وبر معتقد بود که سلطه با ارجاع به ساختارهای وسیع‌تر معنا، توجیه می‌شود. وی برای درک اقتدار به نمونه‌های چون «اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک و اقتدار بروکراتیک اشاره می‌کند. به باور این متفکر، اقتدار سنتی، از رسوم و اعمال خاص یک گروه اجتماعی برگرفته شده است. حاکم و اتباع از این سنت‌ها پیروی می‌کنند. به عقیده‌ی او، اقتدار کاریزماتیک ناشی از باور به برخورداری حاکم از اقتدارهای استثنایی و یا نوعی عطیه الهی است و اقتدار بوروکراتیک در جوامع دموکراتیک معاصر و صنعتی وجود دارد و بر اساس هنجارهای قانونی یعنی تفکیک وظایف مبتنی است (صالحی امیری ۱۳۸٦، ۹۷-۹۸).

از دید کارل مارکس (Karol Marx 1818-1883) فرهنگ دست‌ساخته‌ی طبقات فرادست اقتصادی و اجتماعی است که از آن به‌نام بورژوا یاد می‌کند. به باور کارل مارکس، در یک نظام طبقاتی، فرهنگ چون ایدئولوژی وارد کاروزار می‌شود منافع طبقات حاکم را باز تولید می‌کند. به اعتقاد مارکسیستان، روشن‌فکران طبقه‌ی حاکم، در هر عصری اندیشه‌های مسلط را تولید و عرضه می‌کنند و همین اندیشه‌ها از ابزارهای عمده تسلط طبقه‌ی حاکم بر طبقات زیر سلطه به شمار می‌رود. ایدئولوژی و فرهنگ نیز در مقابل زیربنای اقتصادی، روبنا محسوب می‌شوند؛ پس لازمه‌ی فهم فرهنگ، فهم منافع طبقه‌ی حاکم و نهایتاً فهم روابط تولیدی و زیربنای اقتصادی است.

از نظر جورج زیمل (Georg Simmel: 1858-1918) فرهنگ به‌معنای پرورش کل شخصیت است و باید این پدیده را در ابعاد ذهنی و عینی بررسی کرد.به باور زیمل؛ «فرهنگ ذهنی یا روح، باقی مانده سطح پرورش افراد و هدف تمام فرآیندهای فرهنگی است و فرهنگ عینی که نشان‌دهنده‌ی قلمرو بیرونی و متشکل از چیزهای فرهیخته و پرورش‌یافته است» از نظر وی فرهنگ عینی اشیایی است که یک فرهنگ تولید کرده و فرد بر آن تأثیری ندارد (صالحی امیری ۱۳۸٦، ۱۰۱).

جورج زیمل در تحلیل جوامع مدرن، به این باور است که در آینده محتوا و کالاهای فرهنگی به مفهوم وسیع آن، بیش‌ازنیاز مصرف‌کنندگان تولید خواهد شد که تراژدی فرهنگ تعبیر شده است. منظور این دانشمند از تراژدی فرهنگ، پارادوکس میان فرهنگ مادی و معنوی است و «تراژدی فرهنگ، یعنی فاصله گرفتن فرهنگ مادی از فرهنگ ذهنی»و فرهنگ مادی که شامل کالاهای تولید شده است می‌تواند جدا از فرهنگ معنوی باقی مانده و بر زندگی بشر بدون هیچ معنایی سیطره یابد. توسعه‌ای بی‌حد فرهنگ، که به تولید کالا می‌انجامد با عدم توسعه‌یافتگی فرهنگ ذهنی در تعارض قرار دارد. این ظهور خودخواهانه تولید فرهنگی، دنباله‌ی همان نظریه مارکس درباره کالایی‌شدن و بت‌وارگی کالا در سطح فرهنگی است (مهری ۱۳۸٦، ۵۴).

دانشمندی دیگری که در این عرصه نظریه‌پردازی کرده است، تالکت پارسونز (Talket Parsons 1902-1979) است. این دانشمند در نظریه‌ی سیستمی فرهنگ، «بر نقش حیاتی فرهنگ در نظریه سیستم اجتماعی تاکید دارد. وی با تئوریزه کردن فرهنگ به‌منزله‌ی حوزه یا نظام مستقل، نهادهای فرهنگی و اجتماعی را از همدیگر متمایز کرده و ضمن اعتقاد به استقلال فرهنگ از جامعه به لحاظ تجربی، معتقد است سیستم ارزشی مشترک، پیش‌فرض‌های لازم برای انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد (صالحی امیری ۱۳۸٦، ۱۰٦-۱۰۷).

در واقع پارسونز نظریه‌ی سیستمی را در ردیف نظریه‌ی کنشی مطرح می‌کند و به این اعتقاد است که کنش‌های انسانی، یک بعد هنجاری یا غیر عقلانی دارد و تحت تأثیر آرمان‌ها و ادراکات عام قرار می‌گیرد و با این‌که نمی‌تواند به طور مکانیکی دیده شود، مفهومی فرهنگی دارد. او این نوع کنش انسانی را داوطلبانه، بر مبنای نیات درونی و غیر اجباری می‌داند؛بنابراین، «پارسونز معتقد است که نظام فرهنگی به مردم اجازه می‌دهد که با یکدیگر رابطه برقرار نمایند و کنش‌های خود را هماهنگ کنند. "طبق نظر پارسونز توافق بر سر ارزش‌های مشترک در قلب نظام اجتماعی قرار دارد و موجب وحدت می‌شود. همچنان‌که در اندیشه‌ی او، ارزش‌ها و هنجارها بیش از احکام سرکوب‌گرانه برای حفظ نظم اجتماعی مفید است. این نگرش پارسونزی، مزیت ممتازی را برای فرهنگ قائل است» (اسمیت ۱۳۸۷، ۵۲-۵۳).

بخش سوم

الف: یافته‌های پژوهش

در این بخش، پژوهش‌گر به مهم‌ترین فعالیت‌ها و نقش‌های که علی‌شیر نوایی در راستای توسعه‌ی فرهنگ و هنر در عصر خودش انجام داده است، می‌پردازد. مطالعات و بررسی اسناد علمی_تاریخی نشان می‌دهد که نوایی در حوزه‌های مختلف فرهنگ و ادبیات گام‌های استواری گذاشته است. احیا و توسعه‌ی مراکز آموزشی، پشتیبانی و حمایت از فرهنگیان و ادبا، تأکید و توسعه‌ی معماری چینی و بازسازی بناهای تاریخی و مذهبی، ایجاد کتابخانه، تألیف آثار ادبی به زبان‌های ترکی و فارسی، حمایت از هنر و ادبیات، اعتباربخشی به زبان ترکی جغتایی، و... از مهم‌ترین دست‌آوردهای نوایی در عرصه‌ی فرهنگ و هنر به‌شمار می‌رود که در زیر به برخی از آن‌ها، به اختصار اشاره می‌شود.

۱. احیا و توسعه‌ی مراکز آموزشی

یکی از بزرگترین کارکردهای فرهنگیعلی‌شیر، احیا و توسعه‌ی مراکز آموزشی و فرهنگی بوده است. او طی مدت امارتش، همچنان‌که به سیاست مشغول بود، به تأسیس و توسعه‌ی نهادهای فرهنگی نیز همت گماشت و بخشی بزرگی از ثروتش را صرف بناهای مقدس و ایجاد مدارس کرد. "مدرسه‌ی اخلاصیه و خانقاه اخلاصیه، وابسته به آن که در سال ۸۸٦ ق کامل شدند، از مهم‌ترین مراکز آموزشی هرات بودند. هفت مدرس در اخلاصیه حضورداشتند که قابل قیاس با هشت نفر در مدرسه‌ی حسین بایقرا، چهار نفر در مدرسه‌ی شاهرخ و چهار نفر در مدرسه‌ی گوهرشاد است. این سه مجموعه‌ی آموزشی در حومه‌ی شمالی هرات، همگی در دوره‌ی تیموریان ساخته شدند و به‌گونه‌ای وقف شده بودند که نشان‌دهنده‌ی تمایل تیموریان به آموزش و هنر و نشانه‌ی نقش محوری وقف در نظام حمایتی عصر تیموری است" (علی‌خانی ۱۳۹٦، ۷۷).

وی زمینه‌های آموزش تفسیر، زبان، فلسفه و اخلاق در مدرسه فراهم کرده بود، طوری‌که "در خانقاه مدرسه‌ی اخلاصیه‌ی هرات از میرخواند پذیرائی کرد و مؤلف مزبور تمام مدارک لازم را جهت تألیفاتتاریخی خود در آنجا به‌دست آورد. در مدارس دوشادوش قرآن و تفاسیر متنوع آن و حدیث‌های مربوط به پیغمبر، زبان عرب، فقه، فلسفه و اخلاق نیز تدریس می‌شد»(بوآ، ۱٦۸- ۱٦۹). سلطان حسین بایقرا در دفاعیه‌اش این واقعیت را مطرح می‌کند، که در دوران سلطنت وی همه وقفیاتی که در دوران حاکمان پیشین در حال نابودی بوده اند، دوباره احیا شدند؛ در هرات صد مرکز آموزشی و حوزه‌ی درست وجود داشت که همه با درامد اوقاف اداره می‌شدند (علی‌خانی ۱۳۹٦، ۷۷).

نویسنده‌ی کتاب «وزیر معروف افغانستان در قرن نهم هجری» می‌نویسد که علی‌شیر نوایی‌در تمام

طول و عرض مملکت، امر تعلیم و تدریس را به نهایت وجه نیکو و اسلوب پسندیده، انجام می‌داد. مشهورترین مکاتب نواییقرار آتی است:

- مدرسه‌ی اخلاصیه واقع به نهر انجیل؛
- خانقاه اخلاصیه؛
- شفائیه، غالباً در این مدرسه طب و حکمت تعلیم می‌شد؛
- نظامیه‌ی هرات؛
- خسرویه مرو؛
- بر علاوه در آن‌عهد، مدارس با خانقاه‌ها یک‌جا پیوست و ملحق بود، لهذا در فهرست مدارس، خانقاه‌های مذکور در سابق نیز شامل است (عبدالله ۱۳۴۶، ۲۹-۳۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد کهعلی‌شیر،نهاد فرهنگ و متولیان فرهنگی را ارج می‌گذاشته و در تعالی اخلاقیات و ثبات فکری آنان بسیار تأکید داشته است، چنانچه به این باور بود که"مدیر مکتب مردی ثابت قدم و فعال و درست‌کار و در مقابل تکالیف خود حساس بوده، قدرت و وسایل برطرف کردن عادات بد را داشته باشد. علی‌شیر... آینده‌ی اجتماع را بسته به تربیت اطفال می‌دید و در نتیجه می گفت: اگر معلم از شاگردان خود راضی باشد، خدا نیز از آنان خشنود خواهد بود (بوآ، ۱۶۹).

عمق توجه وی به ارزش‌های فرهنگی باعث شد که از بهر اشاعت علم، طلبه را وظایف و مدرسین را معاش گزافی احسان کند. "هزاران نفر از این مدارس تحصیل علوم نموده، عالم و فاضل برآمدند و در اطراف و اکناف مملکت به‌وسیله‌ی رسوخ و نفوذ شخصی خود، علم و فن را رواج دادند؛ از جمله این محصلین صدها نفر به‌رتبه‌ی تألیف و تصنیف رسیده، کتب مبسوط و متعددی در علوم و فنون مختلفه، تدوین و تصنیف نمودند و تمام این کتب به‌نام نامی علی‌شیر منسوب است (عبدالله ۱۳۴۶، ۳۰).

۲. پشتیبانی از فرهنگیان و ادبا

مهم‌نرین نقش فرهنگیعلی‌شیر را باید در حمایت او از فرهنگیان و ادبا دانست. نوایی در کنار این‌که خود شیفته‌ی شعر و ادبیات و موسیقی بود، در بعدهای مادی و معنوی جریان‌های فرهنگی-هنری را حمایت می‌کرد، تا توسعه یابند.بناً می‌توان گفت که یکی از باعظمت‌ترین دست‌آورد نوایی در طول حکومت سی ساله‌اش، پی‌ریزی جریان عظیم فرهنگی و هنریدر هرات بود.

وی «با ایجاد حلقه‌ی از علما و هنرمندان در دربار هرات این شهر را به مرکز فرهنگی آن روزگار تبدیل نمود و به‌شیوه‌های مختلفی بر این جریان اثر گذاشت، «از جلمه ساخت ابنیه و آثار با اهداف فرهنگی و علمی که شامل نهادهای آموزشی از جمله مدرسه، مسجد و خانقاه می‌باشد؛ تألیفات کتب به

زبان‌های ترکی و فارسی هم‌چنین حمایت‌های مادی و معنوی از علما و هنرمندان. ایشان با فراهم آوردن امکانات رفاهی و آموزشی، دربار را به دارالصنایع بزرگی تبدیل کرده بود، تا صاحبان هنر و اندیشه به دور از دغدغه‌ی معاش به کار تولید علم و هنر بپردازند (محمدی و حسینی، ۲۷).سلسله و حلقه‌ی علمی که نوایی به‌دور خود تشکیل داده بود، عبارت بوده از؛ ادبا، مؤرخین، مفسرین، انشأپردازان، شعرا، معمائی‌ها، خطاطان، مصورین کتاب، ماهرین فن تعمیر، ریاضی‌دانان، سیاق‌نویسان، شطرنج‌بازان، موسیقی‌دانان، پهلوانان، زرگران، کاسه‌گرها، کمان‌گرها، خیاطان و روی‌همرفته ماهرین و متخصصین هر صنف و هرنوع در آن شامل بوده و هر صنف مطابق نقطه‌نظر آن عهد راجع به هر فن خاص خود بر سبک و اسلوب علمی کتاب‌هایی تصنیف و تدوین می‌کردند، و شخص نوایی ریاست همگنان را نموده، فریضه‌ی قدردانی و حوصله‌افزایی را چنان‌که باید ایفا می‌نمود (عبدالله ۱۳۴٦، ۲۵-۲٦).

نوایی با حمایتی که از هنرمندان کرد؛ توانست چند رشته از فعالیت‌های هنری بنیان‌گذاری کند و "بعد از مرگش صدها شاگرد او از هزاران کیلومتر ایران، ترکیه، آذربایجان، سوریه، هندوستان و هرات لهجه‌ی ادبی ترکی جغتای و مکتب ادبی را که ایشان بنیان‌گذار آن بوده است را در همه حوزه‌های مربوط به زبان ترکی و ترکان گسترش دادند" (اوغلو ۱۹۸۴، ۲۱۹ به نقل از بابایی ۱۳۹۷، ۱۳۴).

از اشخاص معروف که همواره با نوایی ارتباط محکم داشتند، می‌توان به عبدالرحمان جامی، کمال‌الدین بهزاد و مولانا حسین واعظ کاشفی اشاره کرد. در باره‌ی ارتباط امیر و جامی چنین نگاشته شده است که میان آن دو "قاعده‌ی مودت و ارادت، ارتباط و استحکام مالا کلام وجود داشت. لاجرم آن‌جناب در اکثر تصانیف منظور و منثور خویش مدح و ثنای آن امیر نیکوکیش را بر لوح بیان می‌نگاشت و مصنفات مقرت حضرت سلطانی نیز به تعریف و توصیف آن حاوی کمالات انسانی اشتمال دارد" (میرخواند ۱۳۸۰، ۵۹۴۹).رد و بدل شدن نامه میان امیر و جامی، مدعای بر این حقیقت است که "امیر و جامی مناسبات ادبی هم داشتند. هرکدام قبل از این‌که کتب خود را به رشته‌ی تحریر درآورند، نسخه‌ای از آن را برای نقد و بررسی برای هم می‌فرستادند" (نوایی ۱۳۸۲،۳۸ به کوشش مهدی فراهانی منفرد). به نقل از (محمدی و حسینی، ۲۹) جامی در لیلی و مجنون؛ نواییرا پشتیبان شکسته‌گان و بهترین دوست خود خوانده است... نوایی هم در اکثر آثار خود جامی را استاد عزیز خود قلمداد کرده می‌کند. او بسیاری از آثار خود را به مشورت و مصلحت جامی نوشته، از جمله؛ فرهاد و شیرین، سبعه‌ی سیاره، سد اسکندری، در هرکدام از این‌ها نوایی بخشی یا فصلی را به ستایش جامی اختصاص داده است (حکمت ۱۳٦۳، ۵).

ولی الله کاوسی می‌نویسد: "این سخن هرگز به خطا و اغراق نخواهد بود که اگر در دوره‌ی تیموری از آغاز ظهور تیمور تا پایان سقوط آخرین امیر این خاندان هیچ‌کس به هنر توجهی نمی‌کرد؛و

تنهاعلی‌شیر به حمایت از هنردوستان و هنرمندان بر می‌خاست، بازهم کفایت می‌کرد که این دوره را از درخشان‌ترین مقاطع تاریخ هنر بدانیم (کاوسی، ۲٦).

خلاصه این که پژوهش‌گران، توسعه‌ی جریان‌های فرهنگی در عصر علی‌شیر را، نتیجه‌یآزادی نسبی می‌دانند که در این دوره به‌دست آمده بود؛ هنر راه تکامل و ترقی‌اش را پیمود و در علم موسیقی، ادوار، تذهیب، نقاشی، خوش‌نویسی، معماری و ادبیات آثار گران‌بها پدید آمد. این حمایت‌ها را می‌توان احیای روشن‌گری و شکل‌گیری جریان روشن‌فکری در جغرافیای عصر تیموریان عنوان کرد.

۳. معماری و بازسازی اماکن فرهنگی و تاریخی

اسناد و منابع تاریخی نشان می‌دهد که از مهم‌ترین دست‌آوردهای دیگر فرهنگیعلی‌شیر، بازسازی و نوسازی اماکن فرهنگی و تاریخی در هرات و شهرهای هم‌جوار آن بوده است. بسیاری از پژوهش‌گران، وی را حامی یکه‌تاز هنرهای تجسمی، مرمت‌سازی، کاشی‌کاری و هنرهای هفت‌گانه عنوان کرده اند. «خواندمیر احداث و تعمیر ده‌ها بنا را بدو منسوب کرده است. بنا به قولی او ۳۷۰ بنای خیر از خود باقی گذاشت... بنایی که نامعلی‌شیر را در مقام حامی معماری در تاریخ ثبت کرد و تا امروز هم‌چنان پابرجاست؛ نه هیچ‌یک از نوسازی‌های پر شمار او، که بازسازی مسجد جامع هرات بود که پیشتر هم بارها مرمت شده بود؛ اما مرمت جانانه این وزیر خردمند تیموری که شکوه آن را تا امروز حفظ کرده است (کاوسی ۱۳۸۹، ۱۲۷).

معماری‌های ق۴سسنتی و با استفاده از تجربه‌های تمدنی چین در سمرقند، بخارا و هرات ناشی از تجربه‌های مهندسان آن‌زمان، هرات را تبدیل به پایتخت فرهنگی در آسیا کرد و تحولی در هنر معماری به‌وجود آورد. معماران و مهندسان برای ساختن کاخ زیبا، چهار باغ وسیع به وسعت ۴۴۰ جریب زمین را در نظر گرفتند و در وسطآن باغ جهان‌آرا را احداث نمودند؛در آن‌زمان، بیش از صد بنای قدیمی و جدید اعمار و بازسازی شدند؛ آثاری مانند: آرام‌گاه سلطان حسین بایقرا، مدرسه، مجتمع اخلاصیه (امور خیریه)، مسجد جامع، خانقاه، دارلحفاظ (جایی برای قرائت قرآن)، دارالشفا و حمام و مرمت مسجد آل کرت هرات و چند کاروانسرا (موگوئی و همکاران ۱۳۹۳، ۱۵۰).وی برای این بناهای خیریه مبلغ پنج میلیون کپک دینار (به ارزش ۲ یا ۳ میلیون پوند یا ۱۰۰۰۰۰۰ پوند استرلینگ کنونی) خرج کرد (ولیدی طوغان، ۴٦).

از معماری‌های دیگر آن دوره، بازسازی مرقد حضرت علی در مزار شریف بود. دربار هرات «معماران را فرمود تا قبه‌ای مرتفع بر سر آن مزار برافراشتند و آن‌را با ایوان‌ها و حجره‌هایی وسعت بخشیدند؛ سپس آن روستا را با بازری مشتمل بر حمام و دکان‌های متعدد از اساس بنیاد کردند. هم‌چنین

یکی از نهرهای بلخ را "نهر شاهی" نام نهادند و وقف آن بقعه کردند. در آخر، سلطان حسین کسی به‌نام سید تاج‌الدین حسن اندخودی را نقیب آن آستانه کرد (کاوسی ۱۳۸۹، ۱۲۳).

بنابراین، معماری در عصر تیموریان؛ به‌خصوص اوج‌گیری آن در زمانه‌ی علی‌شیر، یکی از جلوه‌های توسعه‌ی هنر و فرهنگ به‌شمار می‌رود.

۴. ایجاد کتابخانه

توجه نوایی به کتابت و تجلید، از ویژگی‌های شاخص دیگری است که او را با سایر امیران متمایز ساخته است. حضور نویسندگان و شاعران در کتابخانه‌ی میرزا بایقرا وعلی‌شیر این معنی را می‌رساند که به توسعه‌ی علم و دانش توجه خاص صورت گرفته است. "سلطان حسین میرزا بایقرا، گروهی از خوش‌نویسان که بیشتر آن‌هادست‌پرورده‌ی او و یاعلی‌شیر نوایی بودند، گرد آورده بود و آنان مأموریت داشتند که روز و شب به نگارش و استنساخ نسخه‌های بدیع برای کتابخانه‌ی سلطان، عمر بگذراند. بذل عنایت او به زیبایی خط، سبب آمد که گروه بی‌شماری از خوشنویسان پیدا آیند و خط فارسی را، چه نستعلیق و چه نسخ، به زیباترین صورت در جلوه آورند.

سلطان حسین بایقرا به سبب علاقه‌ی فراوانی که به کتابت و کتاب و هنر و هنرمند داشت؛ استاد کمال‌الدین بهزاد را به‌عنوان خازن (رئیس) کتابخانه‌ی عظیم خود برگزید، تا گذشته از این‌که در پرداختن و ساختن مجالس نقاشی برای کتاب‌خانه‌ی سلطان مشغول گردد، در کار هنرمندان و مجلدان و مذهبان نیز سرپرستی کند. از این‌روی گاهی تا چهل هزار نفر هنرمند در رشته‌های گوناگون در کارگاه‌های کتاب‌سازی کتابخانه‌ای سلطانی تحت نظارت کمال‌الدین بهزاد به‌کار سرگرم بودند... سلطان حسین با بنیاد کردن این کتابخانه وسیع و با عظمت و مدرسه‌ای که در هرات اساس نهاده بود، توانست نزدیک به ده هزار طالب علم را به هزینه‌ی دربار در آن مدرسه به تحصیل وا دارد و به استفاده از آن کتابخانه ملزم کند (کی‌منش، ۱۶۵).

در کنار آن از کتابخانه‌ی نوایی نیز در آثار تاریخی یادآوری شده است. در کتابخانه‌ی او "گذشته از جمع‌آوری نسخه‌های نایاب، نسخه‌هایی نیز از خطاطان نامداری چون؛سلطان‌علی مشهدی، محمد نور، خواجه عبدالله مروارید و امثال آن‌ها برای کتابخانه‌اش تحریر می‌کردند؛ بنابراین، کتابخانه‌ی نفیس او از کتب گران‌بها فراوان در مخازن خود داشت (همان، ۱۶۵).

۵. اعتبار بخشی فرهنگی به زبان ترکی جغتایی

از فعالیت‌های ماندگارعلی‌شیر، وارد ساختن زبان ترکی جغتایی و اوزبیکی در صف ادبیات و فعالیت‌های فرهنگی محسوب می‌شود. "اگرچه پیش از علی‌شیرنوایی، برخی از ترک‌تباران، به‌زبان

ترکی سروده‌هایی را آغاز کرده بودند؛ اما نواییتوانست قدرتمندانه در این مسیر قدم بردارد و یارای آن یافت که با سرایش و نگارش به زبان ترکی جغتایی و به تعبیر پژوهندگان روس، اوزبیکی قدیم، جایگاه ادبی این زبان را ترقی دهد و به جرگه زبان‌های علمی و ادبی وارد سازد.«در حقیقت ادعایی منصفانه خواهد بود، اگر از او به‌عنوان نخستین ادیب بزرگی که به ترکی نوشته و سروده است، نام برده شود(Gibb1903,10) به نقل از حسنی و لیمائی ۱۳۹۲، ٦۷). در واقع، «نظریه‌ی نوایی در طرح استقلال ترکی جغتایی و توجه به این زبان، توانست زبان ترکی را به‌عنوان یک زبان مستقل درآورد» (علی‌خانی ۱۳۹٦، ۷٦).

علی‌شیر به عنوان یک شاعر و ادیب، آرزو داشت که روح ترک‌های تحصیل‌کرده‌ای را که مرعوب ادب ایرانی شدند و از آن تأثیر پذیرفتند، بیدار کند؛ زبان‌های ترکی را به مقام بلندی برساند و آثار ارزنده‌یی به این زبان پدید آورد که روح ترک‌های روشنفکر را تعالی بخشد (ولیدی طوغان، ۴٦).شاید همین یکی از دلایلی عمده‌ی باشد که به باور ترک‌شناسان، این امیر، در زمره‌ی چهار مدافع بزرگ زبان ترکی؛ یعنی محمود کاشغری، شیخ عاشق پادشاه و قدری برغمودی قرار می‌گیرد. چرا که مورخین فراگیر شدن ترکی‌سرایی را "پس از تألیف کتاب‌های محاکمه‌اللغتین، مجالس‌النفاس و دیوان ترکی خود علی‌شیرنوایی که به تبعیت از امیر خسرو دهلوی آن را به پنج بخش تقسیم کرده بود" عنوان می‌کنند. خمسه‌ای که وی، با عنایت به کار نظامی گنجوی، به زبان ترکی سرود، باعث شد انبوهی از ترکی‌سرایان صاحب دیوان از جمله میرحیدر مجذوب، لطیفی، قطبی، میر علی کابلی، میرحیدر ترکی گوی و... ظهور کنند، تا آنجا که بعدها شاه اسماعیل صفوی نیز به‌ترکی شعر می‌گفت و در این زبان «خطایی» تخلص می‌کرد (علی‌خانی ۱۳۹٦، ۷٦).

چون ترکان به تکاپوهای فرهنگی توجه نشان نمی‌دادند و فقط به جنگ‌آوری و سپاهی‌گری می‌پرداختند، نوایی می‌کوشید تا اندیشه‌های خود را به زبان ترکی و به‌شیوه‌ای هم‌خوان با روح ترکان ارائه کند؛ تا به این طریق "به‌عنوان شاعر و ادیب ترک، روح ترک‌ها... را بیدار کند و ارزش و اهمیت زبان ترکی را که شاید برای آن‌ها بسیار بی‌اهمیت بود، نشان دهد" (تیموری ۱۳۸۹، ۱۰۸). به قول تیموری، به‌راستی که در تمام تاریخ ادبیات عمومی ترکی از نظر گستره‌ی تأثیر ادبی و کثرت آثار و احاط بر علوم عصر، نمی‌توان نظیر برایعلی‌شیرنوای یافت.

تأثیر و شهرت نوایی بعد از دوره‌ی او بیشتر گسترش یافت. او «با تلاش آگاهانه و برنامه‌ریزی شده، ترکی جغتایی را...به‌صورت زبان فرهنگی درآورده است. در دوره‌ی نوایی بذرهای مقاومی که به دنیای ترک افشانده شده بودند، از قرن ۱٦ در همه‌جا نتایج پرثمری داده است. بزرگ‌ترین کاری که نوایی در

سایه‌ی شهرت زوال‌ناپذیر و فراگیرش... موفق به انجام آن شده است، بخشیدن اعتبار معنوی به ترکی جغتای، نه تنها در میان تیموری‌ها و جغتایی‌ها؛ بلکه از کاشغر به قازان، از کریمه تا تبریز و استانبول و در همه‌ی محیط‌های ادبی ترک بوده است (کؤپرولو ۱۹۴۵، ۳۰۱، به نقل از بابایی ۱۳۹۷، ۱۳۳).

فعالیت‌های فرهنگی او باعث شد که "قرن ۱۶ زبان نوایی یعنی ترکی جغتای در خراسان، ماورالنهر، کاخ‌های‌ترک واقع در هندوستان، خوارزم، قازان، کریمه و حتی در ایران، نه‌تنها در بین جغتایی‌ها؛ بلکه در میان ترکمن‌ها به‌صورت زبان فرهنگی غنی تلقی شود (کؤپرولو ۱۹۴۵، ۳۰۱، به نقل از بابایی ۱۳۹۷، ۱۳۳). اما او در این میان، همان‌گونه زبان ترکی را پیش‌تاز ساخت در زبان فارسی نیز اثرهای تولید کرد. او یک از طرف تحصیلکرده‌های ترک را بیدار کرد و از سوی هم رابطه‌ی میان زبان ترکی و فارسی ایجاد کرد.

۶. روحیه‌ی ملی و فرهنگی در آثار نوایی

علی‌شیر مؤلف آثار منظوم و منثور بسیاری است. آثار منظوم‌اش از یکصد مصراع زیادتر است. آثار منثورش نیز عبارت از چندین مجلد قطور می‌باشد که یک‌جا میراث ادبی جاویدان وی را تشکیل می‌دهند (بیگدلی ۱۳۴۶، ۱۳۷).مهم‌ترین اثر علی‌شیر نوایی دیوان وی است که متأثر از خمسه‌ی نظامی به زبان ترکی نوشته شده است. نسخه‌های بسیاری از آثار او کتابت شده است که از آن میان می‌توان به نسخه‌های مصوری که در مراکز مهمی چون موزه/موزیم متروپولتین، نیویورک/نیویارک (Metropolitan Museum of Arts)، کتابخانه‌ی بادلین (Bodleian Library) آکسفورد و کتابخانه‌ی جان رایلندز (John Rylands) پراکنده است، اشاره کرد؛ اما مهم‌ترین نسخه‌ای که در این مجموعه‌ها به‌چشم می‌خورد، نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی فرانسه (BiblithequeNationale de France)، می‌باشد.

تازگی آثار علی‌شیر از خمسه و دیوان او آشکار می‌شود. ... علی‌شیر در نگارش این اثر، برنامه‌ی منطبق با مقاصد ملی طرح کرد و تا پایان آن، بدان برنامه پابند بود. علی‌شیر برخلاف نظامی، امیر خسرو دهلوی و جامی، در این داستان‌ها به مسائل فرعی اهمیت نداد و برخی از سنت‌های مشهور را مختصر کرد و البته گاه به تفصیل گرایید؛ او کوشیده است تا اهمیت موضوعات چون اسکندر و بهرام گور را به روشی زیبا و تازه بیان کند، احساس‌های لطیف روحی را به خوبی نشان دهد، اندیشه‌های والای خود را در برابر فرهیخته‌گان و سلاطین و امیران ترک، به زبان ترکی و به شیوه‌ای منطبق با روح ترک عرضه کند و این چنین پیام خود را درباره‌ی یک حکومت نمونه به مردم برساند (ولیدی طوغان، ۴۸).

علی‌شیر در باب اشعار فارسی و ترکی خود قطعه‌ای دارد که در آن زبان ترکی خود را ستوده؛ اما

آن‌را در مقایسه با زبان فارسی به قند در مقابل طلا تشبیه کرده است و ارج و منزلت زبان فارسی را بیشتر دانسته است:

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بیحد است/ فارسی هم لعل و دُرهای ثمین گر بنگری

گوییا در راست بازار سخن بگشاده ام/ یک طرف دکان قنادی و یک سو زرگری زین دکان‌ها هر گدا کالا کجا خواهد خرید/ زانکه باشد اغنیا این نقدها را مشتری (جهانشاهی افشار و رحیمی صادق ۱۳۹۳، ۱۱۴).

علی‌شیر در اثر معروفش شیرین و فرهاد، به فرهاد منحیث یک قهرمان با رشادت و میهن‌پرست نگاه می‌کند. او در این اثر، ضمن این‌که فرهاد را یک شهزاده‌ی چینی می‌داند؛ اما ویژگی‌های فرهنگی را تجسم که شایسته‌ی یک فرد نجیب است. همین امر، نوایی را با نویسندگان دیگر متمایز می‌سازد. درواقع "فرهاد نوائی با فرهاد اسلاف وی... از لحظا منشأ، شخصیت، سجیه و سرنوشت کاملا متفاوت و متغایر است. فرهاد نوائی یک فرد زحمت‌کش ساده، یک سنگ‌تراش عادی و یا صنعت‌گر معمولی نبوده؛ بلکه پهلوانی و رشادت را، یک رمز و مظهر میهن‌پرستی ابنای وطنش تمثیل و تصویر می‌نماید. ضمن آنکه او را فرزند خاقان و شهزاده‌ی چین می‌داند، در چهره‌ی وی تمام آمال و آرزوهای شخصی خود و خواست و تمناهای مردم وطن‌اش را جلوه‌گر ساخته؛ در زندگی و فعالیت این چهره، احتیاجات و ضروریات مردم کشورش را تجسم و تصویر می‌نماید (بیگدلی ۱۳۴۶، ۱۴۰).

وجه تمایز اساسی داستان نوائی در این است که روح، مضمون و مندرجه اثر تماماً روی عادات و مراسم، طرز زندگی، اخلاق و روحیات، طرز تفکر، تمناها و آرزوها و احتیاجات آنروزی مردم ترکستان و آسیای میانه به‌نظم کشیده شده و دارای کالریت ملی است (بیگدلی ۱۳۴۶، ۱۴۱).

بنابراین دیده می‌شود که نوایی در مقام یک سیاست‌گر فرهنگ‌محور، دیدگاه‌های ارزشی و انسانی‌اش را در آثار ادبی‌اش با قالب‌های مختلف بیان کرده است. او در اثرش، شیرین و فرهاد از صفای باطن، پاکی ضمیر و معنویات عالی فرهاد سخن می‌گوید و می‌خواهد این ایده را مطرح کند که یک شاه‌زاده و یا یک دولتمرد در کنار کار سیاسی باید دارای صداقت، عفت، علم، هنر و صنعت باشد.

ب: تحلیل یافته‌های پژوهش

در این قسمت محقق به تحلیل و بررسی یافته‌های پژوهش مبتنی بر کارنامه‌های فرهنگی علی‌شیر نوایی و نقش او در توسعه‌ی جریان فرهنگی آخرین دوره‌ی تیموریان از منظر نظریه‌ی فرهنگی پرداخته است. نگاه فرهنگی علی‌شیر نوایی به حکومت، خدمات فرهنگی و برخورد او با مردم تحت سلطه‌اش نشان می‌دهد که نوایی مردی بوده است بزرگ و در واقع با کارکردهای بنیادی‌اش زمینه‌های

تکثرگرایی فرهنگی، ارتباطات میان‌فرهنگی، هم‌بستگی اجتماعی میان ترک‌ها و فارسی‌زبانان و احیای روشن‌فکری را فراهم ساخته است که در زیر، برخی از جلوه‌های مهم آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. کثرت گرایی فرهنگی

در تحلیل این پژوهش می‌توان گفت که علی‌شیر نوایی، یک سیاست‌گر فرهنگی و تکثرگرا بوده است. برخی از مؤرخان نیز به این مسأله به روشنی تأکید کرده اند. بابایی می‌نویسد:"به عقیده‌ی ما نوایی یک ادیب و محقق تنوع و تکثراگرا بوده و اهمیت تنوع و کثرت در یک جامعه را به‌خوبی می‌دانسته است" (بابایی ۱۳۹۷، ۱۴۲). در زمان او که زبان فارسی دارای جای‌گاه بلند فرهنگی در دربار و جامعه بوده، زبان ترکی نیز به اهمیت و قدرت فرهنگی و ادبی دست یافته است. در واقع با حضور علی‌شیر نوایی بخشی بزرگی از مردم تحت نظر تیموریان که ترک‌ها/اوزبیک‌ها بودند، هویت زبانی_فرهنگی‌شان را باز یافتند و از این طریق جای‌گاه فرهنگی خاصی در جامعه پیدا کردند. او هم‌چنان که به تقویت زبان ترکی به‌لحاظ ادبی، سیاسی و فرهنگی کوشیده، به‌همان میزان در زبان فارسی آثار وزین تهیه کرده است. برایند این کارکرد فرهنگی، ما را به نظریه‌ی فرهنگی امیل دورکیم نزدیک می‌سازد. دورکیم، به این اعتقاد بود که فرهنگ باید ثبات و تعامل اجتماعی را درپی داشته باشد و اختلاف، کشمکش اجتماعی و فرهنگی را نمی‌توان به‌عهده‌ی کار فرهنگی گذاشت. دیده می‌شود که نوایی با خلق آثار ادبی به هر دو زبان، ضمن نگاه کثرت‌گرایانه، پیوندی میان دو هویت فرهنگی شد. به این لحاظ، علی‌شیر نوایی را یک کثرتگ‌رای فرهنگی می‌توان عنوان کرد و در حقیقت، کثرت‌گرایی فرهنگی امیر علی‌شیر فهم ما را نسبت به دیدگاه تساهل‌گرایانه‌ای او نزدیک می‌سازد. او با این برخوردش باعث توسعه‌ی زبان‌های فارسی و ایجاد ارتباط فرهنگی میان دو ملت با دو زبان متفاوت در جامعه شد.

۲. ایجاد همبستگی اجتماعی_فرهنگی

همچنان‌که امیل دورکیم فرهنگ را عامل هم‌بستگی اجتماعی می‌داند و نقش پررنگی را برای فرهنگ در جهت ایجاد تعامل اجتماعی قائل است، کارکردهای فرهنگی علی‌شیر نوایی، نوعی هم‌بستگی میان اقشار و طبقات مختلف، از منظرهای اجتماعی و فرهنگی در آن‌زمان ایجاد کرد. این هم‌بستگی از یک عنصر اساسی ریشه می‌گرفت و آن مدارا و تساهل فرهنگی بود که اندیشه‌ی علی‌شیر نوایی جریان داشت. نوایی با بسترسازی برای نشر کتب، فعالیت‌های ادبی و هنری در میان دو زبان مختلف فارسی و ترکی، نوع همدلی میان جامعه را ایجاد کرد. در واقع ایجاد این همدلی از یک‌سو، به مدارای فرهنگی نوایبر می‌گشت و از سوی به شکل‌گیری پیوسته‌گی اجتماعی به جامعه منجر می‌شد.

۳. نگاه فرهنگی به سیاست

اهمیت‌گذاری و ارائه‌ی نقش پر رنگ برای فرهنگی‌ها و ادبا در کانون سیاست علی‌شیر نوایی، نشان‌گر این بوده است که به امر سیاسی، نگاه انسانی و فرهنگ‌محور داشته است. دید فرهنگی نوایی به سیاست از سخنان او در آثار و ارتباط تنگاتنگ او با ادبا سرچشمه می‌گیرد. نوایی در آثارش از قهرمان‌های سخن می‌زند که در کنار میهن‌پرستی، مردم‌جویی و کار، باید دارای عفت، اخلاق، طینت پاک و سرشت انسانی باشد. به بیان دیگر، نوایی به این عقیده بود که سیاست‌مدار باید از خصلت‌های فرهنگی و انسانی‌اش فاصله نگیرد و به‌جای فریب و ریا، راه درستی و نیکوکاری را در پیش گیرد. به این ترتیب، نوایی را می‌توان یک سیاست‌مدار فرهنگ‌گرا و یا یک ادیب‌سیاسی عنوان کرد. این نگاه فرهنگی را در چارچوب نظریه‌ی فرهنگی ماکس وبر نیز می‌توان تحلیل کرد... وبر برای عملکردهای انسانی، دو نوع الگوی متعارض را در نظر می‌گرفت؛ یکی کنشی مبتنی بر ارزش که محرک آن باورها، فرهنگ و اهداف انسانی بود و دیگری کنش مبتنی بر هدف و یا سود. نگاه فرهنگی امیر به سیاست و جولان او در امور دولتی از نظر فرهنگی، نشان‌گر این است که کنش‌های وی مبتنی بر ارزش‌ها و نیات انسانی شکل گرفته بوده است.

۴. احیای روشنفکری

علی‌شیر با ایجاد کتابخانه و هم‌چنین حمایت مادی و معنوی از فرهنگی‌ها، جریان‌های فرهنگی و روشنفکری عصرش را احیا کرد. در زمان او، بزرگترین نویسندگان و ادبا مورد حمایت دربار قرار داشت و خود نیز ارتباط عمیقی با برخی از شعرا برقرار کرده بود. با صدارت علی‌شیر، آثار ادبی زیادی چاپ و نشر شد و از طریق مدرسه‌ها و مراکز آموزشی، ده‌ها هزار دانش‌آموز در بخش‌های مختلف باسواد شدند و دانایی در مناطق تحت سیطره‌ای او رو به گستردگی رفت. به این لحاظ، نقش نواییرا در توسعه‌ی جریان روشن‌فکری عصر تیموریان می‌توان بارز عنوان کرد.

۵. ارتباطات میان فرهنگی؛ نقطه‌ی وصل زبان ترکی و فارسی

از منظر علوم ارتباطات، کارکردهای زبانی و ادبیعلی‌شیر و نقش او در این عرصه را می‌توان عامل اصلی شکل‌گیری ارتباطات میان فرهنگی ترکان و فارسی‌زبانان دانست.علی‌شیر در واقع، میان دو هویت و زبان، روابط فرهنگی برقرار کرد. در دنیای معاصر، ارتباطات میان‌فرهنگی یکی از ضرورت‌های جدی جامعه‌ی بشری برای انتقال و اشتراک ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جوامع میان یکدیگر به‌شمار می‌رود.

نوایی با تبدیل شدن نقطه‌ی وصل میان زبان فارسی و ترکی، باعث انتقال تجربه‌های فرهنگی و

انسانی میان دو هویت در جامعه شد. او باعث شد که آگاهی‌های فرهنگی دو ملت توسعه یابد و دو ملت در کنار هم به شکوفایی فرهنگی برسد. به این لحاظ، آثار و کارکردهای فرهنگی نوایی را میان عامل توسعه‌ی ارتباطات میان فرهنگی در جغرافیای تحت تسلط آن زمان تیموریان دانست.

نمودار نقش علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی جریان فرهنگی-هنری عصر تیموریان

جمع‌بندی

این پژوهش به‌منظور مطالعه‌ی زمانه‌ی علی‌شیر نوایی و نقش او در توسعه‌ی جریان فرهنگی عصر تیموریان با رویکرد مطالعات فرهنگی انجام شد. پژوهش‌ها و منابع تاریخی نشان می‌دهد کهعلی‌شیر نوایی، یکی از وزرای نامی، فرهنگی و تأثیرگذار عصر سلسله‌ی تیموری بوده است. او که به زبان‌های ترکی و فارسی، آثار بسیار به‌چاپ و نشر رسانده است، با شعرا، ادبا، موسیقی‌دانان و فرهنگی‌ها ارتباط نیکو و گرمی داشته است. در زمان حاکمیت او، فعالیت‌های و دست‌آوردهای فرهنگی بسیاری در

هرات، سمرقند، نیشاپور و... صورت گرفت.در آن زمان هرات«یک شهر فرهنگی در آسیا محسوب می‌شد؛ شاهان و شاه‌زادگان و دربارین از پشتیبانان پر شور ادبیات، شعر، نگارگری، خطاطی، هنر تجلید، صفحه‌آرایی بودند. آنها شماری زیادی از علما و دانشمندان را در دربار خود گرد آوردند و پایتخت خود را با عبارات دلنشین و آثار سترگ آذین بستند (موگوئی و همکاران ۱۳۹۳، ۱۵۱). بنابراین سراسر قرن نهم هجری به عصر طلایی ادبیات، هنر و دانش پژوهی معروف است، که در این میان تلاش دربار حسین بایقرا... کمتر از شاهرخ نبود (براون، ۱۶).

این پژوهش ضمن اشاره به ابعاد زندگی فرهنگی و فردی علی‌شیر نوایی، در صدد پاسخگویی به این سوال بود که نقش علی‌شیر نوایی را در توسعه‌ی و تدوین فرهنگ و ادبیات در عصر تیموریان چگونه می‌توان ارزیابی کرد. پژوهش‌گر در قدم نخست دوران کودکی نوایی را بررسی کرد و سپس به چگونگی رسیدن وی به منزلت مهرداری و امارت از منظر تاریخی پرداخته و هم‌چنان به زندگانی و شخصیت میرزا سلطان حسین بایقرا اشاره کرده است. در مورد پادشاهان نیز در این پژوهش سخن‌ها رفته و در حد خلاصه همین حد کافی است که «پادشاهان تیموری بزرگترین مدارس، گنبدها، خانقاه‌ها، مساجد، دارالسیاده و دارالشفاه و کتابخانه‌ها را در این شهر به وجود آوردند. این کانون عظیم هنری در تاریخ فرهنگ و هنر و تمدن ایران به نام مکتب هرات خوانده شده است (به نقل از موگوئی ۱۳۹۳، ۱۵۱).

نظریه‌ی فرهنگی براساس دیدگاه‌های امیل دورکیم، گیدنز، کارل مارکس، زیمل و پارسونز به‌عنوان چارچوب تئوریک این مقاله در نظر گرفته شد و پژوهشگر تلاش کرد که یافته‌های تحقیق را با تأکید بر نظریه‌ی فرهنگی تحلیل نماید. در یافته‌های پژوهش، به بزرگترین دستاوردها و کارکردهای فرهنگی علی‌شیر نوایی اشاره شده است؛ از آن‌جمله به ساخت‌وساز مدارس و نهادهای آموزشی، معماری و نوسازی به سبک چینی و سنتی، حمایت از فرهنگیان و ادبا، ایجاد کتابخانه و رونق کتابت و... به‌گونه‌ی تفصیلی اشاره تأکید صورت گرفت.

محقق با توجه به نظریه‌ی فرهنگی، کارکردهای فوق را به تحلیل گرفت. تحلیل پژوهش نشان داد که علی‌شیر نوایی مردی خردمندی بوده است که در راستای توسعه‌ی فرهنگی عصر تیموریان در هرات، سمرقند، بلخ، مشهد، نیشاپور و... فعالیت‌های شایانی از خود به‌جا گذاشته است. این فعالیت‌ها در چارچوب نظریه‌ی فرهنگی کلاسیک، ما را به چند محور اصلی نزدیک ساخت. در این پژوهش، مهم‌ترین کارکرد امیر در راستای توسعه‌ی فرهنگ در این تحقیق به کثرت‌گرایی فرهنگی علی‌شیر نوایی پیوند خورد. تحقیق نشان داد که نوایی با توسعه و تبدیل زبان ترکی از گفتار به مرحله‌ی نوشتار و

ایجاد پیوند میان دو هویت فرهنگی-زبانی، نقش کثرت‌گرایانه و تساهل‌گرایانه‌ی والایی را بازی کرده است. نتایج پژوهش، این نقش را ناشی از مدارای نوایی در عرصه‌ی فرهنگی دانسته است.

در این پژوهش، دومین عنصر در توسعه‌ی فرهنگ و هنر در عصر علی‌شیر نوایی، شکل‌گیری هم‌بستگی اجتماعی میان ملت‌ها و هویت‌های مختلف عنوان شد. تحقیق نشان داد که نواییبا اینکه زبان ترکی را توسعه بخشید و به زبان رسمی مبدل کرد، به‌همان میزان به ادبیات فارسی نیز توجه کرد و از فرهنگی‌ها در این عرصه حمایت نمود. این حمایت دوجانبه باعث شکل‌گیری پیوندهای عمیق‌تر میان فارسی‌زبانان و ترکان شد.

نگاهی فرهنگی نوایی به امور سیاسی، سومین مؤلفه در راستای توسعه‌ی جریان فرهنگی-هنری عصر تیموریان شناخته شد. این پژوهش نشان داد که امیر فرهنگ، اصالت، اخلاق و شرافت را از جلمه ویژگی‌های ضروری حاکمان دانسته و در آثارش، نظیر شیرین و فرهاد بر قهرمان‌ها و شاهزاده‌هایی اشاره کرده است که این آرزوها را در وجودش نهفته دارند. نوایی با اشاره به موارد فوق و هم‌چنین با حمایت جدی از فرهنگی نشان داد که او بر فرهنگ سیاسی توجه جدی داشته و نگاهی فرهنگی به امور سیاسی نیز داشته است.

عنصر ممتاز دیگر در کارکرد نوایی برای توسعه‌ی جریان فرهنگی-هنری آن‌زمان، به‌نقش ارتباطی از منظر فرهنگی میان هویت‌های مختلف بر می‌گردد. نوایی با خلق آثار به‌زبان‌های ترکی و فارسی، یک فرهنگ مشترک را میان هویت‌های متفاوت جست‌وجو می‌کرد و در واقع در صدد ایجاد رابطه‌ی فرهنگی میان گرایش‌های متفاوت بوده است. او با تولید و حمایت آثار ادبی، توانست پلی میان فرهنگ‌ها و زبان‌ها باشد؛ تا روشن‌فکران ترکی بیدار شوند و از سویی هم، زبان فارسی هم‌چنان موقعیت فرهنگی و سیاشی اش را حفظ کند.

نتیجه‌گیری

پژوهشگر در این تحقیق چنین نتیجه می‌گیرد که علی‌شیر نوایی، از سیاست‌مداران فرهنگ‌محور در تاریخ این سرزمین بوده است. اکنون که هم‌بستگی جدی فرهنگی میان اوزبیکان/ترکان و فارسی‌زبان در افغانستان است؛ یکی از پیامدهای مثبت فعالیت‌های فرهنگی علی‌شیر نوایی به‌شمار می‌رود. او از جمله دولت‌مردانی بوده است که تا آخر عمر سیاسی‌اش، رابطه‌اش با فرهنگیان و ادبا را قطع نکرد و بر نوسازی و بازسازی آثار فرهنگی و تاریخی همت گذاشت. به باور پژوهش‌گر، نقش که علی‌شیر نوایی در ایجاد ارتباط میان زبان‌های فارسی و ترکی داشت، او را می‌توان یک دولت‌مرد کثرت‌گرای عنوان کرد که در هم‌بستگی و همدلی مردمان تحت تسلط‌اش نقش ارزنده‌ای بازی کرده است. علی‌شیر

نوایی هیچ‌گاه سیاست را به‌مفهوم فریب افکار عمومی نپنداشته، بلکه صداقت، شرافت و عدالت را از ویژگی‌های راستین یک سیاست‌مدار عنوان کرده است. او هم‌چنین نمونه‌ی تمام عیار از عنصر اصلی ارتباطات میان فرهنگی و تشریک هنجارها میان هویت‌های مختلف زبانی در آن عصر بوده است. بنابراین می‌توان گفت که برخورد، جای‌گاه و میراث نوایی برای دولت‌مردان ما از الگوهای بسیار معتبر و قابل قبول در راستای فرهنگی شدن افغانستان به‌شمار می‌رود. در حال حاضر که کار فرهنگی کمتری در این سرزمین صورت گرفته است؛ دولت‌مردان و فرهنگی‌های این سرزمین باید از میراث فرهنگی علی‌شیر نوایی الگوبرداری کنند و در استراتیژی‌های فرهنگی‌شان از آن میراث استفاده نمایند. حمایت از هنجارها و هویت‌های مختلف زبانی و فرهنگی این سرزمین در چارچوب کثرت‌گرایی فرهنگیعلی‌شیر، ما را به تفاهم و همدلی در افغانستان سوق می‌دهد. بزرگان سیاسی و فرهنگی ما در راستای تقویت همدلی و ایجاد ارتباط میان خرده‌هویت‌ها، از کارنامه‌های فرهنگیعلی‌شیر، می‌توانند استفاده‌ی شایانی کنند.

منابع و مأخذ

۱. ادگار، اندرو، ۱۳۸۸، مفاهیم کلیدی در نظریه‌ی فرهنگی. ترجمه علی تقویان، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی؛

۲. اسمیت، فلیپ .۱۳۸۷. درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی. چاپ دوم. ترجمه‌ی حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی؛

۳. بابایی، بهروز بیک، ۱۳۹۷، تأثیر زبان در ارتباطات میان‌فرهنگی با تأکید بر جایگاه فرهنگی علی‌شیر نوایی در ترکی غربی و ملی‌گرایی نوایی: فصلنامه‌ی علوم خبری، (۲۵)؛

۴. بووات، ال، تیموریان، ترجمه‌ی نرگس زارعی: آموزش تاریخ، (۴)؛

۵. بوآ، ل. تمدن تیموریان. ترجمه‌ی باقر امیرخانی: دانشکده‌ی ادبیات تبریز، تابستان، (۱۶)؛

۶. بیگدلی، غلام‌حسین، ۱۳۴۶، فرهاد و شیرین نوائی: دانشکده‌ی ادبیات تبریز، (۱۹)۸۲.)؛

۷. تبریزنیا، مجتبی، ۱۳۷۸، سیمای علی‌شیر نوایی در کتاب مکارم الاخلاق، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛

۸. جهان‌شاهی افشار، علی و خدیجه رحیمی صادق، ۱۳۹۳، عناصر هویت ایرانی در دیوان علی‌شیر نوایی: مجله‌ی مطالعات ایرانی، (۱۳)۲۵)، بهار و تابستان؛

۹. حسنی، عطاالله و امیر نعمتی لیمائی، ۱۳۹۲، شخصیت سیاسی_ادبی امیر علی‌شیرنوایی و اثربخشی مکتب‌سازاو: فصلنامه‌ی مسکویه، (۸)۲۵)؛

۱۰. رفیعی، امیرتیمور، ۱۳۸۹، علی‌شیر نوایی و نقش سیاسی و فرهنگی او در عصر تیموری:

پژوهش‌نامه‌ی تاریخ. سال (۵)۲۰).
۱۱. ریمون، آرون .۱۳۸۷. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی باقر پرهام. چاپ نهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. زمان‌پور، سعیده، ۱۳۹۷، اوضاع اجتماعی تیموریان: فصلنامه‌ی جندی شاپور، (۳)۱۲)؛
۱۳. سمائی دست‌جردی، معصومه و همکاران، ۱۳۹۴، بررسی جای‌گاه اجتماعی هنرمندان و صنعت‌گران در دوره‌ی تیموریان،: فصلنامه‌ی علمی_پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا، (۲۶)۲۹) پیاپی ۱۱؛.
۱۴. صالحی امیری، رضا، ۱۳۸٦، مفاهیم نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس؛
۱۵. عبدالله، سیدمحمد،۱۳۴٦، وزیر معروف افغانستان در قرن نهم هجری، در مجموعه مقالات مشتمل بر شرح زندگانی و آثار عمرانی، مولفات و نمونه نظم و نثر، به کوشش محمدیعقوب واحدی جوزجانی. ترجمه سرور گویا اعتمادی. کابل: انجمن تاریخ؛
۱٦. علی‌خانی، اکرم، ۱۳۹٦، معرفی کتاب علی‌شیرنوایی و روزگار او: رشد آموزش تاریخ،(۱۹)۲)؛
۱۷. کاووسی، ولی الله، ۱۳۸٦،علی‌شیر نوایی در مقام حامی هنر: گل‌ستان هنر (۷)؛
۱۸. کاوسی،ولی الله، ۱۳۸۹، بازسازی آثار معماری در دوره‌ی تیموریان: تاریخ و تمدن اسلامی،(٦)۱۲)؛
۱۹. کاوسی، زمینه‌های توسعه‌ی هنر در دوره‌ی تیموریان: آینه خیال،(۱۲)؛
۲۰. کی‌منش، عباس، کتابخانه‌های ایران در دوران تیموریان، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛
۲۱. گروسه، رنه،۱۳۷۹، امپراطوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی؛
۲۲. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸٦، جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، چاپ نوزدهم، تهران: نشر نی؛
۲۳. محمدی، ذکرالله و سیده مرضیه حسینی، مناسبات امیر علی‌شیرنوایی با سه تن از نخبگان فرهنگی همعصرش، مجله‌ی علمی_تخصصیتاریخ ایران و اسلام؛
۲۴. موگوئی، داریوش و همکاران،۱۳۹۳، فعالیت شهرسازی تیموریان در شهرهای سمرقند و هرات، پژوهش‌نامه تاریخ،(۹)(۳۳).
۲۵. میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود. ۱۳۸۰. روضه الصفا جلد هفتم. تصحیح جمشید کیانفر، چاپ اول، تهران: اساطیر؛
۲٦. مهری، بهار، ۱۳۸٦، مطالعات فرهنگی؛ اصول و مبانی تهران: سمت؛

جایگاه ادبیات و فرهنگ در دوره‌ی علی‌شیر نوایی در هرات

سیدخلیل کوهی

چکیده

سرزمین دانش‌پرور افغانستان کنونی که از گذشته‌های دور به حیث یک کشورعلم پرور ومهد روشنگری محسوب می‌شد، در قرن هفتم هجری به اثر حملات مغل‌ها تخریبشد. دانشمندان این دیار کشته، اسیر ویا آواره‌ی شهر ودیار دیگر شدند. این کشورپس از دو قرن فترت، در قرن نهم هجری با پایه‌گذاری حکومت تیموریانبا مرکزیت هرات دوباره حیات علمی و فرهنگی خویش را توانست تجدید کند.این دوره به کوشش امیران تیموری چون شاهرخ میرزا، بایسُنقُر میرزا، الغ بیک، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا دوره طلایی کشور به‌حسابمی آید.

تیموریان که در خراسان، مهد علم و روشنگری بزرگ‌شده و به اعتلای فرهنگی خو گرفته بودند؛ در زمان حکومت خویش تا سر حد مبالغه به تشویق دانشمندان، علما، ادبا، فرهنگیان و هنرمندان کوشیدند. در این زمان مدارس، مساجد، خانقاه‌ها، اماکن فرهنگی و هنری آباد و مملو از جلسه درس و بحث بودند. امرای تیموری خود نیز چون افراد دانشمندی بودند بر علاوه‌ی تشویق به تولید علم و دانش به دیگران؛خودشان نیز به نوشتن کتاب، مطالعه و خلق آثار می‌پرداختند. شعرا، ادبا، هنرمندان، فرهنگیان و نویسندگان بسیاری دراینددوره به جامعه تقدیم شدند که یکی از این افراد علی‌شیر نوایی بود. علی‌شیر نوایی از نزدیکان سلطان حسین بایقرا و ستاره‌ی فروزانی در علم و ادب محسوب می‌شود.

شاهرخمیرزا و سلطان حسین بایقرا، با تلاش و کوشش توانستند خراسان را که زمانی مرکز علمی و فرهنگی جهان بشری محسوب می‌شد، دوباره به شأن و شکوه گذشته برگرداننده و رنسانس علمی را به وجود آورند که از همه جوانب، از رنسانس اروپایی کمتر نه؛ بلکه بهتر بود. طی مدت یک قرن (قرن نهم) علم‌بردار دانش، ادب و فرهنگ در منطقه و جهان گردید. شاگردان زیادی از اطراف‌واکناف

منطقه به هرات می‌آمدند و به تحصیل علم، هنر، فن و ادب می‌پرداختند.شهر هرات با موقوفات بی‌شمار، مدارس، مساجد و خانقاه‌های فراوان به دانشگاه پیشرفته‌ای شبیه شده بودکه برای کشورهای دیگر بورسیه‌ی تحصیلی اعطا می‌کرد. یازده هزار دانشجو در مراکز علمی هرات به تحصیل دانش روی آورده و مصروف آموختن علم، فرهنگ، هنر و ادبیات بودند. امرای دانشمند تیموری به مدت یک قرن، فصل زرینی را در تاریخ کشور به یادگار گذاشت؛ که حتی تا زمانحال نظیر نداشته است.

واژگان کلیدی: هرات، علی‌شیرنوای، ادبیات، فرهنگ، تیموریان.

بیان مسأله

وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ سمیناری را تحت عنوان علی‌شیر نوایی به مناسبت پنجصدو هشتادمین سال تولد آن دانشمند برجسته‌ی کشور در نظر گرفته وبرای جمع‌آوری آثار و مطالب تحقیقی درباره‌ی علی‌شیر نوایی فراخوان داده است. در این فراخوان از همه نویسندگان و دانشمندان کشور خواسته‌شده است تا دراین برنامه اشتراک و تراوش‌های فکری_قلمی خویش را در سمینار فوق ارایه بدارند. این قلم جهت اشتراک در سمینار متذکره و یادآوری از شخصیت نامدار، عالم، ادیب، سیاستمدار و فرهنگی کشور که حقی بر گردن همه‌ی ما دارد؛ موضوعی را تحت عنوان (جایگاه ادبیات وفرهنگ در دوره علی‌شیرنوایی در هرات) که یکی از عنوان‌های مشخص‌شده در سمینار از طرف کمیسیون برگزاری است، به بررسی گرفته است.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله،کتابخانه‌ای است. دراین روش اولاً به بررسی نظری متن موردنظراز طریق جستجوی مطلب در کتاب‌هاپرداخته‌شده؛ سپس با استفاده از متون مورداستفاده، تحلیل و بررسی می‌شود.

پیشینه‌ی پژوهش

وضعیت ادبی، فرهنگی تیموریان هرات در ضمن سایر مطالب در کتاب‌های زیادی ازجمله تاریخ ادبیات افغانستان و ایران، مخصوصاً تاریخ ادبیات دکتر ذبیح‌الله صفا، کتب تاریخی مرتبط به افغانستان، اخصاکتب تاریخی که عصر تیموریان را به بررسی گرفته وکتاب‌های که شخصیت‌های قرن نهم هجری در افغانستان را موردبررسی قرار داده،درج است. مهم‌ترین و علمی‌ترین اثر دراین بخش کتاب شرح احوال و آثار فارسی علی‌شیر نوایی متخلص به فانی از دکتر صغری بانو شگفته است که به حیث اثر تحقیقی دکتری در دانشگاه تهران به نگارش درآمده است.سمینارها و کنفرانس‌هاییکه در رابطه به شخصیت، آثار و خدماتامرا و دانشمند این دوره برگزارشده است؛مانند سمینار سال ۱۹۲۸ اکادمی علوم

شوروی که برای تجلیل از مقام نوایی بزرگ برگزار شد. همایش دیگری در افغانستان بنام «ده تحقیق بر آثار و احوال علی‌شیر نوایی» از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ، دانشگاه کابل و مجامع علمی افغانستان و کشورهای ذی‌علاقه روی دست گرفته شد. همایش دیگری در سال ۱۳۹۰ تحت نام «یاد علی‌شیر نوایی» از سوی انجمن فرهنگی آیدین افغانستان در شهر انقره ترکیه راه‌اندازی شد. همایش بین‌المللی دیگری تحت عنوان «اندیشه‌ها، آثار و خدمات علی‌شیر نوایی» ازطرف دانشگاه فردوسی مشهد سال ۱۳۹۳ برگزار شد. سیمینار پژوهشی دیگری از طرف دولت افغانستان در ۱۳۹۵ در ارگ کابل برگزار شد. در این سیمینار ها ده‌ها مقاله در رابطه به عصر تیموریان، شخصیت‌ها و خصوصیات آن زمان به نگارش درآمده است..

کاربرد نتایج پژوهش

نتایج این پژوهش می‌تواند وضعیت فرهنگی و ادبی کشور را در دوره‌ی طلایی تاریخ افغانستان تحت حکومت تیموریان هرات و تأثیر آن دوره بر تربیت شعرا، ادبا، فرهنگیان، سیاستمداران و هنرمندان را مورد ارزیابی قرار داده و ارتباط مشترک بین کشورهای منطقه چون افغانستان، اوزبیکستان، ترکیه و ایران را برجسته سازد.

علی‌شیر نوایی

علی‌شیر نوایی فرزند کیچکینه بهادر از ملازمان تیموریان هرات، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا، متولد هشت‌صد و چهل‌وچهار قمری در هرات است. نوایی از چهارسالگی به جلسه درس اشتراک کرد و در ده‌سالگی به سرایش شعر پرداخت. وی زبان‌های عربی، فارسی، پښتو و اوزبیکی که در آن زمان به‌نام ترکی جغتایی مسمی بود، به‌خوبی می‌دانست. در زبان فارسی دیوان شعری که مشتمل بر چهار هزار و هفت‌صد و چهار بیت استسروده و در زبان اوزبیکی بر علاوه دیوان شعر، خمسه‌ی نوایی نیز در دسترس قرار دارد. علی‌شیر نوایی،دانشمند، ادیب، سیاستمدار، پشتی‌بان هنرمندان، سازنده‌ای بناهای خیریه، بزرگ‌مرد و افتخار افغانستان، ایران، پاکستان و آسیای میانه است. وی در مدت حیات خویش، خدمات زیادی برای اعتلای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ادبی و هنری انجام داده است. نوایی پس از شصت‌ودوسال، در سال نه‌صدو شش هجری از جهان فانی رحلت کرد، و حکومت ترقی‌خواه سلطان حسین بایقرا، مردم هرات ودوستان علم و ادب را به سوگنشاند (کارگر، ۱۳۸۳: ۱-۸).

وضعیت ادبیوفرهنگی هرات در دوره‌ی حیات علی‌شیر نوایی

سرزمین خراسان زمانی مشعل‌دار علم و دانش در سطح جهان بود. دانشمندان بسیاری از این خطه به پا خواستند و بیرق دانش را به اهتزاز درآورند. اشخاصی چون ابوعلی سینای بلخی، جلال‌الدین محمد

بلخی، ابوریحان بیرونی، فارابی و... از دامن این سرزمین در خدمت علم، انسانیت و بشریت برآمدند تا راه راست را که همانا ترقی و پیشرفت جوامع بشری است به جهان نشان دهند؛ سرانجام این خطه‌ی باستانی مورد حمله‌ی خانه‌به‌دوشان مغول قرار گرفت.داشته‌های فکری بشری چون تمدن، فرهنگ، ادبیات، هنر و ... این سرزمینبه سان شمعی که در معرض باد قرار گیرد، به نابودی سوق داده شد. هجوم مغول و صاعقه‌ی چنگیز خان در قرن هفتم تمام داروندار علمی، فرهنگی و ادبی خراسان را به کام آتش فروبرد. هرطرف ویرانی، تباهی و بربادی موج می‌زد. مردم خراسان که زمانی در دانش و فرهنگ شهره‌ی آفاقو شهرهای آنمرکز علما و دانشمندان بی‌شمار و بی‌نظیر بود، به ویرانه مبدل شد.دانشمندان، شعرا و فرهنگی‌ها کشته ویا آواره شده بودند، کتاب‌ها طعمه‌ی حریق گردیده و به نابودی سوق داده شدند (غبار، ۱۳۴۶: ۱/ ۱۸۵).پس از مغول‌ها هرچند امرای کرت کوشیدند خراسان و مخصوصاً هرات را به مرکز علمی مبدل سازند.دراین راه از هیچ نوع کوشش،بذل و بخشش دریغ نکردند؛ ولی چون اقتدار کامل نداشتند و از طرف دیگر خرابی‌های مغول بی‌نهایت گسترده بود، فعالیت‌هایشان تأثیر چندانی در بهبود وضعیت علمی، ادبی و فرهنگی نداشت(همان: ۱/ ۲۳۸).

این وضع نکبت‌بار مدت دو قرن _از قرن هفتم الی نهم_ طول کشید ودوره‌ی فترت دو قرنی بهوجود آمد.تا این‌که پس از تیمور، فرزندانشبه حکومت نشستند و بار دیگر به آبیاری درختان پژمرده و پیوند دادن شاخه‌یشکسته‌ی علم، ادب،فرهنگ و هنر پرداختند. پس از تیمور، فرزندش شاهرخ میرزا، هرات را به‌عنوان پایتخت خویش برگزید. درمدت چهل‌ودو سال سلطنت خرابی‌های دوران پدر را آباد و به ترویج علم، دانش،هنرورشد فرهنگی پرداخت. تیموریان هنرآفرین‌ترین امرایی بودند که تا آن روزگار به کشور حکومت کردند،کهسرزمین خراسان بهخود دیده بود. آنان مانند دیگر امرا، شرارت‌پیشه و بیدادگر نبودند؛ بل مردان روشن‌ضمیر، متمدن، دانشمندان واقعی، مشوقان و دوست‌داران هنرمندان، ادیبان، فرهنگیان و دانشمندان بودند. در وقفه میان جنگ‌های تحمیلی خویش به سرایش شعر می‌پرداختند و به نویسندگی، اندیشمندی، هنر و فرهنگ دوستی معروف بودند. هرکسی به‌تناسب قدرت خویش کتابخانه‌های بزرگ ایجاد و از کتابخانه‌های خویش به‌خوبی نگهداری می‌کردند. امرای تیموری اشخاص فاضل، عالم و شاعر بودند و بسیاری از شهزادگان تیموری، اشعار برتر ازشعرهای دیگر شاعران عصر خویش دارند (سایکس، ۱۳۸۲: ۲۶۷).فرزندان تیمور که سال‌های سال در شهرهای ادب‌پرور خراسان همانند هرات، بلخ و دیگر شهرها حکومت داشتند، پس از به‌دست گرفتن زمام امور حکومتی کوشیدند که رشد و اعتلای علمی_ادبی رابه‌عوض جنگ، خونریزی و کشورگشایی در صدر برنامه‌ی کاری خویش قرار دهند و به‌این‌ترتیب توانستند مدنیت، ادب و فرهنگ این کشور را زنده

سازند. حکمرانان اخلاف تیمور، اشخاصی همانند شاهرخ میرزا، بایسنقر الغ‌بیگ، ابوسعید، سلطان حسین بایقرا در خراسان و ظهیرالدین بابر، همایون، جلال‌الدین اکبر، شاه جهان، اورنگزیب در هند به احیای صنایع موردنیاز، شعر، موسیقی، تعمیر، نقاشی، خطاطی و غیره کوشش کردند و گاه‌گاهی دراین راه طریق مبالغه در پیش گرفتند (کهدویی، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

هرچند فرهنگ کشور دراین زمان ازنظر فلسفی جامد بود و به پای دوره‌های قبل از هجوم مغول نمی‌رسید؛ ولی با کوشش تیموریان به‌جایی رسید که مرکز فرهنگی آسیای میانه محسوب می‌شد. علما، شعرا، ادبا، هنرمندان و فرهنگی‌هابر علاوه‌ی افغانستان، از ماوراءالنهر، ایران و هندوستان به هرات جمع شدند و مکتب هرات نمونه‌ای مثال فرهنگی آن‌ها به‌حساب می آمد. مکاتب پیشرفته‌ی پایتخت هرات، با استادان ورزیده، موقوفات زیاد یازده هزار شاگرد را مشغول به تحصیل ساخته بودند(غبار، ۱۳۴۶: ۱/ ۲۷۷). برای دانستن جای‌گاه ادبیات و فرهنگ در عصر علی‌شیر نوایی _که در زمان سلطنت شاهرخ به دنیا آمد و در عصر حکومت سلطان حسین بایقرا وفات یافت_ ناگزیر وضعیتادبیات و فرهنگ در عصر تیموری‌های هرات در قرن نهم هجری _از شروع سلطنت شاهرخ در ۸۰۴ الی اواخر سلطنت سلطان حسین بایقرا و وفات علی‌شیر نوایی در ۹۰۶ هجری_موردمطالعه و بررسی قرار گیرد. این دوران به دو بخش تقسیم می‌شود؛ عصر شاهرخ و جانشین‌هایش اعم از پسران، غیر آن و عصر سلطان حسین بایقرا که نوایی بزرگ نیز درهمان دوره می‌زیسته است. در ذیل به فعالیت‌های ادبی دوران تیموریان هرات که معاصر حیات شخصیت دانشمند کشور علی‌شیر نوایی است، پرداخته می‌شود.

الف- در زمان شاهرخ میرزا و پسران او

بدون شک محیط علمی و فرهنگی از توجه فرمانروایان و زمامداران شکوفامی‌شود که خوشبختانه در قرن نهم هجری افغانستان چنین فرمان‌روایان علم‌دوست را یافت و به اوج اعتلای فرهنگی رسید. شاهرخ زمانی حکومت را به‌دست گرفت که سرمایه‌های معنوی کشور توسط تاخت‌وتاز دو قرنه‌ی مغول‌ها و پدرش تیمور نابود شده بود و تاراج کتاب‌ها، نابودی آثار، قرار گرفتن دانشمندان در انزوا و تبدیل شدن شهرها به مخروبه نشان از دوره‌ی قبل وی داشت. هرچند مدتی پس از مغول‌ها سلسله‌ی کرت غوری‌ها تلاش کردند تا غبار از چهره‌ی علمی، فرهنگی و ادبی کشور زدوده و دانشمندان را دوباره به تولید علم، اعتلای ادب، فرهنگ و هنر وادار سازند؛ولی به نسبت خرابی‌هایبیش‌ازحد،تلاش‌شان نتیجه‌ی لازمی را دربرنداشت؛ بر علاوه، دوباره در اثر جهان‌گشایی تیمور،آبادی‌ها ویران واهل علم آواره شدند. هرچند تیمور علاقه به بازسازی، نوسازی و ترویج علم و دانش درمناطق تحت تصرف خویش داشت؛ ولی در قدم نخست وی به کشورگشاییپرداخت و بازسازی، رشد علم و فرهنگ در حاشیه ماند. وی در فرصته

ایبه‌دست آمدهمی کوشیدخسارت‌هایی را که به مدنیت خراسان بزرگ وارد کرده و دانشمندان را پراکنده و نابود ساخته بود، بپردازد. چنانچه شهر سمرقند را مرکز صنعت و تجارت عصر خویش ساخت، به علما وشعرا ارزش قایل شد؛ ولی نتوانستآثار خرابی‌های خویش را جبران کند (غبار، ۱۳۴۶: ۱/ ۲۵۰ - ۲۶۰).

شاهرخ پس از به‌دست گرفتن حکومت، اقدامات نوسازی و بازسازی را در سراسر امپراتوری بنا نهاد. شاعران، هنرمندانو ادیبان از سراسر امپراتوری به دربار هرات شتافتند. هرات ازلحاظ علمی، ادبی، فرهنگی و عمارت‌های عالی به شهری تبدیل شد که در تمام جهان نظیر خویش را نداشت. برخلاف دیگر امرای خراسان و جهان که در جنگجویی می‌کوشیدند؛ شاهرخ شهسوار عرصه‌های صلح، آبادی، علم‌پروری و هنرآفرینیشد. پسرشاهرخ، الغ‌بیگ، نیز دست‌کمی از شاهرخ _پدرش_ نداشت. چنانچه رصدخانه‌ی الغ‌بیگ در شهر سمرقند تا هنوز نیز به اسم وی یاد می‌شود.الغ بیگنه‌تنها دانشمندان و علما را تشویق می‌کرد؛ بلکه خود نیز یکی ازدانشمندان بنام همان دوره بود. وی سی‌وهشت سال سمرقند را در عصر پدر اداره کرده وعصر طلایی را در ماوراالنهر، محل حکومت خویش به وجود آورد. او به‌خوش‌نویسیعلاقه داشت؛ شعرا، ادبا و دانشمندان از تمام حصص فارس به دربار او سرازیر می‌شدند. تشویقی که از نجوم به حیث رشته‌ی دلخواه خویش به وجود آورد، اسم او را به حیث مؤلف جدول‌های دقیق و مکمل اخترشناسی ثبت جریده ماندگار تاریخ کرد. سرانجام این جدول‌ها از شرق به غرب به میراث رسید (سایکس، ۱۳۸۲: ۲۶۹).

توجه شخص شاهرخ میرزا و خانمش گوهرشاد بیگم، برای ساخت خرابی‌های دوران تیمور و روش او برای برگرداندن ادب و فرهنگ فارسی موقعیت مناسبی برای ادب و فرهنگ کشور و هم‌چنان برای ادبا و فرهنگی‌ها مهیا ساخت. آن‌ها از گوشه و کنار کشور به هرات شتافتند تا ادبیات و فرهنگ زخم‌خورده‌ی کشور را سروسامان دهند. شاهرخ دراین امر از هیچ نوع تلاش و کوشش دریغ نورزید، امکانات مالی دولت را در اختیاربازسازی، نوسازی، ایجاد مدارس، مساجد، پرورش ادبا، شعرا، هنرمندان و فرهنگی‌ها به مصرف رساند.به‌این‌علت وضعیت کشور از سراشیبی سقوط علمی-ادبی نجات یافت و به مسیر اصلی آن‌که همانا به فضل و کمال رسیدن است قرار گرفت. بایسنقر میرزا، پسر شاهرخ، به پیروی از پدر در تشویق شعرا، علما، خطاطان، هنرمندان، مذهبان و نقاشان کشور همت گماشت. در پیشبرد امور علمی، هنری، فرهنگی و ادبفارسی سعی بلیغ به خرج داد. وی،بر علاوه‌ی تشویق دانشمندان، خود نیز با خط زیبایی که داشت به تدوین دیوان‌های شعریو آموزش خطاطی می‌پرداخت.او به نگارش و جمع‌آوری کتاب علاقه‌ی فراوان داشت؛طوریکه کتابخانه‌ی بایسنقر میرزا در عصر او بی‌مانند بود.ابوسعید میرزا نیز در ترویج علم و ادب خدمات شایسته‌ای را در زمان خودش

انجام داد (کهدویی، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

ب- درزمان سلطان حسین بایقرا

امرای تیموری به علت اینکه در محیط ادبی- فرهنگی بزرگ‌شده بودند هرکدام زمانی که حکومت را در دست می‌گرفتند مشوق دانشمندان، شعرا، هنرمندان، فضلا، و مصمم برای ساختن مساجد، مدارس، خانقاه‌ها و سایر اماکن علمی فرهنگی بودند. پس از شاهرخ جانشین‌هایش نیز روش او را در پیش گرفتند؛ مخصوصاسلطان حسین بایقرا که در تشویق دانشمندان پا جای پای تیمور می‌گذاشت، در مدت حکومت سی‌ونه‌ساله‌ی خویش کارهای بزرگی انجام داد (فرهنگ، بی‌تا۵۸).سلطان حسین وقتی بر سریر حکومت نشست؛ نه به‌این‌علت که خود عالم و دانشمند بود و علم را در خانواده و دربار خویش تشویقمی‌کرد؛بلکه در همه نواحی قلمرو خویش به نشر علم و ادب، دانش و هنر و ترویج فرهنگ تشویق علما، گویندگان، نویسندگان، معماران، عرفا، حکیمان، منجمان، خطاطان و نقاشان، سعی خستگی‌ناپذیری را انجام داد.در زمان سلطان حسین بایقرا شهر هرات مرکز علمی و تهذیبی شرق، به اوج ارتقا رسید، آثار تمدن و فرهنگ در آن سامان نضج گرفت و رونق خوبی حاصل کرد. هنرآفرینی‌های بهزاد و همکارانش در نقاشی، جهان اروپا را به حیرت آورده و متوجه هرات ساخته بود. ظهور خطاطان، مذهبان، شعرا، علما ومؤرخین دراین دوره جالب‌توجه است. معماری و کاشی‌سازی و سایر حرفه‌ها نیز انکشاف قابل‌توجهی نمود. صنعت‌کاران، شعرا، ادبا، مؤرخین، علما، فضلا و سایرین از گوشه و کنار به‌طرف دانشگاه بزرگ آن روز جهان _شهر هرات_ روی آورده بودند؛ و از فیض تربیت و حمایت پادشاه علم‌دوست استفاده می‌کردند (کهدویی، ۱۳۸۴: ۲۹۷).

سلطان حسین بر علاوه اینکه خود مشوق علم وادب بود، وزیر دانشمند وی،علی‌شیر نوایی،نیز به جمع‌آوری علما، شعرا، فضلا و هنرمندان می‌پرداخت. عصر سلطان حسین بایقرا هم از حیث تشویق شعرا و فرهنگی‌ها و هم از حیث ساخت مدارس و مراکز علمی و ادبی برای ادیبان و فرهنگی‌ها بهتر از دوره‌ی شاهرخ میرزا بود. سلطان حسین بایقرا خود نیز شاعر توانمند در زبان عربی و فارسی، و حامی دانشمندان و فرهنگی‌ها بود. دراین عصر پیشرفت ادب، فرهنگ، علم و صنعت به اوج خود رسید. شاه حسین مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، بندها، نهرها، رباط‌ها و دارالشفاهای زیادی اعمار کرد. شعرا، ادیبان و فرهنگیان این دوره آثار جاودانی از خود در هر فنی از فنون ادبی، علمی، فرهنگی، هنری و فقهی بهیادگار گذاشتند. در این دوره نقاشی، خطاطی، تذهیب‌کاری، معماری و سایر هنرها به اوج ترقی رسیده بودند؛ ولی شعر به دنبال همان انحطاط ادبی که درعصر مغول رخ‌داده بود، جریان داشت. پس از هجوم مغول‌ها و صاعقه‌ی چنگیز خان شعر فارسی از انحطاط بیرون نشد و هم‌چنان در لاک خویش

باقی ماند؛ گویا اینکه شعر فارسی با خواجه حافظ پیمان بسته باشد که پس از وی بادیگری مونس نشود و دیگر در این جهان سرگشتهگوش‌های مردمان را بانوایدلفریب خویش ننوازد. پس از حافظ سبک متصنع و پیچیده‌ای که از عالم الفاظ بیرون نمی‌رفتوباروح انس نمی‌گرفت وشعر را به حالت ابتذال سوق داده بود، از شعرای معروفی که در لاک قبلی باقی نماندند و نوپردازی کردند، تنها جامی را می‌توان نام برد(کهدوی، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۲).

در زمان سلطان حسین بایقرا، فن تاریخ‌نویسی رونق خوبی بهخود گرفت، مورخان تاریخ‌های مختلفی را در هر بخش نوشتند. کتاب‌های زیادی به تشویقامرای تیموری به نگارش درآمد،در شعر و نویسندگی اشخاصی چون جامی، هاتفی، کاشفی و در نقاشی بهزاد و شاه مظفر، در خطاطی مهر علی و سلطان‌علی، در تاریخ نویسی خواند میر، میر خواند، حافظ ابرو و دیگران ظهور کردند و آثار گرانبهایی را به جامعه پس از خود بهیادگار گذاشتند. تاریخ ظفرنامه‌ینظام‌الدین شامی، زبده‌التواریخ، ظفرنامه تیموری،مطلع‌السعدین، روضه الصفا و حبیب‌السیر از مهم‌ترینکتاب‌هایی اند که به تشویق شاهان تیموری به نگارش درآمدهاند. نویسندگان دیگری چون کاشفی، علی‌شیر نوایی، دولتشاه، فخری، جلال‌الدین دوانی، فخرالدین صفی و غیره کتب متعدد و مختلفی در رشته‌های مختلف تألیفنموده اند (رفیعی، ۱۳۸۹: ۹۵- ۱۱۲).

ادب و فرهنگ در دوره‌یعلی‌شیر نوایی

در دوره‌ی حیات نوایی بزرگ و دربارتیموریان هرات کهبه تشویق هنرمندان، علما و دانشمندان سعی بلیغی به خرج می‌دادند؛ ادبا، شعرا، فرهنگی‌ها و هنرمندان زیادی به جامعه تقدیم شد. این دوره یکی از دوره‌های طلایی کشور ما است. دانشمندان این دوره از تاریخ کشور را، دوران طلایی و دارای آثار مشعشعدر ادب فارسینام‌گذاری کرده اند. چنانچه کاظم امام در مقدمه‌ی روضه‌الجنات می‌نویسد:"دورانی که با پیدایش سلطنت دودمان کرت آغاز و با ختم ایام سلطنت سلطان حسین میرزا گورگانی در هرات پایان می‌یابد، یکی از ادوار طلایی و آثار مشعشع تاریخ ادبیات زبان پارسیدری به شمار می‌رود. شهر هرات در این روزگار فرخنده، سرچشمه‌ی معارف، آداب، منبع فضایل و مکاتب هنرهای زیبا، مشعل‌دارکاروان‌های سخنوران پارسی دری بوده و هم‌چون خورشید درخشان در وسط کشور پهناور آفتاب تابان_خراسان_نورافشانیمی‌کرده است. علمای عالی‌قدر، دانشمندان ارجمند، استادان ماهر و نامدار دراین عصر بروز و ظهور کردند"(امام، بی‌تا: ۲/ ۳۳ و محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۷)دراین زمان به حمایت امرای تیموری مدارس، مساجد، باغ‌ها، کاخ‌ها، قصرها و اماکن فرهنگی بی‌شماری اعمار شدند. یکی از دانشمندان در این رابطه می‌نگارد؛"دوره‌ی تیموریان درخشان‌ترین

ادوار تاریخ هرات است و به‌ویژه زمان شاهرخ و سلطان حسین بایقرا،که دراین دوره نیز مانند صنایع لطیفه، علم و ادب هم به منتهای جلال خود رسید و نظیر آن در دوره‌یمابعد دیده نمی‌شود"(شگفته، ۱۳۸۷: ۸۳ به نقل از سالنامه‌ی کابل صفحه ۳۷۹ شماره ۱۳۱۵).

با چنین وضعیتی، شهر هرات در زمان حیات نوایی ازنظر ادبیات و فرهنگ به‌صورت دانشگاه بزرگیدرآمده بود که از اطراف جهان محصلین و طالبان علم و دانش را بورسیه می‌کرد. با موقوفات عظیم خویش مصارف آن‌ها و با مدارس و اماکن فرهنگی بی‌شمار خویش، عطش علمی و فرهنگی داوطلبان علم و فرهنگ را سیرآب می‌ساخت. در هر گوشه وکنار این شهر بزرگ کشورماگنبدهای عظیم مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، سر بر آسمان داشت و در زیر آن حلقات درسی و مجالس ادبی فرهنگی دایر می‌شدند. نتیجه‌ی این فعالیت‌های علمی، هزاران آثار جدید هنری، علمی، فرهنگی و ادبی بود که به نسل‌های بعدی به امانت گذاشتند.

گویندگان، شعرا و نویسندگان زیادی دراین دوره پا به عرصه‌ی وجود نهادند؛چنان‌چه علی‌شیر نوایی در مجالس‌النفایس شرح احوال ۳۸۵ شاعر را تذکر داده است (بیدکی، ۱۳۹۶: ۵۶- ۶۰). شعرا، نویسندگان و فرهنگی‌های ذیل دراین دانشگاه بزرگ تحصیل کرد و اثرهایی را به جامعه‌ی انسانیت تقدیم کرده اند. امیر قاسم انوار، صاحب مثنوی انیس‌العاشقین که از مولانای بزرگ پیروی کرده است؛ خواجه ابوالوفای خوارزمی که در تصوف و موسیقی آثار ارزنده‌یی دارد؛آذری اسفراینی نویسنده‌ی کتاب عجایب‌الدنیا و جواهرالاسرار؛بساطی سمرقندی، جنونی، حافظ سعید بخارایی، حاجی‌ابوالحسن، خواجه عصمت‌الله، روحی یا زرعی خراسانی _نویسنده‌ی مناظره‌یگل‌وبلبل و شمع و پروانه_، زاهدی، سودایی، سید علی هاشمی، سیمی، سلیمانی، شرف خیابانی، صاحب بلخی، طالعی، طوسی، علی آسی مشهدی _نویسنده‌ی کتاب خیال و وصال_، علی شهاب، قاضی محمد امامی خراسانی، قطبی گنابادی، کمال‌الدین حسین خوارزمی _نویسنده‌ی مقصد اقصی_،کاتبی ترشیزی _کتاب‌های تجنیسات، ذوالبحرین، ذوقافیتین، حسن و عشق، ناظر ومنظور و بهرام وگل‌اندام از او اند_ مولانا یحیی سیبک_ شاعر تعبیر خواب و نویسنده‌ی شبستان خیال_ محمود عارفی _نویسنده‌ی گوی و چوگان_ سید محمد معروف به میر مخدوم، مولانا خیالی، میر اسلام غزالی، مولانا محمد عالم سمرقندی، مولانا سری ترشیزی، محمدعلی شغانی، مولانا محمد بدخشی، محمد طالب، میر بهاالدین، مهری، مسیحی، جامی، مولانا زین، یوسف امیری، امیرشاهی سبزواری، ابن لعلی بدخشی، امیرحسین اردشیر، اتایی، امیر یادگاربیگ و دیگران را می‌توان نام برد (شگفته، ۱۳۸۷: ۸۳-۹۲).

جامی که یکی از شعرا ونویسندگان معروف همین دوره است، کتب متعددی در بخش‌های مختلفازجمله بهارستان را در تعقیب گلستان سعدی، نفحات‌الانس را در شرح مشایخ صوفیه نگاشته

است. حسین واعظ کاشفی بر علاوه روضه‌الشهدا، کتاب اخلاق محسنی را به تاسی از اخلاق نصیرالدین طوسی تألیف و آثار بدیع دیگری نیز بهوجود آورد. جلال‌الدین دوانی کتابی در علم اخلاق به اسم (اخلاق جلالی) نوشت، صفیکاشفی اثری بنام لطایف‌نامه و مجموعه‌ی اشعار به‌نام تحفه‌الحبیب به نشر رساند (خلیلی، ۱۳۸۲: ۱۵۹، ۲۶۰).

یکی از دانشمندان پروش‌یافته در عصر تیموریان هرات،علی‌شیر نوایی است. علی‌شیر نوایی برای همه دوست‌داران علم و ادب؛ اعم از فارسی و اوزبیکی زبان به حیث یک شاخص و پښتوانه‌ی علمی، ادبی و هنری به‌حساب می‌رود. آثار نوایی به هر دو زبان به نگارش درآمده است. آثار نوایی میراث مشترک کشورهای اسلامی مخصوصاً افغانستان، اوزبیکستان، ایران و پاکستان است. وی شعرا، ادبا، فضلا و دانشمندان هر دو زبان فارسی و اوزبیکی را پشتیبانی و حمایت کرده است.برای تحقیق در آثار نوایی لازم است محقق هردو زبان فارسی و اوزبیکی را بداند زیرا در غیر این صورت از بررسی اصل آثار نوایی عاجز مانده و نمی‌تواند به مقصد اصلی نایل آید. نوایی شخصیت منحصربه‌فرد است. وی در کنار دانته و ابوالقاسم فردوسی شخصیت مهم جهان است که زبان موردعلاقه‌ی خودش را از محو شدن نجات داده و به‌صورت علمی ادبیات آن را پایه‌گذاری کرده است. ادوارد براون دانشمند مستشرق اروپایی اورا به مالیناس سیلینوس رومی تشبیه کرده است؛زیرا خانه‌ی وی همیشه محل تجمع علما، فضلا و دانشمندان بوده است (محمود، ۱۳۹۵: ۲۴ جوزا، یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۸ دلو).

علی‌شیر نوایی بخش بزرگی از زندگی و دارایی خویش را درراه اعتلای فرهنگ و ساخت آثار عمرانی در هرات، مشهد و سایر شهرهای حکومت سلطان حسین بایقرا به مصرف رساند.اماکن اجتماعی زیادی را بازسازی، نو سازی و مرمت نموده است (تبریزنیا، ۱۳۸۷: ۴۶). علی‌شیر نوایی خود تعداد عماراتی را که از وجوه پولی شخصی خویش آباد کرده است، چهارصد عدد می‌داند. چنانچه وی می‌گوید «چهارصد عمارت خیریه از مدرسه، رباط، دارالشفا و امثال آن در همه عالم بناکردم و توفیق اتمام آنها را یافتم» (شگفته، ۱۳۸۷: ۱۱۹ به نقل از مجالس النفایس).

نوایی در چنان عصری زیست، در چنان فضایی به آموزش پرداخت و نتیجه‌ی تلاش و زحمات خویش را در قالب شعر و نثر وهمچنان آثار عمرانی و فرهنگی برای بشریت به یادگار گذاشت.نوایی در تمام زندگی هدفی جز آبادی، رشد فرهنگ، اعتلای رفاه و آسایش مردم کشور را نداشت. وی برای رسیدن به این مامول کارهای بس بزرگی انجام داده است؛ شعرای زیادی به تشویق نوایی شعر سرودند و کتاب‌های شعری وی به حیث یادگار همان دوران به آینده‌گان هدیه گذاشته شده است؛ نویسندگان بسیاری به تشویق وی متن نگاشته اند؛ نقاشانی که به خلق اثر پرداختند و هنر مینیاتوری

هرات باستان را به جهانیان شناساندند؛ خوش نویسان، موسیقی‌دانان، صحافان، مذهبان، کشتی‌گیران، طبیبان، منجمان، ریاضی‌دانان، معماران، ندیمان و مجلس آراهای زیادی به کوشش و تشویق آن ابرمرد تاریخ سر برافراشتندو همه‌ی این‌ها یک‌بار دیگر نشان داد که استعداد رشد و اعتلای فرهنگ و هنر در بین نسل پس از مغول، سرزمین خراسان موج می‌زند (شگفته، ۱۳۸۷: ۳۰۸- ۳٦۷).

به‌علاوه شعراییکه در فوق اسم‌شان ذکر شد؛ شعرایی همچون امامی هروی، یقینی هروی، سید شرف‌الدین رضایی سبزواری، شمس‌الدین محمد تاوگانی، علی بدخشی، سید کمال کجکعل، علی‌بدر، مولانا یوسف بلخی، خلقی، روحی، شکری، شیخ‌زاده پورانی، شیخ بایزدپورانی، مشرقی، هاشمی صدیقی، عارفی هروی، شیخ احمد سهیلی، سعیدی، زلالی، نورای جامی، بقایی هروی، ابوطاهر بدخشی، شوقی هروی، هاتفی هرویی، سید عبدالقادر هروی، حقیری، مولانا صفایی، وداعی، جانی، صافی، یاری هروی، امین، مولانا محمد، باقی، باطنی، جاربی، صالح، سعید، قبولی هروی، قبولی قندوزی، مولانا صدیقی، طاهری هروی، مولانا گاهی، حافظ میر سیستانی، نرگسی، عالم، مولانا ذهنی کابلی، شکسته کابلی، میر عزتی کابلی، شیخ صدرالدین داهی، هلالی هروی، حیدر کلوچ، عبدالقهار هروی، برهان‌الدینعطاالله، مولانا کامی، فخرالدین علی، محوی، الهی هروی، آصفی هروی، مولانا غریب، حافظ ندایی، نادری هروی، قاضی نظام‌الدین، ویسی هروی، مولانا هراتی، نامی سبزواری، فقیری هروی، باقری هرویی، حافظ علی، ساغری، نقلمی، قدسی، بدیع‌الزمان، محمد مومن میرزا از مردان و از جمع خانم‌ها؛ مهری هروی، آقا بیگه، بیدلی، زیبایی خانم و ماه شاعران دوران تیموریان هرات هستند (کهدویی، ۱۳۸۴: ۲۳٦- ۲۸۰و خلیلی، ۱۳۸۲: ۱۲۳- ۲۸۸).

رنسانس را که امرای علم‌دوست تیموریان در هراتبهوجود آوردند، کمتر از رنسانس اروپا نبود. هرچند هر دو رنسانس متفاوت بودند. رنسانس هرات بادیانت اسلام مطابقت داشت درحالی‌که رنسانس اروپا عکس‌العملیدرمقابل دیانت مسیحی بود؛یعنی رنسانس هرات مطابق با تعلیمات دینی و رنسانس اروپایی در حال گریز از تعلیمات دینی بود. تفاوت دیگر این‌که رنسانس هرات از بالا به پایین کشیده شد، حال‌آنکه رنسانس اروپایی از پایین به بالا حرکت می‌کرد. مشوقان به علم و معرفت در افغانستان امرا، وزرا، عالمان دینو حکومتی‌ها بودند؛درحالی‌که در اروپا حکومت، عالمان دین و وزرا از این حرکت به هراس افتاده بودند.از رنسانس شرقی که پس از وفات سلطان حسین و حمله‌یشیبانی‌ها و صفوی‌ها در افغانستان به باد فنا رفته بود،آثاربی‌نظیری مانند؛نقاشی‌های بهزاد، شعر جامی، روضه‌ی سخی در مزار شریف و مسجد گوهرشاد در معماری در کنار صدها اثر علمی، فرهنگی و ادبی دیگر به جامعه امروزی به حیث میراث باقی‌مانده است.

سرانجام به حیث حسن ختام، مقاله‌ی حاضر را با قطعه شعری از علی‌شیر نوایی به پایان رسیده و نمونه‌ی شعر آن زمان به معرفی گرفته می‌شود:

زهجرت ای مـــه بی‌مهر دل نابود شد تن هم
چه بودی گـــربدان دو رفته همره بود می من هم
اگرمیرم نخواهم دوخت زخـــــم تیغ آن قاتل
زمریم رشته‌گـــــر آرند و از عیسی‌اش سوزن هم
ز عشقم صد گره در کار بود، از هجریار اینک
گره افتاده برچاک گریبان بلکه دامن هم (نوایی فانی، ۱۳۷۵: ۲۳۰)

نتیجه‌گیری

دراین نوشتار کوشش شده است تا عصر حیات علی‌شیر نوایی از نگاه ادبی و فرهنگی موردبررسی قرار گیرد و جای‌گاه ادب و فرهنگ درآن عصر ارزیابی گردد. پس از بررسی موارد ذیل بهدست آمده است:

۱-نوایی در عصریمی‌زیست که به همت امرای تیموری شهر هرات به دانشگاهیتبدیل‌شده بود و صاحبان همت در گوشه و کنار این شهر با استفاده از فضای مطلوب فرهنگی که پس از دو قرن بهوجود آمده بود،به آموختن علم ودانشمی‌پرداختند.

۲- امرای تیموری که در خراسان یعنی سرزمین دانش و هنر بزرگ‌شده بودند به اقتضای محیط علمی،انسان‌های فرهنگی و مشوقان علم ودانش‌بار آمده بودند.به‌عوض حمله، کشورگشایی ولشکرکشی، به تشویق دانشمندان، شعرا، ادبا و هنرمندان و فرهنگی‌ها پرداختند و دراین راه از هیچ کوششی دریغ نکردند.

۳- محصول فعالیت فرهنگی و ادبی تیموریان هرات تقدیم شعرای نامدار، فرهنگیان روشن‌ضمیر، هنرمندان چیره‌دست و شهرهای آباد و پررونق به آیندگان بود. کتاب‌ها و آثار بسیاری از این دوره به حیث تحفه به ما و نسل‌های دیگر بشری به یادگار مانده اند که اگر این‌ها نبودند،کاستی‌هایی در تمدن بشری این سرزمین و هم‌چنان تمدن جهانی رونما می‌گردید.

۴-یکی از افراد نامی، تأثیرگذار، مشهور و صاحب آثار زیاد کتبی و فرهنگی دوره‌ی تیموریان علی‌شیر نوایی است، که آوازه‌ی شهرت او سراسر جهان را درنوردیدهو به اقصی نقاط پیچیده است. وی ادیب، فرهنگی، شاعر، سیاست‌مدار و هنرمندیبود که بهحیث افتخار ماندگار کشورهای افغانستان، ایران، اوزبیکستان، ترکیه و پاکستان به‌حسابمی‌رود.

کتاب‌نامه

۱. امام، کاظم، (بی‌تا)، روضه‌الجنات فی اوصاف مدینه‌الهرات، تهران، بی‌نا؛

۲. بیدکی، هادی، (۱۳۹۶)، بررسی و بازشناسی دومین ترجمه مجالس‌النفایس علی‌شیر نوایی (ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی)، دو فصلنامه‌ی علوم ادبی، سال هفتم، شماره‌ی یازدهم؛

۳. تبریزنیا، مجتبی، (۱۳۷۸)، سیمای علی‌شیر نوایی در کتاب مکارم‌الاخلاق، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۲۸؛

۴. خلیلی، خلیل‌الله، (۱۳۸۲)، آثار هرات، تهران، عرفان؛

۵. رفیعی، امیر تیمور و فراهانی، احترام اسپینی، (۱۳۸۹)،علی‌شیر نوایی ونقشی سیاسی و فرهنگی او در عصر تیموری: پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، سال پنجم، شماره‌ی بیستم؛

۶. سایکس، سرپرسی، (۱۳۸۲)، تاریخ افغانستان، مترجم عبدالوهاب فنایی، کابل: آکادمی علوم؛

۷. شگفته، صغری بانو، (۱۳۸۷)، شرح احوال و آثار فارسی علی‌شیر نوایی متخلص به فانی، تهران:الهدی؛

۸. غبار،میرغلاممحمد،(۱۳۴۶)،افغانستاندرمسیرتاریخ،کابل،مطبعه‌یدولتی؛

۹. فرهنگ،میرمحمدصدیق،(بی‌تا)،افغانستاندرپنجقرناخیر،بی‌جا،بی‌نا،دوره‌یسه‌جلدی؛

۱۰. کارگر، عبدالله، (۱۳۸۳)، امیر دانشمند نظام‌الدین علی شیر نوایی، پیشاور: الازهر؛

۱۱. کهدویی، محمدکاظم، (۱۳۸۴)، ادبیات افغانستان در ادوار قدیمِ (برگرفته از دایره المعارف آریانا)، تهران: الهدی؛

۱۲. محمدی، ذکرالله و حسینی، مرضیه، (۱۳۸۷)، مناسباتعلی‌شیر نوایی با سه تن از نخبگان فرهنگی هم‌عصرش، مجله‌ی علمی تخصصی تاریخ اسلام: شماره‌یچهارم؛

۱۳. محمود، شاه محمود، (۱۳۹۵)، نگاهی مختصر به زندگی و احوال و آثار علی‌شیر نوایی،۲۴ جوزا: ویبلاک؛afghanistanefarda.blogfa.af

۱۴. نوایی فانی، علی‌شیر، (۱۳۷۵)، دیوان علی‌شیر نوایی، به سعی و اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ،تهران: اساطیر؛

۱۵. یوسفی، علی‌ظفر، (۱۳۹۱)، حقیق ادبی درباره‌یعلی‌شیر نوایی شاعر نامدار، ۱۸دلو: ویبلاک؛alizaferyosufi.blogfa.com

ادبیات در اندیشه‌ی امیرعلی‌شیر نوایی (فانی)

انسیه نجفی

چکیده

علی‌شیر نوایی، ادیب، سیاست‌مدار، هنرپرور و سرآمد روزگار تیموریان هرات، جای‌گاه والا و ارزشمندی را در بین هم‌عصران خویش در تاریخ ادبیات قرن نهم درج کرده است. اندیشه و توانایی این رادمرد در سرایش شعر فارسی و ترکی باعث به‌وجود آمدن آثار متعددی در این دو زبان شده است.

هدف از انجام این تحقیق، بررسی زندگی‌نامه، آثار و اندیشه‌ی ادبی علی‌شیر نوایی در ادبیات ترکی و فارسی می‌باشد، نتایج حاصله نشان داد که فانی بنیان‌گذار ادب ترکی بوده و شعر ترکی را به حد کمال رسانیده و توانسته است به همة انواع شعر فارسی از مثنوی و قصیده و غزل و غیره، شعر ترکی بسراید و از سوی دیگر با سیاست و اندیشه و سلیقه‌ی ادبی که داشته، یک دوره‌ی درخشان فرهنگی و هنری را هم از لحاظ کمیت و فزونی تعداد شاعران، نویسندگان و هنرمندان در دربار تیموریان و هم از لحاظ کیفیت و ارزش آثار ادبی بوجود آورد.

فرآیند امر این است، که علی‌شیر نوایی در نظم و نثر ترکی جغتایی به دلیل این‌که اول کسی بوده است که به موضوعات گوناگون و متفاوت به نظم و نثر، آثاری از خود باقی گذاشته است که خودش یک نوع ابتکار ادبی و ابداع ادبی در ادبیات ترکی می‌باشد. و در ادبیات فارسی از شاعران پیشین تقلید کرده است.

نوشته‌ی حاضر، پاسخ به پرسش اصلی که «ادبیات در اندیشه‌ی علی‌شیر نوایی» از چه جای‌گاهی برخوردار است؟ با استفاده از روش تحلیلی –توصیفی به شیوه‌ی کتابخانه‌ای به بررسی پرداخته است.

واژگان کلیدی: ادبیات اندیشه، علی‌شیر نوایی، سیاستمدار، ادب ترکی، هرات.

۱-۱. مقدمه

علی‌شیر نوایی «فانی» مرد سیاسی، اهل هنر، فرهنگ و شاعر در دربار سلطان حسین بایقرا به حیث وزیر و مشاور بوده است. و ی در کنار سیاست، با طرفداری و تشویق هنرمندان، فرهنگی‌ها و شاعران در دوران تیموریان باعث ایجاد یک مرکز فرهنگی و هنری در هرات شد و عهد رنسانس شرق که از دوره‌ی شاهرخ میرزا پایه گذاری شده بود را به حد کمال اعلا رساند.

گرچند در ادب فارسی این دوره کدام نوآوری بوجود نیامده و سبک جدیدی ابداع نشده ولی بر اثر سعی و کوشش نوایی و اهل ادب این روز گار پایه و اساس ادبیات ترکی گذاشته شده است و شاعران این دوره با تقلید از نوایی دو دیوانه به زبان فارسی و ترکی بودند.

آثار به‌جا ماند از فانی به زبان ترکی زمینه‌ای ایجاد فرهنگ‌های گوناگونی ترکی به فارسی را فراهم کرد که یکی از دست آوردهای ادبی علی‌شیر نوایی به حساب می آید.

ادبیات در اندیشه علی‌شیر نوایی موضوعی است که این مقاله بنا بر بررسی آن را دارد؛ گرچند آثار و کارکردهای ادبی نوایی در مقدمه‌های نوشته شده دیوان نظام الدین علی‌شیر نوایی به سعی و اهتمام رکن الدین همایون‌فرخ، دیوان فانی به تصحیح عباس رستاخیز سانچارکی، تاریخ ادبیات ایران از سیروس شمیسا و مقالات گوناگون توسط نویسندگان ترک زبان و فارسی زبان بیرون از افغانستان به رشته‌ای تحریر در آمده است ولی شخصیت ادبی و هنری فانی در بین ادیبان و محققان افغانستانی چندان مورد واکاوی و پژوهش قرار نگرفته است. از این رو، هدف در این نوشتار آن است که درک گردد ادبیات در اندیشه علی‌شیر نوایی چگونه و دارای چه ویژگی‌های می‌باشد؟ نگارنده بر آن گمان است که با یاری جستن از روش تحلیلی–توصیفی می‌توان پرسش یاد شده را تحت سه عنوان: نخست، مفاهیم و کلیات، دوم زندگی‌نامه‌یعلی‌شیر نوایی و سر آخر آثار، اندیشه و کارکردهای ادبی وی را مورد بررسی قرار داده است.

۱-۲. مفاهیم و کلیات

۱-۲-۱.مفهوم ادبیات

ادبیات، دانش‌های متعلق به ادب، علوم ادبی، آثار ادبی، مجموعه آثاری که شیوه‌ی بیان یا اندیشه‌های موجود در آن مورد پسند نسل‌ها و ملت‌های گوناگون باشد(دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

ادب به معنای دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی‌خوش است و علم ادب، علمی است که با تسلط بر آن شخص میتواند درست شعر بگوید، خوب ی است از مظاهر هنری افراد آن که در تحریک اندیشه و احساس انسان‌ها قدرتی نافذ و پایدار ایجاد می‌کند و این آثار از لوازم زندگی ملت‌هایی است که از تمدن برخوردار هستند؛ زیرا هم‌چنان که علوم ریاضی و منطق، تعقل را پرورش

می‌دهد، این آثار ذوق و احساس را جلا و دقت خاصی می‌بخشند و در تربیت نفس و خردمندی و باروی ذهن نقشی مؤثر دارد (ویستا).

یکی از راه‌های تعریف ادبیات اطلاق آن بر تمام آثار چاپی است و این امر علوم متفاوتی را شامل می‌شود:

- به کلیه آثار مکتوب و هر نوشته که متعلق به تاریخ باشد. یکسان‌گرفتن ادبیات با تاریخ تمدن، انکار قلمرو مشخص و روشهای مشخص تحقیق ادبی است.
- مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهای یک رشته در این تعریف و رفتارهایی که در یک رشته به کار می‌رود، مد نظر است که؛ با عنوان ادبیات فلسفی، ادبیات پزشکی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
- نوشته‌های والا و با ارزش اندیشه‌ها و خیال‌ها را به بهترین و عالی‌ترین وجه بیان می‌کند. در این مقوله ادبیات به هنر ادبیات یعنی ادبیات تخیلی و بیان اندیشه‌های والا مربوط که این اصطلاح مد نظر ما است و معنای واقعی ادبیات است (اللهی، ۱۳۹۱).

۱-۲-۲. انواع ادبی

موضوع اصلی انواع ادبی طبقه بندی کردن آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه‌های محدود و مشخص است. در انواع ادبی این پرسیش مطرح است که آیا هر اثر ادبی برای خود وجود مجزا و مستقل و بخصوص دارد یا به نحوی به آثار دیگر مرتبط است؛ و در نتیجه می‌توان بین گروه‌هایی از آثار ادبی ارتباط و تشابهت‌هایی یافت؟

اگر بخواهیم به ادبیات هم از دیدگاه علمی نگاه کنیم؛ باید بتوانیم آثار ادبی را طبقه‌بندی کنیم و انواع مشابه آثار ادبی را در طبقات مخصوصی قرار دهیم؛ زیرا مهم‌ترین مختصه‌ی علم این است که می‌تواند طبقه‌بندی کند. این مهم ادبیات به‌وسیله‌ی انواع ادبی صورت می‌گیرد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۷).

انواع ادبی عبارتند از مجموعه خصایص فنی عامی که هر کدام دارای مشخصات و قوانین ویژه خود هستند. هر یک از انواع شعر حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی، ساختمان و هندسه خاص خود را دارا است؛ مثلا حماسه نوعی شعر داستانی است که کاملا جنبه‌ای آفاقی (objective) دارد، نه انفسی (subjective) و در این نوع، هیچ‌گاه هنرمند از «من» خویش سخن نمی‌گوید و از همین رهگذر است که حوزه‌ی حماسه بسیار وسیع است و در خلال حماسه تصویر تمدن یک ملت را، در مجموع، با تمام عادات و اخلاق به خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ حتی قوای طبیعی و غیر طبیعی مؤثر در تکون آن ملت در حماسه‌اش نمودار است؛ برعکس، شعر غنایی شعری است که حاصل لبریزی احساسات شخصی است و محور آن «من» شاعر است و سراینده در آن نفس پذیرنده و متأثری دارد، نه تأثیر بخش و مؤثر.

دیگر انواع نیز هر کدام ویژگی خاص خود را دارند و این انواع در نثر نیز مصداق پیدا می‌کند (کدکنی، ۱۳۷۲).

در نزد قدمای غربی انواع عمده ادبی حماسی، غنایی و نمایشی بوده که در دوران معاصر داستان بلند، داستان کوتاه، بیوگرافی، خاطره‌نویسی، مقاله‌نویسی و از این قبیل به آن افزوده شده است (کدکنی، پیشین: ۳۲).

۱-۳.علی‌شیر نوایی

۱-۳-۱. زندگی‌نامه علی‌شیر نوایی

شاعر توانا، ادیب نکته‌سنج، روشن‌ضمیر_ نظام‌الدین علی‌شیر نوایی در ۱۷ رمضان ۹/۸۴۴ فبروری ۱۴۴۱ در شهر هرات به جهان آمد. پدرش غیاث‌الدین کیچکینه از جمله‌ی حکمرانان میرزا ابوالقاسم بابر بود. نواییاز آوان کودکی به ادبیات عشق ورزید و موسقیی آموخت. در پانزده سالگی به زبان دری و ترکی شعر سرود و عنوان شاعر را به خود گرفت. در اشعار ترکی‌اش «نوایی» و در سروده‌های دری‌اش تخلص «فانی» را برای خود برگزید (کارگر، ۱۳۸۷: ٦۰).

هنوز نوایی هشت سال داشت که پدرش مجبور به ترک هرات گردیده عازم عراق شد؛ اما در زمان بابر میرزا با خانواده‌ی خود مجدداً به‌هرات بازگشت، بعد از فوت ابوالقاسم بابر میرزا سنه ۸٦۱ هجری چون سلطان ابوسعید میرزا بر وی کار آمد. اعمام نوایی به جرم هواخواهی بابر میرزا با خانواده‌ی خود تحت‌الحفظ به سمرقند فرستاده شد. در طول این مدت، نوایی در خانقاه خواجه جلالدین فضل‌الله ابواللیثی به ادامه‌ی تحصیلات پرداخت (کهزاد و دیگران، ۱۳۸٦: ۲۲۱).

پس از این‌که همدرس ایام کودکی‌اش سلطان حسین میرزا در ۸۷۳ه به تخت نشست و فرمان‌فرمای خراسان شد، علی‌شیرنوایی را به دربار دعوت کرد. نوایی هم این درخواست را پذیرفت و به هرات آمد و با عزاز تمام پذیرایی شد و «مهربردار شاهی» گشت؛ سپس وزیر اول شد. (ژوبل، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

داکتر ذبیح‌الله صفا در ۱۳۸۴/ ۴ «تاریخ ادبیات در ایران» در باره‌ی کرکتر، رویه و رفتار علی‌شیرنوایی که به اهل هنر و ادب داشت چنین می‌نویسد: "علی‌شیر نوایی مردی متواضع و با ادب و نیکوکار بود. با خلایق با مهربانی رفتار می‌کرد و خصوصاً با شاعران و اهل ادب و هنر معاشرت دایم داشت و در تربیت و تشویق آنان مبالغه می‌کرد و محضرش محل اجتماع آنان بود؛ خطاطان، نقاشان، مذهبان و موسیقی‌دانان در خدمت‌اش قرب و منزلت بسیاری داشتند و به همین سبب وجود او در رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین بایقرا تأثیر فراوان داشت و هم‌گامی سلطان با وی در این راه، هرات را در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بصورت یکی از بزرگ‌ترین مراکز ادب و هنر در تاریخ ایران در

آورد" (کارگر، پیشین: ٦٣).

۱-۳-۲.ادبیات در دوره شاهان تیموری هرات

شاهان تیموری بعد از تیمور لنگ بن تراغای برلاس، منسوب به دودمان چنگیز از نژاد قراجار نوین(حبیبی، ۱۳۸۹: ۲۴۸) بنیانگذار سلسله‌ی تیموریان در عرصه‌ی پیشرفت و ترقی علم، ادب و هنر پیشرفت چشم‌گیری داشتند و به شهادت تاریخ؛ فقط در عصر تیمور زادگان از جمله شاهرخ، حسین بایقرا و بابر بود که تا حدودی دانش‌های ادبی و برخی هنرها به شکوفایی رسید و بعضی بناهای مذهبی، قصرها و باغ‌هایی در هرات، مشهد، بلخ، کابل و قندهار تجدید عمارت و باسازی شد و یا از نو آباد گردید، که هر چند قدمی به پیش به‌حساب می‌آمد ولی نتوانست خاطره‌ی کله‌منارهای تیمور را از ذهن‌ها بزداید (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۰۹).

در باره‌ی اهمیت و ویژگی‌های شعر و هنر این دوره در مقدمه‌ی دیوان فانی به تصحیح عباس رستاخیز سانچارکی چنین آمده است: کانون شاعران و نویسندگان در هرات دوره تیموریان از سده نهم تا اوایل سده دهم هجری. به سبب تشویق و حمایت شاهان تیموری، دربار آنان همواره از اهل علم و ادب پر بوده است. آنان به دنیای شرق وحدت فرهنگی با شکوهی بخشیدند که ثمره‌های این فرهنگ در ادبیات فارسی و ترکی جغتایی، معماری، مینیاتوری، خوشنویسی و هنرهای مربوط به کتاب‌سازی و کتاب آرایی بسیار چشم‌گیر بود.

هرات، هرات عظمت بسیار پیدا کرد و این اعتبار، مرهون توجه شاهرخ و بایسنقرا و دیگر امیران تیموری به‌ویژه سلطان حسین‌بایقرا بوده است. رونق و عظمت هرات و نیز تجلیل پادشاهان تیموری از ارباب فضل و هنر سبب شد که هنرمندان، شاعران، نویسندگان و دانشمندان بسیاری از شهرهای مختلف به این مرکز فرهنگی بی‌آیند و با تجمع خود در این شهر، کانون فرهنگی معتبری به‌نام مکتب هرات پدید آورند (رستاخیز سانچارکی، ۱۳۹۵: چهل و هشت).

سلسله‌ی شاهان تیموری هرات تا دوره‌ی سلطان حسین بایقرا قرار ذیل است:

۱. تیمور بن تراغای (۷۷۱–۸۰۷ ه)؛
۲. شاهرخ بن تیمور (۸۰۷– ۸۵۰ه)؛
۳. الغ بیگ بن شاهرخ (۸۵۰–۸۵۳ه؛.
۴. عبدالطیف بن الغ بیگ (۸۵۳–۸۵۴ه)؛
۵. ابوالقاسم بابر بن بایسنقر بن شاهرخ (۸۵۱– ۸٦۱ه)؛
٦. ابوسعید کورگان بن محمد میرانشاه بن تیمور (۸٦۱–۸۷۳ه)؛
۷. سلطان حسین بن غیاث‌الدین منصور بن بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور (۸۷۳ – ۹۱۱ ه).(حبیبی،

پیشین: ۲۹۰).علی‌شیرنوایی تا آخرین روز حیات خویش به در بار سلطان حسین بایقرا خدمت کرد و بالاخره در ۱۱ جمادی‌الاول و بروایتی در ۱۳ ربیع‌الثانی سنه ۹۰۶ هجری در شهر هرات پدرود زندگانی گفت و جنازة او را در جامع عیدگاه نقل داده و در جوار مسجد جامع هرات در گنبدی که خود جهت مدفن خویش بنا کرده بود، به خاک سپردند و مراتب عزا داری نوایی از طرف سلطان حسین بایقرا بعمل آمد (کهزاد و دیگران، پیشین: ۲۲۲).

۱-۳-۳. عهد رنسانس خراسان

بخشی از این عهد مصاد ف است با وزیری علی‌شیر نوایی در دربار سلطان حسین بایقرا که نشان دهنده رشد ادبیات دراین دوره و هم سطحی این دوره با دوره رنسانس اروپا می‌باشد.

اولادی تیمور به جبران خرابی‌های پدر در عمران بلاد و احیایی مدنیت و فرهنگ اقدام کردند و بحدی وضع فرهنگی، مدنی و علمی را پیش بردند که کشور را به سویه فرهنگ رنسانس اروپا رسانیدند. بنابر عواملی که شبیه رنسانس غرب است. این دور را رنسانس خراسان می‌نامند باین دلایل:

۱. این عصر دور احیای مجدد ادبیات و هنر است؛ از وقفه‌ی یک‌صد ساله‌ای دوره‌ی مغول و تیمور که همه فعالیت‌های فرهنگی دچار توقف بود. در رنسانس قرن شانزدهم اروپا نیز علوم و فرهنگ پس از یک رکورد و خمود علمی قرون وسط دوباره احیا شد که رنسانس، خود همین معنی احیای مجدد را در بر دارد.

۲. در دوره‌ی تیموری یک نوع بازگشت به‌سوی آثار قدیمان و گذشته‌گاندورغزنه، سلجوقی و غوری دیده میشود. شاعران و نویسندگان از سبک‌هایآنعصرهاپیرویمی‌نمایند؛ مانند این‌که در رنسانس اروپا به آثار کلاسیک روم و یونان توجه شد.

۳. قریحت‌های آفاقی در این زمان پدید آمد، که یک نفر فاضل در چندین رشته می‌پرداخت؛ مثلا: جامی نثرنویس، داستان‌سرا، قصیده‌گوی، غزل‌سرا، عالم نحوی،فقه، مؤرخ ادبیات، فیلسوف، متصوف است و در هر کدام از این رشته‌ها آثاری دارد. بهزاد؛ نقاش، رسام، خطاط، تذهیب‌کار، میناتورساز بود. در اروپا نیز یک عالم به چندین رشته مشغول می‌شد: منجم، فزیک‌دان، نویسنده، رسام، شاعر، فیلسوف وغیره می‌بودند.

۴. تشویق خانواده‌های مغولی و تیموریان هرات و سمرقند، خانواده‌های فضل‌پرور سلطنتی و مشوقان علم و ادب از قبیل؛ شاهرخ، الغ‌بیگ، سلطان حسین بایقرا، بایسنقر و غیره دیده می‌شود که در اروپا نیز درین دوره خانواده‌ها و مشوقین علم و هنر و ادب دیده می‌شود از قبیل مدیسی‌ها و غیره.

۵. تقارن زمانی با رنسانس اروپا موجود است، که هر دو در یک دوره به‌وجود آمد و علت ارتباط این

دو، روی‌هم رفته عوامل ذیل است:

(۱) وجود تجارت بین شرق و غرب و جهان‌گردی سیاحانی چون مارکوپولو.

(۲) فتح قسطنطنیه به وسیله سلطان محمد فاتح ۱۴۵۳م که اهل علم و فضل و دانش و هنر و ادب بیزانس به کشورهای دیگر اروپایی پراکنده شدند.

(۳) وجود رابطه و نامه نگاری بین شاهان مغولی و تیموری با خلفای ترکیه‌ی عثمانی و سلطنت قسطنطنیه که مهاجرت برخی عالمان مانند؛ مولانا جلال‌الدین زمینه را مساعد ساخته بودند.

دوره‌ی تیموریان نه‌تنها از شاعران و هنرمندان خالی نیست؛ بلکه رونق علمی و هنری داشته از دوره‌های پرشکوه ادبیات افغانستان بیشمار می آید.

٦. نخستین خاصیت این دور رواج و انتشار شعر و ادب است؛ به علاوه پادشاهان و امیران شاعر، علی‌شیرنوایی یک صدو سی و دو تن شاعر را معرفی می‌کند. این میرساند که انتشار شعر و ادب به طبقه خاصی منحصر نبوده؛ بلکه شاعران میان تمام طبقات جامعه پراکنده بودند. علت آن‌هم علاقه و تشویق شاهان و امیران تیموری و پیش آمد حوادثی است که روحیه‌ی خاصی را که مناسب سرودن شعر است در مردم ایجاد کرده بود. در هر گوشه و کنار شاه‌زادگان و امیران خریداران شعر و ادب و علم بودند (رهین، ۱۳۸۵: ۵۹ – ٦۱).

۴-۱. بررسی اندیشه ادبی علی‌شیر نوایی

۴-۱-۱. آثار ادبی علی‌شیر نوایی

برای درک اندیشه ادبی نوایی ابتدا باید به آثار وی اشاره نمود، نوایی آثار زیادی در زبان دری و ترکی از خود به یادگار گذاشت که در بعضی کتاب ها تعداد اثرهایش را (۲۹) اثر دانسته اند (کارگر، پیشین: ٦۵). ولی در تاریخ تیموریان آثار شیر علی نوایی را ۳۰ اثر بیان نموده است. که ذیلا نام گرفته است:

۴-۱-۱-۱. دیوان غزلیات

چهار دیوان است مربوط به دوره‌های مختلف (چهار گانه) زندگانی:

الف) غرایب الصغرا؛

اشعار دوره‌ی جوانی شاعر بوده؛ مشتمل بر ٦۵۰ غزل، یک مستزاد، سه مخمس، یک ترجیع‌بند، یک مثنوی ۱۴۸بیتی، ۵۰ قطعه و ۱۳۳ رباعی که مجموعاً ۵۷۱۸ بیت است.

ب) نوادرالاشباب؛

اشعار متعلق به سنین ۲۰_۳۵ ساله‌گی شاعر است و ٦۵۰ غزل، یک مستزاد، سه مخمس، یک مسدس، یک ترجیع‌بند، ۵۰ قطعه و ۵۲ معما است که مجموعاً ۵۴۲۳ بیت می‌گردد؛ در ۱۹۵۹م در تاشکنت

چاپ شد.

ج) بدایع الوسط؛

اشعار حدود سنین ۳۵ و ۴۰ ساله‌گی شاعر است؛ شامل ٦٥٠ غزل، یک مستزاد، دو مخمس، دو مسدس، ۵۰ قطعه و ۸۵ فرد دارد و مجموعاً ۵۸۸۸ بیت است؛ در ۱۹٦۰م در تاشکنت چاپ شد.

۱-۴-۱-۲. خمسه

۱. حیرت ابرار؛
۲. فرهاد وشیرین؛
۳. لیلی و مجنون؛
۴. سبعة سیار؛
۵. سد اسکندری؛

۱-۴-۱-۳. دیگر آثار

۱. مثنوی لسان‌الطیر؛
۲. مجالس‌النفایس؛
۳. سراج‌المسلمین؛ در مسایل فقه حنفی که به سال ۸۸٦ ه مطابق ۱۴۸۲ م در حدود ۲۰۰ بیت سروده است.
۴. اربعین؛
۵. نظم‌الجواهر؛ ترجمه نثراللالی منسوب به حضرت علی (ع)، در ۸۹۰ ه / ۱۴۸۵ م سروده شده است.
٦. محبوب‌القلوب؛ به سالی ۱۳۲۵ ق مطابق ۱۹۰۷ م در بخارا به چاپ رسید.
۷. تاریخ انبیا؛
۸. تاریخ ملوک‌العجم؛
۹. خمسته‌المتحرین؛
۱۰. نسایم‌المحبه؛
۱۱. محاکمه‌اللغین؛ در ترجیح زبان ترکی بر زبان فارسی است. در ۱۸۴۱م در پاریس، ۱۳۲۷م در انقره، در ۱۳۲۷ش در تهران (به ترجمه فارسی) به چاپ رسید. این اثر بارها چاپ رسیده است.
۱۲. حالات پهلوان اسد؛
۱۳. حالات سید حسن اردشیر؛
۱۴. داستان شیخ صنعان؛

۱۵. مفردات در فن معما؛

۱۶. مناجات‌نامه؛

۱۷. منشأت ترکی؛

۱۸. دیوان دری؛

۱۹. منشأت دری؛

۲۰. میزان‌الاوزان؛ ۱۹۴۹م در تاشکنت به چاپ رسید.

۲۱. وقفیه؛

۲۲. رساله‌ی پندنامه؛

۲۳. رساله تیر اندازی؛ تألیف آن به علی‌شیرنوایی نسبت داده شده است، نوایی سروده‌های دیگر نیز دارد، که در تذکره‌ها ثبت است؛ از جمله دو رباعی که یکی به‌هنگام سفر حج عبدالرحمن جامی و دیگری در استقبال از بازگشت وی است (کارگر، پیشن:۷۱ – ۷۳).

۱-۴-۲.سبک ادبی علی‌شیر نوایی

نوایی از جمله شاعران قرن نهم بوده در باره‌ی سبک شعری و ادبی این قرن که مصادف با پایان سبک عراقی و آغاز سبک هندی می‌باشد، نظریات مختلفی موجود است؛ دکتر رکن‌الدین همایون‌فرخ در مقدمه‌ی خود بر دیوان نوایی در باره‌ی شعر نوایی چنین نوشته است؛ که اگر سقطات را هم بیست غزل به حساب آوریم از علی‌شیر نوایی حدودا ۵۰۵ غزل فارسی در دست است، که این مقدار شعر فارسی را از عنفوان جوانی تا زمانی که در اواخر عمر به تدوین دیوان پرداخته سروده و به همین علت؛ نباید انتظار داشت که تمام غزل‌های دیوان یک‌دست و یک‌نواخت و از نظر انسجام و سلاست و فصاحت و بلاغت یک‌سان باشند.

فانی هم مانند شعرا و گویندگان دیگر آثارش غث و ثمین دارد و مسلم است؛ اشعاری که نوایی در سنین جوانی سروده از نظر پخته‌گی، چگونه‌گی، مضامین و معانی به هیچ‌وجه به پایه‌ای غزلیاتی که در دوران کهولت پس از سالیان دراز، مطالعه و مداقه، بررسی و تتبع در آثار ادبی فارسی و عربی سروده است، نخواهد رسید.

نوایی، گذشته از این‌که در شعر فارسی دست داشته به زبان ترکی چغتایی از شعرای بی‌نظیر و بی‌بدیل است و همه استادی او را در آن زبان تأیید و تصدیق کرده اند.

با توجه به این نکته و این‌که نوایی شاعر خوش‌ذوق، خودمردی و سخن‌شناس بوده و تذکره‌ی مجالس‌النفاس او بهترین گواه این مدعا است.

فانی شیفته و فریخته‌ی خواجه شمس‌الدین محمد حافظ است و در مکتب عرفانی و ادبی خواجه سیر می‌کرده و به همین لحاظ بیشتر آثار او تتبع و استقبال از غزلیات خواجه است و چون مطالب عرفانی خواجه را به بهترین وجه درک و استنباط می‌کرده؛ از این رهگذر توانسته است غالبا استادانه از عهده‌ی تتبع و استقبال غزلیات خواجه بر آید. و برای نمونه چند غزل را به دست میدهیم:

غزل به مطلع:

ای گلشن جمال توام نوبهار عمر

و ز باده لاله رنگ درخت لاله زار عمر

در استقبال از:

ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر

باز آ که رخت بی‌گل رویت بهار عمر

به طوریکه از آثار نوایی مستفاد می‌شود علی‌شیر نوایی در اثر ممارست و تصفیح تتبع و مطالعه مداوم آثار خواجه اغلب تشبیهات و استعارات و اسطلاحات و کنایات و مضامین خواجه را در آثار خود منعکس ساخته و استادانه به کار برده است. و برای مثال چند نمونه می‌آوریم:

ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا

گو بیا سیل غم و خانه ز بنیاد ببر

(حافظ)

خانه توبه چو بنیاد نهادم بورع

سیل می گو رو و این خانه ز بنیاد

(فانی)

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید

که سالک بی‌خبر نبود زراه و رسم منزل‌ها

(حافظ)

در آمدی چو به دیر مغان به سجده بت

اشارت ار کندت پیر دیر روی مناب

(نوایی)

اگر به دست من افتاد فراق را بکشم

که روز هجر سیه باد و خانمان فراق

(حافظ)

شراب و عشق سیه کرد روزگار مرا

که روز عشق سیه باد و روز گار شراب

(نوایی)

مقام امن و می بیغمش و رفیق شفیق

گرت مدام مسیر شود زهی توفیق

(حافظ)

صراحیی و رفیقی و کنج میکده ایست

غرض زروضه و از حور و کوثرش تحقیق

(فانی)

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

(حافظ)

بنوش باده که بر عمر اعتمادی نیست

چنانکه نیست بنای زمانه را بنیاد

(نوایی)

ساقی بجام عدل بده باده تا گدا

غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند

(حافظ)

بده بدرد کشان جام عدل ایساقی

که هست درس یکقطره ماجرا و عناد

(فانی)

بعزم تو به سحر گفتم استخاره کنم

(حافظ)

بعزم تو به سحر کرد استخاره دلم

(فانی)

گذشته از این‌که فانی پیروی حافظ کرده در طرز سخن از مکتب جامی و خسرو و حسن دهلوی و

شیخ سعدی هم بسیار متأثر است و خود می‌گوید:

خسرو و حافظ تو را فانی اگر هادی اند

پیروی جامی‌ات هست به‌وجه حسن

و در علت این‌که چرا این همه در شیوه دیگران تتبع کرده چنین بیان می‌کند.

تتبع کردن فانی در اشعار

نه از دعوی و نی از خود نمایی است

چو ارباب سخن صاحب دلانند

مرادش از درد دل‌ها گدایی است

جز غزلیات مخترع مضامین دلنشین و دلچسب بسیار بکار برده و تشبیهات و استعارات نو برانگیخته است.

گاه ضرب المثل‌های دلپذیر و شیرین را با استادی درکلام خود آورده می‌توان گفت جز و امثال سایره زبان فارسی شده است مانند:

شد سر فراز گلشن سرو سهی مگر خواند

نقش نگین دولت «در راستی ورستی»

ساده دل واعظ که گوید هر چه آید بر زبانش

«ساده ترا آنکه این افسانه باور می‌کنند»

تتبع در آثار فانی این نتیجه را به‌دست می‌دهد که سبک خراسانی با سبک عراقی و سبک هرات آمیزش خاص یافته و از اختلاط این سه سبک که نماینده سه نوع طرز تفکر و اندیشه و تخیل هستند به فاصله پنجاه سال اساس و سرمایه سبکی شده است که به غلط آن را هندی می‌خوانند و در حقیقت باید آنرا سبک اصفهانی یا سبک صفوی خواند زیرا پس از انتقال مرکز قدرت از هرات به اصفهان گویندگان و دانشوران و دانشمندان از هرات متوجه اصفهان شدند و چون از آنها استقبال و اقبال نشده راه هند را پیش گرفته و به هند رفتند و همچنین پس از انقراض دولت سلطان حسین بایقرا و هجوم شیبانی خان گروهی از علما و دانشمندانی که در هرات میزیسته اند متوجه دربار بابر و ارغوان شاه شده به قندهار رهسپار گردیده اند.

طرز و روشی را که علی‌شیر نوایی و شعراء پیرو او بنیان گذاشته اند، نشر داده و در تعمیم آن کوشیده اند و چون شعرای فارسی زبان در هند پیرو آنان شدند. این سبک به هندی نام‌گذاری شد. به هر حال غزلیات فانی بهترین نمونه این سبک است و نشان دهنده طرز تفکر و تخیل ابتدایی طرزی

است که ما آنرا سبک هرات و یا اصفهان می‌خوانیم و این ابیات مبین آن است:

از خیال آن میان فکر محالی داشتم
بود اگر چه بس محال اما خیالی داشتم
بنای عشق را در دل شکاف سینه در باشد
الف‌ها پهلوی هم بر درش خط‌های دندانه
کشم خود را ز بهر سایه هر دم زیر دیواری
چو افتاد از نم تف‌های آهم سقف کاشانه
شب غم اختر اشکم نیامد در حساب ارچه
که شب تا روز اختر می‌شمارد چشم بیدارم

و در جای دیگر:

در گلستان عذارتو سر زلف بخم
هست چون هندویی دروی که کند گل‌چینی

چنانکه گفته شد در آثار فانی افکار و تخیلات و تشبهیاتی که بعدها بطور وفور و به‌حد شباع تا سرحد ابهام و ایهام و تعقید در آثار گویندگان هندی دیده می‌شود بصورت ابتدایی آمده است(همایونفرخ، ۱۳۴۲: چهار – هفت، بخش مقدمه).

مرحوم هاشم رضی در مقدمه عالمانه خود بر دیوان جامی چنین نوشته است: قرن نهم از پر هنگامه‌ترین ادوار ادبی در ایران به شمار می‌رود. برخی را نظر بر آن است که این دوره، گذشته از کمیت و تعداد شاعران، نویسندگان و هنرمندان از لحاظ کیفیت و ارزش نیز از پرمایه ترین ادوار محسوب می‌شود (رضی، بی تا: ۵۱).

استاد ذبیح الله صفا در باره آثار ادبی نوایی چنین می‌نگارد: "علی‌شیر، آثار متعدد دیگری به فارسی و ترکی دارد که مهم‌تر از همه‌ی آن‌ها دیوان فارسی او است که با تخلص فانی، شامل قریب به پنج هزار بیت از قصیده، غزل، مسدس، ترکیب، مقطعات و رباعیات؛غالب غزل‌های خود را به استقبال از شاعران پیش از خود، خاصه سعدی و حافظ، و بعضی از شعرای قرن نهم ساخته، و بعضی را نیز به صرافت طبع، سروده است و به روی‌هم کلام‌اش در شعر فارسی متوسط و ...است؛ولی چنان‌که ترکی‌شناسان گویند؛ در شعر ترکی سرآمد است. با این توضیح که شعر ترکی او از جمیع جهات در زیر سیطره و نفوذ شعر فارسی قرار دارد" (صفا، ۱۳۶۴ :۱۴۸)

۳-۴-۱. علی‌شیرنوایی، بنیان‌گذار ادبیات ترکی

علی‌شیر نوایی که به تعبیر مؤلف بابرنامه، "بی‌نظیر کسی بود و هیچ کس به اندازه‌ی او شعر ترکی نگفته بود"، با آفرینش‌های خود، ادبای ترک‌تبار را شیفته ساخت و از آن پس، رویش او از سوی هر آن‌کس از ترکان که اندک مایه از ادب در چنته داشت، الگو برداری شد، در اندک زمانی، آوازه‌ی کلام علی‌شیر به دیگر نقاط جهان هم رسید.

در واقع امیرعلی‌شیرنوایی با فراگرفتن همه میراث ادبی زبان فارسی، تمامی قواعد و همچنین مفاهیم آنرا در سرایش و نگارش ترکی به کاربرد. پاوه دو کورتی، مترجم بابرنامه به زبان فرانسه، اذعان داشته، سبک شعر علی‌شیر نوایی و تشبیهات او اساساً همان سبک فارسی است و چنین بر می‌آید که او به فارسی فکر می‌کرده و به ترکی می‌نوشته است. لوسین بوات، نویسنده‌ی کتاب تاریخ مغول (تیموریان)، نیز مشابه چنین اعتقادی داشته و اذعان نموده که؛ الهام، فرم و در پاره‌ای موارد خود عبارات علی‌شیر از زبان فارسی برگرفته شده اند (لیمائی، ۱۳۹۷).

دکتر ذبیح الله صفا، علی‌شیر نوایی را بزرگ‌ترین کسی دانسته که شعر ترکی را به حد اعلای کمال رسانده و توانسته است به همه‌ی انواع شعر فارسی از؛ مثنوی و قصیده و غزل و غیره، شعر ترکی بسراید و سرمایة وافری را دستمایة شاعران و نویسندگان متعدد بعد از خود کند (صفا، همان: ۱۴۸).

روایی ادبیات ترکی جغتایی در پایان عصر تیموری سبب شد که؛ شاعران ترکی زبان فارسی‌دان فارسی گوی ماوراءالنهر، بعضی‌ها دودیوان داشتن به دو زبان فارسی و ترکی، توسط علی‌شیر نوایی و فضلای بغدادی رونق یافت.

سبک علی‌شیر نوایی در نظم و نثر ترکی جغتایی به دلیل این که وی، اولین کسی بوده است که به موضوعات گوناگون و متفاوت به نظم و نثر، آثاری از خود باقی گذاشته است. بدون تردید خالی از ابتکار نیست؛ ابتکاری که در ادبیات ترکی، نوایی را همان مقام و منزلت می‌بخشد که رودکی در شعر فارسی دارد (فانی، ۱۳۹۵: هفتاد و چهار).

توجه ادبا به آثار علی‌شیر نوایی و هم‌چنین فزونی نسبی تعداد آثار وی سبب شد برای درک و فهم دشواری‌های احتمالی اصطلاحات و واژگان آثار او، فرهنگ لغت‌های متعددی نگاشته شود اگر چه شاید بهتفصیل سخن گفتن درباره‌ی این مبحث نتواند به طور مستقل به تبیین و بسط محور مقاله بی‌انجامد؛ اما ناگفته پیداست که این مهم خود می‌تواند بیان کننده‌ی بخشی دیگر از اثر بخشی‌های مکتب‌ساز علی‌شیر نوایی باشد. گفتنی است برخی از این فرهنگ‌نامه‌ها را فارسی زبانان و بعضی دیگر آن‌ها را ترک زبانان مدون نموده اند؛ و از آن جمله می‌توان به بدایع‌اللغت که توسط طالع ایمانی هروی

در سال (۱۰۸۴ ه خ/ ۱۶۷۳ – ۱۶۷۴م) نگاشته شده است اشاره داشت (لیمائی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

نظام‌الدین علی‌شیر بن غیاث‌الدین کیچکینه؛ نویسنده، شاعر، ادیب، تاریخ‌نگار، سیاستمدار و وزیر دربار سلطان حسین بایقرا، پادشاه تیموری هرات در ۱۷ رمضان ۸۴۴ ه.ق در شهر هرات به دنیا آمده و در ۱۱ جمادی‌الاول و به روایتی در ۱۳ ربیع‌الثانی سنه ۹۰۶ هجری در هرات از دنیا رفته و جنازه‌ی او در جوار مسجد جامع هرات به خاک سپرده شده است.

اشعار علی‌شیر نوایی به دو زبان ترکی و فارسی سروده شده و از این رو او "ذوالسانین" لقب داده اند، وی در اشعار ترکی (نوایی) و در اشعار فارسی (فانی) تخلص کرده است.به قول محققین؛نوایی چهار دیوان (غرایب‌الصغرا، نوادرالشباب، بدیع‌الوسط، فوایدالکبر) به ترکی و خمسه‌ای به تقلید از پنج گنج نظامی گنجه‌ای به ترکی تحریر کرده است، که شامل مثنوی‌های حیرت‌الابرار در برابر مخزن‌الاسرار، فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون، سبعه سیاره در برابر هفت گنبد، سد سکندری و علاوه بر این‌ها؛ مجالس‌النفائس را در شرح حال شاعران عهد خود به ترکی نوشته است.

دیوان فارسی که با تخلص "فانی" سروده است شامل قریب به ۵۰۰۰ بیت است. او بیشتر غزل‌های خود را به استقبال از شعرای متقدم، سعدی، حافظ و برخی شاعران قرن نهم ساخته است.

آن‌چه را که در نهایت امر می‌توان یاد آور شد، این است: سبک علی‌شیر نوایی در نظم و نثر ترکی جغتایی به دلیل این‌که نخستین کسی بوده است که به موضوعات گوناگون و متفاوت به نظم و نثر آثاری از خود باقی گذاشته است، خودش یک نوع ابتکار ادبی و ابداع ادبی در ادبیات ترکی می‌باشد.

اندیشه ادبی نوایی در تتبع و تقلید از شاعران چون حافظ، سعدی و دیگر پیش‌کسوتان شعر فارسی ما را با حقایق تاریخی و نتایج جامعه‌شناختی بسیار جالب توجهی در قلمرو فرهنگ و تاریخ قلمرو فارسی زبانان آشنا می‌کند؛ از سوی دیگر، بررسی تطبیقی شعر این دسته از شاعران با یکدیگر نیز موضوعات مهم از جهت سبک‌شناسی ادب فارسی را فرا روی ما می‌گذارد که مهم و دست‌آورد بزرگ در راستای ادبیات می‌باشد.

فهرست منابع

الف) کتب

۱. انصاری، فاروق، فشرده تاریخ افغانستان،کابل: امیری، چ سوم، ۱۳۹۰؛

۲. حبیبی، عبدالحی، افغانستان از قدیم‌ترین ایام تا خروج چنگیز، ایران: دنیای کتاب، چ اول، ۱۳۸۹؛

۳. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۵؛

۴. رستاخیز سانچارکی، سید عباس،دیوان فانی، کابل: امیری، چ اول، ۱۳۹۵؛
۵. رضی، هاشم، دیوان کامل جامی، تهران: پیروز، چ اول، ۱۳۵٦؛
٦. رهین، پروفیسور رسول، سرگذشت زبان فارسی دری، سویدن: شورای فرهنگی افغانستان،۱۳۸۵؛
۷. ژوبل، محمد حیدر، تاریخ ادبیات افغانستان، کابل: میوند، ۱۳۸۸؛
۸. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی؛ انتشارات تابش، ایران؛ چ سوم، ۱۳۸۷؛
۹. صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات درایران، ایران: فردوسی، چ چهارم، ۱۳٦۴؛
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ایران: سپهر، چ بیست و نهم، ۱۳۸۷؛
۱۱. کارگر، عبدالله، تیموریان،بی‌جا، الازهر، ۱۳۸۷؛
۱۲. کهزاد، محمد علی، زهما، علی محمد؛ نعیمی، علی احمد؛ صفا، خان محمد ابراهیم؛ غبار، میرغلام خان، تاریخ ادبیات پنج استاد، کابل: اقراء، ۱۳۸۷؛
۱۳. همایون‌فرخ، رکن‌الدین، دیوان نظام‌الدین علی‌شیر نوایی، تهران: کتابخانه، چ اول، ۱۳۴۲؛

ب) مقالات و سایت‌ها

۱. اللهی، اکرم نعمت، ادبیات چیست؟، تبیان: ۱۳۹۱ http/ www. Tebyan.net
۲. کدکنی، شفیعی، انواع ادبی و شعرفارسی، فصلنامه‌ی رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۳۲، سال ۱۳۷۲؛
۳. لیمائی، نعمتی، شخصیت علمی_ادبی علی‌شیر نوایی و اثربخشی مکتب او، فصلنامه‌ی علمی_پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، شماره ۵۳، سال ۱۳۹۷؛

نقش علی‌شیر نوایی در دستگاه قدرت سلطان حسین بایقرا

ضیاءالدین جمال

چکیده

علی‌شیر نوایی، عالم و سیاست‌مدار قرن پانزدهم میلادی است. او در دولت سلطان حسین بایقرا جای‌گاه بلند سیاسی داشت و از نظر قدرت و صلاحیت بعد از سلطان در رده‌ی دوم قرار داشت. نوایی در منصب‌های مختلف دولتی و از جمله مهرداری، امیر دیوان اعلی، نایب‌الحکمه استراباد و ندیم و مشاور خاص سلطان حسین بایقرا کار کرد. وی در موقف‌های یاد شده کارکردهای مه‌میداشت؛ نقش چشم‌گیری در حل تنش‌های سیاسی و برقراری نظم در قلمرو تیموریان بازی کرد. همچنان او به حیث یک دولت‌مرد، حمایت‌گر علما، شعرا و هنرمندان دوره‌اش بود و تلاش‌های زیادی بخاطر توسعه‌ی علم، ادبیات و هنر انجام داد. همچنان نوایی، با استفاده از امکانات شخصی و دولتی عمارت‌های زیادی از جمله مسجد، رباط، مدرسه، خانقاه، پل و دیگر بناها را با ظرافت هنری که در دوره‌اش معمول بود، بنا کرد. این مقاله در پی بررسی موضوعات فوق، جای‌گاه سیاسی نوایی در عهد سلطان حسین و کارکردهای وی در عرصه‌ی دولت‌داری میباشد.

واژه‌های کلیدی: علی‌شیر نوایی، سلطان، سلطان حسین بایقرا، هرات، تیموریان و دولت.

مقدمه

در قرن پانزدهم میلادی جهان غرب که در خواب قرون وسطی به سر میبرد، آغاز به جهش بسوی تعالی تمدنی و فرهنگی میکرد و دوران را که بنام رنسانس یاد می‌شود، آغاز نمود. در طی آن در محیط تاریک و بسته‌ی آن روز اروپا، اکتشافات عل‌میو جغرافیایی به تدریج اتفاق می‌افتاد.این جنبش با فتح قسطنطنیه توسط ترک‌های عثمانی و کشف امریکا سرعت چشم‌گیر یافت. بعد از آن اروپا وارد دوره‌ی

نوینی شد که تاریخ‌نگاران غربی آن‌را به‌نام قرون جدیده یاد می‌کنند. اما در جهان اسلام در دورانی که اروپا در تاریکی قرون وسطی به سر می‌برد، فضایی نسبتا درخشان فرهنگی و تمدنی حاکم بود؛ اما بعد از یک دوره شگوفایی فرهنگی، ممالک اسلامیه اثر حمله‌ی چنگیز خان از پا درآمد و وارد مرحله‌ای از رکود و ایستایی فرهنگی و تمدنی گردید. این دوران از پا افتادگی در بخش بزرگ از جهان اسلام الی ظهور دولت گورگانی ادامه یافت.

دولت گورگانی یا تیموری که بیش از یک‌صد و بیست سال عمر کرد، سال‌ها ۱۳۸۰ الی ۱۵۰۷ میلادی را در بر می‌گیرد. شصت سال اخیر عمر این دولت به قول اروپایی‌ها جز تاریخ قرون جدیده می‌شود. تحولات درخشان فرهنگی و تمدنی در دوران تیموری به دلیل این‌که هم‌زمان با تحولات عل‌میاروپا در دوره‌ی رنسانس اتفاق می‌افتید، مؤرخان نیز آن‌را به رنسانس شرق تعبیر کرده‌اند. میراث تیموری‌ها تنها به حکومت باشکوه خراسان و ماورالنهر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دولت بابریهند نیز امتداد شاخه‌ی از این دودمان بود و آنها نیز در تاریخ سرزمین هند دوره‌ی درخشانی را به خود اختصاص داده اند. هم‌چنان فرهنگ و حکومت‌داری گورگانی‌ها روی سلسله‌ی صفوی ایران و حتی دولت عثمانی نیز تأثیر گذاشته بود. به تعبیر دیگر اصفهان و دهلی در نقش پای هرات در شُون فرهنگی و اجتماعی قدم برمی‌داشت (علم و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۰).

بنیان‌گذار سلسله‌ی تیموریان، امیر تیمور کورگانی بود. او در شهر کیش (شهر سبز امروزی) تولد شد و پدرش یکی از اشراف نظامیو از اعیان قبیله‌اش محسوب می‌گردید. تیمور در سال ۱۳۷۰ با پایتخت قراردادن سمرقند به فتوحات پرداخت و در نتیجه‌ی یورش‌های نظامی؛ دامنه‌ی امپراتوری وی به ماورالنهر، خوارزم، حوالی بحیره‌ی کسپین، هندوستان،عراق، قفقاز جنوبی و قسمت‌های از آسیای غربی وسعت یافت. او در سال ۱۴۰۴ زمانی‌که به چین تصمیم لشکرکشی داشت، از دنیا رفت (کارگر، ۱۳۸۷: ۲). امیر تیمور چهار پسر داشت و به‌جز شاهرخ میرزا همه در زمان حیات وی فوت کردند. شاهرخ بعد از مرگ پدر در سال ۱۴۰۴ در شهر هرات به تخت سلطنت نشست و تا سال ۱۴۴۷ یعنی بیش از چهل سال حکمروایی کرد. در زمان وی پسراش الغ‌بیگ در سمرقند حکم می‌راند (کارگر، ۱۳۸۷: ۴). الغ‌بیگ به علم نجوم علاقه‌ی زیادی داشت و خود نیز در این علم وارد بود. به دستور او در سمرقند رصدخانه‌ی ساخته شد که بنام زیج الغ بیگ و زیج سلطانی یاد می‌گردید. وی در سال ۱۴۴۹ از طرف پسراش عبدالطیف به قتل رسید. بعد از شاهرخ و همزمان با الغ‌بیگ، بایسنقر پسر دیگر شاهرخ در هرات و توابع آن حکومت می‌کرد و از چهره‌های تأثیرگذار تیموری حساب می‌شد. هرچند هرات بعد ازشاهرخ میرزا دستخوش حوادث زیاد بود و سرنوشت آرامینداشت و تا زمان سلطنت سلطان

حسین بایقرا حکومت مقتدری در آن‌جا شکل نگرفت،اما با وجود آن شاهرخ، همسراش ملکه گوهر شاد و پسران اش الغ‌بیگ و بایسنقر در دوران مورد بحث، در زمینه توسعه‌ی فرهنگی و بنای عمرانات توجه زیاد نمودند (علم و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۰). در فاصله بین حکومت شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، ابوالقاسم بابر فرزند بایسنقر در هرات نیز حکومت کرد و دوران وی از نظر رشد فرهنگی همچنان دارای اهمیت میباشد.

سلطان حسین بایقرا فرزند غیاث‌الدین منصور فرزند امیرزاده بایقرا فرزند عمر شیخ بهادر فرزند امیر تیمور گورگانی، در جون ۱۴۳۸ در شهر هرات بدنیا آمد و در سال ۱۴۶۹ همچنان در هرات به تخت پادشاهی نشست. دوران حکومت او که حدود چهل سال عمر داشت، یکی از مقتدرترین دولت‌های تیموری بود. سلطان حسین بایقرا حامیبزرگ علم و فرهنگ و طرفدار سرسخت ادبیات، صنعت و هنر بود. با وجودی‌که دوران نسبتا طولانی حاکمیت وی درگیر جنگ با همسایه‌ها و رقبای داخلی‌اش بود؛ بازهم تلاش ورزید تا به سیاست، معارف و هنر نیز بپردازد. او در این راستا کارهای زیادی انجام داد و مدارس چون سلطانی، بدیعیه و اخلاصیه را ایجاد کرد. به اثر تلاش‌ها و حمایت‌های او علم، هنر و ادبیات پیشرفت چشم‌گیر نمود (کارگر، ۱۳۸۷: ۴۵). از جمله خوش بختی‌ها سلطان مذکور حضور امیر و ندیم دانشمند چونعلی‌شیر نوایی در دربارش بود؛علاوه بر وجود نوایی، در دربار وی عالمان و شاعران زیادی تجمع داشتند، از جمله مولانا عبدالرحمن جامی، مؤرخ‌های مشهور عصر میرخواند و خواندمیر، صورتگر و نقاش معروف بهزاد، خوش‌نویس شهیر سلطان علی مشهدی و دیگران در آن زمان و در کنار سلطان حسین بسر می‌بردند (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

روابط نوایی با سلطان حسین بایقرا

نظام الدین علی‌شیر نوایی در ۱۷ رمضان ۸۴۴ ق برابر با ۹ فبروری ۱۴۴۱ در شهرت هرات به دنیا آمد. نیاکان نوایی در دستگاه تیموریان هرات از جمله عمر شیخ فرزند امیر تیمور معزز و محترم بودند. پدراش غیاث‌الدین کیچکینه، از جمله رجال دولت میرزا ابوالقاسم بابر و سلطان ابوسعید میرزا بود (کارگر، ۱۳۹۰: ۵۳). مادر علی‌شیر در دربار تیموریان دایه بود و به همین دلیل فرزندانش نسبت به سلطان حسین بایقرا پیوند کوکلتاش یا برادر رضاعی داشت. در کودکی؛ دوره‌ي که سلطان حسین در خدمت ابوالقاسم بابر به سر می‌برد،علی‌شیر همراه و ملازم شبانه‌روزی میرزا بود و همراه او در یک مکتب درس می‌خواند. آن دو در روزگار هم درسی پیمان بستند که اگر بر سر هریک از آن دو همای سعادت نشست و دولتمند شد، از حال دیگری غافل نباشد. برمبنای همین پیمان وقتیکه سلطان حسین بایقرا به قدرت رسید، نوایی امیر و ندیم بلند مرتبه‌ی او شد. اما بسیاری مؤرخان در مورد صحت این

عهد تردید دارند. به قول آنها این داستان نمی‌تواند با زندگی در مکتب هرات تطبیق داده شود. چرا که سلطان حسین بایقرا در مکتب، یک شهزاده‌ی تیموری بود و علی‌شیر فرزند دایه‌ی آن خاندان و آن دو نمی‌توانستند باهم این چنین نزدیک باشند (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳: ۳).

نوایی سرنوشت نا آرامیداشت، بعد از وفات شاهرخ میرزا در سال ۱۴۴۶ کشمکش‌های زیادی در هرات واقع شد. پدر علی‌شیر مجبور گردید که با خانواده‌اش به عراق مهاجرت کنند. اقامت نوایی در عراق پنج سالطول کشید و او در این مدت به آموختن ادامه داد و با مؤرخ و نویسنده‌ی معروف تیموری، مولانا شرف‌الدین علی یزدی نیز آشنا شد. در سال ۱۴۵۲ زمانی‌که میرزا ابوالقاسم بابر هرات را تصرف کرد، خانواده‌ی نوایی به هرات برگشتند (کارگر، ۱۳۸۷: ٦۰). ورود نوایی به دربار ابوالقاسم بابر، علاوه از تماس دوباره با سلطان حسین بایقرا، باعث پیشرفت وی در تحصیل علوم متداوله نیز گردید. نوایی با ذکاوتی که داشت، طرف توجه و علاقه‌ی بابر واقع شد، به حدی که او را به‌نام فرزند یاد می‌کرد. این فرصت برای علی‌شیر دانش آموز، موهبتی مغتنم بود؛ زیرا وی توانست در جمیع فنون ادب و صنایع شعری، لیاقتی به‌هم رساند و در ادب و شعر چیره دست گردد. نوایی همراه بابر میرزا از هرات به طوس رفت و تا مرگ وی یعنی تا سال ۱۴٦٦ در طوس و مشهد باقی‌ماند (نوایی، ۱۳۹۵: ٦۰).در این مدت نوایی همچنان به آموختن منطق، فلسفه، ریاضی و سایر علوم پرداخت. بعدا برای مدت سه سال به سمرقند رفت و با علمای مشهور آن‌جا نیز معرفت حاصل کرد (کارگر، ۱۳۸۷: ٦۱).

زمانی‌که نوایی در سمرقند به سر می‌برد، سلطان حسین بایقرا در هرات مقام سلطنت تیموری را بدست آورد. او به محض صعود بایقرا به مقام پادشاهی، سمرقند را به قصد هرات ترک کرد و وارد دربار سلطان شد. گرچه مطابق روایات تاریخی، روابط میان بایقرا و نوایی از آوان کودکی وجود داشت و شهرت عل‌میعلی‌شیر در نزد سلطان حسین برای وی جایگاه محترمیبخشیده بود؛ اما نویسنده‌گان مقاله بررسی نقش علی‌شیر نوایی در کشاکش‌های سیاسی دوره سلطان حسین بایقرا،می‌نویسند که حضور نوایی در دربار بایقرا زمانی آغاز شد که او پس از ورود به هرات قصیده‌ی برای سلطان سرود و مورد توجه وی قرار گرفت. آن‌ها این اتفاق را شروعی برای حضور نوایی در عرصه‌ی سیاسی دوران بایقرا می‌دانند (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:۴). ورود نوایی در دربار به هر شکلی که باشد، در مدت کوتاهی همه کاره‌ی سلطان شد. او نزدیک به سی و سه سال در دولت بایقرا فعالیت کرد و مقام‌ها بلند رسمیو غیر رسمی، از جمله مقام مهرداری، امیر دیوان اعلی، حکومت استرآباد و مشاور سلطان را به‌دست آورد. نوایی در سایه‌ی جای‌گاه بلند سیاسی که به‌دست آورده بود، فعالیت‌های زیادی در عرصه‌ی توسعه‌ی فرهنگی و عمران انجام داد و همه‌ی فضلا و شعرایدوره‌اش را حمایت کرد.

نوایی و منصب مهرداری

مهر یعنی نشانه، خاتم یا علامت، و مهردار، یعنی نگهدارنده‌ی مهر. مهردار، کسی بود که مهر پادشاهان به او سپرده می‌شد و او علاوه بر نگهداری مهرها، مهر کردن اسناد و ارقام را نیز بر عهده داشت. در دوران تیموری و خصوصاً در عصر بایقرا، مهرداری مقام ارجمندی بود و دارنده‌ی مقام مذکور تماس بسیار نزدیک با سلطان داشت. در آغاز دوره‌ی تیموریان این منصب را ایگوتیمور یکی از ملازمان امیر تیمور به عهده داشت و با مرگ وی مهر خاصه و پروانه به خویشاوندان او یعنی شاه ملک رسید. ایگو و شاه ملک از سرشناس‌ترین امیران تیمور بودند (ساسان‌پور و عیوضلو، ۱۳۹۰: ۵۵).

بعد از این‌که نوایی وارد دربار سلطان حسین شد، سلطان برای وی وظیفه‌ی مهرداری را پیشنهاد کرد. نوایی این منصب را با اصرار وی پذیرفت؛ اما آن‌را موافق با شأن خوداش نمی‌دانست. زیراکه در ترتیب نشستن ارکان دولت و امیران قبایل در جلسات دولتی، نوایی بر حکم مقام دولتی‌اش در جایی می‌نشست که مورد قبول وی نبود. امیران قبیله‌ی اویغور (قبیله نوایی) به رسم ترکان و مغولان در دربار در قطار امیران دیگر می‌نشستند. نوایی با این‌که از نظر قدرت پس از سلطان قرار داشت، اما مطابق این رسم باید پس از سرداران می‌نشست و مهر مربوط به خود را نیز در فرمان‌ها پس از مهر آن‌ها کوبیده می‌شد. او چنین امری را بر نمی‌تافت و سلطان هم نمی‌توانست این ترتیب نشستن سرداران را تغییر دهد (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:۵). جای‌گاه نوایی در دربار سلطان حسین بنابر وظیفه‌ای نبود که او بر عهده داشت؛بلکه بنابر صمیمیتی که میان او و سلطان وجود داشت و بر اساس تبحر که در علم از خود تبارز می‌داد، کسب جای‌گاه کرده بود. بنابر این، تلاش می‌ورزید از همه مناصب دولتی کنار برود و تنها ندیم سلطان باقی بماند (بارتولد، ۱۳۴۶: ۲۲). نوایی پس از مدتی از مقام مهرداری استعفأ داد و از سلطان خواست که این منصب را به امیر نظام‌الدین شیخ احمد سهیلی واگذار کند. سلطان این درخواست وی را قبول کرد (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:۵).

نوایی در مقام امارت دیوان اعلی

نوایی به منظور اینکه هیچ مقام رس‌میدولتی نداشته باشد، از منصب مهرداری استعفا داد. او ترجیح می‌داد به صفت ندیم سلطان و به‌صورت آزاد در امور دولتی نفوذ داشته باشد و با استفاده از این نفوذ، کارهای در حمایت از علم و فرهنگ انجام دهد؛ اما سلطان حسین علاقمند بود که او به‌صورت رسمیبخشی از مسوولیت‌های او را به‌دوش بگیرد و در چوکات دولت به فعالیت بپردازد؛اما بعد از این‌که نوایی از منصب مهرداری استعفأ داد. سلطان بخاطر تفویض جای‌گاه مناسب شأن وی، مقام امارت را برایش پیشنهاد کرد. علی‌شیر نوایی ابتدا از پذیرش این مقام خود داری کرد و گفت: من حالا

در جرگه‌ی ایجیکیان خلافت انتظام دارم و صاحب منصبی نیستم، از جمع امرای عظام بر سریر پایه‌ي احتشام نزدیک‌تر می‌نشینم و اگر متصدی منصب امارت شوم، مقرر است که به حسب قدر بعضی از امرای برلاس و ارلات بر من تقدیم خواهند نمود. پس تکلیف امر امارت دون مرتبه‌ي من باشد (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:۵). اما به اصرار سلطان او این مقام را پذیرفت و در فبروری ۱۴۷۲ رسما عنوان امیر یا بیگ را اختیار کرد، هرچند قبلا نیز مردم عادت داشتند که او را با این لقب یاد کنند. اعطای این لقب به امر سلطان قبل از نوایی تنها به مظفر برلاس تعلق داشت. به قول بابر، مظفر مذکور هنگام لشکرکشی‌ها سلطان حسین خدمات گران‌بهای به او نموده بود و به قول خواندمیر به مرگ طبیعی از دنیا رفت (بارتولد، ۱۳۴۶: ۲۳).

علی‌شیر نوایی در مقام امارت دیوان اعلی دارای صلاحیت‌های وسیع بود و بعد از سلطان دومین شخص قدرتمند در دولت تیموری محسوب می‌گردید. زمانی که سلطان در پایتخت حضور نمی‌داشت، وی به نیابت از او، امور دولت را اداره میکرد. به عنوان مثال وقتیکه سلطان بخاطر سرکوب میرزا ابوبکر پسر ابوسعید از هرات بیرون شد، برگشت پیروزمندانه سلطان از طرف نوایی که نیابت سلطنت را به عهده داشت، با تشریفات رسمیمورد استقبال قرار گرفت (بارتولد، ۱۳۴۶: ۲۴). بایقرا در همه امور با علی‌شیر نوایی مشورت میکرد و بدون رایی او به هیچ کاری نمی‌پرداخت. بنابر همین نفوذ که بالای سلطان داشت، او را با لقب مقرب الخاقانو مقرب حضرت سلطانی یاد می‌کردند (نوایی، ۱۳۹۵: ٦۳).

نوایی در اکثر اغتشاشات و اختلافات که در عصر بایقرا اتفاق می‌افتاد، جهت فرونشاندن آن از طرف سلطان مامور می‌گردید. زمانی که مردم هرات در پی وضع مالیات سنگین سر به شورش برداشته بودند، بایقرا، او را به‌خاطر خاموش ساختن آن مؤظف کرد. نوایی بخاطر فرونشاندن شورش، مالیاتغیر قانونی را براه انداخت و همه مامورانی را که با گرفتن عوارض غیر قانونی باعث عصیان مردم شده بودند، بازداشت کرد. سپس پیشه‌وران و روستاییان هرات را برای دو سال از پرداخت مالیات و عوارض معاف کرد. این اقدامات او هرچند مردم عادی مملکت را راضی کرد و شورش را خاموش ساخت، اما دشمنی مامورین امور مالیات را علیه وی برانگیخت (نوایی، ۱۳۹۵: ٦۳).هم‌چنان موردی دیگری که با مداخله‌ی نوایی حل‌وفصل شد، اختلاف شیعه و سنی ایجاد شده در زمان بایقرا بود. مردم در اعتراض به خطبه‌ی نماز عید که به‌نام دوازده امام خوانده شد، سروصدا انداختند. سلطان خشمگین شد و به نوایی گفت که مردم هرات بسیار بی‌حیا و بی‌ادب بوده‌اند و بی‌ادب هم شده‌اند، باید اکثر ایشان را به جزا رسانید.علی‌شیر عرض نمود که هرگاه نواب پادشاهی خواسته باشند،باید که این خیال را به خاطر

شریف راه ندهند. مشوره‌ی نوایی در این زمینه را بعضی از پژوهشگران مخالفت او با رسمیت یافتن تشیع در دولت سلطان حسین می‌دانند. البته نوایی چنین مشوره‌ی را در مخالفت با مذهب تشیع ابراز نکرده بود؛ بلکه او می‌خواست جنجال وسعت پیدا نکند و خطری برای تاج و تخت سلطان ایجاد نشود(لیمایی و حسنی، ۱۳۹۱: ۸۴).

تلاش‌هاعلی‌شیر نوایی بخاطر از بین‌بردن اختلافات میان سلطان و پسرانشنیز در خور توجه می‌باشد. طوری‌که سلطان حسین بایقرا، بدیع‌الزمان پسر ارشد خود را به حکومت بلخ گماشت. او که قبلا حاکم استرآباد بود، به‌جای خود پسر خود را_مومن میرزا_ تعین کرد. در حالی‌که سلطان مقام حکمرانی استرآباد را به پسر دیگراش، مظفر حسین میرزا سپرد. بدیع‌الزمان برای پسراش نوشت که در حاکمیت مذکور باقی بماند و تسلیم کاکایش نشود. به این ترتیب جنگ میان آن‌ها واقع شد و مومن میرزا گرفتار گردید. بدیع‌الزمان در مخالفت با این رویدادها، در بلخ به ضد پدر سر شورش بلند کرد. سلطان می‌خواست با استعمال قوه‌ی نظامیپسراش را سرکوب کند، اما نوایی اصرار کرد که موضوع را از راه مذاکره حل نماید. او به‌منظور حل اختلاف و جلوگیری از جنگ میان آن‌ها به بلخ رفت. تلاش‌های او در این راستا به دلیل افشا شدن طرح دستگیری بدیع‌الزمان از طرف بایقرا، بی‌نتیجه ماند و دست خالی به هرات برگشت (علم و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۸).

علی‌شیر نوایی خود را از چند جهت برای ایفای نقش اساسی در حکومت محق می‌دانست. از سویی به عنوان دوست و مصاحب سلطان و با شناختی که از روحیه‌ای او داشت، می‌کوشید بر او تأثیر بگذارد. هم‌چنان نوایی نماینده‌ی طبقه‌ی اشراف نظامیبود؛هرچند برخی از امیران دیگر قبایل مانند قبیله‌ی برلاس از وی بالاتر بودند و در سلسله‌ی مراتب قبیله‌یی می‌بایست از آنان فروتر نشیند؛ اما این جای‌گاه به او حق می‌داد تا بنابر سنت دیرینه‌ی امیران ترک، خواستار برتری جویی آشکار و پنهان بر نهاد دیوان‌سالاری و قدرت دولتی باشد (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:٦).علی‌شیر نوایی در عزل و نصب وزیران و امیران دربار سلطان حسین بایقرا مداخله می‌کرد و رای وی در اکثر اوقات روی تعینات سلطان مؤثر واقع می‌شد. بسیاری وزیران بایقرا به مشوره‌ی او تعین و بعدا با خواست او عزل و در مواردی محاکمه شده‌اند.

برخی از نویسنده‌گان امروزی ایران، مخالفت نوایی با بعضی از وزرای ایرانی‌تبار بایقرا را ناشی از برخورد او با فرهنگ و نژادی ایرانی می‌دانند. نویسنده‌گان مقاله‌ی بررسی نقش علی شیر نوایی در کشاکش‌های سیاسی دوره‌ی سلطان حسین بایقرا ادعا دارند که نوایی با وزرای اختلاف می‌ورزید که آنها نماینده‌ی فرهنگ ایرانی و زبان فارسی محسوب می‌شدند. به نظر آن‌ها نوایی تلاش می‌ورزید تا

در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ، ترکان را نسبت به ایرانیان در جایگاه برتر بنشاند؛ اما نوشته‌های در مورد زندگی و کارنامه‌های نوایی، برعکس از خدمات گرانبهای او به زبان و ادبیات فارسی حکایت دارند. نویسنده‌گان مقاله‌ی مذکور در ادامه‌ی بحث‌شان و با تماس به کارهای عل‌میو ادبی نوایی در زبان فارسی، خود در مورد ادعای شان تردید می‌نمایند (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:۷). برخی از پژوهشگران دیگر علت مداخله‌ی نوایی در امر تعیین و عزل وزیران را در زیاده‌طلبی و قدرت‌خواهی او جستجو می‌کنند و آن‌را قومینمی‌دانند. به قول آن‌ها اگر او مخالف تاجکان می‌بود، هیچ‌گاه با افرادی چون جامی، خواندمیر، میرخواند، واصفی، عبدالله مروارید و دیگران طرح دوستی صمیمانه نمی‌ریخت و تلاش در جهت رشد و اعتلای موقعیت آنان، پیشه نمی‌کرد. در ضمن، در برهه‌های خشمعلی‌شیر دامان بزرگان ترک را نیز می‌گرفت، سرنوشت امیر جهانگیر برلاس و امیر محمد برندق که هم‌زمان با برکناری خواجه مجدالدین محمد از وزارت، دست‌گیر و در بند شدند، قابل یادآوری می‌باشد (لیمایی و حسنی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

دولت سلطان حسین بایقرا بیش از ده وزیر خورد و بزرگ را تجربه کرد که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به خواجه علی صانعی، خواجه نظام‌الملک خوافی، خواجه افضل‌الدین محمد کرمانی و خواجه مجدالدین خوافی، اشاره کرد؛ آن‌چه روشن است، نوایی در فراز و فرود موقعیت سیاسی و حتی در چگونگی ادامه‌ی زندگی و حیات هریک از این وزیران نقش عمده‌ی ایفا نموده بود (لیمایی و حسنی، ۱۳۹۱: ۹۲).

اولین مخالفت نوایی با خواجه صانعی روی داد. او به اثر مخالفت وی از عرصه‌ی سیاسی و وزارت کنار زده شد و به زندان افتید. مهم‌ترین نزاععلی‌شیر نوایی با مجدالدین خوافی می‌باشد. مجدالدین که از مقامات دولت سلطان حسین بود، در زمانی‌که نوایی مقام امارت را به عهده داشت، به اوج ترقی رسید. هرچند که در ملازمت و همرایی نوایی به‌سر می‌برد؛ اما زمانی‌که فرصت به‌دست می‌آورد، به غیبت او مشغول می‌شد و در نزد سلطان، علی‌شیر را به دخالت زیاد در امور متهم می‌کرد، به قول خواندمیر با خصلت ناپسند خود، ارکان و امرای دولت را رنجیده‌خاطر می‌ساخت. او یک‌بار به خواست نوایی از صحنه کنار زده شد (بهزادی و انوش، ۱۳۹۳:۱۱). سلطان حسین وقتی خواست که مجدالدین را دوباره به وزارت بگمارد، با مخالفت نوایی مواجه شد. برای حل این مشکل سلطان، نوایی را نایب‌الحکمه‌ی استراباد مقرر کرد. پس از امتناع زیاد او را مجبور کردند که آن وظیفه را قبول نماید. بارتولد از قول بابر در مورد این رویداد چنین روایت نموده‌است؛ که روزی سلطان حسین به مقدار پول احتیاج داشت، اعضای دیوان گفتند موجود نیست... مجدالدین به سلطان گفت که هرگاه اختیارات لازم به وی داده شود، حاضر

است مبلغ مطلوب را تهیه کند و اقتصاد دولت را طوری ترتیب دهد که خزانه همیشه پر و رعایای سلطان راضی باشند. سلطان صلاحیت را که خواسته بود، برای وی اعطا کرد. (بارتولد، ۱۳۴۶: ۲۹).

نوایی و حکمرانی استرآباد

استراباد نام کهن شهرستان امروزی گرگان در استان گلستان ایران است. این شهر در دوره‌های اسلامیاز رونق و شهرت خوبی برخوردار بود. نوایی به ترتیبی که شرح داده شد، در سال ۱۴۸۶حاکم استراباد مقرر گردید. به قول مؤرخان انتصاب نوایی به این مقام تبعید محترمانه‌ی او از مرکز دولت بود. این تصمیم را سلطان بخاطر مخالفت او در امر تقرر مجدالدین به حیث وزیر گرفت. نوایی حکمرانی استراباد را مانند وظایف قبلی که به او پیشنهاد شده بود، به اصرار پذیرفت و راهی آن شهر شد؛ علی‌شیر در استراباد همان احترام هرات را داشت. تحایف و هدایا از هر طرف حتی از سلاطین همسایه‌ها به وی می‌رسید (بارتولد، ۱۳۴۶: ۲۹).

نوایی بعد از یک سال حکمرانی در استراباد دوباره به هرات برگشت، از سلطان تقاضا نمود که به وی اجازه دهد تا در پایتخت بماند و وظیفه‌ی او را به شخص دیگر واگذار کند؛ اما جواب سلطان در این مورد مساعد نبود.علی‌شیر دوباره مجبور شد که به استراباد برگردد و چند ماه دیگر در آنجا بماند. در استراباد خبر دریافت کرد که سلطان کسی را برای مسموم کردن او مامور کرده‌است. وقتی‌که بایقرا از این ماجرا مطلع شد، بخاطر دل‌جویی او یکی از درباریان را با نامه‌ی به استراباد فرستاد. در نامه تاکید شده بود،خبری را کهنوایی شنیده، حقیقت ندارد و از نوایی دعوت شد که دوباره به هرات برگردد. نوایی با دریافت این نامه بطرف هرات حرکت کرد و اجازه یافت که به حیث یکی از مقربین سلطان در پایتخت بماند (بارتولد، ۱۳۴۶: ۳۱).

نوایی بعد از برگشت دوباره به هرات، علاقمند بود که از امور سیاسی و دولت‌داری دست بکشد و گوشه‌نشینی اختیار کند. اما سلطان به خواست او در این زمینه جواب مثبت نمی‌داد. بایقرا در آن سالها بیشتر مصروف جنگ‌ها و خصوصاً سرکوبی قیام پسران‌اش بود. در چنین مواقع که سلطان به بیرون از هرات می‌رفت، نوایی در هرات بود و امور پایتخت را با وزیر رس‌میدولت سرپرستی می‌کرد. زمانی‌که سلطان حسین به‌خاطر سرکوب شورش پسراش به مرو رفت، علی‌شیر عازم مشهد شد و از آن‌جا برای سلطان، نامه نوشت. در نامه درخواست کرد که برای وی اجازه دهد تا به‌خاطر ادای فریضه حج به مکه برود؛ اما سلطان با خواست او در مورد سفراش به مکه که قبلاً هم صورت گرفته بود، موافقت نکرد. سلطان در نامه‌ی پر از مهر و محبت که برایش فرستاد، نوشت که امنیت راه بخاطر چنین سفری مساعد نیست و او نمی‌خواهد که ندیم دانشمند خود را از دست بدهد. هم‌چنان از او خواست تا به

دیداراش به مرو بیاید. نوایی با دریافت این نامه، عازم مرو شد و بعد از دیدار با سلطان به هرات برگشت (بارتولد،۱۳۴٦: ۳٦).

نوایی در سال ۱۴۹۹ که از مرو به هرات برگشت، اعاظم، سادات، اکابر، مشایخ، قضات، علما، فضلا، اشراف و اعیان را در سر مزار گذرگاه جمع کرد و آشتیعظیم ترتیب نموده و نیت استقامت بر جاده‌ی درویشی و گوشه‌نشینی از ایشان استعانت جست (بارتولد، ۱۳۴٦: ۳۹). ولی این‌بار نیز تصمیم وی مورد موافقت سلطان واقع نشد و از او هم‌چنان در امور سیاسی و دولت‌داری کمک می‌خواست. بایقرا هنگامی‌که شیبانی خان سمرقند را تصرف میکرد، به‌خاطر سرکوب پسر خود که حاکم استراباد بود، به آن‌جا لشکر کشید. هنگام برگشت موفقانه‌ی سلطان به هرات، طبق معمول نوایی جهت استقبال سلطان حرکت کرد؛ اما این آخرین استقبال او از سلطان بود. وزیر و سلطان هردو که یکی ٦۰ سال و دیگری ٦۲ سال داشت، به ضعف پیری گرفتار شده بودند (بارتولد، ۱۳۴٦: ۴۱). نوایی در هنگام استقبال از سلطان دچار ضعف و مریضی شد. او را به سرعت جهت درمان به هرات انتقال دادند. تلاش‌ها به‌خاطر معالجه‌ی وی نتیجه نداد و بلاخره در صبح یک‌شنبه یازدهم جمادی‌الاخر سال ۹۰٦ ق وفات یافت (جوزجانی، ۱۳۴٦: ۵۷). سلطان جنازه و مراسم فاتحه‌ی با شکوه و مطابق شأن نوایی برگزار کرد و او را در هرات به خاک سپرد.

بعد از نوایی و به تعقیب آن مرگ سلطان حسین، دولت تیموری هرات دست‌خوش تشنجات سیاسی شد و مدت زیادی دوام نیاورد. بدیع‌الزمان پسر بزرگ سلطان که می‌بایست قدرت را به‌دست بگیرد، با مخالفت مادراندراش خدیجه بیکی مواجه شد. او پسر خود، مظفر حسین را به صفت شاه اعلان کرد و بدین ترتیب در یک اقلیم دو پادشاه و دو دولت عرض وجود نمود. شهزادگان و فیودالان اطراف سرکشیدند و از پرداخت مالیات سرباز زدند. این اوضاع و نافه‌میاعیان و درباریان که بابر بر آن‌ها نیز اشاره کرده است، زمینه‌ی تصرف پایتخت را به‌دست شیبانی‌ها مساعد نمود و در ۱۵۰۷ هرات به‌دست آن‌ها سقوط کرد (علم و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۹، باتولد، ۱۳۴٦: ۴۵).

کارکردهای سیاسی نوایی در دولت سلطان حسین

علی‌شیر نوایی در مقام‌های رسمیو غیر رس‌میدولتی، کارنامه‌های درخشان و غیر قابل انکار دارد. حضور او در دربار سلطان حسین و رهنمایی‌های خردمندانه‌ی وی، تأثیرات عمیق روی سامان‌دهی اوضاع و برقراری نظمسیاسی داشت. آموزه‌ها و رهنمودهای نوایی بر جهت گیری‌های سیاسی پادشاه تیموری، در هر دو عرصه، خارجی و داخلی تأثیر مستقیم داشت. گزاف نخواهد بود؛ اگر گفته شود که او طراح، الهام بخش، متفکر و حتی مجری اصلی سیاست‌های دربار در روزگار سلطان حسین بایقرا

به شمار میرفت.

نقشعلی‌شیر نوایی در پایان بخشیدن به شورش‌ها قدرت طلبانی که سودای آن به‌سر پرورانده بودند تا سلطان حسین بایقرا را از تخت پادشاهی به زیر آورند و خود تاج فرمانروایی بر سر نهند، بسیار پر رنگ است. نوایی تلاش می‌ورزید تا میان پسران متمرد سلطان و دولت بایقرا، صلح و آشتی برقرار کند. چنان‌چه از میانجی‌گری وی میان سلطان و بدیع‌الزمان یاد نمودیم. پادرمیانی او در این ماجرا در اوایل به دلیل دست درازی عناصر ماجراجو ناکام گردید؛ ولی در فرجام و بعد از چندین جنگ‌وگریز بدیع‌الزمان مؤثر واقع شد و میان آن‌ها صلح برقرار گردید.

مداخله‌ی نوایی در پایان دادن به معضله محمد یادگار از رویدادهای مهم حیات سیاسی او در دربار سلطان حسین می‌باشد. زمانی‌که محمد یادگار در جولای ۱۴۷۰ هرات را تصرف و تخت پادشاهی را به‌دست گرفته بود (بارتولد، ۱۳۴٦:۲۱)، سلطان حسین در باره‌ی چگونگی یورش به هرات و زمان آن با علی‌شیر نوایی مشوره کرد. نوایی در باره‌ی چند و چون راهکارها با وی سخن گفت و در مورد مخفی داشتن زمان حمله از همه کس، حتی نزدیکترین یاران، توصیه‌های مؤکد نمود. در پی این مشورت و بنابر رهنمایی‌های او طرح حمله به هرات روی‌دست گرفته‌شد. فاصله‌ی مکانی که سلطان آن‌جا اردو زده بود تا به هرات سه روز راه بود؛ اما او و سپاهیان‌اش این راه را به سرعت و در یک‌روز پیمودند و شب‌هنگام به هرات رسیدند. به محض رسیدن به هرات سپاهیان سلطان حسین بایقرا باغ‌زاغان را که خواب‌گاه یادگار میرزا بود، محاصره نمودند. بنا به گزارش مضبوط در تاریخ الفی، در آن هنگام که کوشک باغ‌زاغان را در میان گرفتند... به جزعلی‌شیر کسی دیگر همت برآمدن به قصر نکرد و امیر مذکور اسپ خود را سپرده، شمشیر را برهنه کرد و از راه غیر معهود متوجه بالا شد. پشت سر امیر علی‌شیر که دلاورانه پاپیش نهاده بود، دیگران نیز تلاش نمودند به کوشک درآیند و سرانجام نیز یارای آن یافتند تا یادگار میرزا را بدون کوچک‌ترین درگیری گرفتار و به نزد سلطان حسین ببرند. رهنمایی‌های بخردانه‌ی امیر و فداکاری او در ماجرای دستگیری یادگار میرزا که شاید آن‌را بتوان نخستین و بزرگ‌ترین حادثه بر شمرد، دست کم در این برهه بر میزان دوستی و پیوستگی او و حسین میرزا بسیار سودمند واقع شد (لیمایی و حسنی، ۱۳۹۱: ۸٦).

درگاه علی‌شیر نوایی در زمان تصدی مقام‌های بلند دولتی عاری از هرگونه تجمل و تشریفات بود. حلقه‌ی را که او به دور خویش تشکیل داده بود، عبارت بودند از؛ ادبا، مؤرخین، مفسرین، انشأپردازان، شعرا، خطاطان، نقاشان، ماهرین فن تعمیر، ریاضی‌دانان، شطرنج‌بازان، موسیقی‌دانان، پهلوانان، زرگران و بلاخره ماهرین و متخصصین هر صنف در آن شامل بود. نوایی به حمایت سیاسی و مالی این اقشار

اجتماعی و فرهنگی میپرداخت و آن‌ها را به دور خود و دولت سلطان حسین جمع کرده‌بود. با آن‌که دربار وی مقام عالی دولتی بود؛ ولی فضلا و ادبامی‌آمدند و بدون مزاحمت و تکلف زانو به زانو می‌نشستند. در پاس خاطر و مراعات مقام آن‌ها اندک فروگذاشتی نمی‌کرد. در محیط و حلقه‌ی او یک جهان آزادگی و بی‌تکلفی به‌نظر می‌رسید (جوزجانی، ۱۳۴۶: ۲۶). در مورد تواضع نوایی، خواندمیر مؤرخ هم‌عصر وی در کتاب مکارم‌الاخلاق چنین مینویسد:

...هر مقدار که رایت حشمت و اعتبار این امیر هدایت شعار سمت ارتفاع گرفت، تواضع و تخلفش زیاده بر آن صفت ازدیاد پذیرفت... هرگاه که از صاحب قران جم جاه نسبت به حال خویش عنایت و عاطفت پیش از بیش مشاهده می‌نمود به خلوتی رفته و سر برهنه کرده، مقدار خاک بر فرق خجسته می‌پاشید و نفس نفیس را مخاطب ساخته می‌گفت که جاه و حشمت دنیا را اعتباری نیست، زنهار که حصول این مرتبه را موجب عجب و تکبر نسازی و خود را خاک راه دانسته، مهما امکن به سرانجام مهام فقرا و مساکین پردازی (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۲۶).

مطابق روایات تاریخی علی‌شیر نوایی مرد ثروتمندی بود و همه‌ی دارایی‌اش را در راه عمران و حمایت از علما به مصرف می‌رساند. به قول بابر، نوایی از سلطان حسین تحفه نمی‌گرفت؛ بلکه خود سلطان برای او هر سال هدایای می‌فرستاد (بارتولد، ۱۳۴۶: ۲۷). غبار نیز نوشته است که نوایی اراضی وسیع داشت و حاصل روزانه‌ی آن ۷۵ هزار دینارمی‌شد، چون خانه‌ی او مرجع علما و هنروران سراسر ممالک اسلامی‌بود، لهذا هر روزی ۱۵ هزار دینار به مصرف خانه‌ی او می‌رسید و بقیه عایدات‌اش در نشر فرهنگ و تأسیس مدرسه، پل، رباط، نهر، مسجد وخیریه صرف می‌گردید. غبار ادامه می‌دهد که او ۳۰ سال در این راه خدمت نمود و ۳۷۰ بقعه‌ی خیریه ساخت که هنوز آثار خرابه‌های آن در افغانستان پدیدار است. در برابر انجام امور جمهور، هیچ مزد و منتی از هیچ‌طرف نمی‌گرفت و برای آن‌که به عسرت معاش دچار نشود، سلطان حسین میرزا امر کرد که به زراعت شخصی اشتغال ورزد. او در امور زراعت طبق شریعت رفتار می‌کرد و نفع بسیاری می‌برد (غبار، ۱۳۸۶: ۲۹۱). همچنان نوایی مرد سخاوتمند نیز بود. در مورد کمک‌های وی به نیازمندان داستان‌های زیادی را خواندمیر نقل کرده است. او مینویسد:

... و همواره عزیزانی که به شرف مجالست این امیر بحر مکرمت مشرف میگشتند، اسامیمردم مستحق را به عرض می‌رسانیدند و آن حضرت فراخور حال از مایده‌ی انعام خویش ایشان را بهره‌ور می‌ساختند. وایضا، مبلغی کرامند به یکی از ملازمان معتمد خویش می‌سپردند تا در وقت سواری هرگاه چشم ایشان بر محتاجی افتد، رعایت اش نمایند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

علی‌شیر نوایی با استفاده از مقام دولتی و سرمایه‌ی شخصی‌اش بناهای زیادی را اعمار کرد. اکثر این عمرانات که میراث نوایی و دولت سلطان حسین بایقرا هستند، آثاراش تا روزگارما باقی مانده‌است. در روایات تاریخی آمده‌است، علی‌شیرنیت کرد که به عدد اسمأ الله، هزار و یک بقعه‌ی خیریه سازد. از آن‌جمله سه‌صد و شصت و شش بقعه را توفیق یافت. برین موجب که نود آن رباط و بقیه مدارس، خانقا، دارالشفأ، مساجد، پل، حوض و امثال آن است (جوزجانی، ۱۳۴۶: ۴۴). هم‌چنان نواییمدارس زیادی را به‌خاطر آموزش علوم مروج وقت اعمار نمود و از بهر اشاعت علم، طلبه را وظایف و مدرسین را معاش گزافی احسان میکرد. مهم‌ترین این مدارس عبارت بودند از:

۱. مدرسه‌ی اخلاصیه، واقع در نهر انجیل؛
۲. خانقاه اخلاصیه؛
۳. مدرسه‌ی شفاییه؛
۴. نظامیه‌ی هرات؛
۵. خسرویه مرو (جوزجانی، ۱۳۴۶: ۲۹)؛

نوایی مدرسه‌ی اخلاصیه را در زمین‌های که سلطان برای او بخشیده بود، بنا کرد و نام اخلاصیه را بابت نشان‌دادن اخلاص‌اش به سلطان حسین، روی آن گذاشت. خواندمیر که خود آموزش دیده‌ی مدرسه‌ی مذکور میباشد، در مورد آن چنین نوشته است: مدرسه‌ی اخلاصیه و خانقاه اخلاصیه که در زمان بنا الی یومنا هذا، که مدت بیست سال است چندین هزار از طلبه علم از اطراف و اقطار عالم به این دو منزل متبرکه آمده اند و در اندک زمانی به تکمیل علوم موفق گشته، دعاگو و ثناخوان به مواطن خویش مراجعت نموده اند و بسیاری از آن جماعت حالا در بلده‌ی فاخره‌ی هرات به منصب تدریس مفتخر و سرافرازند (خواندمیر، ۱۳۷۸:۶۴).

نوایی به ساخت‌وساز بناها علاقمندی زیادی داشت. هنرمندان و معماران را حمایت می‌کرد و شخصاً از کارهای عمرانی نظارت به عمل می‌آورد. خواندمیر می‌گوید که امیر هنگام بازسازی مسجد جامع هرات در کار ساخت آن شخصاً شرکت می‌ورزید: و آن مؤسس قواعد مبرات به واسطه‌ی کثرت اهتمام در اتمام این عمارات هر روز به نفس نفیس به آن مقام شریف تشریف می‌آورد و در اکثر ایام دامن در میان‌زده مانند سایر مزدوران کار می‌کرد. در هر روز معماران و استادان؛ بل جمیع پیشه وران آنجایی را جامه‌ها گران‌مایه می‌پوشانید و به نوازش موفور و انعامات غیر محصور، خوش‌دل و مسرور می‌گردانید... به اثر تلاش کار سه چهار ساله در مدت شش، هفت ماه تمام شد (خواندمیر، ۱۳۷۸:۹۸).

بر علاوه علی‌شیر نوایی با استفاده از نفوذ و صلاحیت که در دولت تیموری هرات داشت، تلاش

می‌ورزید که به حمایت فرهنگی‌ها و هنرمندان بپردازد و آن‌ها را به کارهای علمیو فرهنگی تشویق کند. به اثر تشویق و حمایت وی، دانشمندان و هنرمندان عصر سلطان حسین کارهای درخشان و ماندگاری را در عرصه‌ی علم و هنر انجام دادند. همچنان نوایی با وجود مصروفیت در امور سیاست و کشورداری، فعالیت‌های فراوان علمیو ادبی انجام داده و آثار گران‌بها را از خود به‌یادگار گذاشته است. کارهای علمیاو و حمایت‌اش از علم، فرهنگ و هنر تحول بزرگ در عرصه علم و هنر در آن عصر به‌وجود آمد و بر مبنای همین تحول، دوره‌ی مذکور را پژوهش‌گران به‌نام رنسانس شرق یاد نمودند.

نتیجه‌گیری

علی‌شیر نوایی، عالم و سیاست‌مدار برجسته‌ی عهد تیموریان هرات بود. حضور او در صحنه‌ی سیاسی و فرهنگی آن عصر، باعث توسعه‌ی فرهنگی و شکل‌گیری یک دوره‌ی درخشان تاریخی گردید. نوایی حدود ۳۳ سال در مقام‌های مختلف دولت سلطان حسین بایقرا کار کرد و منصب‌های چون مهرداری، امیر دیوان اعلی، حاکم استراباد، ندیم و مشاور خاص سلطان را بر عهده داشت. او خود را همیشه بعد از سلطان در جای‌گاه دوم می‌دانست و برای همین موقف‌های دولتی را که مطابق شأن خود نمی‌دانست، قبول نمی‌کرد.

نوایی در مقام دولت‌مرد، روی تصامیم و عملکردهای دولت بایقرا تأثیر مستقیم داشت. در واقع طراح اصلی سیاست‌های حکومت مذکور و مغز متفکر آن به‌حساب می‌رفت. سلطان بدون مشوره و نظر وی هیچ‌گامی را بر نمی‌داشت؛ حتی در جنگ‌ها به طرح و نظر وی اهمیت می‌داد. قسمی‌که سلطان حسین در جنگ با یادگار میرزا که پایتخت‌اش را تصرف کرده بود، بر اساس مشوره‌ی نوایی عمل کرد و او را به سادگی دست‌گیر و پایتخت را دوباره به‌دست آورد.

نقش نوایی در فرونشاندن اغتشاشات عصر بایقرا نیز برجسته است. شورش مردم هرات به اثر سنگینی مالیات با مداخله‌ی او خاموش گردید. اختلافات مذهبی در دوران بایقرا که به اثر ایراد خطبه به‌نام امامان اهل تشیع واقع شده بود و سلطان تصمیم سرکوبی مردم را داشت، با مشوره‌ی نوایی و بدون خشونت، حل‌وفصل شد. همچنانعلی‌شیر در حل منازعه میان سلطان حسین و پسران متمرد خود و دولت‌های همسایه‌اش نقش ایفا کرد و از وقوع جنگ‌های زیادی جلوگیری نمود. پا درمیانی نوایی میان سلطان و پسر ارشداش بدیع‌الزمان و برقراری صلح در بین آن‌ها، از جمله کارهای مهم نوایی در این عرصه می‌باشد.

نوایی در مقام مشاور سلطان، نقش تعین کننده در عزل و نصب وزرا داشت. اکثر ارکان دولت بایقرا به مشوره و حمایت او تعین می‌شد. در صورت مشاهده‌ی کوتاهی در کار آنها، دوباره به خواست وی

عزل می‌گردید. علاوه از عزل وزرا، بعضی از آن‌ها را به محاکمه می‌کشاند و اموال‌شان مصادره می‌شد که به نمونه‌های آن در متن مقاله اشاره صورت گرفته است.

بیشتر از همه‌ی موردهای یاد شده، نوایی مهم‌ترین حامیو پشتیبان علم و فرهنگ بود. او که خود از عالمان برجسته‌ی عصرش محسوب می‌گردید، تلاش می‌کرد تا دولت را به حمایت از اهل علم و هنر تشویق کند و از امکانات سیاسی و مالی‌اش در راه توسعه‌ی فرهنگ و عمران استفاده نماید. تلاش‌های او در این زمینه موجب تجمع دانشمندان عصر در هرات پایتخت سلطان حسین شده بود و کارهای ارزشمند در عرصه‌ی علم، فرهنگ و هنر انجام یافت. همچنان نوایی علاقمند عمران و آبادانی بود و بناهای زیادی به دستور و ابتکار او ساخته شد که آثار آن در کشورهای ایران و افغانستان تا امروز موجود می‌باشد.

منابع و مأخذ

بارتولد، ولادمیر، (۱۳۴۶)، زندگانی سیاسی میر علی‌شیر نوایی. ترجمه پوهاند میر حسین شاه، کابل: انجمن تاریخ؛

بهزادی، رقیه علی‌پور و ابوالحسن فیاض انوش، (۱۳۹۳)، بررسی نقش علی‌شیر نوایی در کشاکش‌های سیاسی دوره‌ی سلطان حسین بایقرا: پژوهش در تاریخ، سال پنجم (۱)؛

جعفری، حسین، (۱۳۸۸)، تاریخ تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت؛

جوزجانی، محمد یعقوب واحدی، (۱۳۴۶)،امیر علیشیر نوایی، کابل: انجمن تاریخ؛

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۷۸)،مکارم الاخلاق. ویرایش محمد اکبر عشیق، تهران: میراث؛

ساسان‌پور، شهرزاد و عیوضلو، اکرم، (۱۳۹۰)، ساختار، نهادها و کارکردهای نظام دیوانی در عصر تیموریان تا پایان سلطنت شاهرخ: پژوهش در تاریخ، سال دوم (۴)؛

علم، سردار علم و دیگران، (۱۳۹۹)،بررسی تاریخ افغانستان، کابل: نویسا؛

غبار، میر غلام محمد، (۱۳۸۶)، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل: خاور؛

کارگر، عبدالله، (۱۳۸۷)، تیموریان، پشاور: الازهر؛

کارگر، عبدالله، (۱۳۹۰)،سرزمین و رجال ترکستان، کابل: الازهر؛

لیمایی، امیرنعمتی و حسنی، عطاالله، (۱۳۹۱)، نقشعلی‌شیر نوایی در سیاست‌های اعمال شده سلطان حسین بایقرا،فصلنامه عل‌می‌پژوهشی تاریخ، سال هفتم (۲۶)؛

نوایی، میر علی‌شیر، (۱۳۹۵)،دیوان فانی. تصحیح سید عباس رستاخیز سنچارکی، کابل: امیری؛

موسیقی غزل‌های ابتکاری علی‌شیر نوایی (فانی)

خاطره نورزایی

چکیده

علی‌شیر نوایی پدر زبان و ادب ترکی بوده و در حوزه‌ی زبان و ادبیات پارسی دری نیز آثاری چون دیوان فانی و رساله‌ی مفردات ایجاد کرده است. فانی که تخلص‌اش علی‌شیر در اشعار فارسی او است؛ خود قالب‌های شعرش را دسته بندی نموده و از آن‌ها به نام مخترع و تتبع یاد می‌کند. با استفاده از این دسته بندی او، به بررسی موسیقایی غزل‌های ابتکاری یا همان مخترع او می‌پردازیم. این بررسی بیش‌تر بر جنبه‌ی ساختاری متن تأکید دارد؛ تا بخواهد به تحلیل و تفسیر معنایی غزلیات بپردازد. در بررسی‌های زیبایی شناسی متن موسیقی شعر اهمیت داشته و برای همین موسیقی شعر فانی را در حوزه‌های بیرونی، کناری، درونی و معنوی به بررسی می‌گیریم.

کلید واژه‌ها: فانی، غزل ابتکاری، موسیقی، زیبایی شناسی

مقدمه

نظام‌الدین علی‌شیر نوایی (۹۰۶-۸۴۱ ه.ق) وزیر دانش‌مند و شاعر و نویسنده‌ی دوره‌ی تیموری است. نوایی مدت سی سالی که اریکه‌ی قدرت را به دست داشت؛ جریان بزرگ فرهنگی و هنری را در هرات راه اندازی نمود. وی با تشویق و حمایت مادی و معنوی علما، هنرمندان و شاعران این خطه هرات را در آن روزگار به مرکز فرهنگی و ادبی بزرگی مبدل ساخت(۲۵/۳). اهمیت علی‌شیر نوایی در حوزه‌ی ادبیات ترکی به حدی است، که او را پدر زبان و ادب ترکی می‌شناسند و این‌گونه به پایه‌ی بزرگانی چون فردوسی و رودکی او را قرار می‌دهند. علی‌شیر نوایی در آثار ترکی (نوایی) تخلص می‌کند و در اشعار فارسی خویش را (فانی) می‌خواند. به زبان پارسی دری در کنار رساله‌ی مفردات دیوانی به پارسی خلق نموده که به نام دیوان فانی یاد می‌شود(۱۵۸/۲).

دیوان اشعار فارسی علی‌شیر نوایی مرکب است از؛ غزلیات، مقطعات، مفردات، رباعیات و معمیات. در مورد غزل‌هایش باید گفت که، دو نوع غزل در آن دیده می‌شود؛ نخست غزل‌هایی که از آن تعبیر به اختراع کرده و آن غزل‌هایی است که شاعر بدون آن که به غزل آفرینش‌گر دیگری چون حافظ، مولانا جامی، سلمان و .... نظر داشته باشد، به ذوق خودش ساخته است. دیگر غزل‌هایی است که در صورت و وزن و قافیه از غزل استادی معروف استقبال کرده و از آن به نام تتبع یاد می‌کند(۵/ج).

در مقاله‌ی حاضر به بررسی غزل‌های ابتکاری علی‌شیر نوایی پرداخته‌ایم؛ تعداد این غزل‌ها به ۹۰ می‌رسد و هدف از بررسی این غزل‌ها، آشنایی با ساختارهای شعر فارسی فانی است. با یاری از جنبه‌های موسیقایی غزل‌ها برآنیم تا ویژگی‌ها و شاخصه‌های زیبایی شناسی شعر او را برشمریم. با بررسی موسیقی متن می‌توان طرح‌های آوایی و ساختار موسیقایی شعر فانی را یافت. موسیقی غزل‌های فانی را در چهار بخش هریک موسیقی بیرونی، کناری، درونی و معنوی به بررسی گرفته تا پاسخی برای این پرسش‌ها داشته باشیم:

موسیقی چه نقشی در زیبایی‌شناسی شعر فانی دارد؟

چه عواملی موسیقی شعر فانی را رقم می‌زند؟

ساختار موسیقی غزل‌های فانی نقشی در انسجام و هماهنگی غزل‌هایش دارد یا خیر؟

موسیقی بیرونی

هدف از موسیقی بیرونی جانب عروضی وزن شعر است که بر همه اشعاری که در یک وزن سردوه شده اند، قابل تطبیق است(۳۹۱/۱). در جست‌وجوی آماری اوزان عروضی غزل‌های ابتکاری فانی این اوزان به کار رفته است: ۷ غزل در وزن؛مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (هزج مثمن اخرب مکفوف محذوف) است/ و ۱ غزل در وزن: مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (منسرح مثمن مطوی منحور) است/ و ۱۳ غزل در وزن: مفاعیلن مفاعلین مفاعیلن (هزج مثمن سالم) است/ و ۱ غزل در وزن: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثمن اخرب) است/ و ٦ غزل در وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (مضارع مثمن اخرب مکفوف محذوف) است/ و ۱۳ غزل در وزن: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثمن مخبون محذوف) است/ و ۱۲ غزل در وزن: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن (مجتث مثمن مخبون محذوف) است و ۱ غزل در وزن: فاعلاتنفاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثمن سالم) است/ و ۱ غزل در وزن: مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن (رجز مثمن مطوی مخبون) است/ و ۲۳ غزل در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثمن محذوف) است/ و ۷ غزل در ورن: مفاعلین مفاعیلن فعولن (هزج مسدس محذوف یا وزن ترانه) است/ و یک یک غزل به اوزان: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

(رجز مثمن سالم)، فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مسدس مخبون محذوف)، فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف)، مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثمن اخرب) و مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن (مجتث مثمن سالم) است.

ای شب غم چند در هجران یارم می‌کشی
زنده می‌دارم تورا بهر چه زارم می‌کشی (۱۹۵/۴)
ز لب در خنده گرچه برگ گل پر انگبین داری
ولی صد نیش تیر از غمزه‌ها اندر کمین داری (۱۹۸/۴)

با توجه با آمار می‌توان گفت که در ساختمان عروضی اشعار فانی تکرار در آن‌ها احساس می‌شود. شوق به تکرار در ساختار عروضی، اوزان خیزابی «وزن‌های تند و متحرکی هستند که اغلب، نظام ایقاعی افاعیل عروضی در آن‌ها به گونه‌یی است که در مقاطعه خاص نوعی نیاز به تکرار را در ذهن شنونده ایجاد می‌کند و غالبا از رکن‌های سالم و یا سالم و مزاحف تشکیل شده اند»(۳۹۳/۱)؛ را تشکیل می‌دهد. نکته‌ی دیگری که در مورد اوزان مورد توجه است استفاده از اوزان شفاف است،که خواننده در اولین برخورد می‌تواند نظام ایقاعی آن را تشخیص دهد.

موسیقی کناری

منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظام موسیقایی شعر داری تأثیر است ولی همچون موسیقی بیرونی در تمام بیت قابل مشاهده نیست.(۳۹۱/۱) در این بخش به بررسی قافیه و ردیف غزل‌های فانی، که از جلوه‌های موسیقی کناری شعر است می‌پردازیم.

ردیف‌های به کار رفته در غزل‌های فانی سبب تکرار واژه‌ها در ساختار غزل شده است. این تکرارها در ایجاد موسیقی در بافت کلام موثر بوده و از آن به عنوان تکرار هنری می‌توان یاد کرد. از ۹۰ غزل

ابتکاری فانی ۷۱ غزل آن مردف است. هرچند ردیف‌های آورده شده در غزل‌ها طولانی نمی‌شوند؛ اما از تأثیری که در افزایش موسیقی متن دارند نمی‌توان انکار کرد.نوعیت ردیف‌ها قسمی است که ردیف‌های اسمی و فعلی هر دو کار برد دارند. شمار ردیف‌های اسمی ۴۰ و ردیف‌های فعلی ۳۱ مورد است. موجودیت ردیف‌های فعلی سبب پویندگی و تحرک هم‌چون اوازن خیزابی در غزل‌ها شده. ردیف‌های اسمی (ما، را، ها، مرا، خوب، یارب، شوخ، موج و....) و فعلی (است، می‌تپد، می‌زنی، می‌کنی، انداخت، می‌بینم و....) هر دو در کنار هم موسیقی کناری متن را به وجود آورده اند. قافیه‌ها به صورت مرئی در نظام موسیقایی اشعار پر رنگ اند. از قافیه‌های میانی نمی‌توان به عنوان ویژگی پربسامد اشعار فانی یاد کرد.

مه من در شبستان چون که نوشد جام می شب‌ها نماید از شفق می از حباب ریزه کوکب‌ها (۴/۴)

جان بخشد ار ساقی می گل‌رنگ در جام افکند

لیکن کشد چون جلوه در رخسارگل‌فام افکند (۸۵/۴)

تکرار صامت و مصوت‌ها و هم‌آهنگی شان با ردیف و قافیه و رابطه‌ی هریک با دیگری را در یک غزل نشان می‌دهیم:

ز عشق هست بدل بار، صد هزار مرا

هنوز، شکر بود صد هزار بار مرا

گرم بود، می گل‌گون ز ساقی گل‌رخ

به حور و کوثرت ای پارسا، چه کار مرا

به بوسه‌یی که دهی و کشی منه منت

چه منتم ز تو چون گشت انتظار مرا

به جرم عشق و می ار شحنه‌ام ضمان طلبد

به پیر می‌کده‌ی عشق، گو سپار مرا

ز می خمار بود و ز خمار می نوشم

بدور باده تسلسل شد آشکار مرا

مگو مرو به سوی دیر، وه چو مغ‌بچگان

برند موی کشانم، چه اختیار مرا

ز جرم باده چه باکم، که دوش هاتف غیب

ز لطف شامل او کرد امیدوار مرا

دگر مگوی که چون مست سازمت بکشم

چه سود از این سخنت، گشت چون خمار مرا(۱۲/۴)

در غزل فوق واژه‌ی«مرا» ردیف و «آر» هجای قافیه است. حرف وسطی ردیف و حرف روی یکی است. در کنار همسانی حروف ردیف و قافیه در ۸ بیت غزل ۳۴ مرتبه حرف «ر» تکرار شده که به خوشنوایی غزل افزوده. بسامد زیاد صوت«آ« که ۳۴ مرتبه تکرار شده؛ نیز در طرح آوایی غزل نقش دارد.

موسیقی درونی

ساختار موسیقی درونی غزل‌های فانی بر پایه‌ی تنوع و تکرار صداها، از جمله صدا دار و بی‌صدا، هجاها و واژه‌ها و عبارات استوار است.همین تکرارها است که با بسامد چشم‌گیر عامل موسیقایی شعر فانی را رقم می‌زند. تکرارهای متذکره در صنایعی چون جناس، تصدیر، عکس و تبدیل و هم‌حروفی یا واک آرایی قابل مشاهده است.

جناس: از گونه‌های جناس در ۹۰ غزل ابتکاری فانی ۷ نوع به کار رفته است. از این میان جناس زاید بیش‌ترین کاربرد و جناس خطی و ناقص کم‌ترین کاربرد را دارد.

گر تقرب جستم، اندر شرب با مستان دیر

عیب نبود، جون بدیشان قرب مشرب داشتم(۱۵۳/۴)

عاشق و معشوق و عشق، جمله خودی پس

هر نفس از یک لباس گشته هویدا(۱/۴)

هم‌حروفی و هم‌صدایی:

زمن ای دل کف آن نازنین بوس
اگر خود دست ندهد آستین بوس
گر این هم نیست، بوسی بر زمین زن
زمن یعنی رسان آن‌جا، زمین بوس(۱۱۱/۴)

آن‌چه به این محتوا زیبایی بخشیده و برای مخاطب به شکل یک کار هنری عرض اندام می‌کند، موسیقی آن است. موسیقی کلام از ترکیب ردیف «بوس» قافیه «این» تکرار حرف «س» و به کمک تکرار کلمه‌ی «بوس» به گونه‌ی صنعت تصدیر به وجود آمده است.

بده زان آب آتش رنگم، ای ساقی که چون نوشم‌زند در خان و مانم، نی که در جان و جهان آتش(۱۱۶/۴)

تکرار صوت «آ» ۹ مرتبه در زنجیر سخن گوش‌نواز شده و خواننده بدون این که بخواهد به محتوای آن درنگ کند؛ کافی است بار بار بخواند و چون قند از شیرینی کلام کامش را شیرین و شیرین‌تر کند. این تکرارهای نامریی از زیبایی‌های نهفته و پنهان شعر فانی است.

موسیقی معنوی

همان‌گونه که تقارن‌ها و تضادها و تشابهات، در حوزه‌ی آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورد، همین تقارن‌ها و تشابهات و تضادها، در حوزه‌ی امور معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان می‌بخشد(۳۹۳/۱). انسجام و یک‌پارچگی سخن فانی که برآمده از میزان تضاد و تناسب های موجود در سخن است؛ را با استفاده از یک غزل ابتکاری فانی بررسی می‌کینم:

جان بخشد ار ساقی می گل‌رنگ در جام افکند لیکن کشد چون جلوه در رخسار گل‌فام افکند
گل در نظر خار آیدش؛ از سرو صد عار آیدش
هر کاو نظر بر حسن آن، سرو گل اندام افکند
چون عاشقان را باعث آرام و صبر دل شود
صد اضطرابم در دل بی‌صبر و آرام افکند
هر شب من و دیر مغان؛ تا روز آشوب و فغان
آن مغ‌بچه؛ این حالتم از جلوه هر شام افکند
سالم نماند دین مرا؛ کان شوخ کفر آیین مرا
صد رخنه از مژگان خود؛ هر دم در اسلام افکند
چشم ار شود روشن ولی؛ سوزد دل و جان سربسر

ساقی چو عکس آتشین رخساره در جام افکند
فانی چو از زهد ریا، در دوست نتواند رسید
به باشد ار مردانه در راه فنا گام افکند(۸۵/۴)

تناسب و تضاد در غزل فوق هم موسیقی معنوی کلام را به وجود آورده و انسجام و هم‌آهنگی کلام را نشان می‌دهد. تضاد و تقابل‌های غزل از این قرار است:

جان بخشد کشد
گل خار
آرام
اضطراب
صبر بی‌صبر
شب روز
اسلام
کفر
زهد ریا

افزون بر کثرت تقابل‌های موجود در غزل رابطه‌یی نیز در ساختار غزل به کمک تناسب‌ها به وجود آمده و هم‌خانوادگی واژه‌ها در ذهن خواننده سبب ایجاد موسیقی می‌شود؛ چون کلمات از هماهنگی برخوردار می‌شوند:

جان و دل، چشم، رخسار، مژگان، اندام
گل و سرو، خار
آتش و سوز، روشن
اسلام و دین، سالم، آیین
ساقی و می، جام، مغان، دیر، مغ‌بچه، کفر

نتیجه گیری

با توجه به نکاتی که در ساختار غزل‌های فانی مشاهده شد این موارد را می‌توان به عنوان برآیند سخن بیان کرد: موسیقی در زیبایی شناسی شعر فانی اهمیت قابل ملاحظه‌یی دارد. موسیقی در کلام او تناسب ایجاد کرده و طرح‌های آوایی باعث خوش‌نوایی غزل‌های او شده اند. در موسیقی بیرونی اشعار فانی وزن‌ها بررسی شد و مشخص گردید که اوزان استفاده شده در غزل‌های ابتکاری فانی اوزان پرکاربرد

شعر پارسی دری است. اوزانی که تکرار و تحرک بیش‌تری دارند؛ پر کاربرد است که خود از عوامل موسیقی غزل‌های فانی است. اوزان اشعار او را به سادگی می‌توان تشخیص داد و می‌توان گفت اوازن شفاف در کلام او کاربرد فراوانی دارند. ارتباط بین فونیم‌های صدا دار و بی‌صدا با قافیه‌ها سبب پیدایش موسیقی در ساختار غزل شده اند. ردیف‌های اسمی و فعلی نیز در ایجاد موسیقی نقش مؤثری دارند. موسیقی‌یی که به یاری قافیه و ردیف ساخته شده؛ از جلوه‌های موسیقی کناری غزلیات فانی است. ساختار موسیقی درونی غزل‌های ابتکاری فانی بر پایه‌ی تنوع و تکرار صداها است و برای همین کاربرد جناس و تصدیر پررنگ است. تناسب یا مراعات النظیر و تضاد از ارتباط‌های پر بسامد پنهانی غزل‌های فانی است و از جمله اجزای موسیقی معنوی کلام او اند.

فهرست منابع

۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا.(۱۳۹۱). موسیقی شعر. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات آگاه.

۲. لیمایی، امیر نعمتی.(پاییز ۱۳۹۷).«شخصیت علمی_ ادبی علی‌شیر نوایی و اثر بخشی مکتب ساز او»، فصل‌نامه‌ی عملی- پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صفحات ۱۵۳-۱۷۰».

۳. محمدی، دکتر ذکر ا...؛ حسینی، سیده مرضیه.(۱۳۹۳).«مناسبات علی‌شیر نوایی با سه تن از نخبگان فرهنگی هم‌عصرش»، مجله‌ی علمی-تخصصی تاریخ ایران و اسلام».

۴. نوایی، امیر نظام‌الدین علی‌شیر.(۱۳۴۲). دیوان فانی. چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب‌خانه‌ی ابن سینا.

همایون‌فرخ، رکن الدین.(۱۳۴۲). «مقدمه‌ی دیوان فانی». چاپ اول، تهران:

واکاوی برنامه‌های اقتصادی علی‌شیر نوایی

ظریف صفا بختیاری

چکیده

دوره‌ی تیموریان بنابر شکل‌دهی فرهنگ و حمایت از هنر در جهان اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. گذر زمان و شناخت از فرهنگ و تحول هنری در این دوره باعث شکوفای عصر تیموریان در تاریخ جهان و مردمان امروز نمایان است. علی‌شیر نوایی به‌عنوان شخصیت مدبر و منحصربه‌فرد در دوره‌ی تیموریان و تاریخ جهان اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است. نوایی متفکر ژرف‌نگر در تمامی عرصه‌های علمی،فرهنگی،سیاست، اقتصاد و بازسازی مؤلفه‌های توسعه‌ی اقتصادی با اندیشه‌های اعتدال‌گرایانه خود اجتماع را مدیریت و توده‌های جامعه را محور بحث خود قرار می‌داد. لازم به ذکر است که علی‌شیر نوایی ازجمله مدیران و مدبران کارا در دوره‌ی حکومتِ تیموریان بود که در بخش و نشر فرهنگ و بازسازی بناهای اسلامی در هرات تلاش ورزیده و کارنامه‌های اثرگذار اقتصادی را در دوره‌ی تیموریان به خود ثبت نموده است.

واژه‌های کلیدی: علی‌شیر نوایی، اقتصاد، توسعه‌ی شهری و عدالت اجتماعی

مقدمه

از ویژگی‌های برجسته‌ی عصر تیموریان وجود نخبگان فرهنگی مانندعلی‌شیر نوایی به‌عنوان مدبر، فرهنگ‌پرور، شخصیت کارا در عرصه‌ی ادب، اخلاق اسلامی، شاعر و یک سیاست‌پردازی در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی می‌باشد. نوایی درراه تعالی فرهنگ و اقتصاد جامعه گام نهاد؛ عصر تیموریان را از بعدُ اقتصادی و سیاسی به یک حالت توازن با عدالت و انصاف مبدل ساخت. مخصوصاًدر زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا، وزیر مدبر که توانست برنامه‌های اقتصادی و سیاسی حکومت را به شکل درست مدیریت نماید،علی‌شیر نوایی بود که سلطان را با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و اقتصادی‌اش

تحت تأثیرقرارداد. جایگاه نوایی در دستگاه حاکمیت بایقرا خاص بود و سلطان بهخاطر لیاقت و شایستگی که از علی‌شیر نوایی دیده بود، وی را به وزارت در امارات دیوان گماشته بود تا بافهم و درایتی که داشت، برنامه‌های اقتصادی را به‌صورت درست مدیریت نماید؛ در کنار آن در کاهش فقر و اجرای عدالت اجتماعی و انصاف با مردم رفتار کند.

علی‌شیر نوایی تلاش می‌ورزد تا باانصاف تمام مالیات حکومتی را در نظارت خویش قرار داده و نگذارد ظلم بر توده‌های مردم حاکم گردد. در کنار آن نوایی روی برنامه‌های توسعه‌ای و بازسازی خیابان‌ها و مساجد نیز تمرکز داشت. پروژه‌های زیربنایی و زارعتی را در امر توسعه‌ی اقتصادی مهم تلقی می‌نمود.

تردید وجود ندارد که نوایی وزیر مدبر و با برنامه بود. زیرا وی با آگاهی که از وضعیت زندگی مردم داشت، تلاش می‌کرد تا در امر اجرای برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ی شهری اقدام کرده و وظایف خود را به وجه احسن انجام دهد. همین درک از وضعیت توده‌ها و لیاقت در امورات محوله، باعث شد که علی‌شیر نوایی در عهد تیموریان از جایگاه ویژه‌ای در توسعه‌ی فرهنگ و تمدن اسلام برخوردار باشد. به ادامه‌ی این بحث، تلاش می‌شود تا در محور برنامه‌های اقتصادی علی‌شیر نوایی در عهد تیموریان واکاوی صورت گیرد و جای‌گاه فهم و درایت نوایی در توسعه‌ی اقتصادی دوره‌ی تیموریان بحث همه‌جانبه صورت گیرد.

شرح زندگی علی‌شیر نوایی

علی‌شیر نوایی در سال ۸۴۴ هجری قمری، مصادف به ۱۴۴۱ میلادی متولد گردیده است و در سال ۹۰۶ هجری قمری (۱۵۰۱ میلادی) چشم از دنیا فروبست. نوایی ازجمله سیاستمداران و فرهنگ مردان پرآوازه‌ی روزگار تیموریان بود. حضور مدبرانه و توانمند وی در عرصه‌های گوناگون چون سیاست، فرهنگ، بازسازی بناهای عام‌المنفعه،نگارش و توسعه‌ی اقتصادی محبوبیت و شهرت نوایی را چند برابر ساخته بود. آنچه هویدا می‌گردد در کنار تلاش جهت تقویت فرهنگ و ادب در این دوره، رویکرد اقتصادی، ساخت‌وساز پروژه‌های عامه، توسعه و معماری شهری در زمامداری سلطان حسین بایقرا است.

خانواده‌ی نوایی از دیرزمان در خدمت تیموریانبه‌ویژه خانواده‌ی میرزا بایقرا، نیای سلطان حسین بایقرا بودند. علی شیر نوایی برادر رضاعی حسین بایقرا می‌باشد و علاوه بر این آنان باهم در خدمت ابوالقاسم بابر بودند؛ همین عامل باعث شد موقعیت علی‌شیر نوایی در دربار سلطان حسین بایقرا با سرعت تثبیت گردد. سلطان حسین از حضور دوست و هم‌مکتب خود در بارگاهش خوشحال بود و

منصب مهرداری را که به افراد لایق و قابل‌اعتماد واگذار می‌شدبه علی‌شیر نوایی تفویض نمود(۱۳۸:۴).

علی‌شیر نوایی منصب مهرداری اعظم را از طرف سلطان حسین بایقرا نپذیرفت و این مقام را به شیخ احمد سهیلی واگذار نمود. سپس در سال ۸۷۶ ه.ق بود که بایقراعلی‌شیر نوایی را به منصف امارات دیوان اعلا سرفراز کرد. نوایی ابتدا از این خواست سلطان سرباز زد؛ اما در پی اصرارهای سلطان نهایتاً پذیرفت(۱۵۹:۴).

وضعیت اقتصادیتوده‌های جامعه در دوره‌یتیموریان

وضع اقتصادی مناطق روستایی درایام سلطنت تیموریان نسبت به زمان مغول‌هانسبتاً بهتر بود؛ اما تأثیرات منفی جنگ‌های تیمور که خرابی‌های زیاد از آن به‌جا مانده بود به روان عمومی بابت اقدامات تیمور تأثیرگذاشته بود. در دوره‌ی شاهرخ میرزا در موردبازسازی جویبارها، لای‌روبی و پاک‌سازی کانال‌های موجود آن عصر تدابیر اندیشید و قسمت عمده‌ی زمین‌های زراعتی دوباره آباد شد(۱۸۹:۸).

ما نمی‌توانیم حدس بزنیم که در قرن پانزدهم میلادی جریان ظهور مالکیت کامل به زمین به چه سرعتی عمل می‌کرد؛ ولی روشن است که این حادثه رخ می‌داد، مالکیت کامل به زمین چنین معنی داشت که فئودال (زمین) کل عایدات زمین‌های ملک خویش را بی‌آنکه بخشی را به دولت داده باشد، مالک می‌شود؛ در این مورد وی از حق مالکیت زمین استفاده می‌نمود. در منابع مکتوب دروه‌های بعدی این زمین به نام" مالک حور خالص" ذکر گردیده است. شیوه‌های اساسی تشکیل و تکامل این نوع زمین در میان مالک، ملک خصوصی و دولت مبنی بر سهم عایدات به آن‌هامقررشده، تجزیه نمودن زمین‌های ملک بود.چنان‌که دولت از زمین‌های ملک دوسوم عایدات و شخص مالک یک‌سومآنرا دریافت می‌نمود. اینک پس‌ازاین تقسیمات، دولت دوسوم حصه‌ی عایدات زمین را گرفته (و این قسمت شامل نوع زمین‌های دولتی بود)؛ اما مالک خصوصی یک‌سوم آن‌را به دست می‌آورد و این قسمت ملکیت کامل او می‌گردد. راجع به ترتیب چنین تقسیم کانال‌ها، سند منسوب به پایان قرن پانزدهم میلادی موجود است که در آن جهت افاده‌ی مفهوم نسبت به کانال، پیدا کردن مالکیت کامل فئودال اصطلاح "مطلق" مورد استعمال قرارگرفته است. بنابراین مالکیت کامل را می‌توان مالکیت مطلق هم نامبرد (۱۹۰:۸).

لازم به ذکر است که در دوران شاهرخ میرزا به بعد در بین تیموریان هرات به تجارت توجه جدی صورت گرفته بود و شخص شاهرخ در ایجاد روابط دوستانه‌ی تجارتی با کشورهای اطراف علاقه‌ی خاص داشت و تجارت به شکل خاص رونق پیدا نموده بود (۶۲۲:۶).

آنچه از شواهد موجود برمی‌آید؛ایناست که بعد از روی کار آمدن امپراتوری تیموری، کارترمیم و

بازسازی بناهایی که از لشکرکشی تیمور ویران‌شده بود در داخل شهر محصورشده‌ی هرات، آغاز شد. شاهرخ و ملکه‌اش "گوهرشاد بیگم" دست به آبادانی شهر زدند. ولی در کنار آن، هرات یک تحول توسعه‌ای دیگر هم در خود دید و آن وسعت بخشیدن شهر به سمت شمال بود (۲٦۲:۵).

در بخش زندگی اقتصادی، دهقانان در دوره شاهرخ میرزا از وضعیت خوبی برخوردار نبودند، زیرا اراضی وسیع که در اقطاع و تحولزمین‌داران و مأموران بلندپایه‌ی دولت داده می‌شد.به‌مرورزمان به اراضی مورثی مبدل شدهمی‌شد و به این صورت وابستگی دهقان را به زمین‌داران بیشتر می‌کرد(۲٦۵:۷).

به همین ترتیب در زمان سلطان حسین بایقرا توجه به زراعت و آبادی زمین‌های بایر یکی از خصوصیات خاص این سلطان بود. موصوف بسیاری از اراضی بایر را در زمان حاکمیت خود دوباره احیا نمود، کاریزها و نهرهای زیادی دوباره‌ترمیم نموده و در موقع ضرورتدوباره بازسازی می‌کرد. در این رابطه معین‌الدین استفزاری می‌نویسد"براثر توجهات سلطان حسین بایقرا تعداد زیادی از اراضی احیا گردید، قنوات و نهرهای زیاد احداث شد و رعایا چنان به زارعت و عمارات مشغول و مشعوف گشتند که از مرغزار و سنگ‌ستان هیچ نماند که مزرعه و تاکستان نسازد"(۲۲۱:۹).

هرات در عصر تیموریان مهد فعالیت‌های تیموریان بود. تیمور جامعه را به دوازده طبقه تقسیم نموده بود. در دوره‌یتیموریان هرات برحسب کیفت زندگی و نوع مشغله، به دوطبقه‌ی اصلی تقسیم‌شده بود؛ یکی طبقه‌ی نظامی که اغلب از اقوام یا طیف روحانیون و طبقه دیوانیان را نیز می‌توان در طبقه دومی اضافه کرد؛ اما حضور علی‌شیر نوایی در دستگاه حکومتی سلطان حسین بقرا به‌عنوان وزیر دربار و مدبر، جامعه را سی‌وچهار طبقه تقسیم نموده بود(۱۹۲:۸).

برنامه‌های اقتصادی علی‌شیر نوایی

در ایامی که نوایی امارات دیوان اعلی را به عهده داشت اصطلاحات اقتصادی و اجتماعی زیادی را به او نسبت می‌دهند. تاریخ تیموریان حضور نوایی را منشی خدمات بسیار می‌دانندبه‌طوری‌که او از کرسی سیاست و ریاست به‌خوبی در راستای تحقق عدالت و ندای حق استفاده می‌نمود. علی‌شیرنوایی تلاش می‌نمود تا هیچ‌گونه ظلمی از طرف دولت بر مردم و توده‌های جامعه انجام نشود. در کنار آن تلاش صورت می‌گرفت تا با بهبود بخشید به وضعیت اقتصادی وزندگی توده‌های مردم از شدت محرومیت و فقر کاسته و اقتصاد از هم گسیخته را سر و زمان بدهد.

تطبیق عدالت اجتماعی و انصاف در بین توده‌های جامعه از طرف علی‌شیر نوایی و انگیزهدهی وی به حاکم نقش خیلی خوب در حمایت مردم از حکومت داشت. زیرا، اجرا عدالت و انصاف نه‌تنها باعث نگاه مثبت مردم به دولت و حکومت دوره تیموریان می‌گردید، بلکه در راستا حمایت

از برنامه‌های اقتصادی و سیاسی نیز ارزنده و فراوان بود. همان‌گونه که در بسا مواقع حکومت‌ها در بی‌عدالتی به سقوط مواجه می‌گردند؛ اما نقش نوایی در راستای تحقق این مؤلفه توسعه و رفاه اجتماعی در بقای حکومت سلطان حسین بایقرا و تاریخ تیموریان مؤثر و تأثیرگذار بوده است.

به‌عنوان نمونه، لغو مالیات زیاد از طرف حکومت و اصلاحات لازم از طرف مشاور ارشد حاکم باعث تغییرات ژرف در ساختارهای اقتصادی دوره‌ی تیموریان گردید و تاریخ، این دوره را از بُعد اقتصادی ماندگار ساخت. نوایی با درایتی که داشت تلاش می‌کرد تا تمام ساختارهای اقتصادی، زیربناهای فرهنگی و تمدنی دوره‌ی تیموریان و جهان اسلام را برای نسل‌های بعدی زنده سازد.تاریخ هویدا است که او با تدابیر لازم تمام برنامه‌های اقتصادی را زیر نظر داشته و با تمام توان از عدالت، انصاف و تطبیق این ارزش اجتماعی استفاده کرده است.وی باور بر این داشتکه توسعه و انکشاف اقتصادی بدون عدالت اجتماعی معنی‌بخش نبوده و جامعه را به‌سوی رفاه اقتصادی و اجتماعی سوق نمی‌دهد.

در دوره‌ی تیموریان مسأله‌ی لغو مالیه‌دهی چندین‌بار لغو گردید؛ دریافت مالیات هنگفت از طبقه‌ی زحمت‌کش و پایین جامعه،تأثیرات خیلی منفی بر اوضاع اقتصادی این افراد گذاشته بود، این مالیه توسط مأموران تیموریو مخصوصاً شخص خود وزیر مدبر علی‌شیر نوایی لغو و اصلاحات لازم درزمینه آمد. با این اصلاحات در وضعیت زندگی دهقانان تغییرات لازم رونما شد؛ازجمله‌ای اقدامات برنامه‌های اقتصادی نوایی را می‌توان نظارت دقیق بر کار مالیات اشاره کرد. زیرا او با دقت کامل تمام برنامه‌های مالیه‌گیر را تحت نظارت قرار می‌داد تا متصدیان مالیات به مردم ظلم روا ندارند (۱۹۱:۸).

لازم به ذکر است که مالیات در دوره‌ی تیموریان به دو نوع اخذ می‌گردید: یکی به‌صورت جنسی، یعنی بخشی محصولات و دیگری به‌اندازه‌ی زمین به‌طور پول نقد و مالیات زمین به یک‌سوم محصول مساوی بود. مأموران مالیه در صورتی که از صلاحیت خود سوء استفاده می‌کردند؛ مورد مجازت حاکم قرار می‌گرفت.حتی در خیلی مواقع از آنان خواسته می‌شد در صورت دریافت مالیات خودسرانه، مالیات افزون را دوباره به صاحبان آن پرداخت کنند. حکومت نیز به خاطرجشن و سرور در بعضی از ولایت‌ها مالیات را بخشش می‌کرد و گاهی به‌خاطر مناقشات داخلی مالیات برای چندین‌بار اخذ می‌گردید(۱۹۲:۸).

حضور علی‌شیر نوایی در دربار سلطان حسین بایقرا ارزنده بود؛ زیرا او با احداث قنات و نهرهای آب، زراعت را رونق داده و در کاهش فقر و بهبود وضعیت زندگی مردم و توده‌ها جامعه اثرگذار بود. نوایی در کتاب مجالس‌النفایس خود بر این نکته تأکیدمی‌کند و می‌گوید:باآن‌که مردم ازسپاهی و غیر

سپاهی از دولت‌مرد تا فقیر در کارهای خود به من مراجعه می‌کردند و من در اصلاح آن می‌کوشیدم؛ ولی از کسی طمع مزد نداشتم و از هیچ‌کسی منتی قبول نکردم هرچند در این مورد رنج فراوان بردم(۳:۱۳).

نقش علی‌شیر نوایی در توسعه‌ی اقتصادی دوره‌یتیموریان

جوامع پویا نهایت تلاش به خرج می‌دهند تا جهت رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی از شاخص‌های پاسخگوی توسعه‌ای در بهبود زندگی توده‌ها استفاده‌ی لازم نمایند. اصطلاح توسعهایبه‌عنوان یک پدیده‌ی جدید در مطالعات علوم اجتماعی و اقتصادی برای دگرگونی و تحولات عمده در جهت پیشرفت جوامع معروف به توسعه نیافته به کار می‌رود(۱۰:۱).

همان‌گونه که در نخست تذکر رفت، تاریخ تیموریان از بهترین دوره در بُعد توسعه علم و دانش، فرهنگ و تمدن اسلام بود که نمی‌توان جایگاه این دوره درخشان را نادیده گرفت. درکنار آن تغییرات اقتصادی و بازسازی‌های که در این دوره انجام‌شده بود،هرکدام در درخشش این دوره سهم ارزنده‌ای داشته و اشخاصی بادرایت و قابل‌فهم بودند. آن‌ها با تجارب و دانش تخصصی که داشتند هرکدام در توسعه و انکشاف اقتصادی و فرهنگی دوره تیموریان کوشش می‌نمودند. به‌طور نمونه، حضور تأثیرگذار علی‌شیر نوایی در دستگاه حکومتی سلطان حسین بایقرا از بارزترین موردی است که توانست تغییرات لازم را در ساختارهای اقتصادی و فرهنگی این دوره و در توسعه‌ی اقتصادی تیموریان ایجاد نماید.

سهم علی‌شیر نوایی در دوره‌ی تیموریان به‌عنوان مشاور ارشد سلطان حسین بایقرا، در توسعه‌ی اقتصادی شهر و مخصوصاً شهر هرات، مقر حکومت تیموریان را نمی‌توان نادیده گرفت. لازم به ذکر است که شهر محصورشده در حصار، مرمت گردید و بزرگ‌ترین توسعه در سمت شمال و مغرب شهر کهنه انجام گرفت؛درحالی‌که که اگر شهر توسط تیموریان و شاهرخ میرزا تجدید بنا یافته بود، به‌صورت دژ نظامی و مراکز خزانه‌ی هرات باقی ماند. اقامتگاه واقعی دولت به کاخ‌های بوستانی در حومه‌ی شهر و رشته‌کوه‌های شمالی را پر کرد. نوایی مشاور بزرگ سلطان حسین بایقرا محله معروف خود را پی ریخت؛ مدرسه، خانقاه، مسجد، بیمارستان و اقامت‌گاه خویش را بنیاد نهاد. این توسعهدر هرات و اطراف این شهر یک اقدام فوق‌العاده بود، که در ذات خود توسعه‌ای بی‌نظیر است که قبل از تسخیر هرات توسط تیموریان وجود نداشت(۹۱:۱۴).

شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی و شهری در جوامع بنابر اهداف و مقاصد مهم سیاسی و اقتصادی در جهت تقویت تمدن و اهداف محلی توده‌های جامعه اجرا و تطبیق می‌گردد.در عهد تیموریان وضعیت بر این بود که توسعه‌ی شهری به اساس مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شکل‌گرفته و

افرادی که در دستگاه دولتی به‌عنوان مشاوران دربار و افراد نزدیک به سلطان قرار داشتند؛ در امر تهیه و ترکیب این وضعیت نقش ارزنده‌ای داشتند.

طوریکه توسعه‌ی شهر هرات مخصوصاً اطراف شمال شهر کهنه، انگیزه‌های خاص سیاسی، اقتصادی، مذهبی و قدرت‌نمایی‌های پادشاهان تیموریان را به‌خوبی به تصویر می‌کشد، نقش افرادی که در دستگاه حکومتی وقت به‌نوعی سهم فعالی را به عهده داشتند، نیزتبارز می‌داد. جایگاه علی‌شیر نوایی را در دستگاه حکومت بایقرا در امر مشوره‌دهی می‌توان به‌خوبییادکرد؛ حتی افرادیچون مولانا عبدالرحمان جامی،باوجود نداشتن سمت رسمی در دستگاه حکومتی، به توصیه‌ای پیر خود _خواجه عبدالله احرار_ به ساخت و بازسازی مدرسه، خانقاه و باغ دست می‌زند(۴۰:۱۰).

بررسی عملکرد علی‌شیر نوایی در حوزه‌ی فرهنگ و اقتصاد استوار بر فعالیت‌های عام‌المنفه بوده و به آن توجه خاصی داشت. نوایی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار این عصر، برای گسترش رفاه عمومی تلاش کرده و در این عرصه هم فعالیت‌های چشم‌گیری دارد. طوریکه وی در جریان این‌همه سال‌ها وقف ۳۷۰ بنا اعم از مسجد، کتابخانه، خانقاه، کاروان‌سرا، آب‌انبار و سایر بخش‌های توسعه‌ای را جز پلان‌های اقتصادی خود برای رفاه مردم به یادگار مانده است(۲۷:۲).

فراموش نباید کرد، که افراد زیادی بر اساس علل گوناگون و انگیزه‌ی مختلف در شکل‌گیری و توسعه‌ی خیابان‌های شهری در هرات نقش ارزنده داشتند. البته از این مورد نباید گذشت که در انکشاف و دگرگونی این وضعیت، حمایت شاه‌زادگان تیموری در ساخت‌وساز و توسعه‌ی اقتصادی در شهر هرات قابل‌ملاحظه می‌باشد (۲۶۳:۵).

توسعه و معماری شهری از دیدگاه علی‌شیر نوایی

علی‌شیر نوایی از مهم‌ترین افراد فعال در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی عصر تیموریان بود. او علاوه بر تشویق و حمایت نویسندگان و هنرمندان به ساخت و تجهیز این مدارس توجه خاصی داشت. امینی هروی در توصیف این‌گونه اقدامات او آورده است:» که آن‌قدر مساجد ، مدارس و خانقاه و بقاع‌الخیر در صحاری و براری خراسان ساختند که زبان قلم از شرح بیان آن عاجز است. همان‌گونه که شخصیت نوایی در نزد سلطان حسین بایقرا به‌عنوان مشاور ارشد و برادر رضاعی در دستگاه حکومتی ارزنده و تأثیرگذار بود، تمام تحولات اقتصادی، بازسازی یا معماری شهری و انکشاف در مشاوره با علی‌شیر نوایی و زیر نظر سلطان حسین بایقرا انجام می‌شد.

طوریکهعلی‌شیر نوایی در مورد بنای اخلاصیه در خیابان هرات چنین ابراز نظر می‌کند:" آن اعلیحضرت سلطان، پاره زمینی در ناحیه‌ی کوشک مرغاب(کذا به‌جای کوشک میرغانی) به من اعطا

فرمود تا در آن‌جا برای خود مسکن و باغ کوچکی بسازم. به‌راستی این زمین خوشآب‌وهوا است و جوی انجیل از کنار آن می‌گذرد. پیرامون ۳۰ جریب زمین را حصاری کشیدم و مسکنی در آن بساختم. باغی کوچک به اقسام گوناگون درخت و ایوان ریاحین احداث نمودم. کوشک مرغاب در وسطِ جنوب در مشرق این باغ کوچک قرار داشت. چون بنای آن کهنه و در وضع بدی بود، آن را هموار کردم و به‌جای آن مدرسه و مسجدی بنا نهادم و در شمالی مسجد گنبدی برای قاریان خوش‌الحان ساختم که در آن به تلاوت قران بپردازند. در دو روق مدرسه در دو سمت شرق و غرب، دو تن مدرس برگماشتم تا یکی شرایع و دیگری حدیث تدریس کند. در هر حلقه درس یازده تن طالب علم به درس مشغول می‌باشد. این مدرسه چون از سر اخلاص بنا گردیده است به اخلاصیه موسوم است. در برابر این مدرسه، در ضلع جنوبی جاده عمومی (خیابان) خانقاهی ساخته‌شده که در آن مدت این دولت حاضر، به تهی‌دستان و نیازمندان هرروز غذا داده می‌شود و سالیانه وظیفه‌ای جهت درویشان مقررشده است. در آن خانقاه گنبدی برای مردم آن نواحی بنا گردید تا درایام برف و باران هنگامی که نمی‌توانند برای ادای فریضه‌ای (نماز) جمعه به مسجد جامع بروند، در آن به نماز پردازند. خطیب و امام جماعت وقاریان قرآن مورد لزوم جهت آن مکان منصوب‌شده‌اند(۱۰۴:۱۴).

ساخت و معماری شهری در دوره‌ی تیموریان بر سه عامل عمده استوار بود که نه‌تنها نقش شاه‌زادگان تیموریان؛ بلکه افراد شامل دستگاه دولتی نیز شامل بودند. در این مسأله مقام و نقش بانی شاه‌زادگان برای انگیزه‌ی ساخت این بناها و الهامات مذهبی این دوره اهمیت فروان داشت؛طوریکه، شاه‌زادگان تیموری و اطرافیان آن‌ها بدون شک با مقامی که داشتند نقش طراحی اصلی این بازسازی و انکشاف اقتصادی را در جامعه بازی می‌کردند و با دریافت و لابی‌گری برای کمک‌های خارجی جهت توسعه‌ی شهری و ترکیب معماری‌ها تلاش می‌کردند؛ به همینترتیب که ارتباط قوی بین شخص بانی و طرح در این دوره، پیوند وجود داشت روی‌هم‌رفته توسط انگیزه و تقویت این ارزش،در زمان تیموریان و مخصوصاً در زمان سلطان حسین بایقرا با حضور ارزشمند مشاور ارشد و مدبر آن علی‌شیر نوایی، این روند کاملاً متفاوت و رشد چشم‌گیر پیدا کرد. ارزش‌گذاری بر الهامات و دیدگاه مذهبی درزمان تیموریان را نمی‌توان نادیده گرفت. شاهرخ میرزا پیرو نسبتاً جدی شریعت بود و از همین‌رو بود که وی علاقه‌مند به توسعه‌ی مدارس و خانقاهای در شهر و حومه‌ی آن داشتد و در کنار آن نقش علی‌شیر نوایی نیز در تغییر و سمت‌دهی وضعیت اقتصادی و توسعه‌ی شهر قابل‌ملاحظه بود، که توانست به‌عنوان مشاور ارشد بایقرا در توسعه‌ی شهر هرات، بازسازی و معماری بناهای شهری جای‌گاه ویژه پیداکرده و مسیر انکشاف اقتصادی را بازنماید(۲٦۴:۵).

بناهای عام‌المنفعه‌ای را کهعلی‌شیر نوایی برنامه‌ریزی کرده بود،می‌توان با توجه به کاربردآن‌ها به چند گروه مجزا تقسیم کرد، که شاملبناهای خدماتی(کاروان‌سرا، حمام)، سازه‌ها عمرانی(پل،سد)، اماکن مذهبی و طریقتی(مسجد و خانقاه)، بناهای آموزشی و فرهنگی(کتابخانه و مدرسه‌ها) می‌شود. ازآنجاکه او خود از دانشمندان برجسته‌ای بود، بسیاری از کارهای عام‌المنفعه و وقفیات‌اش مستقیماً در ارتباط با علم بوده؛ازجمله می‌توان به مدرسه‌ی فنائیه اشاره کرد، که نوایی آن را برای استادش جامی احداث کرده و جامی تا آخرین روزهای حیاتش در آن تدریس می‌کرد(۱۹۲:۴).

به همین ترتیب وقفیاتعلی‌شیرنوایی شامل رباط سنگ، رباط دیزآباد، ایوان صحن عتیق امام رضا، مزار شیخ فریدالدین عطار، آب خیابان مشهد(چشمه‌ی گلسب)، بند آجری قریه‌ی طرق، مقبره‌ی امیر قاسم‌الانوار تبریزی می‌باشد(۲۹۰:۱۱).

نتیجه‌گیری

حضور علی‌شیر نوایی در دستگاه حکومتی دوره تیموریان و مخصوصاً سلطان حسین بایقرا در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این دوره افزود. افزون بر فعالیت‌های فرهنگی نوایی در این دوره، وی با درایت کامل توانست برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای را در بهبود وضعیت زندگی توده‌های جامعه به‌درستی اجرا و تطبیق نماید. لازم به ذکر خواهد بود، هرات مقر حکومت تیمور قبل از حضور تیموریان در این شهر و زمان حاکمیت مغول‌ها به حالت بد و اسفناک مبدل گردیده بود، اما با حضور دوره‌یشکوهمند تیموریان و فعالیت‌های مدبرانه مشاور ارشد و کارا سلطان حسین بایقرا، این وضعیت تغییر کرده و شهر هرات به یک محیط کاملاً متفاوت مبدل شده بود.

ساختارهای اقتصادی، تأمین عدالت اجتماعی و انصاف در امورات حکومتی از برنامه‌های اقتصادی علی‌شیرنوایی بود. وی با رفتار دقیق این روند را به‌سوی مثبت تغییر ژرف داده و باعث گردید تا تعداد زیاد مردم به حکومت و برنامه‌های که توسط حاکمان دوره تیموریان اجرا می‌شد،باورمند شوند.به‌طور نمونه توسعه‌ی شهری و معماری‌های که در شهر هرات صورت گرفته بود هرکدام گواه سازندگی و توسعه‌ی اقتصادی در این ایام بود. به ادامه باید ذکر نمود که توسعه‌ی اقتصادی که در دوره‌ی تیموریان و مخصوصاً شاخص‌های که تحتِ نظر علی‌شیر نوایی انجام‌شده بود هرکدام در پرتو عدالت اجتماعی و انصاف در بین توده‌های اجتماع صورت می‌گرفت.

کاهش مالیات و نظارت بر دریافت مالیات از طرف مأموران دولتی نیز با دقت کامل مدیریت می‌شد. علی‌شیر نوایی خود از این روند نظارت می‌کرد تا نشود که ظلم بر توده‌های عام اجرا گردد و بنیادهای اقتصادی و توسعه‌ایبه مشکل مواجه گردد. به همین ترتیب؛ نوایی به ساختنِ بندها، بناها،

مساجد و خانقاه‌ها نیز نقش ارزنده داشته و هرکدام در شکوفای دوره تیموریان تأثیرگذار بود.

بهخاطر باید سپرد که در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم در دوره‌ی تیموریان در کنار نقش بارز علی‌شیر نوایی حضور شاهزادگان تیموریان نیز اثرگذار بود؛ زیراهرکدام از این حاکمان در بهبود وضعیت اقتصادی توده‌ها، بازسازی و ایجاد ساختارهای اقتصادی پاسخگو، نقش ارزنده داشته و بر وضعیت اقتصادی مردم نظارت کامل داشتند و از همین خاطر صلاحیت رسیدگی را به مشاوران خود در زمینه داده بودند تا در بهبود وضعیت تلاش نمایند.

فهرست منابع

۵. الوانی، سید مهدی و همکاران، (۱۳۹۲)، مدیریت توسعه.تهران: صفار؛

٦. بارتولد،واسیکی ولاریمیر وویج، (۱۳٦۰)،زندگانی سیاسی امیرعلی شیر نوایی، کابل: انجمن تاریخ؛

۷. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۸۰)، تاریخ حیب‌السیر، مقدمه‌ی جلال‌الدین همایی، تهران: بی‌جا؛

۸. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین،(۱۳۷۲)،مآثرالملوک،تصحیح میرهاشم، تهران: رسا؛

۹. رهگذر، نذیر احمد، (۱۳۹۹)، گاهنامه‌ی فرهنگ، کابل: ریاست فرهنگ مردم، وزارت اطلاعات و فرهنگ؛

۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، روزگاران، تهران: ارشاد و فرهنگ اسلامی؛

۱۱. سیستانی، محمد اعظم، (۱۳۹۳)، سیمای زن افغان در حماسه و تاریخ کابل: دانش خپرندوی تولنه کابل؛

۱۲. عالمی، احمد ولی، (۱۳۹۹)، گاهنامه‌ی فرهنگ، کابل: ریاست فرهنگ مردم، وزارت اطلاعات و فرهنگ؛

۱۳. گروسه، رنه، (۱۳۷۹)، امپراطوری صحرا نوردان، مترجم عبدالحسین نیک‌ده، تهران: علمی فرهنگی؛

۱۴. مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۹)، شیخ عبدالرحمن جامی، تهران: طرح نو؛

۱۵. نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران، تهران: ناشر فروغی؛

۱٦. نوایی، امیر علی‌شیر، (۱۳۴۲)، دیوان امیر علی‌شیر نوایی به هتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: ابن سینا؛

۱۷. نوایی، امیرعلی شیر، (۱۳۲۳)، مجالس‌النفائس به اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران: مرکز تحقیات اسلامی؛

۱۸. ویلبر، دونالد، (۱۳۷۴)، معماری تیموریان در ایران و توران، تهران: فرهنگ‌ستان هنر؛

بازتاب نگرش‌های اپیکوریستی در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی

احمدجاوید انوش[۱]، سونیا آژمان[۲]

چکیده

اپیکوریسم یکی از مکاتب فلسفی یونان باستان است که تأکید بسیار بر لذت‌گرایی در زندگی و فرار از رنج و اندوه دارد. این مکتب فلسفی بنای رنج انسان را ترس از خدایان و مرگ می‌داند. نگرش‌های مهم و بنیادی این مکتب فلسفی از قبیل دم غنیمت شمردن، لذت‌گرایی، باده‌گساری برای فرار از رنج و بی‌خبری از آینده، در اشعار کهن فارسی دری نیز بازتاب فراوان یافته و در برخی موارد با مفاهیم عرفانی نیز درآمیخته است. فرض این پژوهش بر این استوار است که در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی با تأثیر از بزرگان ادب فارسی دری، مفاهیم و نگرش‌های اپیکوریستی بازتاب فراوان دارد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیمی مثل بی‌خبری از آینده، اغتنام فرصت، باده‌گساری برای فراموشی رنج و میسر شدن لذت فعال و منفعل در اشعار نوایی با تأثیر از سایر بزرگان ادب فارسی دری بازتاب فراوان یافته است؛ البته در برخی موارد مانند خلوت‌گزینی و باده‌نوشی برای برداشتن نقاب ریا، این نوع نگرش‌ها آمیخته با نوعی پوشش عرفانی نیز بیان شده است. مفاهیم دیگری مانند منزوی بودن و گمنام‌زیستن در شعر نوایی بسامد اندک دارد. هم‌چنان مؤلفه‌های دیگر اپیکوری مانند ترس از مرگ و خدایان به دلیل باور داشتن نوایی به تقدیر الهی وجود ندارد، زیرا او مرگ را سرنوشت محتوم آدمی دانسته و تسلیم آن شده است؛ هم‌چنان او هراس از عذاب الهی ندارد، زیرا محمد (ص) را شفاعت‌خواه خویش در روز حشر می‌داند.

واژه‌های کلیدی: اپیکوریسم، امیرعلی‌شیر نوایی، فانی، ادبیات و فلسفه

۱. کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی (نویسندهٔ مسئول) jawedanosh456@gmail.com
۲. دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی Azhmansonya@gmail.com

۱. مقدمه

بدون تردید بخشی ازکارکرد ادبیات، فراهم کردن لذت برای نسل بشر و ترغیب انسان برای لذت بردن از زندگی است. در ادبیات کهن فارسی نیز در موارد بسیاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم به ترغیب انسان‌ها برای لذت بردن از زندگی و اغتنام فرصت پرداخته شده است. اما اگر به واکاوی این موضوع به صورت ریشه‌ای پرداخته شود، دریافته می‌شود که ریشه‌ی این طرز تفکر بیشتر از مکاتب فلسفی یونان باستان آب می‌خورد. مکاتب فلسفی متعددی در طول تاریخ فلسفه به مسایل انسانی و لذت‌های انسانی پرداخته‌اند و برخی از این دیدگاه‌های فلسفی نیز در ادبیات سرزمین‌های مختلف از جمله ادبیات فارسی بازتاب داده شده است. یکی از مکاتب فلسفی که آرای آن در ادبیات کهن فارسی دری بسامد فراوان دارد، مکتب اپیکوریسم(Epicureanism)است. مشرب اپیکوریسم یکی از مکاتب فلسفی یونان باستان و بیشتر محصول افکار فلسفی اپیکوروس(Epicurus) (حدود ۲۷۰-۳۴۱ پیش از میلاد) است (ر.ک: مگی، ۱۳۹۹: ۴۴). بنای فلسفه‌ی اپیکوریسم را لذت بردن از زندگی و فرار از مشکلات ورنج‌های آدمی تشکیل می‌دهد. اپیکوریان معتقد بودند که برای بهره بردن از زندگی باید از هرچه مایه‌ی رنج و تکلیف انسان می‌شود، فرار کرده و به هرچه که به انسان لذت می‌دهد، پناه برده شود (ر.ک: همان‌جا: ۴۵). بن‌مایه‌های این طرز تفکر در اشعار کهن فارسی نیز بسامد فراوان دارد که در این جستار به بازتاب نگرش‌های اپیکوریان در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوائی و تحلیل آن‌ها از این منظر پرداخته خواهد شد.

۱-۱.بیان مسأله

امیرعلی‌شیر نوائی یکی از شاعران ذواللسانین دوره‌ی تیموری در تاریخ ادبیات فارسی دری محسوب می‌شود. تأثیر مسلم او از حافظ و برخی دیگر از بزرگان زبان وادب فارسی دری از جمله رودکی، سعدی و خیام در همه غزل‌های فارسی‌اش آشکار است. این تأثیر نه تنها در ساحت فرم و قالب، بلکه در قلمرو معنا و محتوا نیز اتفاق افتاده است. از آن‌جا که حافظ و سایر بزرگان ادب فارسی دریرا در نگرش‌شان به جهان، از فلسفه‌ی اپیکوریسم متأثر می‌دانند (ر.ک: رشیدآبادی و آریان، ۱۳۹۳: ۴۵ـ ٦۸)، می‌توان گفت که اشعار امیرعلی‌شیر نوائی نیز با تأثیر از حافظ و سایر بزرگان ادب فارسی به بازتاب نگرش‌های اپیکوریستی پرداخته است. برخی از خوانندگان متون کهن فارسی به این پنداراند که مؤلفه‌های نظیر اغتنام فرصت، لذت‌گرایی، باده‌گساری و گمنام‌زیستن ریشه در آموزه‌های تعلیمیِ عرفانی و تصّوفی دارد، امّا می‌توان مدّعی شد که این نگرش‌ها ریشه در آرای اپیکوریان در گذشته داشته و در اشعار بزرگان فارسی با مفاهیم عرفانی شرقی آمیخته و همسو شده است.

۱-۲.روش و پرسش‌های تحقیق

این پژوهش بر اساس روش کیفی و استدلالی و براساس گردآوری اطلاعات به وسیله‌ی فیش‌ها و تحلیل آن‌ها صورت گرفته است. در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده و فیش‌برداری نیز به صورت نقل قول مستقیم و غیر مستقیم صورت گرفته است. هم‌چنان سعی صورت گرفته تاحد ممکن از منابع معتبر و علمی استفاده شود. این پژوهش بر اساس پرسش‌های زیر استوار است.

۱. آیا نگرش‌های اپیکوریستی در اشعار امیرعلی‌شیر نوایی بازتاب داده شده است؟

۲. علت این‌که شاعران بزرگ ادب فارسی از جمله امیرعلی‌شیر نوایی به مفاهیم اپیکوریستی در اشعارشان توجه نشان داده‌اند، چیست؟

۳. تا چه اندازه نگرش‌های اپیکوریان در اشعار امیرعلی‌شیر نوایی بازتاب داده شده است؟

۱-۳. پیشینه‌ی پژوهش

در مورد تأثیر فلسفه‌ی اپیکوریسم بر ادبیات فارسی و بازتاب نگرش‌های اپیکوریستی در اشعار کهن فارسی دری، پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها قابل ذکر است.

رشید آبادی، ذکیه و حسین آریان (۱۳۹۳)در مقاله‌ای به موضوع «آموزه‌های تعلیمی از منظر اپیکوری (با رویکردی به چامه‌های هوراس و غزلیات حافظ)» پرداخته و به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که میان مبانی فکری حافظ و هوراس اشترکات فکری اپیکوریستی از قبیل خوش‌باشی، باده‌خواری، پذیرش مرگ و اغتنام فرصت وجود داشته است.

حسن‌زاده، میرعلی و لیلا شامانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به موضوع «بن‌مایه‌های لذت‌گرایی در شاهنامه و تأثیرپذیری از افکار اپیکوریستی» پرداخته‌اند. در این پژوهش این نتیجه به دست آمده است که با وجود بسامد بالای لذت‌گرایی در شاهنامه، دنیای حماسی شاهنامه را نمی‌توان با اپیکوریسم سرخورده یکی دانست.

عزیزی، عاطفه (۱۳۹۵). در مقاله‌ای «تفکرات اپیکوری در اشعار پدر شعر فارسی» را بررسی کرده است. نتیجه‌ی حاصل از این پژوهش بررسی تفکرات اپیکوریستی در اشعار رودکی و هم‌چنان بررسی اعتقاد او به خداوند، انسان و مرگ است.

در برخی از یادداشت‌ها و نوشته‌های دیگر خیّام و برخی دیگر از شاعران را نیز متأثر از فلسفه‌ی اپیکوریستی دانسته‌اند و لی هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به بازتاب نگرش‌های فلسفه‌ی اپیکوریسم در اشعار فارسی امیرعلی‌شیر نوایی اشاره‌ای نکرده‌اند و به همین دلیل این پژوهش کاملاً بدیع و جدید است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. آشنایی با مکتب فلسفی اپیکوریسم و مؤلفه‌های آن

اپیکوریسمیکی از چهار مکتب فلسفی بزرگ در یونان باستان بعد از روزگار افلاطون است. این مکتب فلسفی که اصل لذت را مبنا و اساس فلسفه‌ی طبیعی و اخلاقی خویش قرار داده در کنار مکتب رواقیان (Stoicism)، شک‌گرایان (Skeptics) و کلبیون (Cynicism) در سال ۳۱۱ ق.م توسط اپیکوروس بنیاد نهاده شده است.

اپیکور (۳۴۱ـ ۲۷۱ ق.م) در آتن به دنیا آمده است. او بنا به برخی روایات هفتادودوسال و دربرخی دیگر هشتادویک‌سال زندگی کرده است. او در اواخر عمر از بیماری‌های جسمانی زیادی از جمله سنگ مثانه رنج می‌بردکه سرانجام این بیماری‌ها باعث مرگ وی نیز شد. به قول صاحب‌نظران اپیکور مکتب فلسفی خود را در سال ۳۱۱ ق.م بنیاد نهاد که در آن روزگار با مخالفت‌های بسیاری روبه‌رو شد. اپیکور دارای تألیفات زیادی بوده که برخی آثار او را تا حدود سه صد اثر دانسته‌اند (ر.ک: میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۲۷). و نیز (ر.ک: لائرتیوس، ۱۳۸۷: ۴۲۸-۴۳۸).

به باور نظریه‌پردازان اپیکور فلسفه‌ی خود را بر پایه‌ی دانش فزیک و ذره انگاری (Atomism) بنا نهاده و به دلیل تعالیم اخلاقی خویش با محوریت لذت‌گرایی نامدار شده است (دهقان‌زاده و احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۴۷). بنیاد و مؤلفه‌ی محوری و اساسی در فلسفه اپیکوریسم به دست آوردن لذت طبیعی و لذت‌گرایی و فرار کردن از تمام پدیده‌هایی است که مانع لذت طبیعی می‌شود. اپیکور لذت را بر مبنای ضرورت‌ها به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. لذت‌های طبیعی و ضروری: مانند لذت خوردن و آشامیدن که طبیعی بوده و از نیازهای نخستین انسان است. ۲. لذت‌های طبیعی و غیر ضروری: اپیکور این نوع لذت را مطلوب طبیعت انسان می‌داند، ولی مدعی است که برای انسان ضروری نیست، مثل لذت ازدواج و لذت خوردن غذاهای لذیذ و کم‌یاب. ۳. لذت غیر طبیعی و غیر ضروری: مانند لذت جاه، مقام و شهرت (ر.ک: برن، ۱۳۵۷: ۱۱۱- ۱۱٦) و نیز (غیبی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). اپیکور لذت‌گرایی را درچارچوب‌های اخلاقی مطرح کرده و لذت‌های غیر اخلاقی را غیر ضروری خوانده است و از این نظر ادعای کسانی که لذت‌گرایی افسار گسیخته و بدون قید و شرط را به اپیکوریسم نسبت داده‌اند، منتفی است. در لذت‌گرایی اخلاقی اپیکوری بر علاوه‌یتمایل روان‌شناختی انسان به لذت‌جویی، به این نکته تأکید شده که انسان باید به لذت‌گرایی بپردازد، زیرا تنها چیزی که خوب است، لذت است (غیبی، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

نظریه‌پردازان حیطه‌ی فلسفه معتقدند که فلسفه‌ی اپیکوریسم در تلاش در نظر گرفتن طبیعت به

مثابه‌ی امر واقع بوده و با استفاده از این روش انسان خفته در تخیّلات واهی و اسطوره‌ها را بیدار کرده است. او در زمینه اخلاق و طبیعیات نیز راه تازه‌ای برای بشریت گشوده و به همین دلیل او را جدّ اعلای فلسفه‌ی تحصّلی دانسته‌اند (برن، ۱۳۵۵: ۴۸-۴۹). همان‌گونه که قبلاً نیزیادآوری شد، لذت‌گرایی اپیکوریستی به دنبال نوعی لذت‌گرایی اخلاق‌محور است و از این نظر بر نوعی لذت حقیقی تکیه و تأکید دارد. به عبارت بهتر، تأکید اپیکور بر لذت منفعل یا سکون برخاسته از این نوع نگرش وی در مورد لذت است (ر.ک: دوکاسه، ۱۳٦۷: ۴۲-۴۳). سایر مؤلفه‌های اپیکوریستی مانند دم‌غنیمت‌شمردن، منزوی‌زیستن و بی‌خبری از آینده نیز اسبابی برای فراهم کردن کانونی‌ترین ارزش انسانی از منظر اپیکور هستند. برخی دیگر پژوهشگران فلسفه‌ی اپیکوری را نوعی ماده‌گرایی خوانده و گفته‌اند که اپیکور پایه‌گذار نوعی فلسفه‌ی اصالت انسان بدون توجه به خداست (ر.ک: برن، ۱۳۵۵: ۵۱). بحث انکار خدا را که برخی از صاحب‌نظران به اپیکور نسبت می‌دهند، برخاسته از این نوع طرز تفکر در مورد اندیشه‌ی وی است. نگارنده در تلاش انکار این باور اپیکوری و باطل ثابت کردن ادعای دیگران در این خصوص نیست، ولی سعی دارد روشن بسازد که نفی کامل خدا در این مکتب فلسفی وجود ندارد، اگر وجود هم دارد به گونه‌ی بسیار ضمنی و پوشیده است. اپیکور می‌گفت خدایان در قسمتی از آسمان مشغول عیش خویش‌اند و حوصله‌ی ثبت اعمال انسان‌ها را ندارند و انسان از این بابت نباید خود را در رنج بیاندازد.

اپیکور مردی انزواطلب و مخالف پرداختن به امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده و زندگی تجملی را نیز بر نمی‌تافته است. او معتقد بوده که لذت سکون و منفعل از راه عدم فعالیت و نوعی در خلا قرارگرفتن به دست می‌آید. او مردی بی‌دین و لامذهب بود و دین و مذهب را نیز مانع جدّی برای رسیدن انسان به سعادت می‌دانست (واعظی، ۱۳۴۷: ۹۷). شاید یکی از دلایلی که اپیکور که می‌گوید دین مانع رسیدن به سعادت است، این باشد که دین به خوف از خدا تأکید کرده است. در ضمن برخی از توصیه‌های اپیکوری نیز در نظام اخلاقی دینی فاقد اعتبار و توجیه اخلاقی‌اند.

اپیکوریان احساست را بر دو نوع دسته‌بندی کرده اند؛ ۱. لذت ۲. الم و معتقدند که این دو نوع در هر موجود زنده‌ای پدید می‌آید. اپیکور لذت را مطلوب و الم را غیر مطلوب توصیف کرده می‌گوید که انسان باید لذت را انتخاب و از الم اجتناب کند (لائرتیوس، ۱۳۸۷: ۴۳۹). شاید یکی از دلایلی که اپیکوریان مخالف عشق ورزیدن هستند، نیز همین باشد؛ زیرا به این باوراند که این نوع احساسات موجب الم فرد و دور شدن او از لذت می‌گردد. تفاوت اصلی دیدگاه اپیکوریسم با اسلاف کورنائی‌اش مشخصاً این اعتقاد است که آدمی با کمک عقل می‌تواند زندگی خویش را مدیریت کرده

و به لذات طبیعی و سالم دست پیدا کند (ر.ک: عزیزی، ۱۳۹۵: ۳). به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که اپیکوریسم انسان را تنها صورت بیولوژیکی فرض نمی‌کند؛ بلکه معتقد است که انسان یک وجود اخلاقی و اجتماعی است که طبیعت بشری‌اش را در دوستی و ارتباط سالم اجتماعی متظاهر می‌سازد و از این نظر دوستی نیز عنصر مهم اخلاق اپیکوری را تشکیل می‌دهد (همان‌جا، ۱۳۹۵: ۴).

۲-۲. امیرعلی‌شیر نوایی و جایگاه او در ادبیات ترکی و فارسی

در تاریخ ادب فارسی اگر درمورد ادبیات دوره‌ی تیموریان هرات مراجعه شود، یکی از پربسامدترین نام‌ها در صفحات تاریخ ادبیات این دوره نام امیرعلی‌شیر نوایی است. دلیل این امر هم در نخست جایگاه سیاسی امیر در دربار و نقش او در گسترش و رشد مسایل فرهنگی در این دوره و در قدم دوم جایگاه ادبی خود او به عنوان شاعر و نویسنده‌ی زبان فارسی و ترکی است. نوایی به قول تذکره‌نویسان و پژوهشگران در سال ۸۴۴ ه.ق (۸۱۹ ه.خ/ ۱۴۴۱م.) چشم به هستی گشوده و در سال ۹۰٦ ه.ق (۸۷۹ه.خ/ ۱۵۰۱م.) چشم از جهان فروبسته است (حسنی و لیمائی، ۱۳۹۲: ٥٦) صاحب‌نظران او را یکی از شاعران و فضلای مسلم این دوره دانسته و گفته‌اند که «او در آثار خود نه تنها اندیشه‌های والای ادب کلاسیک فارسی را به قالب‌های زبان ترکی آورد؛ بلکه آن اندیشه‌ها را با استفاده از استعاره و مجاز و عناصر داستانی هم‌خوان با فرهنگ ترکی، روحی متناسب با آن زبان بخشید» (رفیعی و فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

نقش امیرعلی‌شیر نوایی و جایگاه او در ادب ترکی جغتایی بسیار روشن است، به حدی که او را پدر ادبیات ترکی جغتایی (ادبیات ازبکی) دانسته و گفته‌اند که او با سرایش اشعار و خلق متون ادبی «موفق شد ترکی جغتایی را چنان فراخی و گستردگی بخشد که شایسته‌ی یک زبان ادبی باشد» (حسنی و لیمائی، ۱۳۹۲: ٦۷). برخی در ادب فارسی نیز برای او جایگاه ویژه‌ای قایل شده‌اند، تحلیل و واکاوی جایگاه علی‌شیرنوایی به صورت موشگافانه از حوصله‌ی این جستار بیرون است؛ اما چیزی که مسلم است این است که امیر ادب فارسی را نیکو می‌دانسته و به بزرگان ادب فارسی ارادت خاصی داشته است و بسیاری از اشعار ترکی‌اش را با تأثیر و استقبال از اشعار کهن فارسی سروده است. خواندمیر در مقدمه‌ی روضه‌الصفا بیان می‌کند که امیر علی‌شیر «در زبان ترکی جغتایی پنج مثنوی به تقلید خمسه‌ی نظامی و مثنوی دیگر به سبک شیخ عطار به لسان‌الطیر و چهار دیوان غزلیات دارد» (خواندمیر، ۱۳۳۸: ی). هم‌چنان از لابه‌لای اشعار او می‌توان ارادت او به بزرگان ادب فارسی از جمله حافظ و جامی را دریافت. آنجا که می گوید «شهی و رفعت اگر آرزو کنی فانی/ غلام حافظ و خاشاک راه جامی باش» (نوایی، ۱۳۴۲: ۱۲۱). علی‌شیر نوایی چنان‌که از لابه‌لای اشعار او نیز مشخص می‌شود، در شعر فارسی

دری «فانی» و در شعر ترکی«نوایی» تخلص می‌کرده است(ر.ک: صفا، ۱۳۷۱: ۳۸۲) و نیز (ر.ک: ناطق‌شریف، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۵).

در مقدمه‌ی اشعار فارسی دیوان نوایی در مورد کثرت و تعداد اشعار فارسی علی‌شیر نوایی آمده است که «آثار فارسی امیر معدود است و جز دیوان غزلیات و یک قصیده [و] تعدادی نامه‌ی فارسی» (نوایی، ۱۳۴۲: دوازده) اثر مکتوب دیگری از او به زبان فارسی دری باقی نمانده است.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. بررسی و تحلیل نگرش‌های اپیکوریستی در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی

پیروان مکتب فلسفی اپیکوریسم به مؤلفه‌های از قبیل مغتنم شمردن فرصت، لذت‌جویی، فرار از رنج و اندوه، باده‌گساری، در زمان حال زندگی کردن، انزوا و گمنام‌زیستی تأکید دارند. این مؤلفه‌ها به صورت عنوان‌های جداگانه با ذکر شاهدمثال از غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱-۱. لذت‌جویی

یکی از مؤلفه‌های بنیادی در فلسفه‌ی اپیکوریسم لذت‌جویی است، حتی برخی اپیکوریسم را مترادف لذت‌گرایی تعبیر کرده‌اند. اپیکور لذت را به دونوع دسته‌بندی کرده است. الف) لذت فعال یا متحرک. ب) لذت منفعل یا ساکن. از نظر او لذت فعال با انجام یک حرکت و فعالیت به دست می‌آید و لذت منفعل نیز نبودن درد و رنج به گونه‌ی مطلق است و اپیکوریان نوع دوم لذت را بیشتر می‌پسندند (میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۲۹). اما اپیکور مخالف امیال سرکش است و به باور اپیکور می‌توان با کنترل امیال به وسیله‌ی نوعی تعقل و فرزانگی، از لذت‌هایی که دردهایی در پی دارند اجتناب کرد (میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۲۹). این فرزانگی و تعقل در اشعار امیرعلی‌شیر نوایی و مدیریت امیال انسانی به وسیله‌ی آن اعتقادات امیر به جهان دیگر و روز پسین است؛ زیرا در دنیای علی‌شیر نوایی خداوند به عنوان یک کانون ارزشی وجود دارد. چنانچه می‌گوید:

هرکس گه افتادگی آرد به کسی روی/ مارو به کی آریم تویی چون که کس ما/ فانی‌صفتم روح کند سوی تو پرواز/ ای از شکرستان تو قوت مگس ما (فانی، ۱۳۴۲: ۱). در شعرهای کهن فارسی عشق در دو بعد شادی‌آفرین و رنج‌آفرین توصیف می‌گردد؛ زیرا وصل شادی و لذت می‌آورد و فراق اساب رنج و ناراحتی فراهم می‌کند. در برخی از اشعار نوایی بر امید و تلاش برای رسیدن به وصل تأکید شده است که این نشانه‌ی لذت‌جویی متحرک و فعال است. «اگرچه وصل بی توفیق ممکن نبود ای فانی/ مشو نومید و در راه طلب سعی آنچه بتوان کن» (همانجا، ۱۳۴۲: ۱۷۳). در بیت دیگر نیز شاعر

اشاره به رنجی دارد که بدون تحمل آن به وصل و لذت نخواهد رسید که تحمل رنج برای رسیدن لذت نیز از نوع لذت فعال است، چنانچه می‌گوید: «زجام وصلش از یک قطره بویی هم نخواهم یافت/ دلم تا در هوایش قطره‌قطره خون نخواهد شد» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ٦۳). در اشعار فارسی دری نوایی به صورت مکرر گزاره‌هایی را می‌توان دریافت که در آن‌ها به صورت مستقیم به لذت و لذت‌جویی توصیه شده است؛ به طور نمونه «ای دل درون دیر مغان دار مغتنم/ از جام لعل مغبچه عیش مدام را» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۱۱). دربیتی دیگری که انسان را به نوعی لذت منفعل و ساکن ترغیب می‌کند و انسان را ازجستجو کردن وکشف هستی منع می‌کند، زیرا مدعی است که مبهم بودن سِّر افلاک باعث رنج انسان می‌گردد «دور ساغر را غنیمت دان که نقاش ازل/ کرده مبهم سرِّ این نُه گردش پرگار را» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۸). غنیمت دانستن وقت با نوعی توصیه به باده‌گساری در واقع فرار از مسایل آزاردهنده و رسیدن به آرامش و لذت است؛ زیرا از نظر نوایی عیش بدون می میسر نیست، چنانچه خود گفته است که «طایر فرخنده‌ی عیش است رام نقل و می/ از پی صیدی چنین می‌ریزم آب و دانه را» (همان‌جا، ۱۳۴۲:٦). در بیتی دیگر نیز اشاره به نشاط آوری می دارد که نشاط آوری و آرامش نیز از مفاهیم کلیدی و غایت اعلای زندگی در فلسفه‌ی ایپکوریسم پنداشته می‌شود (ر.ک: عزیزی، ۱۳۹۵: ۲). «ساقیا جام می‌ام ده که نشاطم هوس است/ زان‌که ممکن نبود جز به می و جام نشاط» (فانی، ۱۳۴۲: ۱۲۴).

بیشتر لذت‌جویی در اشعار نوایی فعال و متحرک است و از این نظر دیدگاه‌های این شاعر در تقابل با اپیکور است؛ زیرا اپیکور پیوسته فرار از رنج را توصیه می‌کند (ر.ک: عزیزی، ۱۳۹۵: ۲). لذت فعال از نظر اپیکور همیشه موانعی نیز دارد که سبب رنجش انسان می‌شود که در برخی از اشعار نوایی فراق از معشوق، حوادث روزگار و زمانه موانع لذت پنداشته می‌شوند. آن‌جا که می‌گوید« با عشرتم چه قوت، کاین چرخ کم فتوت/ هم هست بی‌مروت، هم هست بی‌مدارا» (فانی، ۱۳۴۲: ۱۰). اشاره به بی‌مروتی چرخ فلک، روزگار و زمانه دارد که قوت عشرت را از انسان می‌گیرد. در اکثر غزل‌های فارسی دری نوایی به فراق و رنج حاصل از این فراق پرداخته شده است که موانع لذت پنداشته می‌شود «زهر فراق می‌کشم وه چه عذاب باشد این/ در ته دوزخ غمت چند کشم عذاب را» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۱٦). در بیت دیگری نیز موتیف فراق این گونه بیان شده است «به حالم شمع را گر دل بسوزد گو سر خود گیر/ که در هجران مرا تاصبح‌دم این است کار امشب» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۲۳). در برخی از غزل‌ها نیز شاعر از جور فلک شاکی است و این رنج را به همه انسان‌ها تعمیم داده می‌گوید «گرپاره ساخت تیغ جفای فلک دلم/ کو دل که از جفای فلک پاره‌پاره نیست» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۲۳).

۲-۱-۳. باده‌گساری

در غزل‌های نوایی مضامین بسیاری اشاره به باده‌گساری و می‌خواری دارد، البته ترغیب به باده‌گساری و بیان شراب‌خواری دلایل مختلف دارد. یکی از دلایل توصیه به باده‌نوشی، فراموش کردن رنج و اندوه است. فانی می‌گوید «رهاند از غم عالم مرا عجب نبود/ اگر چنین شده باشم اسیر و زار شراب» (فانی، ۱۳۴۲: ۲۴). در بیتی دیگری نیز شراب را برای فراموشی توصیه کرده است «چو عمر می‌گذرد جام می ز دست منه/ که وارهاند از اندوه روزگار تو را» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۱۴). تأکید بر باده‌نوشی برای فراموشی اندوه و رنج در شعر دیگر شاعران کهن فارسی به ویژه حافظ نیز بسامد فراوان دارد. حافظ می‌گوید: «دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیر باد/ گفتا شراب نوش و غم دل ببر ز یاد» (حافظ، ۱۳۹۵: ۱۷۵). دربیتی دیگری نیز اشاره به چنین مضمونی کرده می‌گوید: «مباش بی می و مطرب که زیرطاق سپهر/ بدین ترانه غم از دل بدر توانی کرد» (همان‌جا، ۱۳۹۵: ۲۱۸). فانی نیز در بیتی دیگری می‌گوید «فانیا کارجهان جز غم نباشد می بیار/ لحظه‌ای گر شاد خواهی خاطر غم‌ناک را» (فانی، ۱۳۴۲: ۷). هم‌چنان توصیه به شراب‌خواری برای فرار از اندوه بی‌پایان روزگار نیز بوده است «چو امن خواهی از این روزگار پر آشوب/ میا زمیکده بیرون و باش مست و خراب» (فانی، ۱۳۴۲: ۲۱). یا هم می‌خواری برای در امان بودن از آشوب دنیای دون توصیه شده است «درون میکده آشوب می غنیمت دان/ که در برون همه آشوب عالم دون است» (همان‌جا: ۲۸).

بسیاری از شاعران کهن فارسی در اشعارشان نگرش‌های فلسفی را آمیخته با مفاهیم عرفان شرقی بیان کرده‌اند؛ به طور نمونه شراب‌خواری که برای لذت و فرار از رنج و اندوه در فلسفه‌ی اپیکوریسم توصیه می‌گردد، در عرفان برای نقاب ریا از رخ برانداختن نیز توصیه شده است که این نوع نگرش در اشعار فانی نیز نمود پیدا کرده است «زلوث زهد ریایی معاشری شد پاک/ که بهر سجده به ابریق می طهارت کرد» (همان‌جا: ۶۴).

۳-۱-۳. اغتنام فرصت وبی‌خبری از آینده

اپیکور معتقد بود که «کس را وقوف نیست که انجام کار چیست» بنابراین می‌گفت که آینده نه از ما و نه یکسر از ما بیگانه است؛ پس نباید به آن دل بست ونباید از آن ناامید شد (بران، ۱۳۵۷: ۱۱۵). او بر اساس این نگرش، پیروان خود را به اغتنام فرصت و لذت بردن از زمان حال توصیه می‌کرد و به عبارت بهتر می‌گفت «هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار» (حافظ، ۱۳۹۵: ۱۴۴). در اشعار فانی نیز مؤلفه‌ی اغتنام فرصت بسامد فراوان دارد. «یک دو دم وقت را غنیمت دان/ باحریفان بنوش باده‌ی ناب» (فانی، ۱۳۴۲: ۱۷). یا آن‌جا که می‌گوید «تا قیامت شام تنهایی بود در دیده خواب/ یک صبوحی مغتنم

دان صحبت احباب را» (همان‌جا: ۷).

اپیکور نیز در شمار لذت‌ها، مصاحبت با دوستان را نیز غنیمت شمردن فرصت و جزو لذت‌ها می‌دانسته است. این نوع نگرش در اشعار شاعران دیگر فارسی زبان نیز نمود پیدا کرده است. چنانچه سعدی می‌گوید «از هرچه می‌رود سخن دوست خوشتر است/ پیغام آشنا نفس روح‌پرور است» (سعدی، ۱۳۹۸: ۴۳۵). تأکید بر اغتنام فرصت بیشتر بر این دلیل است که آینده و این‌که انسان تا چه زمانی می‌تواند زندگی کند، روشن و تضمین شده نیست. «مغتنم دان؛ هردم از عمرت که یک دم را از او/ نیست ممکن؛ نی مسیحا؛ نی خضر گشتن ضمان» (فانی، ۱۳۴۲: ۱۷۴). در اشعار شاعران دیگر نیز تأکید فراوان بر اغتنام فرصت شده و بیشتر دلیل آن نیز بی‌خبری از آینده و از دست دادن گذشته بوده است. «سعدیا دی رفت و فردا هم‌چنان موجود نیست/ در میان این و آن فرصت شمار امروز را» (سعدی، ۱۳۹۸: ۳۹۹).

خیّام نیز معتقد است که « از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن/ فردا که نیامده‌ست فریاد مکن/ بر نامده و گذشته بنیاد مکن/ حالی خوش باش و عمر برباد مکن» (خیام، ۱۳۷۳: ۱۵۲). بی‌خبری از آینده نیز در اشعار فانی نمود و بسامد فراوان دارد؛ «ساقیا جام می آغاز بکن چون کس را/نیست معلوم که انجام چه خواهد بودن» (فانی، ۱۳۴۲: ۱۶۱). حافظ نیز در اشعارش به مفهوم بی‌خبری از آینده پرداخته می‌گوید« ساقیا جام می‌ام ده که نگارنده غیب/ نیست معلوم که در پرده‌ی اسرار چه کرد» (حافظ، ۱۳۹۵: ۲۱۵). البته به باور نگارندگان این بی‌خبری از آینده علاوه بر تفکر اپیکوری ریشه در باورهای عرفان اسلامی شاعران فارسی زبان نیز داشته است؛ زیرا در باورهای اسلامی و عرفانی، آینده چیزی است که قسمت و تقدیر انسان تعیین می‌کند و سرنوشت او از قبل تعیین شده، ولی انسان بر آنچه که خداوند بر او پیش خواهد آورد، واقف نیست. این بی‌خبری از آنچه که درباورهای اسلامی تقدیر الهی و قضا خوانده می‌شود، در شعر شاعران کهن فارسی نیز نمود فراوان دارد. خیّام در یکی از اشعارش با اشاره به چنین مفهومی می‌گوید «نتوان دل شاد را به غم فرسودن/وقت خوش خود به سنگ محنت سودن/ کس غیب چه داند که چه خواهد بودن/ می باید و معشوق و به کام آسودن» (خیّام، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

بسامد مفهوم بی‌خبری از آینده در شعر نوایی نیز بسیار است، آن‌جا که می‌گوید« صبح‌دم جام چو خورشید به دستم ده از آنک/ روشنم نیست که تا شام چه خواهد بودن» (فانی، ۱۳۴۲: ۱۶۱) اشاره به بی‌خبری از آینده دارد. آینده‌ای نه چندان دور؛ ولی در هرحال این یقین را ثابت می‌داند که آینده از آن ما نیست، حتی آینده‌ای که خیلی نزدیک به نظر می‌رسد. شاعر نگرش بی‌خبری از آینده را در

مورد آینده‌های دور نیز در نظر دارد «سال دگر که آگه از هستی ما می بیار/ گوی حریف و میکده جرعه‌کشان یار کو» (همان‌جا: ۱۷۵). مفاهیم مثل بی‌خبری از آینده، اغتنام فرصت و استفاده از زمان حال و باده‌گساری که در اشعار شاعران کهن فارسی به ویژه اشعار نوایی بازتاب داده شده، در اصل بیشتر برای تأکید بر لذت است، البته این لذت هم در برخی موارد لذت منفعل و در برخی موارد هم لذت متحرک و فعالاست.

۴-۱-۳. ترس از مرگ و انزوا

در اشعار نوایی مسئله‌ی ترس از مرگ وجود ندارد، با آن‌که اپیکور منشأ رنج و ناراحتی انسان را ترس از خدایان و ترس از مرگ می‌دانست (میرعلی و شامانی، ۱۳۸۹: ۲۷). نوایی یک شاعر مسلمان و خداباور است. او مرگ را سرنوشت محتوم آدمی می‌داند و به مسئله‌ی تقدیر الهی باورمند است و این تسلیم شدن به قضا و قدر هراس اپیکوری و رنج‌آور مرگ را از بین می‌برد. آن‌جا که می‌گوید: «کاری برون ز امر قضا نیست گر تو را/ رنجی رسد به انجم و گردون عتاب چیست» (فانی، ۱۳۴۲: ۵۳). او هم‌چنان هراس از عذاب الهی به خاطر گناهانش نیز در روز حشر ندارد؛ زیرا پیامبر خدا را نیز شفاعت‌خواه خویش در روز حشر می‌داند «هرکه امید شفاعت از تو دارد روز حشر/ اندر این دیر فناش از جرم و بی‌باکی چه باک/ آن شه نیکان اگر باشد شفیعت غم مخور/ فانیا هرچند از فعل بدی اندوه‌ناک» (همان‌جا، ۱۳۴۲: ۱۲۷-۱۲۸).

یکی ازباورهای اپیکوریان در مورد فرار و رهایی از رنج، گمنام و منزوی زیستن است (مگی، ۱۳۹۹: ۴۴). شخصیت واقعی نوایی یک شخصیت سیاسی و همیشه فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی است، با این وجود گاهی به منزوی بودن و خلوت‌گزینی نیز در اشعارش اشاراتی صورت گرفته است؛ آن‌جا که می‌گوید «کی به چشم آرم لباس و مسند شاهانه را/ من که خواهم دلق فقر و گوشه‌ی میخانه را» (فانی، ۱۳۴۲: ٦) اشاره به گوشه‌گیری و ارزش قایل نشدن به جاه و مقام خویش دارد. در بیتی دیگری نیز به مفهوم مشابه از خلوت‌گزینی اشاره کرده می‌گوید «قدح به خلوت یارم بهانه‌ای باشد/ مرادم از دو سرا کنج خانه‌ای باشد» (همان‌جا: ۷۱). البته گوشه‌نشینی و انزوا برای ریاضت کشیدن و عدم داشتن حس جاه‌طلبی و قدرت، آموزه‌های تعلیمی عرفانی نیز پنداشته می‌شود.

۴. نتایج ویافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر که تحلیل و بازتاب نگرش‌های اپیکوریستی در غزل‌های فارسی امیرعلی‌شیر نوایی، از شاعران دوره‌ی تیموری بود، نتایج زیر به دست آمد.

۱. نگرش‌های اپیکوریستی در اشعار نوایی به گونه‌ی وافر بازتاب دارد، دلیل آن هم این است که شاعر

در زمینه‌ی غزل‌های فارسی از نظر فرم و محتوا متأثر از شاعران بزرگ فارسی مثل رودکی، حافظ، سعدی و خیام بوده است و از این نظر از آن‌ها تأثیر پذیرفته است.

۲. در اشعار نوایی اکثریت مؤلفه‌های فلسفه‌ی اپیکوریسم از قبیل لذت‌گرایی و توصیه به آن، باده‌گساری، اغتنام فرصت و بی‌خبری از آینده دریافت شده و با آوردن شاهدمثال‌هایی از دیوان شاعر این مفاهیم تحلیل شده است.

۳. لذت‌گرایی که در اشعار نوایی به آن توصیه می‌شود، بیشتر از نوع لذت متحرک و فعال است. ناگفته نباید گذاشت که در برخی موارد به لذت منفعل نیز به گونه‌ی ضمنی اشاراتی داشته است.

۴. در اشعار نوایی مفاهیمی مانند باده‌نوشی برای جامه‌ی ریا برانداختن و گوشه‌گیری کردن،همسویی و آمیختگی نگرش‌های عرفانی و مفاهیم اپیکوریستی را نشان می‌دهد.

۵. مؤلفه‌ی ترس از مرگ و ترس از عذاب خدا را که اپیکور دلیل رنج مردم می‌دانست، در اشعار نوایی نمی‌توان یافت؛ زیرا نظر به باور نوایی به مسئله‌ی قضا و قدر، این مسئله حل شده و غیر قابل ترس است؛ هم‌چنان نوایی هراس از عذاب الهی در روز حشر نیز ندارد؛ زیرا او محمد (ص) را شافع خود می داند.

٦. با آن‌که شخصیت واقعی امیر به دلیل سیاسی بودن فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی است، در برخی اشعارش به منزوی بودن و گوشه‌گیری نیز اشاراتی شده است.

کتابنامه

۱. برن، ژان (۱۳۵۵). « فلسفه‌ی اپیکور و دنیای جدید» ترجمه‌ی پورحسینی، نشریه‌ی ضمیمه‌ی مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ی دوم، پاییز، صص: ۴۸-٦۱.

۲. برن، ژان (۱۳۵۷). فلسفه‌ی اپیکور، ترجمه‌ی سیدابوالقاسم پورحسینی، چاپ نخست، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۳. حافظ، شمس‌الدین‌محمد (۱۳۹۵). حافظ به سعی سایه، تصحیح هوشنگ ابتهاج سایه، چاپ نوزدهم، تهران: کارنامه.

۴. حسنی، عطاالله و امیرنعمتی لیمائی (۱۳۹۲). «شخصیت سیاسی ـ ادبی امیرعلی‌شیر نوایی و اثربخشی مکتب‌ساز او». فصلنامه‌ی مسکویه، سال هشتم، شماره‌ی بیست‌وپنجم، تابستان، صص: ۵۵-۸٦.

۵. خواندمیر، محمد بن خاوندشاه (۱۳۳۸). تاریخ روضه‌الصفا فی‌السیره‌الانبیا والملوک و الخلفا، تصحیح جمشید کیان‌فر، جلداول، بی‌جا، انتشارات مرکزی خیّام پیروز.

۶. خیّام، عمر (۱۳۷۳). رباعیات خیّام، تصحیح و حواشی محمدعلی فروغی و قاسم غنی، چاپ نخست، تهران: ناهید.

۷. دوکاسه، پیر (۱۳۶۷). فلسفه‌های بزرگ. ترجمه‌ی احمد آرام، چاپ سوّم، تهران: پرواز.

۸. دهقان‌زاده، سجاد و فاطمه احمدیان (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای اصل لذت در فلسفه‌ی چارواکه و فلسفه‌ی اپیکوری» دو فصلنامه‌ی دانشگاه قم، سال اول، شماره‌ی دوم، صص: ۱۴۳-۱۶۷.

۹. رشیدآبادی، ذکیه و حسین آریان (۱۳۹۳). «آموزه‌های تعلیمی از منظر اپیکوری (با رویکردی به چامه‌های هوراس و غزلیات حافظ)» فصلنامه‌ی تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره‌ی بیستم، تابستان، صص: ۴۵-۶۸.

۱۰. رفیعی، امیرتیمور و احترام اسفینی‌فراهانی (۱۳۸۹). «امیرعلی‌شیر نوایی و نقش سیاسی و فرهنگی او در عصر تیموری» پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، سال پنجم، شماره‌ی بیستم، پاییز، صص: ۹۱-۱۱۶.

۱۱. سعدی، مشرف‌الدین مصلح (۱۳۹۸). کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ نخست، تهران: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا.

۱۲. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران، جلد چهارم، چاپ هشتم، تهران: فردوس.

۱۳. عزیزی، عاطفه (۱۳۹۵). «تفکرات اپیکوری در اشعار پدر شعر فارسی» کنگره‌ی بین‌المللی زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان، ۱۵ مهر، صص: ۱-۹

۱۴. غیبی، ولی (۱۳۹۰). «رابطه‌ی لذت و سعادت از دیدگاه اپیکور و صدرالمتألهین» قبسات، سال شانزدهم، تابستان، صص: ۱۴۱-۱۶۴.

۱۵. لائرتیوس، دیوگنس (۱۳۸۷). فیلسوفان یونان. ترجمه‌ی بهراد رحمانی، چاپ نخست، تهران: مرکز.

۱۶. مگی، برایان (۱۳۹۹). سرگذشت فلسفه. ترجمه‌ی حسن کامشاد، چاپ دهم، تهران: نی.

۱۷. میرعلی، عبدالله حسن‌زاده و لیلا شامانی (۱۳۸۹). «بن‌مایه‌های لذت‌گرایی در شاهنامه و تأثیرپذیری از افکار اپیکوریستی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کهن نامه‌ی ادب پارسی، سال اوّل، شماره‌ی اوّل، صص: ۲۵-۳۸.

۱۸. ناطق‌شریف، مریم (۱۳۷۶). «امیرعلی‌شیر نوایی و تأثیر ژرف فارسی بر ترکی» نشریه‌ی نامه‌ی پارسی، سال دوم، شماره‌ی دوم، تابستان، صص: ۱۴-۱۹.

۱۹. نوایی، علی‌شیر (۱۳۴۲). دیوان امیرنظام‌الدین‌علی‌شیر نوایی (فانی). تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ، چاپ نخست، تهران: انتشارات کتابخانه‌ی ابن‌سینا.

۲۰. واعظی، ابوالفضل (۱۳۴۷). «مختصری از زندگی فلاسفه‌ی بزرگ: اپیکور» نشریه‌ی مهنامه‌ی

قضایی، آذر، شماره‌ی سی‌وسوّم، صص: ۹۵-۱۰۲.